په ۱۳۲۱ کښې ځینې مهمې عسکرې مقررې

ع، ش فیض محمدخان فرقه مشر
د دوهمې فرقې قوماندان

ح ، محمدعثمان خان غندمشر دقطغن
اوبدخشان دعسکری قوماندان کفیل

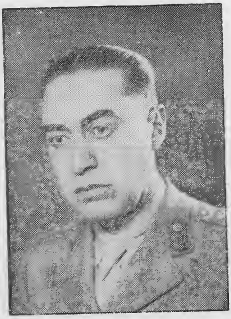

ح ، غلام دستګیر خان غندمشر
د حربی فابریکو عمومی مدیر

ش ، خان محمدخان د ارکان حرب
کندکمشر چه په دی کال کښې
وروسته د تحصیل له فراغه له ترکیې
څخه راغلی دی

غ ، محمدنسیم خان دارکان حرب
تولیمشر ، چه په دی کال کښې
وروسته د تحصیل له فراغه له ترکیې
څخه راغلی دی

غ ، عبدالخالق خان د ارکان حرب
تولیمشر ، چه په دی کال کښې
وروسته د تحصیل له فراغه
له ترکیې څخه راغلی دی

په ١٣٢١ کښې ځینې مهمې مقررۍ

ع ، ص داکتر محمد انس خان
دمعارف دوزارت دتعلیم او
تربیې رئیس

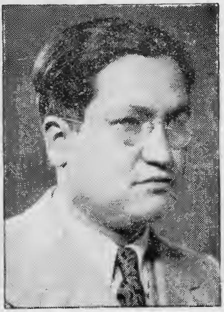

ع ، ص عبدالحی خان «حبیبی»
دمطبوعاتو دمستقل ریاست معاون
او د پښتو ټولنې عمومي مدیر

ع ، ص سید کمال خان دسمت
جنوبی مستوفی

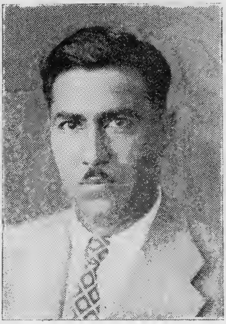

ع احمدالله خان (کریمی) دمطبعو
عمومی مدیر

ص ، عبدالنبی خان د آژانس مدیر

مذکور گردیده بعدازدادن هدایات لازمه بمامورین زراعتی واپس بمرکز عودت وراپورت خود را بریاست زراعت تقدیم نمود .

۲ : برای تکمیل آن راپورتیکه موسیو (مت) متخصص نباتات بعد از معاینهٔ بعضی نقاط کتیرا خیزهرات درسنه ۱۳۲۰ بریاست زراعت تقدیم نموده بود ص حبیب الله خان معاون متخصص مذکور که درسنهٔ گذشته نیز همرایش بود درشروع سنه ۱۳۲۱ به هرات فرستاده شد تا نقاط لازمهٔ باقیمانده را معاینه نموده ازرقبهٔ اراضی بتهٔ کتیرا ومقدارحاصل وغیره خصوصیات آن معلوماتی عملی حاصل نموده راپورت خودرا بریاست زراعت تقدیم دارد .

مشارالیه بعدازتحقیقات ومعاینات لازمهٔ نقاط مطلوبه راپورت خود را بانمونه‌های کتیرا بریاست تقدیم نموده ریاست راپورت مذکور را تحت مطالعه قرارداده است .

۳ : درسنه ۱۳۲۰ شرکت پنبه بغرض ترویج پیله‌وری دربین اهالی قطغن یکمقدار تخم پیله را فراهم نموده بریاست زراعت از نظریهٔ خویش اطلاع نموده طالب هدایات شده بود .

ریاست زراعت یکنفر از مامورین پیله را ازریاست زراعت بقندوز فرستاد تاتخم هایمذکور را پیشتر ازاینکه باهالی تقسیم گردد از ملاحظهٔ خود گذرانیده در صورتیکه سالم و مناسب پیله‌وری باشند به توزیع آنها نظریه داده بعد ازان نقاط مختلف پیله‌وری را معاینه کرده برای نماینده‌های شرکت وبرای اهالی هدایات لازمه بدهد .

چون تخم‌های پیله را که شرکت باهالی تقسیم نموده بود ازخود ولایت قطغن بوده باصول فنی حاصل نشده بود لهذا برای اینکه از توزیع تخم خراب جلوگیری بعمل آمده تخم خوب دربین اهالی توزیع گردد ، از ریاست زراعت برای مامورین شرکت خبر داده شد تا برای سال آینده تخم سالم وصحیح تهیه نمایند ویابریاست اطلاع نمایند تادرفراهم آوری تخم پیله صحیح اقدامات لازمه نمایند .

٤ : چون درولایت مزارشریف نیز یك مقدار تخم پیله واردهٔ هرات دربین اهالی تقسیم شده بود یك نفر مامور پیله‌وری را فرستادیم تادرخصوص پیله‌وری اساسی وتربیهٔ صحیح پیله‌ها به اهالی هدایات لازمهٔ بدهد قرارهدایات ریاست مامور مذکور نقاط لازمهٔ پیله‌وری را معاینه نموده بعد ازدادن هدایات لازمه باهالی راپورت خود را بریاست تقدیم نمود .

۵ : یك مقدار تخم گندم بهاری زودرس ازهند بریاست زراعت فرستاده شده بود تخم مذکور دریك قطعه زمین چهاردهی تجربتاً زرع و نتیجه با وجودیکه زرع آن قدری ناوقت‌تر بعمل آمد اطمینان بخش بوده است .

٦ : پیشتر ازین نمونه های ترخ های حصص شمالی و جنوبی افغانستان را برای تجزیه ومعلوم نمودن مقدار فیصدی سانتونین شان به کمپنی های هندی فرستاده بودیم و در نتیجه کمپنی جی گلن هندی بعضی ازنمونه‌ها را قابل اطمینان پنداشته برای حصول نتیجه خوبتر

طالب مقدار زیاده تری از آنها شده بود واز ریاست زراعت نمونهای ترخهای مطلوبه به کمپنی بمقدار لازمه با نمونه ترخهای دیگر نقاط افغانستان فرستاده شده بود. کمپنی مذکور دراطراف ترخهای بعضی نقاط معلومات چندیرا ازریاست زراعت طالب شده وهنوز این مسئله تحت مذاکره میباشد.

۷ : بعضی حصص ولایات مزار شریف وقطغن و هرات وحکومت اعلی میمنه ودر بعضی مربوطات ولایت کابل مثل ده‌سبز وبتخاك دراثر کشفیات تیرماه سنه ۱۳۲۰ آثار ملخ وزه گذاری آن بملاحظه رسیده بوددراثر فعالیت مامورین مدافعه بلخ وهمدستی اهالی تعدادزیاد ازحشرات مضره مذکورهلاك واز خسارات زراعتی جلوگیری بعمل آمده است ونیز برای جلوگیری ازبروز آینده ترتیبات لازمه ازطرف مدیریت دفع آفات ریاست مستقل زراعت گرفته شده است.

۸ : دراثر اطلاعیکه درخصوص پرواز ملخ ازسمت بلوچستان وایران بطرف ولایت قندهار وحکومت اعلی فراه بریاست زراعت واصل شده بود جهة حفظ ماتقدم وجلو گیری ازخسارات ممکنه یکعده مامورین فنی مدافعه ملخ ازمدیریت دفع آفات ریاست به قندهار وفراه فرستاده شده بود تاسمت حرکت وفرودگاه ملخ‌های مذکور را معلوم نموده بریاست اطلاع وقرارهدایات واصله مرکزداخل اقدامات لازمه گردند. یکعده ازمامورین مذکور تاوقتیکه امکان ورودملخ درنقاط مذکورمتصور بود درقندهار وفراه بوده بعدازانقضای وقت بروز وپرواز ملخ چون اثری ازان بملاحظه نرسید واپس بمرکز مراجعه نموده راپورت اطمینانیه خویش رابشعبه مربوطه سپردند مراقبت این موضوع توسط مامورین فنی هنوزدرقندهار وفراه ادامه دارد.

۹ : درمدافعه مرض جولاگك وکرم‌یت دار که ازسنه ۱۳۲۰ باینطرف درباغات غزنی وقلات وسیغان وکهمرد وچهاردهی غوربند بروز نموده است درسنه ۱۳۲۱ نیز ترتیبات لازمه گرفته شده یکعده مامورین فنی باهدایات لازمه جهة امحای حشرات مضره مذکور ودادن هدایات بدهاقین درنقاط مذکور فرستاده شده است ونظر به راپورت های واصله از تعداد حشرات مذکور وخسارات شان کاسته شده است.

امور مطبوعات

مدیریت عمومی نشریات :

اجراآت قابل تذکر سال ۱۳۲۱ مدیریت شعبهٔ اول مدیریت عمومی نشریات علاوه بریك سلسله کارهای معموله وعادی واموریکه بابعضی دوائر بنام معاونت اخلاقی نموده طور اجمال ذیل است.

۱ - بغرض تزئید جراید درمملکت وتوسیع وسائل تربیه وعرفان وهم به مقصد تسهیل امور طباعتی (حکومت اعلای میمنه) اقدام به تاسیس یك جریدهٔ هفته‌وار درمیمنه، چنانچه فعلاً تشکیلات

جریده ومطبعه‌ولوازم طباعتی آن به‌تعاون مدیریت عمومی مطابع آماده ساخته شده است در سال ۱۳۲۲ مطبعه دائر وجریده به‌نشریات خود آغازخواهد کرد .

۲ ـ کنفرانس های پانزده‌روزه بصورت مرتب‌واتخاذترتیبات‌جهت‌نشر برخی‌از کنفرانس‌ها در مجلات وطن .

۳ ـ تهیهٔ (۹۳) جلدکتاب برای طبع که اسمای آن علیحده ذکر یافته .

٤ ـ درجه‌بندی کتب که‌درظرف سال ازطرف نویسندگان رسیده‌وبملاحظهٔ هیئت‌قضاوت رسانده شده .

۵ ـ توزیع پنج دسته جوائز (آریانا ـ خوشحال خان ـ ابن‌سینا ـ جائزهٔ وزیر اقتصاد ـ جائزهٔ جشن (یانندارتون) به (۹۰ نفر) مولفین و مترجمین آن).

٦ ـ اجرای یك‌سلسله نام گذاری هابه معاونت‌پښتو ټولنه .

۷ ـ توصیه به‌تزئید در قسمت نشریات پښتوی جراید ومجلات .

۸ ـ احصائیه‌ودرجه‌بندی مقالات منتشره‌درسال۱۳۲۱درمطبوعات‌وطن وتوزیع‌جوائز آن .

۹ ـ ارسال (۱۰۰) مقاله ومنظومه بغرض نشر به جراید بقسم امداد .

۱۰ ـ اقدام برای‌پیشرفت جراید ، مجلات ورفع احتیاجات ومشکلات آنهادر داخل حدود وظائف شان .

۱۱ ـ ادامه‌دادن به‌تحریك‌اعانهٔ مطبوعاتی‌درولایات که‌باثر آن‌رویهمرفته‌مبلغ (۲۰۰۰۰۰) افغانی اعانه برای جراید ولایات تهیه شده است .

۱۲ ـ مراقبت جراید ومجلات مطابق مقررات مخصوصه ودادن هدایات لازمه راجع به بهبودی صوری ومعنوی آنها .

۱۳ ـ اظهار نظریه نسبت به‌آثاریکه برای ملاحظه باین اداره ازمقامات مختلف فرستاده شده است .

۱٤ ـ اقدام بتاسیس یك‌مغازه فروش لوازم طباعتی در مطابع ولایات‌وتهیهٔ سامان‌برای سال ۱۳۲۲ .

۱۵ ـ تشویق به تاسیس قرائت خانها درولایات وارسال‌وتهیهٔ آثاربه آنها .

۱٦ ـ ترتیب‌لست‌مستحقین نشان‌معارف طبق‌لائحهٔ جوائز بمقامات عالیه وپس از منظوری ترتیب توزیع آن .

۱۷ ـ ارسال (٤) جلد کتاب که‌بزبان ملی‌نوشته شده برای طبع به ولایات .

۱۸ ـ تقسیم کتب مفیده قابل استفاده از جملهٔ آثار وارده به دوائر ذی علاقه مثل پښتو ټولنه‌وشعبهٔ تاریخ وغیره .

۱۹ ـ تهیه وارسال (۳٦) جلد کتب جهت‌ترجمه به پښتو به پښتو ټولنه ،

۲۰ ـ ترتیب لایحهٔ تالیف وترجمه برای سال۱۳۲۲ .

۲۱ ـ ترتیب پروژهٔ جوائز مطبوعاتی برای سال ۱۳۲۲ .

۲۲ ـ انتخاب آثار وموضوعات برای تالیف وترجمهٔ سال ۱۳۲۲ .

۲۳ ـ سنجش با همکاری وزارت عدلیه راجع به تورید کتب مطبوع .

۲۴ ـ تصمیم برای تکمیل تمام کلکسیون های نشریات وطن از سالهای گذشته .

۲۵ ـ ابتیاع مطبعهٔ برقی هرات برای مدیریت مطبوعات ولایت مذکور ازپولهای اعانه بهمکاری وکیل نائب‌الحکومهٔ ولایت مزبور وتهیهٔ لوازم آن .

۲۶ ـ تهیهٔ لوازم واعطای هدایات‌برای بکارانداختن مطبعه که‌از طرف بعض اشخاص مطبوعات دوست بتشویق نائب الحکومهٔ قندهار به مدیریت‌مطبوعات قندهار اعطا شده .

۲۷ ـ خریداری یك‌لك وپنج هزار وسه‌صد وسی افغانی اسهام از پولهای اعانه ومفاهمه بامراجع مربوطهٔ آن .

۲۸ـ ترتیب‌اساسی تقسیمات کاغذوتحریك به‌صرفه جوئی‌ازقرطاسیه وکنترول‌مجلات و جرائد .

۲۹ ـ پیش نهاد وتثبیت دربارهٔ روی کار آوردن بیمهٔ‌صحی درریاست مطبوعات وغیره تنظیمات آن .

۳۰ ـ اقدام بساختمان یك‌عمارت جدید برای بعضی دوائرمدیریت عمومی نشریات .

۳۱ ـ تشکیل یك‌هیئت سپورت وساختمان موضع وتهیهٔ لوازم آن .

۳۲ ـ اقدام بروی کار آوردن صحنهٔ تمثیل وفراهم آوردن درامه ها و اقدام بعملی کردن آن وترتیب صحنه بکمك وزارت معارف برای سال ۱۳۲۲ .

۳۳ ـ قرارداد بایك عده مترجمین جهت ترجمهٔ آثار .

۳۴ ـ خریداری یك عده کتب قلمی وچاپی برای ذخیرهٔ کتب خانهٔ مرکز و اطراف .

کتبیکه طبع شده :

۱ : ـ آریانا — اثر بناغلی « کهزاد »

۲ : ـ لغوی خیړنه — « « « الفت »

کتبیکه بولایات جهت‌طبع فرستاده شده :

۱ : ـ مینو هنداره — اثر بناغلی « رشتین »

۲ : ـ ګلان وپیژنه — « « « خوژمن »

۳ : ـ دګلان طبیب‌اوسه — « « سردارمحمدخان « زهیر »

۴ : ـ خوش بین‌اوسی — « « محمدیونس « مقیم »

کتبیکه برای ترجمه به پښتوتولنه فرستاده شده :

۱ : ـ معلومات عمومیه	اثر ښاغلی « خوږمن »
۲ : ـ حفظ الصحه	» » احمد « ضیاع »
۳ : ـ حیض وعوارض آن	» » محمدیوسف خان
٤ : : فن معانی	» » قاری مرحوم
٥ : ـ سیاست نفوس زراعتی	» » « کریمی »
٦ : ـ دشمنان جوانی	» » دکتورغنی « افضل »
۷ : ـ حاوی الدرر	» » غلام رسول خان
۸ : ـ مقیاسات دنیا	» » محمدناصر خان
۹ : ـ معقل القهقری	» » عبدالحمید خان
۱۰ : ـ گلهای بهاری	» » « پروانه »
۱۱ : ـ کاروان اشك	» » « غمین »
۱۲ : ـ دبستان صنعت	» » « آئینه »
۱۳ : ـ معرفت	» » دکتور امیرمحمد « تأثیر »
۱٤ : ـ علم مساحه	» » محمد امان خان
۱٥ : ـ فلسفهٔ پرواز	» » عبدالحکیم « طبیبی »
۱٦ : ـ آداب معاشرت	» » محمد یوسف خان
۱۷ : ـ دائرهٔ سرخ	» » محمدامین خان
۱۸ : ـ روحیات	» » سر دار محمد زهیر
۱۹ : ـ کابوس ریل	» » سویدا
۲۰ : ـ گرامر انگلیسی بفارسی	» » « رشیدی »
۲۱ : ـ دندان هری کو لېتی گیری	» » « واجد »
۲۲ : ـ فلاش	» » محمدیوسف خان
۲۳ : ـ مونت کریستو	» » محمود خان
۲٤ : ـ کونتین دوورد	» » میرعبدالوهابخان
۲٥ : ـ شهرهای آریانا	» » « صدقی »
۲٦ : ـ عروس ناکام	» » « شفق »

کتبیکه برای طبع موجود است :

۱ : ـ کشاورزی درافغانستان	» » محمد عتیق خان

۲ : ـ وطن وملت	اثر ښاغلی « کریمی »
۳ : ـ جوان افغان	« « « رښتیا »
۴ : ـ ښه‌لمسون	« « « الفت »
۵ : ـ اوسنی ادبا	« « « بینوا »
۶ : ـ صورت گران هرات	« « « نعیمی »
۷ : ـ حمید مومند	« « « رشتین »
۸ : ـ پښتون وپښتو	« « « زمریالی »
۹ : ـ تاریخ هرات	« « « جلالی »
۱۰ : ـ اقتصادیات افغانستان	« « محمدعتیق خان
۱۱ : ـ پښتومصادر	« « « ایازی »
۱۲ : ـ زن دراسلام	« « « طرازی »
۱۳ : حقوق اداره	« « « رښتیا »
۱۴ : ـ روحیات اطفال	« « عبدالرسول خان
۱۵ : ـ منطق	« « « بیتاب »
۱۶ : ـ بابر	« « « کهزاد »
۱۷ : ـ ملی‌هنداره	« « « نوری »
۱۸ : ـ دپښتو مصادر باغیچه	« « محمدشیر گل خان
۱۹ : ـ تعرفه واوامرپښتو	« « « کشاف »
۲۰ : ـ د سرشاهی پیشه	« « «روشان»
۲۱ : ـ دپښتو فولکلور	« « اورادالدینخان
۲۲ : دپښتو متلونه	« « « نوری »
۲۳ : ـ پښتودودونه	« « « جرار »
۲۴ : ـ هندسه	« « نجم‌الدینخان
۲۵ : ـ دوطن په لار شهید	« « « ښادمن»
۲۶ : ـ تهذیب المستورات	« « محمد گل خان
۲۷ : ـ دپښتو اوجرمنی‌خودآموز	« « « رشیدی»
۲۸ : ـ دپښتو گلغوټی	« « «مخلص»
۲۹ : ـ دلائل المکاتیب	« « آغامحمدخان
۳۰ : ـ علم‌النفس	« « «واسعی»

۳۱ : ـ ملی ژوند	اثر ښاغلی اورادالدینخان
۳۲ : ـ محمودی ادب	» » « پښتون »
۳۳ : ـ گیتان جیلی	» » « بینوا »
۳٤ : ـ دځان طبیب اوسه	» » محمد ابراهیم خان
۳۵ : ـ طبیب خانهٔ هر شخص	» » « شعاع »
۳٦ : ـ منطق	» » قاری مرحوم
۳۷ : ـ فامیل بك	» » غلام صدیق خان
۳۸ : ـ دبریالی توب دستور	» » نور محمد خان « تره کی »
۳۹ : ـ ځان واکی	» » « اخلاص »
٤۰ : ـ تعلیم و تربیه	» » عبداللطیف خان
٤۱ : ـ جوامع الکلام	» » « واسعی »
٤۲ : ـ دژوندون دستور	» » سلطان محمد خان
٤۳ : ـ دارادی قدرت	» » نور محمد خان « تره کی »
٤٤ : ـ دهلکانو لارښوونکی	» » » »
٤۵ : ـ دخوشبختی لار	» » سلطان محمد خان
٤٦ : ـ معلومات راجع بافغانستان	» » محمد صدیق خان
٤۷ : ـ باغچهٔ میوه	» » عبدالکریم خان
٤۸ : ـ ساختمان زبان پښتو	» » محمد صدیق خان « طرزی »
٤۹ : ـ جغرافیای اقتصادی افغانستان	» » محمد نادرخان معلم
۵۰ : ـ رشحات خلیل	» » « خلیل »
۵۱ : ـ غزلیات فرحت	» » « فرحت »
۵۲ : ـ حقیقت ایمان	» » « کاموی »
۵۳ : ـ تاریخ آل عثمان	» » حبیب الله خان
۵٤ : ـ دارالمنظوم	» » عبدالقیوم خان
۵۵ : ـ دژوندانه دود	» » « ځلاند »
۵٦ : ـ دبری لار	» » « الفت »
۵۷ : ـ مختصر اولنه تاریخ	» » عبدالحمید خان
۵۸ : ـ دجواهرو خول	» » محمد امین خان
۵۹ : ـ خلاصهٔ میراث	» » حبیب الله خان
٦۰ : ـ ردتشبیه ضادبالظا	» » حبیب الله خان باجوری
٦۱ : ـ روح الاجتماع	» » « واسعی »

شعبهٔ دوم :

۱ ـ مضامین ویاددا شتهای لازمه وتراجم مهمهٔ اخبار که‌از منابع مختلفه ازقبیل جرائد ومجلات خارجی ترجمه وبمقامات مربوطه تقدیم شده‌است (۲۰۳۷) نمره .

۲ـ مراوده بادوایرمهمهٔ کتنگ فروشی‌های خارجه‌وتجدید اشتراك کتنگ‌های که‌میعاد اشتراك آن‌اختتام پذیرفته بودوترجمه عده‌زیادی ازکتنگ های‌مذکور که بمسائل ومصالح افغانستان ویابه‌مسائل عمومی وآفاقی مربوطبود ه‌ذریعه مترجمین اداره‌وتقدیم تراجم‌مذکور بدوایر مربوطهٔ دیگر (بالغ‌برسه هزار کتنگ جمع شده است .)

۳ ـ مضامین ومقالات که نسبت‌به‌تمام شئون افغانستان بحث رانده‌درجرائدومجلات مختلفه ترجمه وتراجم‌آ ن‌بدوایر مربوطه ویاجهة نشر واشاعه بجرائد داخلی تقدیم شده است .

٤ ـ ترتیب مقالات مفیده ازشعبه دوم نشریات به‌جهة‌نشر دراخبار های خارجه وار سال آن‌به‌دوایر اخبارهای خارجی .

۵ ـ اشتراك جرائدومجلات مختلفه‌برای اداره‌وتجدید اشتراك جرائدیکه میعادواشتراك آن بسر رسیده بود .

٦ ـ اقدامات برای خریداری یکعده کتب مفیده ازالسنه مختلفه برای کتابخانه ریاست ذریعه کتابفروشی‌ها ونمایندگیهای افغانی درخارج وتورید آنها ازخارج به کابل .

۷ ـاقدامات‌برای خریداری کتب وخریطه‌های لازمهٔ کارآمد دوایر مرکزی ریاست وهکذا اقدامات جهة اشتراك جرائد ومجلات مختلفه خارجی‌برای دوایر جرائدولایات .

۸ ـ مطالعه وتتبع مضامین ومقالات راجع بافغانستان ویاراجع بمسائل عمومیه در متجاوز از۵۰نوع جرائد ومجلات خارجی (که‌باثر اشتراك ویابصورت مجانی و تبادله باداره وارد شده‌است) وانتخاب مضامین ومقالات لازمه ازبین آنها برای ترجمه ونشر .

۹ ـ ارسال یکعده معلومات‌نشریاتی وآثار مطبوعه‌ازقبیل‌روزنامه‌ها، مجلهٔ کابل، سالنامه‌ها ومخصوصاًسالنامه ۱۳۲۰ کابل ـ وآثارتازه‌مطبوعه‌پښتوټولنه وفوتوهای رجال‌ومناظروموسسات وغیره افغانی به‌موسسات علمی ومطبوعاتی خارجی واشخاص متتبع خارجی .

۱۰ ـ دوام دادن‌روابط سابقه‌واقدام برای‌تاسیس‌روابط عرفانی‌ومطبوعاتی جدید باکتب خانه‌ها ومقامات علمی وتاریخی خارجه.

۱۱ ارسال یکعده سالنامه‌ها وسایر نشریات افغانی به‌نمایندگی‌های افغانی درخارجه.

۱۲ ـ تهیه فوتوهای‌لازمه خارجی وداخلی جهة جرائد مرکز وولایات وجهة سالنامه‌کابل.

۱۳ ـ تدوین وترتیب اجمال‌های سیاسی موقوته وتقدیم وارجاع آن بمراجع مربوطه .

نشریات رادیو :

دوسال قبل این دستگاه درشب اول سال ازطرف والاحضرت وزیرمعارف ومعاون صدارت عظمی کشوده شده بود . رادیو کابل درظرف این دوسال درتوان خود خدمتیکه میتوانست انجام داد وکوشید که اسباب خوشنودی شنوندگان رافراهم آرد . درمیان همین کوششها سال دوم نشریاتی پایان یافت واینك - بنشریات سال سوم خودآغازنموده هدفیکه رادیو کابل درظرف سال تعقیب کرد . عبارت ازسه نکتهٔ اساسی ذیل بوده اول - خدمت بزبان ملی پښتو که درین راه مانند سائر موسسات خادم زبان ملی پښتو وظیفهٔ خود را بجدیت روز افزون انجام داده است .

دومین هدف اساسی رادیو کابل خدمت به معلومات وبلندبردن سویهٔ شنوندگان بوده که حتی الوسع با انتشار مقالات متنوع ومفید خواه ازجهت ازدیاد معلومات آفاقی وبین المللی وخواه ازپهلوی کمك بمسائل اجتماعی - صحی - اقتصادی - زراعتی - وغیره جنبه های زندگی تا اندازهٔ این وظیفه را درظرف سال انجام داد وازهردر بصورت مقالات مسلسل ویامتفرق ودیالوگ ودرامه وافسانه وغیره برای ازدیاد معلومات شنوندگان خود کار کرد .

هدف سوم رادیو کابل مشغول ساختن شنوندگان بود توسط موسیقی - شعبهٔ موسیقی نشریات رادیو که روز وشب آرزو دارد بذوق مردم خدمت کند درظرف سال باشنواندن انواع مختلفهٔ موزیك سرود ها - نغمه ها - ترانه ها - وغیره توانست حتی الامکان اسباب خوشی شنوندگان خود را فراهم آرد .

اینك خلاصه آنچه درظرف سال از اول حمل ۱۳۲۱ تا اول حمل ۱۳۲۲ در رادیوکابل انتشار یافته بعرض رسانده میشود که به سه قسمت ذیل تقسیم شده .

(۱) کنفرانسها - (۲) خبرها - (۳) موسیقی -

اول - درقسمت کنفرانسها ادارهٔ نشریات رادیو کابل توانست که بهمکاری فضلا وچیز نویسان پایتخت - طبق پروگرام موضوعه درموضوعات مختلفه ۶۹۸ مقاله انتشار بدهد که ازانجمله ۸۹ مقاله تاریخی ۵۳ مقاله جغرافیائی ۹۶ مقاله صحی ۱۲۳ مقاله تربیوی واجتماعی واخلاقی ۴۸ مقاله اقتصادی ۹۹ مقاله زراعتی ۲۴ مقاله ادبی ۲۴ مقاله سیاسی ۶۲ مقاله موعظه دینی و ۴۰ مقاله متفرقه و ۴۰ پارچه نظم که رویهمرفته ۸۳۷۶ صفحه و ۲۲۵ کلمه میگردد علاوه بر ان ازطرف صبح مقالات کوچکی بنام امورخانه که هرمقالهٔ آن درحدود سه صفحه ۲۲۵ کلمه میباشدنیز نشرگردیده که رویهمرفته درتمام سال بالغ برسه صد مقاله شده که اگر روی مقالات دیگرافزوده شود شمار مقالات رابه ۹۹۸ وتعداد صفحات نشر شده رابه ۹۲۷۶ صفحه میرساند .

دوم درشق خبرها مخصوصاً برای انتشار آخرین اخباریکه بدست میاید سرویس آخرین

خبرهای شب علاوه گردیده وروپهمرفته درظرف سال در حدود (١٦٠٦٠) صفحه خبرانتشار داده شده .

سوم درقسمت موسیقی بانواع مختلف آن فعالیت بخرچ داده شد چه ازیك طرف بانتشار موزیك کلاسیك وازطرفی درنشرموزیك محلی بنام کلیوالی وروستائیوسوم باشاعهٔ موزیك مخصوص رادیو کابل سعی بعمل آمدازهرقسمت نظربگنجایش پروگرام ووقت برودکاست گردید که روی اینها ساختن ونشرنغمه های خوب ونغمه های یکه تهیهوریکارد های مخصوصهٔ رادیو کابل وبرود کاست نغمه های غربی توسط ارکسترا ازجملهٔ کارهای یکسالهٔ رادیوکابل حساب میشود .
درهمینجا علاوه باید کرد که کورس موسیقی که در نیمهٔ اخیر سال گذشته تاسیس یافته بود امتحان سالانهٔ خود را درین سال بموفقیت به پایان رسانده وفعلا بدروس سال دوم خود دوام میکند وهم برای پیشبرد موسیقی ملی وآشناساختن شاگردان به آهنگ های پښتودرپروگرام کورس موزیك یك حصهٔ جداگانهٔ درنیمهٔ دوم سال تخصیص وبکارخود کامیابانه ادامه داده .
مجموع ساعات نشریات رادیو کابل درظرف سال که در روزهای عادی چهارونیم ودر روزهای جمعه ورخصتی و اعیاد پنج ونیم ساعت باشد بالغ بر ٣٠ دقیقه ـ ١٦٩٤ ساعت میگردد که بدینقرار تقسیم یافته .

تلاوت قرآن کریم	٢٥ـ٣٥	ساعت
موعظه	٤٠ـ٢٠	»
امورخانه	٠٠ـ٢٥	»
مضامین	٠٠ ـ ١٧٥	ساعت
خبرها	٢٥ ـ ٣٩٥	»
درس پښتو	٣٠ ـ ٥٥	»
سازوآواز	٢٣ ـ ٧٩٤	»
سازغربی	٦ ـ ٤٥	»
ریکاردشرقی	٢٤ـ ١١٣	»
ریکاردغربی	٣٧ ـ ٣٤	»

بهمین صورت ادارهٔ نشریات رادیو درانتشار مجلهٔ پښتون‌ږغ قدمی دیگر برداشته وآنرا بشکل مجلهٔ ادبی ماهانه درآورد که متضمن پروگرام ماهانهٔ رادیو کابل میباشد که با وجود بحران کاغذ ومشکلات طباعتی امروز بموفقیت درسایهٔ علاقه‌مندی خوانندگان خود در صف مجلات وطن نشسته .

اینست خلاصهٔ کارهای که ادارهٔ نشریاترادیودرظرف سال انجام داده (فعالیت سالانهٔ شعبهٔ تخنیکی رادیو درذیل اجراآت وزارت پست وتلگراف ملاحظه شود) .

ع ، ج ، ا ، ا ، نښان والاحضرت سردار شاه ولی خان «د کابل فاتح»
داعلیحضرت وزیر مختار اوفوق العاده نماینده په فرانسه کښې

S.A.R.« A.A.» Sardar Chah Vali Khan envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire de Se Majesté en France

دخارجي دوزارت تشکیلات

دخارجی وزیر : ع، ج علی‌محمد خان
لمړی معین : ع، ج حبیب‌الله خان
معین : ع، ص عبدالحمید خان

دسیاسی عمومی مدیریت :

عمومی‌مدیر : ع، نجیب الله خان
دلمړی څانګی‌مدیر : ص، عبدالرؤف خان
ددوهمی « « : ص، فضل احمد خان
ددریمی « « : ص، عبدالرحمن خان
دڅلورمی « « : ص، محمدیونس خان

دتشریفاتو ریاست :

رئیس : ع، ص غلام‌محمد خان

دبین‌المللی چارو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : . . . . .

ع ، ج علی‌محمد خان دخارجی چارو وزیر
S. Ex. Ali Mohammad Khan ministre des affaires étrangeres.

دشفر او دمخصوص قلم مدیریت :

مدیر : ص ، محمد سلیمانخان

دمامورینو او اجرائیې او تنظیماتو مدیریت :

مدیر : ص عبدالرزاق خان

دوېزې اوقونسلګری عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، عبدالرؤف خان
دلمړی څانګی مدیر : ص، محمد قسیم خان

داوراقو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، عبدالغفار خان

دکنترولو او محاسبې مدیریت :

مدیر : ص، عبدالاحد خان

امور متفرقه :

۱ـ تعمیر یك عمارت جدید برای کورس موسیقی که دراواخر سال گذشته شروع واکنون درجوار مدیریت نشریات رادیو بپایهٔ تکمیل رسیده ودارای تالار های دروس سازو آواز واطاق های اداره وغیره میباشد .

۲ـ تورید یك مقدار ریکارد خام وسامان ریکارد گیری که بواسطهٔ آن اکثر نغمه‌ها وآوازهای خوانندگان ونوازندگان وهمچنین نطق‌های رسمی وغیره ثبت وتهیه شده است .

د باختر آژانس

اول ـ ادارهٔ آژانس باختر مرکب ازشعبات ذیل میباشد :

۱ـ شعبهٔ اداری .

۲ـ شعبهٔ تدقیق .

۳ـ شعبهٔ مترجمین .

٤ـ شعبهٔ اطلاعات .

٥ـ شعبهٔ عکاسی وریپورتاژ .

٦ـ نماینده های آژانسی ولایات .

دوم ـ اجراآت سال ۱۳۲۱ این موسسه :

۱ـ خبرهائیکه درجراید مملکت بهمنصهٔ اشاعه گذاشته شده است. ۲٤٤٥۸ خبر

۲ـ خبرهائیکه برای نشریات رادیو فرستاده شده است . ۱۲٤۸۰ »

۳ـ خبرهائیکه برای اطلاع دوایر مربوطهٔ مملکتی فرستاده شده . ۳٦۱۲ »

٤ـ مقالاتیکه دردارالترجمهٔ آژانس ترجمه شده و برای نشریات رادیو فرستاده شده درحدود ۲۰۰ مقاله

٥ـ ازآژانس بهمدیریت مطبوعات ولایات که اجمال خبرهای خارجه مخابره شده ۲۰۰۰

٦ـ خبرهائیکه ذریعهٔ نمایندگان آژانس و لایات و حکومات اعلی رسیده و نشر شده درحدود ۸۰۰۰ خبر

۷ـ اعلاناتیکه درآژانس ملاحظه وحکم نشر داده شده ۱۷۲۳

۸ـ عکسهائیکه ازمناظرطبیعی وفابریکه‌ها وسایرموسسات اقتصادی گرفته‌شده ودرجراید داخلی وقتاً فوقتاً نشر گردیده وهم برای بعضی مطبوعات خارجی روانه شده ۱۳۲٦ قطعه

این موسسه دربدایت کارخود میباشد ودرصدد است‌تاهمه وسایلی‌را برای تکامل خود تهیه نماید . بهنسبت آغاز تا کنون دوره های تکاملی‌را پیموده است وهم اخیراً بکمك وزارت

پست وتلگراف موفق آمده است تایکدستگاه مستقل تلگرافی برای خودتدارک نمایدچنانچه قسمت زیاد سامان ولوازم آن باوجود مشکلات موجوده درشرف وارد شدن بوده و عنقریب درالحاقیهٔ کلوپ رادیو که ازهر حیث مطابق مقتضیات فنی واداری آن میباشد تاسیس ودایر خواهد شد .

مدیریت عمومی پښتو ټولنه

مدیریت دایرة المعارف

نظر به پروگرام موضوعه تدوین دائرةالمعارف پښتوی افغانستان وتأسی نظریات معارف خواهانهٔ حکومت متبوعه مدیریت دائرةالمعارف در ظرف سال ۱۳۲۱ برعلاوهٔ غور و تدقیق دراطراف مواد ومعلومات مختلفه وحاصلهٔ سال ۱۳۲۰ موفق به جمع آوری وتهیهٔ قریب (۱۵۰۰۰) صفحه مواد متنوعهٔ علمی ازماخذ مختلفهٔ شرقی و غربی وهکذا نائل بفراهم آوری یك اندازه معلومات ومواد محلی ذریعهٔ فضلا وادباء وطن جهت دائرةالمعارف گردیده است . چنانچه به تطبیق ، تدقیق وتتبع موادحاصله وگردآمده بااصل ماخذها ومقابله باماخذ مختلفهٔ دیگر صرف مساعی دارند . وعلاوه برای ترجمه وترتیب موادحاصله بزبان ملی ادبای لایق وفهیم پښتو را موظف وحصهٔ ازمضامین مرتبه وتدقیق شده را ذریعهٔ ادبای موصوف به پښتو آورده وآماده نموده است . رویهمرفته مدیریت مذکور برای تهیه وجمع آوری تمام شقوق علمی وفنی ومعلومات داخلی وخارجی دائرةالمعارف که اهمیت آن بهمه ارباب دانش هویداست دائماً با صاحبان تخصص واهل فن وذوات فاضل ودانشمند درتماس بوده و ساعی است تا پروگرام وسیع خویش را دررشته های مختلفه حسب مرام تعقیب وبخواست خداوندوتوجه ونظریات عرفان خواهانهٔ حکومت متبوعهٔ خویش وهمت وکمك ارباب دانش هر چه زود تر باین امر مهم وعالی بیش از پیش موفق آید . (ومن الله التوفیق)

شعبهٔ نقد وتبصره :

۱ ـ نشر مقالات ومضامین انتقادی وتبصروی بغرض اصلاحات ادبی وصحت پښتو ازطرف گل پاچا « الفت » مبصر عمومی پښتو ټولنه .

۲ ـ ترتیب یك لایحه وانعقاد یك مجلس بزرگ فضلای مرکز بغرض توحید ادبی وتحریری پښتو

۳ ـ نگرانی ومراقبت پښتوی جراید ازطرف معاون شعبه بناغلی عزیز الرحمن خان (سیفی)

٤ ـ نوشتن جزء دوم جلد پنجم پښتو کلی ـ ازطرف مبصر عمومی .

٥ ـ غور وتدقیق درجزء اول جلد ششم پښتو کلی .

٦ ـ همکاری ومعاونت باجراید .

۷ ـ تصحیح وترجمهٔ اسما واعلام وجداول رسمی دوایر باشتراك وهمکاری مدیریت قواعد .

۸ ـ نظر ثانی ودقت درپښتوی یك حصه از کتاب برلیتس اثرښاغلی (پژ واك) .
۹ ـ همکاری باوزارت جلیلهٔ معارف در انتخاب وتهیه اشعار ومضامین منثور برای کتب قرائتی .
۱۰ ـ نوشتن یك اثر منظوم بنام (زخمی‌زړه) بصورت یك رسالهٔ ادبی .
۱۱ ـ نوشتن یك رسالهٔ منثور دراطراف رسم الخط پښتو .

شعبهٔ قواعد

الف تألیفات :

۱ ـ جزءاول سمستر ششم پښتو، تالیف صدیق الله خان رښتین به اصول گرایمر تطبیقی وتدریسی نوشته شده است .　۱۲۰ صفحه

۲ ـ یك گرایمر جدید پښتو بطرز واسلوب نو که جامع کلیه قوانین بوده ازمکمل ترین گرایمرهای پښتو بحساب می‌رود مؤلفین ښاغلی صدیق الله خان رښتین ومولوی محمدشیرگل خان کاموی .　۳۰۰ »

۳ ـ تالیف یك حصه گرایمر جدید بزبان پښتو ازبحث مصدر الی آخر بحث فعل مؤلف مولوی محمدشیرگل خان کاموی .　۱۹۶ »

٤ ـ کتاب مصادر پښتو بنام « دپښتو تاج المصادر » درحدود پنجهزار مصادر مؤلف محمدشیرگل خان کاموی .

٥ ـ یك رساله دراطراف املاورسم الخط پښتو ،مؤلف ، ښاغلی عبدالقادر خان　٤۰ »

یك کتاب بنام (پښتولوستنه) در (٥۰) صفحه　»　»　»

٦ ـ جلد دوم پښتانه شعراء شامل « ۱۱۰ » نفرشاعر بطبع ونشر رسیداست　۳۰۰ »

درتدوین وترتیب جلدسوم پښتانه شعرا نیز کار شده است وتذکرهٔ شعرای حماسی نیز تاجائیکه ممکن بود ترتیب و فراهم شده .　یك جلد

ب تراجم :

۱ ـ تراجم اصول نامه‌های شورای ملی .　۱۲٦ »
۲ ـ وضع لغات جدیده (٤۰۰) لغات .
۳ ـ پښتونمودن سرلوحه‌ها واسمای دوایر دولتی وغیره (٥۰۰) جمله .
٤ ـ ترجمهٔ گرایمر ترکی « تورکجه » مترجم ښاغلی میرسیداحمدخان غندمشروزارت جلیلهٔ حربیه که بطور افتخار و رایگان ترجمه نموده است « یك جلد ») ذریعهٔ تشویق شعبهٔ قواعد به پښتوټولنه اهدا گردیده است .
٥ ـ کتب قلمی که ذریعهٔ تشویق شعبهٔ قواعد بطور رایگان به پښتوټولنه اهدا گردیده است.
٦ ـ دیوان میرزا خان « یك جلد » :
۷ ـ تفسیروالضحی ، یك جلد .

۸ منهاج العابدین ، یك جلد .

۹ رسالهٔ پښتو در اطاعت اولو الامر ـ یك جلد .

شعبهٔ لغات

در شعبهٔ لغت علاوه برلغاتی که درسال ۱۳۲۰ جمع شده یك اندازه لغات دیگری نیز درکتب علمی وادبی قدیم پښتو وازمحاورات قبائل پښتون اتخاذ وبرآن افزوده شده است .

در لغات سال گذشته نیز تاحدی تدقیق وتحقیق بعمل آمده وبمحضر فضلای پښتو زبان گذاشته شده تابعد از تدقیقات کامل جهت تصحیح وتنقیح آن بصورت یك فرهنگ عصری جامع مورد طبع گذاشته شود .

شعبهٔ تالیف وترجمه :

الف :ـ (۱) ترجمهٔ کتاب عربی (کیف تحافظ علی صحتك) بنام روغتیا (۱۸۸) صفحه (۲) تالیف وتدوین کتاب جلد دوم خوږ بانډار (۳۲۹) صفحه حاوی یکصد وسیزده حکایت (۳) رسالهٔ دمینوستاینه یعنی تعبیرات عاشق ومعشوق (۵۲) صفحه (٤) تکمیل واختتام ترجمهٔ کتاب اسرار زندگی بنام (دروغتیا عمومی قوانین) درحدود (٤١٠) صفحه (٥) ضروب الامثال پښتو پنج صفحه (٦) مقابله و تصحیح اوراق دائرة المعارف (۱۲۰۳) صفحه (۷) مضامین متفرقه وترجمهٔ اصولنامه‌ها وغیره (۷۱) صفحه (۸) همکاری ونوټ دادن سرهای ملی به‌رادیو (٤٥) صفحه ښاغلی محمد گل خان « نوری » مدیر شعبهٔ تألیف وترجمه .

ب : (۱) ترجمهٔ کتاب سعادة الزوجین در حدود (٤٢٠) صفحه (۲) ترجمهٔ اوراق دائرة المعارف (۱۲۰۳) صفحه (۳) مضامین متفرقه وترجمهٔ اصولنامه ها وغیره (۹۳) صفحه ښاغلی مولانا عزیز الرحمن خان .

ج :ـ ترجمهٔ کتاب حکومت عوام ترکی در حدود (۱۰۰) صفحه که قریب الاختتام است عبدالحمید خان عضو شعبهٔ تالیف وترجمه.

د :ـ (۱) جمع آوری رباعیات وچهار بیتی های قدیمه (۱٦۳) صفحه (۳) نگارش (۱۳٦) صفحه مضامین برای جلد سوم پښتانه شعراء (۳) نیمگړی های ملی (۲٥) صفحه (٤) فراهم کردن اشعار حماسی (۱٥) صفحه (٥) تالیف کتاب وشتی که یك عده لطائف و فکاهیات میباشد (۱۲٦) (٦) کمك ونوټ دادن سرها به‌ادارهٔ نشریات رادیو ښاغلی غلام رحمن خان « جرار »

ه :ـ (۱) شرح حال سید جمال الدین افغان (٤٤) صفحه (۲) تذکرهٔ مشاهیر و علماء مشرقی (٦۲) صفحه (۳) ترجمهٔ کتاب روح التربیه (۲۰٥) صفحه (٤) معرفی (٦۰) نفر شعراء پښتو برای طبع جلد سوم پښتانه شعراء ښاغلی قاضی اورادالدین خان .

مدیریت کورس ها

الف : درسال ۱۳۲۰ درمرکز کابل (۱۰٤) کورس ⎫ جمله ۲۳۹ کورس
« « « « ولایات (۱۳۵) « ⎭

❀ ❀ ❀

ب : « « ۱۳۲۱ درمرکز کابل (۱۳۰) کورس ⎫ جمله ۳۰۷ «
« « « « ولایات (۱۷۷) « ⎭

از دومادهٔ (الف) و (ب) فوق واضح میگردد که نسبت بسال ۱۳۲۰ در سال جاری درمرکز ۲٦ودرولایات ٤۲ کورس‌اضافه‌وعلاوه درهرولایت یکیکنفرمامور نیزاعزام گردیده . ودرکورس‌های مستعجله یك‌تعداد متعلمین تحت تعلیم گرفته‌شد که‌پس‌ازنتیجهٔ‌امتحان وکامیابی آنها عدهٔ ازنفری‌مذکور بوزارت جلیلهٔ معارف فرستاده شده وازباقی‌نفری‌آن درخود شعبهٔ کورس‌ها کار گرفته می‌شود .

کورس‌های اکابر :

کورس‌های اکابر که درهذه‌السنه از طرف ریاست مستقل مطبوعات بتأسی نیات عرفان پرورانهٔ حکومت بهی‌خواه‌ما برای باسواد ساختن اشخاص کلان‌سال بی‌سواد که در مرکز وولایات تاسیس گردیده قرار ذیل است :

دوائر ملی وغیره :		قشله های عسکری
کابل	۳٤ کورس	۲٤ کورس
قندهار	۹ «	۱۰ «
هرات	٤ «	۱٦ «
مزارشریف	۵ «	۱۵ «
مشرقی	۱ «	۱۳ «
میمنه	۹ «	۰ «
فراه	۲ «	۲ «
غزنی	۲ «	٤۷ «
گردیز	۰ «	۵ «
قطغن وبدخشان	۰ «	۹ «
	٦٦ کورس	۱٤۱ کورس

از تمام کورس های فوق‌الذکر پښتو و اکابر همیشه تفتیش ، و از پروگرام تعلیمی شان وقتاً فوقتاً باخبری بعمل آمده و درختم هر سمستر کتاب پښتو کلی امتحا ن هرکورس ا خذ ودراثر راپورهائیکه رسیده نتائج امتحانها مفصل ترتیب گردیده وعلاوه برای عموم کورسهای فوق‌الذکر کتب تعلیمی ، معلم ، تخته و غیره سامان تدریسی چه در مرکز و چه در ولایات تهیه و فرستاده شده .

مدیریت صحافت :

۱ : ـ تهیهٔ مضامین وکلان کردن قطع وحجم مجلهٔ کابل وترجمهٔ مضامین فارسی که از خارج پښتو ټولنه بغرض نشر رسیده ، وترجمهٔ بعضی مقالات ازعربی وجراید خارجی و مرتباً نشر مجلهٔ مذکور .

۲ : ـ تهیهٔ مضامین د کابل کالنۍ .

۳ : ـ تصحیح ونظر ثانی جلد دوم پښتانه شعراء ونگرانی طبع اوراق بازگشتی آ ن درمطبعه ازطرف « بینوا » و« نظامی » .

٤ : ـ ترجمهٔ کتاب برلیس به‌پښتو تقریباً (۶۰) صفحه ازطرف « بینوا »

۵ : ـ انتخاب آثارشعراء گذشتهٔ پښتو ونویسندگان عصرحاضروفرستادن آن‌بوزارت جلیلهٔ معارف بطور کمك ومعاونت تقریباً (۲۵۰) صفحه ازطرف « بینوا » و« نظامی » .

٦ : ـ کمك به‌نشریات رادیو .

۷ : ـ تصحیح اصل مضامین ونگرانی‌طبع کتاب کورسهای اکابر درمطبعه ازطرف نظامی.

مدیریت عمومی تاریخ

علاوه براموراداری که‌اجراآت آن‌بتوسط مدیریت عمومی تاریخ‌وموزه درسال ۱۳۲۱ صورت گرفته ، اجراآت ذیل نیز درمدیریت مذکور بعمل آمده است .

الف : مجالس : ـ این مجالس بر دو نوع است یکی مجالس بزرگ‌تاریخی که‌در آن تمام همکاران شعبهٔ تاریخ شرکت ورزیده ودرین سال دومرتبه انعقاد یافت ودوم جلسه های هفتگی که‌بحضور والا حضرت وزیر معارف (معاون صدارت عظمی) ورئیس‌مستقل مطبوعات واعضا ی مهم کمیسیون تاریخ درتمام سال منعقد شده‌است .

ب تالیفات .

۱ : ـ نگارشات بناغلی احمدعلیخان کهزاد :

رسالهٔ توکیوها (ترکها) دولت کاپیسا ، کوشانی‌های خورد یاشاهی های‌کابل ، تر کی شاهی ، برهمن شاهی ،رتبیل شاهان ومقابله بااعراب ، رسالهٔ اشکانی‌ها وپارتها و تجدید نظر

ونگارش رسالهٔ سلطنت مستقل یونانی‌های باختر ـ رسالهٔ رتبیل شاهان برای سالنامهٔ ۱۳۲۱ نگارش یك‌سلسله مقالات برای مجلهٔ کابل وارسال کنفرانسهای تاریخی برای رادیو کابل وتشکیل جلسه‌های هفته‌وار تاریخی باحضور ع ، ج والاحضرت وزیر معارف (معاون صدارت‌عظمی) درتمام دورهٔ سال .

۲ : ـ نگارشات شاغلی علی احمد خان «نعیمی»

فصل طاهریان برای تاریخ مسلسل افغانستان ـ تهیه مواد واسناد ویاد داشت ها ومأخذ برای نگارش فصل صفاریها ـ رسالهٔ کوچك «غور» برای سالنامهٔ ۱۳۲۱ ـ یك‌سلسله مقالات برای مجلهٔ آریانا ـ اهتمام درتصحیح وطبع وروش طباعتی مجلهٔ آریانا ـ یك سلسله مقا لات وتراجم برای مطبوعات مرکز .

ج نشریات :

علاوه بربعضی کتب تاریخی که‌تحت طبع گرفته شده، درین‌سال یك‌مجلهٔ جدید بنام آریانا متضمن تحقیقات ومضامین تاریخی وعلمی‌نیز ازطرف مدیریت عمومی تاریخ تاسیس وچند شمارهٔ آن‌تا کنون باضافهٔ مقا لات بزبان فرانسه نشر وموجب دلچسپی مخصوص علاقه مندان تاریخ وثقافت ملی قرار گرفته است .

مدیریت عمومی مطابع

الف : مطبعهٔ عمومی کابل که موظف به خدمات طباعتی دوایر مملکتی وامور نشریاتی کلیهٔ مطبوعات وطن است درین‌سنه برعلاوهٔ ایفای خدمات مذکوره که‌تمام فرمایشات ادارات دولت‌را ازقبیل طبع وتدارك کتب واوراق کار آمد اداری ومحاسباتی ومکتوب ومینوت به یك‌پیمانهٔ وسیع نظر به‌پیشرفت وتوسیع کارهای‌دولت عملی‌نموده‌مجلات وجرایدوطن‌رانیز باقشنگی وتزئینات لازمه دارای فوتوها ونقشه‌ها وبامراعات خوبی وتازه گی حروف هریك‌را به موقع معینهٔ نشر آن طبع وبه‌مقامات مربوطه سپرده است کذا بطبع تمام کاغذهای صکوك وغیره درسال ۱۳۲۱ بااینکه قلت کاغذ ونرسیدن مواد ومصالح طباعتی ازجملهٔ موانع و مشکلات بزرگ‌مطبعهٔ عمومی بشمار بوده ولی‌باوصف آن‌هیئت‌اداری این‌مطبعه بمساعدت وتوجه حکومت به‌تدارك وتورید این ضروریات خویش ازداخل‌وطن وهم یك‌مقداری ازممالك خارجه موفق شده وبمقابل احتیاجات بیشتری که‌دوایرمختلفهٔ کشوری وعسکری وموسسات اشخاص انفرادی فرمایش کرده است هیچ نوع‌سکته وتعطیلی واقع نکرده وفرمایش دهندگان ومشتریان‌خودرا بهمه حال راضی وکامیاب ساخته است .

ب : مطبعهٔ عمومی کابل درین سنه بتناسب ترقیات امور عرفانی وپیشرفتهای باقی امور

ادارههای دولت مطبوع بطبع وتدارك مواد آتی الذکر موفق گردیده است .

اول : طبع کاغذ های قیمتدار صکوك ازقبیل عرایض چهابی ، نکاح نامه ، تذکره تابعیت پاسپورت ها اقسام صکوك کارآمد وزارت عدلیه ومحاکم شرعیه، تکت های تعرفه گمرکی وپسته چینی تکت های مختلف پستی، تکت های سینما، تکت های نمایشات مختلفهٔ جشن استقلال، تکت های پهلوانی وغیره که نسبت بسال های قبل فی صد پنجاه دریك قسمتی وفی صد سی درباقی قسمت ها زیادتر طبع وتزئید دران بعمل آمده است .

دوم : فرمایش طباعتی وزارت خانها ودوایر دولت را ازفرار فی صد سی نسبت بسالهای ماقبل عموما بیشتر طبع وتهیه نموده است .

سوم : برای وزارت جلیلهٔ معارف ووزارت حربیه وریاست مطبوعات وقوماندانی مکتب حربیه وغیره باندازهٔ (۲۵۹۱۶۱) جلد کتاب طبع نموده است .

ج : مطبعهٔ عمومی درین سنه باوصف مشکلات موادتنها ازدرك کاغذ که جزو اعظم مواد کار آمد طباعتی اوبشمار است بمقدار (۷۳۴۵) گده کاغذ سفید از داخل وخارج تهیه و خریداری و درتحویلخانهٔ مواد خود ذخیره نموده است کذا باندازهٔ پنجاهودو صند و ق بزرگ موادطباعتی ازهرقبیل مثل ادویه ومواد زنکوگرافی وادویه کارآمد آفسیت،رنگ های مختلف کارآمد طبع ازخارج تورید نموده است وهم یك مقدار لوازم واسباب کارآمد تخنیکی واداری خودرا که تدارك آن درخود کابل ممکن می شد از داخله تهیه کرده است.

د : دربودجه مداخل مطبعه درین سنه رویهمرفته ازقرار فی صد سی تزئید بعمل آمده ودرشق بودجهٔ مصارفات ومعاشات باینکه مقدار کارقرار مندرجات فوق زیادشده ولی باآنهم مطبعه بطور همدردی باحکومت متبوع خویش تقریباً درحدود پنجاه هزار افغانی تنقیص نموده وکارگران خویش را ازنقطهٔ نظر اخلاقی واحساسات همدردی باحکومت ووطن به آن اندازه متحسس ساخته است که هرفرد زاید ازمقدار کارکردن سابق انهماك وعلاقه بکار های خود پیدا کرده اند واین تنقیص بیشتر به قسمت تهیهٔ کاغذ که درین فرصت خیلی مهم و قیمت آن روبه صعود است افزود شده .

ه : چون امورحفظ الصحهٔ کارگران خیلی طرف توجه بوده وازرهگذر مریضی وعلالت نفری مشکلاتی واقع میشد لذا درین سنه مطبعه بتجویز رئیس مستقل مطبوعات موفق گردیده تایکنفر داکتر صحیه را برای معالجه ومعاینهٔ امورحفظ الصحهٔ کارگران خود مستخدم قرارداده ودردواخانهٔ عمومی سالانه یك مقدار پول که بطور اعانه وهمدردی ازعموم نفری مستخدمین ریاست مطبوعات ومطابع ذخیره وجمع آوری میشود پرداخته وعندالحاجت بموجب تکت های معرفی ونسخه داکتر نفری مذکور دوای کارآمد خودرا اخذ نمایند ، لهذا ازآغاز برج

میزان سال ۱۳۲۱ باینطرف امور مذکوره بدرستی تطبیق واجراء میشود .

و : نظر به ایجاب کار درین‌سنه تشکیل جدیدی درامور داخلی مطبعه بعمل آمده ودرین تشکیل برعلاوهٔ مدیریت عمومی ومعاونت اداری مدیریت عمومی وشعبات کنترول و اجرائیه مطبعه ومدیریت صکوک یك معاونت فنی وماموریت‌های طباعتی وتخنیکی، دروازه ، زنکوگرافی آفسیت ، صحافی ، حروف‌چینی نیز تعیین وتشکیل گردیده است .

ز : چون امور تصحیح که یك شغل بزرگ وبااهمیتی درمطبعه بشمار است تاحال ادارهٔ مسئولی نداشته ومصححین مطابع درتحت نظر بعضی نماینده های دوائر نشریاتی اجرای این‌وظیفه را می نمودند - لذا ضرورت تاسیس وتشکیل یك دارالتصحیح رامقام ریاست ومدیریت عمومی مطابع احساس کرده ودرنتیجه به تشکیل یك مدیریت دارالتصحیح موفق گردید عجالتاً درتحت نظر یکنفر مدیرو۱۰ نفر اعضاء اداره مذکور دائر بوده وبامور تصحیح تمام آثار مطبوعه ازقبیل جراید مجلات کتب معارف وسائر فرمایشات طباعتی می پردازند .

برعلاوهٔ مواد متذکرهٔ گذشته اصلاحات و اقدامات نوینیکه بمطبعهٔ عمومی کابل از طرف مدیریت عمومی بعمل آمده خلص توضیحات آن قرارآتی داده میشود : -

اول : سیاهی کاپی که یك ماده مهم طبع شعبه لیتوگراف مطبعه بوده ودرسنوات قبل ازخارج تورید وبمصرف رسانیده می‌شد درین‌سنه نظربعدم ورود غالب مواد کار آمد طباعتی آنهم قلت پیدا کرده ومدیریت عمومی مطابع نظربرفع احتیاج فوری خود متشبث گردید تاتدارك آنرا بخود مطبعه بنماید لهذا درجستجوی مواد کار آمد آن وتحصیل نسخه ترکیب برآمده بالاخره موفق گردید که بعد ازامتحان وترکیب چند نسخه یکرقم موزون‌تر آنراکه به‌هیچ وجه باسیاهی خارجه تفاوتی‌نمیکند موردتطبیق وکار گرفتن قرار بدهد .

اینك بعد ازاخذ نتیجهٔ عملی که در آخر این‌سنه کامیاب شده است مقررداشته تادرسال آینده ۱۳۲۲ بواسطهٔ همان کارگر خویش که‌درین‌مطلب احراز موفقیت‌نموده یکمقدار کافی ازسیاهی مذکور ساخته وبمصرف کاپی‌نویسی شعبه‌لیتوگرافی خودبرساند .

دوم : چون درسنوات‌سابق ازیکطرف صفحه زنگ مخصوص کار های زینگوگرافی کار گرفته وکار از صفحه‌ها بعدآن اخذنمیگردید نظرباحتیاجی که شعبه زینگوگرافی بوجود زنگ داشته وتورید آن درین سنوات ازخارج دچار مشکلات گردیده لهذابه تشویق مدیریت عمومی‌مطابع کارگران‌فنی‌این‌شعبه آخراً موفق گردیدند که‌بعد ازعملیات وتجربیات فنی صفحهٔ دوم‌زنگ‌مذکور را نیزمثل‌صفحه اولی مستعد‌تثبیت‌بعضی نقشه‌ها واشکال خصوصا اشکال هندسی قراربدهند گویااین موفقیت درتقلیل مصرف زنگ بمطبعه عمومی کمك زیادی مینماید وآخراً بعدازاطمینان مقررشده که‌درسال ۱۳۲۲ در صفحه سابقه کار خارجه صرف برای

فوتوها و آنگونه تصاویریکه نقطه‌های باریك وقابل توجه دارد کار گرفته ونقوش واشکال معمولی را عموما درین صفحهٔ که جدید مستعد ساخته شده تثبیت نماید .

سوم : چون مطبعه عمومی در سنوات قبل نظر به پیدایش مواد ریخت حروف طباعتی از قبیل جست ، انتیمون ومس وغیره عندالحاجت هرزمانی حروف تازه بوسیله ماشین های حروف ریزی خود تهیه می نمود دریناواخر که مواد مذکور قلت پیدا کرده و مخصوصا تورید آن از خارج به سکته دچار گردیده لذا مدیریت عمومی مطابع درمورد ریخت حروف تازه نظریات وتجاویز آتی را عملی نموده است :

اول : محفلی ازمتخصصین فنی وکیمیادانان درمدیریت عمومی تشکیل نموده وبه آرأو نظریات شان نسخه‌های گرفته شده که بعوض بعضی ازمواد سابقه که امروز پیدایش ندارد دیگر موادی بکار برده می شود که عین همان کیفیت را درسخت ساختن ومستعد شدن فلز برای حروف طبع تولید می نماید وهم ازمواد مذکور در داخله بقدرحاجت دستیاب می شود .

دوم : یکمقدار حروف در مطبعه ازسابق موجود بوده وازیکمقدار کافی آن بواسطه نداشتن مصرف طبع کار گرفته نمی شد وهمچنین حروف ردی خود مرکز وولایات بعدازردی شدن مدت زیادی بیکار مانده وگداز نمی گردید اکنون چنین تجویز شد که ازعموم این دورقم حروف باایزادمواد تنقیص شده آن مطابق تجاویزفنی جدید گداز کرده وحروف جدید باقسام متعدد بقدررفع احتیاج چندوقتهٔ عموم مطابع مملکت تهیه شود تا درسال ۱۳۲۲ مطابع حروف کافی داشته ازتدارك موادخارجی وریختاندن حروف جدید آسوده باشد .

چهارم : دربرج قوس سال ۱۳۲۰ مجلسی مرکب ازنماینده‌های دوایردولت نظر بدرخواست مدیریت عمومی مطابع درمدیریت مذکوره منعقد وراجع بصرفه جوئی کاغذ مذاکراتی شده وبالاخره دومطلب عمدهٔ ذیل درمجلس فیصله شده بود .

اول : تعیین مقادیر تخصیصیه کاغذ برای هروزارتخانه ودایره ، دوم ازنقطهٔ صرفه جوئی تغیرشکل وقطع بعضی موادطباعتی. بالاخره درین سنه مدیریت عمومی مطابع موفق گردید که تمام نظریات مجلس را عیناً تطبیق وعملی نموده واجرای تمام فرمایشات دوایررا بقدرتخصیصیه کاغذ آنها اجرا وبرای اجرای فرمایشات مزیده وکارهایکه درین سنه طبع آن ازنقطه نظر توسیع وپیشرفت امور رسمی دولت یاموسسات علمی واقتصادی اضافه تر نسبت بسالهای گذشته واقع شده یکمقدار کافی کاغذ ازداخله وخارجه تهیه کند چنانچه باساس همین نظریه مطبعه عمومی ازآغاز این سنه ۱۳۲۱ الی آخر موفق شده توانست که ازنوع کاغذ های ۱۶ ـ ۸ ـ ۶ پوند یکمقدار کافی تهیه وبرعلاوهٔ مصرف طبع فرمایشات مذکوره بمقدارذخیره سابقه خود نیز بیفزاید.

هکذا آنچه درباب خوردشدن یاکمترمصرف شدن کاغذ نسبت به بعضی ازکارهای طباعتی درمجلس مذکور تصویب شده بود موقع طبع وتطبیق عملی دردوایر دولت آنهم بکامیابی نتیجه

دوچیز ازکذب ودروغ جدا نمی‌شود : کثرت وعده وشدت معذرت . (عمرفاروق «رض»)

پښتنی سفیران او نمایندګان په خارج کښې

داعلیحضرت لوی سفیر په انقره کښې	:	ع ، ج فیض محمد خان
« « « « په طهران «	:	....
« « « « په ماسکو «	:	ع ، ج سلطان احمد خان
« « مختاروزیرپه ویشی فرانسه «	:	ع ، ج ، ا ، ا نښان والاحضرت سردارشاه ولیخان
« « « « په لندن «	:	ع ، ج احمد علیخان
« « « « په برلین «	:	ع ، ج الله نواز خان
« « « « په توکیو «	:	ع ، ج ذوالفقار خان
« « « « په قاهره «	:	ع ، ج محمد صادق خان مجددی چه دحجازمختار وزیر هم دی
« « « « په بغداد «	:	ع ، ج عبدالرحمن خان
« « « « په امریکا «	:	ع ، ج عبد الحسین خان عزیز
« « جنرال قونسل په دهلی «	:	ع ، ص محمد شفیع خان
« « « « په مشهد «	:	ع ، ص میرمحمد صدیقخان
« « قونسل په بمبئی «	:	......!
« « « په کراچی «	:	....
دپښتون دوېزې مامور په پېښاور «	:	ص، محمدقیوم
« « « په چمن «	:	ص، میرغلام فاروق خان

داده ومخصوصا مطبعه نظر باینکه یکقسمت این فرمایشات را که تقطیع آن خورد شده است بکاغذ های تریشه که سابق از ین مصرفی نداشت طبع واجرا نموده است لهذا درصرفه کاغذ اقتصاداً ومادتاً تحصیل فایدهٔ زیادی نموده است والبته بعضی ازین فرمایشات که اسلوب تقطیع یا کار گرفتن ازهمین طرز نقصی درشکل وزینت طباعت یادر اجرای کار واقع نمیکند درنظر گرفته شده که درسالهای آینده ولومقدار کاغذ کارآمد زیاد هم شود باز هم بهمین اسلوب طبع ومورد کار قرارداده خواهد شد .

پنجم : اجرای فرمایشات طباعتی درمطبعه عمومی سابق ازین به ملحوظ فن وسلسله شعبات فنی نشده ازدیگرسو بواسطه عدم ارتباط شعب فنی ودوایر حسابی درقبول واجرای یك فرمایش معایب زیادی داشته تعطیلات وسکته گی های زیادی درکار واقع می گردید . بالاخره درین سنه لایحه بعنوان تقسیم وظائف مامورین طباعتی واجرای فرمایشات طباعتی ازطرف مدیریت عمومی مطابع ترتیب گردیداکنون فرمایشاتیکه ازطرف دوایر ومقامات یااشخاص انفرادی بمطبعه عمومی وارد میشود بدواً بدایره اجرائیه توصل نموده نوع وتاریخ فرمایش قید کتاب آردر وفرمایش شده سپس بدایره فنی سپرده می شود وبدایره فنی بلافاصله ازطرف مجلس واعضائیکه ازشعب مختلف فنی ترکیب می یابد در اطراف همان فرمایش غور وتدقیق لازم بعمل آمده سپس بمامور همان شعبهٔ که ابتدا اجرای فرمایش مذکور متعلق آن است سپرده شده تاریخ تسلیم وزمان اتمام طبع آن بکتاب مخصوص این کار بطور تعهد امضا گرفته وبمورد طبع میرسد وهم ترتیباتی درین دایره قرار داده شده که اولاً هیچگونه فرمایشیکه بدواً درمجلس مذکوره اجرای آن قبول میشود مستردنگردد وعیناً بهمان فورم وشکل وکاغذیکه مقرر شده وهر اندازه فوتوها واشکالی که دارد مطابق آن اجرا وباز بموعدیکه مقرر وتعین گردیده عیناً درهمان مدت باید فرمایش مذکور اجرا وعملی شود وهم اشخاص فرمایش دهنده در اطراف اجرای فرمایش خویش بهرزمانیکه خواسته باشند بادایرهٔ فنی مطبعه مخابره ومفاهمه کرده وسوای مسایل پولی وحساب اجرت که باجرائیه مطبعه کدام وقتی مجبور شوند دیگر همیشه بصورت آزاد وباسهولت تمام صرف بادایرهٔ فنی سروکار داشته ازمراجعات بادوایر مختلف مطابع بی نیاز خواهند بود .

ششم : درماشین های آفسیت مطبعه عمومی قبل برین عموم فرمایشات حتماً باید بواسطهٔ فلم مخصوص آفسیت ولو یك طباعت معمولی هم می بود اجرامیگردید حال اینکه فلم یك شی باقیمت ومخصوصاً درین سنوات بواسطهٔ عدم تورید آن ازخارج در مصرف او اندیشهٔ زیادی بکار میرفت . آخراً مامورین فنی طبق نظریه مدیریت عمومی مطابع یکنوع کاغذ جلاداریکه درمطابع خارجه صرف برای جداول ازان کار گرفته می شد همان کاغذ را بطور کاپی مورد امتحان قرار داده وبعداقسام نقوش وخطوطیکه بقلم روی صفحه نگارش شده میتواند آنرا بکاغذ

مذکوررسم ونوشته کرده وبعد بجای فلم در صفحهٔ جستی تثبیت و بماشین مذکور بکار انداخته است که نتیجهٔ آن کامیاب بر آمده وعجالتاً تمام اموریکه طبع آن به آفسیت لازم شود سوای آن قسمت جزئی که مراد از فوتوها ویا کارهای دقیق رسم بوده باشد باقی مطالب عموماً بکاغذ مذکوره قابل اجرا بوده وازین راه صرفه جوئی زیادی در مصرف فلم‌های مخصوص آفست کرده می شود .

هفتم : تحویلخانه های موادخام وپخته ومخصوصاً تحویلخانهٔ تخنیکی مطابع که از روی تفریق مواد وتعین مقادیر دارائی آن ونوع ورقم اشیا انتظامی نداشته و مشکلاتی ازین راه در موقع اجرای مصرف یا موجودی تحویلخانه واقع میگردید . بالاخره درین سنه مدیریت عمومی مطابع مجبور گردید تاباوجود مشاغل مبرم تحویلخانه‌های مذکور درجریان اوقات مختلفه اوقاتی راهم برای تنظیم تحویلخانه‌ها تعین وبواسطهٔ یك هیئت بلد و ماهر این کار مواد محتوی تحویلخانه‌ها را تفریق ومواد مذکوره را بصورت درستی تنظیم نماید .

هشتم : برای اینکه ماشین‌ها بصورت صحیح کار کرده بتوانند وازباعث کمی مصارف دهنی وغیره نقصی درعمر ماشین نرسد اخیراً مدیریت عمومی مطبعه یك هیئت فنی مرکب از متخصصین خارج مطبعه وداخل مطبعه را دعوت وبرای تدقیق مصرف حقیقی ماشین‌های مذکور تعین ودرنتیجه برآوردموزون ومحقق ماشین‌های مذکور را بوسیلهٔ هیئت مذکوره تحصیل ودرین سنه مورد تطبیق قرار داده است .

نهم : نرخ های مواد طباعتی واجرت های که ازین راه درمطبعهٔ عمومی سابق ازین اخذ وتحصیل میگردید باساس ثابت ومیعادی نبوده بلکه درمرور روزها وهفته‌ها دچار تغیرات میگردید وبواسطهٔ این تغیرات ناگهانی درسنجش حسابی اشتباهاتی واقع می‌شد که غالباً سبب شکایت مشتریان گردیده وهم در دوایر حسابی تولید مشکلاتی می‌نمود آخراً مدیریت عمومی مطابع یك پروژهٔ اساسی باصول مروجهٔ مطابع دیگر ممالك ترتیب داده وبرای تکمیل واجرای عملی شدن آن درنظر گرفته تابمساعدت وزارت مالیه ودوایر مختلف خود مطابع باین زودی با جرای آن موفق گردد وعجالتاً تابوقت تکمیل مواد این پروژه همین اساس را در نظر گرفته وبنرخهای گذشته تجدید نظر وهرمطلبی را که ازاصول مقرره خارج میداند آنرا بطرز موجوده تطبیق ویك اندازهٔ عادلانه اخذ اجرت می‌نمایند .

دهم : درین سنه ریاست مطبوعات که تاسیس مطبعه وجریدهٔ ورانگه را درولایت جنوبی درنظر گرفته بود لهذا مدیریت عمومی مطابع قبلاً به تدارك مستخدمین فنی مطبعه ازقبیل حروف چین کاپی نویس ماشین‌کار های حروفی ولیتوگرافی، سرمرتب آمادگی دیده بالاخره ماشین‌های طبع حروفی ولیتوگرافی باحروف ودیگرلوازم کارآمد امورطباعتی ویکنفر مامور متخصص خودرا بسمت مذکور فرستاده ومطبعه را تاسیس وبکار انداخته جریدهٔ مذکور را جاری

کیست که یك علو درجه ومکانی بزرگ درمیان مردم بخواهد وتنها به آرزو باشد هر کس میخواهد بایستی کار کند . (پول دومر)

وامورات طباعتی دوایر ودفاتر سمت مذکور که سابقاً درمرکز کابل طبع میگردید ازین تاریخ ببعد درخود آنسمت اجرا می پذیرد .

یازدهم : کذا در حکومتی اعلی میمنه که ریاست عالی مطبوعات تاسیس یك جریده ومطبعه را درنظر گرفته وممکن است درسال ۱۳۲۲ این منظور خود را عملی نماید لهذا مدیریت عمومی مطابع ازحالا مطبعهٔ حروفی وسنگی وتمام لوازم وسامان یك مطبعه مجهز ولوازم کافی را درنظر گرفته ونفر کار را انتخاب نموده است تادرسال ۱۳۲۲ مطبعهٔ مذکور را در اولا دایر نماید .

دوازدهم : بعدازتاسیس مطبعهٔ جنوبی چندی بعد مدیریت عمومی مطابع بمقصد معلوم کردن حسن اجراآت فنی مطبعه مذکوره و هم تفتیش مطبعهٔ سمت مشرقی که از چند سالی باینطرف امور داخلی آن مورد تفتیش قرارداده نشده بود لهذا یکنفر مامور متخصص خودرا بغرض تفتیش درین دو سمت اعزام وامورات هردو مطبعهٔ مذکوره را بازرسی نموده آنچه نقائصیکه بنظر میرسید اصلاح ولوازم کمبود آنهارا ارسال نمود .

سیزدهم : مدیریت عمومی مطابع بغرض استخدام نفر تعلیمیافته لایق درشعب زینکوگرافی وآفسیت وحروف چینی خویش سابقاً بوزارت جلیلهٔ معارف مقرر داشته بود که در مکتب صنایع یکعدهٔ ازطلاب آن امورطباعت را درتحت معامی متخصصین خود مطبعهٔ عمومی کابل تحصیل نمایند چنانچه نفری مذکور تاکنون دران مکتب مصروف تحصیل این فن هم بودند آخراً نظر باحتیاج فوری که مطبعهٔ عمومی باستخدام نفر لایق داشته ومیل دارد که نفری متعلمین این فن را بزودی کامیاب وشامل کار سازد لذا باجازهٔ وزارت جلیلهٔ معارف نفرابتدائی مذکوررا ازمکتب صنایع معارف جلب وکورس طباعتی را درخود مطبعهٔ عمومی در تحت نظر گرفته است تانفری مذکور بزودی کامیاب شده وشامل کار ساخته شوند .

چهاردهم : کذا آنعده نفری طالب العلم صنف طباعتی مکتب صنایع را که دروس نظری را درمکتب صنایع میخواندند بغرض ستاژ وتمرین درشعب فنی مطبعه جلب وشامل کارهای عملی ساخته است تا بعد از اخذ امتحان شامل کار کرده شوند .

پانزدهم : غالب دوایر محترم مرکز بواسطهٔ داشتن ماشین های گستتنر بعضی امورات طباعتی خودشانرا خود اجرامیکردند برای اینکه مطبعه ازیکطرف بحداعظم ازکار گران فعلی مطبعه کار گرفته شده وازطرف دیگر دوائر ازمصارف گستتنر وتشکیل مامورین طباعتی فراغت حاصل نماید چنین تجویز نمود که تمام فرمایشات جزئی وکلی دوائر بمطبعه انجام شود .

اجرا آت ریاست تفتیش عمومی محاسبات مملکتی

۱ : ـ تفتیش محاسبات سنه ۱۳۱۸ الی اخر سنبلهٔ ۱۳۲۱ سه سال و ششماه دافغانستان بانك

۲ : ـ تحقیقات تانکهای پطرول مرکز .

۳ : ـ تفتیش معاملات سنه ۱۳۱۸ الی سنه ۱۳۲۰ مطابع عمومی.

٤ : ـ تفتیش شعبات اجرائیه و کنترول ۲۶ مکتب مربوط وزارت معارف ازسنه ۱۳۱۹ الی سنه ۱۳۲۰ .

۵ : ـ تفتیش امور اجرائیه ومحاسبهٔ مکتب صنائع ازسنه ۱۳۱۹ الی سنه ۱۳۲۰ .

امور املاك

بدیهی است که توسعهٔ زراعت مهم ترین وسایل حیات بشر بوده و یك قسمت عمدهٔ اقتصادیات یك مملکت منوط به معاملات زراعتی است وحکومت مقدس ترقی خواه ما که همواره عطف نظر مراحم شان در ترقی وتعالی این خاك مقدس است همانا در آبادی املاك موروثه مملکتی بیشتر صرف مساعی وتوجه فرموده جهته پیشرفت امورات مربوطه درصدارت عظمی مستقیماً یك مدیریت عمومی تشکیل وهم برای پیدایش وسائل آبادی املاك که حصهٔ بزرگ آن مربوط به وجود حیوانی است تربیهٔ حیوانات وطیور رانیز دران ضم ساخته است وبرای تهیه شیر وحاصلات مسکه و قیماق وسایل فنی آماده و به سیستم عصری اقدامات وتحت عمل گرفته وبرای ارتقاء و پیشرفت هر یك امور مذکور تدابیر لازمه اتخاذ وبه آبادی دهقان خانه ها وطیورخانه ها وحفر کاریزها واحداث نهرهای جدید ترتیبات اتخاذ و اولتر که حصهٔ مهم آن موجودی وجریبی وقیمت املاك موروثی مملکتی است اقدامات منفعت بخش وسریعی بعمل آورده شده است که صورت اجرا آت آن ذیلاً توضیحات داده میشود:ـ

الف :ـ اقدامات درشق املاك :ـ

چون سابقا دفتر اساسی واصولی احصائیهٔ املاك وواردات متعلقهٔ آن که تابلوی املاکی وواردات را نشان داده بتواند وجود نداشته برای اکمال احصائیه املاك ازمدیریت عمومی املاك هیئتهای جداگانه تعیین ودرمواضعات معینه ترسیل واحصائیه صحیح املاکات ازمواضع فیصله شده بذریعهٔ هیئت های مذکور بمدیریت عمومی املاك واصل وبه ترتیب دفتر اساسی واصولی به شعبهٔ املاك عملی گردیده است همچنان معاملات وارداتی به تشریح فوق به دفتر مذکور عملی وتابلوهای مفصل آن ماهوار به وزارت مالیه تقدیم گردیده است .

ب :ـ جز واملاك تکمیل شده :ـ

۱ـ املاکات سمت جنوبی که سابقاً یك احصائیه املاکی بوضعیتی که طرف اطمینان

واقع شده بتوانند نداشته وبذریعهٔ هیئت مذکور مساحت آن تکمیل گردیده است یك اندازهٔ زیاد اززمین‌ها که نا معلوم بوده نظر به موجودی بدست آورده وبسر جمع املاك افزوده شده که تماماً بالغ به (۱۳۷۸۹) جریب بوده وقیمت آن مبلغ (۲۷۹٤۷۷۵) افغانی میشود واوراق مذکور بمدیریت عمومی املاك رسیده وقید سر جمع شده وبوزارت جلیلهٔ مالیه هم نقلاً خبر داده شده است .

۲ـ سمت شمالی تاحصهٔ که رسیده بالغ بر (۷۳۳۸) جریب زمین موجودی وقیمت گردیده مابقیهٔ آن هم درشرف تکمیل است قیمت آن بالغ بر (۹۳۵۳۷٦) افغانی میشود .

۳ـ حکومات شش کروهی نیز بالغ بر (۷۳۲) جریب موجودی ومابقیهٔ آن هم عندالمو قع تمام خواهد شد .

٤ـ حکومت کلا ن لهوگرد بالغ بر (۲٤۲۲) جریب و تاحصهٔ تکمیل شده وقیمت آن (۱٦۸۰۹۲) افغانی .

۵ـ سمت مشرقی بالغ بر (۲٦۱۷) جریب زمین موجودی ومابقیهٔ آن هم درشرف تکمیل است وآن هم علاوه میشود که نظر بسر جمع سابقه (۲۳۲۰) جریب زمین که بالغ بر (۳۸۳٦۱۵) افغانی قیمت آن شده افزود گردیده مجموعاً (٤۲۱۰۱۵) افغانی میشو د .

ج :ـ املاکیکه جدید خریداری ودرمعرض استفاده گذاشته شده است :ـ

چون برای تربیه ونگهداری حیوانات ازنقطهٔ نظر ایجابات فنی وتربیوی لازم است نقاطیکه تربیه وتکثیر نوع حیوانی وحاصلات منتظرهٔ آن بهتر وصحیح تر شده بتواند زمین های اتخاذ وبرای انتفاع همین مطلب بکار انداخته شود ازهمین نقطهٔ نظر مدیریت عمو می املاك درصدد بوده تا اراضی صالحی تهیه وتدارك کنند واز راه نزدیکی نائل مقصد تربیوی بشود بالاخره برای تکمیل این مقصود درنقاط ذیل بقیمت‌های مناسب که از هرحیث منفعت بخش بوده خریداری نموده وعبارت ازمشروحهٔ ذیل است :

۱ ـ املاك بینی حصار
۲ ـ املاك تنگی توغچی
۳ ـ املاك کاریز میر

تبصره : ۱ ـ ازجملهٔ املاك مذکور املاك تنگی توغچی که بالغ بر ۹۷۸۸۸/۵٦ افغانی خریداری شده بود واملاك مذکور تحت اداره وآبادی گرفته شده بالاخره (۲۱۹۸۲۷) افغانی قیمت شده که نظر به خرید مذکور (۱۲۱۹۳۹) افغانی طرف مفاد واقع شده است .

۲ ـ یك تعداد جریب زمین بغرض مفاد تجارتی خریداری وواپس بفروش رسانده شده که مفاد آن نظر به خریداری اول بالغ برپنجاه هزارافغانی شده .

د ـ املاکیکه بفروش رسانیده شده است : ـ

بعضی زمین های مزروعی حکومتی که در برخی از نقاط بصورت مشتت و پرا گنده وجود داشته وطور خاطر خواه از آن کار گرفته شده نمی توانسته یا اینکه برای منافع عمومی یا احتیاجات ضروریهٔ وارده از آن کار گرفته شده نمی توانسته وبهمان وضعیت سالهای درازی باقی بوده است چون منظور نظر حکومت بهی خواه ورعیت نوازوملت دوست مان همیشه طرف آسایش ورفاهیت وآسوده حالی اهالی ورفع احتیا جات کافهٔ ملت بوده بهتر دانسته شده که همچه اراضی مذ کور برعایای قریهٔ آن طور فروش داده وتعداد جریبی آن از سر جمع املاک حکومتی وضع گردد تا اهالی برای خود آباد وازآن استفاده ومنفعت ببرند . زمین هائیکه تا اینوقت بفروش رسیده ونسبت بقیمت گذشتهٔ آن مبلغ(٢١٧١٣٧)افغانی افزودی بعمل آمده است .

ه : ـ اقدامات راجع به تکثیر وافزودی آب برای اراضی مزروعی وباغی :

١ ـ جهت تکثیر آب وفراهم آوری اسباب موجبهٔ آن حسب ایجابات اصولی زراعتی وتجربوی مدیریت عمومی املاک درتجسس منابع صحیحهٔ آن بوده است اخیرا به حفر کاریز ها و کشیدن جوی های قدیمه که آثارشان بوده ولی از آنها کار گرفته نشده بود به تجدید حفر آن اقدامات لازمه شده چنانچه به حفر کاریزهای علی آباد که سابقا برای باغ سناتوریم غیرمکفی بوده ودر سال گذشته به لای کشی کاریز وحفرسر چاه های جدید اقدام و کار آن تکمیل وحالا برای باغات سناتوریم ونباتات وحتی املاک مربوطتر به خانهٔ علی آباد آبیاری مینماید .

٢ ـ کاریز قلعهٔ جواد نیز در سابق آب قلیل داشته وتنها باغ سناتوریم آبیاری و حالا به امتداد کاریز و لای کشی آن اقدام ودر امسال تا اندازهٔ به پایهٔ تکمیل رسیده وبه آب کاریز علی آباد وبه املاک مربوطهٔ آن معاونت مینماید .

٣ ـ بکاریز بغل کوه نیز به مثل کاریزهای متذکره اقدامات نافعهٔ نموده شده وبه تکثیر آب آن کوشش های مزیدهٔ بعمل آمده است .

٤ ـ کاریز حوض ماهی های باغ بالا که سابق درحصهٔ باغی رعیتی وحکومتی غیرمکفی بود به اثر اقدامات مدیریت عمومی املاک به لای کشی وامتداد آن اقدام شده که حصهٔ بزرگی آن تکمیل و کار جزوی آن باقی مانده ودرامسال درحصهٔ املاک مزروعی وباغی آن معاونت شایانی نموده است .

٥ ـ کاریز مهتاب قلعه که عنقریب روبه انهدام گذاشته وآب آن خشک گفته می شد تحت ترمیم گرفته شده وسر از نو آباد گردیده ومقدار کافی در آب آن افزودی بعمل آمده است .

٦ ـ درکاریز های سید آباد وحسین کوت ومنشی بختیار بحفر سر چاه های جدید وتمدید ولای کشی های آن کوشش های جدیانه بعمل آمده وبه تکثیر آب آن منتج گردیده است .

۷ ـ کاریز میرزا خلیل لهوگر و کاریز برك بافی وچهار آسیاب نیز مثل مادهٔ ٦ اقدامات شده است .

۸ ـ قنات چمتله جدیداً تحت نظر وبر آورد گرفته شده که عنقریب درموقع بکار آن شروع خواهد شد .

۹: يك جوی بزرگ درحصهٔ نو آباد حکومتی کوهستان حفرواحداث وبه مزروعی ساختن مذکور عرصه ایست که اقدامات جدی بعمل آمده وتا حال (۲۳٤۷) جریب زمین که بالغ بر (۲۳٤۷۵۰) افغانی قیمت شده است که یکمقدار آن تا اکنون طور صحیح تحت زراعت آورده شده ونتیجهٔ مفیدی داده ممکن در آتی بزودی ممکنه مجموعاً آباد و برای زراعت آماده ساخته شود .

و :ـ آبادی چمن ها که حصهٔ بزرگ آن در مرکز است تحت اجرا گرفته شده وکارهای آن بسرعت پیش میرود و درنظر است که برای زراعت مستعد ساخته شود چنانچه يك حصهٔ بزرگ آن مساعد وبرای چرایش وخوراکهٔ ایام سبز حیوانی ازان کار گرفته شده است.

ز :ـ در بعض نقاطیکه زمین‌های حکومتی دراراضی رعیتی متصل هم واقع بوده ودر اثر مرور زمان حق آبهٔ آن مغشوش وطور صحیح معلوم نبوده وعلی الاکثر نظر بوقوع بعضی اشکالات وارده زمین‌های زراعتی اهالی به اندازهٔ حقوق شان آب نمیرسید ویا اراضی مزروعی حکومت فاقد حق آبهٔ خویش گردیده باعث خسارات زراعتی میشده است که این خود علت بزرگ مانع پیشرفت امور زراعتی دیده می‌شود ـ این موضوع اولتر جالب نظر واقع گردیده بمقامات عالی مراتب عرض واستهداء شد ـ از نقطهٔ نظر مراحم وشفقت ورعیت نوازی‌های حکومت بهی خواه وملت نوازمان عنوانی مستوفیت فرمانی مبنی بررفع تمام همچه مشکلات وتعین وتقسیمات صحیحهٔ حق آبه‌ها شرف صدوریافته وتمام این مشکلات وارده را رفع ویقین است تزئید حاصلات زراعتی را باعث ورفاهیت وآسودگی اهالی را سبب خواهد شد .

ح :ـ زمینهای حکومتی که دراطراف ونواحی پنجشیر بوده وتا اینوقت‌ها بصورت خاره ولامزروع وغیر آباد بوده درین اواخر به آبادی آن اقدام ويك قسمت آن بذر گردیده است و برای زراعت مستعد ساخته شده حاصلاتیکه ازان گرفته شده دو سالهٔ آن بالغ بر (۱۰۵۷۱ ـ افغانی و۵۵ پول ۲٦خروار و٦۵سیر و۲نیم پاو) می‌شود که باین تقدیر ازواردات جدیدهٔ آن نقاط شمرده میشود .

ط :ـ باغهای مشرقی که سابق ازین واردات آن بالغ بر (۱۱۰۰۰) افغانی بوده در هذه السنه نظر به اقدامات وتوجه مدیریت عمومی املاك واردات آن بالغ بر (۵۵۰۰۰) افغانی گردیده وافزودی معتنابهائی نموده است .

ی : معاملات سمت جنوبی که‌حسب احکامات جداگانه نموده شده است .

۱ـ یك‌حصهٔ املاك تکه‌وپارچهٔ گردیز که‌قابل‌استفاده نبوده ونسبت عایدات آن از حیث تشتت وپراگنده گی آن واینکه اگرتحت اداره گرفته‌شود نسبت‌تقرر صاحب کار وسرپرست وغیره مصارف آن بلند میرفت جهت‌استفادهٔ عامه قرار داده شده بعد تعیین قیمت فروش آن درنظر گرفته شده است .

۲ـ از آنجا ئیکه توسعهٔ اشجار و احداث باغهای باصفا سبب اعتدال هوا بوده اخصاً درخوست که‌بیشتر هوا حرارت‌داشته وجالب نظر بوده است به‌اثر مصوبهٔ ریاست تنظیمیهٔ جنوبی واقدامات مدیریت عمومی املاك درنظر گرفته شده است تادرموضع مذکوره یك باغ تفریحی که دارای هرنوع اشجار بوده و درانجا غرس شود ترتیباتی اتخاذ و اقدامات اجرای آن عجالتاً گرفته شده است .

۳ـ همچنان درحصهٔ گردیز یك‌باغ تفریحی تحت‌نقشه وپروژه آمده وتحت اجراء است .

۴ـ علاوه براحداث باغهای تفریحی حسب‌منظوری مقامات صالحه ترتیبات فورم‌زراعتی درموضع خوست درنظر وتحت اجراء گرفته شده است .

۵ـ لست‌مفصل املاك مملکتی‌واقع‌خوست ترتیباتی اتخاذولست املاك‌قابل‌اداره ویاصورت اجاره وی آن و اینکه قابل فروش است حسب منظوری مقامات رفیعه بمراجعش هدایات لازمه صادر شده است .

ك: تشکیل ماموریت املاك جنوبی .

چون امور املاك وباخبری‌ها ووارسی بمعاملات اراضی مزروعی و باغی جنوبی ترتیبات صحیحی نداشته از هرکدام محال‌تحت ادارهٔ مامورین آن نقطه اجراآت‌می‌شده ولی طوریکه لازم بوده وارسی درستی اندران باره دیده نمی‌شد وهم یك‌دفتر مکملیکه تمام امورات آن‌را نشان‌داده بتواند وجودنداشته ازهمین‌نقطهٔ‌نظرمدیریت عمومی املاك‌اشکالات عایده را احساس نموده لازم وضرور دانست که مامورین جداگانه برای تدویر این وظیفه در سمت جنوبی داشته وامور املاك مملکتی‌را ذریعهٔ آنها تحت اجراء بگیرد مراتب را بمقام رفیعه تقدیم ودرهذه‌السنه به تشکیل یك‌ماموریت باعملهٔ اداری وفنی موفقیت حاصل ومامورین آن مقرر وبکار گماشته شدند که فعلاً امور آن حسب خاطرخواه تحت اجراء است .

ل : تربیهٔ حیوانات واصلاح نسل آن :ـ

۱ـ تربیهٔ حیوانات بدوحصهٔ بزرگ منقسم شده که شق اول آن تجارتی بوده به تهیهٔ شیر ومسکه وقیماق وغیره متعلق‌بوده وحصهٔ دیگر آن برای اصلاح نسل‌حیوانی مملکت است که ازهردوشق آن تااینوقت نتائج صحیح ومعتنائی گرفته‌شده‌است حیوانات‌مذکوره در ابتداء

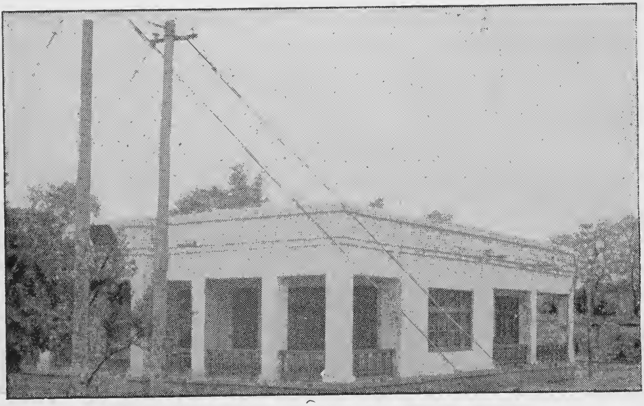

دمخابراتو دمدیریت نوی ودانی په جلال آباد کښې

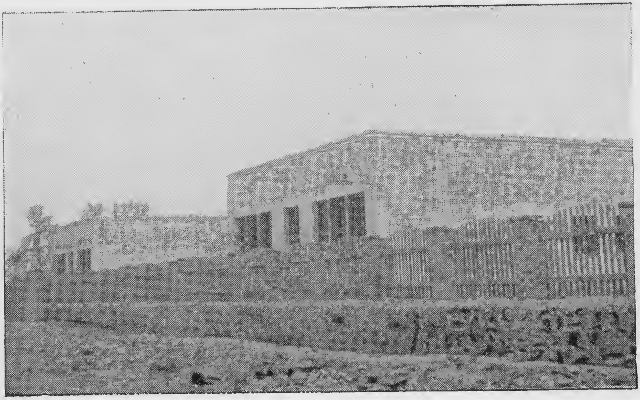

د جلال آباد نوی ملکی شفاخانه

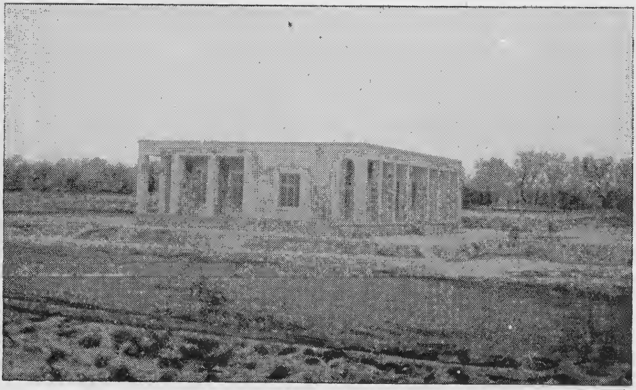

دمعارف داداری نوی ودانی په جلال آباد کښې

په ننګاهار کښې دسلطانپور منځنی ښوونځی

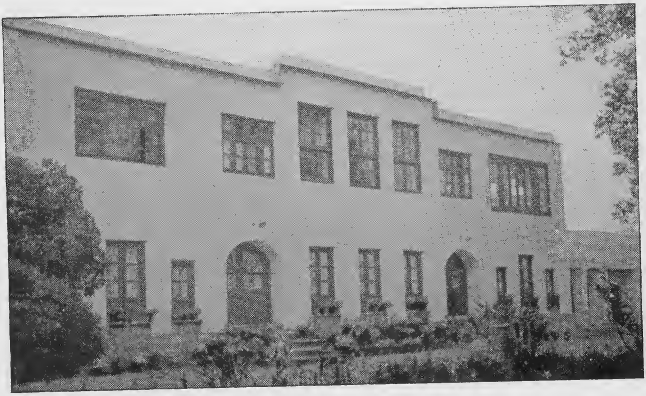

د جلال آباد د باغ کوکب په خوا کښې یوه نوی ودانۍ

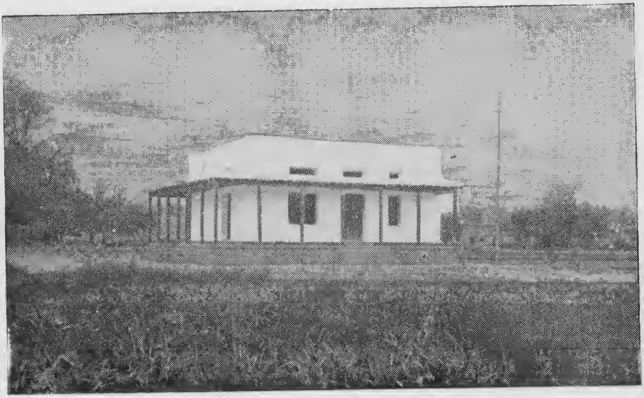

د مترولوژی د موسسې ودانۍ په جلال آباد کښې

دجلال آباد دنوی ښار منځنی بازار

دحکومت یوه نوی ودانۍ په جلال آباد کښې

امید درزندگانی بشر آنقدر اهمیت دارد که بال برای پرندگان. (ویکتور هوگو)

تشکیل مدیریت عمومی املاک احصائیهٔ آن به‌تعداد (یکصدوهشتادوهفت فرد گاو و گوساله) وحالا چه‌ازخریداری وچه‌ازنسل خودتربیه‌خانه درمرکز تربیه‌خانه به‌تعداد (٦٢٦) فرد گاو شیری و گوساله های نسلی وغیره موجود است .

٢- برای حیات حیوانی وتداوی لازمهٔ آن یك شفاخانه اصولی تشکیل و دررأس آن یکنفر سربیطار که‌بصورت عصری تربیه وبدارالفنون ترکیه اخذ تعلیم نموده است مستخدم وجهت‌استفادهٔ عامه قرار داده شده است .

٣- املاکیکه درحوالی کانال برای‌تهیهٔ خوراکهٔ حیوانی تخصیص داده‌شده و ویهمرفته ٧٩٩٥ جریب میباشد .

ع- تعمیرات عصری رهایش حیوانی علاوه بتربیه خانهٔ علی‌آباد :

١- تربیه خانهٔ چهاراسیاب برای رهایش (٤٠٠) فرد حیوان درسنهٔ گذشته احداث ودرامسال کار بزرگ آن به‌پایهٔ تکمیل رسیده مابقی آن‌هم درشرف تکمیل است .

٢- تربیه‌خانهٔ چهل‌ستون برای سبز (١٠٠فرد) حیوان درنظر وکاربزرگ آن به پایهٔ تکمیل رسیده که‌وجود حیوانات مذکور وایام سبزوموسم سرما بمقاد باغ مملکتی چهل‌ستون وغیره زمین های قریب آن تمام می‌شود .

٣- تربیه‌خانهٔ‌موقتی دارالفنون بصورت‌طویله‌تحت‌ترمیم وفعلاً درانجاحیوانات‌خشك‌نقل داده شده به‌تعداد (٧٠٠) حیوان برای امسال به‌مقصد آبادی آیندهٔ زمین‌های دارالفنون درموضع مذکور حمایه شده‌اند .

٤- تربیه خانهٔ عبدالخیل مشرقی جدیداً تحت تعمیر وبرای رهایش (٨٠٠) فردحیوان مدنظر است‌درسال گذشته تایك اندازه که کار شده‌مابقی آن‌برای امسال‌درنظر است .

تشکیلات تربیه خانها :

برای ازدیادحیوانی وساختن‌جاهای رهایش ازعرصه‌ایست که‌طرف‌توجه قرارداده شده وحیوانیکه تااینوقت‌تهیه‌دیده وتربیه شده اند وبرای رهایش آنها واینکه خوراکهٔ آنها از‌حاصلات املاکی بصورت درست تحصیل وطرف دیگر که‌پرورش زمین‌های زراعتی متعلق ه‌انبار حیوانی‌بوده طوریکه‌اندیشیده شده که‌به‌املاك سرکاری بحصه هائیکه بکثرت وجود دارد واداره‌ٔ آن‌بصورت‌فنی عملی گرددبقدر گنجایش حیوانات‌تعمیرات لازمه احداث‌وبرای اینکه کارات آنجابصورت خوبی پیشرفت‌نماید یك مدیریت‌جداگانه‌تحت اثر مدیریت عمومی املاك تشکیل‌وشعبات کنترول واجرائیه‌باشعبهٔ فنی‌وعملهٔ آن درآنجا تخصیص وجهة اجراآت مربوطهٔ آن‌اقدام ومنظوری گرفته شده است . (بقیه درصفحه ٣١١)

د پښتو لیک

لیکونکی ښاغلی گل پاچا خان « الفت »

له څه وخته چه انسان پدې ځمکه میشت شوی او په غږېدلو ستر گوئې خپل ښاوخوا کتلی دی ددنیا هر څه ورته دتغیر او تحول قبلوونکی ښکاره شویدی .

ښاغلی گل پاچا خان « الفت »

دهمدغه تغیر په رڼا کښې انسان د عالم په حدوث اقرار کړی او تغیر وتحول ئې دحدوث منطقی برهان گڼلی دی - نو داخبره چه ددنیا هرڅه دزمان اومکان په امن کښې اوډی راناوړی یا په بل عبارت تغیر او تحول قبلوی څه نوې خبره نه ده چه سړی ئې د استدلال په قوت اثبات وکړی او دبراهینو په زور ئې په خلقو باندی ومنی - لکه څنگه چه زمونږ نور صفات تغیر مومی او مونږ پخپله هم سل رنگونه قبلوو، زمونږ ژبې هم له دغه څه داوسپنی کلا نه ده گرزولې اولکه دصحرا لاله هر پسرلی په یوه رنگ نه وی - دیوې ژبې لغات او تراکیب ، املا او انشاء ، ایك اوتحریر هر څه دتغیر لایتغیر قانون ته تابع او غاړه ایښودونکی دی .

که څوك دانه منی ، نو دیوه قرن پخوا کتابونه دې راواخلی او ودې گوری چه څومره لغات هلته شته چه اوس نشته او څومره تصریفات په هغه وخت کښې شویدی چه اوس نه کېږی .

که سړی خپل ځینی پخوانی پښتو آثار او قلمی کتابونه مخې ته ونیسی ښائی چه یا ئې بېخی ونه لولی او یا ئې وروسته تر ډېر دقت څخه په مطلب پوه شی ځکه چه دهغه وخت زړی املا او انشا اوس خپله ښه تقریباً بدله کړېده او نور څه ورځنی جوړ شویدی .

زمونږ دملی ژبې لیکلی آثار چه زمونږ په لاس کښې دی او مونږ ته خپل پخوانی لیك یاد پښتو زړه املا او انشا راښئی له (٦٠٠ هـ) را په دې خوا دی مگر دا ددې دلیل نشی کېدی چه

داخله وزارت

ع ، ج محمد نوروز خان د داخلی وزیر
S, Ex. Mohammad Naoroz Khan
Ministre de l'indérieur.

د داخله‌وزیر : ع ، ج محمدنوروزخان
« امنیه رئیس : « ، ش طره بازخان
فرقه‌مشر
معین : « ، ص عبدالرشیدخان
د احصائیی رئیس : « ، « عبدالعلیخان
« تفتیش « : « ، « عبدالله خان
« مامورینو مدیر : ص ، محمدحسن‌خان
« اوراقو « : « . عطامحمد خان
« کنترول « : « ، محمد سعیدخان
« احصائیی دریاست
معاون : « ، محمد معصوم خان
داخذعسکر دریاست
مدیر : « ، شاهجهان خان
د امنیه ریاست
دتشکیلاتو مدیر : ح ، محمد اکبر خان
« امنیه ریاست د امنیت مدیر : ص ، اختر محمد خان
« « داخذ اطلاعات « : « ، عبدالباقیخان
« پاسپورت « : « ، محمد ابراهیم خان
« سر حد « : « ، عبدالسمع خان
« روغتیا « : « ، نصرالله خان
« ریاست تفتیش عضو او « : « ، عبدالوکیل خان
« « « « « : « ، شاه محمد خان
« ولایت کابل دتفتیش « : « ، صالح محمد خان
« « قندهار « « : « ، میراحمدخان
« « هرات « « : « ، محمد دین خان
« « مزار « « : « ، عبدالهادیخان
« « قطغن « « : « ، غریب الله خان
« ناقلینو عمومی « : ع ، پاینده محمد خان
« « مدیر : ص ، عتیق الله خان
د کرهنی « : ص ، محمد طاهر خان

مونږ به پخواخه نه وی لیکلی او زمونږ لیك به‌وارد واره دسلیمان ماکوله تذکرې څخه چه په (۶۱۲ ه) کښې لیکل شوېده شروع شوی‌وی - داخبره ثابته ده چه په یوه ژبه کښې یو کتاب لیکل له خپل ځانه نخکښې دهغه لیك ډېر عمر ثابتوی ځکه چه دیوه لیك دپاره ډېر مراحل په کاردی ترڅو چه دیوه کتاب دلیکلو استعداد پیدا کړی ، نوداخبره چه «دولت » کړېده او دپښتنا نه شعرا په لمړی جلد کښې هم دحکایت په ډول راغلې ده چه دپښتو د پاره پیرروښان رسم الخط وضع کړ او دپښتو مخصوص توری ئې وټا کل څومره غلطه او بې اساسه معلومېږی ځکه چه دپیرروښان له خیرالبیان څخه څوسوه کاله دمخه دسلیمان ماکو په تذکره کښې چه‌څو مخه ئې دپښتانه شعرا په لمړی جلد کښې زنګو ګراف شویدی د پښتو مخصوص توری شته او داخبره ثابتوی چه داتوری په (۶۱۲)ه کښې هم لیکل کېده نو پیرروښان چه‌په(۹۳۲) ه کښې زوکړیدی څنګه ئې دپښتو دمخصوصو تورو مخترع اودلیك موجد ګڼلی شو .

مونږ اوس دپښتو دلیك دمیلاد کال یاقرن نشو تعینولی مګر دومره ویلی شو چه دپښتو لیکلی آثارله (۶۰۰) ه څخه را پدې خوالږۀ ډېرپیدا کېږی اوباید چه د پښتولیك طبعاً لەدغو آثارو څخه ډېرمخکښې پیداشوی وی .

راغلو اوس دې نورو خبروته چه‌دپښتولیك پخوا څنګه‌و، اواوس څنګه‌دی؟ څه‌څه‌تحولات پکښې راغلی دی اوڅه اصلا حات ئې قبول کړیدی ؟ - داټکی زمونږ په بحث کښې ډېره لویه برخه لری اودموضوع زړه باله کېږی .

کوم زاړه اوقلمی کتابونه چه زمالاس‌ته راغلی دی او دپخوانی نظم یانثرلهجه اوقیافه ورځنی معلومېږی یادتېروخت دلیك ډول څرګندوی دوه رازه تغیر مونږ‌ته ښئی: یوهغه تغیر دی چه دتورو اوحروفو دتبدیل یادتزئید اوتنقیص په سبب په پخوانی لیك او اوسنی لیك کښې لیدل کېږی لکه چه - اوسېږم ، اواوسېدل - دسلیمان ماکو په تذکره کښې (هوسېږم) او (هوسېدل) لیکل شویدی یاپکښې(هواد) (ایواد) او(هیواد) لیکلی دی . بل‌هغه تغیر دی چه دیوه توری دلیکلو په ډول کښې ئې وینولکه (کوڼ) چه پخوا (کوڼ) او (رڼا)(رڼړا) لیکل کېده ، نولمړی تغیر په‌اصل کښې دتلفظ تغیردی چه‌په لیك کښې ښکاره شویدی او دوهم تغیر درسم‌الخط اصلی تغیردی چه داوس اوپخوا وخت په لیك کښې لیدل کېږی .

مونږ دا دواړه تغیرونه او ځینی نور تغیرات چه زمونږ په پخوانیو اواوسنیو آثارو کښې لکه : دلغاتو اومحاوراتو تغیر یادتصریف‌اواشتقاق اختلاف‌اوداسی‌نور... لیدل کېږی دپښتولیك ترعنوان لاندی خپلولستونکوته ښکاره کوواوخپلی‌ژبی‌ته لنږ‌څه په عمومی نظر ګورو .

په دغه کتنه کښې مونږ دخپلی ژبی په هره خوا کښې ځینی تغیرات وینو چه له شپږمی

سدی رایدي خواپیداشویدی - ځینی لغتونه او اصطلاحات چه په پخوانیو کتابو کښې شته په ننني لیك کښې نشته ، هغه تصریفات او اشتقاقات چه (۷) قرنه پخوا کېدل اوس نه کېږی ، کوم لغات چه پخوا په یوه معنی استعمال واوس ئې هغه معنی یا بیخی بدله کړېده یائې عمومیت او خصوصیت موندلی دی دځینی کلماتو توری او حروف هم یا زیات شویدی یائې لږ زوالی پیدا کړیدی ، بعضی تورو خپل ځای نورو تورو ته پرې ایښی دی ، په ځینی الفاظو کښی توری د حرکاتو په ځای لیکل شویدی او په ځینو کښې توری لکه حرکات له لیکلو لوېدلی دی - دغه ټول تغیرات مونږ په درې برخو (لفظی تغیر ، معنوی تغیر ، دلیك تغیر) بېلولی شو .

(۱) لفظی تغیر - کوم تغیر چه دتلفظ له کبله زمونږ په لیکلو آثارو کښې لیدل کېږی هغه په دوه ډوله دی یو هغه تغیر دی چه دلهجې داختلاف په سبب پیداشوی لکه (ښښتن) چه پخوا په ځینو کتابو کښې (تښتن) لیکل شویدی او اوس هم ځینی کسان تښتن وائی مگر لیکی ئې نه اویو ازی همدغه لمړی شکل په ننني لیك کښې غوره شویدی ، یا لکه (کانږی) چه د (کوی) په عوض لیکل کېده او اوس ئې څوك نه لیکی .

بل هغه تغیردی چه دتېر وخت اودنن ورځی په تصریفی اختلاف پوری اړه لری لکه (ومړ) چه زمونږ په زړو آثارو کښې لیدلی کېږی او اوس هرڅوك (مړشو) لیکی - دغه راز نور تصریفات هم شته چه اوس عملاً متروك دی او په ځینو زړونسخو کښې پیدا کېږی لکه (وهېری) چه دمیرزا خان انصاری په دیوان کښې ئې گورو او اوس هرڅوك (هېر کړی) لیکی .

په دغه جمله کښې ځینی مصادرهم پخواو ، چه اشتقاقات ورځنی شویدی او په زړو کتابو کښې شته مگر اوس ئې څوك نه پېژنی لکه : (نغوزل) او (پریملل) چه دمیرزا په دېوان کښې ورځنی (نغو زی - پر یملی) او داسی نور تصریفات شویدی ، دآخوند درویزه په کتاب او داحمد شاه بابا په دېوان کښې هم (دنغوزی) کلمه څوځایه راغلې ده او معلومېږی چه دا کلمه په هغه وخت کښې عمومی محاوره وه او زیاته استعمالېده مگر اوس نه په محاوره کښې شته او نه ئې په لیك کښې وینو - اودغه راز لغات چه پخوا مستعمل و ، او اوس متروك شویدی نور هم ډېردی .

ځینی محاورات هم پخوا و چه اوس نشته لکه (غوزایستل) چه درحمان بابا په دېوان کښې (غوز باسی) (مه غوز باسه) لیدل کېږی او ننني لیکوال ئې په عوض کښې (غوز نیول ، غوز ایښودل) استعمالوی .

دغه لفظی تغیر کله دتورو دتبدیل په سبب ، کله دتزئید او تنقیص په اثر کښې او کله دتقدیم وتاخیر له کبله پېښېږی لکه : لمر ، نمر - اوښکی ، اوښی - ځمکه ، مځکه . . .

(۲) معنوی تغیر - مونږ پخپلو پخوانیو او اوسنیو کتابو کښې ځینی لغات گورو چه پخوا

برای قلب شجاع هیچ چیز محال نیست . (جاکس گرای)

په یوه معنی اواوس په بله معنی استعمالیږی لکه : (هسك) چه د بیت نیکه په منا جات کښې داسمان په معنی استعمال شویدې اواوس ئې لیکونکی په دغه معنی نه پیژنی، یا لکه (څړه) چه د میرزا خان انصاری په دیوان کښې دخالص په معنی راغلی دی او دڅړه رحمت باران لیکل شویدی مگر په دې وخت کښې دخالص په معنی لنږاو بې واده اومجردسړی ته زیات استعمالیږی نو لکه څنگه چه زمونږ ځینی لغاتو دزمانې په اغېزه خپله ظاهری بڼه بدله کړې یا تغیر کړ پدې ځینی لغاتو معنوی تحول کړی اوپه مفهوم کښې ئې تغیر راغلی مگر ددې لا مله چه دا بر خه زمونږ دمقالې له عنوان سره څه ډېر ربط نه لری نو په دې ځای کښې په همدغه اجمالی التفات اولنډ اشارت اکتفا کوو اودموضوع مهم ټکی ته را ځو .

(۳) دلیك تغیر- دلته زمونږ مقصد دا نه دی چه دلیك په شاوخوا کښې عمومی بحث وکړو یا دعمومی لیك تاریخچه ولیکو ځکه چه زمونږ عنوان د پښتو لیك دی نو هغه تغیر چه له (۶۰۰ ه) را پدې خوا د پښتو په لیك کښې لیدل کیږی دبحث وړ دی - کوم تغیر چه مونږ پکښې بحث کوو هغه څه ډېر زیات عمر نلری ځکه چه له دغه وخت ځنی پخوا کوم لیکلی اثر زمونږ په لاس کښې نشته اود پښتو دلیك هغه پخوانۍ دورې زمونږ له نظره تراوسه پټې دی نو نشو ویلی چه په هغو وختو کښې زمونږ خط څنگه و ؟ اوتر شپږم هجری قرن پوری ئې څه تحولات پیدا کړه ؟ - وروسته تر دغه قرنه چه د پښتو دکوم لیکل شوی اثر څه نمونه مونږ سره شته هغه دسلیمان ما کو تذکرة الاولیاده چه د پښتانه شعرا په لمړی جلد کښې ئې گورو ، اوزمونږ دادب تاریخ ترخلورم اودریم هجری قرن پوری دځینو پخوانیو اشعارو په استناد لکه : (دبیت بابا دعا ، د ملکیار غرشین د غزا سندره ، د بختیار عاشقانه نغمه) چه په دغو څوصفحو کښې راغلی دی رسوی .

په دغه موده کښې چه مونږ دخپلی ژبی لیك ته گورو دومره راته معلومیږی چه د پښتو مخصوص توری اوحروف چه په نوروژبو کښې نشته اوپه پښتو پوری اختصاص لری زمونږ په لمړی لیکلی اثر کښې هم شته اوزمونږ دنن ورځی رسم خط څخه (دنوعیت په لحاظ) څه ډېر فرق نلری بلکه ډېر لږ اختلاف موجوددی چه دلته په دوو مادو کښې لیکل کیږی :-

(الف) توری- کوم تغیرونه چه زمونږ په پښتو تورو کښې تراوسه پوری پیښ شویدی هغه دادی :

(۱) ښ- داتوری پخوا پدې ډول (ښ) لیکل کېده او د پښتو ددی نوی نهضت تر دورې پوری په همدغه راز لیدل شویدی مگر دابل صورت هم ورسره ملگری و - پدې نوی نهضت کښې زمونږ اوسنیو لیکوالو بې له دینه چه ددې دواړو صورتو په شاوخوا کښې څه ولیکی اودیوه صورت په غوره کولو کښې څه دلایل قایم کړی عملاً ددوهم شکل طرفدار شوه اولمړی شکل ئې پرېښوده سبائې چه دترجیح دلیل به ئې همداوی چه دوهم شکل بسیط معلومیږی اولمړی له دوه تورو ځنی مرکب ښکاره کیږی ، بل داچه دځینو کلماتو په لیکلو کښې لکه : (کوښ او کونږ) هم لمړی

شکل لنړخه اشکال پېښوی ، نو عملاً داشکل (ڼ) غوره اوهغه بل ترك شو چه اوس نو هغه ټول کلمات چه دا حرف پکښې راځی لکه :

رون - بوڼ - ښېګڼه - بڼ - ګڼ - اوداسی نور . . . . په دوهم شکل لیکل کېږی .

(۲) ځ - دا توری پخوا ډېر ځله اوپه ډېرو کتابو کښې داراز (څ) لیکل شو یدی یعنی د(ځان) په عوض (څان) اود(ځنی) په ځای (څنی) لیدل کېږی مګر اوس هېڅوك د(ځ) په ځای (څ) نه لیکی اودغه دوه شکلونه دوه توری پېژندل شویدی چه یو دبل په ځای کښې هېڅکله نه لیکل کېږی یعنی د(ځار) اود(څار) فرق په لیکلو کښې کېږی اوالتباس نه پېښوی .

داتوری دمیرزا خان انصاری اودولت په دیوانو کښې پدی شکل (د) هم لیکل شو یدی چه صورتئې د(د) دی مګر یو ټکی ورلاندی اینبودل شو یدی لکه چه ددولت په دیوان کښې دا کلمې : (ځای - ځکه - ځیر - وینځه - ځی - ځنی) پدې راز لیکل شو یدی (دای - دك دیر - وینده - دی - دنی) اودمیرزاخان انصاری په دیوان کښې هم یو غزل چه ردیفئې (ځې) دی په همدغه شکل لیدل کېږی چه یوه مصرعئې داده : چه داهسی شان په ناز په کرشمه د دغه راز نور اشعارهم شته چه داتوری پکښې همدغه راز لیکلی دی .

داحمدشاه بابا په دیوان کښې داتوری په دري شعرو کښې پدې راز (د) لیکل شویدی یعنی ددال په شکل چه یو ټکی لاندی اویودپاسه لری چه یو بیتئې دادی :

چه داشان په لاله زار د ـ   دربوهېږم په آزار د ـ

په ځینی پخوانیو کتابو کښې ځینی کلمات چه داتوری پکښې راځی داراز (ز) هم لیکل شویدی لکه (ځمکه) چه په ډېرو دیوانو کښې (زمکه) لیدل کېږی .

زمونږ ددې وخت لیکونکی هر یو ددې دواړوشکلونو یعنی د(ځ - ز) په فرق قایل او ټینګ دی مګر په ځای پېژندلو کښې ئې په یوه ثابت اومعین اساس نه دی روان ، ځینی کسان پدې باب کښې له خپل قرائتی اوتلفظی تدقیق څخه کاراخلی په ځینو کلماتو کښې (ځ) لیکی اوپه ځینو کښې (ز) غوره کوی مګر ددې لامله چه دادواړه توری دهرچا په تلفظ کښې څه ډېر بارز او ښکاره فرق نلری نو برسېره پدې چه نورخونشی قانع کولی پخپله هم په ځینو کلماتو کښې متردد وی نودا کلمات : (ځوی - ځلمی - ګرزی - زری) څوك یوراز او څوك ئې په بل ر از لیکی اوهغه کسان چه (ځوی) په (ځ) لیکی جمع ئې (زامن) په (ز) لیکی بر سېره په دغو شکلو دی توری یو بل شکل هم پیدا کړی و ، چه هغه دا(خ) دی مګر اوس ئې څوك نه لیکی .

(۳) ږ - داتوری ددولت په دیوان کښې پدی ډول هم (ذ) لیکل شویدی یعنی دا کلمات (غوږونه - لږ - کېږی - شپږ - و نغوږی) داسی لیکل شویدی (غوذون - لذ - کېذی - شپذ - ونغوذی) .

(٤) ژ ـ داتوری ددولت په دیوان کښې یدې کلماتو کښې (ژوندون ـ و ژلی ـ ژر ژبه ـ یېژنی) یدې رازلیکل شویدی (زوندون ـ وزلی ـ زر ـ زبه ـ پېژ نی)

(٥) ی ـ داتوری په زړو آثارو کښې پهدوه دوله لیکل شویدی چه معروفه او مجهوله ئې بولی، معروفه په همدغه دول یعنی گرده او مجهوله اوزده لیکل کیده چه اوس ئې مونږ فرق په ټکو باندی پدې دول (ی ـ ې) کوو چه لمړی شکل دمعروفی دپاره اودوهم دمجهولی دپاره تخصیص مونډلی دی ـ پدی اوسنی نهضت کښې دې توری دیوه بل مخصوص آهنگ په لحاظ دوه نور شکلونه هم پیدا کړه چه هغه دادی (ئ ـ ۍ) چه لمړی شکل ته ثقیله او دوهم شکل ته تانیثی (ی) ویل کیږی چه دتلفظ په لحاظ دادواړه شکلونه هیڅ فرق نلری مگر په گرامری لحاظ فرق پیدا کوی یعنی لمړی (ی) په افعالو کښې راځی اودوهم په اسماء کښې نوز مونږ په اوسنی لیك او تحریر کښې داتوری څلور دوله لیدل کیږی سره له دې چه یوه (ی) چه ملینه ئې بولی بې علامې پاتهده.

(ب) کلمات: دپښتوڅینو کلماتو هم په لیکلو کښې نسبت پخواته لږ اودیر فرق پیدا کړیدی او دافرق یادحروفو اوتورو داتصال او انفصال له کبله یادتزئید اوتنقیص په سبب پیدا شویدی چه حرکاتی توری یعنی هغه حروف چه دحرکاتو پهعوض لیکل کیږی دیر تاثیر پکښې لری چه داته لهدوه مادو لاندی بنودل کیږی:

(الف) دتورو تزئید او تنقیص:

(۱) مونږ ـ دا کلمه دسلیمان ماکو په تذکره کښې پدې دول (مږ) لیکل شوېده چه دوه حرفی کلمه بایډ ورته وواېو، وروسته تردې په نورو کتابو کښې یو توری یعنی (و) پکښې زیات شوی او داصورت (موږ) ئې پیدا کړیدی مگر دې لامله چه دا صورت هم دځینو پښتنو دتلفظ په لحاظ نیمگړیو، نویوبل شکل هم په لیك کښې پیدا شو چه هغه دادی (مونږ) پدی نژدی وختو کښې چه په پښتوټولنه کښې دنقد اوتبصرې دځانگی له خوا یولوی مجلس منعقد شو او دتحریری لهجې دیووالی دپاره دځینی اختلافی موادو په باب کښې پرېکړه اوفیصله کېدله دځینی معقولو دلایلو په اثر کښې داهم ومنل شوه چه همدغه روستنی شکل دی واخستل شی اوهغه بل دی ترك شی.

(۲) (دې ـ مې ـ یې) دادرې کلمې چه متصل ضمایر ئې بولی پخوا پدې دول (د ـ م ی) لیکل کیدی او دغه (ی) چه اوس دځینی کلمو په آخر کښې دکسری داظهار دپاره لیکل کیږی چانه لیکله.

دغه راز نور دیر کلمات هم شته چه اوس ئې په آخر کښې یې لیکل کیږی لکه: (هسی ځنی، شی) او پخوا پدې دول لیکل کیدلې (هس ـ ځن ـ ش) یعنی علاوه پدې چه هغه

(یی) به‌ئي نه‌لیکله چه‌د کسري داظهار دپاره‌ئي مونږ لیکو هغه (ی) چه دکلمې جز ده هم نه لیکل کېده دا راز کلمات زشت ډېر دی چه مونږ دلته دټولو لیکل ضرور نه گڼو او په همدغومره نمونه اکتفا کوو، مگر دابايد ووايو چه په دغه پښتوانی رسم‌خط کښې ځینی اشکالات و چه‌اوسنی لیك هغه رفع کړیدی .

(۳) (به ـ په ـ لکه ـ ته) داراز کلمات هم پښتوا پدې ډول (ب ـ پ ـ لك ـ ت) لیکل شویدی اودغه (ه) چه‌اوس دفتحې داظهاردپاره دځینو کلماتو په آخر کښې‌لیکل کېږی اوډېر التباسات رفع کوی په‌پښتوانی رسم‌خط کښې دډېرو کلمو په آخر کښې نشته ، دهمدې لامله (راته ـ زړونه ـ که ـ زمکه) پدې ډول (رات ـ زړ ون ـ ك ـ ز مك) ایکل شویدی او په ځینو ځایو کښې (لو یه) هم (لوی) لیدل کېږی یعنی دغه راز غلطی چه گرامری اساس ته‌ئی زیان رساوه هم په‌زاړه رسم خط کښې شته چه په نوی رسم خط کښې ئی اصلاح شویده .

(٤) (لری ـ کوی) په‌پښتوانیو کتابو کښې ددغسی کلماتو په‌آخر کښې (ن) هم په ځینو ځایو کښې زیات شویدی یعنی (لری) (لرین) او کوی (کوین) لیکل‌شو یدی .

(٥) ځینی کلمات چه‌په اوسنی لیك کښې دمغیره‌حروفو په‌اثر کښې په آخر کښې (و) پیدا کوی لکه : (دځوانانو ـ دیارانو ـ د مومنانو) په‌پښتوانیو کتا بو کښې بې واوه لیکل شویدی یعنی دغه واوچه اوس د کلماتو په‌اخر کښې‌زیاتېږی اودخپل ماقبل ضمه ښکاره کوی په‌ځینو پښتوانیو آثارو کښې نشته .

(٦) چه ـ دا کلمه دسلیمان ماکو په تذکره ددولت په دیوان اودملامست په کتاب سلوك الغزات اوځینی نورو کښې پدې راز (چی) لیکلې ده .

(٧) کښې ـ دا کلمه په‌پښتوانیو کتابو کښې پدې ډول (کښ) زیاته لیدل کېږی مگر په ځینو کتابو کښې لکه دملا جمعه اودولت اواحمد شاه بابا قلمی دیوانونه‌په‌دغه بل‌صورت یعنی پدې ډول (کښې) هم شته اوهمدغه‌شکل دپښتو ټولنی په یوه لوی مجلس کښې چه مخکښې ئې ذکروشو تصویب اوغوره شوځکه چه‌دا کلمه اوس هم په‌تر کیبی صورت کښې لکه کښېناست ـ کښېوتل سره له (يي) لیکل کېږی که‌څه‌هم په‌تر کیبی صورت کښې بی (ی) هم‌لیدل کېږی لکه چه‌دمیرزا خان انصاری اواحمد شاه‌بابا په‌دیوان کښې کښووت لیکل‌شویدی او(کښېښو) پدی راز (کښښو) هم‌دمیرزا په دیوان کښې لیکلی دی دې کلمې دپښتو ټو لنی له تصویب څخه مخکښې‌داوسنیو لیکوالو په‌تحریر کښې‌یو بل صورت‌هم پیدا کړی و ، چه‌هغه‌دادی : (کی)

(ب) دتورو اتصال او انفصال :

دپښتو ځینی کلماتو دتورودا‌تصال‌اوانفصال‌له کبله نسبت پخواته‌تغیر مو ندلی‌چه‌هغه نودادی :

آن دستی که از سیل اشك جلو گیری میکند بهتر از آن دستیست که خون می ریزد .   (منفلوطی)

(۱) له ـ دا کلمه چه دمغیره حروفو له جملې ځنې ده پښتوا به اکثراً په لیکلو کښې له نور و کلمو سره یو ځای لیکل کیږه لکه چه داخوند درویزه په کتاب اودمیرزا خان انصاری په دیوا نکښې له ځینو کلماتو سره پدې راز لیکل شوې ده (لذات ـ لچا ـ لهغو ـ لدیه ـ لکو ر ـ لنو ر چا ـ لیار ـ لخله) او اوس دا کلمات پدې راز (له ذاته ـ له چا ـ له هغو ـ له دې ـ له کوره ـ له نو رچا له یاره ـ له خولې) لیکو .

(۲) به ـ په : ـ دا کلمې چه اوس ئې له بلې کلمې سر ه یو ځا ی نه لیکو پښو اله ډیر و کلماتو سره یو ځای لیکل شو یدی چه مثالونه ئې دادی (بم ـ بو اور ـ بی ـ بکله ـ پو یل ـ پخله ـ پخه ـ پمین)ـ اوس که مونږ دا کلمې لیکو نو پدې ډول یې وی (به مې ـ به واوری ـ به ئې ـ به کله ـ په ویل ـ په خوله ـ په خه ـ په مینه)

(۳) نه ـ دا حرف چه دنفی توری دی او اوس ئې له ځینو کلمو څخه جلا لیکو، پښوا به ور سره یو ځای لیکل کیده لکه پدې کلماتو کښې (نهیڅوك ـ نبی ـ نکه) چه اوس دا راز لیکل کیږی (نه هیڅوك ، نه به ئې ـ نه کا) دا حرف اوس هم له ځینو الفاظو سره یو ځای ایکل کیږی او له ځینو جلاوی یعنی په (نکړی) کښې ئې متصل او په (نه کوی) کښې منفصل لیکو ـ که وو ایو چه ددې حرف په اتصال او انفصال کښې رو ستی توری تاثیر لری خو پدې دواړو کلمو کښې روستی توری همدغه یو کاف دی چه هیڅ تغیر ئې نه دی کړی داهم څوك نشی ویلی چه د روستی کلمې کلموی کیفیت څه اغیزه پکښې کوی ځکه چه (کړی) او (کوی) دواړه یو را ز فعل گڼل کیږی هسې نه چه یوه کلمه فعلی او بله اسمی کیف لری .

همدغه راز (مه) چه دنهی او منع کولو حرف دی په (مه کوه) او (مکړه) لکه (نه) متصل او منفصل لیکل کیږی .

دغه ډول واړه واړه شیان نور هم پیدا کیږی چه زمونږ دلیك یو راز والی خرابوی او درسم خط بې نظمی ورځنی څر گندیږی ، مگر دالا زما په نظر کښې دومره مهم نه ښکاره کیږی او هغه شیان چه دتلفظ داختلاف په لمسون دلیك داختلاف باعث شو یدی لکه چه دنن ورځی په لیك کښې ډیر مثالونه لری ، څوك (ویاله) او څوك (واله) او ځینی (بیاله) لیکی ـ همدا رنگه (وموند ـ ومیند ـ ونیت ـ ومینت ـ رنیا ـ رونیا ـ پنگه ـ یانگه) او دا راز نور کلمات هر څوك پخپله خوښه په بیل بیل راز لیکی او زمونږ دلیك یو راز والی ته ډیر ضرر او زیان رسوی ـ دا راز شیان زمونږ په پخوانی لیك کښې نسبت دی وخت ته ډیر لږ پیدا کیږی ځکه چه اکثر دغه راز کلمات چه په او سنی لیك کښې دوه یا دری صورته لری په پخوانیو اوزړو آثارو کښې په یوه صورت لیدل کیږی یعنی څومره چه په هغه وخت کښې ممکنه وه ادبی او معیاری لهجه موجوده وه چه په لیك کښې به ئې مراعات کیده لکه چه له رحمان بابا نه نیولی دسلیمان ماکو پورې تو لو لیکونکو له ننگرهاره تر قندهاره یو راز (وشو ـ شی ـ شته . . . .) په شین لیکلی دی ـ دغسی ځینی نوری کلمې هم شته چه درحمن بابا او لو ی احمد شاه بابا په دیوانو کښې ډیرډیر ځایو نه

په یوه راز لیدل کیږي او سړی گمان کوي چه دادواړه دیوانونه په یوه سړي لیکلي وي یعنی (بخره نمر ، ویاله ، اوښی ، وکړ ، زمکه ، ورځ ، وېره ، اوده ، زېړ ، موندل) په دغو دواړو دیوانو کښې په یوراز لیکل شویدي او که همدغسې پسې ځونو دسلیمان ماکو په تذکره کښې ئې هم موږ مگر دبې اطلاعۍ له کبله دپښتو دنهضت په روستۍ دوره کښې دغه ادبي وحدت اودلیك یووالي ورووروپه لته وهل شویدي اودغه یوه لویه لاره په ډېرو کوڅو او کږووږو لارو بدله شوېده اوپه کور کښې کور کی جوړ شویدي .

په دغه راز کلماتو کښې که سړی وغواړي چه یو صورت غوره کړي اوپه لیك کښې په عمومی ډول قبول شي دلته دوه اشکاله پېښېږي: یو داچه هر لیکونکی ته طبعاً هماغه صورت مقبول اوښایسته ښکاري چه دده په ژبه اوزده کښې ځای لري اوخپل ورته ښکاري . بل داچه ددغه راز کلماتو دیوه صورت په انتخاب کښې صحیح فیصله چه په علمي اساس بناوي په ځینو ځایو کښې گرانه معلومېږي ، مونږ کولی شو چه په بعضی الفاظو کښې دگرامر په لار ښودنه یا دپخواني ادبي لهجې په قبلولو یو صورت غوره کړو ، مگر کله کله له داسې اختلافي صورتونو سره هم مخامخ کیږو چه هلته دترجیح وجه سړی سمدلاسه نه مومي اودې ته احتیاج پیدا کیږي چه دژبې په ریشه کښې ښه تحقیقات وشي او اصلي صورت له نورو صورتو څخه دفیلولوجی اوعلم الاشتقاق په اساس وپېژندل شي .

نومونږ باید دخپل لیك اصلاحات له هغه ځایه شروع کړو چه هلته دفیصلې اساس شته یعنی هغه اختلافي صورتونه چه زمونږ په پخوانۍ ادبي لهجه کښې نشته او اوس پیداشویدي او صحیح مقنع دلائل ئې هم ایجاب نه کوي یا هغه لهجوي تغیرات چه قواعد او گرامر ئې نه مني اودلیك یوراز والی خرابوي باید له خپل لیك څخه وباسو اوورو وروپه ژبه کښې یوه لهجه چه هر څوك ئې په لیك او تحریر کښې مراعات وکړي پیدا کړو .

زمونږ دتحریري لهجې په گډوډولو کښې دخپل او مفغن کلمات هم ډېر تاثیر لري او دلیکونکو داختلاف موجب گرځي یعنی ځینې کسان (خلق) او ځینې (خلك) لیکي ، مگر دقلم په لیکلو کښې هیڅوك د(کلم) طرفدار نه دی او باید چه نه وي ځکه چه دخپل لغت باید پخپل اصلي صورت ولیکل شي اوله مفغناتو ځنې ئې فرق وشي هسې نه چه (کلم) ، مفغن وبولو او په تحریر کښې حق ور کړو نو هر کله چه قلم په قاف لیکو خلق به څه دلیل خلك لیکو مگر دلته یوه خبره شته چه خلك او کلم سره له دې چه په دواړو کلمو کښې عام پښتانه قاف په کاف بدلوي او دنوعیت په لحاظ هیڅ فرق نلري بیا هم فرق لري که یو سړی (کلم) ولیکي بنائي چه هر څوك وربانډې هاها جوړه کړي مگر هغه لیکونکی چه خلك لیکي هغه ته څوك څه نشي ویلی بلکه دې لا به (خلق) لیکونکو اعتراض کوي ، داځکه چه یوه کلمه په تحریر کښې په بل څېر داخلول هرچاته بدایسي مگر هغه الفاظ چه پخوا په لیك کښې راغلي دي که څه هم څه منطقي دلیل ونلري څوك ئې دومره ډېر مخالفت نه کوي نو ددې دپاره چه زمونږ په لیك کښې یوراز والی پیداشي دا راز شیان هم دبحث وړدي .

اگر رحمت وشفقت راهی بدلها میداشت محنت وشقا درقلوب نمی‌گنجید . (منفلوطی)

رتبیل شاهان

کابلی

بناغلی احمدعلی خان « کهزاد »

پرده های تاریکی که مرور قرون متمادی روی صفحات درخشان تاریخ افغانستان گسترانیده بود درین چند سال در اثر زحمات وتتبع مشتی‌از جوانان کم کم بر داشته شده وامروز بصورت غیر محسوس روشنی خفیفی بنظر میخورد که‌باوجود کمی نور قدم های لرزان ما را بطرف حقایق مسلمه رهنمونی میکنند .

آنها ئیکه در تاریکی محض قدم برداشته‌ورفتند تااین چراغ کوچك وکم‌نور را بدست آوردند امروز بااطمینان قلب وقدم‌های متین وسنجیده بیشتر میروند ویقین است که فردا اولادان متتبع وخردمند افغانستان باافکار تازه ووسایل مکمل‌تر علمی شروع بکار نموده ، حیثیت مقام ورول تاریخی افغانستان رادرخودکشور در صحنهٔ آسیا ، در تاریخ عمومی دنیا تعین خواهند کرد .

بناغلی احمد علی خان « کهزاد »

یکی‌از دوره‌هائیکه در تاریخ کشور ما تاکنون بر آن‌روشنی کامل انداخته نشده‌است همین‌دورهٔ‌است متصل بظهور و نشردین مقدس اسلام که‌باوجود بودن پارهٔ‌معلومات‌متفرق بکلی تاریك مانده‌وجرقه‌ئی که درین تاریکی بنظر میخورد همان‌نام وکلمهٔ کوچك « رتبیل » است که حتی‌معلومات‌مندراطراف رسم‌الخط وتلفظ صحیح‌همین یك‌کلمه‌هم در شبهه وتردید است.

بعداز سقوط هیاطله‌دراثر ظهور توکیوها (ترکان غربی) و ساسانی ها وچینی ها حفاد کوشانی‌های خوردواختلاط این‌همه‌عناصر متفرق وضعیت طوری پیچیده‌ودرهم و برهم میشود که‌روشن نمودن حقایق ازمیان آن‌کار آسان نیست . از نقطهٔ نظرعرق کوشانی ، هیاطله زابلی ، ترکی ، بهم مخلوط شده واز پهلوی دیانت بودائی ، برهمنی وهندو و پیروان آفتاب

مختلط گردیده ومنابعی‌هم که‌در دست است چه‌چینی چه‌ترکی ، چه کشمیری وهندی و چه عربی وفارسی هر کدام شاهان وسلاله های سلطنتی را به اسم ونام ونشان علیحده یاد میکنند . اگر قضایافقط از یکطرف یعنی به‌استناد یکی ازمأخذ سنجیده شود شاید راهی بدست آید ولی اگر قرار باشد که موضوع در روشنائی همه مدارک دیده شود وباید هم‌دیده شود وبهم تطبیق گردد کارخیلی مشکل میشود ولی‌چون یگانه راه تحقیق همین‌است بدان اقدام میکنیم امید است درین دورهٔ خیلی مهم تاریخ کشور ماهم روشنی بیفتد و روزنهٔ کوچکی برای تحقیقات آینده باز شود .

❀ ❀ ❀

دراطراف نام «رتبیل»

خاطرات ملی بعد ازهزار سال اسمائی ازقبیل رتبیل ، زنتبیل ، زنبورك وبعضی و اقعات بزرگ مربوطهٔ آنها مانند ساختن دیوارهای بالای کوهای کابل وعجله‌ئی که‌در آبادی، واتمام آن درکار بود بیاد دارد . این خاطره های کوچك و پراگنده یادی از همان دورهٔ تاریخ ماست که‌میخواهیم حتی‌الامکان‌دراطراف آن‌روشنی بیندازیم .داستان‌های‌عوام‌رتبیل، زنتبیل زنبورك همه را (شاه) وقلهٔ بلند دنبالهٔ کوه شیردروازه را که فراز (جبه کهنه) یعنی بالای یکی ازموقعیت‌های قدیم شهر کابل واقع‌است‌بنام «تخت زنبورك» یادمیکنند وازخود کلمهٔ «تخت» هم معلوم میشود که «زنبورك» شاه بوده وچون شاهان ما یادگار های زیادی در کهستانات مملکت ازخودباقی گذاشته‌اند بدون چون‌وچرا میتوان‌گفت که‌قلهٔ مذکوریکی از تماشا گاهای زنبورك شاه بود وچون مقصد در ینجا صحبت دراطراف خودنام است بدان عمیق میشویم : در خاطرات عامیانهٔ مردم کابل نسبت به رتبیل وزنتبیل ، اسم زنبورك بیشتر عمومیت دارد . درآثار وکتب چاپی مخصوصاً منابع‌عربی ازقبیل فتوح‌البلدان بلاذری ، کامل ابن‌اثیر وطبری وغیره این اسم بصورت (رتبیل) ضبط شده بعضی مأخذ وآثار فارسی که‌ازین عصر وازین شاه ودودمان او صحبت مینمایند این اسم را به صورت های مختلف قید کرده اند ابو سعیدعبدالحی بن‌الضحاك بن‌محمود گردیزی درزین‌الاخبار که‌تاریخ تالیف آن‌را به‌٤٤٠ هجری نسبت میدهند اورابه‌اسم «رتبیل» خوانده چنانچه بطورمثال گوید (١) : « . . . . پس ازسیستان به‌بست آمد وبست‌را بگرفت وازانجا به‌بنجوای تکین‌آباد آمد وبارتبیل حرب‌کرد وحیله‌ساخت ورتبیل را بکشت وبنجوای برخود بگرفت . . . . »

تاریخ سیستان که‌به‌تصحیح ملك‌الشعراء بهار درطهران به‌سال ١٣١٤ شمسی بطبع رسیده

---

(١) صفحهٔ ١١ ، کتاب زین‌الاخبار تالیف ابوسعید عبدالحی بن‌الضحاك بن‌محمود گردیزی به‌سعی واهتمام وتصحیح محمدناظم طبع برلین سنه ١٣٤٧ هجری مطابق ١٩٢٨ .

ع ، ج فضل احمد خان مجددی دعدلیه وزیر
S.EX. Fazl- Ahmad Khan ministre de la Justice.

د عدلیه وزارت

وزیر : ع ، ج فضل احمدخان مجددی

معین : ع ، ص امین الله خان

دتمیز رئیس : ج،ف مولوی عبدالربخان

دتمیز اود جمعیت العلماء

معاون : ف،مولوی صالح محمدخان

د جمعیت العلماء

منشی : فاضل عبدالکریم خان « گدا »

داجرائیې او

مامورینو مدیر : ص ، محمد میر خان

دتحریرات او

داوراقو مدیر : « ، عبدالسلام خان

د تمیز دریاست

مدیر : « ، محمدشریف خان

د کنترول مدیر : « ، محمد ناصر خان

د جمعیت العلماء

رئیس : . . . . . .

ودرحدود بین ٤٤٥ـ٧٢٥ هجری تالیف‌شده این‌نام‌را گاهی بصورت (زنتبیل) گاهی (زنبیل) ضبط کرده وحتی در دوسطر پشت‌هم ، هم این کلمه به‌املای متفرق نوشته شده مثلاً را جع به آمدن ربیع‌الحارثی به سیستان ضمناً چنین مینگارد ، (٢) « . . . . واندر سنه سبع واربعین به بست واخدوان ناحیت‌شد وآن‌زنبیل که رفته بود باا‌وحرب کرد وزنبیل ازپیش او برفت وبزمین هند روان شد . . . . »

دورهٔ که دراین مقاله میخواهیم مطالعه کنیم دوره ایست که درمیان دو دین و دومذهب واقع شده . می‌شد که این دوره را میان دوچیز دیگر هم قرار داد ولی چون تاریکی ها وخالیگاهای تاریخ‌چهار گردمارافرا گرفته عجالتاً چوکات را وسیع‌تر گرفتیم تاباسیرمطالعات ونزدیك ساختن وقایع حدود محدودتری برای آن تعین‌کنیم . علاوه برین این دوره‌را ازین جهت‌هم‌درچوکات بزرگ‌میان‌دومذهب قراردادیم که‌قسمت بزرگ‌حوادث آن قسمت حوادثی را که شاید بواسطهٔ ضیقی جای درین مقاله گرفته نتوانیم ، واقعات جنگ های مذهبی تشکیل داده زیرا رتبیل‌ها همان شاهانی هستند که ازسال‌های ٣٢ هجرت تا فتح کابل بدست یعقوب بن‌لیث صفاری در٢٥٨ هجری مدت ٢٢٨ سال باژنرال های عرب مقابله کرده اند در حقیقت این دوره دوصفحه از تاریخ کشور وورقی از زندگانی ملی ما را تشکیل داده است ، یکی بدیگری‌مربوط است ، یکی به‌دیگری‌پیوسته است ویکی بدون‌دیگری فهمیده ونوشته نمیشود .

☼ ☼ ☼

معمولاً چنین تصور میشود که بعد ازکوشانی های بزرگ که بیش ازدوقرن (ازاوائل عهد مسیح‌تاربع اول‌قرن‌سوم) رول مهمی درین‌گوشهٔ آسیا بازی کرده اند روح مملکت‌داری نظام سلطنتی ، تشکیلات اداری ومقاومت نیروی‌ملی بکلی ازبین رفته و جز مشت تیول نشین دردره های صعب‌المرور کسی دیگری باقی نمانده است تا اینکه چندین قرنی میگذرد وآئین اسلامیت رواج می‌یابد و درمقابل عمال خلفای عباسی مردم جنبشی بخود داده و طاهریان ، سامانیان ، صفاریان روحیات ملی‌را بیدار می‌سازند . این‌مفکوره اگر باحقایق و اقعات ، همان حقایقی که‌درك آن بعلت تاریکی عمومی کمی مشکل است ، سرداده‌شود معلوم میشود که‌هیچ گاهی کشور کهستانی‌ما آریانا ، خراسان ، افغانستان فاقدنیروی‌قومی ، زمامداران وزعمای ملی ، تشکیلات سلطنتی نبود تنها چون «آشیانهٔ عقاب» نسبتاً ازنظر های مورخین کلاسیك یا مورخین قرون وسطی دور افتاده بود حقایق مسلمه پوشیده ماند وگرنه بروز هنگامه های بزرگ خارجی که‌چون موجی آمده وبه جدارهای سنگی این‌مملکت خورده وعقب رفته وسیر آن بالکل معطل ویابطی وکند شده ویارنگ محلی‌اختیار نموده است خود بخود نشان میدهد

(٢) صفحهٔ ٩ تاریخ سیستان .

که مرکز اداری سلطنتی وقوای محتشم بزرگ ملی همیشه درعقب دیوارهای سنگی این سرزمین وجود داشت ودرمقابل هرپیش آمدی اثبات وجود میتوانست .

❀ ❀ ❀

چیزیکه درباب تاریخ سیستان قابل ملاحظه است این است که این اسم را به ضبط معروف آن رتبیل یك دفعه هم ذکر نکرده است .

❀ ❀ ❀

درنسخهٔ مجمل‌التاریخ پاریس صفحهٔ ۲۴۷ (۱) این اسم بصورت رتبیل قید شده وگوید : « . . . پادشاهان زمین کابل وسندرا رتبیل گویند . »

❀ ❀ ❀

قراریکه آقای ملك‌الشعرا بهار درپاورقی (۲) صفحهٔ ۹۱ تاریخ سیستان مینگارند چنین معلوم می‌شود که دریك‌نسخه ترجمهٔ طبری که دراواخر یااوائل قرن ششم هجری نوشته شده همه‌جا این اسم (زنتبیل) ضبط‌شده ویکجا هم (زنده پیل) آمده . دراین پاورقی آقای بهار به‌این نتیجه میرسد « که اصل این کلمه زنتبیل بوده وزنتبیل همان زنده‌پیل‌است که درادبیات فارسی هم مکرر درتعریف پهلوانان استعمال شده . . . »

❀ ❀ ❀

دریك نسخهٔ دیگر ترجمهٔ طبری که آقای‌بهار دیده ومتعلق به کتابخانهٔ معارف مشهد است این‌اسم را زنبیل قید کرده اند .

❀ ❀ ❀

قراریکه ازروی پاورقی های صفحهٔ ۴۱۷ جلد دوم تاریخ هند تالیف هلیو بر می آید واصل آنها متاسفانه نزد نگارنده نیست این اسم را مولفین غربی هنوز هم بصورت های مختلف تر دیگری قید کرده اند .

❀ ❀ ❀

اوکلی Ockley درتاریخ سراسن‌ها (۲) صفحهٔ ۴۹۰ شاه مذکور را « زنتیل Zentil » خوانده . ویل Weil درتاریخ خلفا (۳) بزبان جرمنی صفحهٔ ۴۴۹-۴۶۱ او را به نام « زنبیل Zenbil » یاد کرده .

❀ ❀ ❀

رینیو Reinaud درخاطرات هند (۴) صفحه ۷۱-۷۲-۱۷۸ (رتبیل Ratbil و « زنبیل Zenbyl » خوانده .

---

(۱) صفحه ۴۱۷ جلددوم تاریخ هند تالیف سر ، اچ ، هلیو .

(۲) Hiotory of the Saraceus Bohis Edit.

(۳) Cejeschichte de Chalifen.

(۴) Memoire sur l'inde.

توماس E.Thomas درژورنال انجمن شاهی آسیائی جلد۱۲ صفحه ۳٤٤(۱) شاه موصوف را « رتپیل Ratpil » یاد نموده .

❀ ❀ ❀

پرایس Price در تاریخ قدیم مسلمانان(۲) صفحه ٥ـ٤٥٤ اسم شاه را بصورت های(رتیل Reteil) ، (راتیل Ratteil) تذکار داده .

❀ ❀ ❀

ابن خرداد به (Oxford Ms) صفحه ۲٦ می نویسد : « ملك سمر قند طرخان سکستان رتنل) املای اسم شاه باوجود یکه سه دندانه دارد فقط دونقطه ت بالای خانهٔ وسطی گذاشته شده وموسیو میتا رد Meytard درژورنال ازیاتیك سال ۱۸٦٥ صفحه ۲٥۱ از فقرهٔ فوق « پادشاه سیستان رتبیل » استخراج وترجمه کرده است .

❀ ❀ ❀

ازروی صفحه ٤۱٦ جلددوم تاریخ هند تالیف هلیو چنین برمی آید که تاریخ (الفی) که ازان درپاورقی اسم برده شده اسم شاه کابل را بنام «رنبل Ranbal» یاد کرده .

❀ ❀ ❀

مولانا نورالدین محمدعوفی درجامع الحکایات خود قسمت اول باب سیزد هم ، حکایت ۲۱ (۳) تحت عنوان یعقوب لیث وروسل قصهٔ جالب توجهی ازملاقات موسس سلالهٔ صفاری و پادشاه کابل نقل می کنند که شاید از روی متن انگلیسی ترجمهٔ آن را بجای منا سبت بد هیم درین حکایت پادشاه کابل که مصروف مطالعهٔ اسم او هستیم بصورت (روسل) یاد شده .

❀ ❀ ❀

تاریخ هندوسند یافتحنامهٔ سند که به چچنامه معروف شده و درسنه ٦۱۳ هجری از طرف علی بن حامد بن ابی بکر الکوفی از روی نسخهٔ اصل عربی درعصر ناصرالدین قباچه ترجمه شده است درمواد مختلف ازیکی ازپادشاهان سند بنام (راسل) یاد کرده و این کلمه دربعضی نسخه های خطی این کتاب بصورت(رائیل) هم تحریر یافته وطبری همین(راسل) را « ملك السند » خوانده (٤) ازروی یك مکتوبی که محمد قاسم فاتح سند برای حجاج فرستاد . چنین معلوم می شود که همین پادشاه بنام « بسامی راسل » یا « بشامی راسل » هم خوانده شده وملوك

(۱) صفحه ۳٤٤ Journal of the Royal Asiatic Society Vol ×11

(۲) Retrospect of the Mohammedan History Vol I.

(۳) صفحه ۱۷٦ جلد دوم تاریخ هند تالیف سر، اچ ، هلیو

(٤) صفحه ۲٥۹ چچنامه .

هندوسند تابع او بودند (۱) ودرین وقت هنوز مسلمان نشده بود وکشورش بدست مسلمانان نه افتاده بود .

❀ ❀ ❀

پرفیسر «ولسن» در «آریانا انتیکوا» صفحه ۱۳۳ درباب این پادشاه می‌نویسد : « . . . دراخیر قرن ۷ م مسلمانان در کابل حتی درشمال کوها به‌بت‌پرستانی مقابل شدند که پادشاه آنها (رتنه پاله Retna-pâla) نام هندی داشت وابن حوقل که نگارشات او تحمیلاً مربوط به قرن ۱۰ م است می‌نویسد که مسلمانان زمانیکه حصار شهررا متصرف شده بودند خود شهر هنوز بدست بت‌پرستان یعنی اهل هنود بود . . . »

درپاورقی نمره یك همین صفحه نام شاه کابل را شرح داده مینویسد : « که مولفین اسلامی این اسم را بصورت رتبل ، رتپیل،رتبل، رنتل‌زنتیل وغیره قید کرده‌اندواین‌اختلافات املاناشی خاصیت‌حروف رسم الخط فارسی‌است . «پرایس» میگوید که این نام یاتاتاری ویاهندوئی است ودرهندوبودن آن شبهه نیست واصل آن رتون پال Rutun-pâll یا«رتنه پاله Retna-pâla» بوده وقراریکه پرایس بملاحظه میرساند خانوادهٔ این شاه «دربخاریا Bokharia » املا کی داشتند . . . . »

❀ ❀ ❀

از روی پارهٔ ماخذی که فعلاً دردست نگارنده میباشد ازین بیشترنمیشود دراطراف نام « رتبیل » چیزی نوشت البته این هم بجای خود کافی وتا اندازهٔ زیاد نظر یات مارا راجع به نام « کابل شاهان» این وقت وسعت می بخشد . تاجائیکه عجالتاً قضاوت میتوان کرد این نام اسم خاص کدام شاه کابلی نبوده بلکه عنوان یك دودمان بزرگ‌است که ماخذ عربی بیش ازدوصد سال ازان ها صحبت میکنند وبدون‌اینکه اینجادقیق شویم‌گفته میتوانیم که ازسال‌های اول هجرت تازمان سلطنت یعقوب بن لیث صفاری درسیستان درتمام این مدت طولانی رتبیل شاهان بین هامون سیستان وسند حکومت نموده اند واین خود دلیلی است واضح که این اسم اسم خاص یك شخص نبوده بلکه اسم یالقب دودمانی بوده که پادشاهان کابل وزابل ورخد وسیستان‌وزمین داور بدان یادمیشدند . شاید اسم اولین‌پادشاهی هم باشد که سرداران عرب درسیستان ودلتای هیرمند بار اول باحکمرانان یاشخص خود اومصادف شده و پسان ها اولادهٔ اورا تازمان آخرین فتح کابل بدست یعقوب‌لیث همان یك نام‌یاد کرده رفته‌اند . بعد ازینکه جنوب هندوکش به تدریج ازسواحل هامون سیستان دراثرپیشرفت مسلمین‌ازدست ایشان برامد بطرف شرق پسپا شده رفته درکشمیر وسند واراضی ماورای آن درقلمروهای نسبتاً کوچك

(۱) صفحه ۱۲٦ چچنامه

ومحدودی بنام «ملك سند» سلطنت خود را ادامه دادند. چون از روی الهند البیرونی ومسکوکات وازروی اشارات مورخین عرب راجع به دین آنها میدانیم که درین وقت سلسلهٔ برهمنی یا هندو در کابل به سلطنت رسیده بود احتمالات زیاد به این دلالت میکند که این اسم اصلاً هندوئی بوده باشد .

قلمرو سلطنت : اگر چه معمولاً خاطره های ملی ومخصوصاً داستان های عامیانهٔ اهالی کابل رتبیل زنتبیل وزنبورك شاه را که مقصد ازان دودمان رتبیل شاهان کابل باشد، شاهان کابل میدانند ولی در حقیقت دامنهٔ حکم فرمائی آنها از کابل حتی به معنی جامع آن هم خیلی ها وسیع تر بود قراریکه ازمنابع مختلف عربی معلوم میشود شاهانیکه به لقب رتبیل یا بیکی از صور مختلف آن یادشده اند درمقابل سرداران عرب وسپاه ایشان ازیك منطقهٔ بسیار وسیعی دفاع میکردند که ازهامون سیستان تا کوهای کابل وحتی تاسواحل سند انبساط داشت . قراریکه درصفحات پیش ذکر شد مجمل التواریخ رتبیل را پادشاه «زمین کابل وسند» خوانده و چچنامه راسل را بصفت «ملك سند» یاد نموده . ملك الشعراء بهار ایشان را پادشاهان «کابل وسجستان ورخج (۱) میداند .

همین قسم که کابل غیر از شهر مفهوم جغرافیائی مختلفی داشته و «زمین کابل» یا «کابل زمین» علاقهٔ وسیعی را در برمیگرفت رخج یا رخد یعنی زمین داور وقندهار فعلی وسجستان یعنی حوزهٔ سفلی هیرمند وسیستان هم رقبه های مختلفی را احراز کرده و وقتی هم بوده که تمام اراضی جنوب هندو کش از حدود کرمان گرفته تا کشمیر ولب دریای سند و از زمین داور گرفته تاسرحد مکران حتی تا اوقیانوس بنام سیستان یادمیشد چنانچه تاریخ سیستان عین این حدودرا درصفحهٔ ۲۵ چنین قید کرده : « وحدشرق اقصی کشمیراست تالب دریای محیط وازسوی غرب زان سوی سپه (۲) .. » احیاء در ورق ۹ می نویسد (۳) : « حدسیستان از کشمیر است تالب دریا وحد مغرب سیستان کرمانست وحد شمالی اسفزار و جنوبی سند و ناحیهٔ سیستان شانزده است ... »

عین این قطعه راصاحب کتاب الخراج ، بوالفرج بغدادی بنام (نیم روز) یاد کرده وآن اصطلاح جغرافیائی است درمقابل باختر که حصص شمالی هندوکش به جمع باختر وقسمت جنوبی آن به اسم «نیمروز» یاد میشد وجه تسمیهٔ نیمروز شرح مفصل تری دارد که اینجا بدان کاری نداریم ومربوط به مبحثی که تعقیب میکنیم این قدر باید گفت که سیستان و نیمروز یك مفهوم

(۱) صفحهٔ ۹۱ تاریخ سیستان پاورقی دوم .
(۲) ازمحال سیستان بوده واسفه وسفه هم خوانده شده .
(۳) تاریخ سیستان پاورقی دوم .

جغرافیائی خاص داشت عبارت از سیستان ودیگر مفهوم عام به معنی جامع ترکه حدود آن شرح یافت وشامل بست ، رخد ، کابل ، زابل ، نو زاد ، زمین داور ، اسفزار و حاشیهٔ باریکی ازجنوب غور وگردیز وغزنی وقسمتی ازبلوچستان تاحدود مکران بود « لو ستر انج » درنقشهٔ سوم کتاب اراضی خلافت شرقیه حدشمالی این قطعه‌را که‌بطول بین هامون و رود سند انبساط دارد باخطی معین کرده که از جنوب اسفزار وحدود جنوبی غور به رود خانهٔ پنجشیر تماس نموده وخود رودخانهٔ کابل بقیهٔ آن‌را تارود خانهٔ سند معین نموده است . به این ترتیب اگراراضی مذکور باتشکیلات ونام‌های جغرافیائی امروز تطبیق‌شود چنین برمی آید که رتبیل به‌سیستان‌افغانی وسیستان‌فارس ، ولایت‌قندهار ، زمین‌داوروپشت‌رودوگرشك وفراه وارزگان ، دیراوت ، قلات غلزائی ، مقر ، غزنی ، کابل ، سمت‌جنوبی وننگرهار وحصهٔ از بلوچستان تاحدود مکران سلطنت وحکم فرمائی داشت .

پایتخت.دودمان‌رتبیل پوره‌معلوم نیست . درجنگ هاباعراب چه‌دربست چه‌درزرنج چه دررخد وکابل وگردیز درهمه جاشخصاً خودشاه‌حضور داشته‌وازاو اسم برده‌شده است اکثر احتمالات به‌این‌دلالت میکند که کابل‌مرکزوپایتخت آنهابوده‌باشد زیرابخصوص‌آبنام‌پادشاهان (کابل‌زمین) یادشده اند والبیرونی درین وقت‌ها در جنوب هندوکش محض‌از (کابلشاهان) اسم می‌برد ویادداشت های‌هیوان - تسنگ هم‌درسال های که‌مشرف به‌ظهوراعراب درسر حدات غربی خراسان میباشدودولت کاپیسارا‌چنان‌مقتدرتصویر میکند که « ممالك همسایه‌ازبیم آن بجان می‌ارزیدند »

☼ ☼ ☼

مقام رتبیل شاهان در سلسلهٔ تاریخ افغانستان :

موضوع‌بسیارمهم‌ومشکل که‌تاحال‌مطالعه وحل‌نشده‌وحل آنهم‌باوضعیت موجودهٔ معلومات ما مشکل است این‌است که‌رتبیل شاهان درسلسلهٔ خانواده های سلطنتی ، آریانا ، خراسان ، افغانستان عبارت ازکی‌بوده وبکدام‌سلسله تعلق‌میگیرند ؟ منابع‌غیرعربی راجع به آنها چه میگویند وتاکدام اندازه میتوان این‌مدارك را باتنگارشات مورخین عرب سرداد .

درین شبهه‌ئی نیست که‌اگر مطالعهٔ موضوع بصورت منفردومستقل مدنظر می بود شهادت مورخین عرب آنهم ازچندین زبان کفایت میکرد ولی چون ربط موضوع به‌سلاله های سابق وقدیم کشور درکرونولوژی تاریخ عمومی افغانستان‌اهمیت زیاددارد ومورخین‌عرب‌ازسلاله هائی که‌پیش ازنشر دین مقدس اسلام در کابل زمین سلطنت نموده اند اسم نمیگیرند ناگزیریم به‌منابع دیگر هم‌رجوع کنیم تاسررشته بدست آید ومطلب خوب‌تر فهمیده شود .

پیشتر اشاره نمودیم که‌بعد ازسقوط کوشانی های بزرگ درربع اول قرن سوم مسیحی

دودمان دیگری در کابل واراضی متصلهٔ آن به سلطنت رسید که بنام (کوشانی های خورد) یا (کیداری) یادمیشوند این خاندان احفادمستقیم همان کوشانی های بزرگ اند که در شروع دوره فترت شاخهٔ باختری وکابلی بهم متحد شده وتقریباً یك ونیم صد سال در تاریك ترین دورهٔ تاریخ افغانستان تاربع اخیر قرن چهارم مسیحی سلطنت نمودند .

چون ساسانی ها بیش ازبیش جسارت می نمودند هیاطله درین وقت از کهستانات بدخشان فرود آمده فارسی ها وگوپتاهای هندی رادرخاك های خودشان عقب نشانیده وتااواسط قرن ٦ مسیحی ادارهٔ مملکت بدست ایشان بود .

مقارن به این وقت درمنگولیا وآسیای مرکزی اقوام زردپوست ژوان ژوان ها وتیو کیوها سراشغال اراضی درزدوخورد شده وبدون اینکه اینجا تفصیل داده شود تیو کیوها بطرف غرب تغیر محل داده رفتند ودو امپرا طوری بنام تر کان شرقی وغربی در صحنهٔ پهنا ور آسیا تشکیل دادند وایستامی خاقان ترکان غربی با خسروانوشیروان ساسانی اتحادی بسته و دولت هیاطله را درحوالی ٥٦٦ مسیحی مضمحل نمودند ودیری نگذشته بود که دراثر تمایل ایستامی به دولت رم شرقی (بیزانس) اتحادترك وساسانی برخورده و (تیو کیوها) یعنی ترك ها درتخارستان وباختر وازآنجا به جنوب هندوکش نفوذ یافتند وساسانی ها به حواشی غربی پسپا گشتند ومقارن به این وقت چینائی ها هم در تخارستان ظهور کردند به این ترتیب بعد از هیا طله عناصر ترکی هم پیدا شد واین عناصر کم وبیش باقبایل زابلی هیاطله ودیگر شاخه ها وعشایر آن وبا کوشانی ها که به تعداد زیاد در دره های جنوب هند و کش سکنی داشتند و مخصوصاً بعد ازسقوط هیاطله از نقاط مرتفعه وقلل جبال شرقی آریانا فرود آمده بودند مخلوط شده وازاختلاط آنها عنصری بمیان آمده است که عرق کوشانی وزابلی درآنها بیشتراست وبعداز ٥٦٦ یعنی بعدازتاریخ سقوط هیاطله زمام حکم فرمائی جنوب هندوکش عموماً بدست آنها بوده است ودودمان سلطنتی رتبیل شاهان کابل که مصروف مطالعهٔ آن هستیم ازنقطهٔ نظر عرق مربوط به همین عنصر محلی میباشد که درجنوب هندوکش مخصوصاً درعلاقهٔ کابل وکهستانات متصل آن تشکیل گردیده است. بعضی مورخین ازهمین جهت دچارتردد شده وآنهاراترك خوانده اند ولی خود آنها چه قرار نظریهٔ البیرونی وچه قرار شهادت «وون. کانگ» زایرچین خودرا احفاد کوشانی ها دانسته ونسب نامهٔ خودرا عموماً به کنیشکا شهنشاه بزرگ ومعروف کوشان رسانیده اند .

کسانیکه وضعیت افغانستان این وقت رادیده وتشریح کرده اند یك عده زایرین چین میباشند که از ٦٣٠ مسیحی به بعدوقت بوقت وارد دیارماشده ونگارشات آنها تازمان ظهور مورخین عرب یگانه منبعی است که ازان باید بوره استفاده کرد وبانوشته های مورخین عرب پیوست بایدنمود . سرحلقهٔ این زائرین هیوان ـ تسنگ در ٦٣٠ یعنی سالی ازافغانستان عبورمیکرد که پیغمبر اسلام

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم رحلت فرمودند و حضرت ابوبکر صدیق (رض) به خلافت مسلمین انتخاب می شدند بدین قرار سال‌هائی که زایر مذکور ازافغانستان بطرف هندمیرود وباز از آنجا مراجعت نموده وبطرف مملکت خودعازم چین میشود آخرین سال‌های زندگانی افغانستان قدیم است دین مقدس اسلام تازه ازشبه جزیرهٔ عرب بطرف شرق منتشر شده وهنوز به مملکت ما نرسیده است یعنی تقریباً ۱۰، ۱۵ سال دیگر درکار بود زیرا به بعضی نظریه ها قشون عرب درزمان خلافت حضرت عمر رضی الله تعالی عنه (سال ۲۲ یا ۲۳ هجرت) به سرحدات غربی سیستان ظهور نمودند و قرار برخی شواهد دیگر سیستان درزمان خلافت حضرت سیدنا عثمان رضی الله تعالی عنه بدست ربیع بن زیاد الحارثی فتح شد بهر حال برای مطالعه دورهٔ که مصروف آن هستیم، همان دورهٔ که گفتیم میان دو دین واقع شده است واینك حالا ازنزدیك تر آنرا نگاه میکنیم معلومات زایرچین هیوان-تسنگ و آنهائیکه بعد ازاو آمده اند برای حصه پیش ازاسلام وشهادت مورخین عرب برای حصهٔ اسلامی فوق العاده مهم است. این دو منبع یکی متمم دیگراست وبرای فهمیدن روح قضایای دورهٔ که دران عرف ، عادات آئین اخلاق وسیاست وهزارچیز دیگر یکدفعه تغیر میکند وانقلاب فکری دراذهان باشندگان کشور بعمل می آید مطالعه ومقایسهٔ هردو حتمی ولازمی است وعجالتاً این کارا در مورد رتبیل شاهان کابل بعمل می آریم .

هیوان - تسنگ در ۶۳۲ یعنی ۱۰ یا ۱۵ سال قبل ازتماس قشون عرب به سرحدات کشورما وسال قبل ازفتح اول کابل بدست اعراب در کاپیسا که کابل دراینجا جزء آن است از سلطنت مقتدری صحبت میکند که تقریباً ازبامیان تاشهر تا کنزیلا کناراندوس انبساط داشت وچهارهزار (لی) احاطهٔ آن بود که به حساب امروز مساحهٔ قلمرو این سلطنت تقریباً ۲۳۰۴ کیلومتر مربع میشود (۱) هیوان- تسنگ راجع به دین ومذهب وپیروان بودائی وبرهمنی وتعداد روحانیون فریقین وعدهٔ معابد وحاصلات زراعتی وآب وهوا وغیره معلومات مفصل میدهد که اینجا بدان کاری نداریم ومطلوب ماشخص خود شاه است. زایرچین درین باب می نویسد : «شاه ازنژاد تسالی Tsa-li (کشتاتر یاطبقهٔ جنگجو) است. مرد بامعلومات واحتیاط کاراست دلاوری وتندی مزاج عین فطرت اواست ازاقتدار ونیروی اوممالك مجاورچون بیدمیلرزند وبرده ایالات حکمفرمائی دارد . رعیت خودرا دوست میدارد وازآنها حمایت میکند . پابند دیانت بودائی است . هرساله مجسمهٔ طلائی بودارا به ارتفاع ۱۸ فت ساخته ودرحفلهٔ نجات که بنام (موکشامها پاریشاد) تشکیل میشود مردمرا دعوت میکند وبه محتاجین وغربا وبیوه زنان ومردان زن مرده صدقه وخیرات میدهد» (۲)

ازین بیانات واضح معلوم میشود که درسال های مقارن انتشار اسلام وورود قشون عرب

---

(۱) صفحهٔ ۱۰۱ افغانستان تالیف (اندره دولو) (۲) صفحهٔ ۱۰۱ افغانستان تالیف (اندره دولو) صفحه ۴۱ جلد اول خاطرات هیوان-تسنگ ترجمه استامنیلاس ژولین .

درحواشی غربی افغانستان ورسیدن آنها به سیستان درجنوب هندوکش درکابل وزابل دولت مقتدری وجود داشت که پایتخت آن شهر کاپیسی (بگرام) بود قلمرو این سلطنت بطرف شرق (لان پو) لغمان، (نا کی هولو) نگاراهارا جلال آباد وننگرهار، (کان تولو) پشاورحالیه وچار صده واندو (تاچاشیلو) تا کزیلا وضلع راولپندی حالیه را دربرمیگرفت وباسلطنت کشمیر که بدست «کار کوتا درلاب ها وردهانا Karkota Durlabhavardhana» (بین ۶۳۱-۶۳۳) اداره می‌شد تماس داشت وحتی درقلمرو این راجاهم تا کوهای نمك «سانگ هو پولا Sang-ho-po-la» پیش رفته بود بطرف غرب شاه کاپیسا براراضی «تسو- کو- چا Tsu-ku-cha» که آنرا (تسو کو تا) هم خوانده اند وعبارت از اراکوزی یونانی ویاقلمرو زابلستان می باشد حکم فرمائی داشت . تنها این خطه هفت هزار (لی) احاطه داشت وازان معلوم می شود که بطرف غرب نفوذ دولت کاپیسا خیلی ممتد بود(۱) وروی همرفته از تا کزیلا تا کناره های هیرمند نفوذ وآمریت داشت .

این سلطنت مقتدر که هیوان - تسنگ باجزئیات ازآن صحبت میکند قرار شهادت زائر ینی که بعد ازاو آمده ورفته‌اند به نیرو واقتدار کامل درجنوب هندوکش دوام داشت چنانچه در حوالی ۷۲۰-۷۳۷ مسیحی که تقریباً ۹۰ سال بعد ازمسافرت زایر اول الذکر شود زایر دیگر چینی موسوم به هوی تچا او Houei-Tcheao از پادشاه خیلی مقتدری درباميان صحبت می کند که : «تحت اثر وسلطهٔ کدام پادشاه دیگر نبود . پیاده نظام ورساله خیلی قوی ومتعدد داشت وممالك دیگر جرئت نداشتند که به او حمله کنند . . . » علاوه برین این را هم تصریح میکند که پادشاه یکنفر (هان Han) یعنی آریائی بود . در ۷۵۳ تقریباً ۳۳ سال بعدتر زایر دیگر چینی ون کانگ Won-Kang حین عبور ازگندهارا درمعبدی اقامت داشت موسوم به معبد (جو - لوشه) پادشاه که موسیو سیلون لوی بزرگترین مستشرق فرانسه او را بلاشبه یکی از شاهان دودمان «شاهی» حساب می‌کند(۲) قرار تذکار زایر مذکور شاهانی که خود را از احفاد کنیشکا میدانستند درینوقت درگندهارا حکمفرمائی داشتند بهاین ترتیب منابع چینی در سال‌های مقارن ظهور سرداران عرب درحواشی سیستان (۳۰ هجرت = ۶۵۰ مسیحی) وتقریباً تایکقرن بعدتر (۷۵۳ مسیحی) به وجود حکومت های مقتدر در جنوب هندوکش صحبت می نماید که قرار ادعای خود شان وشهادت البیرونی که پسان ازان ذکرخواهم نمود عموماً خودرا کوشانی واحفاد کنیشکای کبیر میدانستند وعموماً به لقب (شاهی) و(شاهی های کابل) یاد شده‌اند .

٭ ٭ ٭

حالا برمیگردیم به نگارشات مورخین عرب وفارسی تادیده شود که ایشان درین زمانه‌ها

---

(۱) صفحه ۸ فصل دوم شاهی های افغانستان وپنجاب

(۲) ژورنال ازیاتیك شماره ژانویه - مارس ۱۹۳۶ ازصفحه ۸۱ به بعد بقلم موسیو سیلون لوی

از کدام پادشاهان صحبت میکنند وقرار تذکار آنها قشون عرب از سرحدات سیستان گرفته تا کابل با کی وکدام قوه مواجهه شده اند .

قشون عرب باتفاوت نظریاتیکه موجود است باراول یا در سال ۱۸ هجری یا ۲۲ و یا ۲۳ هجری درسرحدات غربی کشورما تماس حاصل نموده‌اند آنچه مسلم است این‌است که بعد از سال ۳۰ هجرت که مصادف به (۶۵۰) مسیحی می باشد تماس لا ینقطع بین خاك ما وسرداران عرب پیداشده وازین تاریخ به بعد تازمان فتح کابل بدست یعقوب بن‌لیث صفاری در(۲۵۸ هجری مساوی ۸۷۹م) سرداران عرب از سرحدات غربی سیستان گرفته تا کابل به یاد شاهانی مصادف شده‌اند که آنها را بنام های رتبیل ـ رانتبیل ـ زنبیل ـ زنتبیل یاد کرده اند .

اولین سردار عرب ربیع‌بن‌زیاد به امر عبدالله بن‌عامر در سال ۳۰ هجرت داخل‌سیستان شده زرنج مرکز آن را فتح کرد . به‌اساس تاریخ سیستان ژنرال‌عرب با (ایران‌بن‌رستم‌شاه) شاه سیستان مقابل شد بلاذری این‌شخص را(ابرویز مرزبان سیستان)خوانده‌وبعضی‌ماخذ دیگر ازشاه نام‌نمیگیرندلیکن قراریکه ازوقایع مابعد یعنی‌ازتصادمات‌سرداران‌عرب باحکمفرامایان‌محلی معلوم می‌شود این شخص یا «ایران شاه» یا«ابرویز» مرزبان یانایب‌الحکومه ئی بیش نبوده که ازطرف پادشاهان نیمروز وزابل وکابل یعنی رتبیل شاهان مقرر می‌شدند .

❀ ❀ ❀

درسنه سی‌وسوم هجرت عبدالله بن‌عامر ، سردار دیگری را که عبدالرحمن بن‌سمره نام داشت به سیستان فرستاد . مشارالیه زرنج والرخج وبلادالداور را مطیع ساخت ودرجبل الزور زمین داور که درآنجا معبد معروف «زور» وقوع داشت بامدافعین وقشون رتبیل مقابل شد .

❀ ❀ ❀

تاریخ سیستان (صفحه۹۱) مینگارد ربیع‌الحارثی در سنه ۴۷ هجرت در بست ورخد با(زنبیل) یا(زبیل) مصادف شد وازین‌تاریخ به بعدهمیشه نام رتبیل بحیث‌شاه ومدافع‌ازسیستان گرفته تا کابل برده می شود .

❀ ❀ ❀

عبدالله بن‌ابی بکره‌درسنه۵۱ هجری به‌سیستان آمده‌ودربست ورخد وکابل با(زنبیل) محاربه نمود واخر بادوهزار درم بااو صلح کرد .

❀ ❀ ❀

درسال ۶۴ هجری (۶۸۳ مسیحی) عبدالعزیز بن عبدالله بن عامر والی سیستان شده ووقتیکه‌ازبست‌سوی کابل میرفت دربیابان با« زنبیل »مصادف شد. تاریخ سیستان‌لشکر او را ترکی خوانده درنتیجه‌رتبیل شاه کابلی شکست خورده وکشته میشود قرار تذکار بلاذری رتبیل

ع ، ج ، والاحضرت سردار محمد نعیمخان دمعارف وزیر اودصدارت عظمی لمړی معاون
S. Ex. Sardar Mohammad Naïm Khan ministre de
l'instruction publique

بزرگترین عیب ها اینست که عیبی که در دیگران بیابی در نفس تو همان عیب موجود بود ودرك آن نکنی .
« عمر فاروق رض »

ع ، ج میرزا محمد خان د مالیې وزیر
S. Ex. Mirza Mohmmad Khan
ministre de finances.

دمالیې وزارت

وزیر : ع، ج، میرزا محمد خان
معین : ع، ص محمد اسلم خان

دکنترول عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، عبدالغفور خان
دبودجې مدیر : ص ، محمد سرور خان
دخزانو « : « ، عبدالرب خان
دکنترول « : « ، عبدالکریم خان

داجرائیې عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، محمد انور خان
دمالیاتو او
محصولات مدیر : ....
دمامورینو « : ص ، عبدالمجید خان
داحصایې « : « ، عبدالرحیم خان
داوراقو « : « ، حافظ عبدالرحیم خان

دتفتیش عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، محمد حسن خان
اعضاء دابتدائی مدیر په حیث : ۷ تنه
ابتدائی اوانتهائی مامور : ۳ «

دتصفیو اومدرك تجارتی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، غلام حسن خان
دنوی مدرك مدیر : ص ، محمد ایوب خان
دمحاسبی تجارتی مدیر : « ، جلال الدین خان
دتصفیې بقایا « : « ، فضل حق خان
دوزارت خصوصی سرکاتب : « ، سید محمد خان

درین جنگ ازدست ابوعفراء عمیر المازی بقتل رسیدوعبدالله که درغیاب عبد العزیز حکمران سیستان مقرر شد با رتبیل یاصحیح تربگوئیم با پسرو جانشینش داخل جنگ شده وکار رتبیل شاه به صلح خواهی کشید .

❀ ❀ ❀

درعهد خلافت عبدالملك مروان . چون عبدالله امیه ازطرف حجاج یوسف والی خراسان وسیستان به سیستان آمد درقلعه بست بازنبیل محاربه نمود وباز طرفین صلح نمودند.

❀ ❀ ❀

هکذا درعهد حجاج ، سردار دیگر عرب عبدالله بن ابی بکره یادرسیستان یاطوریکه ازبعض منابع دیگر استنباط میشود درمملکت رتبیل درحوالی کابل جنگ سختی میان قشون عرب ورتبیل شاه واقع شده ومسلمانان شکست خوردند . این واقعه در۷۸ هجری(۶۹۷ مسیحی) واقع شد.

❀ ❀ ❀

حجاج برای پوشانیدن شکست خود در ۸۱ هجری (۷۰۰) مسیحی عبد الرحمن بن محمد بن اشعث رابا چهار هزار نفر به قصد کابل به سیستان فرستاد تا قشون ولایت اخیر الذکر راهم باخود گرفته وجانب کابل حرکت کند. جنگ های میان اوو (رتبیل)یا (رتبل) درزابل وکابل واقع شد وبا مخالفتی که مابین حجاج وعبدالرحمن محمدالاشعث واقع شد و شرح آن اینجا مورد ندارد سردار مذکور نزد رتبیل شاه پناه برد .

❀ ❀ ❀

درعصر ولیدبن عبدالملك ازطرف حجاج که والی عراقین وخراسان وسیستان بود قطیبه بن مسلم درسنه ۹۷ درحوالی کابل بارتبیل دچار محاربه گردید .

❀ ❀ ❀

درعصر خلافت هشام (۱۰۵ هجری) از طرف خالد بن عبدالله جنرالی به اسم اصفح بن الشیبانی به جنگ آمده وبارتبیل مقابل گردید دردوره ابو منصور جعفر ، سلیمان بن عبدالله الکندی ازراه اسفزار وفراه وسر لشکر که یکی ازقلعه های بیرونی شهر زرنج بود به بست ورخد آمده وبارتبیل درآویخت ورتبیل شکست خورد .

❀ ❀ ❀

در۱۵۱ هجری حینیکه معن بن زایده الشیبانی واردرخدشد ازطرف رتبیل هدایائی برای اوارسال شدلیکن معن هدایای مذکوررا کم وناچیز دانسته وبه جنگ مبادرت نمود . در ین جنگ از(ماوید) یا (ماوند) داماد رتبیل هم اسم بر ده شده .

❀ ❀ ❀

درزمان هادی حینیکه تمیم به سیستان می آیدباز رتبیل دربست ورخد میباشد واینجا ازبرادراو

صحبت میشود زیرا درجمله اسرا اوراهم گرفته بودند .

❀ ❀ ❀

دردوره عباسی ازرتبیل شاه چندان اسمی برده نشده وچنین مینماید که دراثر جنگ های طولانی خسته وضعیف شده وعموماً درکابل مستقر گردیده وقهراً تن به اطاعت داده تا اینکه سلطنت صفاری تشکیل وروابط میان بغداد وشاهان صفاری تیره وبالاخره قطع میشود در عصر زمامداری یعقوب لیث مجدداً رتبیل روی صحنه می آید وازبست گرفته تارخد وکابل جنگ های سختی میان ایشان واقع میشود وچون مرکز ثقل رتبیل شاه درین وقت بیشتر زابل یعنی حوالی غزنی وکابل میباشد آخرین جنگ ها در سال ۲۵۸ هـ (۸۷۹ مسیحی) درکابل واقع میشود چنانچه زین الاخبار وتاریخ سیستان این قصه راتذکار داده اند ومحمدعوفی درجامع الحکایات خود مفصل صورت جنگ رتبیل شاه وموسس سلاله صفاری را درکابل شرح میدهد .

❀ ❀ ❀

باتذکار اسمای یکدسته سرداران عرب که منابع عربی وفارسی مفصل ازانها صحبت میکنند معلوم میشود که اقلاً ازسال ۳۰ هجری (۶۵۰ میلادی) تا ۲۵۸ هجری (۸۷۹ میلادی) هرسر داری که ازطرف مقام خلافت ونایب الحکومه های خراسان به سیستان اعزام شده همگی بلااستثنا دریکی ازنقاط سیستان یانیمروز خواه دربست خواه درزرنج خواه دررخد خواه درزابل وکابل وگردیز درسنه وتاریخ معین به پادشاه مملکت که رتبیل باشد وبرادران وخویشاوندان وقشون اومقابل شده اند که شرح وتفصیل فتح وشکست طرفین وغلبه وضعف یکی ازآنها وصورت مذاکرات صلح ودیگر چیز های مربوطه مبحثی است طویل که صفحات سالنامه حتی اختصار آن را هم اجازه نمیدهد .

❀ ❀ ❀

قراریکه ازمطالعه مسکوکات برمی آید والبیرونی مورخ معروف دربارغزنی در کتاب الهند خود شرح میدهد آخرین سلسله های معروف شاهی جنوب هندوکش که مرکز آن ها عموماً کابل بوده بدون دخل درجزئیات به اسم ولقب (شاهی) یا (کابل شاهی) یا (کابلشاهیان) معروف اندکه آن راهم بازبه دوسلاله مجزی تقسیم میکنند که یکی را معمولاً (ترکی شاهی) ودیگری را (برهمن شاهی) میخوانند موسس سلاله اول الذکر برها تکین Barhatakin وآخرین پادشاه آنها (لگه تورمان) نام داشت که تا ۸۷۵ مسیحی درکابل سلطنت نموده اند وقرارتذکار البیرونی ۶۰ نفر ازآنها به سلطنت رسیده است . مشارالیه یکی از پادشاهان آنهارا بنام (کنیك) خوانده وبنای یك استوپه بزرگ پشاور رابه اونسبت میدهد ازروی لفظ «کنیك» وازتاسیس بنای استوپه مذکور وتعداد ۶۰ نفری که به این خاندان نسبت میدهد بدون شبهه معلوم میشود که مقصود او ازین خاندان همان دودمان کوشانی است که سلاله

خورد وبزرگ وحتی اسلاف اخیر آنها را که از روی عرق باهیاطله وزابلی وتیوکیو هم کمی مخلوط شده اند در برمیگیرد و گاهی بشهادت مسکوکات به اسم (دودمان تجن) هم یاد میشوند وهیچ موردندارد که آنهاراترك خواند. البیرونی هم سلالهٔاجداد آنهارا بهکنیشکای بزرگ کوشانی نسبت میدهد .

سر سلسله دودمان (برهمن شاهی) یا (هندوشاهی) کابل (کالار) نام شخصی است که در دربار (لگه تورمان) آخرین شاه دودمان فوق الذکر سمت وزیری داشته وازحوالی ۸۷۵ تا اوائل قرن ۱۱ یکعده شاهانی مانند(اسپالاتی) (سمانتا Samanta) (کمالو Kamalu) (بهیما Bhima)(جیپال Jayapala) (انندپال Anandapala)،(تاروجاناپال Tarojanapala) از میان آنها سلطنت نموده اند که جنگ های سبکتگین وسلطان محمود کبیر غزنوی زابلی ازمیان آنها جیپال را بیشتر درزبان های ماممعروف ساخته است وسلطنت برهمن شاهیان کابل بطرف شرق تاچترال وپاسین وگلگت وسیلاس وکشمیر انبساط داشت . بطرف شمال نفوذ آنهادرماورای هندوکش واضح تصریح نشده ولی بطرف غرب تاکناره های هیرمند و سیستان حکم فرمائی داشتند . پس قراریکه اشاره شد از روی ماخذ عربی وفارسی وماخذیکهازعربی ترجمه شده چنین برمی آید که ازسال های ۳۰هجری تا۲۵۸ (از ۶۵۰تا۸۷۹ مسیحی) درمدت بیش ازدوصد سال که سرداران عرب به کشورما تماس ومحاربه داشتند همیشه درجنوب هندوکش باشاهانی مقابل شده اند که آنهارا به نامهای راتبیل، رانتبیل، زنبیل وزبیل ورنبل وغیره خوانده اند .

❀ ❀ ❀

حالا که یك موضوع ویك عصر را ازنقطه نظر اعراب وماخذ غیر عربی مطالعه کردیم به این نتیجه رسیدیم که میان دو سنهٔ فوق که ماخذ عربی از رتبیل شاهان صحبت میکنند زائرین چین ومنابع کشمیری ومسکوکات از شاهان ودودمان های دیگر یاصحیح تر بگوئیم ازهمان یك سلسله شاهان ودودمان های شاهی به نام ها والقاب دیگری تذکر میدهند چنانچه تاجائیکه ضرورت داشت تفصیلات هردوطرف ذکر شد .

در دوره هائیکه مورخین عرب از« رتبیل» واحفاد اوبه همین نام اسم می برند زائرین چین والبیرونی و(کلهنه) مورخ کشمیر حتی مولف فتح نامهٔ سندیاچچنامه و مسکوکات از سلاله هائی درباميان وگندهارا و کابل وکاپیسا صحبت مینماید که بیشتر خود را اولاد کنیشکا معرفی میکنندوباشرحیکه ذکرشد دقیق ترهم قضایا وشاهان را میتوان بهم مقایسه کرد .

مسئله ئی که تایك اندازه پارهٔ نظریات طرفین یعنیمتن نگارشات اعراب و مورخین چینی وکشمیری ونظریات ابوریحان بیرونی ومسکوکات را بهم ربط میدهد لقب عمومی است که دودمان های سلطنتی کابل زمین مقارن ظهور دین مقدس اسلام داشتند . بیشترمتذکرشدیم

که آخرین شاهان کابل چه برهمن وچه ترک وچه کوشان به صفت (شاهی) یاد شده اند ازقبیل: برهمن شاهی کابل، هندوشاهی کابل، ترکی شاهی کابل یا کابلشاهیان وغیره. البیرونی درتاریخ (الهند) خود حینیکه ازدودمان شاهی کابل درمناصفهٔ اول قرن ۱۱ مسیحی صحبت میکندهم آنهارا به صفت (شاهیا) یاد میکند. ازطرف دیگر «رتبیل» باصور دیگری که ضبطشده مانند زبیل، زنبیل، رنبل، رتبیل، زنبورك در عرف وداستانهای عوام همه به صفت «شاه» ملحق بوده وازروی توافق سنه وتاریخ وزمان محل حکم میتوان کرد که ایشان حتماً جزء همین دودمان (شاهی) کابل اند.

برای ارتباط موضوع متذکر میشویم که کلمهٔ (شاه) ازعصر کوشانیهای بزرگ یعنی ازقرن اول مسیحی باینطرف روی مسکوکات کوشانیهای بزرگ وخوردو خاندان کیدار ودودمان (تجن) کاپیسا وگندهارا وغیره دیده شده. وبارسم الخط یونان وکوشانی وخروشتی تحریر گردیده. (شاواو نانوشاواو) یکی از القاب کنیشکا است که در مسکوکات اوضبط است (وشهنشاه) معنی دارد. موسس سلالهٔ کوشانی های خورد (کیدارا) در مسکوکات خود را (کیدارا کوشان شاه) خوانده همین قسم درچندین سلسله مسکوکات معاصر این وقت صفت شاه وشاهی دیده میشود ازآن جمله یکی مسکوکات است که به دودمان (تجن شاهی) نسبت میشود ونمونه های آن اززمین داور ورودبار و سواحل هیرمند وزابلستان وفرزان وسگاوند وازنقاط بین غزنی وکابل بدست آمده وبلاذری همیك دفعه بدون اینکه اسم شاه کابل راتذکار کند اورا بصفت (کابلشاه) خوانده ودر جاهای دیگر از (رتبیل) نام میبرد. همین قسم صاحب تاریخ سیستان در صفحه ۸۷ از پادشاه کابل محض بصورت (شاه کابل) یاد میکند این همه قرائن یکجا شده وقرار نظریه (ری H.C.Ray) معلم تاریخ وسانسکریت یونیورستیه کلکته نشان میدهد که یحتملاً (رتبیلهای) ماخذ عرب که آنهم بجای خود لقب است نه اسم خاص، جزء (شاهی های) کابل بودند که ازاواسط قرن ۵ به بعد سلطنت کرده اند. آیا این رتبیلها همان شاهان کاپیسا میباشند که هیوان- تسنگ زایر چین ازآنها ذکر میکند؟ جواب این سوال عجالتاً مشکل است ویك طرفه چیزی نمیتوان گفت. قرارنظریهٔ مستر ری چیز مسلمی که اینجا ذکر میتوان کرد این است که رتبیلها در وسط قرن ۹ مسیحی یعنی عصری دردرهٔ کابل سلطنت داشتند که قرارنظریهٔ البیرونی و (کلهنه) مورخ کشمیر سلالهٔ ترکی شاهی از بین رفت ودودمان برهمن شاهی کابل عرض وجود کرد. درین صورت مدقق مذکور رتبیلها را شاهان کاپیسا قیاس میکند وعلاوه مینماید که درین وقت شاهی بنام کارکوتاس Karkotas در کشمیر به سلطنت رسیده وشهر تا کریلارا اشغال کرد ودامنهٔ نفوذ شاهان کاپیسارا بطرف شرق محدود ساخت وآنها هم بطرف جنوب-غرب نفوذ خودرا توسعه بخشیده وقلمرو خودرا تا کنار هیرمند ودریاچهٔ سیستان انبساط دادند و از همین جهت بار اول درین حصص باسرداران وقشون عرب مقابل شدند (۱) بهاین ترتیب وضعیت (شاهیها) میان دوقوهٔ باریك

(۱) صفحه ۷۱ The Dynastic Hiotory of Northern Iidiavol.I by Ray.

وخطرناك شده وانقلابی رخداد.(کلار) وزیر برهمنی آخرین شاه ودودمان ترکی شاهی یعنی «لگه تورمان» رامحبوس نموده وسلالهٔ هندوشاهی رابمیان آورد وپادشاهان آن دودمان قراریکه بیشتر هم ذکر شد تا زمان سلطنت الپتگین وسلطان محمود کبیر زابلی در حوالی سمت مشرقی دوام داشت ودراثر فشار لاینقطع خاندان آل ناصر غزنه درربع اول قرن ۱۱ مسیحی مضمحل شدند واحفاد آنها بخاك هندی عقب نشستند ودر آنجا درقلمرو محدودتری به حکمفرمائی ادامه دادند و تعقیب آنهامطالعات عمیق تری بکاردارد .

رتبیل شاهان وقشون عرب :

فصل مهمی که رتبیل شاهان در تاریخ کشور مااشغال کرده اند عبارت ازمقابله های آنها با سرداران وقشون عرب ومحافظهٔ خاك مملکت استوهمین دفاع ومقابله ها ومفاهمه های دو صد ساله است که رول تاریخی آنهارا معین کردهومتن نگارشات خود مورخین عرب اسباب معرفی وشهرت آنها گشته . در اوائل این مطالعات متذکر شدیم که کشور کهسار ماهیچ وقت فاقد قوای نیرومند ملی وقائدین توانا ومدبر نبوده واین وضعیت را هر مرتبه حملات بیگانه خودش ثابت وآشکارا ساخته قشون نیر ومندعرب که یکدسته از سرداران آن رامختصراً نام گرفتیم همان قشون بزرگ ومحتشمی است که دولت سامانی رادر یکی دومیدان مضمحل ساخته وبعد ازدوقرن هم پوره کهستانات بلند کشوررامتصرف شده نتوانست ورتبیل شاهان کابل وامرای دست نشاندهٔ آنها از هامون سیستان گرفته تاسند درهرنقطه ئی سخت جنگیدند، گاهی قشون عرب غالب شد گاهی نیروی رتبیل ، گاهی اینباج پرداخت وگاهی آن حیات خودرا بهزر سرخ خرید چندین دفعه مفاهمه بمیان آمد ، چندین مرتبه عهد بسته شد هرشهری چندین مرتبه ازدستی بهدستی افتاد ولی رتبیل شاهان ونیروی ملی تا زمانی پوره مضمحل نشد که یعقوب لیث صفاری با دستهٔ نیرومندی از فرزندان خود این کشور به مقابلهٔ آنها بر نخاست . چیز مهمی که از خلال جنگ های اعراب ونیروی ملی معلوم میشود این است که رتبیل شاهان عموماً خود شان درهر نقطه ئی که جنگ بود به قیادت نیروی خود حاضر بوده وجنگ میکردند از روی مطالعهٔ جنگ ها وضعیت وسیاست نظامی رتبیل شاهان واضح معلوم میشود ومراعات وضعیت جغرافیائی وتوپوگرافی محلی دران مدخلیت زیاد دارد . «کشور رتبیل» ازنقطهٔ نظر ساختمان زمین عموماً دوشکل داشت یکی هموار وجلگه ئی مانند سیستان وحوزهٔ هیرمند ورخد ودیگری کهستانی دشوار گذار مانند اراضی بین غزنی وکابل وگردیز.رتبیل شاهان در جنگ های خود همیشه سعی داشتند درآستانهٔ سرحدی کشور درهمان نقاط جلگه ئی وهموار بادشمن تصادف کنند، اگردر مقابلهٔ اول غالب میشدند خوب والا عقب نشینی اختیاری نموده ودر کهستانات ودره های تنگ برقشون عرب میریختند چنانچه در ۷۹ هجری وقتیکه عبیدالله به امرمؤکد حجاج عازم جنگ شد این قضیه رخ داد وقشون عرب در تنگی های ۱۸ فرسخی کابل به چنان مضیقه گیر آمدند که بهپرداخت ۷ صدهزار درهم به استحصال راه عقب نشینی حاضر شدند

وشریح بن‌هانی الحارثی باجمعی ازنظامیان عرب بقتل رسید و آوازهٔ این‌شکست بزرگ حجاج وخلیفه عبدالملك مروان‌را بیقرار ساخت، مجدداً خلیفه وامیرخراسان بمشوره وتهیه نقشه مصروف شدند تاهنگامهٔ این شکست فاحش را خاموش سازند . کامل وطبری میگویند که ۲۰ هزار از بهترین جوانان بصره و ۲۰ هزار هم از میان اهل کوفه انتخاب کردند که جمله چهل‌هزار نفر شود . صاحب تاریخ سیستان اظهار میکند که از یکصدو بیست هزار نفر چهل هزار نفر مرد جنگی وکارآزموده انتخاب کرده وبابهترین اسلحه وادوات واسپ‌های تازی مجهز گردانیدند واز زیبائی وحشمت‌زیادنام آنرا (جیش‌الطواویس) یعنی(قشون طاؤوسان) ماندند وبه‌سرکردگی آن‌عمر بن‌عطا(۱) یاعطارد بن‌عمیر التمیمی‌را معین کردند وعبدالرحمن بن‌محمدالاشعث الکندی‌والی سیستان هم برآنها سرپرستی داشت . رتبیل شاهان بااین قشون نیرومند وزیبا پنجه داده وبه مقابله های سختی ادامه دادند . قسمتی از حصص غربی کشور رتبیل بدست اعراب افتاد ولی فتوحات خود را ادامه داده نتوانسته ومتوقف شدند وباقی اقدامات را به سال آینده موکول کردند واگرنگارشات ابن‌اثیر درین زمینه تصدیق شود شکستی‌که بالاذکر نمودیم درین جنگ نصیب اعراب گردید .

بهرحال از روی این دوتمثال واضح معلوم می‌شود که بهترین ومجهزترین قوای عرب هم درمقابل نیروی کابل شاهان کاری به‌آسانی ساخته نتوانسته وبه ناتوانی خود اعتراف کرده است . جنگ هائی‌که تنها برسر کابل شده نشان میدهند که باوجود سقوط شهر وخرابی حصار وبروج آن باز درهفت مرحله حملات عرب شهر بکلی بدست آنها نه افتاد ورتبیل شاه تازمان ملك الدنیا یعقوب لیث صفاری درانیجا حکومت میکرد . جنگ های دوصد سالهٔ قشون عرب بارتبیل شاهان موضوعی است بس‌طویل وپیچیده که اینجا متاسفانه بواسطه ضیق صفحات معینه مقاله نمی‌توان داخل جزئیات شد حتی عمومیات راهم پوره نمی‌توان تذکار داد لذا به‌همین سیر عمومی اکتفا گردید .

❊ ❊ ❊

درباب جنگ یعقوب لیث بارتبیل شاه کابل، گردیزی بیك اشارهٔ مختصر اکتفا میکنند ولی این‌قضیه درجامع‌الحکایات محمدعوفی که کتابیست نادرتحت‌عنوان یعقوب‌لیث وروسل « Rusal » مفصل‌تر آمده روح مطالب را ازروی متن انگلیسی مذکور ازصفحه ۱۷۶ جلددوم تاریخ هند تالیف هلیو ذکر میکنم .

بعدازینکه یعقوب‌لیث به مراتب بلند شکوه وجلال رسید بنای کشورکشائی را گذاشت . صالح نصر که یعقوب دردورهٔ گمنامی دربان او بود فرار نموده به‌روسل Rusal پیوست واورا تحریك نمود که به یعقوب لیث حمله کنند . روسل قشون خود را جمع نموده وصالح نصر را

(۱) صفحه ۱۱۲ تاریخ سیستان .

سرعسکر دستهٔ پیش‌قراول مقرر کرد . یعقوب لیث وقتیکه از قضیه مطلع شد اشخاص باتجربه راجمع نموده وازآنها راجع به حمله روسل نظریه خواست . آنها مشوره دادند که بردشمن حمله کنند . اگرچه قوهٔ او کم است به‌مدد خداوند غالب خواهد شد ولی‌حتی‌المقدور از جنگ خندق وسنگر خود داری نماید وقتیکه یعقوب قشون خود را سان دید از سه هزار سوار بیش نبود معذالك بقصد مقابلهٔ روسل برامد وچون به‌بست رسید مردم میگفتند که چطور باچنین قوه کم وعده قلیل سوار باروسل جنگیده می‌تواند ؟ یعقوب چون میدانست که بااین قوه به روسل مقابل شده نمی‌توانند ازدرفریب پیش‌آمده یکی ازنوکران معتمد خود را باپیامی نزد روسل فرستاد که می‌خواهم به ملاقات مشرف شوم وقبول اطاعت نمایم . همین قسم به قشون خود گفت که به ملاقات روسل میروم ولی ملتفت باشید که‌نزد اوهرچه که من کردم شماهم بنمائید . وقتیکه ایلچی یعقوب نزد روسل رسید وپیام رابه‌او رسانید خیلی خوش شد زیرا از او درهراس بود وپیوسته به‌نقاط مختلف کشور او حمله میکرد واطاعت او خاطرش را آسوده می‌ساخت . لذا ازایلچی اوبخوشی‌وگرمجوشی استقبال کرد وبه‌یعقوب پیغام فرستاده وبه اووعده ها داد . یعقوب قاصد های خودرا یکی پشت دیگر فرستاده میرفت و به عساکر خود میگفت که‌بااین ذریعه قوه دشمن رامعلوم میکنم .

وقتیکه‌هردوعسکر بیکدیگرمقابل شدندروسل‌صالح نصررا خواسته وگفت چون دشمن برای تسلیم واطاعت آمده جنگ مورد ندارد . سپس طرفین روزی رابرای مفاهمه معین کردند چون روسل به‌سواری اسپ عادت نداشت به‌تخت روان نشست وفر اشان روی شانه اورا به‌میدان ملاقات بردند . روی‌تخت خود نشست وبه عساکر خود امر کردکه به دو طرف تخت اوصف بکشند . یعقوب باسه هزار سواران رشید خود میان صف سپاه وارد شد . زیر لباس زره پوشیده بودند ونیزه های خودرا عقب اسپها مخفی داشتند . وقتیکه یعقوب نزدیك روسل رسید سرخودرا بصورت انقیا دخم کرد ولی نیزه‌را بردا شته وبه پشت روسل حواله کرد واورا بیك ضرب‌هلاك‌ساخت . سواران اوهم مانند برق‌بر عساکر رتبیل حمله نموده وبضرب شمشیرونیزه کار آنهارایك‌سره کردندوچون‌سرشاه‌خودرابر نیزه دیدندبکلی پراگنده شده وپیروزی‌نصیب یعقوب لیث شد. بعد شش هزار سوار کفار را محبوس به سیستان فرستاد شصت نفر صاحب منصبان آنها را برخر سوار کرده و گوش های کشتگان شان رابه گردن آنها آویزان کرد وبه‌این ترتیب آنهارا به‌بست‌فرستاد . درین فتح مال وغنیمت بی اندازهٔ بدست یعقوب آمد که اندازهٔ آن‌محال‌است . صالح نصرازمیدان‌فرار کرده‌ونزد پادشاه زابلستان پناه برد : قشون‌اوازورو گردانیده‌وبه یعقوب پیوست‌بعد ازینکه امن‌وامنیت در ملك برقرارشد یعقوب قاصدی نزد شاه زابلستان فرستاده وخواهش نمود تاصالح نصر را تسلیم دهد . خواهش اوطرف قبول واقع شد . وقتیکه صالح آمد اورا در حبس انداخت و آنجا جان داد . به این فریب یعقوب برروسل غلبه یافت و بواسطه پاره مخالفتی که‌مردم بست به یعقوب نشان داده بودند مالیات های سنگینی که‌بریهودی‌ها گذاشته بود بر آنها تحمیل کرد .

ظفر متعلق بکسا نیست که بیش از دیگران استقامت دارند . (ناپلیون)

نگاهی بغور

بناغلی علی احمد « نعیمی »

مقدمه - موقعیت جغرافیائی غور - نظری بتاریخ غور - مقامات واماکن تاریخی غور

مقدمه :

درتشکیلات مملکت حکومت کلانی موجود است که بنام غور یادمیشود . اگرچه منطقهٔ که امروز بدین نام یادمیشود درقسمت جنوب شرق ولایت هرات بیش از یك ناحیه نسبتاً کوچکی را در بر نمیگیرد ولی کسا نیکه به تاریخ باستانی و کار نامه های کشورکشائی وجهانداری مردان نامی سر زمین با افتخار آریانای قدیم یعنی افغانستان عزیز امروزی سر و کاری دارند درخلال این اسم زیبا یك جهان و سیعی را تما شا میکنند که بر علاوه خاك کشور ، سند و بلوچستان و قسمتی ازفارس را نیز در بر میگرفت اگر بعبارت هولدچ انگلیس بگوئیم از شنیدن نام غور سر زمینی بنظر انسان تجسم میکنند که ازاقصای هندوستان تافارس واز آمورتا هرموز امتداد داشت . (۱)

بناغلی علی احمد خان « نعیمی »

چون مجله وسالنامهٔ کابل که در طی عمر چندین سالهٔ خود پیوسته خدمات شایان وآبرومند دراحیای افتخارات اسمای تاریخی وجغرافیائی مملکت ازخود نشان داده ومیخواهد این اقدام نیك را پیوسته ادامه بدهد اینست که امسال اینجانب را افتخار بخشید که مقالهٔ تحت عنوان غور تهیه نمایم . تاحتی المقدور برین ناحیهٔ کهستانی که چون قلب آهنین ونیرومند کشور است ازهرجهت روشنی ویرتوی بیفتد ونام آن برای دفعهٔ دیگر اززاویهٔ فراموشی ونسیان برون آید .

---

(۱) THE GATAS-OF ANDIA مؤلفه هولدچ .

البته خوانندگان محترم میدانند که چیز نوشتن در باب غور که یکی از منا طق سخت کوهستانی آسیا بشمار میرود. کار مشکل است زیرا این سرزمین سنگی که بگفتهٔ فریه قلعه عظیم ومستحکمی است درمرکز و مرتفع ترین نقاط بلند و بزرگ آسیا تاامروز بکس اجازه نداده است که ازبیرون آمده اطراف وزوایای اسرار آمیز آنرا بنظر غور ودقت مشاهده نماید وازهمین جهت است که سیاحین جغرافیه نگاران ومستشرقین کمتر سخنی در باب غور گفته اند . معهذا باوجود قلت مدارك واسناد تاجائیکه ماخذ کمك میکرد وتااندازهٔ که از توان این عاجز ساخته بود معلوماتی فراهم گردید که تقدیم خوانندگان عزیز میگردد . امید است در آینده نسل جوان ما در پی موضوع افتاده آنرا روشن تر بسازند تا اگر خدا خواسته باشد روزی بهر سنگ و چوب آن آشنا باشیم .

موقعیت جغرافیائی غور .

اگر نظری به نقشه جغرافیائی کشور بیفگنیم یك سلسله جبال عظیم را می بینیم که از شرق بطرف غرب صف کشیده واز مرکز گذشته تقریباً تا منتهاالیه سمت غربی مملکت میرود . واراضی نسبتاً پست تر را بدوحصه ازهم جدا میسازد. هرگاه یکی ازاین سلسله کوهها را که از منتهاالیه شرقی مملکت یعنی از واخان شروع گردیده وبطرف غرب بحدود بامیان ختم میشود وآنرا بنام سلسلهٔ هندوکش یاد میکنند ازسلسله کوههای مرکزی جدا سازیم یك سلسله جبال دیگری درمرکز کشور بجامیماند که بنامهای کوه بابا وکوه سفید وکوه سیاه وغیره یادمیشوند . تمام سرزمین کوهستانی که بطرف جنوب این کوهها وقوع داشته هیرمند بطرف شرق وجنوب آن افتاده است درقدیم بنام غوریاد میشد . وادی غوریك سلسله جبال پست وبلند دیگری هم ازخود دارد که بعضاً شرقاً غرباً وبرخی شمالاً جنوباً امتداد دارند .

غوریا همان سرزمین بلند وکوهستانی مملکت که باید آنرا آشیانهٔ سنگی مردمان آریانا بخوانیم، در تشکیلات سیاسی وولایتی امروزهٔ افغانستان مفهوم کوچکتری را بخود گرفته وشامل علاقه های ذیل میباشد :

تیواره که مرکز حکومت کلان غوراست . پسابند . علاقه داری پرچمن . حکومت تولك . علاقه داری فرسی . حکومت شهرك . علاقه داری فراه رود . وحکومت چغچران .

اماموقعیت اصلی وقدیمی غور شامل تماماً کوهستانهای مرکزی بوده چنانچه لوسترانج میگوید : « ضلع کوهستانی بزرگ واقع بطرف شرق غرجستان که بنام غوریا غورستان معروف بود ازیکطرف ازحدود هرات الی بامیان وسرحدات کابل وغزنی وازطرف دیگر روبه جانب هرات ممتد ومنبسط میباشد . (۱) »

(۱) خلافت اراضی شرقیه مؤلفه لوسترانج .

جغرافیه نگاران قرون وسطی این منطقه رامنبع دریاهای بزرگ ومتعدد ازقبیل هریرود هلمند ، خاش رود ، دریاهای فراه ، نگاشته وسر چشمهٔ دریای مرغاب راهم درحصهٔ سرحدی ناحیهٔ غوروغرجستان قرار داده اند . (۱) لوسترانج صاحب کتاب خلافت ارضی شرقیه میگوید که در قرن ٤ هجری بقرار قول ابن حوقل غور باداشتن جلگه ها ووادیهای پر جمعیت وحاصل خیز خود بداشتن معادن طلا ونقره معروف بوده است .

در زمانه های پیش ازاسلام یعنی در اوقاتیکه غور وجبال فیروزه بدست اجداد سلطان غیاث الدین شهنشاه معروف غور بود افغانهای همین کوهستانات مرکزی همواره درمقابل کشا کش وتهاجمات پی درپی موجودیت مستقلانهٔ خودرا حفظ کرده است. دراواسط قرن ٦ هجری یعنی درهمان موقعیکه سلطان نیرومند وشهنشاه مقتدرغور سلطان غیاث الدین برار یکهٔ سلطنت غور جلوس نمود ، نام با افتخار غور از نقطهٔ نظر سیاست جهان کشائی وفتوحات مفهوم وسیع وبسیار وسیع را اتخاذ کرده غرباً شامل تمام ولایت خراسان حالیه وسیستان وجنوباً بلوچستان وشرقاً تماماً ممالك سندوپنجاب الی دهلی ونواحی آن گردید . وازجهت شمال ولایات مرو وبلخ وطخارستان را الی کوه های پامیر وچترال دربر گرفت .

موسیو فریه سیاح معروف فرانسوی که دراواسط قرن نزده عیسوی درفارس و افغانستان مسافرتی نموده وازراه سیاحت بغور آمد (۱۸٤٥-۱۸٤٦) درسیاحت نامهٔ خود میگوید که ایالت غور واقع بجانب جنوب شرق هرات مملکت آن شهزاده گان وشاهان بود که برروی خرابه های قلمرو سلطنت سبکتگین وپسرش سلطان محمود غزنوی سلطنت تازهٔ برپا ساختند . این قسمت پاروپامیزاد درآن اوقات مسکن قبیلهٔ بود موسوم بهسور که هنوزهم سه یا چهارهزار خانوادهٔ آن درشمال غرب ایالت غور باقیمانده وامرار معیشت میکنند . بهمان اندازهٔ که جنگ داخلی کشور سبب انحطاط وتنزل قبیلهٔ سوری گردید برعکس بهمان اندازه قبیلهٔ تیمنی روبه ترقی وانبساط گذاشته ولایت غور را که ازسوریها خالی گشته بود اشغال وآنرا مسکن ومقر اساسی خود ساختند (۲) . (ص ٤٥٠ ج اول فریه) .

---

(۱) صاحب طبقات ناصری نیز در ضمن یك سلسله حکایات غور را به نسبت کثرت چشمه سارها هزار چشمه میخواند .

(۲) تیمنی ها از قدیم ترین مردمان آریانا هستند چنانچه مورخین قدیم یونانی و غیره ازین قوم باسمای مختلفی یاد کرده اند وقرارنگارشات ایشان از همان ازمنهٔ بسیار قدیم غور ناحیهٔ مسکونی این قوم بوده است . بناغلی کهزاد درکتاب آریانای خود که معرفی کننده اسمای تاریخی وجغرافیائی قدیم افغانستان است درضمن دیگر قبائل باستانی کشور شرحی در باب تیمنی ها نوشته است که ازنقطهٔ نظر تحقیقات وتتبعات تاریخی فوق العاده مهم و جالب نظر (مابقی در صفحهٔ ۱٦۰)

از مؤدت ابله احتراز کنید ، زیرا که بسا اوقات ارادهٔ نفع شما میکنند و شما را ضرر می رسانند .
« عمر فاروق رض »

دمعارف وزارت

وزیر معارف	: ع ، ج سردار محمدنعیم خان
مشاور	: ع ، ص عبدالاحمد خان
معین	: ع ، ص سید عبدالله خان
مشاور	: عزتمند اسمعیل حکمت بی
»	: ع ؛ ص هاشم‌شایق خان
»	: ع ؛ ص‌عبدالحی خان حبیبی
مدیر قلم مخصوص	: ص امیرالدینخان

ریاست تعلیم و تربیه :

کفیل ریاست	: ع، ص داکتر محمدانس خان
عضو	: ع ، محمدنبی خان
»	: ص ، محمداسمعیل خان غزنوی
معاون عضو	: ص ، محمد کریم خان
کفیل عضو	: ص ، عبدالغفور خان

پښتو ستر توب :

رئیس	: ع ، ص برهان الدین خان
عضو	: ص ، حبیب‌الله خان

ریاست تدریسات:

رئیس	: ع ، ص عزیزالرحمن خان
معاون	: ع ، عبدالجبار خان
»	: ص ، محمدیونس خان

ریاست تفتیش :

رئیس	: ع ، ص ، سیدمحمد فاروق خان
مفتش	. ص ، محمدطاهر خان
»	: ص ، عبدالاحمد خان
»	: ص ، میرمحمداسمعیل خان

چون موقعیت کهستانی ناحیهٔ غور صعب المرور ودارای دره‌های سهمگین می باشد وازطرف دیگر وسایلی هم در دست نیست که درنقاط مختلفهٔ آن رفت وآمد شده مشروحاً معلوماتی درباب جغرافیای آن تهیه میگردید اینست که تماماً نقاط این ناحیه مجهول مانده ونمی توان بااسناد تاریك و ناقصی که در دست است داخل جزئیات شد .

فضای وادی غور باز ، وسیع بوده دریای شفاف وخروشانی دربین آن جریان دارد که بعد از طی فاصلهٔ کمی بافراه رود یکجامی شود . تیواره که امروز مرکز حکومت کلانی غوراست تقریباً دروسط کوهستانات ایالت واقع است . درجنوب تیواره درعقب یکسلسله کوهای گره خورده وادی وسیع وپر از اشجاری وجود دارد که در آن دوموضع مهم بنام نیلی وزرنی واقع است. این دوموضع از زمانه‌های بسیارقدیم مسکونی بوده وازجملهٔ مناطق مهمهٔ غورباستان بشمار میروند . چنانچه دراطراف وجوانب آنها بقایا وخرابه‌های تاریخی بسیار بنظر میرسد . جام قلعه نیز درهمین وادی وسیع به نزدیکی زرنی به بلندی کوهی آباد است .

یکی ازمقامات مهم ومسکونی امروزه منطقهٔ غور قلعه یمان است که درشرق تیواره در مصب دریای هلمند واقع گردیده ومرکز مهم قبیلهٔ تیمنی می باشد . درینجا نیز آثار وابنیهٔ تاریخی موجود است چنانچه هولدچ هم درکتاب خود بدان اشاره نموده است . نیلی وزرنی بواسطهٔ یك راه قافله رو ازیك طرف وبذریعهٔ راه دیگر باتیواره که بنوبهٔ خود باراه دیگری بهرات رابطه دارد ، از طرف دیگر مرتبط می باشند . ازهرات به زرنی ازراه پرچمن که موقعیت خوبی دربین این دو موضع دارد نیزمی توان رفت . فرسی دربین هرات وتیواره افتاده وخواجه چشت که تقریباً می توان آنرا منتهاالیه سرحد غربیٔ ایالت غور گفت بقول ادریسی هفت روزه راه از هرات فاصله دارد ❀ تولك بطرف شمال غرب مرکز غور واقع وباوادیهای او به مجاوراست .

(بقیه صفحهٔ گذشته)

می باشد . بناغلی موصوف میگوید تیمنی‌های امروزه را هرودت وهمچنان استفن که او هم در حقیقت گفته های هرودت را تکرار می کند به نام «تهامنی»ها Thamani یاد کرده اند. هرودت مرتبهٔ آنهارادربین زرنجی‌ها و یوتی‌ها Utians قرارمیدهد ومرتبهٔ دیگر ازآنها درموقع ذکر رودخانهٔ اسز Aces بازرنجی ها پارتی‌ها ، هیرکانی‌ها ، خوارزمی‌ها یکجا نام میبرد. بناغلی کهزاد بازعلاوه می نماید : «این اسم بامختصر تحریفی بصورت تیمنی تاحال موجود است وایشان تقریباً درهمان منطقه که هرودت تعین نموده یعنی در جنوب غرب غور فعلی بودوباش دارند وتقریباً درحدود بیست هزار خانواده می باشند . تیمنی‌ها بدو شاخهٔ بزرگ تقسیم میشوند که یکی را امروز قبچاق ودیگری رادرزائی گویند وازشاخهٔ دومی هرودت دروسی‌ئی‌ها Drusiai یاد کرده ، شهر معروف آنها تی‌باره Tybara نام داشت که حالا تیواره خوانده می‌شود.» (ص ۱۰۸ کتاب آریانا مولفهٔ کهزاد) .

❀ از صفحه ۲۱۷ـ۲۲۵ دروازه های هند مؤلفه هولدچ .

نظری بتاریخ غور :

همان‌طورکه منطقهٔ کوهستانی غور ازنقطهٔ نظر جغرافیا مجهول مانده وبجرئت داخل جزئیات آن شده نمی‌توانیم تاریخ باستانی وقرون قبل‌از اسلام آن‌نیز خیلی تاریك بوده ودرباب آن مدارك واسناد موثوقی تاحال بدست نیامده است . اگرچه در بعضی کتب ومآخذاسلامی درخصوص ملك‌های غور معلوماتی موجود است ولی بیشتراساس این‌معلومات چنانچه‌دراکثر نگارشات شرقی معمول است بیشتر جنبهٔ افسانوی دارد . که‌ازهیچ نقطهٔ‌نظر مورد اعتماد نویسنده گان امروزی قرار گرفته نمی تواند . اینکه آئین منطقهٔ غور قبل ازاسلام چه بوده بهیچ صورت چیزی نمی‌توان گفت زیرا تاهنوز تدقیقات ، تفحصات ، وحفریات فنی درزمینهٔ تاریخ باستان این‌سرزمین بعمل نیامده اگرچه آئین بودیسم مناصفهٔ شرقی افغانستان را ازبلخ وکابل الی قندهار استیلا نموده بود واز طرف دیگر در همان آوانیکه دین مقدس اسلام به‌تدریج تاحوزهٔ هیرمند وزابل وکابل یعنی درمناصفهٔ جنوبی هندوکش پیش‌آمده وانتشار یافت ودرسال ۳۳ هجری عبدالرحمن بن‌سموره حکمران ولایت سیستان مقرر گردید بلاذری درقسمت کوهستانی بلاددار یازمین‌داور که‌درآن اوقات شامل منطقهٔ ایالت غوربود به‌نزدیك کوهی که‌اعراب آنرا جبل‌الزور خوانده‌اند ازمعبد باشکوه وآئین دیگری صحبت کرد که‌به آئین بودیسم هیچ مناسبتی ندارد . مگر معهذا نمی توان گفت کدام‌یك ازین دوآئین توانسته‌بود تاقلب‌غورانتشار یابد . مگر به‌نسبت‌اینکه تا اواسط قرن اول هجری معبدمعروف وباشکوهی‌مانند معبد زوراز آفتاب پرستی که شعبهٔ از آئین برهمانیسم بشمار میرود ، دریکی از حواشی جنوبی غور برپا بود وبت مشهور طلائی آن که‌دارای چشمان یاقوتی‌بود بدست‌عبدالرحمن والی‌سیستان ازهم‌شکست، وهمچنان بنابر آنکه درمسکوکات دوسلسله شاهان‌جنوب هندوکش که‌به‌تجن شاهی ونپکی ملکا معروف اند مجسمهٔ شونا رب النوع آفتاب دیده می‌شود (۱) بصورت احتمال میتوان گفت که باید مردمان وباشنده گان حصهٔ مرکزی غور هم پیروآئین شونا یعنی آفتاب پرست بوده باشد. راجع به‌زبان غوریها تاجائیکه مأخذ شهادت میدهند کدام لهجه مخصوصی ازلهجه های زبان‌باختری بوده است که بافارسی ودیگر زبانهائیکه در اوائل قرن پنجم هجری معمول بودند، شباهتی نداشت . چنانچه صاحب تاریخ بیهقی میگوید که بسال ۴۱۱ هجری هنگامیکه سلطان مسعود در زمان حیات پدر خود سلطان محمود از هرات بعزم تسخیر غور حرکت کرده قلاع کوهی «برتر» و«رزان» را تسخیر نمود درعلاقهٔ«تب» پیشرفت ورسولی به نزد حکمران « تب »

(۱) شمارهٔ ۱۹۰ سال ۱۳۲۱ روز نامهٔ ملی انیس مقالهٔ جبل الزور بناغلی کهزاد .

فرستاد واورا به قبول انقیاد خود دعوت کرد ابوالحسن(۱)و«شیروان» (۲) خوانین غور را که قبلاً باوی پیوسته بودند . بارسول خود جهت ترجمانی فرستاد . و همچنان هولدچ درکتاب معروف خود راجع بزبان مردمان غور میگوید : «اهالی آن بالسان مخصوص تکلم میکنند که مشابه به لسان اهالی خراسان نمی باشد .» (۳) تحقیقاتی تاحال در باب لغات این ناحیه بعمل نیامده ولی درین هیچ شبهه نخواهد بود که مردمان کهسار غور بایکی از لهجه‌های السنه اوستائی تکلم می‌نمودند . چنانچه خود کلمه غور هم قرار معلوم باید ازکلمه « گر » اوستائی گرفته شده باشد که عیناً مرادف آن درپښتو کلمه «غر» یعنی کوه موجوداست .

خاندان معروف سلاطین غور که در دورهٔ فترت سلالهٔ غزنوی بروی کار آمده زمام ادارهٔ کشور کهستانی آریانارا بدست گرفتند ، از طایفهٔ سوری افغان است که در بین دگر قبائل باشهامت افغان خیلی عزیز ومحترم می باشد .

اجداد سلاطین غوری از زمانه های قبل از اسلام ریاست اقوام افغانی غور وجبال فیروزهٔ را دارا بودند وباپادشاهان مقتدر کشوردرهرموقع معاونت های شایانی نموده اند . مؤرخین میگویند که « سجا » نام یکی از اجداد سلاطین غوری از مشاهیر و اشراف غور ومعاصر فریدون بود . همچنان‌شنسب جدا علای این خاندان بزعم مورخین باحضرت خلیفهٔ چهارم کرم‌الله‌وجه معاصر بوده است . امیرفولادی نیز که از اجداد سلالهٔ غوری است در زمانهٔ استیلای عرب ، موقعیکه در خراسان علم های حریت خواهی بلند گردید ، جهت از پادر آوردن حکومت بنی‌امیه لشکری ازمردمان غیور غور ترتیب داده با ابومسلم خراسانی کمك ومعاونت نمود ودرآن کارنامه بنوبهٔ خود سهم گرفت . (٤) « بنجی » نام بن نهاون معاصر هارون رشید وسوری جد غوریها معاصر خانوادهٔ شاهی صفاری بوده واز قائدین حربی آن زمان بشمار میرفته است .

محمدسام معاصر سلطان‌محمود غزنوی بوده وباآن پادشاه بزرگ درفتوحات‌هند خدمات شانداری کرده که ازآن به بعد این خانواده واولاداو در صفحات تاریخ درخشنده گی حاصل می‌نمایند .

شاهان غوری ازسال ٥٤٥ هجری دراثر شمشیر علاؤالدین جهانسوز بنای یك سلطنت وسیع‌تری را گذاشته اند که بعدها چندین طبقهٔ دیگر ازین خانواده در ممالك هند وستان

(۱) دوکتور ناظم ازقول بیهقی میگوید که اراضی ابوالحسن‌بین‌هرات وغزنه‌واقع‌بود . (صفحه ۷۷ ترجمه کتاب سلطان محمود) (۲) اراضی مربوط به شیروان رامتصل غرجستان میدانند (دوکتورناظم). (۳)صفحه۲۱۱ دروازه های هند Gates of India مؤلفه هولدچ (٤) طبقات ناصری .

سلطنت های بزرگ وکوچك تشکیل دادند مانند خلجی‌ها، سوریها ،وغیره . محمدسام سوری شخصاً در اوایل حکومت سلطان محمود غزنوی گاهی به تجارت بین افغانستان وهند مشغول بوده وتمایلی به خانی وریاست نداشت ولی حینیکه لشکرکشی های سلطان کبیر غزنه در هند شروع گردید وی باقوم خود بمعیت سلطان پیوسته برای جهاد قیام کرد وخانواده اش مورد عزت واحترام دربار غزنین واقع گردید . سپس در یك مسافرت بحری غرق واسیر پنجهٔ امواج شد . درعهد سلطان ابراهیم غزنوی حسین بن‌محمدسام بریاست قراولان شاهی تقرر داشت . ودختری ازخانوادهٔ شاهی سلاطین غزنوی‌را سلطان‌ابراهیم بحباله نکاح‌او درآورد. حسین‌را ازآن‌شهزاده‌خانم هفت‌پسر بود : اول‌ملك فخرالدین که‌ازطرف پدروالی بامیان‌بود واولاداورا ملوك شنسبانیهٔ بامیان گویند. دوم قطب‌الدین‌محمد که آخراً بهرامشاه غزنوی دختر خودرا بدوداد .سوم شجاع‌الدین چهارم ناصرالدین محمد که‌ولایت‌زمین داور بوی متعلق بود . پنجم‌سیف‌الدین‌سوری که‌بعد از انقراض خاندان‌غزنوی پادشاه غزنی‌شد ششم بهاءالدین‌سام پدرغیاث الدین‌پادشاه غورهفتم علاء الدین جهانسوز .

مسعود بن ابراهیم غزنوی شاه‌حسین را بفرمان روائی غور اعزام نمود . چون ضعف درامور ادارهٔ غزنویان واقع شده بود حسین باستقلال تمام بحکومت پرداخته واولاد های خودرا دربلاد بامیان که‌حاوی قسمت‌های افغانستان مرکزی‌وشمال شرقی‌بودو هم‌بحصهٔ زمینداور که بعضی از حصص قندهار وسیستان را دربرمیگرفت، تعین نمود .بعدازشاه‌حسین قطب‌الدین پسرش پادشاه غور گردید . قطب‌الدین محمد که‌اورا ملك الجبال هم‌میگویند یك‌ذات‌لایق، قابل‌ودر بین‌اولاد شاه‌حسین غوری ممتاز بود . هوای عظمت وبزرگی درسر داشت شهر فیروز کوه‌را بنانهاده محل ادارهٔ غورقرار داد . بهرامشاه غزنوی از شهرتش هراسیده‌وی رابه‌بهانه ازغور به‌غزنین خواست . اولاً محبوس وبالاخره مسمومش کرد . دراثر این‌واقعه سلسلهٔ اتحاد غوریها وغزنویها ازهم گسسته اولاد شاه حسین برسر انتقام آمدند .نخست ملك

سیف الدین برادر ملك قطب‌الدین که بغزنین اقامت داشت از قتل برادر متألم شده بغور آمدوبه تشکیل سپاه پرداخته متوجه غزنین شد. بهرام‌شاه راخلع‌وفرار هندساخت وخودش برتخت شاهی غزنی جلوس نمود .درآخر همان‌سال مردم‌غزنین باوی‌مخالفت کرده بهرامشاه‌را دو بار به سلطنت دعوت نمودند وملك سیف الدین بدست بهرام شاه بقتل رسید . قتل سیف‌الدین بعلاوه انتقام گذشته سرداران ونامواران غور را مشتعل ساخت . این است که سلطان علاؤالدین که بتوصیهٔ برادر خود ملك قطب الدین برتخت غور جلوس نموده بود با دوازده هزار سپاه بجانب غزنی روان شد وملك شهاب الدین‌را به نیابت خود بغور گماشت چون یمین‌الدوله بهرام‌شاه ازآن حال واقف گشت باسپاه‌عظیمی ازراه بلاد گرمسیرورخج

وتکین آباد روی بطرف زمین داور آورد . ولی سلطان علاءالدین قبلاً بالشکر های خود بزمین داور رسیده بود . بهرامشاه رسولانی بجانب او فرستاده امر کرد که مجدداً به جانب غور باز گردد .علاؤالدین برسر ستیز آمده جنگهای سختی در گرفت. عساکر بهرامشاه متواری گردیده علاءالدین چنانچه معروف است به انتقام خون برادران خودشهر زیبای غزنین را بسوخت وملقب بجهانسوزشد . بعدازین واقعهٔ جهانسوز دوباره بغورمراجعت کرده بر خلاف اسلاف خود مناسبات را باسلطان سنجر سلجوقی قطع کرده بنای جنگ جوئی را گذاشت تاآنکه بالاخره درسنهٔ ٥٥١ وفات یافت .

بعداز اوپسرش سیف الدین محمد برتخت فیروز کوه جلوس نمود. پادشاه عادل وکریم النفس بود . ملك غزنین به پسر عم خود سلطان غیاث الدین محمد داد . درزمان او چون حکومت سلجوقیان اوبضعف نهاده بود بعد از سلطان سنجر سلجوقی (١) بلخ رامسخر نمود . غزان بجنگ او آمدند درین جنگ مجروح گردیده بالاخره پدر ودحیات گفت سنه ٥٥٨ هجری سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام برادر زادهٔ جهانسوز که در زمان سلطنت عم خویش درقلعهٔ حیرستان غور محبوس بو دوسیف الدین پسر عمش اورا درعهد خویش ازحبس رهانیده به حکومت غور گماشت ، بکثرت آرأ به تخت سلطنت فیروز کوه جلوس نمود . این سلطان از شاهنشهان نامور افغانستان است . در ابتدا به امور داخلی کشور پرداخته سپس بفکر توسعهٔ قلمرو خویش وقائم نمودن امپراطوری بزرگی در وسط آسیا گماشت . در سال ٥٧٢ هجری شهاب الدین برادر خود را رسماً به سپه سالاری کل قشون به تسخیر ولایات متصرفی سلطان محمود غزنوی درهند اعزام داشت . درین جنگ شهاب الدین ملتان و بعضی نواحی دیگر را در حوزهٔ تصرف در آورد . بعداً در سال ٥٧٥ مجدداً شهاب الدین بامر برادر خود غیاث الدین بعزم فتوحات بیشتری در هند حرکت کرده در سنه ٥٧٦ به پنجاب حمله برد وخسروملك آخرین سلطان دودمان محمودی را مغلوب ساخت واکثریهٔ آن ولایات را متصرف شد بسال دیگر سندرافتح نموده مظفرانه به غورمراجعت کرد . درسال ٥٨٠ خسروملك که بعضی ولایات متفرقهٔ هندرا مغشوش ساخته بود بدست شهاب الدین اسیر و دریکی ازقلاع فیروزکوه محبوس شد . (٢)

در سال ٥٨٥ هجری سلطان غیاث لدین بعزم سیاحت ممالك مفتوحه عازم هند گردید وضمناً قلعهٔ پتنده واجمیررا تسخیر نمود درین جنگ سلطان شخصاً حضور داشت و دهلی هم شامل امپراطوری غور گردید . درسال ٥٨٦ سلطان شهاب الدین به ارادهٔ برادرخود مجدداً

(١) صفحه ٩٣ لب التواریخ .

(٢) بمقالهٔ بناغلی اعظمی به صفحهٔ ٢٧ شمارهٔ ٩ سال اول مجلهٔ کابل مراجعه شود .

بعزم فتوحات بیشتری بطرف هند حرکت کرده ازضمیمه نمودن بعضی اراضی دیگر به‌قلمرو بزرگ فیروزکوه قطب‌الدین ایبك‌را که ازکارمندان وفادار بود ، به‌نائب‌الحکومگی هند گماشته خود دوباره به‌پایتخت‌غور مراجعه نمود .

چون درزمان سلطان غیاث‌الدین بزرگ قلمرو سلطنت غور خیلی‌وسعت یافته‌بود سلطان موصوف نظر به‌کارفهمی وقوهٔ ادارهٔ که‌داشت تشکیلات‌منظمی جهت حفاظهٔ خاك‌های مفتوحه وغیرمفتوحه ترتیب‌داد . بدین‌معنی که‌قسمت مرکزی قلمرو خودرا که عبارت‌ازولایت غور، خراسان غزنی ، قندهارو بلخ‌بود مستقیماً تحت ادارهٔ خودگرفت . قسمت ولایات بلوچستان‌وصو به‌سرحد وسند وپنجاب‌را به‌ادارهٔ برادرخود شهاب‌الدین واگذاشت . وحصهٔ شمال شرقی کشور را که‌شامل خان‌آبادو بدخشان وبامیان‌ودره‌های سمت‌شمالی کابل‌بود ، به‌ملوك بامیان که از اعمام خود سلطان بودند، سپرد . بالاخره درسال ۵۹۹ بعمر۶۳ سالگی پدرودحیات گفته در مسجد جامع هرات در جهت شمال غربی آ ن مدفون گردید . بموجب وصایای آ ن شهنشاه مغفور شهاب‌الدین ازخراسان که‌درآن‌جا مشغول برقرارکردن‌نظم ونسق‌بود بفیروزکوه آمده رسماً به‌تخت امپراطوری جلوس کرد .

شهاب‌الدین ابوالمظفر بن سام مدت چهار سال باکما ل اقتدار برسریر شهنشاهی غور فرمان روائی کرده آخرالامردرسوم شعبان سال۶۰۳ هجری‌درحال ادای‌نماز موقعیکه ازهند مسافرت می‌نمود درکنار نهر نیلاب بدست چندنفر ازهندیان شهید شد (۱). چنانچه در تاریخ وفات اوسروده اند :

شهادت ملك بحروبر شهاب‌الدین	کزابتدای جهان‌مثل‌اونیامد یك
سوم زغرهٔ شعبان سال‌ششصدودو	فتاد دررهٔ غزنین به‌منزل دم یك

بعدازسلطان‌شهاب‌الدین برادرزادهٔ اومحمودبن‌سلطان غیاث‌الدین محمدبن‌سام که درزمان سلطنت سلطان شهاب‌الدین حاکم سیستان واسفزاربود مالك‌تخت شهنشاهی‌فیروزکوه گردید مدت هفت‌سال سلطنت‌نمود تاآنکه‌درسنه ۶۰۹ روزی‌اورا دریکی‌ازاطاقهای‌قصر سلطنتی کشته یافتند . با مرگ این سلطان تهاجمات خوارزمشاهان وسپس تاخت وتازچنگیزخانی بر غور وولایات مربوطهٔ آن شروع گردیده بکلی سلطنت‌مقتدرمحلی‌غور منقرض میگردد . اگرچه بااین تهاجمات بربرانه مغل‌ها حکومت مرکزی غورمنحل گردید ولی شعبات‌مهم دیگری ازآن درهند مانند خلجی ها و سوریها وهمچنان درخود کشور مانند ملوك کرت‌بجا ماندکه سالهای دیگر دارای اقتدار ونفوذ زیاد بودند . اگر ما خواسته باشیم ازآن‌دودمانهای غوری که درهندیادرخود افغانستان بعدازانقراض غوریهای فیروزکوه‌بمیان آمدند بصورت بسیار مختصر

(۱) بمقالهٔ بناغلی غبار به صفحهٔ ۶۷ شمارهٔ اول سال دوم مجلهٔ کابل مراجعه شود .

حرف بزنیم اولاً خارج از موضوع ماست وثانیاً مقاله طویل خواهد شد و صفحات سالنامه گنجایش آنرا نخواهد داشت .

مقامات واماکن تاریخی غور :

درغور قرن ششم هجری که مرکز سلطنت پهناور ودودمان غوری بود، چنان شهرها وقلاع بزرگ، مستحکم ومجللی برپابود که آوازۀ شکوه وعظمت آنها درطی چندین قرن ازبین نرفته واسمای محونا شدنی آنها تاابد در صفحات تاریخ پرافتخار ماثبت خواهد ماند . درمآخذ و مدارک اسمای زیادی ازین شهرها واماکن باستانی درضمن تذکار واقعات جهانکشائی ورزم جوئی شاهان مظفر غور ذکر شده ولی بازهم چون مسئله عدم تدقیقات در باب سر زمین تاریخی غور بمیان میآید نمی‌توان موقعیت اصلی این شهرها وقلاع را بصورت قطع درکوهستان های صعب المرور غور امروزی تعین نمود. با آن تاجائیکه توانستیم تفصیلات و چگونگی آنها را ازمدارک وکتب مختلفه بدست آوردیم که ذیلاً نگاشته می شود :

فیروز کوه :

فیروزکوه حصار کهستانی بود در سرزمین غور یا سطوح مرتفع هزاره جات امروزی که ازطرف قطب‌الدین معروف بملك الجبال درناحیه موسوم به « ورساوه » بنا یافته بود . (۱) ومدتها در زمان دودمان غوری مقام پای‌تخت ومرکزیت راداشت . یاقوت راجع به این شهرتاریخی بحث نموده امامتاسفانه تفصیلات نداده است .

بهاوالدین سام که درسال ٥٤٤ هجری جانشین برادر گردید به‌تعمیر آن افزود و باین ترتیب فیروز کوه در دورۀ حکومت معزالدین محمدسام با غنایم سرشار هند خیلی‌مزین وزیبا گردید. گویند ارگ وقصر سلطنتی آن خیلی باشکوه بوده ودر حدود سنه۶۰۸ مورد حمله خوارزم شاهان قرار گرفت. ودرسال ۶۱۹ و ۶۲۰ دراثر تهاجم چنگیز خان ازدست اوگوتای پسرچنگیز بکلی خراب‌شد .

محل صحیح فیروزکوه مشکوك است این قلعه برکنار دریائی اعمار یافته بود که غالباً بالامرغاب ویاقسمت علیای هریرود یایکی ازمعاونین آن می باشد . راورتی نظر به اخیرالذکر راتائید میکند ولی هولدچ صاحب کتاب دروازۀ های هند که درسال ۱۸۸٤ـ۱۸۸٥ عیسوی در ناحیه غور گشت وگذار نموده از همچه محلی‌که در وادیهای دریاهای مز بور برموقعیت فیروزکوه دلالت کند نشانی نیافته است .

بنابر آن خود هولدچ فیروز کوه راعبارت ازخرابه های وسیع تیواره میداند که

(۱) شهرهای افغانستان نسخۀ غیرچاپی گرد آوردۀ غفور خان امینی .

برکنار معاون فراه رودواقع وتا کنون درنزد اهالی محل بنام غور معروف است . (۱) اگرچه قبیلهٔ که به اسم فیروز کوهی مشهور اند امروز در وادی مرغاب سکونت دارند و لی قبیله مذکور غژدی نشین بوده وضرور نیست که تصور کنیم فیروز کوه همدرهمان وادی وقوع داشته است تیواره درخاك قبیله تیمنی واقع وباهرات وفراه ووادی بالای هریرود بآسانی می‌تواند مراوده نماید بنابر آن آنرا بااطمینان کامل می‌توان موضع اصلی فیروزکوه دانست .

قصر بز کوشك :

این قصر معروف ازکاخ های عالی وباشکوه شهرفیروز کوه است که درزمان سلاطین غوری تعمیر یافته بود. این کاخ عظیم مانندديگر آثار وبناهای زیبای فیروز کوه در اثر تهاجم بربرانه چنگیزی بکلی‌ازبین رفته واثری از آن بجانمانده است . محمود پسرسلطان غیاث الدین ابوا لفتح محمدبن‌سام ملك علاوالدین علی‌شاه بن‌سلطان‌تکش خوارزمشاه راکه از دربار برادر خود سلطان‌محمد خوارزمشاه فرار کرده به فیروز کوه پناه آورد، دراثر عهد نامهٔ که میان اووسلطان خوازم‌شاه‌بسته شده بود بهمین‌قصربزکوشك محبوس‌کرد . ازجمله مآخذیکه دردست است طبقات ناصری نسبتاً تفصیلات بیشتری درباب این‌کاخ معروف غور میدهد چنانچه میگوید :« آن‌قصرعمارتی است که درهیچ ملك وحضرت مثل آن قصری بارتفاع وتدویر وارکان ومنظرها ورواقات وشرفات هیچ‌مهندسی نشان نداده است . بربالای آن قصرپنج کنگرهٔ زرین مرصع نهاده اند هریك در ارتفاع سه گروچیزی، ورد عرض دوگز ودو همای زرین هریك بمقدار شتر بزرگ نهاده ، آن شرفات زرین وهمارا سلطان غازی معزالدین ازفتح اجمیر بوجه خدمتی وتحفه بحضرت‌سلطان غیاث‌الدین محمدسام فرستاده‌بود باسیار تحف‌دیگرچنانچه حلقهٔ‌زرین بازنجیر زرین وجریرهٔ که دایرهٔ اوپنج گز درپنج گز بود. ودوکوس زرین که‌در گردونه آوردند و سلطان غیاث الدین آن حلقه وزنجیر وجریرهٔ درپیش طاق مسجد جامع فیروزکوه بفرمود تابیاویختند وچون‌مسجد جامع‌را سیل خراب کرد آن کوس وحلقه وزنجیر رابشهر هرات فرستاد تامسجد جامع رابعد ازآنچه بسوخته بود ازآن وجوه عمارت کردند . » -

زرنی :

ازنقاط تاریخی غور است که بطرف جنوب کهستانات غور دروادی وسیع و شادابی

(۱)به صفحه ۲۰۵ الی ۲۲۵ کتاب دروازهٔ های‌هند مؤلفه هولدچ مراجعه شود .

افتاده است . تاحال مسكونی‌می‌باشد وازروی خرابه‌هاو بقايای‌تاريخی كه‌درهر گوشه وكنار آن‌يافت می‌شود معلوم است كه‌دراز منه قديم يعنی درعهد شكوه وجلال دود مان غو ر ی ازمراكزمهم ، آباد ، وپرنفوس‌بوده است. درماخذ كمترنامی‌ازآن ذكرشده منهاج‌السراج كه‌خيلی نزديك به عهد سلاطين غور ميزيسته وكتاب خودرا درهند به دربار شعبه سلاطين شمسيه‌غورنوشته است سنه (٦٥٨) بنام‌زرنی ازكدام شهر، علاقه ، يا‌كوهی نام نبرد ه است ولی درجزء اول طبقات خود درضمن وقايع عصر امير سوری از پنج بار ه كوه غو ر سخن رانده وكوهی رابنام «وزنی» چنين تعريف ميكند «: چهارم كوه وزنی‌است كه بلاد دا ور والشت وقصر كجو ران درشعاب واطراف اواست .» اگر نظری بجغرافيای غوربياندازيم شهر وناحيه موجوده زرنی راكه هولدچ وفريه از آن مفصلاً حر ف ميزنند عيناً در همان موقعيت می‌يابيم كه‌منهاج السراج ازموقعيت وزنی تعريف ميكند مگر باوجود آ ن نمی‌توانيم حكم كنيم كه‌زرنی عبارت ازوزنی صاحب طبقات ناصری است .

فريه درسياحت نامه خود زرنی راپای تخت قديم غورنوشته وميگويد كه‌از آن امروز جز بقايائی باقی نمانده است . زرنی‌يك‌شهر قديمی وفرسوده‌ايست كه‌تماماً آنرا خرابه های عمارات سنگی وخشت پخته پوشانيده است . اين شهر دريك درۀ سنگ و لی حا صل خيز و شاداب واقع بوده وفضای آن نشاط آور است . كوه بچه هائيكه دراطراف آن و قوع دارند همه بادرختان عظيم وتاك‌ها پوشيده شده‌وبنظر چون تكۀ زمردی می‌آيند . آبهای فراوان درهرگوشه وكنار اين‌درۀ كه‌در هرقدم آن‌يك خرابه افتاده ، جريان‌دارند . شهر زرنی تقريباً چهل فرسنگ ازهرات فاصله داشته ودرآن تقريباً بيش از ٥ هز ار مردمان سوری وتيمنی سكونت دارند .

قلعۀ خيسار :

از قلا ع مشهور ومستحكم غور است كه در زمان غيا ث‌الدين ابوالفتح سلطان معروف تعمير گرديده . دركتب ومآخذ ازآن تذكار زياد شده اگرچه تماماً كوهستانات غور فتح ناشدنی وكليه قلا ع وشهر های آن مستحكم ومتين بودند ، ولی خيسار از همه بيشتر شهرت داشت . درموقع حملۀ چنگيزی علاوه برآنكه سپاه غارتگر مغل نتوانست آ نرا فتح نمايد ازنقشه وتعمير آ ن در شگفت ما نـد . اين قلعه مانند ديگر مقامات تاريخی غور بكلی خراب ومنهدم گرديده وبقول فريه بفاصلۀ كمی بطرف شرق تيواره كه بز عم هولدچ عبارت از همان فيروز كوه‌است ، واقع می‌باشد فريه ميگويد(١) : «قلعه خيسار به‌نزديك جلگۀ افتاده است كه اطراف آنرا كوه بچه های جنگل‌دار احاطه كرده ودر مركز آن يك‌در ياچه

(١) صفحه ٩ جلد ٢ فريه .

کوچکی وجود دارد که دارای یك فرسنگ وسعت بوده ودربین آن جزیرهٔ کوچکی بادرختان کاج وصنوبر و گز دیده می‌شود . ودر بین درختان جزیرهٔ مذکور یك عده خرابه هائی دیده می‌شود که مردمان بومی آنرا بنام بتگاه می‌خوانند. درباب خود قلعهٔ خیسار میگوید: « قلعه جنگی خیسار به بلندی یك کوهی که بسهولت نمی‌توان بد انجا رسید واقع بوده وباخشت پخته تعمیر گردیده است . این قلعه از طرف جنوب راه دشوار گذاری دارد وبسمت جنوب آن یك قنات مخروبه دیده می‌شود که از آن آب «چالاپ دالان» بشهر می آمد. طاقها ورواق های بسیار در خرابه های این شهر هنوز هم بپا ایستاده است که خشت وگل آنها زمین را پوشانیده است . » رفعت وشکوه این قلعه را در زمان آبادی آن ، سیفی هروی در تاریخ مشهور خود چنین تعریف میکند : « چون چنگیز خان قلعه های جبال وحصار های امصار خراسان را فتح کرد و چون کار بمحاصرهٔ قلعهٔ خیسار رسید عزیمت آن کرد که ازابنای خود یکی را باسپاهیان بولایت غور بفرستند تاقلعهٔ محروسه خیسار را بگیرد . سپاه او عرضه داشتند قلعه درغایت محکمی و بلندی است . دست هیچ متصرفی بدان نرسیده ونخواهد رسید الا ملوك اسلام غور را . لشکر بمحاصرهٔ آن فرستادن وولایت غور را خراب کردن ازمصلحت بعید می نماید. چنگیز خان فرمود که نقاشان مانی دست که آن قلعه را دیده باشند وطول وعرض وبلندی وپستی اورا مشاهده کرده حاضر گردانند تاهیا کل اماکن وصور مواضع غور را باقلعهٔ محروسهٔ خیسار برکاغذی برکشند . چون نقش بندان ماهرو چهره کشایان حاذق بخامهٔ قدرت و پرکار همت واقلام بدایع وارقام صنایع ورنگ آمیزی دل انگیز مثال قلعهٔ خیسار برکاغذی منقش کرده پیش چنگیزخان آوردند چنگیزخان یك زمانی اثر تعجب بدیدهٔ بینش نهاده در آن صورت دلپذیر ونقش بی نظیر نگه کرد وبر مداخل ومخارج عقبات جبال غور واقف گشت وصعوبت مناهیج وضیق طرق اطراف یمین ویسار واوج وحضیض قلعهٔ محروسهٔ خیسار بدید روی به امرای سپاه ومقربان درگاه کرد وگفت مثل این جای واین مکان شاید کس ندیده است وکس نخواهد دید. » بالاخره مجبوراً فرمان حکومت غور به نام ملك رکن الدین کرت فرستاد. (۱)

قلعهٔ سنگی:

قلعه وشهر تاریخی غوراست که هنوز هم درنزدیکی قلعهٔ خیسار یاقیسار خرابه های آن وجود دارد . بنای آنرا سلطان حسین غازی نهاده (۲) این قلعه هم مانند قلاع دیگر غور مورد

(۱) تاریخ ملوك کرت مؤلفهٔ شاغلی گویا اعتمادی که هنوز به طبع نرسیده و در مدیریت عمومی تاریخ محفوظ است .

(۲) صفحه ۹ جلد ۲ فریه .

مفتش	:	ص ، عزیز محمد خان
«	:	ص ، سید حبیب خان
«	.	« ، عبد الله خان

دسپورت اوحفظ الصحې ریاست :

رئیس	:	ع ، ص ، میا فاروق شاه خان
دسپورت دمدیریت کفیل	:	ص ، محمد محسن خان
دشفاخانې داکتر	:	« ، عبدالرحیم خان
داجرائیی اومامورینو مدیر	:	« ، محمدمرید خان
دکنترولو مدیر	:	« ، غلام سخی خان
دتنظیماتو دمدیریت وکیل	:	« ، محمد مرید خان
دموزیم مدیر	:	ع ، احمد علیخان
داوراقو «	:	ص عبد الله خان

دطبی فاکولتی ریاست :

رئیس	:	عزتمند ، رفقی کامل بی
اداری مدیر	:	ص ، محمد آصف خان

دحقوقو اوعلوم سیاسی دفاکولتې ریاست :

درئیس کفیل	:	ع ص ، عبدالحی خان « عزیز »
معاون	:	ص ، عبد الکریم خان
دفاکولتی سیانس درئیس کفیل	:	ع ، ص محمد انس خان
دعربی دارالعلوم رئیس	:	« « قاری عبدالرسول خان
داستقلال اودنجات ښوونځیو رئیس	:	ع ، ص ، عبدالرحیم خان
دصنائع ښوونځی اودتدقیقاتو علمیه موسسه عمومی مدیر	:	ع نورالله خان
دحبیبیی دلیسې مدیر	:	ص ، غلام حیدر خان
داستقلال دلیسې دمدیر کفیل	:	عزتمند بی نی زش
دنجات دلیسی دمدیر «	:	ص ، داکتر علی احمد خان
دغازی دلیسی مدیر	:	« ، غلام محمد خان
ددارالمعلمین د نوي کابل مدیر	:	« ، داکتر محمدانور خان

تاخت وتاز وحشیانهٔ مغلان قرار گرفته وبکلی خراب شده است . چون مواد عمرانی آن ازسنگ است ازاین جهت به قلعهٔ سنگی معروف شده است . قریه که آنرا تقریباً دریك قرن پیش بچشم سر مشاهده کرده میگوید که قسمت بالائی آن بکلی هموار است. ودیوارهای دورادور آن باسنگهای بزرگی که بصورت خشن تراشیده ویکی برویدیگر بدون واسطهٔ کدام سمنت قرار گرفته اند ، آباد گردیده است . مگرباوجود آن این دیوار هابااندازهٔ مستحکم واستوار هستند که تاحال تهاجمات ومرور زمانه نتوانسته است آنهارا بکلی از بین ببرد .

درپای این دیوارهاوهمچنان درسینهٔ آنها گیاهان خود رو روئیده وآنهارا مستور نموده است. دربین شهر جز حیوانات وحشی کسی سکونت ندارد . آب این قلعه از قنات هائی متشا به به قنات قلعهٔ خیسار می آمده ودرحوض وسیعی که در مرکز قلعه واقع است جمع وذخیره می شده است . در کناره های این حوض بعضی ستون پاره ها افتاده که معلوم می شود در قدیم اطراف آن باستونها محاط بوده است. بسمت شمال شرق قلعه یك راه نسبتاً آبادموجود است که باپارچه های سنگ فرش شده و گوئی بطرف غزنه میرفته است .

فخر آباد .

فخر آباد نیز ازقلاع وشهرهای مستحکم غوراست که دراز منهٔ پیشین اهمیت خوبی داشته این قلعه بفاصلهٔ دو ساعت راه بطرف جنوب قلعهٔ خیسار وقلعهٔ سنگی واقع بوده وهنوز هم مسکونی می باشد . ولی شهر بکلی خراب گردیده واکنون شکل قریهٔ کوچکی را بخود گرفته است . دراطراف ونواحی آن خرابه های زیادی موجوداست . بگفتهٔ قریه ازخاك آنها مسکوکات طلا ونقره به تعداد زیاد مکشوف میگردد .

معبد زوربازون :

درزمان سلاطین محلی غور ناحیهٔ زمین داور و کوهستانات شمالی آن ازعلاقه جات مهم ایالت غور بشمار میرفت وازنقطهٔ نظر عسکری این منطقه برای ملوك وامرای غور مخصوصاً دراوائل اسلام اهمیت زیادی رادارا بود . چنانچه ازهمین نقطه بود که بین مردمان غور وفاتحین اسلام درنیمهٔ اول قرن اول هجری جنگهای سختی در گرفت . وهمچنان سلطان محمود کبیر وپدرش سبکتگین از همین جاخواستند برغورلشکر بکشند . علاقهٔ زمین داوروقسمت های شمالی آن علاوه بر آنکه در آن اوقات دروازهٔ جهت فتح غور بشمار میرفت ، مسلمین میخواستند آن ناحیه رابیشتر ازنقطهٔ نظر این تسخیر نمایند که مرکزمهمی از آئین برهمانیسم بود . چنانچه دراوائل انتشار دین مقدس اسلام درحواشی جنوب وجنوب شرقی غور یعنی درحصص کوهستانات شمالی زمین داور عساکر اسلام به معبدی برخوردند که بنام معبد زون

یازور یادمی شد . وسیاح بزرگ چینی نیز بزبان خود ازآن شرحی نوشته است .بناغلی کهزاد در مقالهٔ جبل‌الزور خود منتشره درشمارهٔ ۱۹۰ سال ۱۳۲۱ روزنامهٔ ملی انیس با تفصیلات مفصل وتحقیقات تازهٔ ازین معبد وموقعیت آن تذکار نموده وما نکات مهم آنرا درینجانقل می‌نمائیم : « بعد ازینکه عبدالرحمن بن سمره شهر زرنج وبست را اشغال کرده بطرف حوزهٔ علیای هیرمند بعلاقه الرخج وبلاد الداور متوجه شده ودر علاقهٔ کهستانی زمین‌داور نزدیك کوهی که‌اعراب آنرا جبل‌الزور خوانده اند به معبدی برخورد که‌در آن مجسمهٔ بزرگ طلائی باچشمان یاقوتی وجود داشت موسوم به‌زوریازون .

عبدالرحمن دست های هیکل مذکور را شکستانده وچشمان آنرا برون کشید و بمردم فهماند که از دست این بت کاری ساخته نیست که‌بشما امداد نماید . معبدی که این بت‌در آن وجود داشت‌وکوهیکه معبد مذکور دردامنهٔ آن‌بناشده بود بنام‌همین مجسمه به‌معبد زور وجبل‌الزور شهرت یافته‌بود . نا گفته نماند که‌این معبد واین بت‌در دوره های‌پیش ازاسلام خیلی ها شهرت داشت هوان‌تسنگ زایر چینی که‌در سال ۶۳۰ مسیحی وارد مملکت ماشد بعداز مراجعت ازهند وقتیکه رهسپار چین‌می شد ازراه‌سمت جنوبی وغزنی گذشته‌و باراول ازین هیکل صحبت میکند وازمعلو ماتی که میدهدروشنی خوبی به‌این معبد وبت‌معروف آن می‌افتد. مشارالیه‌این‌مجسمه‌را بنام‌شونایاد کرده ومیگوید که‌معبدآن درجنوب‌علاقه «تسا وکوتا» برفراز کوهی آباداست.علاقهٔ تساوکوتا که‌زایرچینی تذکارداده‌غزنی‌وقندهارودرهٔ هیرمندرا در برمیگیردومی‌توان آنرامرادف‌زابل‌خواند.به‌این‌ترتیب‌دیده‌می‌شود که‌ازروی‌معلومات هیوان تسنگ‌سرراست بجائی میرسیم که عبدالرحمن بن سمره بت‌زوریازون را دیده است .

لوسترانج معبدمعروف زور را درنزدیکی شهر «ورتل» قرار میدهدواصطخری آنرا بنام تل و مقدسی داور یادمیکند . وازشهر بست سه روزه راه دورتر دردامنه های کهسار زمین‌داور وحوزهٔ علیای هیرمند وقوع داشت . »

خلج :

خلج هم یکی ازبلاد کوهستانی ومستحکم غور است که درتاریخ افتخارات کشورما مقام ارجمندی را دارا می‌باشد . موقعیت آن قراریکه نامه‌نگاران عرب‌می‌نگارند بایددر جنوب یاجنوب غرب مرکز کوهستانات غور بوده باشد . این شهر تاریخی ازبس شهرت فوق العاده داشت ، تاکنون نام آن ازناحیهٔ‌غور بکلی محونشده وهنوزهم درست بجانب‌غرب غور کوهی ووادی‌ئی بنام کوه‌پیرخلج اشتهاردارد. خلج ازآن‌نقاط کشوراست که‌تاابداسم‌آن ازصفحات تاریخ محو نخواهدشد زیراسلالهٔ معروف خلجی‌های افغان درهند ازمردمان باشهامت و غیور

همین نقطهٔ کوچك بودند . اگرچه‌تاهمین تازه گیها این حقیقت تاریخی ازنظرها پوشیده مانده بود ولی درین اواخر بناغلی کهزاد در مقالهٔ کوچك خود بنام خلج زمینه را روشن ساخته است (۱) . چون موضوع آن‌سراسر به‌مرام مقالهٔ‌ما مطابقت میکند البته بی‌مورد نخواهد بود که بعضی نکات برجستهٔ آنرا درینجا نقل نمائیم .

میگوید : «درهند یك‌خانوادهٔ دیگر افغان‌هم بعدازیك‌سلسلهٔ موالی‌غور به سلطنت رسید وازسال ۶۸۷ تا ۷۲۱ هجری ۵ نفر از ایشان برتخت دهلی نشسته اند که به سلسلهٔ دودمان خلجی معروف اند . و موسس آنهم ملك جلال‌الدین فیروز شاه خلجی است . بعض مورخین که از خارج قلم برداشته ودراطراف تاریخ ملی ما نگارشاتی بعمل آورده اند بدون تأمل محض بملاحظهٔ اینکه یکی ازطوایف ترکی‌ما وراءالنهر به‌اسم خلجی یاد شده سلاطین خلجی افغانستان‌را دودمان ترکی خوانده ، بعضی مورخین خودما هم درتحقیقات خود راه افراطرا پیموده‌وازدلسوزی زیاد از خلجی ، غلجی ساخته اند که معرف کتلهٔ معروف غلزائی است حال آنکه حقیقت بخیال‌من غیرازین هردواست . غلجی‌ها نه ازطایفهٔ ترکان ماوراء النهراند ونه‌باغلجی‌یاغلزائی‌ها ارتباط دارند . بلکه‌اهل وباشندهٔ خلج‌اندوخلج ازنقاط آبادان و معروف افغانستان مرکزی است که‌بصورت دقیق‌تر می‌توان آنرا به‌اصطلاح امروزی درغورو قرار تعبیرات جغرافیون‌عرب درجمله تخوم زمین‌داور قرار داد . واصطخری زمانیکه از بلاد داور صحبت‌میکند مواضع‌غور وبغنین‌وخلج وبشلنگ‌را اسم می‌برد پس‌خلج یکی ازشهرهای آبادان ومانند بغنین وبشلنگ ازقلعه های مستحکم وحصین غور بود .

این نقاط هرکدامش درتاریخ افغانستان رول مهمی بازی کرده . این‌جاها آشیان‌سنگی مردمانی‌است که‌نگاه شان ازعقاب گرسنه تیزتراست‌وازقلل بلند کهستانات همیشه‌طعمهٔ خود را ازنقاط دور افتاده ماورای افق تجسس می نمودند . خلاصه همان طوریکه از غور مردمانی برخاسته دردهلی بنام سلاطین غوری یاموالی غورسلطنت کرده‌اند از خلج‌هم کشور کشایانی قد بلند کرده وبه‌تعقیب وطن‌داران سلف‌خوددرهند حکمفرمائی نموده اند . »

پشلنگ:

قلعهٔ پشلنگ یافشلنگ یابشلنگ ازقلاع جنگی‌ومستحکم غوربوده که درحصص کوهستانات شمالی زمین‌داور یعنی دروادیهای جنوب‌وجنوب‌شرقی غور و قوع داشته است . بقرار برهان قاطع کلمهٔ پشلنگ بضم اول وفتح لام قلعه‌ٔرا گویند که‌برقلهٔ کوهی و اقع شده باشد . اما اصطخری «پ» آنرا به«ب» عربی تبدیل کرده ودرعوض ضمه ، کسره داده است .

(۱) شمارهٔ ۱۶۱ میزان ۱۳۲۱ روز نامهٔ ملی انیس .

سلطان محمودشهنشاه‌کبیر غزنه درسنه ٤٠١ هجری شخصاً به‌نفس خویش آنجارفت و باغوریها بکوه فشلنگ حرب صعب کرد وبسیاری از مسلمین کشته شدند چنانچه فرخی سیستانی این محاربهٔ سلطان را چنین توصیف میکند :

آنکه برکند بیك حمله درقلعهٔ طاق
آنکه بگشاد بیك تیردر ارگ زرنگ
آنکه زیرسم اسپان سپه خورد بسود
بزمانی در و دیوار حصار پشلنگ

ولی ابن اثیر وحتی دوکتور ناظم صاحب کتاب سلطان محمود درین جنگ از حصار بشلنگ که‌تاریخ سیستان (١) وشعر فرخی شاهد آن است نامی نبرده وبعوض آن از قلعه آهنگران که‌آنهم بذات خود ازقلاع معروف غور بشمار میرفت ذکر می‌نمایند .

قلعهٔ آهنگران :

درکتب ومآخذ ازآن مکرراً تذکارشده حمداله مستوفی آنرا چنین تعریف میکند: « غور ولایتی‌است وشهرستان آنجا را رودآهنگران خوانند . شهری بزرگ است وگرمسیر وآب وهوایش‌درسازگاری‌وسلامت،ازمیوه‌هایش‌انگوروخربوزه‌نیکو است(٢) » موقعیت این قلعه پوره معلوم نیست ولی قرار نظریه بارتولد روسی (٣) شاید همان دهی باشد که امروز به همین اسم در قسمت علیای هریرود واقع است ولی راورتی ازین آهنگران همان ده آهنگران را خیال کرده که‌در حواشی‌غزنه کاین بود (٤) ابن سوری که‌ازملوك معروف غور است درسنه ٤٠١ هجری باسلطان محمود غزنوی که شخصاً درین جنگ حضورداشت درین‌قلعه مقابله‌ها نمود تاآنکه اسیر گردیده بغزنه‌فرستاده شد ولی ابن سوری مرگ را براسارت ترجیح داده زهری‌را که در زیرنگین انگشتر داشت مکیده در عرض راه بمقام « کدن » Kidan ترك زندگی گفت .

قلعهٔ مندیش :

مندیش در ازمنهٔ ملوك وسلاطین غور شهرت واهمیت بزرگی داشته اگرچه در مآخذ ازآن مکرراً ذکرشده ولی موقعیت اصلی آن ازروی نگارشات قدیم چندان پوره معلوم

(١) صفحه ٣٩٠ تاریخ سیستان .
(٢) صفحه ١٨٨ نزهت القلوب مستوفی .
(٣) جغرافیای تاریخی ایران .
(٤) تبصره صفحه ٣٢١ ترجمهٔ انگلیسی طبقات ناصری

توانگر ترین انسانها آنست که بقدر توان خود دست کشی کند . (ابن عیاض)

نمی شود . از گفتهٔ منهاج السراج صاحب طبقات ناصری چنین برمی آید که باید شهر و قلعهٔ مندیش در حواشی شمال شرقی ایالت غور کائن بوده باشد چنانچه در ضمن تذکار پنج پارهٔ کوه عظیم ومعروف غور میگوید : « یکی از آن (زارمرغ مندیش) است که قصر ودارالملك شنسبانیان در دامان آن کوه است وچنین تقریر کنند که سیمرغ، زال زرا که پدر رستم بود در آن کوه پرورا نیده است.» چون دار الملك ملوك شنسبا نیه غور با میان بوده می توان گفت که قلعه وشهر وایالت مندیش درقسمت شمال شرقی غور واقع بوده است درزمان عباس بن شیش که یکی ازملوك محلی غور است مندیش رونق واعتبار شایان نظر داشته ودر آن آبادیها وعمرا نات زیبا وباشکوه موجود بوده است . در طبقات ناصری مذکور است که « عباس بن شیش درولایت مندیش بخط سنکه آن قلعهٔ اصل را که بسطام ضحاك بنا کرده بود به تجدید آن عمارت فرمان داد واستا دان کامل از اطراف حاصل کردهٔ دیوارها برسم باره ازآن قلعه بردوطرف شخ کوه « زارمرغ » برکشید و در پا ی آن کوه، بالا ی تلی قصری بلند بنا فرموده به دوازده برج ودرهر برج بصورت برجی از فلك سی دریچه نهاده شش برج شرقی وشمالی وشش برج غربی وجنوبی وهر برج بر صورت برجی ازفلك بنگاشت ووضع آن چنان کرد که هرروز خورشید از دریچه که مطلع آ ن بودی درتافتی چنانچه اورا معلوم گشتی که در آن روز آفتاب در کدام درجه از کدام بر ج است وآن وضع دلیل است بر خذاقت واوستادی امیرعباس درعلم نجوم (۱) و درعهد اوقصرهای غور مبنی شد و کثرت پذیرفت .»

موقعیت مندیش را دوکتور ناظم نیز درحدود بامیان به شمال شرق غور قرار مید هد چنانچه در ضمن اسیر شدن ملك سوری بدست سلطان محمود کبیر وحرکت او بطرف غزنه و فوت شدنش در بین راه بمقام « کدن» در پا ورقی کتاب سلطان محمود خود میگو ید : « کدن در بین راه با میا ن وغزنه وقوع داشت . ومن آ نرا از مقا یسهٔ طبقات نا صری (ص ۳۴۲ ، ۳۴۳ ، ۴۳۱ ، ۴۳۲) که چندین جا از کدن نام برده تعین نمو دم . موقعیت کدن به شمال شرق غور خیال موقعیت مندیش را در دماغ انسان تو لید میکند . (۲) »

بیهقی هم ازین قلعه مختصر سخنی زده واستحکا مات آنرا فوق العاده متین و باشکوه نشان مید هد چنانچه میگوید : « چون از جنگل ایاز برداشتند ، و نزدیك کشور والشت ر سید ند از چپ راه قلعهٔ مندیش ازدور پیدا آمد وراه بتافتند وبر آنجا رفتند ومن باایشان

(۱) میگویند ملك عباس بن شیش که پیش از سلاطین معروف غوری در غو ر حکومت محلی داشته ، منجم قابل و لایق بود . (طبقات ناصری) .

(۲) ص ۷٦ کتاب سلطان محمود ترجمهٔ عبد الغفور امنی .

میرفتم تا پای قلعت. قلعهٔ دیدم سخت بلند و نردبان پایهای بیحدواندازهٔ چنانکه بسیار رنج رسیدی تا کسی برتوانستی شد . (۱) »

خوابین :

ایالتی بوده درقسمت جنوب غور که سلطان محمود کبیر در حدود سال ۴۰۵ هجری از راه بست وزمین داور بدان جا لشکر کشیده چند ین قلاع مستحکم آنرا فتح نمود . موقعیت آنرا دربین سرحدات شمالی کوهستانات زمین‌داوروحصهٔ جنوبی غورقرار میدهند . بیهقی میگوید : « خوابین ناحیتی است ازغور پیوسته به زمین داور وآنجا کافران پلیدتر وقوی‌تر بودند ومضایق بسیار وحصار های قوی داشتند . (۲) » در زمان سلطان محمود ولشکر کشی های او ، حکومت این ناحیه متعلق به ابوالحسن خلف بود که در لشکر کشی شهزاده مسعود برغور درسنه ۴۱۱ هجری شرکت داشت .

حصار سیفرود :

ازمحکم ترین قلاع کوهستانی غور است که بنای آنرا سلطان بهاؤ الدین محمد سام بن عزالدین حسین نهاده وازمقابله‌های سختی که‌در زمان حملهٔ چنگیز خانی درین قلعه بوقوع پیوسته شهرت واهمیت آنها دوبالا شده‌است . صاحب‌طبقات ناصری یکی ازجنگهای این قلعه رادر مقابل عساکر مغل چنین ذکر میکند : « چون سلطان محمد خوارزم شاه از طرف بلخ بطرف مازندران رفت فرمان داد تاملك قطب الدین آنا قلعه‌را عمارت کرد وفرصت اندك بود بربالای قلعه یك حوضی بیش عمارت نتوانست کرد . بعد ازآن فرمان بدو ماه لشکر مغل درآمد وبیش مجال عمارت نماند . درآن حوض بقدرچهل روزه آب به‌جهته‌اهل قلعه جمع کرد لشکرگاه مغل باطراف غور درتاخت وجمله مواشی‌غور ازهمه اجناس بدست کفار افتاد واهل غور ازدرمی چهار درنگ شهادت‌یافت‌ملك قطب الدین بالشکرخود درآن قلعه پناه جست . «منکوته نوین» و«قراچه نوین» و«البر نوین» بالشکر انبوه بپای آن قلعه آمدند وچون ایشانرا معلوم‌شد که‌اهل قلعه‌را آب اندك است درپای سیفرود لشکر گاه نصب گردانیدند وجنگ در آغازیدند ومدت ۵۰روز برآن‌قلعه‌جنگهای‌سخت کردند (۳).» قلعه سیفرودبالاخره‌ازین محاصره‌خلاص گردید ومجدداً بسال ۶۱۷ هجری سپاه مغل به‌آن حمله وحشیانه آورده محو وفنایش ساختند .

---

(۱) ص ۶۸ بیهقی .

(۲) ص ۱۰۹ بیهقی .

(۳)صفحه ۲۵۵ منتچبات ادبیات فارسی ازطبقات ناصری .

قندهار

بناغلی عثمان خان « صدقی »

اوضاع جغرافیائی :

بعد از کابل بزرگترین شهر افغانستان قندهار است که مرکز و لایت قدیم اراکوزی ویا اراچوسیه و یا قرارنوشته های مورخین وجغرافیه نگاران۔ عرب‌الرخج والرخذ میباشد .

بناغلی عثمان خان « صدقی »

شهر قندهار بعرض ۳۱ درجه و۳۷ دقیقهٔ شمالی وطول ٦٥ درجه و۴۳۰ دقیقهٔ شرقی از گرین‌وچ واقع وازسطح بحر ۳٤٦۲فت بلند می باشد . قندهاردرمیان اراضی حاصلخیزی درپای‌وادی ترنك افتاده که از دریائی بهمین نا م بواسطه سلسله کوه کوتاهی جدا می‌شود. این کوهها حصهٔ سفلی وادی رابدوحصه منقسم نموده وموازی با کوهها تا بیست میل میرود . این کوهها را تور کانی می‌نامند که یك نام پښتو و بمعنی سنگ سیاه بوده وازسطح زمین با ند ازهٔ یکهزار فت بلند است قند ها ر را ا ز سه طر ف کوههای دارای قله ها ی بلند و خشك ا حاطه کرده . وادی قند هار فوق العاده حا صلخیز وشاداب ودارای باغها وتاکستا نهای بی‌نظیر می باشد.درجنوب وغرب این‌وادی ثروتمند آ بادی زیاد دیده‌میشود. اما شمال‌غرب خشك‌وبواسطهٔ‌دورشتهٔ کوه که گفتیم‌یکهزارفت از سطح‌زمین بلندی‌داردبسته شده.درطرف شمال‌غرب این سلسله‌هایك‌مخزن آ بی‌رادربین‌وادی ارغنداب ووادی ترنك تشکیل‌میدهد که‌بالاخره در کوههای بزرگ‌هزارجات می‌انجامد . این کوهها درجنوب غرب رفته‌رفته بریگستان‌می‌پیوندد . درشمال‌غرب سرك کابل‌شروع می گردد . این‌راه‌قدیم وتاریخی‌است. مشهورترین‌راهی که ازقندهار بهندوستان میرود ازپای‌سلسله‌کوه خواجه‌عمران یا (خوجك) می گذرد که‌دریك پهلوی آن بفاصلهٔ وادی پښین‌واقع است . کوتل خواجه‌عمران قریب (۲۳۰۰)فت بلند میشود ولی درینجا کوه‌را سوراخ کرده خط آهن منطقهٔ چمن‌جدیدرا به کوئته وصل کرده اند . چندین راه مهم دیگر قندهار بهند ازراه بلوچستان است .

قندهاردرجائی واقع است که فاصلهٔ آن از کابل (۳۱۵) میل ، ازهرات که بطرف شمال غرب آنست (۳۷۰) میل وفاصلهٔ آن ازچمن جدید که نزدیک ترین نقطهٔ سرحدی میباشد (۳۸۰) میل است.
شهر قندهار فعلی بشکل مستطیلی است که عرض وطول آن دوهزار گز درهزار وششصد گز ومحیط آن قریب چهارمیل است . بلندی دیوار از (۲۵) تا (۳۰) فت بوده وعرض آن (۱۵) فت می باشد - خارج دیوار خندقی است ده فت عمیق . دیوارشهر چاربازار بزرگ دارد که درمرکز یکی دیگررا تقریبا بزاویهٔ قائمه قطع می کنند ومرکز آن سابقاً گنبدی داشت . بازار های قندهار عریض وبشکل خیابان مشجر است دکانهای آن برنده‌دار ودلباز است . عمارات شهر قندهار رویهمرفته همه بصورت گنبدی آبادشده . مهمترین عمارتی که ذوق معماری رانمایندگی میکندمقبرهٔ پادشاه بزرگ اعلیحضرت احمد شاه بابا است این مقبره با گنبد بزرگ ومقبول ومنارهای قشنگ حاوی نمونه‌های خوب خطوط ونقاشی است . چاربازارشهررا بچهارمحلهٔ بزرگ تقسیم نموده که اهالی در آن سکونت دارند .

درچار سمت شهر چار دروازهٔ بزرگ وجود داشت که موسوم به کابل ، شکارپور ، هرات ، وعیدگاه بود . واین دروازه‌هابمقابل بازار های بزرگ واقع اند . علاوه بر آن شهر دو دروازهٔ خورد نیز دارد که درنصف حصهٔ غربی آن بوده وموسوم به توپخانه وبردرانی میباشد . دروازهٔ عیدگاه ازبین شهرستان (ارگ) می گذرد که محوطهٔ مربع شکلی بوده وهر ضلع آن (۲۶۰) گز طول دارد .

قریب چارمیل دورتر ازشهر موجودهٔ قندهار در دامنهٔ کوهی که بالاخره بزمین های هموار می‌انجامد . خرابه های شهر قدیم قندهار دیده میشود که در سال ۱۷۳۸ میلادی ازطرف نادرافشار غارت وخراب کرده شد . از بالای کوه یك شهرستان کوچکی ناظر خرابه های نیمه مدفون است . درسمت جنوب غرب شهر وشمال شرق کوه ، چل زینه است که درسنگ آهك ساخته شده وبیك محوطهٔ کوچك گنبدی داری رهبری میکند . در ینجا بعض خطوط فارسی نقرشده که متضمن پارهٔ ازتاریخ قندهاروشرح وسعت سلطنت امپراطور بابراست .
قندهار بزرگترین مرکز تجارت افغانستان است . دربازارهای آن مال التجارهٔ ممالك مختلفه بمشاهده میرسد . اهل قندهار استعداد خوبی درتجارت دارند . واردات عمدهٔ قندهار رخت ، چرم ، قند ، فلزات ، رنگ از خارج وقالین ، برك : پوستین ، ابریشم وغیره از ولایات داخلی مانند کابل ، هرات ، غزنی است.صادرات آن پشم ، پنبه ، میوه ، ابریشم ، انگوزه وغیره است .

امروز مهمترین تجارت قندهار پشم ومیوه است . فابریکهٔ میوهٔ قندهار اقسام کانسر وه وشیرینی تهیه کرده بداخل وخارج صادر می کنند .

اگرچه جنوب وغرب وادی قندهارشاداب وخیلی حاصل خیزاست مگروادی ارغنداب حاصلخیز ترین قسمت منطقه می باشد باغهای پرثمر وتا کستان های بیشمار دارد . زمینهای اطراف قندهار بو اسطهٔ نهرهای که‌ازرود ارغنداب ازنزدیك باباولی کشیده شده آبیاری می گردد . آبیاری بواسطهٔ کاریز نیزبکثرت وجود دارد . درقندهار گندم ، جو، باقلی شبدر،رشقه ، تنباکو ، ترکاری وغیره کشت میشود . قندهار از نقطهٔ نظر حا صلات میوه مهمترین منطقهٔ افغانستان شمرده میشود .

نام قند هار :

نام قندهار درتاریخ های قدیم وجود ندارد وچنین معلوم میشود که‌یك‌نام جدیدی است که درین اواخر کسب شهرت کرده . دراسناد تاریخی قبل ازاسلام عجالةً این نام بکلی درتاریکی است . درعصر اسلام که‌یك تعداد زیاد جغرافیه نگاران وتاریخ نویسان وجود دارند از وجود شهر ، قصبه ، ده وقریهٔ باین نام درین منطقه تذ کری نمی کنند . بعض ازجغرافیه نویسان عرب همچون بلاذری ، مسعودی یعقوبی‌ازین نام‌یاد می کنند امامقصدایشان ازین نام شهریست در مصب در یای کابل . در تاریخ سیستان وحدود العالم من المشرق الی المغرب نیزچنین بوده ، اصطخری وبعضیهای دیگر درهنگام صحبت از الرخج والر خذ شهرهای عمدهٔ این منطقه را پنجوائی وتکین آباد می‌نویسند .

ولایتی که امروز بنام قندهار موسوم است وعین‌همین نام روی مرکز آن نیز گذ ارده شده درقدیم اراکوزیه نامیده میشد . هرودوتس آ نرا هراواتی و دیگر یو نانیان آنرا آراخز نامیدند .

ولسن‌درکتاب آریانا انتیکوای خودراجع بقندهارگوید که‌دربین شهرهای که پوتولمی درین ولایت ذکر می کند یکی الکذاندریه است که عموماً آنرا قندهار مو جوده تصور می کنند . اینکه شهر مذکور برسر راه مقدونی واقع شده است شبهه و ترد یدی نیست لیکن این‌نام یعنی‌قندهار باگندهارا بیشتر ازالکذاندریه شبیه‌بوده وقرابت بهم می‌رساند .

دستهٔ از نویسند گان عقیده دارند که نام قندهار از الکذاندریه ما خوذ شده باین معنی که اسکندر درسال ۳۲۹ ق م وقتیکه بارا کوزیه رسید برحسب عادت قلعهٔ نظامی برای عساکر یونانی بساخت وایشان همین قلعه‌راقندهار تصورکرده ومی گویند که اسکندریه کندریه ، کندار وقندهار شده واستناد بافسانه های محلی راجع بشهر قندهار که اسکندر ذوالقرنین آنرا آباد کرده می‌نمایند .

اما گمان غالب چنین است که‌نام قندهار باگندهارا ارتباط مستقیم دارد ومستر بیلوهم درین‌عقیده تفصیلی دارد زیرا درسال ۵۲۰ میلادی سونگ یون Sung-yun زائر چینی به

گندهاره وارد شده باستناد یاد داشت های او درین عصر ایفتالیت ها بـه گندهاره هجوم آوردند . یك حصهٔ از مردم گندهاره برای حفاظهٔ کشکول بودا از دستبرد یفتل مهاجرت نموده به آراکهوزی آمدند که غالباً درجای شهرقدیم قندهار بوده ونام گندهارا را نیز باخود آورده بهمان منطقه که آباد شدند گذاشتند واین مسئله درمشرق زمین امثال زیادی دارد . همان گندهارا بود که قندهارشد اماچون شهرت نداشت مخفی ماند وازنظر جغرافیه نگاران عرب واسلام گریخت زیرا درین اوقات شهرمهم منطقه پنجوائی وتکین آباد بود امادرین هیچ شبهه نیست که قندهار بحال ده ، قصبه ویاشهر کوچك کم اهمیتی وجود داشته وفردوسی نیزازان ذکرمی کند که کورنگ شاه پادشاه زابلستان کنیز کی قندهاری داشت وگوید .

بدش قند هاری بت قند لب   که ماه ازرخش خیره گشتی بشب

منوچهری دامغانی هم میگوید (یاقندلب نگاری کز قندهار باشد)

زابلستان عبارت از غزنین ومنطقه های پیوسته به آن وغالباً تاقندهار باشد وگندهار یاقندهار شهرکی در مملکتش که بحسن شهرت داشته بوده . پس میتوان گفت که نام قندهار خیلی تازه است (۱) .

تاریخ قندهار :

صحبت مادر زمینهٔ نام قندهار طوریکه دیده شد هنوز مکمل نیست لذا دنبالهٔ آنرا گذاشته قندهارراحتی الامکان درتاریخ میجوئیم ومی نگریم که سیل حوادث درسر نوشت این شهر چه تأثیرنموده است اگرچه مقصدمااز تعقیب تاریخ قندهارشرح تاریخ مفصل آنست ولی از آنجا که صفحات محدود ومعین اجازه نمیدهد بایك نگاه تند ومجمل ازآن میگذریم وتکمیل مقصد اصلی رابه آینده می گذاریم :

ولایت قندهار که نام قدیم آن هرخواتیش است که هرودوتس آنرا هراواتی و سائر یونانیان آراخزیا ساختند تاریخ پرآشوبی دارد . سرگذشت قدیم آن هنوز درپس پردهٔ مجهولات است . بعد از سقوط سلطنت های قدیم آریانا وانقراض سلسله های پیشدادیان و کیانیان بلخی دولت ماد در مدیا و در فارس دولت هخامنشی تاسیس گردید. کوروش کبیر فارسی هشت سال برای تسخیر ولایات آریانا سعی کرد اما نتیجهٔ حاصل نموده نتوانست و بالاخره درجنگ باقبائل ولایات غربی افغانستان درسال ۵۲۹ ق م کشته شد . امابعد ازوی ولایات آریانی بنام ملحق بدولت هخامنشی شدند ودرهرکجا حکمداران محلی مستقلانه بسرمی بردند . درهنگامیکه کمبوجه پسرکوروش مصروف جنگها وحوادث مصرشد

---

۱ ـ نام قندهار درشماره اول سال اول مجله آریانا دیده شود .

د حکام دښو ونځي مدیر : ص ، عبدالغفار خان .
دپست اودتلگراف دښوونځیو مدیر : « ، محمدامین خان
دتجارتي دښوونځي مدیریت وکیل : « ، عبدالقدس خان
دمساحت دښوونځي مدیر : « ، عبدالسلام خان
دتحریر واصول اودمحاسبي دښوونځیو مدیر : « ، عبدالقیوم خان
دپرستارۍ دښوونځي مدیر : « ، فدای احمد خان
دبلدیې دمنطقي دښوونځیو مدیر : « ، محمداکرم خان
دولایت کابل دمعارف مدیریت وکیل : « ، غلام حیدر خان

❀ ❀ ❀

دملي اقتصاد وزارت

وزیر : ع ، ج ، ا ، ع ، عبدالمجید خان
لمړی معین : « ، ص ، محمداکرم خان
دوهم « : « ، « ، غلام غوث خان

دگمرکاتو عمومي مدیریت :

عمومي مدیر : . . . . . .
دگریزي « : ص ، حبیب الله خان

د تجارتي عمومي مدیریت :

عمومي مدیر : ع ، سید احمد علي شاه خان
دشرکتو او
کریدت مدیر : ص ، محمد صدیق خان
دخارجه تجارتي
مدیر : « ، محمد حسن خان
د تجارتي
احصائیي مدیر : . . . . .

ع ، ج لمر عالي نښان عبدالمجید خان دملي اقتصاد وزیر
S. Ex. Abdul-Majid Khan ministre
de l,économic Nationale

د تجارت داطاق عمومي مدیر : ع ، میرضیاءالدین خان

دصنائعو عمومي مدیریت :

عمومي مدیر : ع ، محمدنعیم خان
دقوانینو « : ص ، عبدالغفور خان

شخصی برد یا نام خروج وبر ضداو شورش کرده سرداران را طرفدار خود ساخته بنام بردیا پسر کوروش کبیر پادشاه فارس گردید . درینوقت اوضاع کشوری فارس خراب شده بود مخصوصاً ولایات مفتوحهٔ آریانا تماماً ارتباط خودرا ازمرکز فارس قطع کرده بودند. بردیا برای مطیع ساختن هرخواتیش یعنی اراکوزیه لشکری فرستاد ولی حکمران محلی آن که قوت زیاد داشت اورا شکست داد. داریوش کبیر بردیارا بکشت. وبرآریانا لشکر کشید وتاحوالی رودسند بدست آورد که درین جمله اراکوزی نیزشامل بود. اما همینکه اقتدار دولت هخامنشی کم شده رفت مخصوصاً در عصر داریوش سوم ولایات آریانا بکلی مستقل گردیدند . حکمرانان ولایات آریانی که دولت روبزوال هخامنشی را میدیدند در صدد چارهٔ کار خود برآمدند . بسوس حکمران باختر ازیکسو وبارسانتس Barsantés والی درنگیانا واراکوز یا ازطرف‌دیگر در خیال سلطنت افتاده بودند ، ودر هنگامیکه جنگ (گوگاملا) سبب‌شکست پادشاه هخامنشی شد بسوس تاج شاهی آریانارا در باختر بسرنهاد بارسانتس نیز که هم خیال جدی بسوس بود بطرف درانگیانا واراکوزیاآمد تا سررشتهٔ دولت خود را بنماید . اما تمام این پلان‌ها دراثرقشون کشی اسکندر مقدونی ناکام ماند .

درین‌وقت ولایت اراکوزی ودرانگیانا متحدا تابع یك حکمران بود که بارسانتس نامداشت . این شخص در استخلاص وطن خود بسیار کوشید ویگانه آرزویش قطع رابطه بادولت فارسی هخامنشی بود . ازهمین جهت درسال (۳۳۰) ق م داریوش سوم پادشاه هخامنشی را باتفاق بسوس حکمران بلخ ازبین برداشتند . پروپاگند قوی حملهٔ ناگهانی اسکندر باقشون قوی او انعکاسات بدی کرده ودر آن وقت بحرانی حکمران درانگیانا واراکوزیه را بکلی دست وپاچه ساخت . بارسانتس که از قوت اسکندر وسقوط دولت فارس بدست‌اوخبرداشت وازحملهٔ‌اسکندر برهرات ورفتاروحشیانهٔ‌او نسبت باهالی آنجا بخوبی مطلع بود درخود توان آن ندید که جلواورا بگیرد . لذا از راه کوهستانها بهند رفت وولایات درانگیانا واراکوزیه را بدون یاور گذاشت . این دو ولایت بدون مانع بدست اسکندر درافتاد . معلومات امروزی هنوزها ناقص است لذاگفته نمی‌توانیم که آیا اسکندر درهنگامیکه داخل ولایت اراکوزی می گردد دچار مقابله ومقاومتی میشود یانه ؟

بهمه‌حال اسکندر داخل ولایت اراکوزی شد . شهرهای آن یکی بعددیگر بدستش رسید . مهمترین شهرهای که بطلیموس وقایع نگار اسکندر ثبت نموده عبارتنداز آزولا Azola یااوزولا Ozola، فوکلیس Phoklis اراکوتس Arachotus واسکندریه . کننگهم آزولا را در هلمند علیا عبارت از گذر Guzar یا گذارستان Guzaristan وفوکلیس را دیمتریاس میداند . ایسیدور مورخ دیگر چندشهر دیگررا نیز داخل آن می کند بدینقرار:

بیوتBiüt، فرسا گ Pharsag، کوروشاد Chorochad ، دمتریاس ، والکزاندر وپولس که پایتخت ولایت وبر کنار رود ارا کوتس یعنی ارغنداب واقع بود . بیوت را عبارت از بیجس Bigis یا بست می‌دانند .

از ملاحظهٔ تاریخ می بر آید که بعد از آنچه گفتیم اسکندر مردمان دیگری را که بنام ارا کوتی یادمیشدند تابع ساخت . این مردم یعنی ارا کوتی Arachoti مردمانی بودند که باطراف قندهار ورود ارغنداب می‌زیستند . از جملهٔ شهر های که مورخین یونانی ذکر کرده اند بطور صحت نمی توان گفت که کدام آن بر جای قندهار قدیم آباد بوده ، اما میتوان گفت که شهر اراکوتس که متعلق بمردمان اراکوتی وبر کنار دریای ارا کوتس واقع بود ممکن است شهرقدیم قندهار (در صور تیکه رود ارغنداب در مسیر اولی خود فرض کرده شود) ویا غالباً پنجوائی باشد . بهرحال ارا کوتس قندهار قدیم و یاپنجوائی باشدیانباشد یقیناً شهری بوده که بر کنار دریای ارغنداب ونزدیکی های قندهار وجود داشته . اسکندر طوری که عادت داشت برای رهایش عساکر یونانی خودقلعهٔ نظامی اساس گذاشت وآنرا اسکندریهٔ اراکهوزی خواند. مورخین یونانی این قلعه را طبق عادت خود شهرخوانده اند واین اشتباه سبب گردید که تاامروز بعضی مورخین اروپائی وشرقی رابخطا برده ومیگویند که بانی قندهار اسکندر است درتابستان سال ۳۲۹ ق م دیوار های این شهر بقدر کافی بلندشده بود که اسکندر(ممنن) راوالی آن مقررداشته وعدهٔ ازعساکرخودرادرآنجامقیم ساخت و بطرف کابل حرکت نمود . بعدازمرگ اسکندر برسرتقسیم دولت وسیع او هرج ومرجی در بین سرداران عسکر او روی دادوهریك از ایشان ادعای جا نشینی اسکندر رانمودند . سلیو کس درمناطق مشرق زمین اعتبار قایم کرد و کارش رونقی گرفت . در آریانا حکمرانان محلی موقع را مغتنم شمرده درصدد آن شدند که نفوذ یونانی را براندازند . یو نانیانی که در افغانستان مانده بودند نیزدر زیر اثر این محیط درفکر قطع روابط خود بامرکز بابل شدند . از جملهٔ حکمرانان بومی که درین وقت در ولایات مهم آریانا حکمرانی داشتند بدینقرارند : سیبرتیوس Sibyrtios حکمران اراکوزی وگدروشیا (ولایت قندهار و بلوچستان) ستاساندروس Stasandros حاکم آریاودرانگیانا ، ستازانور (Stasanor) حکمران باختر وسغدیانه بود . اینهاهمه درپی استرداد قوت ازدست رفته شدند وتااندازهٔ هم موفق آمدند . درین اثنا درهند دولت موریا تاسیس یافت وسلطنت وسیع آن از بنگال تااندس وسعت گرفت . سلیوکس ملتفت این امربود وهمینکه موقع مناسبی یافت بشرق آمد اما شکست خورد ومجبور گردید که ولایات پاروپانیزادی ، آریا واراکوزیه وگدروشیارا به چندراگپتاواگذارد . ازان ببعد چندی اراکوزی وبعض ولایات آریانا بنام مطیع دولت موریا گردید .

دریں اثنادیودوتس حکمران باختر باانتی او کس سوم پادشاه یونانی بابل قطع رابطه کرده خودرا مستقل دانست ۲۵۶ ق‌م دیودوتس دوم در سال ۲۳۵ ق‌م بسلطنت رسید . انتی اوکس سوم که باپارتها درحال مجادله بود صلح کرده ودرسال ۲۰۸ ق‌م بباختر حمله آورد درین وقت درباختر یوتید یموس ، دیودوتس دوم‌را بقتل رسانده پادشاه باختر شده بود . انتی اوکس سوم باختررا محاصره واین محاصره تاسال ۲۰۶ ق‌م طول کشید و بالاخره بین طرفین صلح شد وانتی اوکس سوم ازراه کابل بطرف اراکوزیه آمد وسیستان را طی کرده بطرف بابل برگشت .

درین وقت ازیکطرف دولت موریاروبضعف میرفت وازطرفی هم انتی اوکس مراجعه کرد لذا وقت برای ترقی وپیشرفت دولت باختر درزیر ادارهٔ یوتیدموس مساعد گردید . چندی نگذشت که یوتیدموس پادشاه باختر برعلاقهٔ جنوب هندوکش که درزیرادارهٔ پادشاه کابل موسوم به‌سو فاگز ینوس Sofhagesenus بود حمله نموده وآنرا بدست آورد ، و پس ضمیمهٔ دولت باختر ساخت . بعد ازیوتیدموس پسرش دمتریوس پادشاه شد وحصهٔ بزرگ هند را فتح کرد وسیالکوت‌را مرکز متصرفات هندی دولت یونان وباختری ساخت سپس ابوکراتیدس از غیاب دمتریوس درهند استفاده نموده درباختراعلان شاهی نمود وبعدازاوپسرش هلیوکلس به‌سلطنت رسید ودراثر ظهور اسکائی‌ها نفوذدولت باختر ازشمال هندوکش به جنوب آن منتقل گردید .

درحدود سالهای (۱۵۰-۱۵۵ ق‌م) اسکائی‌ها ازرود آمو گذشته سلطنت یونانی باختررا برانداختند وپادشاه یونانی باختر بوادی کابل آمدودر پناه سدهای طبیعی هندوکوه قرار گرفت . اسکائی هابطرف هرات رفتند وچون درمغرب سلطنت قوی پارت بود لذا بسیستان وقندهار فرود آمدند ، ودر بین اسکائی های قدیم طرح اقامت افگندند . در بین سنوات (۵۸ - ۱۲۳ ق‌م) مهرداد دوم‌پادشاه‌پارتی اسکائی‌هارا مغلوب‌نموده بسیستان وقندهار استیلا نمود ، امابعدازمرگ‌مهرداد دوم‌سیستان وقندهارآزادگردیده واسکائی ها مشغول فتوحات در هند وپهلواها در قندهار وسیستان سلطنتی تاسیس نمودند . بزرگترین پادشاه پهلواها وونونیس Vonones بلقب(شاه بزرگ شاهان) میباشد. ضرابخانهٔ وونونیس قندهار و شروع پادشاهی اورا عموماً درسال ۳۰ ق‌م قیاس‌میکنند . بعدازوونونیس، سپالیریسس Spalirises پادشاه گردید وغالباً درهمین وقت است که‌پهلواها سلطنت کابل را فتح میکنند وخانوادهٔ یونانی کابل رامنقرض میسازند . گندوفارنیس Gondopharnes که در سال ۱۹ میلادی برتخت سلطنت پهلواها جلوس کرد مهمترین پادشاه این سلسله بوده وبر وادی کابل نیز مسلط بود . این شخص قبلاً در عهد آزیس دوم Azes نائب الحکومه قندهار بود . وقتیکه گندوفارنیس پادشاه گردید(گاسس) برادرزادهٔ اودرسیستان وقندهار نائب الحکومه گردید

درین زمان دولت بزرگ کوشانی تاسیس می یابد وکجوله کدفیزس یا کدفیزس اول بعد ازانتظام دولت خود درباختر بطرف کابل آمده آنرا متصرف وسپس بطرف ولایت قندهار لشکر کشیده همه را داخل قلمرو خود میسازد . قندهار تاپایان دورهٔ کوشانی های بزرگ مانند سائر و لایات آریانا درامنیت و پیشرفت معنوی بسر می‌برد . مخصوصاً دورهٔ کنشکای بزرگ یکدورهٔ مجدد اعتلای دولت آریانا است که ازآن فیض این ولایت‌رانیز بهره می‌رسید . اما بعد ازسقوط کوشانی‌های بزرگ مخصوصاً بعد ازوفات هو یشکا پنجمین جانشین کنشکاولایات افغانستان ازدوطرف‌تحت تهدید قراریافت یکی ازطرف شمال وهجوم هیاطله‌ودیگر ازطرف‌غرب وظهور دولت‌جوان ساسانی . بعد ازمرگ (واسودوا) درحوالی سال ۲۲۰ م عظمت کوشانی‌ها ازبین رفت . میگویند که‌بهرام دوم ساسانی درحوالی سالهای ۲۷۷ ـ ۲۹٤ میلادی ویا در اواخر قرن سوم مسیحی سیستان را فتح کرده وباشاه کابل داخل مجادله شده ازسیستان بطرف وادی هلمند و ارغنداب آمد . اما دروقت انوشیروان که‌هجوم هیاطله زیاد واقتداردولت ساسانی‌هم بمعراج خود می‌رسد ودرمقابل دولت کیداری وکابل شاهان بکلی ضعیف می گردند رخج وزابلستان نیزمانندباختر وتخارستان داخل حوزهٔ ساسانی میشود. چه انوشیروان درسال ٥٦٢م بادولت بیزانس صلح پنجاه ساله کرده وازموقع استفاده نموده برای جنگ با هیاطله آمادگی می کنند و برای اطمینان از پیشرفت خود قبلاً با ترکها برضد آنها متحد می گردد . کیفیت این جنگ در دست نیست اما پادشاه هیاطله معدوم می‌گردد . در نتیجه رود جیحون سرحد قرار یافته وشاه ساسانی باختر ، تخارستان ورخج را بدست می‌آرد . اما عکس‌العمل آن دربعضی ولایات افغانستان مشاهده می گردد ، باینمعنی که وادی کابل وزابل وبلوچستان وحوزهٔ پشاور وسوات و غیره درتحت امرای محلی مستقل می‌شوند که مهمترین شان رتبیل های کابل هستند که قندهار نیز در دست شان بود .

ظهور دین مقدس اسلام وانتشار آن باعث فتوحات اعراب در مشرق زمین گردید ؛ مسلمانان عرب بعد ازفتح فارس وانقراض دولت ساسانی به خراسان این زمان یا افغانستان نیز لشکر کشیدند سیستان در سال ۲۳ هجری وقندهار درسنه ٤٤ هجری فتح گردید . قندهار درمقابل مسلمانان بسی مقاومت کرد موسیو فریه Ferrier که ازجملهٔ سیاحین قرن ۱۹ است نظریه هر بیلو Her Belot را که به‌اساس جمله های اخوان الملك (※) می‌باشد چنین نقل کرده جملات اخوان‌الملك اینست : درسال ۳۰٤ هجری (۹۱٦م) درعهد خلافت

(※) شاید اخوان‌الصفا باشد واین سلسله مجلاتی که در قرن ٤ هجری نشرمی شده .

مقتدر برای حفر تهداب برجی درقندهار یك مغاك زیرزمینی کشف شد که درآن یکهزار سر عرب همه دریك زنجیر بسته وازسال(۷۰)هجری(۶۸۹م) تاآنوقت محفوظ مانده بود . زیرا یك کاغذی که این تاریخ روی آن ثبت بود وبه رشتهٔ ابریشمینی ارتباط داشت که در گوش بیست‌ونه نفر اشخاص مهم آنها کشیده شده بود ودرآن اسمای ایشان را نوشته بودند.(۱) ازین چنین می برآید که اعراب دراول ورود خود باین شهر باسانی موفقیت حاصل کرده نتوانستند. صاحب تحفة الکرام عین واقعه‌را بامختصر اختلافی که شاید اصلاً همین باشد چنین نگاشته:(۲)درار بع وثلث مأته هجری برجی ازبروج قندهار بیفتاد ازان میان هزار سرآدمی ظاهر شده همه‌را بیکدیگر بسته‌بودند ودرگوش بیست‌ونه سر رقعها بود بریسمان بسته نام آنکس برآن نوشته وازان اسامی است : سریح بن‌سنان ، حسان بن‌یزید ، خلیل بن‌موسی ، وآن رقعها مورخ بودند بتاریخ سبعین هجری . »

باوجود حملات شدید وکوشش های‌زیاد مسلمانان عرب قندهار وکابلستان زیرنفوذ کلی اعراب نرفت وتنها رتبیل‌ها پادشاهان کابل‌وقندهار باج‌می‌دادند وبس . این وضع دوام‌داشت تااینکه درسال۲۵۲ هجری (۸۶۵ م) یعقوب‌لیث صفاری درسیستان با قتدار آمد و پنجوائی وتکین آبادرامسخرساخت ورتبیل شاه کابل‌رابکشت ورخذرا بگرفت وهمچنان‌غزنی و کابل‌را بدست آورد .

بعد ازسقوط دولت صفاری قندهار زیر نفوذ سامانیان در آمد اما درقرن چار هجری سلطان بزرگ غزنوی آنرا بدست آورد . قندهار درسایهٔ سلطان محمود غزنوی وسائر سلاطین بزرگ غزنوی باامن وآسایش بسربرد تااینکه اقتدار دولت‌غزنی رو بانحطاط‌رفت وازمیان کوهستانهای غور ومخصوصاً ازمرکزآن فیروزکوه سلطان‌حسین‌علاوالدین جهانسوز سر کشید وغزنه‌را بباد فناداد وازآنجا به‌بست که بزرگ ترین شهر آنوقت افغانستان بود آمد وآنرا خراب کرد ۵۲۵هجری (۱۱۵۰م) . دولت‌غوری بهمان سرعتی که جهانگیری کرد دوباره فرونشست . درین وقت در ولایت اراکوزی بزرگترین شهر آبادان ومرکز عمدهٔ تجارت همانا بست بود . ویرانی بست سبب آبادی قندهارشد . چه‌قندهار بعداز بست رونقی یافته بود لذا پایتخت ولایت اراکوزی ازان‌وقت‌ببعد به‌قندهار انتقال کرد . درضمن ضعف غوریهاسلجوقیان برقندهار دست‌یافتندوزیرنفوذایشان‌تازمان سلطان‌سنجرسلجوقی‌بود که مشارالیه بالاخره‌ازطرف ترکمانان‌غزخلع گردید‌تااینکه‌سلطان‌علاوالدین‌غور آنرانجات‌داد . بعد ازان قندهار بدست غوریها بماند . در سال ۵۹۷ هجری (۱۲۱۰ م) سلطان محمد خوارزمشاه آنرامالك‌شد ، امادر سال ۶۰۹ هجری(۱۲۲۲م) چنگیز در مملکت‌خوارزمشاه

۱ ـ ص ۳۲۳ سیاحتنامهٔ فریه ۲ـ ص ۸۸ جلد سوم

حمله آورد واورا بکلی مستأصل ساخت .

بعد از انکه تاثیرات روان سوزچنگیزی از بین رفت سلسلهٔ کرتها باقتدار آمد و ملک شمس الدین (دوم) کرت درسال ۶۷۶ هجری قندهار را محاصره نمود و قندهار در حوزهٔ دولت ملوك کرت در آمد . درعهد آخرین پادشاه سلالهٔ کرت یعنی ملک غیاث الدین پیرعلی تیمور هرات را فتح کرد وآل کرت را خاتمه داد وبعد ازان قندهار را فتح نموده به نواسهٔ خود پیرمحمد تسلیم داد ۷۹۱ هجری مطابق ۱۳۸۹م .

دراواخر قرن پانزده عیسوی قندهار در جملهٔ سلطنت هرات شامل بود ونخستین بارنام قندهار بحیث ضرابخانه در مسکوکات سلطان حسین بایقرا ظاهر گردید . دروقت سلطان حسین سردار ارغون ذوالنون بیگ حکمرانی زمین داور وسائر مناطق را بدست آورده قندهار را پایتخت خود بساخت . اقتدار او درقندهار خیلی زیاد گردید . در آخر دورهٔ سلطان حسین مرزا که شیبانی موقع راغنیمت شمرده به بلخ حمله نمود درقندهارپسر ذوالنون بیگ موسوم به شاه بیگ ارغون حکمرانی داشت . همینکه شیبانی هرات را از اولادسلطان حسین بایقرا بدست آورده مشغول زد وخورد بود بابر که در کابل اقتدار حاصل کرده بود بطرف قندهار حمله نموده وشاه بیگ راازقندهار راند وآنرا بدست آورد مورخهٔ ۹۱۳ هجری (۱۵۰۷م) . اما شاه بیگ بزودی بعد ازآمدن شیبانی شهررا بدست آورد و چندین سال مستقلانه زندگی کرد .

درین وقت اوضاع عمومی افغانستان خیلی بحران آمیز ودچار حوادث مهمه بود چه ازیکطرف دولت بزرگ هرات روبزوال رفت وشیبانی ها آمده بلخ ، هرات وقندهار را بدست آوردند ازطرف دیگرصفویها روبعروج گذاشته بدین اطراف چشم دوخته بودند و درکابل بابرشاه اقتداری بهم رسانده درصدد جهانگیری برآمده بود . شاه بیگ ارغون موقع رامغتنم شمرده به آرامی ومستقلانه درقندهار بسر برد تااینکه باز بابرشاه آنرادرسال ۹۲۸ هجری ۱۵۲۲م بدست آورد . درین هنگام دولت بابری در هندوستان هم قائم شده بود اما حالت قندهار خیلی پرهیجان بود هردودولت جوان ونوتاسیس که درصدد بسط دادن خاك بودند برین منطقه سر نزاع افتادند وقندهار مصدر جنگهابین این دو دولت گردید . لذا صفویها بقندهار لشکر کشیدند درسال ۹۴۱ هجری (۱۵۳۵م) سام میرزایکی ازشاهزادگان باغی صفوی آنرابدست آورده روابط را بامرکز فارس قطع کرداما طهماسب شاه آنرابازمسخر نمود وازطرف خود حکمرانی موسوم به بوداك خان قاجار مقرر داشت که این شخص سال بعدازطرف شهزاده کامران پسر بابر شاه برطرف گردید . چه کامران بعد از شکست برادر خود همایون از دست شیر شاه سوری بافاتح مشهورهند خواجه کلان بیگ مغل بکابل وازآنجا بقندهار آمده آنرا از دست

صفویان رهائی داد هنگامیکه همایون پادشاه مغولی هند از هند بطرف افغانستان رانده شد قندهار بدست کامران میرزا بود . همایون در ضمن درخواست مساعدت ازشاه صفوی وعده کرد که قندهار راتحفهٔ صفویان می کند . اما بوعده وفانکرد وصفویان خیال بدست آوردن آنرا کردند، ولی ناکام شدند . درزمان اکبرشاه مغلی هند درسال ۹٦۵ هجری (۱۵۵٦م) طهماسب‌شاه قندهار رابدست آورد واکبر آنراتاسال ۱۰۰۳هجری (۱۵۹٤م) بدست آورده نتوانست ازان بعد تاسال ۱۰۳۱ هجری ۱٦۲۱م که عصر جهانگیرباشد قندهار داخل قلمرو مغلهای هندوستان بود. امادر سال مذکورفارسی‌ها باز آنرابدست آوردند. شاه‌جهان درسنه ۱۰٤۷ هجری یعنی ۱٦۳۷ میلادی بازآنرا تسخیر نمود وآخرین بارشاه عباس صفوی درسال ۱۰۵۸ هجری ۱٦٤۸م برآن بطوری دست یافت که مغلهای هندیگر رهائی داده نتوانستند. چنانچه یکبار اورنگ‌زیب امپراطور مغلی باقوت پنجهزار آدم بران حمله آورد وناکام‌شد ودرسال ۱٦۵۲م کوشش دیگر اورنگ‌زیب باز ناکام گردید . همچنان تاسال ۱۷۰۹بدست صفویها بماند تا اینکه سردار بزرگ غلجائی حاجی میرویس خان هوتکی درصدد رهائی قندهار وافغانستان برآمد وکامیاب گردید وپسرش‌محمود دولت فارسی‌راضمیمهٔ افغانستان نموده وسلسلهٔ صفوی راخاتمه داد . دولت فارس تاظهور دولت نادرافشار ضمیمهٔ مملکت افغانی بود.

درسال ۱۱٤۹هجری (۱۷۳۷م) نادر افشار اصفهان راترك وبطرف قندهار لشکرکشید وآنرا محاصره نمود وبالاخره بعداز دوسال محاصره آنرا فتح کرد . درین ضمن در بیرون قندهار در موضع قرارگاه خود درسرخه شیرقلعهٔ عسکری بساخت و آنرا نادر آباد نام‌کرد ازینجاست که بعض‌ها باشتباه‌درافتاده اورانیزبانی قندهار می‌خوانند نادرافشار درسال ۱۷٤۹ مقتول شد ونوبت سلطنت به بزرگترین شاهان درانی اعلیحضرت احمدشاه رسید . اعلیحضرت احمدشاه رشتهٔ گسیختهٔ سلطنت را بازبهم پیوند و دولت جدید افغانی را بنا کرد . اعلیحضرت موصوف بعداز تحکیم دولت خود مرکز شهررا تبدیل کرده بجای‌که امروز شهر قندهار برپاست‌آورد . ذکر بنیاد شهر قندهار فعلی را از کتاب سراج التواریخ که باستناد تاریخ سلطانی‌وغیره نوشته‌شده‌باجزئی‌اختصاری‌نقل می کنیم.مؤلف سراج التواریخ بعد ازذکر محاربات‌اعلیحضرت احمد شاه در سال ۱۱۷٤ وبازگشت بدهلی وتاج بخشی به‌شاه عالم مغلی چنین می‌نویسد :

پس از نزول اجلال ازآنجا که‌اعلیحضرت احمد شاه را این‌امردامن گیر خیال بود که هوای‌نادر آباد ازسبب تقربش بچمن ونی‌زار ردی ومخل صحت‌است خراب فرموده درجای با فضای خوش آب و هوائی بنام خویش شهری احداث نماید لهذا اولا نهر عریض

وعمیقی درساحل غربی رودارغنداب حفر نموده جانب دشت کشیدن فرمود که تعمیر شهر نماید. وازین معنی طائفهٔ الکوزائی که مالك آن اراضی بودند مانع آمدند واین امر باعث فسخ عزیمت وی گردیده فعلادست از کار کشید تاکه بعد ازچندی والدهٔ ماجده اش بجوار رحمت حق پیوسته درآنجا دفنش فرموده موسوم بروضه اش نمود وعزم کرد که درحدود غربی قریهٔ مرد قلعهٔ احداث شهر نماید طائفهٔ بارکزائی مانع آمدند واعلیحضرت احمدشاه ازحلمیکه داشت هردو طائفه را ردو بدی نفرمود اماقوم فوفلزائی ایثار نموده املاك خود را عرضه کردند. اعلیحضرت موصوف پذیرفته درجائیکه حالا شهر موجوداست موازی دوازده قلبه وار زمین که ازروی تخمین معادل ششصد جریب باشد مهندسی فرموده اساس شهری نهادند و در شهور سال ۱۱۷٤ دست بکار برده برعهدهٔ همت تمام طوائف درانی چنان نهاده قرار داد که بقرار تقسیم برادرانه هرقبیله سکه وکوچهٔ بنام خود عمارت نماید... دروسط شهر که محل ومرکز اسواق است گنبدی بزرگ وبقعهٔ سترگ بنیادنهادوپس ازاتمام باره وبروج وکندن خندق همه علماء ومشایخ وسادات وفقرا وایتام را صلای عام در داده دعوت طعام فرمود وبعداز بذل انعام وصرف طعام همگنان بدعای اختتام پرداخته وشهرا حمد شاهیش نام نهادند. مورخین دیگر گویند که اعلیحضرت موصوف شهر را اشرف البلاد نامید. اماعوام نام قندهار را به آن دادندوبرای تفریق ازقندهار قدیم قندهار احمدشاهی گفتند. امروز ازعمر این شهر یکصدو نود سال سپری میشود. شهر قندهار که پایتخت اعلیحضرت احمد شاه بودبعد از وفاتش بحال مرکز ولایت درآمد وپسرش اعلیحضرت تیمور شاه کابل رامرکز دولت خودساختند. اما درینعصر که آبادی وعمران مملکت میرود باساس حفظ الصحه صورت بگیرد خارج ازقندهاراحمد شاهی دامنهٔ شهر وسعت داده شده امروز قندهار ازبهترین وبزرگترین شهرهای افغانستان است.

این بود مختصر تذکری از قندهار. انشاالله بزودی ممکنه یادداشت های مفصل خود را سروصورت داده کتابی مفصل درین موضوع تقدیم خواهم کرد.

مأخذ

تاریخ سلطانی

سراج التواریخ

حدودالعالم

بلاذری

تاریخ سیستان

جغرافیای تاریخی ایران

تذکرهٔ تاریخی وجغرافیائی شهر های آریانا (صدقی)
اسکندر و آریانا (صدقی)
تاریخ افغانستان (نلسن)
آریانا انتیکوا (ولسن)
نگاهی بتاریخ قدیم افغانستان (یعقوب حسن خان)
زین الاخبار گردیزی
سیاحتنامهٔ فریه (ترجمهٔ انگلیسی)
انسائیکلو پیدیای بریتانیکا
« « « اسلام
اراضی خلافت شرقی (لوسترنج)
رهنمای افغانستان (محمد علی)
تحفة الکرام
بعضی سالنامه‌های کابل وغیره

گلهای کوهی

(۲)

ښاغلی عبدالرحمن خان « پژواك »

ښاغلی پژواك

پارسال تحت این عنوان سطر وصفحه ئی چند نگاشته وبخوانندگان تقدیم کردیم ودر پایان نبشتهٔ خویش نوشتیم : « چون متأسفانه امسال دراثر قلت کاغذ صفحات سالنامه برای مضامین طویل گنجایش نداشت وازطرف دیگر نمی توانستیم ازمطالب خود صرف نظر نمائیم لذابامید سال نیکوتر آینده بقیهٔ مطالب را به سالنامهٔ دیگر حواله میدهیم ومن الله التوفیق »

امسال خدا را شکر گذاریم که تا حدی میتوانیم آرزوی خودرابرآریم وهرچند مشکلات پارسالهٔ مارفع نشده است باز هم میکوشیم که پارهٔ ازمطالب ماولو خیلی مختصر باشد بخوانندگان محترم رسانیده شود .

دسته بندی: صاف باید گفت که از طرف برخی ذوات در دسته بندی حقیقی اشعار ملی تصرفاتی شده است که این کمترین آن را لازم نشمرده واز ذوات محترم عفو می خواهد . البته واضح است که دسته بندی این اشعار دووجه دارد : وجه ساختمان وو جه معنی! در وجه ساختمان که نمی توان تصرفی نمود بارتکاب یك سهو اجتهادی که سرچشمهٔ آن احساسات تند نویسندگان همچه مطالب در مورد زبان ملی شان است واز طرف دیگر فکر مقابلهٔ زبان ملی بازبان های دیگر ایشان رابه چنین تصرفات واداشته است اشعار ملی پښتو رامعناً به اشعار عشقی ، رزمی ، اعتذاری ، تصوفی ، فلسفی وغیره وغیره تقسیم فرموده اند وهم به مهارت زیادی برای اثبات مطلب خود امثلهٔ تهیه نموده اند که شایان آفرین است ولی از نقطهٔ نظر حقیقت جوئی پیدا کردن یك یادوحتی ده مثال (آنهم درحالیکه من

دفابریکاتو دتصفیی مدیر : ص ، احمدجان خان
«لاسی خانگی » : . . . .

دانطباعاتو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع محمدزمان خان تره کی
داقتصاد دمجلی « : ص ، غلام دستگیر خان

اداری عمومی مدیریت :

دعمومی مدیر کفیل : ع ، عبدالشکور خان «صدیقی»
دمامورینو مدیر : ص ، محمدهاشم خان
« کنترول « : « عنایت‌الله خان
« ترجمانی « : « محمدعلیخان
« اوراقو « : « عبدالودود خان
« مخصوصو « : . . . .

❀ ❀ ❀

دفوائدعامي وزارت

وزیر : ع ، ج ، رحیم الله خان
معین : ع، ص ، عبدالحمیدخان
» : « ، « ، عبدالرحیمخان
» : « ، « ، نصر الله خان

عمومی‌مدیریتونه:

دتفتیش عمومی‌مدیر : ع ، غلام احمد خان
دولواوبندو
عمومی‌مدیر : « ، محمد کبیر خان
دمعابرو مدیر : « ، محمد اکرم خان
دسړکو دساتنی‌او :
کیتنی عمومی‌مدیر « ، سعد الدینخان
دتعمیراتو عمومی‌مدیر : « ، عبد الرحیم خان
دمصالح دتهیو
عمومی‌مدیر : . . . . .
دکنترول عمومی
مدیر : ع ، غلام رسولخان

ع ، ج رحیم‌الله خان دفوائد عامي وزیر
او دمعدن دوزارت کفیل
S. Ex. Rahimullah Khan ministre
travaux publics et Ministre
par interim des mines

در آوردی نباشد) در تمام ادب یك قوم بزرگ کفایت نمیکند که یك نام جدید در فهرست انواع زیاد کند.

بهر کیف این عاجز نظریهٔ شخصی خودرا عرض نموده وبه معرفی نامهای اشعار ملی می پردازد.

از نقطهٔ نظر ساختمان: ازلحاظ اوزان، تعداد مصرع ها، تفریق شکل ساختمان و نامگذاری های ملی بطور اشعار ملی بچند دستهٔ ذیل تقسیم می شود:

(برای آنکه ضمناً کاردیگری هم کرده وبخوانند گانیکه از فهمیدن معنی اشعار یکه مثال می آوریم محروم اند ترجمهٔ امثله راهر چندخارج موضوع باشدنیز تقدیم می نمائیم)

۱ ـ لنډی: که دارای دو مصرع اولی کوتاه و هماره دارای نه سیلابه و دومی دراز تر وهمیشه شامل سیزده سیلابه است. بنام لنډی، ټپه، ټکی مصره وبدله دربین پښتو زبانها شناخته می شود. ازلحاظ کثرت دربین تمام انواع اشعار ملی پښتو مقام اول را اشغال کرده است. هیچ افغانی پیدا نمیشود که چندی ازان رابه حافظه نسپرده باشد. اکثراً بجای ضرب المثل در بین صحبت هاشنیده می شود. همگی بلااستثنی سهل ممتنع است. اکثرحصهٔ سرود های عامه را تشکیل میدهد. در موقع سرودن در دیگر اقسام اشعار ملی نیزازان کار میگیرند که در موقع آن فهمیده خواهد شد. تعداد لنډی آنقدر زیاد است که بهر فرد افغان متجاوز از صد لنډی میرسد.

مثال:

سبا به بیا کېدی بار یـزی
د دښت گلان به ستالمنه بـو یو ینه

فردا باز بارها بسته خواهند شد. گلهای دشت دامن ترا بو خواهند کرد.

۲ ـ غزل: چیزیکه پښتو زبانها آن راغزل نام می دهند ازغزل فارسی فرق دارد. بشیوهٔ غزل فارسی نیز اشعاری در زبان پښتو موجود است ولی دربین اشعارملی نمیتوان آن را سراغ کرد بلکه در دیوان های شعراجادارد. آنچه بصورت غزل فارسی است آنرا باصطلاح ادب پښتو رباعی میگویند پس رباعی هم باصطلاح پښتو ازرباعی باصطلاح فارسی فرق دارد. اینکه چرا آن رارباعی می گویند بعقیدهٔ این عاجز ازان است که نامگذاریها ازطرف نوازندگان وسر ایندگان صورت گرفته است که آنهم برای آنست که شعر درپښتو هماره باآواز وآهنگ، سازوسرود توام بوده است. ارباب سرود عادت دارند که بطور عمومی ازرباعی (باصطلاح ادب پښتو) دوفرد یاچار مصرع انتخاب نموده سازرا باآن آغاز می کنند وبعدا زان «چار بیته» می خوانند.

چون اکثراً دوفرد انتخاب می‌نمایند باین‌مناسبت بقیهٔ‌غزل(باصطلاح ادب فارسی) بحساب نیست درآمده وبه‌همان دوفرد منتخب که اکثراً چارمصرع گزیده است اهمیت داده می شود .

آنچه‌را در ادب‌پښتو غزل می گویند درآثار شعرای صاحب‌دیوان دو دومصرع دارد که در بعضی غزلها سیلابه‌های دومصرع باهم‌مساوی نه‌می‌باشد یعنی‌می‌شود که‌یکی کوتاه و دیگری دراز باشد . ولی درغزلهای ملی دارای دو،سه، وحتی چارمصرع می‌باشند .

آن قسمتیکه دارای چار مصرع است بدونوع تقسیم می‌شود :

یکی آنکه درهر بند همه مصرعها مانند بیت نخستین درازمی‌باشد ودیگری آنکه درهر بند سه‌مصرع دارای یك وزن وقافیه وکوتاه ومصرع‌چارم مساوی مطلع و درقافیه نیزتابع قافیه مطلع می‌باشد .

هرغزل دارای یك مطلع‌است که درمصرع سوم ویاچارم هربند قافیه وردیف آن تکرار می‌شود مثال :

شین رنگین ئی واغوست   دوپټه‌ئی کړه په سر صنم
راغله برابر صنم
شین رنګین‌ئی واغوست   محبوبه گل خندانه شوه   رو رو راروانه شوه
داد گل غنچه وه   رابیرونه له بوستانه شوه   ښه راته عیانه شوه
مخ ئی له حجابه را خرگند کړ په‌هنر صنم
راغله برابر صنم

ترجمه :

لباس سبزورنگین ببر کرد   شال را بر سر انداخت
محبوبه به آرایش تمام آمد
لباس او سبز و رنگین است   محبوبهٔ من گل خندانی شده است
آهسته آهسته بسوی من می‌خرامد. غنچهٔ بود که‌از باغ بیرون آمد   پیش‌روی‌من‌ظاهر شد
رویش را ازنقاب به صنعت وهنر بمن جلوه داد
محبوبه به آرایش تمام آمد

۳ــچهاربیته: موضوع چاربیته عشق وحماسه است ولی علاوه برین دوبرخی مضامین طویل و افسانه ها را در قالب چاربیته می‌توان یافت . این نوع درسرود وساز وآواز یك قسمت بسیار مهم شمرده می‌شود وچون افسانه های رزمی ویا برخی افسانه ها ومضامینیکه که منبع الهام تخیلات وتفکرات مذهبی است بیشتراز طرف شعرا بوسیلهٔ

سرود وساز و آواز باید رسانیده می شد آن رادرچار بیته گنجانیده اند علاوتاً چون تعدادمصرع ها درین نوع زیاد است وهرچار بیته شامل چندین بند است برای مضامین مسلسل زمینه راخیلی مساعد می سازد .

بیت آخر هربند درچار بیته هم قافیه می باشد ودروسط دیگر بیت‌ها در بین خود وحدت قافیه دارند مطلع درچار بیتهٔ که عبارت از دومصرع می باشد دارای اهمیت زیاد است وعموما چار بیته‌ها به‌همین مطلع‌های خود شناخته می‌شوند که آن‌را باصطلاح ادب ملی عموما «سر» وگاهی «پیرو» یا «کر» نیز می گویند .

چاربیته ها دونوع اند: یکی آنکه هربند آن‌دارای ٤مصرع می‌باشد ودیگر آنکه هربند دارای چار بیت‌می‌باشد . برخی چاربیته‌ها ازلحاظ تعداد مصرع‌ها بااین دوقسم متفاوت اند که اگرچه دراصطلاح ادب پښتو آن‌را بنام چار بیته می‌شناسند ونوع دیگری برای آن قایل نه‌می‌شوند ولی این قسم اخیر که عموما در دواوین دیده می‌شوند عبارت از ساختمان جدیداست که باصطلاح ماشعرای صاحب دیوان آن را بمیان آورده اند ودربین اد بیات ملی‌همان دونوع اول مثال های زیاددارد .

مازیگر راشه په تلواری لحما یاری ‌ ‌ گودرله لحمه چه ملګری شوپه لاری
مازیگر راشه په تلوار زه یم بلبله ‌ ‌ له جنګو نه پاته شو مه ستاله کبله .
تاچه خبره دکوکی راته کوله ‌ ‌ رازه چه درکړم سپینه خوله زلفی تارتاری

مازیگر راشه . . . . . .

گودر له لحمه . . . . . .

زلفی تارتارمی غوڅ ولی رانه گوره ‌ ‌ مرونډ می نیسه مه ویریږه له پیغوره
چه می‌دا دا کلمه‌را واوزی له کوره ‌ ‌ رازه‌چه کښینو په‌دی‌سره‌پالنګ قلاری

مازیگر راشه . . . . . .

گودراه لحمه . . . . . .

محبوب من نماز دیگر بشتاب، من برای گرفتن آب «بگودر» (۱) می روم بیا باهم همراه باشیم هنگام عصر شتاب کن . من بلبلی هستم که از خیلی دوشیزگان خود را برای خاطر تو عقب مانده ام توازلب لعل بمن صحبت می کردی اکنون بیا تادهن سپید(درمقابل لب لعل) وزلف تار تار خودم را بتو تقدیم کنم.

محبوب من‌نماز دیگر بشتاب ، من‌برای گرفتن آب بگو درمی روم تا با هم همراه باشیم . بمن‌نگاه کن . بنگر موهایم را باز کرده ورها نمو ده ام بیا با زوی مرا بگیر .

---

(۱) جائیکه‌دختران‌صبح‌وشام از رودخانه‌یا نهرمی‌روندوظرف های‌خودرا پر آب‌می کنند.

از طعنهٔ مرد ما ن باك مدار واز پیغور شان شرم مکن . وقتی پدرم از خانه برو ن رودروی این یا لنگ (۱) سرخ باهم می نشینیم وآرام می شویم .
محبو ب نما ز دیگر بشتا ب من برای گرفتن آ ب بگو د ر می رو م تا با هم همرا ه باشیم .
مضمون این چار بیتها یاعشقی و یارزمی است افسانه‌ها وحقایق تا ریخی عشقی ورزمی عموماً درهمین نوع شعر گفته شده اند .

مثال دیگر : دښائست آواز دلاړه په عالم کښې لور په لور
زه د سوی یم په اور تیك د کوز که له جبینه
دښا ئست آواز دی لاړه په کابل په هندوستا ن
څکه ناست یمه حیران را رسېږی یا صبیه
عاشقی ده ډېره گرانه څی دا وښکومی باران
پری می لوند شولو گریبان پویه نشوم په ترتیب
په هرچا باندی تیریږی د فانی دور دوران
څوك راځی څوك تری روان که شم یاروته قریب
باری خیل دی که پردی را کوی راته پیغور
سترگی نشمه نیولی گوره ډوب یم ستا په مینه
دښایست آواز دلاړه په عالم کښې لور په لور
زه دسوی یم په اورتیك دکوز که له جبینه
د نری زنې د پاسه د خالونه ذی قطاره
توری زلفی د تار تار دی پرتی لکه اوریځی
په سینه کښې دیخ شویدی د مینی دوه اناره
درته پروت یمه بیماره دا رومی د مرض ئی
رب دنکه څوك په رنځ باندی د مینی گر فتاره
نن د ځان کړلو سنگا ر بیگا می په اورسوزی
کله زیرشی کله بم شی سره گنگرو دکوی شور
قدم آخلی په تکور ښاپیری را غلی له چینه
دښایست اواز دلاړه په عالم کښې لور په لور
زه د سوی یم په اورتیك د کوز که له جبینه

(۱) تخت خوابیست بصورت چار پا ئی باپایه‌های رنگین وبا فت زیبا که‌درموقع عروسی ساخته می‌شودودرهرخانه مو جود است .

ضمیر کامل و بی شغل ضمیر پریشان است . « ویلیم کوپر »

ترجمه

هنگامهٔ حسن و آوازهٔ شناسائی تو در آفاق عالم پراگنده شده است ... مرا در آتش سوختی تیکه را ازجبینت فرود آر. آوازهٔ حسن تو تا کابل وهند رسید ، من در حیرت نشسته ام . ای نصیب وقسمت من تو بمن می رسی. عشق بازی کار مشکل و سنگینی است باران اشك های من فرود می آید گریبان من ترشده است نمی دانم به چه ترتیبی - دورفانی دوران بر هر کسی میگذرد کاروان زمان جاریست کسی می آید و کسی میرود . هر کس خودرا به محبوبش نزدیك میخواهد آشنا و بیگانه بمن طعنه میزنند وبمن پیغور میدهند چشمهایم را نمیتوانم بالا کنم بمن نظر کن وبنگر دربحر عشق تو غرق شده ام - هنگامهٔ حسن تو درآفاق پراگنده شده است مرا دردادی تیکه را ازجبینت فرود آر. بالای ذقن باریك وزیبای تو خال ها قطار اند. زلفهای سیاهت مانند ابرها فرود آمده اند روی سینه ات دوانار عشق به ثمر رسیده است من بیمار توام تو دوای دردمن هستی. خدا کسیرا بدردعشق گرفتار نکند امروز آرایش کرده ای ، شب مرا به آتش می سوزی. گاهی زیر وگاهی بم میشود گنگروها ویازیب های تو هنگامه وشور برپا کرده اند قدمهای تو شمرده و کنده کنده بر داشته میشوند. پری هستی که ازخطهٔ چین آمده ئی هنگامهٔ حسن تو درافاق پراگنده شده است مرا آتش زدی، تیکه را ازجبینت فرود آر .

٥ - ناری یاغبزونه :- این نوع اشعاررا میتوان اشعار آزاد نامید درناری یاغبزونه دو مصرع می باشد گاهی هردو مصرع هم قافیه وهردو مصرع باهم برابر می باشند و گاهی نه بعضی ناری ها بصورت لندی دارای یك مصرع کوتاه ویك مصرع دراز تر می باشند درناری اتحاد قافیه وردیف شرط نیست این اشعار رانمیتوان مانند دیگر اشعار ملی تحت قانون عروض در آورد . درین قسم اشعار اکثراً افسانه ها و اساطیر طویل سروده میشوند وجه تسمیه عموماً اینست که این اشعار نعره های دوعاشق اند که یکی بدیگری صدا می زنند . این نوع رادرقندهار وفراه ناری ودردیگر قسمت های مملکت غزمیگویند که بمعنی صدا و آوازاست .

مثال : ازافسانه های ملی فتح خان .

که دوی دی دکلابست - دروازی دوی دی .په یوه فتح خان ووځی - په دابله ئی دمور - دمور سوی ناری دی .

ترجمه :- اگر دروازه های قلعه دوتاست ، اگر قلعه دو دروازه دارد از یکی فتح خان وازدیگری صداهای سوختهٔ مادرش - صداهای سوختهٔ مادرش برون میشود .

مثال :ازافسانهٔ مؤمن خان وشیرینی :- درین افسانه طوریکه اشاره رفت ناره ها صورت لندی دارندوقتی مؤمن خان بسفرهند می رود شیرینو چنین ناره می زند .

تا دسفر موزی په پښو کړی
دزیړو گلو باغ په چاسپاری مینه

تو موزه های سفررا بپا کردی ، ای محبوب من این باغ گلهای زرد را به که میسپاری
مؤمن‌خان درجواب اوغگ کرد .

ما دسفر موزی په پښو کړی
دزیړو گلو باغ په خدای سپارم مینه

من موزه‌های سفررا بپا کردم - باغ گلهای زرد رابخدامی سپارم

در اینجا باید متذکر شدکه شیرینو وقتی باغ گلهای زرد میگوید روز های هجررا تخیل مینماید وبه ظرافت تمام در حالیکه ارغوان زارحسن خود را ازرفتن محبوبش زعفران زار می بیند خویشتن را بباغ گلهای زرد تشبیه میکند .

٦- بگـتي :- این نوع مانندلندی قح شعرملی وخیلی مؤثراست ویر از جذبات می باشد شعرای ملی درین قسمت داد سخن داده اند جزاینکه انسان درمقابل این اشعار بو جد آید وبه حیرت گرفتار شود چیزی نمیتواند . سراینده درموقع سرودن وشنونده در وقت شنیدن این اشعار مست وملنگ میشود.من تعبیر بهتری ازین برای حالت وجد و طرب ندارم . راستی را که این اشعار شراب احساسات هستند که درساغر قلب می‌ریزند وسر شار میشو ند - بگتی مانند چاربیته یك مطلع‌دارد که دارای دومصرع مساوی وهم قافیه میباشد وبعد ازان هر بند دارای چهار مصرع می آید که‌سه مصرع اول آن باهم‌هم‌قافیه ومصرع چهارم بامطلع هم قافیه میباشد وباز سر بامطلع تکرار میشود .

په پښتو کښې :

دبیان علم

ښاغلی عبدالرؤف « بېنوا »

«دپروسږکال اوورم کال په کا لنیو کښې می دپښتو بدیعی مزایا وی لیکلی وې، سږ کال دصحافت دمحترمی څانګی له خوا دپښتو دبیان دعلم برخه راسپارلې شوې وه ، ما هم ترکمه ځایه چه می واك درلوددې برخې په شاوخوا کښې څېړنی اوپلټنی وکړې چه په دې کالنی کښې ئې لوستونکوته وړاندې کوم، هیله لرم که څه نوا قص ولری ما معذوروګڼی ، ځکه چه ماڅېلوس نه دی سپمولی ، مګرددې شیانو تکمیل او بشپړتوب دراتلونکی نسل **وظیفه** ده.   (بېنوا)

ښاغلی عبدالرؤف خان « بېنوا »

دبیان دعلم تعریف : دبیان علم څوقواعد او اصول دی‌چه ددوی په سبوری کښې یو لفظ په څورازه‌دلالت کولای شی، مګر په ځینو کښې به‌واضح او په ځینو کښې به‌اوضح وی، نودبیان‌دعلم مرجع ومعنوی‌تلازم‌ما‌تو‌ته اعتبار ورکول دی .

دبیان دعلم اصول: دبیان دعلم اصول عموماً څلوردی: ۱ :ـ حقیقت ۲ :ـ مجاز ۳ :ـ تشبیه ۴ :ـ کنایه

لمړی اصل حقیقت

حقیقت دلفظ هغه خپله معنی‌ده‌چه دده دپاره وضع شوې وی، لکه د« زمری» لفظ چه‌دیوه مخصوص اوخیرونکی حیوان دپاره ټاکلی شوی دی .

حقیقت پرڅلوړډوله‌دی: عقلی، لغوی ، شرعی، اصطلاحی‌یا عرفی.

عقلی حقیقت : هغه ته‌وایی چه دیولفظ نسبت وهغه‌شی ته‌وشی‌چه‌هغه ویونکی« متکلم » په عقل منلی وی او په عقیده کښې ئې څرګند وی ، لکه یو مسلما ن سړی چه ووا ئی : ـ

«ونی خدای شنې کوی» .

رحمان بابا وایی :- څوك لهخاوروشی یو ګل پیدا کولای دهلهخاورو پیدا کړی ګلستان دی.
یاداخبره چه : «خونه بناجوړوی - ور ترکاڼ ترا شی»

لغوی حقیقت: هغهدی چه یو لفظ په لغت کښې دیوشی د پاره وضع شوی وی لکه د «مردارهډی» لفظ چه د (خره) دپاره تا کلی شوی دی ، یاد «اورلړونی» لغت چه د «آتش کاو» دپاره راغلی دی - حمید وایی :

«بې حمیده مه کړې خدا مجلس ددلبرانو داخومی باید دی اورلهځنګه اورلړونی»

شرعی حقیقت: هغهدی چه دمینی او شرعی امورو ته په شرع کښې یو لفظو تا کل شی، لکه د «نمونځ» لفظ چه په شرعی حقیقت کښې دمخصوصو اقوالو او افعالو دپاره راوړل کیږی لکه رحمان بابا چه وایی :-
«چه دزړه حضور ئې نهوی په نمانځه کښې په کار نه دی مقتدی وی که امام»
مګرنمونځ په لغوی حقیقت کښې له «نمانځنې» څخه اخیستل شوی دی چه د احترام او ستایش او نازولو اوښه قول په معنی راغلی دی او په ادبیاتو کښې په دې معنی ډیر استعمال لری لکه خوشحال خان چه وایی :- «کله کله خوار خوشحال وته نظر کړه دعاشق نمنځنه هیڅ عیب و ننګ نه ده»
بل ځای وائی :- «په چاداد په لیه نمنځ کوې فلکه ! په چالونی په اوز یو په چجو نه»
عبدالقادرخان وایی :- «که نمنځن ویل دی نه کیږی وماته کله کله را ته کړه خبره سپوره»

عرفی حقیقت : هغهدی چه په عام عرف کښې کوم لفظ دیوشی دپاره وټا کل شی لکه «دمېړه» لفظ چه په لغت کښې وهر نارینه ته ویل کیږی، مګر په عرف کښې دښځې وسړی ته چه په پارسی ئې «شوهر» بولی تا کل شوی دی.
مثلاً خوشحال وایی! «دمېړه په زیره نه خاندی نورڅه کا چه دبل سره خبری کا خمسوری»

دوهم اصل ـ مجاز

مجاز په لغت کښې لاری ته وایی او په اصطلاح کښې دلفظ هغه معنی ده چه حقیقتاً دده دپاره نه وی وضع شوې مګر دا ضروری ده چه دحقیقی او مجازی معنی په منځ کښې باید یوه علاقه او قرینه یې، که علاقه په منځ کښې نه وی دهغه لفظ استعمال په مجازی معنی کښې غلط دی. مثلاً یو سړی کتاب ته اشاره وکړی او ووایی :- «دا آس واخله !» دلته مجاز بالکل غلط دی ، ځکه چه دکتاب او آس په منځ کښې هیڅ علاقه او قرینه نشته .

مجاز هم که دلغت پر اصطلاح و، لغوی مجازئې بولی او که دعرف پر اصطلاح و، عرفی ئې بولی مثلاً که د «زمری» لفظ د ټا کلی حیوان په معنی واخیستل شی لغوی حقیقت دی او که زړور سړی

ځنی مرادشی لغوی مجاز باله کیږی ، لکه ملکیار غرشین چه وایی :-

که ټینګګ کړو زړونه پر بری یونه چه زمری یونه
اسلام زاخځه دی ځښتن مومل دی

دعرفي مجاز مثال لکه د «پښتو» لفظ چه دژبې په معنی حقیقت او د «عهد، قول، شرافت او ښو اخلاقو» په معنی عرفي مجازدی، مثلاً پښتون چه دچا سره عهداوقول وکړی نووایی : «پښتومی ورسره کړېده» اویا چه څوك شرافت اوښه اخلاق نه لری، یاله خپله قوله مخالفت وکړی نو پښتانه وایی ؟ «بې پښتو سړی دی!»

خواجه رزق الله دپښتو پخوانی شاعر وایی:

دبلا غشی می څېړی له پښتو زه خواجه رزق الله نه پرېږدم پښتو
چه خبرشوم دحملې دکوم غلیم دغیرت خولی می ځاځی اه و بښتو

له دوهم بیته څرګندېږی چه ددوهمی مصرع «پښتو» دشرافت اوعزت نفس په معنی را غلې ده .

دمجاز ډولونه

مجاز دوه ډوله لری : یومرسل مجاز - بل مستعار مجاز .

دمخه موویل چه دحقیقی اومجازی معنی ترمنځ علاقه ضروری ده اوس بایدیووارعلاقه وپېژنو بیا دمجاز بیان وکړو ! علاقه دحقیقی اومجازی معنو په منځ کښې یومناسبت دی، نوکه په دې منا سبت کښې تشبیه وه مستعار مجاز ورته وایی اوکه نه وه مرسل مجازئی بولی .

مرسل مجاز: مرسل مجاز هغه دی چه دتشبیه علاقه ونه لری(۱) بلکه له ځانه مخصوص علاقې لری چه مونږ به ئې لاندی راوړو:

که څه هم دمرسل مجاز په علاقو کښې اختلاف دی څوك وایی پنځه ویشت څوك وایی ډیری، څوك وایی لږی دی ، مګرمشهوری ئې اتلس (۱۸) علاقې دی :

سببیت اومسببیت- کلیت اوجزئیت-لازمیت اوملزومیت- اطلاق اوتقیید - عمومیت اوخصوصیت حالیت اومحلیت (ظرفیت اومظروفیت) بدلیت اومبدلیت - آلیت او مجاورت - دپخوا په اعتبار دراتلونکی په اعتبار.

۱ - سببیت : سببیت هغه شی دی چه په بل کښې مؤثروی ،اومجازاً ذکرسبب شی مراد ځنی مسبب وی لکه خوشحال خان چه وایی:

چه دا اوښی می غمازی دفراق دی زه ئې ځکه په ګریوان کښې تو یوم

په یوره بیت کښې «په ګریوان کښې داوښکو تویول» راوړه شوی دی،مرادځنی «پټوالی» دی .

(۱)مثلاً وویل شی «پلانکی په دې کار کښې ښه لاس لری» یعنی قدرت لری چه ذکرمحل مرادځنی حال دی

نو په گریوان کښې داو ښکو تو یول خود پټوالی سبب دی - ذکر سبب شو مراد ځنی مسبب دی.

۲ - مسببیت: مسببیت هغه شی دی چه مسبب دسبب پر سببیت موقوف کوی او مجازاً ذکر مسبب شی مراد ځنی سبب وی، لکه خوشحال چه وایی :

چه آئینی ته ، ښکاره دیدار کړې ؟ آئینه درسته سره گلزار کړې
چه شونډی کښېږدی دجام په مورگو ؟ او به په جام کښې روب انار کړې

دلته ذکر مسبب چه روب انار دی، مراد ځنی سبب چه دشونډو دسوروالی انعکاس دی .

۳ - کلیت: کلیت هغه شی دی چه نورو ده ته دجزئیت نسبت ولری او مجازاً ذکر کل شی مراد ځنی جزء وی . لکه دخوشحال بیت چه دی :

گو تی ومنډه په غوږو تری تیرېږه ذاکر زرد کرو نه کازره په درم کښې

خوشحال چه وایی: گوتی په غوږو ومنډه یعنی دگوتی سر، نه ټولی گوتی ،نو ذکر کل شو مراد جزء دی.

٤ - جزئیت: جزئیت هغه شی دی چه بل شی نسبت ده ته کلیت ولری او مجازاً ذکر جزء شی مراد ځنی کل وی . رحمان بابا وایی :

وډاندی سرای لره توښه تره رحمانه خو سفردی کړی نه دی له دې سرایه

ذکر سرای چه جزء له دنیا باله کیږی مراد ځنی دنیا یا عقبی ده.

٥ - لازمیت: لازمیت هغه شی دی چه دده وجود دهغه بل له وجوده سره ملزوم ولری .

نو دارواده چه مجازاً لازم ذکر شی او مراد ځنی ملزوم وي، لکه دلمر دراختلو پر وخت چه وویل شی :

« رڼا را پورته شوه ! » یعنی لمر راپورته شو - دلته رڼا د لمر سره لازمه ده او لمر ملزوم دی نو ذکر «رڼا» مراد ځنی لمر شو .

٦ - ملزومیت: ملزومیت هغه شی دی چه دده وجود په وخت کښې د بل شی وجود لازمیږی ،

نو مجازاً روا ده چه ذکر ملزوم شی مراد ځنی لازم وی، لکه د ځاښت په وخت کښې چه څوك وایی :

« لمر سرای ته راولوید ! » یعنی د لمر رڼا سرای ته راولویده که نه وی لمر خو په اسمان کښې دی .

دلته « لمر » ملزوم او « رڼا » لازمه ده ، ذکر لمر مراد ځنی رڼا ده .

۷ - اطلاق: اطلاق هغه دی چه قیدونه پکښې نه وی او مجازاً مطلق راوړه شی مراد ځنی مقید وی لکه خوشحال چه ویلی دی :

دصبا باده ! گذر په چمن بیا کره په چمن کښې رنگا رنگ گلونه واکره

استقامت واعتماد بخود موانعرا ازریشه میکند وچیزهائیرا که محال دیده میشود ممکن میسازد. (میکولیه)

اداری مدیریتونه:

د داشو مدیر	:	ص ، محمد افضل خان
دمصالح دتهیې مدیر	:	« ، امیر محمد خان
دمیخانیکی «	:	« ، غلام محمد خان
دماموړینو «	:	« ، بدوالدین خان
دمترلوژی «	:	« ، نورالحق خان
دتصفیهٔ ماضیه «	:	« ، محمد موسی خان
دپیمایشی «	:	. . . . .
داوراقو «	:	ص ، محمد ایوبخان

❀ ❀ ❀

دصحیې وزارت

وزیر	:	ع، ج، غلام یحیی خان
معین	:	. . . . . .
دروغتیادساتنې عمومی مدیر	:	ع ، جلال الدینخان
د نشریاتو او احصائیې مدیر	:	ص، عبدالغفور خان
دروغتیا د ساتنې اوتشکیلاتو مدیر	:	« . محمد آصف خان
د درمل واکې دمدیریت مامور	:	« ، محمد اکبر خان
د ماموړینو او اجرایې مدیر	:	«، محمدابراهیم خان
دکنترول مدیر	:	« ، عبد الرشید خان
داوراقو مامور	:	« ، صالح محمدخان
دتفتیش دخانګی فنی معاون	:	« ، عبدالجلیل خان
دمجادلې اوبین‌المللی خانګی معاون	:	ص ، میر آقا خان

ع ، ج غلام یحیی خان د صحیې وزیر
S. Ex. Gholam Yahya Khan
ministre del, Hgéne publique

دکابل یو و لسمه کالنی

دلوی خښتن په فضل او مرحمت او د هغی مینی په اثر کښې چه زمونږ عرفان پالونکی اعلیحضرت المتوکل علی‌الله محمدظاهرشاه ئی دوطن له مادی او معنوی ترقیاتو سره لری او دپښتون دنجیب ملت دښه استقبال په‌رڼا کښې دپښتو ټولنی (انجمن‌ادبی) کارکونکی موفق شوه چه دکابل یوولسمه کالنۍ نشر کړی .

لوی خدای لره شکر ونه دی چه زمونږ عزیز مملکت داغم لړلی کال د امن او اسایش په سیوری کښې تېرکړ او دخپل متبوع حکومت د ښو نیتو او د محترمې کابینی دښو اجرا آتو په مرسته ئی په دی کال کښې هم لکه تېر کلونه خپل ادبی او عرفانی پیشرفت ته ادامه ورکړه او په دغه لاره کښې ئی متین او مفید قدمونه واخستل لکه چه د مختلفو اثار و له نشر څخه هم زمونږ هر را ز ملی نهضتونه ښکاره کېږی او دوطن نیکمرغی پکښې له ورا ځلېږ ی .

ددی موسسی مامورین ددغوټولو موفقیتو په‌نسبت خپله شکریه ښکاره کوی او ددغی مقدسی وظیفی په لاره کښې چه ددی موسسی په غاړه پرته ده خپل موفقیت غواړی اودخپل ځلمی پادشاه لەسیوری لاندی دهواد دنورو ترقیاتو او لازیاتی کامیابۍ آرزو لری .

«پښتو ټولنه»

دلته د سبا باد مطلق ذکر شوی دی مراد ځنې د پسرلی د موسم باد دی چه په دې موسم پوری مقید بالله کېږې ځکه چه د خزان باد ګلونه رژوی .

۸ ـ مقید: مقید هغه دی چه یو قید په کښې موجود وی او په مجاز کښې مقید راوړه شی مراد ځنې مطلق وی لکه حمید چه وایی :

که اسمان د مهجورانو په وای ژاړی چه دا آه د چا په ځان وی نه دی ګرم

ژړا خو په انسان یا حیوان پوری مقیده ده ، مګر دلته ئی د اسمان د پاره مجازاً اطلاق مونډلی دی ، نو مقید راوړه شو مراد ځنې مطلق دی .

۹ ـ عمومیت: عمومیت هغه دی چه د پروته شامل وی او په مجاز کښې ذکر عام شی مراد ځنې خاص وی لکه رحمان بابا چه ویلی دی :

جار واته می بیرته نشته چه عالم شو را خبر

خوشحال وایی :

د عشق غم له خلقه پټ لره خوشحاله څه ئې پټ کړم چه جهان ځنې خبر دی

په پورته بیتو کښې دو یونکی مقصد مخصوص خلق دی تول جهان ئې مراد ندی ، ځکه چه ټول جهان خو نه مراد یږی .

۱۰ ـ خصوصیت: خصوصیت هغه دی چه پر یوه خاص مصداق دلالت ولری او په مجاز کښې ذکر خاص شی مراد ځنې عام وی لکه یو باغوان چه وایی « زما د باغ تاک نوی دی » یو تاک خاص مراد ځنې عام تاکان دی ـ شمس الدین کاکړ وایی :

خو د هجر په اره نشی سر بره هغه تاک به هر ګز و نه کړی انګور

۱۱ ـ ظرفیت: ظرفیت یا محلیت هغه شی ته وایی چه بل په ده کښې مظروف او یا حال وی او په مجاز کښې ذکر ظرف یا محل شی مراد ځنې مظروف یا حال وی لکه چه ویل کېږی .

« ناوه بهیږی » یا « زړه په ننوت »

ذکر ناوه چه ظرف دی مراد ځنې او به دی چه مظروف بالله کېږی ، یا همدغه رنګ ذکر زړه دی مراد ځنې هغه فرحت دی چه زړه ته عارض او زړه د هغه محل بالل شو .

عبدالقادر وائی :

په هر دم عبدالقادر هسی پیالې چښی چه یو ګوټ ئی کا ګنات ز غملی نشی

په پورته بیت کښې پیاله ذکر شوې چه ظرف ده ، مراد ځنې مظروف چه شراب او نور مائع دی ځکه چه پیاله خو پخپله د چښلو شی نه دی .

۱۲ – مظروفیت : مظروفیت یاحالیت هغه‌دی چه‌په بل کښې حال یا مظروف وی او په مجاز کښې حال یا مظروف ذکر شی مراد ځنی محل یاظرف وی لکه دچاځخه چه درنګ مشوانۍ چپه او رنګ ئې توی شی نوور ته وائی : - « رنګ دو لی چپه کړ؟ » یعنی مشوانۍ‌دی ولی‌چپه کړه ، نو ذکر رنګ چه مظروف اومرادځنی ظرف چه مشوانۍ ده یالکه «داوبه چپه کړه» یعنی ګیلاس‌یا کوزه چپه کړه . . . . . .

۱۳ - بدلیت : بدلیت‌هغه شی چه‌له بله شی‌ځخه بدل راغلی‌وی اوپه مجاز کښې ذکر بدل شی مراد ځنی‌مبدل وی لکه چه پوروړی وائې :

« ما پورله ځانه واداوه »

په پور ته مثال کښې «ادول» د «ادا کولو» بدل راغلی دی ، نو دلته‌ذکر بدل مراد ځنی مبدل‌دی یعنی ماپورادا کړ .

۱٤ – مبدلیت : مبدلیت هغه دی چه‌دده ځخه بل شی‌بدل وی اومجازاً ذکرمبدل شی مراد ځنی‌بدل وی ، لکه دیوه سړی پلار چه چاوژلی وی اودوژلی‌شوی زوی‌دپلارقاتل‌مړکړی نو پښتانه وائې :

« پلانکی پلارواخیست »

یعنی‌دخپل‌پلاربدل‌ئې‌واخیست نوذکرپلار(مبدل) مرادځنی‌بدل چه‌عوض دی .

۱۵ - آلیت : آلیت هغه دی چه یوه شی ته‌د اثر رسو لو واسطه اووسیله وی اوپه مجاز کښې آله‌راوړه شی‌مرادځنی هغه‌اثروی چه‌دده په‌ذریعه څرګند یږی لکه یوسړی‌چه چا په غوږه ما لی غولولی وی نووائی:

« دپلانکی په‌خوږه‌ژبه وغولېدم »

ژبه آله‌دخبروده ،دلته‌ذکرژبه مرادځنی خبری‌دی، یعنی‌دپلانکی په‌خوږو خبرووغولېدم.
عبدالقادر هم‌ویلی‌دی‌بیت :

د ربو هیڅ م چه په ژبه مې تېر باسی چه ویلی شې دا هسی مطو لی

ذکر ژبه چه آله‌ده ، مراد ځنی‌خبری‌چه‌دژبی اثردی .

۱٦ : مجاورت : مجاورت دبل‌شی ګاونډ توب ته‌وائی، چه‌په مجازکښې ذکرګاونډی شی مرادځنی مجاوریعنی هغه شی چه‌دی ئې ګاوندی دی، لکه یوه ښځه چه باعفته وی نو ددې په حق کښې ویل کیږی :

« پلانکې مېړ من پاك لمنې ښځه ده »

لمن را وړه شوې ده چه دصورت (بدن) ته ونهول ده، مرا دځنې بدن دی یعنی پاك صورت ئې په بدونه دی اړلی شوی .

۱۷ : دېخوا په اعتبار: دېخوا په اعتبار داسی دی چه دیوشی و تېر ی شوی زمانې ته وکتل شی لکه یو ځوان سړی ته چه ویل کېږی :ـ « هلکه ! دا کار مه کوه » دا ځکه چه اوس هلك نه دی ، مګر چه و تېری شو ی زمانې ته وکورو پخوا هلك و .

یا مثلا عبدالقادر ویلی دی :

معشوقی وژلی مړه ده دی ژوندی دی   په داتښه نامه څه شو که مړه نوی

که څه هم دوی مړه دی مګر دېخوا په اعتبار ژوندی بللی شوی دی ځکه چه پخوا ژو ندی وه .

۱۸ : دراتلونکی په اعتبار: د را تلو نکی په اعتبا ر بداسی کېږی چه دیو شی وراتلونکی زمانې ته وکتل شی ، لکه څوك چه ډېر ضعیف او بی وا که شی نو ورته و یل کېږی :

« پلانکې مړدی دژوندو رزق خوری » که څه هم اوس خوړنه دی مګر چه راتلونکی زمانې ته وګورو یو وخت به مړ شی . لکه عبدالقادر خان چه ویلی دی :

نه ماڅه کړی دی نه به څه کړمه   چه را کوی ئې هغه کومه

نوم دژوندون می نوم دعلم دی   مړیم عالمه ، مړیم ، مړیمه

مستعار مجاز : مستعار مجاز هغه دی چه دتشبیه علاقه ولری اودمجاز پرلاند نیو استعارو مشتمل وی .

داستعارې تعریف

استعاره خو په لغت کښې عاریت غو ښتل دی، او په اصطلاح کښې یو لفظ دهغه شی دپاره استعمال ول دی چه په حقیقت کښې دده دپاره وضع شوی نه وی ، منګرهو، چه ددوی په منځ کښې دتشبیه یو ه علاقه وی . داستعارې حاصل دادی چه مشبه عین مشبه به وبو لی او یاد مشبه به له افرادو څخه یو فردو باله شی . ځکه چه اصل په استعاره کښې مشبه به دی .

داستعارې دولونه : استعا ره دوه دوله لری : یو مصرحه ـ او بله مکنیه ، مګر به دواړو دولو کښې مشبه به مستعارمنه اولفظ ئې مستعار اومشبه مستعار له بولی .

۱ : **مصرحه :** هغه‌ده چه مشبه به ذکرشي مرادځنې مشبه وي اودا ځکه مصرحه بولي چه مشبه‌به صریحاً راوړه کېږي .

مثلاً دخوشحال بیت دی :

چه دغوزو دري نه وینم په سترګو   درګوهر می په‌هرهر بانه سفته شي

په دوهمه مصرع کښې درګوهر مشبه به‌راوړه شوی‌دی مرادځنې اوښکې دي چه‌مشبه بللی کېږي ذکرمشبه به‌مرادځنې مشبه دی .

۲ :ـ **مکنیه :** هغه‌ده چه مشبه راوړشي‌اومرادځنې مشبه به‌وي‌اوپوشي دمشبه به‌له لوازمو څخه هم ذکرشي، داهم ځکه مکنیه بولي چه مشبه به پټ وي اومکن وپټوالی ته وائي .

لکه حمید چه ویلی دي :

زړه‌می له غیرته په‌کو ګل‌دننه دودشي   زمنځ چه‌دي بې فهمه‌وهي ګوتې په‌ګـاګـل

زمنځ مشبه مراد ځنې «مشاطه» چه‌مشبه به‌ده اوګوتې وهل دمشبه به دلوازمو څخه داله کېږي .

یامثلاً حنان وائي :

پرعصا نرګس تکیه کړېده ولې   شوه وریږېده ستا دسترګو بیماري

دلته نرګس مشبه اوبیمار مشبه به‌دي اودمشبه به‌لازم لکړه لګول دي .

دمصرحې ډولونه : مصرحه استعاره اته ډوله لري :

۱ ـ اصلیه ۲ـ تبعیه ۳ـ ترشیحیه ـ ٤ ـ مجرده ـ ٥ـ مطلقه ٦ ـ عنادیه۷ـ وفاقیه۸ـ تمثیلیه

۱ :ـ اصلیه هغه‌ده چه دمستعار لفظ په‌کښې جامدوي .

مثلاً خوشحال وائي :

که پرون وې زړه او سترګې   راشه نن ځان د جهان یې

په پورته بیت کښې ذکر مشبه به‌چه زړه او سترګې دي مرادځنې مشبه چه «محبوب» دي د «زړه» او «سترګې» الفاظ جامدهم دي یالکه قلندر شاعر چه وائي :

نه دي چالیدلی صبح وشام په‌یوه ځای کښې

ما ته لمر ښکاره شو ستا د زلفو په تورتم کښې

ذکر لمر مرادځنې مخ دی .

۲ :ـ تبعیه هغه ده چه دمستعار لفظ په‌کښې مشتق وي لکه دوه تنه چه په‌سخته جګړه نښتي وي او بل سړی ووائي :ـ

« سره مره ئې کړه،ورشه بګانښ ئې وکړه »

سخته جګړه کول له وژلو سره مشابهه شوه او دتشبیه علاقه ئې عذابا وزحمت دی چه په

دواړو کښې شته. او ذکر وژل چه مشبه به مرادځنې مشبه چه سخت وهل دي، وژل خومشتق هم دي عبدالقادر وائي :

له غيرته مې زړګي توکړ توکړ شي   چه ئې ګوتې په وهېنتو وهي شانه

ګوتې وهل مشبه به مرادځنې ځنځول چه مشبه دي او ګوتې وهل مشتق هم دي

۳ : ـ ترشيحيه هغه ده چه دمشبه به مناسب دقرينې ترراوړلو وروسته ذکر شي .

لکه رحمان بابا چه وايي :

يار دنازله خوبه پاڅي پسې ګرځي   چه فلک دعاشقانو بخت بيدار کا

نيمه شپه ئې يار ترسره پوري کښېنې   لکه شمعه چه څوک بله په مزار کا

ذکر مزار چه مشبه به باله کيږي مرادځنې شهيد يا بيده عاشق دي، دمشبه به مناسب شمعه ده او قرينه ئې وسرته کښېنا ستل دي .

٤ : ـ مجرده هغه ده چه مناسب دمشبه راوړه شي .

لکه خوشحال چه وائي :

مست هاتيان خونې زمريو توري وکښې   چه دسر ترويري تېرشي کار آسان دي

په دې بيت کښې مست او خونې زمري، مشبه به راوړ شوي مرادځنې جنګيالي ځلميان دي چه هغوی نومشبه باله کيږي ـ او توري کښل دځلميانو سره منا سب دي .

۵ : ـ مطلقه هغه ده چه خاص په يوه خوا پوري (مشبه يامشبه به) اړه ونه لري بلکه ودواړو خواوته شامل وي (۱)

يعنې داسې استعاره راوړه شي چه هم دمشبه به اوهم دمشبه مناسبت په کښې وي .

لکه خوشحال چه وائي :

دزمري ومړ نتوب په لښکرنه وي   مټ ئې هرکله پوازي په خپل ځان شي

زمري مشبه به مرادځنې زړه ورسړی دی. په پورته بيت کښې مړنتوب دزړورسړي مناسب دی او « پرځان مټ » دزمري سره مناسب دی، او يا مړنتوب دزمري اولښکر دسړي مناسب دي .

٦ : ـ عناويه هغه ده چه په يوه شي کښې ددواړو خواو (مستعارمنه اومستعارله) يوځای کيدل امکان ونه لري ـ دا استعاره تهکميه او تمليحيه هم بولي ، لکه ديوه بنه مړي تشبيه چه لهژوندي سره وکړي اوو ويل شي« پښتون علامه سيد جما الدين ژوندی دی »

البته څرګنده ده چه ژوند اومرګ په يوه سړي اويووخت کښې غير ممکن دی او دعنادي ځنې اقسام دا هم دي چه په ضد دهغه شي راوړه شي .

لکه وجاهل ته چه څوک ووائي : «دعلم درياب دی »

(۱) تبصره : ترشيح تراطلاق او اطلاق تر تجريد اولي ده .

۷ : ـ وفا قیه‌هغه‌ده چه‌دواړی‌خواوی (مستعارمنه اومستعارله) په‌یوه شی کښې یو ځای کیدلای شی، لکه « د علم تشبیه په ژوند سره » ځکه‌چه علم اوژوند دواړه په یوه سړی کښې یو ځای کیدلای شی، یا دنابوهی تشبیه له‌مرګ سره .
لکه ملا عبدالباقی اخندچه وایی :

عزیم وایی سخت دښمن ته‌منتخب اوشمس راوړی
چه‌بې علمه زندګی کړی‌زما په‌رنګ‌دی ژوندی‌مړی

۸ : ـ تمثیلیه‌هغه‌ده چه‌په‌ده کښې‌مشبه اومشبه‌به دواړه مرکب وی او وجه شبه له‌ډېر و امور وڅخه منتزع شوې‌وی، لکه‌دپښتو دامتل‌چه : « دیوه لاسه‌تك نخیژی » دهغه چاد پاره مثال شی چه غواړی یوازی په‌کوم کار شروع وکړی مګردلاسه‌ئې پوره نه وی‌نودا پورته‌متل‌ورته وایی .
په‌پورته متل کښې مشبه‌به «دیوه‌لاس تك‌نه ختل» دی‌اومشبه «یوڼکی» دی. نوهرڅوك‌چه‌وی .
له‌دې څخه څرګنده شوه چه ټول متلونه تردغی‌استعارې لاندی راځی مګرهو، چه مشهور شوی وی ځکه چه‌لمړی‌یوه‌خبره وی، چه‌ترخولې ووزی اومشهوره شی‌نومتل ګرزی او دبل چادپاره مثال کیدلای شی .

دریم اصل ـ تشبیه

د تشبیه لغوی معنا : تشبیه په‌لغت کښې ددووشیانو دمعنوی ګډون(۱)وڅرګندېدوته وایی، نو که داګډون حقیقی‌وی‌اوکه‌خیالی وی ـ اومطلب له‌معنوی څخه هغه‌صفت وی چه ددباندنیو موجوداتو څخه‌نه‌وی لکه : پوهنه، زړورتوب، یانور، دبریالی او توریالی ګډون په‌کوراو کالو کښې‌تشبیه نه‌باله کیږی، ځکه چه‌په دوی کښې مشترك امردباندنیو موجو داتو څخه دی .

دتشبیه رکنونه:

تشبیه څلور رکنونه لری : ـ هو، یوشی چه‌له‌بله سره تشبیه کړشی، لمړی شی ته‌مشبه دوهم ته‌مشبه‌به وایی. اوددوی په منځ کښې معنوی ګډون د تشبیه یادشبه وجه بولی اوویونکی ته ئې «مشبه» د «ب» په کسره ویل کیږی .

دمشارکت بیان : مقصدله‌مشارکته دمطابقی‌معنی په اعتبار دلالت دی نه‌په التزامی معنی ځکه چه داخبره چه « بریالی‌اوتوریالی ماته راغلل» که څه‌هم په‌التزامی معنی کښې چه « راتګ» دی‌مشارکت سره‌لری، مګرپه مطابقی معنا کښې مشارکت نه‌لری، ځکه چه‌مطابقی معنا خودهریوه د«راتګ» ثابتوالی دی، داسی نه‌چه ددوی له‌بله سره‌مشابهت مقصددی. اوکه‌چا قصد اوخیست البته هغه‌به خود دتشبیه له ډوله وباله شی .
مشارکت په «مشبه‌به» کښې داصلیت پر ډول دی .

(۱) اشتراك

د تشبیه دوې خواوې :

دتشبیه دوې خواوې یعنی مشبه اومشبه به، بهیاداسې وې چه ادراک بهئې پهیوه دپنځو حواسو کښې اویا بهمدرک پهعقل وی. هغهچه پهحواسو سرهئې ادراک وی دادی :

دلیدلو دحس مثال :

ملا جمعه شاعر وائی :-

داسې حسن لکه ستا مخ دی نیولی   ومې نهلید دیمن به ترکستان کښې

داروېدلودحس مثال :

حنان شاعر وائی :

آوازهداستاد زلفوما کړه پورته   کله زغ کاچه ځنځیر بې دیوانه شو

د زلفو آوازه (انګروزه) دځنځیرله زغه سره تشبیه شوی دې .

د بویولو دحس مثال :

ملا جمعه وائی :

د ختن دمشکو کله داسې بوی وی   لکه نن چهئې زه وینم ستا پهځان کښې

د څکلو دحس مثال :

حنان وائی :

تبسم ئې له دشنامه سره خوند کا   قدر زیات لری ترخه چهشی شراب

د دشنام خوند او دترخوشرابو خوند سره تشبیه کړه شو .

او هغه دواړی خواوی چه ادراک ئې پهعقل پوری اړهلری داسی دی لکه دپوهنی تشبیه له ژوند سره اودناپوهی تشبیه له مرګ سره ، ځکه چه دا په حس اړه نه لری تول پهعقل پوری مربوط دی. اوهغه ادراک چهپه «وهم» لاس ته راځی هغه هم لهدې عقلې دوه له څخه بلل شوی دی، اوپه دې توګه نو دخیال اووهم باید بیلوالی راشی ، ځکه چهدځه موخیالی مدرکات له محسوساتو څخه شمیرل او اوس موهم لهعقلی څخه وباله .

دخیال اووهم بیلوالی :

هرڅه چهخیال له مشترک حس څخه اقتباس کړی هغه بیا متخیله قوه سره ترکیبوی ، مګر «وهم» لهمشترک حس څخه اقتباس نه کوی، بلکه لهخپله ځانه صورتونهتراشی اواختراع کوی چه وروسته ئې متخیله قوه ترکیبوی لکه داتصور چه انسان لس سرونه اولسوزرونه ولری .

یعنی «وهم» هغه‌شیان تصویروی چه لیدلی شوی نه‌وی اوخیال دحسی مدرکا توخخه تجاوز نه‌کوی گویاوهم پرغائب حاکم دی .

د تشبیه وجه : دتشبیه وجه دمشبه اومشبه به‌تر منځ دویونکی په نظر کښې یوه مشترکه معناده‌مگر، هو- په مشبه به کښې بدا صلیت او په‌مشبه کښې به دفرعیت په توگه وی .

دویونکی نظر ددې دپاره ضروردی چه‌مثلاً د «کرم‌خان» او «زمری» په تشبیه کښې که څه‌هم دوی په‌ډیرو ذاتیاتو اوعرضیاتو کښې اشتراك سره‌لری لکه‌حیوانیت، جسمیت، وده‌نبورېده،وجودیانور . . . مگرد‌ویونکی‌مدنظر «زړورتوب» او‌میړانه‌ده‌نه‌بل شی،نوکه ددووشیانو په‌منځ کښې دویونکی په‌نظر تساوی‌وه دتشابه حکم لری او که دویونکی په نظر دطرفینو په یوه خوا کښې‌دتشبیه دوجه زیاتوالی اوپه بله خوا کښې ئې کموالی وی دتشبیه حکم لری . دا خو ځرگنده شوه‌چه دتشبیه وجه تر‌مشبه باید په‌مشبه‌به‌کښې د اصلیت په‌توگه او بشپړه وی مگر څوځایه د ضرورت په‌ډول له‌دې تعریفه څخه عدول هم کیږی مثلاً :

۱ :- هغه تشبیه‌ده چه دمشبه به‌اصلیت اوبشپړتوب ترمعقولی مشبه هیڅ امکان ونه‌لری، لکه دسپوږمی سره دخدایتعالی تشبیه، یوحدیث‌شریف دی چه :-

« سترون‌ربکم کماترون القمر لیلته البدر» ترجمه : ژردی چه تاسی به‌خپل خدای دڅلورلسمی شپې دسپوږمی په‌شان ووینئ . دلته دسپوږمی زیاتوالی هیڅ امکان نه لری .

۲ :- هغه‌ځای دی چه‌سلب راغلی‌وی لکه دا آیت‌شریف چه :

« یانساءالنبی لستن کاحدمن‌النساء» یعنی‌ای دنبی(ص) ښځو! تاسی داسی نه‌یاست لکه‌نوری ښځی . د لته نوری ښځی مشبه به دی مگر ځکه چه سلب را غلی‌دی نوله مشبه به‌څخه هم‌ښه‌والی سلب‌شو، مقصد دادی چه ترنورو ښځوښی یی .

۳ :- هغه ځای‌دی چه‌معشوقی ته‌پخپله ددی له‌ځانه سره تشبیه ورکړه شی .

٤ :- هغه‌ځای دی چه‌دمشبه دکاملوالی ادعا پرخلاف راوړه‌شی یعنی بر عکس دهرخه چه مشبه به‌صلاحیت ولری هغه ومشبه‌ته ورکړشی لکه رحمان‌بابا چه وائی :

داهلال دی چه لیده‌شی په شفق کښې که په‌لاس دگل اندامی سپین وښی دی

په دې بیت‌کښې وښی مشبه به اوهلال مشبه دی .

داهم باید وویل‌شی چه دتشبیه وجه دهرڅیز او اولس په‌نظر کښې ځانته ځانته جلوه لری . ممکن دی‌چه دیوه اولس دتشبیه وجه به دبل اولس په‌نظر کښې بده وی، یعنی هر اولس ځانته دتشبیه وجه لری .

اودتشبیه‌وجه باید‌پردواړوخواوصادقه‌شی که پریوه دطرفینو صادقه نه‌شی‌تشبیه فاسدیږی .

دتشبیه دوجه ډولونه : د تشبیه و جه دوجود په اعتبار چه مشبه او مشبه به‌ته عارضیږی

پردري دوله ده: لمړی حقیقي ده چه وجودئي دطرفینو په نفس ذات کښې ظاهراً ثابت وی ذا نو دوې نوعې لری :

حسی ، عقلی

حسی هغه دی چه په ښکاره حواسو پوری اړه ولری لکه جسمانی کیفیتونه چه دلیدو په حس پېژندل کېږي، شکل، اوږدوالی ، لنډوالی، لیده کېږي او داروېدو په حس ږغ ، آواز ، کډغړوی که وو ډارویده کېږي او دشکلو په حس خوند ، تریخوالی ، خوږوالی لیده کېږي شکل کېږی او د بویولو په حس هرراز بوی ، وږمه حس کېږي اودمښلو په حس لوندوالی ، وچوالی ، دروندوالی ، کیلك والی اونور څرګندېږي .

اوعقلی هغه نفسانی کیفیتونه دی چه ادراك ئې په عقل پوری اړه لری ، لکه پوهنه ، ناپوهی حلم ، زړورتوب ، مېړانه اونور طبیعی امور . دوهم دول اضافی ده چه دطرفینو په یوه خوا پوری ئې ظاهراً ثبوت نه وی راغلی بلکه دغه معنی په نفس الامر کښې په دواړو اړه ولری لکه وجود یاعدم چه په مشبه اومشبه به په دواړو پوری اړه لری او یوازې په یوه خوا پوری تړلی نه دی.

دریم دول اعتباری اووهمی ده چه په نفس الامر کښې ئې وجودنه وي بلکه محض دمعتبر په اعتبار کښې وی لکه وهمیه صورتونه . داهم باید څرګنده شی چه دتشبیه وجه به یا واحده یامتعدده وی ، اومتعدد به یاواحد تر حکم لاندی وی چه یو حقیقت له څوشیانو څخه تر کیب شوی وی اویا به دواحد ترحکم لاندی نه وی .

مګر واحد به یاحسی وی یا عقلی . په حسی کښې دالازمه ده چه مشبه اومشبه به هم دواړه حسی وی لکه دتشبیه وجه له مشبه اومشبه به څخه اخیستل کېږي. امایه عقلی کښې دالازمه نه ده چه مشبه اومشبه به هم عقلی وی لکه چه عقل دمحسوساتو ادراك کولای شی او حس دمعقولاتو ادراکه عاجزدی ، نوله دې جهته ددې فن پوهان وائی :

« التشبیه بالوجه العقلی اعم من التشبیه بالوجه الحسی »

دواحد حسی مثال لکه دباڼو تشبیه له ګل سره په سور والی کښې یاد زلفو تشبیه له عنبر سره په بوی کښې یانور . . .

مګرهغه دتشبیه وجه چه متعدده او دواحد ترحکم لاندی وی هغه ته کلی هیئت ذی چه له څوشیانو څخه تر کیب شوی وی . دادتشبیه وجه به هم یاحسی وی ، یاعقلی ، اوحسی پر څوقسمه ده .

. یوه داده چه مشبه اومشبه به مفرد او دتشبیه وجه مر کب حسی وي لکه دمخ تشبیه له لمر سره په ګرد والی ، سپین والی ، ځلیدو اوښایسته والی کښې مثلاً عبدالقادر وائی ،

مخ لکه آفتاب وخپل مین ته ځلوه زړونه دغماز ولکه موم پری ویلوه

مخ او آفتاب مفرددی ، مګر دتشبیه وجه له ګردوالی ، سپین والی او ځلیدو څخه مر کبه اوحسی ده .

دوهم قسم دادی چه مشبه او مشبه به او دتشبیه وجه دري سره مرکب حسی وی لکه خوشحال خان چه وایی :

پښتنو زلمیو بیا لا سونه سره کړه لکه باز منګلی سړي کاندي په ښکار
سپینی توري ئې ګلګونی کړې په وینو په اهاړ کښې شګفته شو لا له زار

په دوهم بیت کښې دشاعر مقصد دسپینو تورو د ګلګونېدو تشبیه ده، د اهاړ دوخت له لاله زاره سره، چه مشبه او مشبه به او دتشبیه وجه دري سره ځانته ځانته یو مرکب او مجموع حسی هیئت باله کېږي یالکه عبدالقادر خان چه وایی .

ژړا او سره نمرې اغوستی ګلرخانو وایې سبر و نو ونیو ل ګلونه

دریم هغه قسم دی چه مشبه مفرد حسی او مشبه او دتشبیه وجه مرکب حسی وی . لکه رحمان بابا چه وایی :

په شرابو کښې خوند نشته د شکر و دیار شونډی هم شراب دی هم شکر

شونډی مشبه او مفرد حسی دی ، شراب او شکره مشبه به او دتشبیه وجه د سوروالی او خوږوالی ترکیبی او امتزاجی حالت دی .

څلورم قسم هغه دی چه مشبه به مفرد مشبه او دتشبیه وجه مرکب حسی وی لکه حنان چه وائی :

سره لبان دی په خندا کښې هسې زیب کا لکه ګل چه په ګلزار کښې وغوړېږی

سره لبان دخندا په حالت کښې مشبه او ګل مشبه به دی دتشبیه وجه د ګل غوړېده او د خندا ترکیبی حالت دی .

او هغه چه د تشبیه وجه مرکب عقلی وی لکه د رحمان بابا دا بیت چه وائی :

علمیت د بی عمله عالمانو لکه ګنج د کتابونو په خره بار شه

په دی بیت کښې دتشبیه وجه (محرومیده له نفع څخه دی، سره د زحمت اخېستلو)

دتشبیه وجه چه متعدده وی

دتشبیه وجه چه متعدده وی پر دري ډوله ده :

لمړی هغه ده چه ټوله حسی وی لکه دیوی مڼې تشبیه له بلی سره، په رنګ خوند او بوی کښې .
دوهم هغه ده چه ټوله عقلی وی لکه دیوه مرغه تشبیه له کارګه سره د نظر په تیزوالی او دجماع په سیکوالی کښې رحمان بابا وائی :

په دوران کښې هسې رنګ دلبر پیدا شه ګو یا بل د نمر د پاسه نمر پیدا شه

چه انسان حسی او لمر عقلی دی .

دتشبیه اقسام دتشبیه دوجهی په اعتبار :

تشبیه دتشبیه دوجهی په اعتبار پر دوه تقسیمه راغلې ده ، لمړی تقسیم پر دوه ډوله دی:

بدی هائیرا که دربارهٔ دیگران روامید ارید درواقع بنفس خود تان میکنید و بخو د تان بر میگردد . (پیه‌رساله)

دمرکز مربوطه موسسات :

دمرکزی معاینه‌خانې موظف دکتور	:	ص ، محمد ایوبخان
داکسریز دموسسې آمر	:	عزتمند احمدتلاشی بیك
دبرقی تداوی او داکسریز		
دموسسی‌فنی معاون	:	ص ، عزیزالله خان
دعمومی دیپوی رئیس	:	عزتمند صلاح‌الدین‌بیك
دعلی آبا د دصحیه موسسا تو		
دشفاخانی سرطبیب	:	عزتمند فواد بیك
د ده‌مزنګ دمحبس دشفاخانی سرطبیب	:	ص ، غلام فاروقخان
دمستوراتو دشفاخانی سرطبیب	:	« ، عبدالقیوم خان
دمستوراتو دشفاخانی مدیره	:	« ، زینب بیگم
دمستوراتو دسناتوریم ماموره	:	« ، امیر بیگم
دروغتیا دساتنی اودانستیتو باقتریولوژی متخصص	:	عزتمند داکترزهدی بیك
دروغتیا دساتنی اودانستیتو باقتریولوژی دکتور	:	ص ، عبدالمجید خان
دنرودغاښو جوړولو دموسسی دکتور.	:	« ، محمد آغوربای
دښځو « « « «	:	محترمه ، تریمان

❀ ❀ ❀

دپست اوتلګراف اوتیلفون وزارت

وزیر	:	. . . . . .
معین	:	ع ، ص ، محمد حسین خان
دتفتیش رئیس	:	« ، « ، غلام صفدر خان
دتفتیش معاون	:	ص ، میرضیاءالدین خان
دتلګراف عمومی مدیر	:	ع ، علی گل خان
دتلګراف اداری «	:	ص ، عبدالاحد خان
دپست اوتیلفون عمومی مدیر	:	ع ، محمد سعید خان
« « اداری «	:	ص ، غلام فاروق خان

مجمل ، مفصل

مجمل هغه‌دی‌چه‌تشبیه وجه‌په کښې ذکر شوی‌نه‌وی‌دا بیا پنځه‌نوعی‌دی .

لمړی‌هغه‌ده چه که‌څه هم‌دتشبیه وجه‌ذکر نه‌شی‌لاهم‌هرڅوك په‌پیژنی چه‌دتشبیه‌وجه‌پلانی‌شی دی لکه دسړی تشبیه له‌زمری سره‌چه‌دتشبیه وجه هرچاته ښکاره‌ده چه‌میړانه‌اوزړه‌ورتوب‌دی .

دوهمه‌هغه‌ده‌چه غیرله خواصوبل‌چاته ښکاره نه‌وی لکه‌دعلم تشبیه له‌ژوند‌سره دتشبیه وجه دادراك خواده .

دریمه‌هغه‌ده‌چه نه‌دمشبه اونه دمشبه به‌کوم وصف په کښې ذکر شی اومراد له وصفه څخه په‌دی ځای کښې دادی چه‌ووجهی‌مشبه‌ته اشاره‌نه‌وی.

څلرمه هغه‌ده‌چه یوداسی وصف ذکرشی‌چه‌دتشبیه‌وجهی‌ته‌په کښې اشاره شوی‌لکه خوشحال چه وائی :

سپینی توری ئی گلگونی کړی‌په‌وینو په ا ها ړ کښې شگفته شولا له زار

دلته سپین والی اوسوروالی دمشبه صفت لوېدلی‌دی نوځرگنده‌شوه چه په دې ځای کښې دتشبیه وجه‌دسوروالی اوشین‌والی اجتماع اوگډون دی .

پنځمه‌هغه‌ده‌چه دمشبه په‌داسی وصف راوړی چه‌دتشبیه‌وجه ځنې‌ښکاره شی :

مفصل:

مفصل هغه‌دی چه‌پخپله دتشبیه وجه یادتشبیه دوجهی مستلزم راوړه شی لکه قلندرچه وائي:

دبادام په‌دودمی زړه‌سوری سوری شی چه‌راپورته په‌غمزه‌ستر گی‌بانو کړی

دتشبیه‌وجه سوری‌،سوری کېدل‌دی .

اودمستلزم مثال لکه داعربی جمله : «الکلام الفصیح کالعسل فی الحلاوة»

دتشبیه وجه‌په‌دې ځا ی کښې هغه طبیعی میل دی‌چه‌دحلاوت سره لازم دی .

دوهم‌تقسیم :

دتشبیه دوهم تقسیم پر دوه‌ډوله‌دی :

۱ : ـ نژدی مبتذل‌ـ۲ : لیری‌غریب .

نژدي مبتذل هغه‌دی چه‌فکر ترمشبه دمشبه به وخواته بې‌کوم تکلیفه انتقال‌وکړی ، دنژدیوالی اوابتذال اسباب خوشیان دی :

۱:ـ دتشبیه دوجهه وحدت . لکه توروالی یاسپین والی .

۲ :ـ په ذهن کښې دمشبه‌به‌ډېر حاضرېدل لکه دمخ تشبیه‌له لمره‌سره یا دزلفو تشبیه له شپې سره، رحمان بابا وایی :

شام سحر می دغه ستا زلفی رخسار دی نورمی مه پوښته له شام او له سحر ه
۳:- دمشبه به دنږدېوالی نسبت له مشبه سره لکه دتی تشبیه له اناره سره :

لیری غریبه تشبیه :

دلیرېوالی اوغرابت اسباب هم څو شیان دی :
۱:- چه دتشبیه وجه متعدده اویاله څو شیانو څخه مرکبه وی، لکه دمخه چه ویل شوی دی .
۲:- چه مشبه به له مشبه سره یو لیری نسبت ولری .
۳:- چه په ذهن کښې دمشبه به حاضرېدل دندرت په توګه وی .
داهم باید وویل شی چه بلیغه تشبیه هغه باله کېږی چه غرابت اولیری والی ولری، نه نږدېوالی اوابتذال . اوهرڅومره چه دتشبیه وجه له ډېرو شیانو څخه مرکبه شوی وی هغو مره غرابت اولیری والی پیدا کوی نو که داترکیب وهمی وی اوکه خیالی یاعقلی وی . اوکله په مبتذله تشبیه دیوه خاص تصرف یاشرط په سبب له ابتذاله وزی لکه رحمان بابا چه وایی:

نمر سپوږمۍ می په پالنګ د پاسه رغړی چه می یار په بالښت و لګوی سر

د نمر سپوږمۍ سره تشبیه مبتذله شوې ده، مګر په پالنګ د پاسه د نمر او سپوږمۍ رغښتل داتشبیه له ابتذاله باسی .

دتشبیه غرض :

دتشبیه غرض اکثره، مشبه ته راجع کېږی اودانو پرڅو قسمه دی :
لمړی هغه دی چه تشبیه غرض دمشبه دوجود دامکان بیانول وی چه دځینې ادعا دثبوت د پاره دلیل هم راوړی لکه وایی چه :

بینوا ناست یم ، مدام څو شه بیلتون می باسی، له عقل وهوشه
او نبی می څاځی ، دزړه له نمه اوبه توییږی د دیګ له جوشه

«پیر محمد کاکړ»

دلته دتشبیه غرض دزړه له نمه او بڼکی تو ئیدل دی ، چه په ورستنۍ مصرع کښې ئې دلیل راوړی دی .

دوهم هغه دی چه دتشبیه غرض دمشبه دحال بیان وی لکه دیوه شی تشبیه له بله سره په توروالی ، سپینوالی یانورو صفتو کښې اوپه دې قسم کښې داشرط شته چه دمشبه به حال څرګند وی اوکه نه تشبیه دحال دبیان دپاره نه باله کېږی .
مثلاً علیخان وائي :-

زه دریږی درسته شپه پټ ژاړم لکه پرخه
ته سبا خندان لکه ګل واز ګریوان دچائي؟

په پورته بیت کښې د تشبیه غرض د مین په ژړا او د معشوق خندا ده چه دا دواړه د مشبه حال بیانه کېږی . یا لکه حمید چه وائی :

دا زما له غمه شین زړه، په کښې خیال دیار د شونډو
هسې رنګ زیب وزینت کا لکه می په شنه پیاله کښې

دلته د تشبیه غرض د زړه شینوالی او د شونډو خیال دی، چه دواړه د مشبه حال شمېرل کېږی .

دریم هغه دی چه د تشبیه غرض د مشبه د حال د مقدار خرګندول وی لکه چه وایی :

کا ئې سپك کا عاشقی لکه پڼه هغه کس ترکوه قاف دروند وګڼه
(حمید) .

په پورته بیت کښې د تشبیه غرض د مین سپکوالی او دروندوالی دی .

څلرم هغه دی چه وارو پدونکی ته د مشبه حال او شان بیان کړی لکه حمید چه وایی :-

هسې زه بې خونده خاندم په هجران کښې لکه خاندی سر د پسه په اور ا لو ی

په پورته بیت کښې د مشبه حال او شان چه شاعر دی بیان شوی دی، چه یعنی د ده خندا خنګه بې خونده ده .
پنځم هغه دی چه د تشبیه غرض د مشبه زینت او ښکلیتوب ښکاره کول وی ، لکه د باړ خو تشبیه د ګلاب د ګل سره، خوشحال وایی :

ته به وایې د ګلاب په ګل شبنم دی چه باړخودی د نماستی په وخت خولې شی

شپږم : هغه دی چه د تشبیه غرض د مشبه ذم او بد ویل وی لکه حمید چه وایی :

لکه سپی چه په مردار شاوخوا کېږی هسې ته کس ونا کس په اسره ستا یی

اووم هغه دی چه د تشبیه غرض د مشبه نوی والی، تازګی او استطراف وی یعنی مشبه د تشبیه په داسې صورت کښې راووزی چه عادتاً ئې په ذهن کښې د صورت حاضرول منع وی .

دا هم باید وویل شی چه که د تشبیه غرض د مشبه تقبیح یا ښکلیتوب یا استطراف وی نو لازمه ده چه مشبه به د تشبیه په وجه کښې ډېره مشهوره او بشپړه وی .

او په هغه ځای کښې چه د تشبیه غرض د مشبه د امکان بیانول وی هلته باید مشبه به په امکا نیت کښې مسلم او معروف وی او هلته چه د تشبیه غرض د مشبه د حال د مقدار بیان وی په هغه ځای کښې باید دواړه په معرفت کښې مساوی وی .

تر دې ځایه هغه بیان و، چه د تشبیه غرض و مشبه ته راجع وی . اما کله د تشبیه غرض و مشبه به ته هم رجوع کوی ، دا هغه وخت چه د تشبیه په وجه کښې چه هره خوا ناقصه وی له هغه څخه مشبه به جوړ کړی او مقصد ځنی بشپړتوب یعنی اکملیت وی ، دې ته مقلوبه تشبیه هم وایی .

د تشبیه اقسام د تشبیه د غرض په اعتبا ر :

تشبیه پر دوه ډوله ده (۱) مقبو له (۲) مر دوده . مقبوله هغه ده چه د غرض دافادې د پاره کافی وی او مشبه به د تشبیه په وجه کښې ښه مشهوره، بشپړه او مسلم الحکم وی .

مر دوده هغه ده چه په پورته شیانو کښې ناقصه او نیمګړې او کمزورې وی .

دتشبیه اقسام دتشبیه داداتو په اعتبار :

هغه تشبیه چه تشبیه ادات (حروف) پکښې نه وی ذکر شوی «موکده» بولی او چه دتشبیه ادات پکښې راغلی وی هغې ته مرسله او مطلقه وایی موکده پر دوه ډوله ده :

یو هغه چه فقط دتشبیه ادات حذف کړی لکه علیخان چه وایی :

توری زلفی سپین رخسار ورځخه غواړم   ځکه خدای ته لاس په شام او سحر نیسم

بله هغه ده چه هم د تشبیه ادات حذف کړی او هم مشبه به و مشبه ته مضاف کړی لکه رحمان بابا چه وائی :

دریغه نخل د عشق نوی زرغون شوی   چه له بنا خه ئی د غم ثمر پیدا شه

نخل مشبه به او عشق مشبه چه نخل عشق ته مضاف دی ـ دتشبیه ادات هم نشته .

په عمومی طور دتشبیه اقسام

قوی ـ متوسط ـ ضعیف

دادری سره اته قسمه دی :

۱ :ـ هغه وی چه مشبه او مشبه به و ویل شی مگر دتشبیه ادات او وجه محذوف وی لکه : اسلم زمری دی .

۲ ـ هغه دی چه د پوښتنی په ځای کښې مشبه هم نه راوړی لکه :« زمری دی »دا دهغه چا په جواب کښې چه «توریالی څنګه سړی دی ؟»

۳ :ـ هغه دی چه یوازی دتشبیه حرف حذف شی لکه :

«اکرم په جنګ کښې زمری دی» یعنی لکه زمری .

٤ :هغه دی چه د پوښتنی په ځای کښې مشبه هم حذف کړی لکه :

«په جنګ کښې زمری دی »

دیو چا د پوښتنی په ځواب کښې.

٥ :ـ هغه دی چه دتشبیه وجه حذف کړی لکه:

«توریالی لکه زمری دی ».

٦ : ـ هغه دی چه د پوښتنی په ځای کښې مشبه هم حذف کړی لکه :

«زمری دی» د پوښتنی په ځواب کښې :

۷ : ـ هغه دی چه ځلور سره راوړی لکه:

«توریالی په زړورتوب کښې لکه زمری دی »

۸ : هغه دی چه د پوښتنی په وخت کښې یوازی مشبه حذف کړی لکه څوک چه پوښتنه وکړی:

« توریالی څنګه‌وی ؟ » په‌ځواب کښې ورته‌وویل شی :
« په‌زړوورتوب کښې لکه زمری دی »

ددې اتو قسمو څخه لمړی دوه‌قوی‌دی . دآخر دوه ضعیف دی اودانورڅلور متوسط‌دی .

دتشبیه دوجهی اواداتودحذف په‌حالت کښې دقوت سبب دا دی :هر کله‌چه ادات‌حذف شی ګواکی مشبه عین مشبه‌به‌وی ،داتشبیه نوبلیغه تشبیه‌ده .

او که‌د تشبیه وجه‌حذف کړی عمومیت حاصلیږی ،دانوبلیغه ده، نوپه‌هره‌تشبیه کښې‌چه یو له دوی څخه ذکر شوی‌وی ،نسبت‌وپورته ته کمزوري‌اوضعیفه‌ده ، اوکه‌دواړه پکښې‌ذکرشوی‌وی دانوتر ټولو ضعیفه ده.

څلرم اصل کنایه

د کنایې‌بیان په‌پرو سږکال کالنی کښې دتشبیهاتو سره ذکرشوی‌دی .

روش اقتصادی افغانستان

در حال حاضر

بناغلی محمد قدیرخان «ترکی»

در تمام ادوار تاریخ اقتصادی یعنی در دورهائیکه اقتصادیات بین المللی بحال طبیعی (نورمال) بوده اعمال وافعال مالی، تجارتی وصنعتی بدون مواجهه باموانع وعوائق به جریان طبیعی خود ادامه داده است فصول وموضوعات مهمهٔ اقتصادی ازقبیل: تولید، تداول واستهلاك در تحت یکی ازین دورژیم: اصول آزادی واصول حمایه اداره گردیده است اماوقتی وضعیت طبیعی مبدل شده بحرانی درافق سیاسی دنیانموداروم بدل به جنگ میگردد اولاً دول متحارب وبعدازان باندازه وتناسب وسعت واتساع ساحهٔ جرب دول بی طرف به اقتصادیات خویش جنبهٔ خصوصی وغیر طبیعی داده اقتصاد طبیعی ونورمال رامبدل به اقتصاد جنگ مینمایند.

تظاهرات اقتصادیات جنگ که اکنون دردنیا دارای عمومیت است انواع زیادی دارد مانند کنترول برتولید، استهلاك ادارهٔ اعاشهٔ عامه، تبدیل فابریکات سائره بفاریکات تولید آلات جنگ وامثال این ها که بحث در تمام این ها درین مقاله ازموضوع ماخارج بوده صرف در زمینهٔ چگونه گی تولید، توزیع تداول واستهلاك مواد ولوازم خوراکه وپوشاکه وموضوعات مربوط به آن ها و تطبیق آن باتدابیر متخذهٔ حاضرهٔ مملکت مابحث خواهیم کرد:

کنترول برتولید:

تولید یابنام دیگر استحصال از موضوعاتی است که درهیچ زمان وبه هیچ وجه دول ازان بی نیاز مانده نمی توانند وحکومات همیشه وبه انواع وسائل ودست آویز برای رفاه وآرامی عامه در زمینهٔ تولید مداخله مینماید مثلاً دراوقات عادی یعنی ازمنهٔ که افق سیاسی دنیا روشن بوده مناسبات بین المللی بحال طبیعی خودادامه داشته باشد دولت ازدو نقطهٔ نظر بر تولیدات مداخله میکند واین دونقطهٔ نظر یامالی ویاصحی واجتماعی میباشد مداخلهٔ دولت در تولید ازناحیهٔ مالی این است که دولت بعضی از شعب صنعتی یازراعتی راکه فائدهٔ زیادی داشته باشدودولت نخواهد آن فوائد هنگفت وعظیم بدون حق بدست اشخاص رسیده وجامعه ازان محروم بماند مستقیماً ویا بطور غیر مستقیم اداره مینماید اما زمینه هائیکه دولت ازجنبه های صحی واجتماعی بر ان ها مداخله میکند بسیار زیاد است مثل مداخله برخرید و فروش تمباکو، تریاك ویا کنترول مؤسسات وشرکتهائیکه جنبهٔ عرفانی واجتماعی دارند مانند سینما ها، تیاترها ومراکز رادیو و غیره.

امادرزمان حرب ملل متحارب بنابر حوائج ضروریهٔ جنگ وتامین مایحتاج حربی وملل بی طرف بواسطهٔ بندش راه های تجارت که مولود محاصره های اقتصادی وخطوط وسیعهٔ جبهات جنگ میباشد

بر تمام منابع تولیدات کنترول میکنند وهمه را علی السویه به مفاد ومقاصدیکه ازحرب به متحاربین واز محاصره های اقتصادی برای ممالك بی طرف پیدامی شود حصر میکنند .

درین صورت ماهیت مداخلهٔ دولت بر منابع تولیدات چندان شباهتی با مداخلهٔ دولت درازمنهٔ عادیه ندارد مثلاً مداخلهٔ دولت درازمنهٔ عادیه طوریکه گفته شد بنابر مفاد مالی واجتماعی است ولی درزمان حرب بمقصد تامین لوازم حربی واعاشهٔ ملی میباشد ازهمین جهت است که درزمان حرب دول بی طرف ومتحارب هر دوسعی میکنند ازمنابع استحصالات ملی خویش تا حدی که امکان دارد وسرمایه وقوهٔ کار آن ها کافی میباشد برای تهیهٔ لوازم حیاتیهٔ ملی وآلات وادوات جنگ استفاده کنند ازهمین جهت است که استحصالات بمقیاس بزرگی آغاز گردیده بدون بیم اززیادت تولید ونتایج آن تااندازهٔ که امکان دارد تولید میکنند دراثر این زیادت تولید وکثرت سعی وعمل دراستحصالات ملی ازیك طرف برمقدار تولیدات ملی افزود میگردد وازجانب دیگر منابع جدید ملی را بکار انداخته بالنتیجه اقتصادیات مملکت راچندین قدم بپیش میبرد .

مملکت عزیزما ازروزیکه جنگ موجوده شکل بین المللی بخود گرفته وراه های تجارت وآمد وشد مواد ومحصولات خارجی به داخل مملکت واز داخل مملکت تا اندازهٔ بخارج مسدود گردیده است دراثر اتخاذ تدابیر حکیمانه ومشی مدبرانهٔ حکومت متبوعه پیوسته کوشیده است تا آنچه را که در داخل مملکت نداریم ویا اگر داریم کم است واحتیاجات تامهٔ مملکتی مارارفع کرده نمی تواند کوشش مینماید تااندازهٔ که امکان دارد درداخل مملکت تهیه وتزئید نماید ازهمین جهت درسال گذشته دولت اراده نمود تاصنایع داخلی رابوسیلهٔ تشویقات وتعاون برآن ها ترقی بدهد ازین جهت بوسیله ورهنمائی وزارت اقتصاد شرکتی درمرکز (کابل) بنام (دلاسی چارودمرستی شرکت) بسرمایهٔ مکفی تاسیس نمود تااین شرکت درتمام حصص مملکت نمایندگی داشته وبوسیلهٔ آن نمایندگی ها ازیك طرف به ارباب صنایع دستی معاونت مالی بنام تقاوی بدهد وازطرف دیگر بایشان برای پیش رفت کاروترقی صنعت آن ها هدایات فنی اعطا نماید .

این شرکت همان طوریکه وزارت اقتصاد اراده داشت تاسیس شدوبدستیاری معاونت مالی وفنی شرکت درصنایع دستی مملکت تاثیر بارزی ازان مشاهده گردیدباین صورت که این شرکت اولا ارباب صنایع دستی رابکار ایشان تشویق وبعد ازان باشخاصیکه جهت ادامه دادن بصنعت وپیشهٔ خود سرمایهٔ نداشتند سرمایه دادوبالاخره آن های راکه محتاج هدایت بودندهدایت کرد .

نتیجهٔ تمام این اعانت های مالی وفکری این شد که درجشن استقلال سال ۱۳۲۱ مقبول ترین وامید افزاترین غرفه غرفهٔ دلاسی چارودمرستی شرکت بوده است زیرا درین غرفه دران نندارتون ازپارچه های کرباس تاپارچه های بسیارنفیس حریردیده می شد ومیفهماندکه این غرفه

میتواند به فقیر مطابق فقر و به دارنده بحال دارائی او لباس تهیه کند. درنظر من و شاید منکری نداشته باشد که این شرکت ازجنبهٔ اینکه مبرم ترین احتیاج افراد ملت را که عبارت از لباس میباشد فراهم مینماید خدمت بزرگی به اقتصادیات و اجتماعیات مملکت خواهد نمود وازین جهت ما منتظریم متصدیان این کار تا کجا خواهند توانست این مطلب بزرگی را که مایهٔ امیدواری همه میباشد انجام بدهد.

درزمینه های دیگر استحصالیه هم تا اندازهٔ که ممکن بوده سرمایه و قوهٔ کار افراد مملکت کفایت میکند سعی و توجه به عمل میاید مثلا بواسطهٔ جنگ راه‌های تجارت مسدود شده و تجارت یکی ازمواد یکه شدیداً ازین وضع متاثر شد تجارت شکر بوده است زیرا عمده ترین مراکز استحصالیهٔ شکر درماورای خط حرب واقع شد باید درین صورت برای این مادهٔ مهمهٔ که از لوازم اولیهٔ خوراکهٔ مردم است توجهی نموده میشد همین بود که دولت فابریکهٔ شکر بغلان را بکار انداخته ازیك طرف مواد ابتدائیهٔ فابریکه را باتوجه تمامی فراهم مینماید وازجانب دیگر پیوسته برای رفع حوائج مردم شکر بیرون میدهد و آن را بوسائل خوبی که درذیل عرض خواهد شد توزیع مینماید.

برای اینکه به بافندگان ونساجان حصص مختلف مملکت که با کارگاهای دستی به بافتن پارچه مشغول اند مواد ابتدائیه فراهم گردد دولت بوسیلهٔ وزارت اقتصاد وریاست مستقل زراعت دربذرپنبه درحصص مختلف مملکت توجه خاصی مبذول میدارد.

البته دریك مملکت وقتی که مواد اولیهٔ صنعت زیاد میشود علتی دربین نیست که صنایع مربوط به آن‌ها ترقی ننماید. برای رفع حوائج مایه دولت بسائر فابریکه ها توجه خاصی مبذول میدارد تا هر کدام به قدر قدرت خود درین ازمنهٔ بحرانی که تجارت دنیا تقریبا به حال صفر رسیده برای احتیاجات افراد مملکت مایحتاج شان را فراهم نمایند ازهمین سبب مصنوعات تمام فابریکات نساجی مملکت درننداردتون ۱۳۲۱ قابل تقدیر بود و میتوان امیدوار بود که اگر به همین طرز ورفتار به کارهای خود ادامه بدهند امید است که مدت کمی به پیش رفتهای قابل تقدیری نائل گردند.

رزیهمرفته مداخله و هدایت دولت درامور صنعتی ومشی اقتصادی که حکومت متبوعه در زمینهٔ استحصالات اتخاذ نموده درنظرما بسیار مثمر ومفید است وامید است ازین راه بتوانیم بسرعت پیمانهٔ استحصالات را باندازهٔ برسانیم که حوائج عامهٔ ملی مارا تکافو کرده درین اوقات بحرانی بخارج محتاج نمانیم.

کنترول برتجارت:

البته بیاد داشته باشید که تجارت ازشعبی میباشد که از همه زیاده تر مورد سوء استعمال و بی انصافی مردم واقع می شود یعنی اگر تجار دارای انصاف و وجدان صحیح وسالم نباشد احتمال دارد در اثر احتکار، گران فروشی وسائر اعمالیکه ازان ها سر میزند صدمات زیاد وسنگینی به مردم که هر آن باتجار طرف معامله میباشند وارد گردد پس درتمام ممالك عادت است که در ازمنهٔ غیرعادی مانند قحط، جنگ وغیره اولین کاریکه مینمایند کنترول برتجارت

میباشد چنانچه امروز بواسطهٔ جنگ بین المللی درتمام مما لك چه متحارب وچه بی طرف کنترول شدیدی بر تجارت قائم کرده اند.

افغانستان ازممالکی است که باممالك دیگر دنیا روابط تجارتی داشته و ازحیث واردات و صادرات رول خوبی درتجارت دنیا بازی میکند وازین جهت بعد از آغاز جنگ موجوده اقدامات مهم وتدابیر خوبی ازطرف دولت بوسیلهٔ وزارت اقتصادملی درتجارت مملکت اتخاذ گردیده است که اینك درذیل خطوط اساسیه اقدامات مذکوررادرتحت عناوین مختلفی ذکر مینمایم:

I : تجارت واردات :

۱:- کنترول نرخها : از ابتدای آغازجنگ موجوده باین طرف حکومت متبوعه متوجه ترقی وتموج نرخ های اموال وارداتی ومخصوصاً منسوجات که ازمهمترین قلم واردات ماميبا شد بوده پیوسته کوشیده است دراثر تدابیر ومساعی اصولی تجاری واقتصادی نرخها بحال عادی نگه داشته شود دولت در زمینهٔ نرخ های اموال وارده مخصوصاً رخت باب داخل همین گونه اقدامات بود که دفعتاً واقعهٔ معروف (پرل هاربر) رونما ودربین جاپان وامریکا بهم خورده جاپان بامتحدین مخصوصاً انگلیس وامریکا اعلان جنگ دادوقتی جاپان داخل جنگ شد چون اکثر اقلام وارداتی رخت باب ازجاپان وارد مملکت مامیگردید اموال وارداتی مخصوصاً رخت باب زیاده تر موضوع مراقبه وکنترول حکومت قرار گرفت.

حکومت درین وقت محض تامین رفاه وآسودگی عامه واینکه افراد مملکت موا جهه باخطر قیمتی و گرانی نرخ اشیانشوند اقدامات بسیار مؤثر و جدیت فوق العادهٔ بخرج داده است.

۲ : ذخیرهٔ مال: دردنیاوقتی میخواهند به نرخ یك شی استقراری بخشیده همیشه نرخ آنرا بیك سان نگه دارند اولا از همان شی یك مقدار زیاد ذخیره تهیه مینمایند؛ این ذخیره برای این است که اگر دیده شود درنرخ ها ترقی رونما گردیده فورا ازان ذخیره یك مقدار را بیرون کشیده به معرض فروش میگذارند این مقدار وقتی که برای فروش وارد بازار میگردد یك بار برمقدار عرضه در بازار افزود کرده قیمت را پائین میا رد وبالعکس زمانیکه دیده میشود قیمت یك شی در بازار باندازهٔ زیادی افتاده و پائین آمده است فورا ازآن مال یك مقدار زیادی خریداری کرده آن را گدام مینمایند این مقدار و قتی که از میدان تداول بیرون کشیده میشود دوفائده را بار میارد اول اینکه قیمت همان مال در بازار بحال عادی برمیگردد دوم یك ذخیرهٔ از آن شی فراهم می شود تادر وقت گرانی قیمت یاقحطی آن وارد بازار شده وضعیت را دوباره بحال عادی بر گرداند.

این ذخیره های اموال را که برای حفظ و استقرار قیم تهیه و فراهم کرده می شود (ذخائر ناظم قیم) نام میگذارندو این اصول مخصوصا در محصولات زراعتی بسیار عمومیت داشته هیچ مملکتی از آن بی نیاز مانده نمیتواند.

وزارت اقتصاد ملی که پیوسته برای حفظ وضعیت بازار ها و تامین استراحت و آرامی مردم در تحت هدایات حکومت متبوعه کار میکند و از هیچگونه توجه و وارسی با مور محوله باز نمانده و نمی ماند در روز هائیکه جنگ بشدت کرد و راه آمد و رفت تجارت مسدود گردید خواست در زمینهٔ تمام ما یحتاج ملی ذخیرهٔ اموال داشته باشد پس یکی ازان ذخایر اموال که ازاموال وارداتی تهیه نموده است ذخیرهٔ منسوجات وارده است.

برای اینکه قیمت منسوجات از تزلزل مصئون بوده قلتی در آن زمینه احساس نگردد وزارت اقتصاد ملی شرکتی بنام (دمرست شرکت) تاسیس نمود.

این شرکت قراراساسنامهٔ خود موظف است یکمقدارمال مهم وارداتی خود راذخیره نماید طوریکه در فوق عرض کردم مقصد این شرکت از ذخیره نمودن اموال وارداتی این است که بعد از یك مدتی یك ذخیرهٔ هنگفتی از منسوجات داشته وباین وسیله جلو قحطی و گرانی قیمت منسوجات را بگیرد.

این شرکت در حصص مختلفهٔ مملکت دکان های مخصوصی داشته در آن دکان ها منسوجات خود را به قیمت های مناسبی که تاحد زیادی رعایت خریداران در آن متصور میباشد بفروش میرساند.

۳ـ سهمیه بندی پطرول وبوره: البته همه میداند که پطرول و بوره از امتعه ایست که مورد احتیاج زیاد بوده نمی توان بدون آن ها چنانچه شاید گذاره نمود پس متعاقب ظهور و اشتعال آتش جنگ بین المللی حکومت متبوعه در تولید بوره در خود مملکت سعی نمود و از جانب دیگر دراثر قلت آن ها در بازار های خارج مجبور گردید تا توزیع ومصرف آن را زیر اداره بگیرد.

ادارهٔ حکومت بر پطرول طبعا از تردد عراد ها و وسائل نقلیه تا حدی کاست زیرا به عراد های معینی بمقدار مشخص پطرول داده میشود ازاین جهت اموال زیادی که سابقاً بوسیلهٔ موتر حمل ونقل داده میشد از لحاظ صرفه جوئی پطرول معطل ماند در نتیجهٔ این اقدام موترهای شخصی بدون استثناء حمل ونقل مواد عمرانی ، مواد ارتزاقی (غیر از گندم) محروقات و برخی از اموال تجارتی معطل مانده باین صورت موازنهٔ مصرف پطرول استوار گردید.

هم چنان از اسراف شکر که سابقا شکر را در موارد مختلفی بکارمیبردند بوسیلهٔ معرفی نامه هائیکه از مقامات رسمیه باشخاص داده می شود و یا دکان ها و مراکز فروش معینی که به هدایت دولت در هرحصهٔ مملکت باز گردیده است جلوگیری به عمل آمد.

II تجارت صادرات:

در قسمت تجارت صادراتی مملکت هم مانند تجارت وارداتی مذکوراقدامات جدی وقابل تقدیری نموده شده که نمی توان تمام آن ها را درین مقالهٔ کوچك جا داد پس بصورت نمونه بسه قلم عمدهٔ آن که عبارت از :

دراډیو فنی عمومی مدیر	:	ع، عطاؤالله خان
دراډیو تخنیکی اواداری «	:	ص ، محمد اسلم خان
دخارجه ارتباط «	:	« ، عبدالقیوم خان
دچك آفس «	:	« ، محمد عثمانخان
دیکه توت دتیلگراف خانی منتظم	:	« ، محمد حسین خان
دمهتاب قلعه دتیلگراف «	:	« ، غلام سرور خان
دمامورینو اواجرائیې کفیل	:	« ، محمد ایوبخان
دکنترول مدیر	:	« ، لعل محمد خان
داوراقو «	:	« ، محمد اکرم خان

❀ ❀ ❀

دمعادن وزارت

د معادن دوزارت کفیل	:	ع ، ج ، رحیم‌الله خان
« « « معین	:	« ، ص ، غلام محمد خان
« مخصوص قلم سرکاتب	:	ص ، میرزا عبدالستار خان
« فنی عمومی مدیر	:	ع ، سید عبدالاحد خان
« پیرلو او پلورلو «	:	ص ، محمد صدیق خان
« تفتیش «	:	« ، محمد احسان خان
« کنترول «	:	« ، محمدحسن خان
« داجرائیې اومامورینو مامور	:	« ، عبدالفتاح خان
« اوراقو سر کاتب	:	« ، عنایت‌الله خان

۱ : صادرات پوست ، پشم و پنبه .
۲ : ـ صادرات میوه .
۳ ـ احصائیهٔ تجارتی اموال صادراتی . میباشد اشاره مینمائیم :

۱ ـ صادرات پوست ، پشم و پنبه : این سه قلم از مهمترین اقلام تجارت صادراتی ما بود که دراثر ظهور جنگ وعمومیت آن در راهای معروف و بزرگ تجارتی (که اکثر بازارهای مذکور درماورای خطوط موجودهٔ جنگ واقع میباشد) تقریباً بازارهای فروش خودرا از دست داده اند .

البته از دست رفتن بازار های فروش این مواد برای تجارت صادراتی ما و بالنتیجه موازنهٔ تجارتی مهم است اما تدابیری که دولت اتخاذ نموده برای اینکه بعد از ختم جنگ دوباره به همین مقیاس بلکه زیاده تر از آن جریان خواهد کرد خیلی امید افزا میباشد .

دولت وقتیکه دید در تجارت صادراتی پوست، پشم وپنبه ازناحیهٔ جنگ بین الدول سکته گی عائد گردید فوراً برای جلوگیری ازاختناق آن به گدام واذخار مواد مذکوراقدام نمود .

این اقدام دولت که درین زمینه نموده از متین ترین کار هائی است که درین زمینه باید عملی میشد زیرا : در دنیا وقتی علتی در بین آمده از فروش امتعه جلوگیری مینماید ویادربین مرکز استحصال و بازار فروش متاعی سد و مانعی پیدا می شود بهترین تدبیر (اگر چه تا حدی گران تمام می شود) همین اصول گدام نمودن و ذخیره کردن است آیاچرا گدام میکنند؟ اگر گدام ننموده و بیك باره گی مستحصلین آن مثلا از پوست، پشم وپنبه از استحصال مواد مذکوردست بکشند بایدازاشتغال باین عمل منصرف شوند و دارندگان گوسفند قره قل گوسفندهای خودرا برای قصابی به بازار بکشند ومستحصلین پنبه به عوض زرع پنبه ومهارت به زراعت آن بزراعت مادهٔ دیگری پرداخته درآن زمینه ساعی به کسب مهارت گردد هم چنین مستحصل پشم ازرمه داری بازمانده گوسفندهای خودرا به قصابان شهر عرضه کنند.

این وضع سبب خواهد گردید که بعدازمدت بسیار کم نسل قره قل و گوسفند پشم و پیشهٔ دهقانی پنبه ازبین رفته درصورت اصلاح شدن اوضاع تجارت ورفع موانع ازراهای تجارتی درمملکت نامی ازگوسفند قره قل وگوسفند پشم وزارع پنبه نخواهد ماند پس این رویهٔ دولت برای ابقای نسل قره قل وگوسفندهای مخصوص پشم وزراعت پنبه ازاقداماتی است که باید آن راقدر کرد .

۲ ـ صادرات میوه : یکی از موادیکه درصادرات مملکت رول عمده و مهمی دارد میوه میباشد ازهمین سبب صادرات میوه $\frac{1}{6}$ تمام صادرات ما راتشکیل میدهد میوهٔ افغانستان در هروقت وزمان مورد احتیاج ومطلوب بازارهای خارج بوده وهست و درین روزها دراثر شدت احتیاجی که بازار خارج به میوهٔ ما دارد تجارت صادراتی میوهٔ ما درخارج هم از نقطهٔ نظر

مقدار وهم از جنبهٔ قیمت ترقی شایانی نموده است و وزارت اقتصاد ملی پیوسته میکوشد تا این وضع را در تجارت میوهٔ افغانستان ادامه داده وهنوز هم به پیش برد . اقدامات وزارت معزی الیها را که درین زمینه نموده ومینماید از هر جنبه قابل تقدیر دانسته از نام بردن آنها بنابر ایجابات مسئله خودداری مینمائیم وامیدواریم بتوانند آنچه در دل دارند اجرا وبران موفق گردند .

۳ ـ احصائیهٔ تجارتی اموال صادراتی: داشتن یك احصائیهٔ صحیح تجارتی برای فهمیدن موازنهٔ تجارتی مملکت از ضروریات اولیهٔ ادارهٔ اقتصادی کشور است وهیچ مملکت نمی تواند سیاست ومشی درستی در اقتصادیات مملکتی خود داشته باشد تا احصائیهٔ کاملی از تجارت خارجی خویش بدست نداشته باشد .

احصائیه‌های صحیح تجارت برای اقدامات دولت، ارباب تجارت، صاحبان صنعت وبالاخره برای اکثری ازمردم در اعمال وافعال مسلکی شان رهنمای صادقی میباشد .

وزارت اقتصاد ملی درین اواخر به سلسلهٔ اصلاحات دیگر تجاریهٔ خود خواسته است احصائیهٔ درستی از تجارت مملکت در دست داشته باشد از همین جهت در تحت اثر مدیریت عمومی تجارتی آن یك شعبهٔ مکمل احصائیهٔ تجارتی وجود دارد که پیوسته برای تدوین احصائیه‌های درست ومکمل اقتصادی داخل سعی وعمل میباشد چنانچه از اقدامات مهمی که در تجارت خارجی از نقطهٔ نظر اخذ احصائیه به عمل آمده تغیر سیستم موجودهٔ احصائیهٔ تجارت خارجی میباشد چه قبلاً در ترتیب وتنظیم احسائیه‌های تجارتی نرخهای اموال وامتعهٔ صادراتی ازروی بازارهای داخلی درنظر گرفته میشد؛ این اصول ازروی تحقیقات ومطالعاتی که اخیراً نموده شد ناقص ظاهر گردید باین صورت ونقص آن این بود که چون در احصائیه‌های تجارت نرخهای بازارهای داخلی اعتبار داده می‌شد ازین جهت چون اموال صادراتی درخارج مملکت بلندتر از نرخهای داخلی بفروش میرسید پس امکان نداشت موازنهٔ درست وصحیح واردات وصادرات مملکت بدست آید اکنون درنتیجهٔ تطبیق سیستم جدید احصائیهٔ اموال صادراتی تنها در گمرك کابل درظرف شش ماه ۱۳ ملیون افغانی نسبت به طرز سابق زیاده‌تر عیان گردیده است .

این بود تدابیری که وزارت اقتصاد در اموال صادراتی از نقطهٔ نظر تدوین احصائیهٔ تجارتی اتخاذ نموده واراده دارد درخصوص تثبیت اموال وارداتی نیز ترتیباتی اتخاذ کند زیرا قراریکه اطلاع گرفته‌ایم وزارت معزی الیها درین زمینه هم مشغول مطالعه وتحقیق میباشد .

کنترول بر استهلاك :

درفوق عرض کرده بودم که درمواقع باریك ونازك یعنی در ازمنهٔ حرب وسائر بحرانهای اجتماعی وسیاسی دولت درسه زمینه امکان دارد مداخله وسه شعبهٔ از حیات اقتصادی را زیر کنترول خود قرار بدهد؛ تولید، تداول واستهلاك؛ دربارهٔ وضعیت دولت درمواجههٔ تولید وتداول بطور

مختصر صحبت نمودیم اکنون باید وضعیت دولترا درمواد استهلاک مطالعه کنیم :

ازهمه اولتر باید اعتراف کرد که حکومت متبوعهٔ ما یك حکومت ملی است ومنتهاالیه آرزو وآمال آن رفاهیت وآسوده حالی ملت عزیز افغان میباشد پس اقدامات مذکور تماماً منحصر به خدمت برای ملت وصداقت درراه رفاه ملت میباشدو پیوسته میکوشد کاری انجام بدهد که نتیجهٔ آن برای ملت مفیدو توده ازان فائده بردارد بنابرهمین عوامل وقتی که آتش جنگ در اروپا مشتعل وشعله های دودآلود آن به پاسیفیك هم سرایت کرده وعالم شمول شد مسئلهٔ آذوقه واعاشهٔ ملی زیاده ترکسب اهمیت نموده دولت جداً دران مداخله کرد واین مداخلهٔ دولت برای جلوگیری ازاحتکار، بی انصافی تجار، استفاده های ناحق وبی جهت مردم طفیلی وبالاخره خسارهٔ عامه بوده است.

دولت درسایهٔ مداخلهٔ خود که درزمینه استهلاك نمود بعضی ازمواد وما یحتاج ضروریهٔ مردم راتابع رژیم معروف (کوپون) قرارداده باین وسیله ازاسراف، احتکاروسوء استعمالیکه امکان داشت درمواد موصوف رونما گردد جلوگیری کرد.

دولت دیدقیمت اشیای وارداتی مخصوصاً رختباب که زیاده ترمورد احتیاج وضرورت مردم میباشد بواسطهٔ ظهور جنگ مخصوصاً سرایت آن در شرق اقصی روز بروز بلند میرود پس بدستیاری وزارت اقتصاد ملی واطاق های تجارت کوشید تاازبی انصافی هائی که درین زمینه دکاندار وتجار وارد کننده مینمایند جلوگیری نماید همان بود که قیم تمام اشیای ضروریه را درهرماه از روی انصاف وعدالت که هم تجار و دکاندار متضرر نشود وهم اهالی بی جهت پریشان نگردند تثبیت وبذریعهٔ روزنامهٔ اصلاح اعلان کردند. توجهی که دولت درین زمینه دارد تنها مکتفی به اعلان نشده کوشش کرد تابذرائع مختلفه تعقیب نماید که نرخ نامه ها صد فیصد عملی شوند وآنهائی را که ازین راه تخلف نموده بودند مجازات نمود.

خلاصه دولت در زمینه های تولید، تجارت واستهلاك از ابتدای جنگ تاامروز تدابیر خوبی اتخاذ وبوسیلهٔ عملی نمودن آنها تا اندازهٔ زیادی ازیك بحران اقتصادی که انتظار آن میرفت جلوگیری کرده است تاحدی که میتوان گفت: به فضل خدا وتدابیر صحیح حکومت متبوعه وطالع این ملت نجیب ومعصوم ملت افغان امروز دردنیا اولین ملتی است که به منتهای رفاهیت وآرامی زندگانی میکنند وشاید درملل بی طرف هم ازجنبهٔ رفاه اقتصادی کمتر ملتی باین پایه دیده شود.

این بود مختصری ازمطالعاتی که میبایست درزمینهٔ مشی اقتصادی افغانستان (تولید تجارت واستهلاك) نموده میشد برای مطالعات بیشتر به اجراآت وزارت اقتصادی ملی وبانك های (دافغانستان بانك وبانك ملی) به همین سالنامه وسالنامه های دوسال قبل مراجعه فرمایند.

علاقهٔ تغذیه با صحت عامه :

غذائیکه میخوریم

ښاغلی رشید «لطیفی»

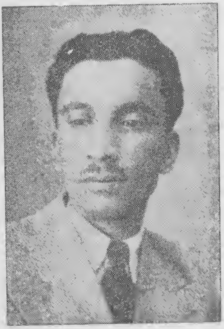

ښاغلی عبدالرشید خان «لطیفی»

ادارهٔ سالنامه نظر به سابقهٔ چندین سالهٔ نگارنده به موضوعات صحی وعلاقهٔ نزدیکی که به‌طب واطباداشتم نگارش قسمت صحی سالنامه را به دوش اینجانب تحمیل‌نمود. دربین موضوعاتیکه برای نگارش در ذهن‌من‌خطور نمود مهمتر ازهمه موضوع غذاوصحت‌را تلقی نموده واینك به‌استناد ماخذیکه در دست است مطالعات‌خویش‌را درین‌زمینه تقدیم میدارم، امیداست درین‌موضوع مهم وحیاتی روشنی‌مختصری‌انداخته‌ونواقص آنرا بعدها اطبای‌صاحب صلاحیت درسایر مطبوعات تکمیل نمایند.

موضوع تغذیه :

بااینکه‌انسان ازآغاز خلقت اهمیت تغذیه‌را در تقویهٔ بدن وغلبه برمرض احساس‌کرده بود، اما طب تااین نزدیکی‌ها به‌علاقهٔ که بین تغذیه وصحت عامه‌موجود است طور لازم توجه واهتمام نداشت واین موضوع ازطرف اطباء محدود ومنحصر به‌بعضی اعتقادات عمومی ومبهمی بوده وبیشتر این نظریه بین ایشان قایم بود که گرسنگی مؤدی به ضعف مقاومت وجود شده وازهمین لحاظ است که شخص گرسنه یانیم گرسنه بیشتر از سایرین دچار امراض میگردد. وهمچنان نسبت مبتلایان سل‌بین طبقاتیکه تغذیهٔ خراب می‌نمایندبیشتر ملاحظه‌شده ووباها وبالخاصه تیفوس باظهور بحرانهای اقتصادی یاجنگ‌هائیکه با آن قیمت‌های احتیاجات اساسی ومخصوصاً غذا بلند میرود توام میباشد.

بعدازین دوره بااینکه طب به‌تحلیل تغذیه وتقسیم آن به‌مواد پروتینیه ونشاسته‌ئی ودهنی واملاح معدنی وآب مشغول شده ودرین زمینه مطالعات زیادی بعمل آمد. اما تمام این مباحث باوصف اهمیت آنها فقط قسمت جزئی ازحقیقت علاقه بین غذای انسان وصحتش رابمیان آورده

وتاپیش ازسی سال که آغاز کشف ویتامین‌ها است روشنی کاملی باین موضوع نیفتاده بود وهنوز عامه نمیدانستند که تغذیه چه رول مهم وحیاتی درزندگانی وسلامت بدنی شان دارد.

اثرغذا درقوت وتوانائی ملت:

مسلماً قوت ملت به قوت افراد آن ومجهود جسمانی وعقلی ایشان ارتباط داشته وا ینهم به کمیت غذائیکه فرد صرف می‌نماید ومقدار غذائیت این غذا متوقف است. وچون ملت عبارت از مجموعهٔ افراد است، لهذا سلامت آنهم منوط به سلامت افراد آن بوده ویك ملت فقط وقتی میتواند درمیدان تنازع بقاموفق برآید که به افراد آن غذای خوب وکافی برسد. واین مأمول هم بنوبهٔ آن وقتی برآورده شده میتواند که خود ملت اسباب ومایحتاج زندگی خویش راازپیداوار ومحصول زمین خود حاصل نماید، تا درآوان جنگ ها وبسته‌شدن راه‌های خارجی برروی آن دچار مضیقه نگردد. این سیاستی است که تمام ملل در عصر حاضرباتمام قوای خویش به آن رفتار کرده واصل(اکتفا بخود.) را بیش‌ازهر چیزدیگری درین زمینه میخواهند تطبیق نمایند، چه‌مخصوصاً آتش جنگ خانمان سوزی که امروزدرسر تاسر جهان مشتعل است بیشتر دنیارا باین حقیقت ملتفت ساخته‌ومللی که درقسمت مواد ارتزاقی خویش بخارج ازخاك‌خود تکیه داشتند باچه‌مشکلات وخیمی مواجه‌شده واهالی ایشان بچه فلاکت‌های نبود که بواسطهٔ مجاعه وقحط وکمبود مواد ارتزاقی دچار نشدند. امابا وصف آنهم ملل بزرگ وپرنفوس تاحد امکان ذریعهٔ تجاویز اساسی وفعالیت‌های شگفت‌انگیزازوخامت‌این‌مسئله کاسته وآخرین حد استفاده راازکوچکترین وجب‌خاك خود گرفتند وحتی‌درانگلستان گلخانه هاهم تبدیل بباغچه های‌سبزی کاری شده ودرگلدانها نیزبه‌پرورش وبذرسبزیها پرداختند وباین وسیله توانستندتااندازهٔ موادغذائی‌مابه‌الاحتیاج خویش راتامین‌نمایند. پس در صورتیکه ملل پرنفوس وکم‌زمین تااین حدمیتوانند موفقیاتی درزمینهٔ تامین مایحتاج غذائی‌خویش حاصل‌نمایند البته وطن‌ما که‌دارای‌اراضی وسیعهٔ حاصل‌خیز، حاصلات فراوان، آفتاب درخشان ونفوس کافی برای کاروزراعت است طبعاً ازناحیهٔ مواد ارتزاقی درهیچ فرصت وموقعی بایددچار مضیقه وکمیابی مواد غذائی نشده ودر فقیر ترین طبقات نیزسوءتغذی ملاحظه نشود. موضوع احتیاج انسان بغذا واهمیت آن در صحت وسلامتی عامه طوریکه در بالا هم تذکر دادیم فقط درهمین سنوات اخیره‌در ملل متمدنه براساس علمی مورد بحث وتوجه واقع شده و قرن بیست‌در سایهٔ ترقیات وپیشرفت های‌بزرگی که‌درزمینهٔ علم وظایف الاعضاوکیمیاء احیاء حاصل شد دروازهٔ امیدرا درقسمت بهترشدن صحت جنس انسانی باز کرد وابحاث (سر جو لاند هو بکنز)در۱۹۱۰راجع به ویتامین‌هابزرگترین هدیهٔ بود که‌درین عصر به‌جنس بشری‌تقدیم شد.

زیرا ابحاث مذکوره فائدهٔ اغذیه را از حیث قیمت حقیقی آن در حیات انسان و صحتش ومعروضیت او به امراض ومقاومت دربرابر بیماریها واضح وروشن ساخت.

گویا تغذیه از وجهه علمی جدید مسئلهٔ کمیت نبوده ومقصد پر ساختن معده نمیباشد، بلکه وجود مواد لازمه درخوراکها ازقبیل ویتامین ها واملاح معدنی وپروتین ها وغیره است که سلامتی بدن را ضمانت کرده وآنرا دربرابر حملهٔ ناخوشی های گوناگون حفظ می نماید. خدمت بزرگی که کنون علمای تغذیه بما می نمایند همین است که معیارهای (ستاندارد) اغذیه را که برای جسم مفید وموافق هستند برای ما وضع می نمایند مثل: شیر، مسکه، پنیر، انواع سبزیها، تمام مشتقات شیر، میوه جات تازه تخم مرغ، ماهی ها وگوشت ها . . . تمام این مواد درقطار اغذیهٔ واقیه (پروتکتیو) بحساب میروند وصحت عامه هم منوط به مقدار استهلاک این اغذیه است .

البته درین تردیدی نیست که طبقات دارا درهر نقطهٔ جهان که باشند بقدر کفایت وحتی بیش ازلزوم ازین مواد بدست آورده توانسته ودرینمورد موضوع بحث واقع شده نمیتوانند امابرای طبقات متوسط وپائین تر ازآنها اغذیهٔ که حاوی تمام مواد حیاتی فوق الذکر باشند میسر شده نتوانسته وهمین علت است که حکومات دنیا برای حفظ حیات وموجودیت ملل شان به تامین غذای صالح و کافی برای کافهٔ افراد ملت صرف مساعی می نمایند. درین زمینه نخستین قدمی که باید برداشته شود بلند بردن سطح معیشت ملت است که مسئلهٔ مشکل ومتعسری میباشد زیرا برای تامین این مقصد لازم است که تمام ملت از حیث عایدات شان غنی بوده وثروت بصورت عادلانهٔ تقسیم شده باشد که اینهم مشکل ومتعذر است، چه درغنی ترین ممالک دنیا هم این ترتیب از حیز امکان خارج بوده ومثلا ملت انگلیس که بثروت وتمول خویش مشهور بوده وسطح معیشت یك فرد عادی آنهم بقدری بلند است که باهیچ ملت دیگری مقایسه شده نمیتواند . با آنهم از روی اعتراف بزرگترین علمای تغذیهٔ آنها نصف ساکنین فقیر ایشان غذای صحیح ومکملی که علم جدید توصیه نموده و ضامن صحت فرد ومقاومتش بمقابل مرض میگردد یافته نمیتوانند . همچنان درامریکا هم که ثروت و تمول آن ورد زبانها است در سنه ۱۹۲۹ هوور رئیس جمهور آن بزبان خود اعتراف واظهار نمود که درولایات متحده نه ملیون طفل موجود است که ازسوء تغذیه شکایت می نمایند واین کیفیت از معاینهٔ طبی در اطفال مدارس و ظهور امراض دندان نشوهٔ استخوانها و ضعف بنیه بخوبی مشهود میگردد .

درینجا برای واضح شدن مطلب بهتراست بعض احصائیه هائی را ازمقدار انتشار سوء تغذیه در ممالك مختلفه بغرض معلومات قارئین محترم نشان دهیم تا موضوع خوبتر ذهن نشین گردد:

در امریکا طوریکه پیشتر هم ذکر نمودیم اقلا در حدود هشت ملیون محصلین محتاج تغذیهٔ اضافی میباشند وازروی یك بحث دیگر یکه بین (۶۰۱۵) طفل درسن تعلیم اجرا شده

معلوم گردیده است که نود فیصد مقدار قانونی غذا برایشان میسر نمیشود و ۵۷ فیصد از روز ولادت شان اصلا شیر تازه ننوشیده اند ، وقریب (۶۰) فیصد مزهٔ تخم مرغ یا میوه و قریب (۵۰) فیصد سبزیجات سبز را در حیات شان نچشیده اند .

در پاریس معلوم شده است که فیصدی بیست تا سی از اطفال طبقات فقیر از نقطهٔ تغذیه بحالت خیلی اسف ناك و خرابی میباشند . درلهستان این نسبت فیصدی (۲۵) ملاحظه شده و (۵۰) فیصد اطفال محتاج تغذیهٔ اضافی و هفت فیصد مستعد به قبول مرض سل بوده اند.

نسبت خرابی و فرسودگی دندانها در اطفال اروپا بین ۵۰ تا ۹۵ فیصد میباشد .

در دنمارك طوریکه ملاحظه وتحقیق شده است فیصدی ۳۳ نفر بنابر عللی که مهمترین آن سوء تغذیه است به خدمت نظامی پذیرفته نمی شوند . این نسبت در فنلاند فیصدی بیست ویك و در پولاند فیصدی پنجاه میرسد بلکه در یکی از دول بزرگ این نسبت رد شدن از خدمت نظامی از فیصدی ٤٥ در سنه ۱۹۲۳ به فیصدی ٦٧ در سنه ۱۹۳۳ ترقی کرده بود.

در زنهای حاملهٔ بعض ممالك ظاهر شده است که مقدار همو گلوبین درخون شان از (۵۰) فیصد به (۸۰) فیصد پائین آمده و (۵۵) فیصد به اعراض قلت کلسیوم نظیر آلام عضلات و خستگی که درشبانه روز حتی بوسیلهٔ خواب هم رفع نمی‌شود وعدم توانائی نشستن یا خوابیدن مدت درازی بیك حالت دچار بوده اند .

در ینجا باید بخاطر داشته باشیم که این احصائیه ها متعلق به زمان پیش از جنگ حاضره میباشند که دنیا به امن وسلام بوده وراه ها و طرق مواصلات باز و ظاهراً رفاهیت و تنعم در تمام دنیا موجود بود اما وضع امروزی که بواسطهٔ جنگ در دنیا واقع شده است البته با این احصائیه‌ها هیچ طرف مقایسه واقع شده نتوانسته و سفالت های حیاتی مولود این جنگ را در ممالك متحارب و یا غیر متحارب که اقلا از نکبت جنگ متاثر شده اند خود خواننده پیش خود سنجیده میتواند.

علت و اساس عمدهٔ سوء تغذیه دو چیز است :

۱ ـ فقر

۲ ـ جهل

البته فقر سبب اول و مهم بوده و علاج آن هم طوریکه پیشتر اظهار داشتیم بلند بردن سطح معیشت یا زیاد کردن مزد مامورین و کارگران است

اما جهل هم به سهم خود رول بزرگ و خیلی مهمی در سوء تغذیه بازی‌میکند ، زیرا افراد اعم از اینکه دارا یا نادار باشند بواسطهٔ عدم معلومات به حفظ الصحه واهمیت تغذیه و تغذی از انتخاب غذای سالم و درست برای خودعاجز میباشند ونمیدانند چه نوع خوراك هائی را که برای بنیه و سلامتی و جود وفعالیت جسمی ایشان لازم و ضروری

میبا شد انتخاب نمایند . که در ین قسمت باید تشکیلات صحیهٔ مملکتی داخل عمل شده وذریعهٔ رادیو و تبلیغات مختلفه از قبیل جراید و سینما و نمایشات و غیره به توده این موضوع را ذهن نشین نماید .

یکی از وسایل فعالی که حکومات برای مجادله باسوء تغذیه در طبقات فقیره به آن متشبث می شوند عبارت از اینها است :

۱ - تنظیم اسعار : بصورتیکه بین قیمت های خریدهای کلی وجزئی فرق بسیار مختصری موجود باشد ،
۲ - اعطای غذای مکملی که دارای تمام عناصر لازمه باشد هفتهٔ یك مراتبه به اطفال مدارس .
۳ - مراقبت شدید در صاف و سالم بودن اغذیه وعاری بودن آنها ازغش .
۴ - دادن خوراك های مجانی به اطفال مدارس تا آنچه را که وجود ایشان از عناصر حیاتی بواسطهٔ تغذیهٔ ناقص در خانه از دست داده است تلافی نماید .

این اقدامات در ملل دیگر از روی احصائیه هائیکه نشر داده اند خیلی ها مفید و مؤثر واقع شده و نتایج رضایت بخشی ازان گرفته اند ، و البته در محیط ما هم اگر زیر تجربه گرفته شود ممکن است در بعض قسمت های که گرفتارفقر تغذی میباشند مفید واقع شده بتواند. درینجا بی مناسبت نخواهد بود اگر بصورت اختصار مهمترین مواد وقائی را که بایست در غذای روزانهٔ انسان موجود باشند باذکر امراض واعراضیکه در صورت فقدان یاقلت مواد مزبوره در غذا نشأت مینمایند مورد بحث قراردهیم و طبعاً این قسمت رهنمائی بهتری برای اشخاصیکه میخواهند غذای کامل وصحی بخورند خواهد نمود :

مواد غذائیهٔ واقیه	امراض واعراضیکه در اثر فقدان یاقلت آنها در غذای انسان نشأت مینماید .
۱ - تمام مواد پروتینیه	فقر پروتینی درخون که مؤدی به ارتشاح جسم میشود .
۲ - مواد پروتینیهٔ که محتوی اسید های امینیهٔ معینی میباشند : مثل تریپتوفان ، ارجنین، هستیدین ، تیرو سین سستین ، فنیل ، انین وامثالها که مخصوصاً درگوشت هاوجگر وگرده وماهی ها و شیر و تخم یافت میشوند .	این مواد عبارت ازهمان مواد پرو تینی است که برای نموی جسم وتجدید سلول های آن لازم بوده وفقدان یاقلت آن در غذای انسان مؤدی به متوقف شدن نمو در طفولت از حیث طول ووزن می شود وهمچنان ضعف قوت بدنیه را بار می آورد
۳ - کلسیوم : که مخصوصاً درشیر ، پنیر زردی تخم ، سبزیجات وغیره یافت میشود .	رشیتیزم در اطفال ، نرم شدن استخوان ها دراشخاص بالغ ، زیادشدن قابلیت شخص برای

فرسودگی دندان ها، کم خونی (انیمیا) بواسطهٔ ضرورت وجود کلسیوم در جسم بطائت تجمد خون حین مجروح شدن یا جریان خون ، عدم انتظام حرکت قلب ، ضعف عضلات در حرکت انقباض - تشنجات اطفال دردهای جسمی، عدم استقرار یا راحت بیك حالت موقع نشستن یاخواب ، استحاله در انسجه عصبیه درنخاع شوکی و اعصاب

۴ - فوسفور : مخصوصاً درشیر، پنیر - زردی تخم- بادام، مغزهسته وغیره یافت میشود .	رشیتیزم دراطفال، نرم شدن استخوانها در اشخاص بالغ ، زیاد شدن قابلیت فرسوده شدن دندانها .
۵ - یود : مخصوصا درماهی ها وحیوانات صدفیه وروغن جگرماهی - ترا تیزك آبی و همچنان عادتا در آب مشروب یافت میشود .	برای مهیا ساختن تیروکسین درغدهٔ درقیه لازم است ، و از قلت آن عته بلاهت وکند ذهنی در اطفال پیدا می شود.
۶ - آهن: مخصوصاً درسبزیجات سبز وگوشت های سرخ وجگر وزردی تخم مرغ یافت می شود .	انیمیا (کم خونی) که بواسطهٔ قلت آهن در مادهٔ ملونهٔ خون نشأت مینماید .
۷ - مس : در اغذیهٔ و اقیهٔ مختلفه یافت میشود .	معلوم شده است که برای جلوگیری از انیمیا برای مادهٔ ملونه کریوات سرخ خون لازم است .
۸ - ویتامین (۱) : این ویتامین مخصوصاً در روغن جگر ماهی - جگر وگرده و زردی تخم ، مسکه ، شیر کامل، زردك ، کاهو ، سبزی پالك بانجان رومی و درمیوه جات مثل کیله، سنتره، اناناس ، شفتالو و غیره یافت می شود .	برای سلامت جلد واغشیهٔ مخاطیه وجلوگیری از تصلب یاخشك شدن آنها لازم است . ضعف مقاومت جسم مقابل سرایت امراض ، وقوف جسم از نمو، مرض چشم و التهاب آن، شب کوری - معروض شدن تمام اعضای تنفس به امراض-اسهال، ضعف طبیعی، فقدان اشتها وغیره
۹ - ویتامین (ب ۱) : مخصوصاً درمحصولات زراعتی مثل حبوبات کامل و پوست ناشده و آرد آنها مثل گندم	مرض بری بری -- تهوع - هبوط وزن یعنی لاغری و نحیفی - هبوط حرارت بدنیه ، رکود امعاء ، که مؤدی به امساك (قبضیت) می شود .

برنج ؛ عدس ، باقلاو سبز یجات سبز وهمچنان زردی تخم وخمیره یافت میشود .	
۱۰ ویتامین (ب ۲) : عبارت از مجموعهٔ ویتامین هائیست که هنوز درقید بحث میبا شند وبطورمرجح یکی از آنها همان حامض نیکوتین یا نیکوتینامین است و مخصوصاً در گوشت ها وگرده وشیر وسبزیجات سبز وخمیره یافت میشود.	مرض بلا گرا
۱۱ - ویتامین (ج) : در سبزیجات تازه غیر مطبوخ ازقبیل کرم، کاهو، پیاز ،سبزی پالك، بانجان رومی، آب بانجان ر و می، آب لیمو ، راوند، شلغم ومیوه جات یافت میشو ذودر مواد حیوانی غیر ازشیر موجود نمیباشد .	مرض اسکر بوط - آ لام وورم درمفاصل نقصان دروزن جسم، تعب ، فقدان اشتها، تغیر رنگ سیما وزردشدن آن، زیادشدن قابلیت بمقابل میکر وب های امراض ساریه وشاید بار وماتیزم وقرحهٔ معده واثنی عشری هم ارتباطی داشته باشد.
۱۲ - ویتامین (د) : مخصوصاً در مواد غذائیهٔ که دارای ویتامین (۱) میبا شند یافت میشود وجسم هم میتواند در داخل خود آنرا زیر تاثیر روشنی آفتاب یا اشعهٔ مصنوعی ماورای بنفش تهیه نماید .	برای امتصاص کلسیوم وفوسفور درامعاء و تمثیل آنها در جسم برای جلوگیری از مرض رشیتیزم در اطفال و نرم شدن استخوانها در کلان ها لازم است .
۱۳ - ویتامین (ك) :	هبوط مادهٔ تخثر درخون که ممکن است منتج به قابلیت نزف الدم واستمرار آن موقع حدوث آن گردد.
۱۴ - عامل داخلی که مخصوصاً درمعده یافت شده وبعد از آن درکبد بعد از تفاعل آن باعامل خارجی غذا ذخیره میشود .	مرض انیمیای خبیث
۱۵ - عامل خارجی که عادتاً دراغذیهٔ که شامل ویتامین (ب ۲) میباشند یافت میشود.	مرض انیمیای دارای خلایای بزرگ

با آنکه درین جدول خویش از ویتامین (ه) یا (E) و (ف) یا (F) که تا کنون وجود کدام رابطهٔ بین آنها وانسان ثابت نشده است وهمچنان بسیاری ازمواد معدنیه واملاح دیگر ازقبیل سودیوم وپوتاسیوم ومگنزیوم و منگا نیز وکلوروغیره را که برای ترکیب

ج ، میر محمد یوسف خان د کرهنی دمستقل ریاست رئیس
S.Ex. Mimr M. Yossuf Khan chef de département de l'agriculture

دکرهنی دمستقل ریاست

رئیس : ج ، میر محمد یوسف خان

معین : . . . . .

د کرهنی عمومی

مدیر : ع ، محمد زمانخان

دتفتیش عمومی

مدیر : « ، نادر علیخان

د کرهنی د آفتو

د دفع مدیر : ص ، محمد کریم خان

دقوانینو او تدوین

مدیر : « ، فقیر محمد خان

داجرائیې او مامورینو

دمدیر کفیل : ص ، نادر علیخان

د کنترول مدیر : « ، عبدالرؤف خان

داوراقو مدیر : ص ، میر محمد هاشم خان

داحصائیې دمدیریت کفیل : (امورات شعبهٔ احصائیهٔ زراعتی را نیز ص فقیر محمد خان مدیر تدوین قوانین زراعتی بحیث کفیل ایفامی نماید)

مایعات و انسجهٔ مختلفه جسم لازم هستند ذکر نکردیم، اما همین مختصری را هم که از ان معلومات دادیم برای توضیح علاقهٔ غذای انسان به وقایه و حفظ الصحه اش کافی خواهد بود . چنانچه ازروی همین مختصر نیز فهمیده میتوانیم که لااقل درحدود (۶۰) امراض و اعراض است که دارای رابطهٔ مستقیم به تغذیهٔ ناقص میباشند ، وازمهمترین این امراض واعراض طوریکه پیشتر ملاحظه کردیم یکی (تاثر نموی جسمی) بواسطهٔ فقدان مواد پروتینیه که با اسیدهای امینیك وبعضی ویتامین ها مشحون باشند درغذا است که این امر با لخاصه دردورهٔ طفولیت و جوانی دارای اهمیت زیادی است . و دیگر (زیاد شدن قابلیت بمقابل جراثیم امراض) است که هردوی اینها بصفت غیر مستقیم مؤدی بیك سلسله امراض دیگری میشوند، و میتوان قوای مفکره را که در اثر سوء تغذیه متأثر میشود نیز به اینها علاوه کرد .

باری ازملاحظهٔ این حقایقی که ذریعه تجارب زیادی صحت آنها ثابت گردیده و علاوتاً بسیاری از این امراضیکه ذکر یافت فقط ذریعهٔ اصلاح غذا وبی اینکه هیچیك دوائی استعمال شده باشد شفایاب گردیده اند میتوان به این نتیجه رسید، ونظر خوانندگان محترم را بمواد واقیه ملتفت ومواد غذائی را به دوقسمت مهم و رئیسی جدا نمائیم :

۱ ـ اغذیهٔ واقیه : که برای نمو وتجدید حجیرات و انسجهٔ مختلفهٔ جسم لازم بوده و بایست در غذای یومی انسان موجود باشند . این اغذیه هم مخصوصاً به گوشت ها گرده ، جگر ؛ ماهی ها وروغن های آن ، شیر و مرکبات آن مثل پنیر و مسکه ، تخم مرغ ، سبزیجات سبز تازه و مطبوخ ومیوه جات منحصر میبا شند که با کمال تأسف ازحیث قیمت گران تمام میشوند وبه همه اشخاص به آسانی میسر شده نمیتوانند .

<u>۲ ـ اغذیهٔ طاقت :</u> که نشاط و قدرت و توانائی به کارهای جسمانی وحرارت بدنیه تولید می نمایند .

ومهم ترین آنها حبوبات مثل گندم وباقلا وجواری ومشنگ وبرنج ومنتجات آنها مثل آرد ونان است ومیتوان آنهارا بمحصولات عادی زمین تسمیه نمود . اینها ارزان ترین اغذیه است وبهمین لحاظ درتمام ملل غذای رئیسی ومهم فقرا است، ولی اینها به تنهائی برای محافظت صحت انسان کافی نمیباشند چنانچه سوء تغذیه هم طوریکه پیشتر ذکر یافت دربین همین طبقاتیکه غذایشان منحصر به مواد فوق الذکر میباشند بیشتر موجود میباشد .

مطالعات خویش را درموضوع غذا وصحت ازروی اسناد وماخذ موثق وجدیدیکه در دست بود بهمین جا خاتمه داده وامید واریم به این موضوع مهم وحیاتی که درنزد اکثریهٔ افراد محیط ما

انسانهای مسرور وبانشاط نه تنها خوشبخت هستند بلکه قاعدتاً انسانهای خوب هم هستند. «ویبر»

تقریباً بیگانه میباشد روشنی کافی انداخته باشیم ودر پایان این مبحث شاید بیمورد نباشد اگر به مسئله غذا از نقطهٔ نگاه محیط خویش هم یکنظر اجمالی بیندازیم :

علاقهٔ نزدیکی که غذا بصحت داشته ومعلومات فوق مؤید آن است نزد اکثریهٔ افراد ما تقریباً مجهول بوده وشاید عدهٔ معدودی ازمنور ترین ومستعد ترین طبقات وطن ما یافت شده بتوانند که به غذای خویش ازوجهه صحی ومطابق دستورات حفظ الصحه اهتمام ورزیده وخوراک خودرا ازحیث حاوی بودن مواد لازمهٔ حیاتی آن تهیه وآماده نمایند نه ازحیث رنگ ومزه .

ما تاکنون به غذا فقط ازرهگذر اینکه سد جوع مارا نموده ومنتها به ذایقه مطبوع وگوارا باشد نظر کرده وهمیشه درتجسس خوراک هائی بوده ایم که مطابق خواهش وآرزوی نفسی ما بوده نه موافق احتیاج وجود وسلامت بدنی ما ... بهمین نسبت اغذیهٔ ما اکثریاً ازحیث طعم ومزه ورنگ بسیار جالب بوده اما از نقطهٔ غذائیت و حاوی بودن مواد ما به الاحتیاج وجود خیلی ها فقیر میباشند . برای اینکه خوراک های ما طعم بهتری داشته ورنگ جذاب تری به آنها دادهٔ باشیم اکثریاً مواد حیاتی آنهارا سوختانده وتلف کرده واز صفات غذائی ایشان فیصدی هشتاد میکاهیم. گوشت ها ازهر قبیل که باشند همینکه بدست آشپز ما پخته شد در اثر جوش دادن زیاد یا بریان کردن فیصدی نود خاصیت خود را ازدست میدهد سبزیجات را درحین جوش دادن وبعد سرخ کردن دربین روغن خراب ساخته ومواد غذائی شان را تلف میسازیم. برنج های صاف کرده وبریان شده وروغندار جز اینکه معده را پر نمایند بوجود کمتر فایده رسانده میتوانند . شیر مسکه، ماست پنیر خوب بسیار کم وبه ندرت درخوراک های ما دخیل هستند . وبا اینکه محیط ماالله الحمد ازحیث وفرت نعمت، آفتاب خوب، هوای صاف ومحیط سالم بازهم به بسیار قطعات جهان رجحان وبرتری بارزی دارد حالت سوء تغذی بالخاصه درطبقات پائین زیاد ترموجود بوده واگر احصائیه گرفته شود شاید رقم درشتی را درتمام مملکت تشکیل دهد واگر آفتاب، هوا، آب میوه جات فراوان ما که کمابیش دردسترس هر غنی وفقیر میباشند نمیبود شاید وضعیت سوء تغذیه که عامل اول آن عدم معلومات ما به این موضوع وثانوی تااندازهٔ هم قلت مواد اولیهٔ غذائی ازقبیل شیر ومسکه وتخم مرغ وامثال آن است درین محیط بیش ازهر محیط دیگری موجود می بود .

وبازهم اگر مقامات مسئول از حالا درصدد چاره جوئی نبرایند وازیک طرف فکر عامه رادرین قسمت تنویر نه فرمایند وازطرف دیگر ازگران شدن وقلت یافتن مواد مهمهٔ غذائی بو سایل ممکنه جلوگیری نفرمایند شاید پسانها وضعیت ازین ناحیه و خیم ترشده برود.من بسهم خود درین زمینه اشارهٔ مختصری کرده وتکمیل آنرا به ارباب فن ومسلک میگذارم .

سعادت دروجود خود ماست نه‌دراشیای خارج . «ویبر»

دپښتو پرملي افسانو یوه کتنه :

دافسانې اهمیت په‌تربیه کښې، دافسانې اهمیت په‌تاریخ کښې- افسانې اوپښتو ادب- زمونږملی‌افسانې دادب له کورنۍ څخه‌دي یا د تاریخ غړي ګڼل کیږي- زمونږ دملی افسانواقسام- افسانه او محیط- زمونږ دملی افسانو خصوصیات اوممیزات .

عمومی ممیزات

ښاغلي محمد ګل « نوري »

د افسانې اهمیت په تربیه کښې :

افسانې او قصې یوهان دجمیله فنونو څخه ګڼل کیږي- یخوانو خلکو دالوړ اومهم فن دتربیې دپاره یو لازمی شی ګڼله، اوهمدا افسانې یخوانو یوها نود کوچنیانو دتعلیم او تهذیب دپاره یوه ډیره ښه او مفیده وسیله ګڼله ، اودوی به‌خپلو کوچنیانوته‌ادب اوتاریخ اودوطن‌مینه اوشجاعت او ایثار په‌خپلو قصو کښې ورښوول او په‌خپلو قصو کښې به‌ئې دوی‌ته دمروت او تهذیب درس ورکاوه .

ښاغلی محمد ګل نوری

اغریقیانو به‌خپلو کوچنیانو ته‌دخپل مشهور ادیب «هومر» قصیدې اروولې، افلاطون‌ددې مقصد دپاره په‌خپل جمهوریت کښې یوخاص ځای جوړ کړی و ، اوپه دغه مخصوص ځای کښې به‌ئې دخپل عصر دقصو او افسانو پر آد ابو بحثونه کول.

نن ورځ په ځینو ملکو کښې شاعران اوادبا په قهوه خانو کښې دخپل محیط اوعصر دپیاوړو قصی خلکو ته کوی، او خلک‌ئی په‌ډیره توجه اوښه شان سره اروی ادبا د خلکو عواطف په قصو سره د خپل مقصدوخواته را اړوی، دامریکې او اروپا خلکوهم دې فن ته پوره اهمیت ورکړی دی، اوپه‌دې فن کښې‌ئې ډېر تالیفات او پلټنې کړیدی .

هر کله چه دافن په تعلیم اوتربیه کښې خصوصاً د کوچنیانو په روزنه کښې ډېره اغېزه او لوی اثرلري، نوځینې ابتدایی قامونه په تربیه کښې قصوته پوره اهمیت اولوړ مقام ور کوی هر کله چه کوچنیانو فطرتاً دقصو اوجغرافیائی حکایاتو سره ډېره مینه لري، نو هغه پلرونه او استاذان چه خپل کوچنیان اوشاگردان دقصو او افسانو داروېدلو څخه منع کوی، دوی گوا پر هغو ظلم کوی، اوهغه دخپل فطری حق څخه منع کوی.

هر کله چه قصې اوافسانې د کوچنیانو دخوشحالۍ دپاره یوه ښه وسیله ده اوددوی په دغه ذریعه تعلیم اوتربیې اوزده کړې ته مینې پیدا کیږي، اودقصو او نکلو په اروېد او ددوی په فکرو اودماغو کښې ډېر افکار اوالفاظ اوعبارتونه ځای نیسی، اوبی زیاره اوبېله کوښښه ددوی په ذهن کښې ډېر مفید معلومات ذخیره کیږي، اوپه دې ذریعه ئې ژر په فکر اوذهن کښې معلومات ځای نیسی، نوله هم دې کبله دوی فطرتاً ددې شیانو وارو ېدوته مینه اوشوق لري.

دامعلومه خبره ده چه ددرس عادی کتابونه اوالفاظ اومطالب ددوی په فکرو کښې یو بې فائدې اووچ شی ښکاریږي، اودقصو اوافسانو الفاظ او مطالب ددوی په فکرو کښې دیوه ژوندی متحرك شي په شان ځای نیسی، اودهغو معلوماتو په سیوری کښې ددوی پوهه او معلومات زیا تیږي همدا سبب دی چه ځینو ممالکو ددې فن دپاره لویې لویې موسسې ودانی کړی دی، اوپه دغه مو سسو کښې دقصو په قالب کښې خپلو کوچنیانو ته تاریخی، جغرافیایی حقایق او شخصی آداب اونور علوم ورزده کوی.

بر سیره پر دې افسانې ځانته یخپل پوره اهمیت اولوړ قیمت لري، ځکه چه افسانه د جمیله فنونو هغه ښکلې برخه ده چه د کوچنیانو اولویانو دټولو د زړه تسلی پری کیږي. افسانه ده چه اروېدونکی ته خوند اومزه ور کوی؛ دقصې په اروېدلو سره دسړی روح مهذب اوصفا کیږي اود جما ل حاسه تغذیه په پیدا کوی. افسانه د کوچنیانو څخه ددرس ستومانتیا لیری کوی اونوی درس ته ئې مینه اوشوق پیدا کوی، افسانه د کوچنیانو عقلی اوجسمی قوه نوی درس ته چمتو کوی. افسانه متعلم ته دایثار، صدق، اخلاص درس ور کوی.

افسانه په شاگرد کښې ارادی قوه پیدا کوی؛ افسانه یوداسی قالب دی چه په دې کښې ډېر علمی اوجغرافیایی اونور ډېر ډېر حقایق په ډېره اسانتیا سره ځای شوی دی.

افسانې دیوملت دژبې دنثر اوادب مهم غړی اورکن دی اودملی افسانو څخه دهغه ملت اصلی اوقدیمی ادبیات اوځینی تاریخی احوالات اونور خصوصیات لکه عاشقانه احساسات، حماسیات، زړور توب، مړانه، سخا، عفت، ناموس داری، ساده والی، اجتماعی ژوندون اونوری اخلاقی ښېگڼې معلوموی. افسانې دی چه دخپل ملت پخوانی ادبیات یخپل زړه کښې بیله کم تغیره څخه ساتی ترهغه وخته چه عربو په اندلس کښې فتوحات کول، دفرانسه شاعری هم لکه دنورو غربی اقوامو په شان بې خونده وه، بلکه دوی هیڅ ادب نه درلود، دونه قدرو چه په لاتینی قصو کښې ددوی شعر اوادب محصوروو، چه دغه قصی به ځینی پادریانو په خپلو کلیسا گانو کښې کولې.

دافسانې اهمیت په تاریخ کښې :

په لمړی‌سر کښې تاریخ هغه‌قصې اونکلونه بلل کېده‌چه نکلچیانو به اروېدل اونوتول به‌ئې . نو هغه قصې‌اونکلونه چه ددوی به‌خوښ شول اود تولو وګړو پرخوا به ښه لګېدل، هغه به‌ئې غوره او انتخابول، داافسانې او نکلونه به‌ا کثره درب النوعو اوپیاوړو په‌باره کښې و، دې نکلو اوقصو په یونانیانو کښې دغزلو او اشعارو اوبدلورنګ درلود.او ددوی نکلچیانو به دبدلی اوغزلی پرسر او وزن ویلې، او همدا افسانې دیونانیانو دمجد اوبرم او عظمت په نسبت یادغم اوزحمت‌له کبله چه‌په‌جګړو اوجنګو کښې ددوی پرجنګیالیو او پیاوړو باندې تېر شوی‌وویلې کېدې، همداسې‌لمړی تاریخی اثر چه په‌شعری‌قالب کښې‌اوبدلی دی،د« هومیروس »اشعا ردی .

همدغ، رنګه په‌هغه ملتو کښې چه‌دوی دمدنیت څخه‌پوره برخه نه‌درلوده،همداسې پور تنی اثرات یعنی قصصی تاریخونه چه‌نکلچیانو .به‌ئې دخپل ملت دپیاوړو په باره کښې دنکل پرډول بیان کاوه موجودوه، لکه‌چه‌همداسې اثرات دعربودجاهلیت دوخت اودتر کانو دهغه وخت چه دوی لاپرسماوی ادیانو نه‌وه معتقدشوی اوداسې ځینې دنورو ملتو دا لیدل کېږی ، په داسې ډول تاریخو کښې اخباری او اساطیری جنبه ډېره لیدل کېده، ځکه‌چه‌دهغه چا اهمیت‌چه‌قصه به ځنې کېدله فقط د نکلچی دعینکو څخه ښکا رېدې له‌همدې لامله هغه‌شیان چه ددوی زړه به ئې نرم کاوه غوره کول، او هرڅه‌چه به‌ئې زړه غوښت باندې زیاتول، اوڅه به‌ئې زړه وغوښت چه کم‌ئې کړی په‌خپل فکر به‌ئې کمول ، لکه هومیروس چه دخپلورب النوعو اوپیاوړو په‌باره کښې چه زړه به‌ئې وغوښت هغسې نسبت ئې ورته کاوه، بلکه په دوی‌پوری‌به‌ئې داسې معتقد‌به کارونه‌اواعمال تړل چه‌هیڅ عقل‌ئې‌نه‌منی‌اونه هوښیار تصدیق پرکولای‌شی،یعنی انسا ن نشوا ی کولای چه دابېله‌یووهمی خیال‌څخه بل‌شی وبولی، یادې ودې ته‌دحقیقی قیمت قائل شی .

لمړی سړی چه‌په تاریخ کښې‌ئې زحمت کښلی‌او دحقیقت دلا ری په پیدا کېدو کښې ئې زیارایستلی دی «هیرودوتس» وچه‌ده‌به‌په اخبار او تاریخی موادوپسې‌پخپله سفر کاوه زیات پردې چه‌ده به‌دهغوځایوچه‌دی‌به‌ورتلی په جغرافیائی حالاتو کښې‌مطالعه کوله ډول ډول نکلونه او افسانې اواثرات به‌ئې ټولول. او راوړل به‌ئې په‌یوه جمعیت کښې به‌ئې‌ایښوول ؛هغه شیان چه‌ددوی په‌خیال به‌معقول‌اوښه ورغله هغه‌به‌ئې غوره کول، هیرودوتس یوراوی سړیو چه داسې نکلونه‌اوروایات به‌ئې ټولول‌چه‌دده به‌خوښ اودده‌په‌نظر کښې به‌ئې‌ډېر قیمت درلود، اوهم به‌ئې عامووګړو‌په‌اروېدوسره خونداخیستی، ګوا کی دی‌په‌واقع کښې‌دقصصی مورخینو پلارو .

افسانې اوپښتو ادب :

زمونږملی زوړادب اوشعر وشاعری زمونږافسانو په‌خپلو زړو کښې راساتلی‌دی ، یاپه بل‌عبارت

افسانې دي چه دخپل محیط اوملت خصوصیات او اخلاقي ښېګڼې، لکه مړانه، عفت، دیانت، شجاعت عدل، انصاف، اتفاق، ورور ګلوي، غیرت، او پاک عشق او ساده او بې ریا او بې الا یشه مینتوب چه د تاریخ څخه پټ پاته شوي دي وراتلو نسلو زامنو ته او ښاروي او ور ښیي ئې. یعنې دیوه ملت اخلاقي او غریزوي هنداره ملي قصې او افسانې دي.

او س دلته په مطلب شروع کوم؛ د پښتانه دملت دهغو قصو نمونه تر هغه اندازې چه زما په وس کېږي او زما معلومات مرسته راسره کوي لیکم:

زمونږ ملي افسانې او نکلونه اکثره د پخوانیو زمانو او پېړیو څخه راپاته شوي دي چه لەدې جملې څخه یوه د طالب جان یعنې ملاعباس او ګل بشرې افسانه ده، بله د جلات او شمایلې، او د موسی خان او ولیجان و ګلمکۍ افسانه، بله د فتح خان او رابیا افسانه او نوري دي چه تر ننه پورې مونږ د دې افسانو په صحیح تاریخ سره نه یو کامیابه شوي چه په کم وخت او کمه زمانه کښې وي؟ که څه هم د دغو افسانو لەرویه څرګندېږي چه داافسانې تر اسلام وروسته دي، مګر سره لەدې مونږ پر دې یقین نشو کولای ځکه چه پر افسانو باندې محیط، مذهب، زمانه پوره اغېزه کوي، او ځینې مواد او نومونه ئې اړوي؛ دجلات‌خان او شمایلې په قصه کښې دخونکار او مسلم باچانو نه یادشوي دي چه په بلخ کښې وه، او دموسی جان و ولیجان په نکل کښې دسهیل باچا نوم ذکر شوي دي چه دې پهلوانانو جنګ ورسره کاوه، مګر دسهیل او خونکار او مسلم په نوموسره باچهان تر اسلام ورو سته مونږ ته تاریخ نه دي راښوولي، مثلاً دفتح خان قصه ده وايي چه فتح خان دقلعهٔ بست او دا سلیم خان باچا زوی و او دنقل دیوې ودوو نارو څخه څرګندېږي چه فتح‌خان بریڅي پښتون و، دفتح خان مور وايي:

اوردي وسی دبریڅو په سپین زیرو
مرور ئې پخلانه کی لادلاسه ور ښیی یاغی ملکونه

فتح خان وایی:

هندوستان می دمچیو ګربیني دی
هرڅو که ئې وهمه نه خلاصیږي دشپیتو بریڅو ورځ په ورځ کمی دی

نکلچیان او راویان متفقاً وایي چه فتح‌خان او دده ملګري ټوله بریڅي وه، بریڅي اوس هم داوسني افغانستان دهلمند درود پرغاړه او قلعهٔ بست او بند تیمور او ښوراوک کښې او سیږي او په هندوستان کښې یو ښار هم ددې قوم په نامه « بهرایچ » شته او ددوي په عصر کښې دقلعهٔ بست ښار آباد او منظم ښار وو، او قلعهٔ بست دا سلم خان باچاپای تخت او مرکز و، ددغه ځای څخه شپیته تنه بریڅي دفتح خان په مشرتوب او دکرمخان او پردل خان او زرداد خان په معاونت دهند دفتح دپاره تللي او دشمس الدین باچا سره ئې جنګونه کړي او هلته ټول شهیدان شوي دي، مګر دبلې خواداده چه تاریخ نه دمخه تر اسلام نه وروسته تر اسلام دا سلم خان باچا په نامه په بست کښې یو باچا ښوولی دی

اونه ئی دفتح خان اودده دملګرونوم اخیستی دی، اودشمس الدین په وخت کښې هم قلعهٔ بست ورانو نومعلومه ده چه داسلم خان باچهی دطوائف الملوکی په زمانه کښې چه دمخه تر اسلام یا داسلام په لمړی قرن کښې وه .

داسلامی دائرة المعارف په اول جلد په ۸۰۵ مخ کښې دبست کیفیت په دې ډول ښکاره شوی دی چه: دبست دشاو خوا خاورو او کنډوالو څخه معلومیږی چه بست یو زوړ دمدنیت مرکز وو ، او په پخوانیو وختو کښې ئې خورا شهرت او لوړ والی درلود، دعیسوی شپږم قرن په اول کښې بست هفتالیانو «هفتالیت ها» یا هیاطله و ونیو، بیا ددوی څخه نوشیروان واخیست(۱) داسلام په زمانه کښې لمړی وار بست عبدالرحمن بن ثموره فتح کړی، بیا یعقوب لیث دصفاری کورنۍ مؤسس دخپلو جنګو په وخت کښې یو کال پکښې تیر کړ ، او په (۲۶۶هـ۹۷۶) کښې سبکتګین فتح کړ .

څنګه چه علاؤالدین جهانسوز دغزنوی کورنۍ سلطنت وران کړی، بست هم څه ور سره وران شو او د۸ هجری قرن په پای کښې دبست پاته برخه تیمور ورانه کړه ، او په (۱۷۳۸) دبست قلعه نادر افشار یسی ړنګه کړه . ددی پورته بیان څخه ښه تر امعلومیږی چه دا نکل ډیر زوړ دی .

هلبرانت و ایی چه په ریګ وډ کښې راغلی دی چه په ارا کوشیا کښې «قندهار» یوه قبیله وه چه «واسودیوا» نامی باچهی پر کوله ، او دی قبیلې ددغه باچا دزوی «سو داس» نامی ترمشر توب لاندې دفتوحاتو لمن تر اندس د سیند پوری ارته کړی وه ، اودسو داس جنګی کار نامی د نکل او افسانې پر ډول ویلې کیدلې ـ دریګ وډ په زمانه کښې لا چندانی و ګړی دخط اولیکلو سره اشنا نه وه ، څه واقعات چه وه ټوله د نکل او افسانې په جامه کښې نغښتی کیدل نو ښایی چه د انکل دی دهغو وختو وی ، او یا دی هغه سوداس وی او نو مونه دی دمذهب او اسلام په اثر اوښتی وی . ځکه چه عرب او دعربو لغات چه هر ځای ته ننوتلی دی دهغه ځای پر ادبیاتو ئې اغیزه کړې ده او اکثره نومونه ئې دعربی لغاتو په جامه ننوتلی دی

یوه بله خبره هم شته، هغه داده چه ودی شی چه همدغه نکل دی عینا همد غسی وی لکه چه دی یعنی دغه فتح خان دی وی او دشمس الدین سره دی دشپیتو کسو په کومك جنګ کړی وی ، منګر دپیڅو دمشرتوب په عنوان نه دباچا دزوی په عنوان، ځکه چه داسی ډیر پیښ شوی دی چه دیوه بسته قوم خان ولاړ شوې وی او پر بل قوم او وطن ئې یرغل وروړی وی، لکه صاحب جان، رووخان نورزی، داسی واقعات ډیر شوی دی او تاریخ نه دی نیولی ، داسی واقعات د افسانو په جامه کښې نغښتی دی بل دا چه اکثره راویان او نکلچیان د نکل په شروع کښې وایی چه یو باچاو، که باچاوی که نه وی، او دوی هم وایی چه پخواهر خان دخپل قوم باچا بلل کیدی، او لویی کلاوی به ئې در لودې .

---

(۱) او س هم د کشکنخود سره دزاړه ښار کنډه والی شته ، ما چه دهغه ځای د سپین ږیرو څخه ددغو کنډوالو پوښتنه کړې ده چه دادکم وخت او کم ښار و؟ دوی وایی چه دا دنوشیروان پای تخت و او دا ښار نو شیران جوړ کړی دی .　　«نوری»

په هر صورت زمونږ مطلب دادی چه زمونږ ځینی افسانی زړې دی چندانی تاریخ او زمانه ئې به ده معلومه او د ځینو افسانو تاریخ او زمانه څه نه څه معلومه ده، مثلاً لکه دادم خان او درخانۍ افسانه، خویشکیا راو شاتر ینی افسانه، قطب خان او نازو او دلی وشهو افسانې چه داخلور واړه افسانې د جلال الدین محمد اکبر مغولی (۹۵۰ هـ تر ۱۰۱٤) په باچهی کښې وې، یعنی ددی ټولو پهلوانانو افسانی او ددوی ژوند په یقینی ډول سره تر زرم هجری کال دمخه او تر (۹۵۰) وروسته یقینی دی ځکه چه ددوی په قصو او نارو کښې د هر ځله دا کبر باچا نوم یادیږی، او دهغه وخت د حکومت صوبه دار چه د کابل حاکم او محسن خان نومید دادم خان په افسانه کښې یادشوی دی، او محسن خان حقیقتاً دمغلو دامپراطورۍ له خوا د کابل حاکم وو (۱)

څرنګه چه ادم خان په پهلوانی او جنګیالی توب او درباب په وهلو سره مشهور روو، نو ځکه دده دغسی نور ځوانان هم خوښ وه، خویشکیا رچه اصلی نوم یار او د قندهار د ارغنداب د خویشکو د کلی و، او قطب خان دده مشهور ه یاران وه، او قطب خان دادمخان اخښی و، چه نازو نومی خورئې ورکړې وه، او بیا دادمخان مرېی بلو نامی پر مړ کړی؛ دادوه پهلوانان جلاجلا افسانې لری .

د بنادی او بیبو د افسانې زمانه هم نه ده معلومه، دو نه قدر معلو میږی چه سید معصوم د سید صفائی زوی متخلص په «نامی» سره چه د جلال الدین اکبر لوی سپه سالار او لوی مورخ و، او دهجری زرم کال په حدودو کښې قندهار او فراه ته راغلی دی پخپل کتاب «تحفهٔ معصومی» کښې لیکی چه زه په دی سفر کښې د بنادی او بیبو د چه دوه تنه رښتنی مینان په دلارام کښې یو ځای سره ښخ دی زیارت ته ورغلم نو که بنادی او بیبو دده وعصر ته نږدې مړه وای خامخا به ده اشاره ورته کړې وای، ځکه چه میر معصوم خو لوی مؤرخ او متجس سړې وو

ظریف خان او ما بی هم دقندهار د کشکنخود یاد فراه د چړاد کلی وه، عنعنه وائی چه ظریف خان د بنادی خان تر بورو، (۲) او د بنادی خان د افسانې ثبوت خو د زرم هجری کال په ‌دی خواو نه شو، نو ضرور دا افسانه هم تردغی زمانې لا پخواتېره شوې ده وایه کیږی چه ددی پهلوانانو د کلاو کنډوالی تر اوسه هم شته .

دمومن خان قبر که څه هم په قندهار کښې دملا صاحب داداخوند دغو نډۍ د کلی سره پریوه لوړه غونډۍ معارفی کیږی منګر زمانه او وخت ئې نه دی معلوم، فقط ددې افسانی

(۱) اخوند درویزه مشهوره مؤلف هم په دغه عصر کښې ژوندی و، او دمحسن خان صوبه دار نوم په خپل کتاب مخزن الاسلام کښې اخلی .

(۲) څرنګه چه دظریف خان او بنادی خان دنکل نارې پریوه وزن او یوه سوردی چندانی توپیر نه سره لری، نو بنایی چه دوی سره خپلوان او دیوه عصر وی . «نوری»

تازگی وفرحت اگر ازروح خودت جریان نکرده است آنگاه نشاطی حاصل نکردهٔ . «گویته»

په یوه ناره کښې ومغلوته اشاره کیږي . دمغلودوره خوتر زرم هجري کال دمخه او وروسته هم وه ـ دمومن خان په ټکل کښې وائي :

ځوانانو ننګ راباندې وکی ـ پلارمې مغل دی ماښا مار اره لیږینه

زمونږ ملي افسانې دادب دکورنۍ څخه دي یاد تاریخ غړي ګڼلي کیږي :

دمخه موهم وویل چه افسانې اوتاریخ چندانې توپیرنه سره لري که ئې ولري هم لکه خوراو ورور داسې بهٔوي ؛ هغه واقعه چه نېټه ئې صحیح معلومه اوپه پوره عنعنه یا دیوه مورخ له خوا دلیل په جامه کښې ونغښتله شي عیناً تاریخ ګڼله کیږي ، اوهغه واقعه چه نېټه ئې ښه نهٔوي معلومه اودلیل څخه دبانده پاته شوې وي اود خلکو په خولو کښې په عنعنه سره ویله کیږي البته افسانه بلله کیږي ځینې علما ټکلونه او روایات دروایي اشعارو په ډله کښې ګڼي او عیناً ئې دادب یومهم غړی بولي اوځینې علما ئې دتاریخ څانګه بولي

زمونږ ملي افسانې دوې برخې لري : یوه برخه ئې شرده چه ددوو پهلوانانو تور یالي توب اوموړانه ،غیرت،شجاعت یادووو مینو دمینې وقایع اودږو ندون حالات پکښې بیانیږي ، یا په بل عبارت دقصې وقایع ښئې ؛ اوبله برخه ئې نظم ده چه دمین اود مینې اونور وخلکو چه په دغه افسانه کښې شامل وی ناري او ددوی عرض وداد اوسوال وجواب په خاص ملي نظم اووزن سره راوړلي او ویلې کیږي دي نظم ته دپښتو او ټکلچیانو په اصطلاح دټکل ناري وائي چه دپښتو پر موسیقي اوغنائي سر باندې په لوړ اواز ویلې کیږي ددې نارو څخه زړه منو ټکي دطبیعت مظاهر لکه عشق خوشالتیا وصال اونورښه ترا څرګندیږي نوپه دې حیث زمونږ دملي افسانو لمړۍ برخه تاریخي اواصلي وقایع ګڼله کیږي اودوهمه برخه ئې عیناً زمونږ دملي ادب جوهر او دملي ادب زوړ اساس بلله کیږي ګویازمونږملي افسانې هم ادبي اوادب له کورنۍ څخه دي اوهم زمونږ دتیرو پهلوانانو او مینانو تاریخ یادتاریخ غړي یادیږي.

زمونږ دملي افسانو اقسام :

زمونږملي افسانې عموماً دمضمون له حیثه پردووبرخوویشلې اودوه قسمه دي:عشقي اوحماسي عشقي افسانې لکه دقلندرجان اومیراجان افسانه، دقطب خان اونازو افسانه، او دښادي اوبیبو افسانه ، په دې افسانو کښې خالص مینه او محبت ، و صال او بیلتون او نور پکښې بیانیږي حماسي قصې لکه دفتح خان بړیڅي افسانه،اودموسی خان وولیجان افسانه، په داسې افسانو کښې دپهلوانانو توره، مړانه،شجاعت، زړه ورتوب اونور پکښې ښوول کیږي، اوپه هرحال په دواړه قسمو کښې د هغومینو اوپهلوانانو افکار، دیانت، عفت، عقائد،پښتني، جذبات ، اوروحیات ، ملي دودونه اونورښه لیدل کیږي .

یو بل قسم افسانې هم شته چه ټول اساس ئې پر هول، بېره، هیبت اېښو شوی دی دډار او هول مناظر داسې رسموی چه یو پوره اوغښتلی تراژیدی لیکونکی ئې پېښې هم نه شی رسمولای لکه دزېږبانې اونوری افسانې؛ ځینې افسانې دی چه اروېدونکی ته خالص دعبرت درس ور کوی ځینې افسانې اروېدونکی پر علم اوفن او کمال تشویق کوی لکه دمسګر اونجار اونوری افسانې (۱)

لنډه داچه پر ته دهغو افسانو څخه چه نارې لرې چه هغه خاص رزمی اوبزمی ګڼلې کېږی نوری په سوو افسانې دی چه تقریباً هریوه جلا جلا درس او مضمون لری، داسې افسانې هم ډېری لروچه په هغو کښې دپیریانو، دیبانو اوجادوګرو اواسم ګرو اونور طلسماتو نه بیان شوی دی: مثلاً لکه دعربی اوانګلیسی دالادین اوڅراغ افسانه لکه چه عیناً همدغه دڅراغ افسانه په پښتو کښې هم شته چه دمضمون له حیثه هیڅ توپیر نه سره لری.

افسانه او محیط:

پښتانه وایی چه لکه غر هغسې ئې ګربونې، لکه محیط هغسې ئې سړی، یعنی څرنګه چه محیط وی هغسې ئې انسانان وی، اودهغه محیط اثر اواغېزه دهغه ځای داوسېدونکو په غړو اوپه طبیعت، او روحیاتو کښې کېږی، څرګنده ده چه دیوه ملت ادبیات اوافسانې ددوی دطبیعت، اورو حیاتو سره سم اوزېږېدونکی دی، دتودوملکو دوګړو په غړو کښې تل سستی اورخاوت وی، له دې لامله عزم اوثبات هم په دوی کښې چندانې نه ښکاری، تل په لټی اوبې فکری اخته وی، نه دکار مینه لری، اونه دسبا فکر کوی، ټول احساسات ئې سوځلی اومړه وی، ددوی لو یه خاصه بې داوی چه دوی یو ګړی په تماشو اومېلو اوبل ګړی به په غم لړلی اودګرمی په مدافعه باخته وی.

د سړو ملکو دوګړو هم تل ژوندون ګران او په ګړاواخته تل ئې اندېښنه دخپل ژوندن اودهغه شی په تلاش کښې وی چه ددوی دژوندون سره مرسته او کومک کوی، لکه تاوده اوګرم کالی، داستوګنې ځایونه اونور، په همدې سبب دداسې وګړومزاج تل سوړ او همېشه هېښ پېښ پاته، ټول حواس ئې وخپل ژوندون ته متوجه وی، دبلې خوادچرت او خبرو اتروڅخه لوېدلی وی.

دمعتدلو ملکو وګړی تل جوړ اوروغ وی، ځکه چه دمعتدلو ملکو په فصلو کښې د صحت خاصه اوروغتیا شته، نوله همدې لامله ددوی مزاج اوطبیعت اواحساسات هم ژوندی اوروغ وی.

---

(۱) وایی چه په پخوا وختو کښې یو مسګر اویونجار و. چه مسګر داسې داوسپنې ماهی تحت البحری غوندی جوړ کړی و، چه دریاب ته به ئې واچاوه، سړی به ئې په نس کښې و، ددریاب ټوله ماهیان اولوی نهنګان به ئې ښکار کول اووژل. اونجار داسې یوه طیاره غوندې صندوق جوړ کړی وچه هغه به الووت اودوه کسه ئې وړلای شو، په یوه ساعت کښې به ئې دلسو شپو مزل پرې کاوه، همدا افسانه مالیکلې اوپه پښتو ټولنه کښې شته. «محمد ګل نوری»

ج، صلاح الدین خان دمطبوعاتو مستقل رئیس

S. Ex.Salahoddin Khan Chef du département de la presse

دمطبوعاتو دمستقل ریاست

رئیس	:	ج ، صلاح الدین خان
مشاور	:	ع ، قاری عبدالله خان
«	:	« ، سرور خان گویا
«	:	« ، محمدامین خان خوگیانی
عضو (آرت)	:	« ، عبدالغفور خان برشنا

د نشریاتو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر	:	ع ، سید قاسم خان رښتیا
دلمړی څانگی مدیر	:	ص، عبدالرؤف خان بینوا
ددوهمی « «	:	« ، عبدالباقی خان لطیفی
دآژانس «	:	« ، عبدالنبی خان
« « لمړی معاون	:	« ، محمد محسن خان
« « دوهم «	:	« ، عبدالحلیم خان (عاطفی)
« راډیو مدیر	:	« ، محمدعثمانخان صدقی
« « معاون	:	« ، نجف علی خان
« « «	:	« ، سید بهاءالحق خان

د پښتو ټولنی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر	:	ع ، عبدالرحمن خان «پژواك»
معاون	:	« ، امین الله خان «زمریالی»
د « کفیل اودقواعدو مدیر	:	« ، صدیق الله خان «رښتین»
دپښتو ټولنی عمومی مبصر		
او دصحافت دڅانگی مدیر	:	« ، گل پاچاخان «الفت»
دداٸرةالمعارف مدیر	:	ص ، میاحسین خان
د لغاتو دمدیر کفیل	:	ص ، سید مسعود خان
دتالیف اوترجمې مدیر	:	« ، محمد گل خان «نوری»

نه د کهالت او سستۍ په غم لړلي وي ، او نه د سخت ژوندون او ګذارې په غم اخته وي ، بلکه فکر ئې تل سالم او د اجتماعي چرت او اوېزدو خبرو اترو خاوندان وي .

څرنګه چه د محیط مزاج او آب هوا دو ګړو پر مزاج اثر اچوي ، همدا رنګه پخپله د محیط اجزا یعنې دښت او بیدیا . غرو ، شیله او ساحل هم دو ګړو پر غړو او پر طبیعت او مزاج او احساساتو او فکر واثر او اغیزه کوي ، د دښت او بیدیا دو ګړتل پر خپل متهٔ تکیه او پر ځان ویسالري ، د دوی مزاج اکثره په جوي اوضاعو پوري اړه لري ، د دښت او بیدیا وګړي تل چست او چالاك او زړه وروي ، د غرو وګړي تل په ځان غره او د آزادي هوا او آزاد طبیعت خاوندان وي ، او د ځان او کور وکلي او د وطن په ساتنه کښې د هیڅ رنګه فدا کارۍ څخه ځان نه سپموي ، او تل د خپلو نیکه ګانو او پلرو عادات او اخلاق پالي ، او تل د بیکارۍ په وقت کښې د خپلو پلرنو او توریالی نیکه ګانو خبرې اواترې کوي ، او د دوی کارنامې او توریالي توب بیانوي د ساحل وګړي تل د خپلو تیر وملاحانو او غوټه وهونکو وګړو اوما نوګانو خبرې کوي ، د دریاب د څپو او باډا سکو بیان کوي (۱)

د پښتو پاك او سپېڅلي محیط خو افغانستان او څرنګه چه د جغرافیائي علماو په نیز افغانستان یو غرني ملك دی ، نو بالعموم د افغانستان او سیدونکو ته د غرو اوسید ونکي بایلو وایو ، دوی د خپلوا کۍ او آزادي طبیعت لري ، او تل خپلې اړې و ماندې پخپله پوره کوي د بل لاس او مرستې ته نه ګوري ، پر خپل نفس او ځان ټینګه ویسا لري ، خپله خپلوا کي او آزادي او خپل ملت خپل ملك او وطن تر ټولو پر ګران دي ، ځان پروژني ځان پر قربانوي ځان پر جاروي ، خپل مال او اولاد او ځان د ملت د خپلوا کۍ تر ساتلو پوري هیڅ نه بولي ، تل یو د بله وسیله او رحم لري ، خپل ورور ورور بولي، د دوی په مزاج کښې کلکوالي، سختوالي، توریالي توب، مړانه ، شجاعت او عفت اخښلي دي .

زمونږ د ملي افسانو خصوصیات او مزیات :

څرګنده ده چه زمونږ ملي افسانې ځانته خصوصیات او مزیات لري، یو له خصوصیاتو څخه دا خصوصیت او مزیت لري چه اوریدونکي په مطلقي اوریدو سره داسې په لړزا ولي چه ګمان نه کوم چه یو غښتلي تراژدي یا کمیدي ډرام دې پیښې وکړي ، پر اوریدونکي دونه اغیزه کوي چه د د ه نفسي او طبیعي جذبات داسې په شور راولي چه تر دې دې چه په حماسي برخه کښې دی و توري ته حمله کړي او پر دښمن دې بې درنګه حمله وکړي۔ یا دې په عشقي برخه کښې و لاړ شي۔ و دې ناڅي زمونږ د ملي افسانو هر بند او هر سطر و اوریدونکي ته یو پند او نصیحت او د عبرت ځای دی ، یوازې زمونږ د خپلو ملي افسانو

(۱) د دې پوره ته بیان «محیط او انسان محیط او ادب» دی د ع امین الله خان زمریالي مضمون په ۱۳۱۷ د کابل کلنۍ کښې و کتل شي ، د دې ښاغلي ادیب هلته په دې باره کښې ښه پوره توضیحات کړي دي .

صفت نه کوو ، بلکه د نوری دنیاویش خلک چه په دې افسانو کښې ځه لاس او تتبع لري هم د دې صفت کوي .

سي ، اي ، بېدولف انګليس وائي چه د پښتو ادبيات د پښتنو يوازنی داحساسا تو او عواطفو تاريخ ، او اخلاقو مظهر دی ، دا اشعار د ونه طبيعي او مؤثر دي چه پر اورېدونکي بې اختياره اغيزه کوي ، مثلاً که د جنګ بيان کوي نو دستي د اورېدونکي ستر ګې سرې او د ځايه بې ځايه شي ، د جنګ حسيات ئې په شور راشي . او په همغه ځای کښې چه د عشق بيان کوي د اورېدونکي پر عواطفو دونه اغېزه کوي او دونه ئې عواطف نری او رقيق کړي چه دده او سېلې او اوه او دده دزړه او عواطفو نمايندګي کوي دا ځکه چه د ونه لطيف او جنګيالي احساسات د هيڅ قوم په زړو کښې لکه د پښتون تبر چه دي ژوري ربښي نه دي ځغلولی . له دغو ادبياتو يو قسمت همدغه افسانې او د افسانو ناري دي .

بل خصوصيت او مزيت ئې دا دي چه د پښتو ژاړه او بخواني ژغونه او آوازونه ئې په خپل زړه کښې ساتلي او بېله کم تغير ځځه ئې کټ مټ لکه پخوا چه وه تر نن ورځې پورې رارسولي دي ، دا ژغونه او ناري د عربي او فارسي ، هندي ژغو او ناروسره هيڅ مشابهت نه لري ، و نور دليل ته حاجت نشته البته د پر و په ژمونږ د ملي افسانو ناري اروېدلي وي ، او يقين به ئې شوی وي چه دا پر عربي اوزانو نه برابر يږي ، د دې د ثبوت د پاره به مونږ لاندې يوه ودوې نمونې هم وليکو :

د فتح خان په نکل کښې د فتح خان پلار اسلم خان چه فتح خان د پلار بې صلاح په نيمه شپه کښې د کوچ نغاره وهنګوله مخ د هندوستان پر خواتلی پر فتح خان ناره کوي :

ځه کې ځه کې داهودی فتح خان ځه کې
پر نيمه شپه ئې نغارې وهنګولې - لويه خدايه خان پر کم لوري و اته کې .

ددې نارې لمړی مسری دوولس سپنه (ساېل) او خلير وينيت توری ده ، او دوهمه مسری ئې پنځوينيت سپنه او نه خاوينيت توری ده .

د جلات خان په نکل کښې شمايله ناره کوي :

که کراردی نن زماشوی کرار دی
ناسې کښېنې سپاهيو چه پر مخ يې د خوني زمري پرهار دی

د دې نارې لمړی مسری ۱۲ سپنه او ۲۲ توری ده ، او دوهمه مسری ئې شل سپنه او ۳۹ توری ده .

د ظريف خان په نکل کښې د ظريف خان مينه «مابی» دده په بېلتون کښې ناره کوي .

زده زده يم خلکو زده يم ، سينه کبابه پراور برته يم که ددې واری
په ظريف خان وی بسی مړه نه شوم ، تکه مې بولي حرامزاده يم
های های حرامزاده يم

دا ناره توله په يوه اواز په يوه ساپيوسنه ويله کيږي ، او توله يو بنده ده ، آخره جمله ئې تکرار کيږي - ګواکي لمړی مسری ئې ٤٤ سپنه او ۸۷ توری ده ، او اخره يعنی دوهمه مسری

چه د تکرار جمله ده ۷ سپږه او شپاړس توری ده.

دخویشکیار په نکل کښې شاتړینه دده محبوبه پرده ناره کوی:

خویشکیاره ته چه زما په غېږ کی ریږدی

د کرم لښکر که راغلی خویشکیاره ته به تر یلې مابه پرېږدي.

ددي ناري لمړۍ مسرۍ ۱۲ سپږه او دوهمه مسرۍ ئې ۲۰ سپږه ده - تاسی وګوری ددي پورته نارو لمړۍ مسرۍ دسپږ او تورو په نسبت ددوهمی مسرۍ سره څونه تفاوت لری. څرنګه چه د تورو او سپږ له حیثه تفاوت لری، دغونه د قطع او لحن او آواز، او اوږدوالی په نسبت هم یو د بله تفاوت لری - داهم ده چه دیوه نکل ناري توله دسپږ او تورو په تعداد کښې یورنګه نه دی بلکه ډېر تفاوت سره لری، هرسړی دغه دنکل ناري نه شی کولای څوچه نکلچی نه وی یائې اروېدلی نه وی. ایا په عروضی بحرو کښې څوك داسی بحر پیدا کولای شی، ماخوداسی بحر په دي کښې نه دی پیدا کړی دانو نه تو پیر سره لری لکه ځمکه واسمان!

زمونږ دملی افسانو بل مزیت دادی چه هغه اخلاق او عادات او پښتنی خصوصیات یعنی توره، مړانه، غیرت، زړه ورتوب، دیانت، ناموس داری، پښتنی مینه او محبت، وفا داری ورورګلوی، اتفاق او اتحاد، یووالی چه زمونږ تیرو پښتنو او پهلوانانو درلود زمونږ افسانې ئې بیانوی، او سنی پښتانه هغه اروی، او هغه اوصاف دځان خط مشی ګرزوی داسی عمل په کوي لکه دیوه زبردست ناصح په نصیحت، ددي دپاره به هم څو څو مثالونه اونمونې لاندی راوړو :-

هر کله چه شمس الدین دفتح خان په جنګ کښې مغلوب شو نوئې دفتح خان څخه دمتارکې درخواست وکړی، او فتح خان ئې یوازی دصلح او متارکې دامضاد پاره وروغوښت، او قسم ئې ورسره وکړی چه په تش لاس راشه زه په تاغرض نه کوم. فتح خان پر قسم ودرېدی ورغی - که څه هم کرمخان ورته وویل چه مځه په زیاته بیا په تش لاس او دا ناره ئې پروکړه:

فتح خانه باورمه کړه د مغل په کلامونه

دا موډېردی اروېدلی دمغل اول کلام پسی تیغونه

منګر فتح خان دخپلی پښتو په سبب ورغی او شمس الدین قسم مات کړی په چم ئی دفتح خان لاسونه وروتړل - کرمخان پسی خبر شو - ورغی توره ئې ورواخیستله برابر دشمس الدین په دربار یوازی ورننووت ناره ئې پروکړه:

نن می وچیچل د درده خپل بریتونه

د کرم ژوندون مشکل دی چه تړلی دفتح لالا لاسونه

بله ناره ئې پروکړه:

اوس به جوړ کم د مغلو پر سر ځلی

د مغل دغه سز اده چه تړلی فتح خان نازك لاسونه

هغه وچه بریتونه ئې په خوله چخ کړه توره ئې پسې لښته کړه د شمس الدین حاضر باش ئې په یوه ګوله تیت پترک کړه فتح خان ئې را ایله کړی .

داوګوری چه د فتح خان ټول یاران شهیدان شول، را بیا ورته ووېل چه اوس نو یواځی پاته شولی ځان تسلیم کړه . فتح خان څه جواب ورکوی :

که تیتی د ګوارو څانګې تیتی

یامی خوریی یامی موریی، څو ئې نه کړم پر دا سپینه سینه پښی

فتح خان په یو سر د بسته لښکر سره وجنګېدی څو په اوسترې کښې د پښتو پر ننګه دی هم شهید شو، او پخپله دښمن شمس الدین د ده پر ننګه او دده پر توریالی توب امناو کړه، او پس له مرګه ئې پر ده تصدیق وکړی او په لوړ اواز ئې ناره پروکړه :

فتح بریت دی د سروزرو په شپېلی کی

ته لایق د مرګی نه وی فتح خانه، ته لایق وې د ډیلی د باچهی

د موسی جان او ولیجان په نکل کښې چه موسی جان او ولی جان او میر ولی د سهېل په جنګ کښې مړه او شهیدان شول، نو سهېل د دوی کورته راغی غوښت ئې چه کونډه یانی ئې بوزی وئی کړی. تانو چه د ولیجان خوروه دی ئې په ډېر هنر او لیزمی کورته ننوست چه مېړه کوم دی ، وروسته ئې د کور په خونه کښې وسهېل ته توره او سپر کښېښوول دروازه ئې وتړل چه ونه تښتی نو ئې ناره پروکړه :

سهیلیه توره اخله راولاړ یېږه

سهیلیه د ښځی خیال را باندی مه کړه، سهیلیه ښځه نه یم مه شرمېږه

هغه وچه په ښځنی لاس ئې سهیلی او د ده ملګری ټوله ټکر ټکر کړه، نو تاسی وګوری ! تانو کولای شو چه سهیلی ئې پر کراره په زهر ووژلی وای، منګر په پښتنه وه، په ښکاره ئې سهیلی خبر کړی توره او سپر ئې ورته کښېښوول او په خپل پښتنی غیرت ئې مړ کړی . که دې غیرت او مړانی ته ځوک ځیر شی چه شپېته تنه ځوانان مسافر په هند کښې د بسته توانا لښکر سره په اتفاق او اتحاد و جنګېدل او دوی یو تربل جار یېدل او ځانونه ئې یو تربل جار کړه او ټول شهیدان شول او د دوی مړی لا و دښمن ته پاته نه شو . او تانو چه په داسی حال کښې وچه هېڅ نرګاډی ورپاته نه و، پرته له څو کونډه یانو او ناویانو څخه، دې په عین ضعف کښې خپل پښتنی غیرت د لاسه ایله نه کړې او خپل عفت ئې وساتی دا خالص مونږ ته د غیرت او مړانی او توری او پښتنګلوی درس دی. او مونږ ته دا راښیی چه باید په هیڅ حال کښې که څه هم بی وزلی او لږ یو خپل غیرت او پښتو د لاسه ونه باسو، او په نره توره خپل ژوندون وکړو او خپل ناموس او وطن وساتو ، او تل زړه ور او په اتفاق و اوسو، خوشحال خان توریالی هم دا وصیت کوی :

که اسمان دی د زمری په خوله کی ورکه

د زمری په خوله کی مه پرېږده همت

خوش آمدی و کلمات پر محبت ودوستانه درخانهٔ انسان خوب همیشه اظهار می شود.   « هندی »

ښادی اوبيبو داكازوی اولور سره كېدل، اودواړه په يوه كور كښې لوی شوی اور ښتنی مینه ئې دكو چنیوالی څخه په زړو كښې وه ـ یوه ورځ چه دواړه ځنګله ته په كوتو وكوبسی تللی وه، ښادی چه دبيبو مخ ته وكتل، ددی مینی ئی دزړه دصبرو دانی ورانه كړه خوله ئی ځنی وغوښتله، بيبو چه پښتنه نڼګيالی پيغله وه، اوخپل پښتنی پت اوننا موس ډير پر ګران و، په څه الفاظو ښادی خان ته جواب وركوی :

چه داښادی هلك ومايې تل او دې څری
اوس چه داښادی رالوی شونو دماغواړی خولګی

دلته مینه او پښتنواله سره راغله ! معلومه ده چه دپښتنوالی احساسات ترهر څه غالب دی، بيبو خوهم پر ښادی مینه وه منګر دلته دپښتنوالی اوپاك لمنی او خپل عفت اوپاكی په حجاب كښې وپېچله شوه، ځان ئې تسليم نه كړې. اوښادی خان هم ددې تاني اوبيغوری په سبب وطن پرېښو بل ولات ته ولاړ، دواړو دمينی او بيلتون سره لمبه پر ځانو قبوله كړه، اودپښتنوالی بيغور ئې قبول نه كړی، څو په اخر كښې دواړه پرڅه بهير مړه اوزهره چاودی شوی دی .

موسی خان اوګلمكی هم داكازوی اولور سره كېدل او دواړه سره مينان اويو دبله ئی زړونه سره بايللی وه، اوموروپلار دواړه په نكاح سره ور كړی وه ، هر كله چه موسی خان پر كور نه وو سهيلی ګلمكی په زوره بوتله ـ وګوری! چه ترمرګ ګلمكی وسهيلی ته تن ورنه كړې اونه دسهيلی لاس ځنی ومښت اوتر پايه په ئې داورته ويل :

كه توزن دی داسهيل دووس توزن دی
چه موسی پر دنياوينه سهيليه پر ما بل ميړه حرام دی

خو په پای كښې ددې هم دموسی خان پر قبر زهره وچاوده مړه شوله .

همدغه رنګه مومن خان اوشيرينو پلروپه نكاح سره وركړی اودوی همد كو چنيوالی رښتنی مينان وه ، چه دمومن اوشيرينو پلرونه مړه شول ،نوشيرينو خپل ورور چه زبردست خان نو ميده اودمومن خان دا كازوی كېدی ځنی وګرزوله په لاس ئې نه ور كوله : نوده دخپلوتربرو سره نه مرګ وكړی نه تپ ، سره له دی چه غښتلی پهلوان و، هندوستان ته ځنی ولاړ ،اودهندوستان دتګ په وخت كښې څه سوال وجواب سره كوی ؟: ـ

شيرينو : تاد سفرموزی په پښو كړې
دژ يړو ګلو باغ پرچا سپارې مينه

مومن : ماد سفر موزی په پښو كړې
دژ يړو ګلوباغ پر خدای سپارم مينه

شيرينو : د هندوستان ولور ته مځه
دهندوستان نجونی لولی بند به دی كينه

مومن : د هندوستان ولور ته ځمه
دهندوستان نجونی زماخوندی مندی دينه

شيرينو : مؤمنه ځه الله دی مل شه
زه شنكی خال اوزلفی تالره ساتمه

» : مسافری په جمع زړه كه
خولګی می ستاده كه زه خاوری شم مينه

هغه وچه مومن خان هندوستان ته ولاړ ، او هلته ئې د مغلو په سلطنت کښې یوه توره او مړانه وکړه او د مغلو باچا خپله لور دده د مړانی په عوض کښې ده ته ور کړه ، اوده تر پایه لاس ور نه وړ اونه ئې د هندوستا ن وبلی ښځی ته و کتل دواړو تر مرګه خپل پت او ښځینواله او وفا وساتله، او خپل عهد ئې مات نه کړ په خپله پښتو اوقول ټینګ ودریدل .

همدغه رنګه جلات خان او شمایله چه شمایله ئې محبوبه وه ، او په بلخ کښې د ملامیر و په مسجد کښې طالب و ، د ملامیر لور حجری ته ورغله چه زه دی کوم پرتامینه یم ، منګر دی د مخه لا خبر ووچه دار الحی نو یې سر په لاری کښې ورته وتاړه چه زه پاك یم بوی می ځی، په دی چم د ښځینوالی عفت او غیرت خوندی کړ او د بدو څخه ئې ځان وژغوری .

شهو چه د دلی محبوبه وه ، او مین ئې ا کبر باچا بندی کړی وو ، شهو پسی ولاړه ، غو ښت ئې چه خپل مین را خلاص کړی یا داهم ورسره مړه شی ـ هر کله چه دا په سیند کښې په کښتۍ کښې کښیناستله دا خو ډیره ښایسته وه او په تورسترګی مشهوره وه ، د کښتۍ وان خو ښه شواه، کښتۍ ئې د ګدر څخه چپه کړله زړه ئې وچه و ئې ښتوی ـ شهو په پوه شوله ، وګوری ! شهو د لاس وښی او با هو ګا ن په نرمی سره ور کړه او کښتۍ وان ته ئې وویل چه دغه د لاس باهومی و ا خله ز ه ښځینه یم چپ نظر له منځه وباسه کښتۍ چپه مه بیایه :

کښتې وانه کښتۍ سمه پر ګدر باسه
دا د لاس باهومی واخله کښتۍ وانه چپ نظر له منځه باسه

پانهو د علی بیګ مینه او محبوبه وه ، علی بیګ هندوستان ته په تجارت پسی تللی و ، معصوم خان چه د هغه وطن مشر او خان و . څوك وایی باچا و ، شا پانهو ئې لیدلی او خوښه شوې وه غوښت ئې چه په غیر مشروع لار سره ئې کورته بوزی ، منګر دا ځلمی ښځینه وه ، څو محمر ئې معصوم خان په بهانو او پلمو غولاوه ، ځان ئې ساتی او په علی بیګ پسی ئې خطونه او حالونه استول چه ژر راشه :

علی بیګه تا ته استوم حالونه
که په دې میاشت کښې رانه غلی معصوم خان دی په باغ ګلوایسته مالونه
علی بیګه تاته استوم چټی
که په دې میاشت کښې رانه غلې تور د کن لره به درسمه بندی

څو هغه وچه علی بیګ وځنډیدی تر خپلی مدې واوښت ، معصوم خان زور ورسره کاوه شا پانهو مجبوره شوله بهانه او پلمه هم پرو دریدله ـ معصوم خان ئې په هنر کورته نوست او پانهو ښځینې داسی کار ورسره وکړې لکه تانو ښځینې چه د سهیلی سره وکړې تکر تکر ئې کړې .

مابیۍ د ظریف خان مینه وه ، دواړو د خپلی ښځینوالی او خپل عفت او ناموس داری د ساتلو

دپاره د خدری چه دظریف اکاو، څه خوارۍ پرڅانو تیری کړلې؟ او سپینه مابې زده بوډۍ شوله دظریف خان پرپټ ناسته وه.

گل بشره چه دملاعباس چه متخلص په طالب جان سره و. مینه ئې وه، تاسی ددوی قصه واروی اووئې گوری چه دوی دپښتنو دپښتنګلوۍ په ساتنه کښې څه شاه کارۍ کړی دی او څه دبلېتا نه غمونه ئې پرځانو په دې باره کښې وړی دی؟

دقطب خان اوناز ونکل اودخویشکیار اوشاترینی نکل به هم ځینو اروېدلی وی، دادم خان نکل خو هرچا اروېدلی دی. اودقلندر اومیرا نکل چه دا دواړه دحمید ماشو خیل په وخت کښې وه (۱) البته چاو چا به اروېدلی وی یا به ئې نه وی اروېدلی، داافسانه دملگرتیا او صدا قت له حیثه دونه دپښتنو په طبیعت کښې مو ثره ده چه په مطلقې اروېدو سره داروېدونکی په سترگو کښې اوښکی دمرغلرو پشان څرگندیږی، دادوه رښتنی ملگری او صادقان دواړه یو دبل په جدایی کښې زهره چاودی اومړه دی. دقلندر دمیرا په جدایی او بېلتانه کښې ډېری ژړاغځه دستر گو سپین شنه اوپسی ړوندشوی دی. قلندرلوی زبر دست ادیب هم وچه یولوی دیوان ئې اوس هم په پښتو ټولنه کښې شته، په دیوان کښې قلندر دهری غزلی په اوستری بیت کښې دخپل نامه سره دمیرانوم سم یادوی. لکه افسانه چه ئې مؤثره ده دیوان ئې هم دغسی مؤثر دی اودمینې اومحبت په جامه کښې نغښتی دی؛ دلته به دديوان دړباعیاتو اودافسانې یوه ودوې نارې هم راوړو:

د نکل ناره

که راشه راشه د لبره راشه زه دی غلام یم ته می اغاشه
یاردی پر شوخو سترگو مېن کړم بیا راته وایې د ما جلا شه

د دیوان رباعی

نصیب راو کړې چار نا پسندی دسیند پرغاړه مړشوم له تندی
که هند له تللی میرا می راشی هله به وایم نصیبه رندئې

د نکل ناره

که اوردی اوردی هجرانه اوردی زه قلندریم پکښې می کور دی
د اورپه سونگ وی دچار رضاشی رضامی نه ده راباندی زور دی

د دیوان رباعی

سهار سبا شو پتېږی ستوری خبر رانه غی دیار د لوری
قاصده ورشه خبر ئې راوړه پسی می سپین شول دستر گو توری

(۱) فضل دسبحان پر قلندر دشعر وشو د اواړه سبب فصیح بلیغ ودماشو

د نکل ناره

که سپینی سپینی سپوږ مۍ سپینی — احوال می یوسه دیارتر مینی
پر میرا جان می سلام ووایه — قلندر خوری وا د زړګی وینی

لنده داچه دا افسانې ګرده ما ټولی کړی‌دی-د فتح‌خان ورا بیا-جلات‌خان و شمایله-موسی خان او ولیجان-ښادی اوبیبو-مؤمن‌خان او شیرینو افسانې دملی هنداری په‌لمړی جلد کښې چاپ اوطبع شوی دی که‌حاجت‌وی هلته دی وکتلی‌شی-اودا نوری افسانې لکه دطالب جان افسانه-دلی اوشهو،قطب‌خان او نازو-خویشکیاراوشاترینه-قلندر اومیرا،ظریف‌خان اوما بی‌ علی‌بیګ‌اوپانړواوخه نوری افسانې می دملی هنداری د دوهم جلدپه عنوان جمع او لیکلی دی اووطبع ته اماده دی‌که خدای کول ژردی چه‌چاپ‌دی شی .

داوه یوه لنده کتنه‌چه زمونږپرملی افسانو وشوه. زما په‌عقیده خوزمونږ ملی افسانې دملت هنداره‌ده، زمونږملی خواص اوعواطف‌اومشاعرپه‌دوی کښې پټ دی، که خدای کول ژر دی چه دایټی خزانې ورووروالخی شی !!! (۱)

کابل : پښتوټولنه - ۱۵ حمل ۱۳۲۲

محمدګل نوری دپښتو ټولنی دتالیف اوترجمې مدیر

---

(۱) ددې مقالې ماخذونه: کابل کالنی ۱۳۱۶،۱۳۱۷ دښاغلی زمریالی مضمون-دکابل ۱۱۱ مجله زماخپل مضمون-لمړی جلدپښتانه شعرا دښاغلی حبیبی-ملی هنداره لمړی اودوهم جلد زما خپل تالیف، اصول التربیة وفن التدریس دمصر طبع ۱۳۴۷-۱۹۲۸-محینی زماخپل یادداشتونه-د آریانا مجله ۲ شماره ۱۳۲۲

مهمترین اختراعات جدیده

بناغلی میرعلی اصغر « شعاع »

دانشمند معروف پاستور گفته بود : یگانه چیزیکه تلخی‌های زندگانی را ازبین میبرد وحیات پر مرارت را به‌زندگی باحلاوت مبدل میسازد اول کار و قبول زحمت، سپس کشفیات و اختراعات علمیست . واقعاً نظریهٔ این عالم زبردست خیلی صحیح و کاملاً حقیقت دارد . اگر کشفیاتی که درلابراتوارهای متنوعهٔ دول عالم صورت میگیرد همه عملی گردند و ساحهٔ استفاده از آنها جنبهٔ عمومیت حاصل كنند آن وقت ملیونها نفوس بشر ازبلای فقر وفاقه نجات یافته وبیکاری بکلی از بین برداشته خواهد شد مگر دراثر موانع ومشکلات مهمه بشر نمیتواند جمیع ابتکارات واختراعات خودرا لباس عمل بپوشاند.

بناغلی میرعلی اصغر « شعاع »

اگرچه درادوار مختلفهٔ حیات یك سلسله علماء ومخترعین نام آوری قدعلم نموده وبه‌نسبت عرق ریزیها وزحمات شباروزی خود ها بسا آلام ومشکلات ابناء نوع را ازبین برده اند ولی شاید قرن بیست وبالاخص این دوسه سال اخیر ازحیث تعدد کشفیات وتوجه‌مزید علماء دراین باره برازندگی مخصوصی داشته باشد . امروز متخصصین علوم دردول محارب وغیر آن بلا انقطاع مصروف تتبعات و کشفیات علمی بوده مخترعات حربی وغیر حربی آماده میکنند وبهرصورتی که ممکن باشد میکوشند تااحتیاجات خودرا نسبت به دیگران مخصوصاً رقباء برطرف سازند ودر عین حال از آنها فوقیت وبرتری هم حاصل نمایند .

داکتر چارلس ستاین Dr.Charles Stine معاون کمپنی معروف(دوپونت دی نیمورس) سال ۱۹٤۲ را بنام (سال اختراعات) یاد نموده ودر هنگام افتتاح جلسهٔ عمومی انجمن کیمیاوی امریکائی راجع به اختراعات در این سال چنین شرح داد : « در سر تاسر

اضلاع متحده کیمیا دانها و علماء مصروف تحقیقات مزید سا ینسی بوده ودر هر یك لابراتور به تعداد هزار نفر متخصص کیمیا جهت کشف چیز های جدید مصروفیت دارند فعا لیت های علمی آنها بدرجهٔ شدید ومؤثر است که اینك مکتشفات ۱۹۴۰ در جنب آن کهنه و قدیمی دانسته میشود . اومیگوید ا گر مجبوریت های حربی رونمیداد ووضعیت محار به فشاری بر دول وارد نمیکرد البته اینهمه اختراعات چند ماهه بایست درخلال یك قرن کامل ظهور می نمودند. امروزهمه میکوشند وادوات مدهشهٔ تخریبی وانهدامی بروی کار میآورند ولی فردامکتشفات خود هارا به ترمیم واصلاح تخریبات امروزه منحصر میسازند . »

وزارت حربیهٔ بر طانیه در این نزدیکیها چنین اعلان نمود که در هنگام صلح تعداد اختراعات سالانه بین ۱۰۰۰ و ۴۰۰۰ بالغ میشود مگر تنها در ۱۹۴۱ اندازهٔ مقترحات به (۳۴۵۴۰) عدد بالغ گردید وامروز بصورت عمومی ازطرف اشخاص ماهانه ۲۰۰۰ اقتراح علمی صورت میگیرد مگر همهٔ آنها قابلیت عملی شدن را نداشته وعلماء متبحر بعد از غور و تحقیق تمام از آنها انتخابات می نمایند .

دول محور نیز درابن زمینه قدمهای متین وسریعی بردا شته وخاصتاً ساینس حربی آنها پیشرفت شایانی نموده است . در تانك ها،طیاره ها ، جهاز ها و تحت‌البحریها ابتکارات عجیبی نموده وتاحد ممکن ساحهٔ فعالیت های علمی خودرا توسعه داده اند . کنون خبر بعضی از مهمترین و جدید ترین مخترعات دول مختلفهٔ عا لم را از منابع متعدده تحصیل نموده واینك جهت مزید اطلاع قارئین محترم با کمال ایجاز واختصارعرضه میداریم .

جهازجنگی فضائی

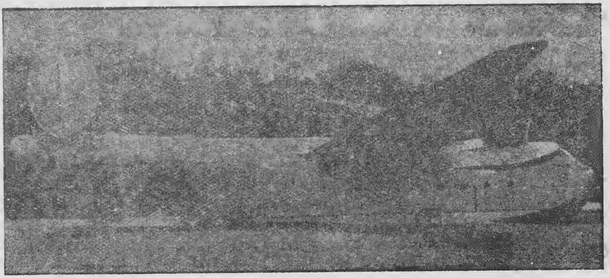

طیارهٔ بمب افگن نوع جدید مارتن‌مارس که‌قوای بحری امریکا آن‌رابنام (جهازجنگی‌فضائی)

وقت خودرا برای اصلاح نفس خود ذریعهٔ مطالعهٔ آثار دیگران صرف کن و علم را بر مال ترجیح بده . (سقراط)

دتاریخ عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، احمدعلی خان کهزاد
اعضاء : « ، سرورخان گویا (دریاست ادبی مشاور)
« : « ، میر غلام محمد خان غبار
« : ص ، علی احمد خان نعیمی
« : « ، محمد نبی خان کهزاد
« : « ، میر غلام حامد خان
« : « ، محمد ابراهیم خان خلیل

د مطابع عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، احمدالله خان کریمی
اداری معاون : « ، غلام جیلانی خان اعظمی
فنی معاون : ص ، محمدنوری افندی
دتصحیح دشعبی کفیل : « ، شیراحمدخان
داجرائیې مامور : « ، عبدالوکیل خان
د کنترول « : « ، غلام حیدرخان
دطباعتی « : « ، محمدشریف خان
د تخنیکی « : « ، فضل احمدخان
دپانړوځای « : « ، نورالحق خان

اداری څانګې :

داجرائیې اومامورینو مدیر : ص ، میرامین‌الدین خان «انصاری»
د کنترول مامور : « ، محمد نعیم خان
د اوراقو « : . . . . . .
د کتابخانې « : « ، غلام جان خان

از ریختن اشکهائی که درحیات ازچشم مصیبت رسیدگان ما نع شدهٔ این اشکها درمرگ تو فرو خواهند ریخت «آ،رودیرش»

یادمیکند ازجملهٔ بزرگترین کشتی های طیاراست که تابحال ساخته شده . در اگست ـ ۱۹۴۰ چوکات واساس جهاز مذکور تحت نظارت بحریه امریکا نهاده شد . درجولائی ۱۹۴۱ بالهای آن بوزن ۲۰۰۰۰ پاوند دربدنهٔ جهاز نصب گردید . در ۸ سپتامبر برای ۵ روز تجربه پروازامتحانی آن با گذاردن نصف یك ملیون پاوند وزن بربالهای آن صورت گرفت واینك در ۱۹۴۲ از آن عملاً درمیدانهای جنگ استفاده نمودند. طول این طیاره ۱۷۰ فت وعرض بالها ازیك گوشهٔ الی گوشهٔ دیگر ۲۰۰ فت و اگر طیاره به دم ایستاده شود بالهای آن اززمین برابر یك عمارت بیست منزله بلند خواهد بود . عملهٔ آن میتوانند که در وسط بال آن قدم زده وهوا خوری نمایند . انجن آن دارای ۸۰۰۰ قوهٔ اسپ بوده و برعلاوهٔ اطاق افسران اطاق جداگانهٔ برای تفریح وتنفس درآن تهیه شده وموضع میز افسر بزرگ درحصهٔ بینی طیاره میباشد واو برعلاوه اطاق جداگانهٔ هم برای خود دارد . دربین بدنهٔ طیاره دو اطاق طعام خوری ، دوحمام شاور دار بنظر می آید عملهٔ آن از ۱۱ نفر مرکب میباشد . این طیاره (۱۵۰) عسکر را با لوازم واسلحهٔ آنها انتقال داده میتواند . طیارهٔ مذکور باخود موتور بوت ها داشته و عسکر بایسکل دار با توپهای سبك وتوپهای ضد تانك بواسطهٔ آن مسافرت میتوانند این جهاز قادر است که از امریکا به اروپا پرواز نموده و درحالیکه در راه هیچ توقف نکند پس به امریکا مراجعت نماید .

تعیین طیاره درعقب پردهٔ دمه وغبار

ارونگ ولف امریکائی آلهٔ بسیار دقیق وحساسی اختراع نموده است که ذریعهٔ آن طیارات حمله آوررا از فاصله خیلی دور معلوم میکند این آله در مقابل شعاع سرخ شدیدالتأثیر است ، شعاع مذکور از محرك وانبوب طیاره تابش میکند واگر چه خواص آن مانند خواص اشعهٔ مرئیست ولی امواج آن طویل بوده وچشم آن را دیده نمیتواند . چون این شعاع غبار ودمه را میشکافد لذا بذریعهٔ آلهٔ جدیده معلوم شده ودر نتیجه موقعیت طیاره در فضا تعیین میگردد .

قیمت و اهمیت انسانرا فوری مورد موا خذه قرار مده زیرا در بالا امواج متحرك دیده میشوند ومروارید درعمق یافت میشود . «اوتوفون لایکسنر»

حرارت در ۶۰ درجه تحت صفر

بعضا هوا با زان بمقامات بسیار بلندی پرواز میکنند وبرای اینکه درمقامات موصوفه سردی فوق العاده آنهارا تکلیف ندهد لباس چرمی وپوست گوسفند دربرمی نمایند . دریناواخر طوری که درین فوتو ملاحظه می نمائید لباس مذکور را ذریعهٔ جریان برق وحرارت آن گرم نگاه داشته ودر نتیجهٔ حرارت بدن را طوریکه لازم است حفظ میکنند. ازخصوصیات لباس مذکور یکی آنست که وزن آن نسبت به لباس معمولی بسیار کم فرق داشته ومانع فعالیت هوابازان هم نمیگردد. این لباس درسردی ۶۰ درجه تحت صفر (میزان الحرارهٔ فارنهیت) پوشندهٔ خودرا گرم میسازد .

طریقهٔ جدیده برای گل کردن

بمب های محترقه

سرکردهٔ بتالیون اطفائیهٔ لاس انجیلس به اسم جیمس ال دانکس بجهت گل کردن بمب های آتش افروز مگنیشیم دار ابتکار خوبی نموده وصرف در مدت نیم دقیقه میتواند که شعلهٔ بمب راسرد وخاموش گرداند . کلاه مخروطی شکلی که دراین فوتو ملاحظه میشود آب رابر روی آتش افگنده وآن راخاموش میسازد ودرعین حال اشتعال مگنشیم رامانع میگردد .

طیارهٔ بدون پروانه

در ایطالیا جدیداً طیارهٔ ساخته اند که به‌اسم (سی،سی نمبر ۲) یاد میشود . در این طیاره برای دونفر پشت هم‌موضع تهیه کرده‌اند بالهای آ ن پست بوده و یکشاه‌پردر پشت‌آن نصب‌نموده اند. این طیاره دارای خصوصیات دیگر ی هم بوده ووزن آن‌به (۱۱۰۰) پا و ند بالغ میگر د د . هنو ز راجع به‌پرواز آن‌پر ش های امتحا نی بعمل می آ ید سر عت‌رفتار آن‌فی‌ساعت ۱۳۰ میل‌است‌ومو تور آن‌راطوری ساخته‌اند که بدون پروانه‌بحر کت افتیده وقوهٔ‌پیش راندن در آن‌تولید میشودودر نتیجه طیاره بهوا بر می آید.

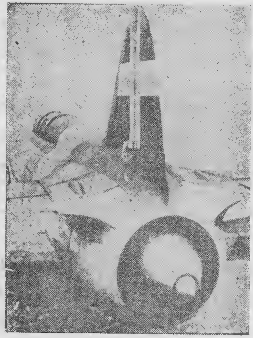

تانک‌های جدید مواد سوخت

دراین اواخر تانکهای موادسوخت طیاره را ازمشتقات رابرو پلیو فورم که‌نسبت به تانک های الو مینمی در مقا بل گلوله مقاومت میتوانند اختراع نموده اند . دراین فوتو اثرات گلولهٔ ماشین‌گن را در تانك الومینمی بطرف چپ وتانك جدیدجانب راست ملاحظه مینمائید . این تانك در هنگام فیر مشتعل نمیشود ودر وقت بار کر دن و بر داشتن صدمه واذیتی به‌آن نمیرسد .

تحت‌البحری دو نفری

جدیداً درجاپان تحت‌البحری عجیب دونفری اختراع نمو ده اند که خیلی مو رد انتر ست قوای بحر ی قرار‌یافته‌است . این تحت البحری درعمق آب فرو نمیرود بلکه بفاصلهٔ خیلی کم

ازسطح آب حرکت میکند سرعت رفتار آن فی ساعت ۲۴ نات (میل مخصوص بحری) بوده وجاپانیها مخصوصا درمحاربات بحرالکاهل و پرل هاربر از آن استفاده نموده اند .

کشتی جدید نجات

وزارت بحری انگلستان در ین او اخر اعلان نمود که برای نجات اشخاص و عملهٔ جهاز هائیکه مورد تعرض تارپید وی تحت البحری قرار می یابند کشتی نجاتی اختراع شده است این کشتی باموتورهای پترولی مجهز بوده وبرای ۳۳ ساعت پترول باخود داشته ومیتواند که دراین مدت فاصلهٔ ۲۰۰ میل راطی نماید . خصوصیات دیگر این کشتی تابحال معلوم نبوده واز همه آله های نجات فوقیت دارد .

آدم فایر پروف

برای عملهٔ اطفائیه وآنهائیکه جهت نجات اشخاص وسامان باید ازمیان آتش عبور کنند یك نوع لباس مخصوصی برنگ خاکی ازپنبهٔ سنگی اختراع نموده اند این لباس تمام وجود را پوشانده وآتش آنرا سوختانده نمیتواند. برعلاوه لباس مذکور خیلی سبك بوده وتمام اعضای بدن را احاطه مینماید و دارای کلاه مخصوصی میباشد که در موقع ضرورت روی انسان را هم پوشانده و بحیث خود کارمیدهد .

تفنگ جدید استرالیائی

در استرالیا تفنگی اختراع نموده اند که بهاسم (اون گن) یادشده وازجملهٔ بهترین ماشین گن های سبك بشمار میرود . این ماشین گن ازشانه ویا تهیگاه فیر کرده و درسه لحظه سی قطار کارتوس ازخود بیرون میکند. وزن آن $10\frac{1}{2}$ پاوند است و بصورت اتوماتیکی وباحرکت ماشه فیر میشود . مخترع آن جوان ۲۷ ساله است به اسم ایویلن اون .

لوکوموتیف ضدآتش

برای گل کردن آتش‌ها وحریق انجن‌مخصوصی در راه ریل تهیه کرده‌اند که بذریعهٔ آن چندین واگون به استقامت راه ریل حرکت نموده ودر هر واگون تانکهائی به گنجائش و ظرفیت ۲۲۰۰ گیلن آب تهیه نموده اند.

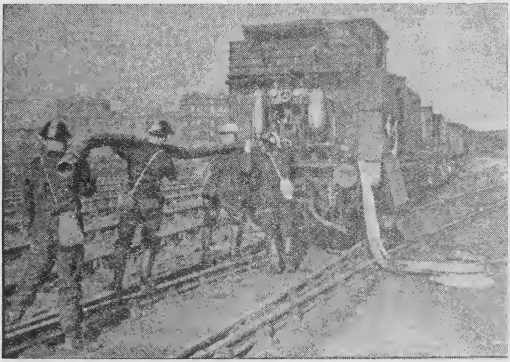

در صورت وقوع حریق باسرعت هرچه تمامتری از آن استفاده نموده ودر هنگام بجریان افتیدن انجن لولهٔ آب داخل تانکها شده وبه این ذریعه در اطفای آتش میکوشند .

درفوتوی فوق‌لوکوموتیف مذکوررا بالوله‌های آب آن ملاحظه می‌نمائید .

گراموفون های جنگی مخفی

در برطانیه آلهٔ اختراع نموده اند به اسم سنکروفون که یکی ازمخترعات مهمهٔ جنگ امروزی بشمار میرود ساختمان آن بدرجه‌ سری‌است که‌حتی صانعین ریکارد های گراموفون باوجودی که در ساختن آن سهم بزرگی دارند از مشاهدهٔ پرزه ها و یافوتوی آنها محروم بوده وهم چنان عکاسان ومصورینی که درامور آن مداخلیت دارند مجاز نیستند تا آواز ریکارد آلهٔ مذکور را بشنوند . سنکروفون برای تعلیم بعضی از اشخاص معین مورد استفاده قرار داده شده ودراثر مساعی یك انجنیر ، متخصص ریکارد گیری ، وعکاسی‌تهیه شده و از فلم بهتر میباشد چه‌در اثنای‌روشنی روزهم نشان داده میشود . هنوز وقت آن نرسیده تادربارهٔ خصوصیات سنکروفون معلومات بیشتری داده شود. امروز صنعت ریکارد گیری

گراموفون در برطانیه بمسائل حربی وپیشرفت امور جنگ بیشتر تعلق دارد . چنانچه فعلا تعلیمات قوای هوائی اغلبا ذریعهٔ ریکارد گراموفون صورت میگیرد . مثلا قبل از پرواز صدای طیاره را ذریعهٔ ریکارد بگوش هوا بازان آشنامیسازند وهم چنان ازآوازماشین گن ، صدای گلوله های توپ به قطرهای مختلف وبسا آوازهای عسکری دیگرریکارد ها تهیه نموده وبه این طریق متعلمین هوابازی را درس میدهند .

ماشین‌های دستی برای محافظهٔ مجروحین

برای بهوش آوردن وتنفس دادن مصنوعی اشخاصیکه درمیدان جنگ بەنسبت حملات هوائی بیهوش شده وتنفس آنها بند گردیده باشد آلهٔ دستی اختراع نموده اند . حجم وشکل این ماشین به گراموفون بیشتر شباهت داشته و وزن آن به‌سی پاو بالغ میگردد . در داخل آن از ریگ صحرای لیبیا استفاده نموده و آن را طوری ساخته اند که حشرات وحیوانات موذی دران داخل‌شده نمیتواند . درهوای گرم این ماشین‌برای اشخاص‌بیهوش فوائد زیادی رسانده واندازهٔ تبخیر وجود آنها را معلوم میکند . فعلا یك‌تعداد زیادی ازاین ماشین دربین دسته های متعرض و مدافع قوای فضائی توزیع شده است .

هم‌ماسك وهم‌لودسپیکر

یکی‌ازعلمای هنگری ماسك‌ضدغازی‌اختراع نموده‌است که دارای‌یك مکروفون میباشد ولودسپیکری‌هم به‌آن

مربوط‌است‌افسرعسکرد رهنگام‌تعرض‌فضائی‌وحمله‌ذریعهٔ غاز زهر دار در حالیکه بچهرهٔ خودماسك‌مذکوررا پوشیده است‌میتواند به‌عسکراو امرلازمه صادرنماید . عکس‌بالاماسك‌مذکوررابامکروفون ولودسپیکر نشان‌میدهد.

با گستاخی ، دیده در ائی ، استهزاء وتمسخر خود نجیب تر ین دارائی همجنسان خود را نابود مکن . «کینگس لی»

اختراع مخوف حربی

درین تصویر آلهٔ جدیدهٔ آتش افروزی را ملاحظه می‌نمائید که به‌عوض بمب های محترقه بکار میرود بقسمی که صفحهٔ کوچك فلزی آن خاصیت وقوای احتراقیهٔ شدیدی دارد واطراف آنرا

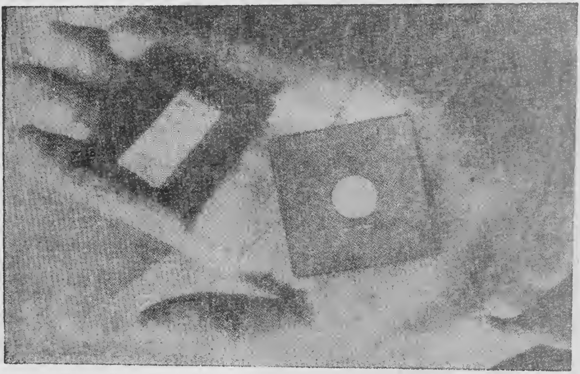

یك نوع پشم مخصوص فراگرفته است صفحهٔ فلزی چون تحت تاثیر اکسیجن وشعاع آفتاب واقع میشود مشتعل میگردد آتشی که به‌ذریعهٔ آن روشن‌میشود بزودی خاموش‌نشده ونسبت به‌بمب های محترقهٔ معروف تاثیر آن شدیدتر است .

مدهشترین بمب دنیا

لیستر بالو مخترع معروف امریکا ومتخصص بمب‌سازی آن‌دولت در اطراف ساختمان یك نوع بمب‌جدید مصروف تحقیقات میباشد طوری که گفته‌اند بمب‌جدید بارلو به‌اندازهٔ ربع یك‌میل مساحت راتحت نفوذ قرارداده وتمام‌محتویات وموجودات زندهٔ آن‌محل‌راازبین میبرد .

تارپیدو از انسان

یکی ازمخترعین‌نام آور جاپان‌تارپیدوئی اختراع نموده که یك حصهٔ مهم آن انسان دانسته‌میشود درپیش روی‌این تارپیدو یك انسان برای خود موقع‌میگیرد وماشین‌مرگ آور خودرا بطرف‌هدف درمیان آب

چه اندیشهٔ هولنا کیست حیاتی‌را تلخ ساختن اگر میدا نستید قطرهٔ سرشک چه چیزیست بخود میلرزیدید .
« ایمرمان »

بحرکت می آورد. چون تارپیدو بهدف اصابت میکند انسان نیز پارچه پارچه شده‌وازبین‌میرود .
هنوز خصوصیات دیگر این اختراع معلوم نیست ،

تایرهای فولادی

چون‌دراثر وضعیت حربی‌تهیهٔ تایرهای بادی‌مشکلات داردبنابرآن در برطانیه برای امور کشاورزی تایرهای فولادی‌به‌قطر۳ فت که‌روی آن‌را به‌عرض ٦- انچ رابر پوشانده است ایجادنمودند .بذریعهٔ نصب فنرهای مارپیچ درحدود میلهٔ تایر های مذکور ازوقوع تکانها هم جلوگیری نموده‌اند. تایرهاي مذکور درامورزراعت اینک مورد استفادهٔ دها قین قرار یافته وسرعت رفتار آنهافی‌ساعت از ۱۰ الی ۱۵ میل میباشد .

معلوم نمودن‌طوفان هوائی ذریعهٔ رادیو

دردارالفنون فلوریدا‌راجع‌به‌طوفان های هوائی که‌درمدار انقلابی رومیدهد تحقیقات علمی نموده‌و بالاخره‌به‌این‌نتیجه‌رسیده‌اند که‌اگرطوفان‌فضائی موجب‌رعدوبرق گردد ستیشن‌های آخذهٔ رادیو به‌اصول‌جدیدهٔ که‌تعین نموده‌اند میتوانند موقعیت‌حدوث طوفان رامعلوم کرده وهم چنان اندازهٔ‌سرعت‌وسمت حرکت آن‌رامشخص کنند.اگرطریقه جدید آنهاعمومیت حاصل نماید آن‌وقت ستیشن‌های رادیوی خودرا بصورت بهتری ازصدمهٔ رعدوبرق حفظ‌خواهند نمود .

حمام متحرك

درین اواخر انجمن امریکائی موسوم به (انجمن اعانهٔ جنگ برای برطانیه) حمامهای متحرکی که ذریعهٔ‌عراده ازجائی بجائی انتقال‌داده میشوند‌تهیه کرده‌اند عرادهٔ مخصوص این‌حمام دائما به‌طرف رستوران‌ها،مکاتب‌ومقامات دیگری که‌مورد اصابت‌بمب واقع‌شده‌اند در حرکت بوده وبه‌اعانت وکمك‌اطفال واشخاص مصروف میباشد.دراین‌تصویر پرستارآب جوش را ازیك ظرف ۸۰ گیلنی‌تحصیل نموده وذریعهٔ آن‌لباس اطفال وخود آنهارا شست وشو میدهد .

ماشین جدید زراعتی

برای زرع کرم ماشین جدیدی اختراع نموده اند که درظرف یك دقیقه دوصد عدد کرم را کاشت می نماید . صورت کاشت آن این طوراست که بیك تراکتور یك ماشین کوچکی که عیناً مانند انسان کار میکنند نصب شده ودرین ماشین آلهٔ مخصوصی وجود دارد که زمین را حفر نموده وکرم را دربین آن میگذارد. درعین حال بذریعهٔ دوعراده اطراف موضع زرع شده خوب سخت شده واز یك تانك که ۴۰ گیلن آب در آن موجود میباشد بصورت اتوماتیکی در اطراف آن آب پاش داده میشود. ازاین ماشین برای زرع کچالو، کاهو ، پیاز، تره، لبلبو، توت فرنگی وبادنجان رومی هم کارمیگیرند.

کانکریت جدید

مستر تی، اف ناش کانکریتی اختراع نموده است که از کانکریت معروف سبکتر بوده ودارای یك مقدار خاك اره هم میباشد فعلاً دریکی از کارخانه های نزدیك لندن خانم ها به ساختن این مادهٔ مهم تعمیر مصروفیت دارند. امتیاز وخصوصیتی که کانکریت مذکور دارد این است که آن را بخوبی اره میتوانند وهم چنان میخ در آن به آسانی فرو میرود. چنانچه دراین فوتو فرورفتن میخ را در کانکریت مذکور بخوبی مشاهده میتوانید .

تفنگچهٔ پارافین پاش

برای پاك کردن وشستن بعضی ازپرزها وحصص ماشین مخصوصاً انجن‌های طیاره دچار مشکلات زیادی میشدند ولی اخیراً انجنیر های برطانوی آلهٔ بشکل تفنگچه اختراع نموده اند که از آن پارافین وتیل خارج شده وپرزهای مطلوبه را درماشین‌های مختلفه ذریعهٔ آن پاك میکنند .قبل از اختراع

این آله عموماً حصص فلزی ماشین‌هارا درداخل تانك پارافین فرومیبرد ندا ین عمل موجب میگردید تاپارافین کثیف گرددوبرای پاك کردن وفلترنمودن پارافین به‌مشکلات بر میخوردند. بجهت پاك کردن پرزهای فلزی اولاً آنهارا برروی یك‌میزسوراخ دارمیگذارند وذریعهٔ این آله آن‌راپاك‌میکنند پارافین‌ذریعهٔ سوراخ هادرداخل‌میزرفته ودر آن‌جاتصفیه شده‌وبعد کاملاً بصورت فلترشده داخل تانك پارافین میگردد وازضیاع آن‌جلو گیری بعمل‌می آید.

تاثیر حوادث آفتاب

ازتحقیقات علمی که‌دررصد خانه‌ها بعمل‌آورده‌اندچنین کشف‌شده که‌تشکیل یك‌دائره ونقطهٔ که‌فعلاً درروی‌قرص خور شید بنظرمی آیداز ۱۹۳۳ شروع گردیده ودر ۱۹۳۷ به منتهای شدت‌خوددرسیده‌بوددر ۱۹۳۸ هم‌بهمان حال‌باقی‌مانده وبعد از آن متدرجاً رو به انحطاط گذارد ودر ۱۹۴۳ و۱۹۴٤ به‌منتهای کوچکی‌وپستی خودخواهد رسید.

عوارض‌شمسی برزمین تاثیرات بسیاربزرگی دارد مثلا در۲جون ۱۹۳۷ برروی آفتاب یك‌برجستگی که‌مرکزآن ۱۶۷۰۰۰ میل‌وارتفاع آن ۸۵۰۰۰ میل بود تشکیل گردید وبرای ۳روز این‌وضعیت باقی ماند وبعدازآن دفعتا در آن خرابی روداد. این وضعیت در رادیو ومخابرات رادیوئی نقصانات زیادی وارد کرده‌بود.

بریان کردن ذریعهٔ چراغ

جدیدا چنان چراغهای الکتریکی اختراع نموده اند که شعاع غیر مرئی ما تحت‌شعاع‌سرخ از آن تابش میکند و چون شعاع مذکور دارای حرارت است بنابر آن ذریعهٔ آن کباب‌پخته کرده و بعضی از حبوبات را بریان‌مینمایند. اگر یك‌قطعه گوشت گاورا به ضخامت یك انج بدست آورده وبرروی صفحهٔ میزی که درمیان این دوچراغ نهاده شده بگذارند وشعاع آن‌را متوجه گوشت مذکورسازند بعد از نه‌دقیقه گوشت مذکور سرخ شده وکباب میگردد. جواری در ظرف دو دقیقه بریان شده وازهم میشگفد.

اگردروازه ها را رنگ وروغن و وارنش داده و بعد در معرض تابش این شعاع قرار بدهند بعداز ٦٧دقیقه کاملا دروازه‌ها خشك‌میشود و حال

د ولایاتو او اعلی حکومتو تشکیلات

د کابل ولایت

د والی وکیل	:	و ، ج محمد اسماعیل خان
مستوفی	:	ع ، ص سید حبیب خان
د مرافعی دمحکمی قاضی	:	ف ، ملاعبدالجلیل خان
« کوتوالی قوماندان	:	ح ، خواجه محمد نعیم خان
« گمرك رئیس	:	ع ، ص ، غلام حیدر خان
« تحریراتو مدیر	:	ص ، عبدالباقیخان
« احصائیې «	:	ص ، فضل محمد خان
« معارف دمدیر وکیل	:	« ، غلام حیدر خان
« تعمیراتو عمومی مدیر	:	ع ، عبدالغیاث خان
« معابر او بندواوولو عمومی مدیر	:	« ، احمد شاه خان
د تنګغارو دانشاآتو مدیر	:	ص ، شیراحمد خان
« بندخروار «	:	« ، سید قاسم خان
« بندسراج غزنی «	:	« ، فقیر محمد خان
« قرغی دبند «	:	« ، محمد جانخان
« مصالح دتهیې «	:	« ، فضل حق خان
« تفتیش «	:	« ، علی محمد خان

د قندهار ولایت

نایب الحکومه	:	و ، ج محمد قاسم خان
مستوفی	:	ع ، ص عبدالاحد خان
دمرافعې قاضی	:	ف ، ملاصاحبجانخان
د کوتوالی دقوماندان کفیل	:	ش ، عبدالقادر خان کنډه کمشر
د معارفو عمومی مدیر	:	ع ، غلام جیلانی خان « جلالی »
د گمرك رئیس	:	ع ، ص محمد عزیز خان
د تجارتی منازعاتو دفیصلی رئیس	:	« ، « غلام فاروق خان

آنکه خشك نمودن آنها ذریعهٔ جریان هوا کم از کم ۲۴ ساعت وقت بکار دارد. حرارت شعاع غیر مرئی ما تحت شعاع سرخ باحرارت شعاع آفتاب که بعد از طی ۹۰ ملیون میل فاصله درزمین میرسد خیلی شباهت بهم میرساند.

چپرکت های دومنزلهٔ دو نفری

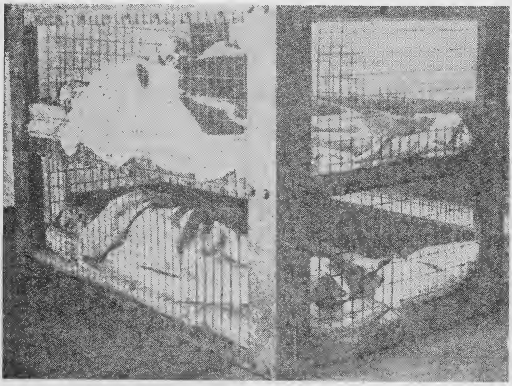

دراین اواخر برای خانواده های برطانوی که عایدات سالیانهٔ شان بیش از ۳۵۰ پوند میبا شد از طرف وزارت امنیت داخلی چپرکت های دومنزلهٔ فولادی ساخته شده ودر بین فامیلی ها توزیع گردیده است. چپرکت های مزبور نسبت به میزهای موریسن ٤ فت و۳ انچ بلندتر بوده وهر منزل گنجائش دو بستر را دارد.

رادیو های جدیدقوای بحری

در این اواخر برای قوای بحریه دستگاه های رادیوی قابل حملی تهیه کرده اند. از رادیو های مذکور دشمن هیچگاه استفاده نمیتواند. کنون در زورق های مختلف الشکل کشتی های نقب پاك کن، کشتی های تارپیدو انداز، تحت البحریها وغیره ازاین رادیوها فوائد زیادی برداشته وعملهٔ بحریه در وقت فراغت مصروف استماع میگردند. دشمن نمیتوانند که موقعیت رادیوها را بخود معلوم نماید. رادیوهای مذکور بارادیوهای معمولی کمتر فرق داشته وآنرا طوری تهیه کرده اند که در شدید ترین حالات هم خبر حوادث وجریانات واقعه را بدست آورده میتوانند. این رادیو از ۸۰۰ حصهٔ جداگانه ترکیب یافته است.

تنویر ذریعهٔ بی سیم

علماء مصروف تجارب وتحقیقات علمی بوده ومیخواهند قوای برقی را از آفتاب تحصیل نمایند وبرعلاوه تنویر را ذریعهٔ بی سیم عملی گردانند چنانچه‌دراین اواخر یك گلوب برقی را ذریعهٔ بی سیم منور نموده اند . اگر تنویر ذریعهٔ بی‌سیم عمومیت حاصل کند آن‌وقت بسا مشکلات از بین برداشته خواهد شد . علماء برعلاوه مادهٔ اختراع کرده اند که در اثر آن ریشهٔ نباتات بصورت فوری نشو ونما می‌یابد . این ماده حیثیت شش‌را داشته و نباتات بواسطهٔ آن هوارا تنفس می نمایند . این اختراع زمین های بائر وعریان را به مرغزار های سبز و خرم متحول خواهد ساخت .

ماشین جدید درو کردن کچالو

مستر گارنر و مستر موری برای درو کردن وچیدن کچالو اززمین ماشین جدیدی اختراع نموده اند وبذریعهٔ این‌ماشین دوثلث کار راکه ذریعهٔ عمله انجام می یافت تخفیف داده اند . بواسطهٔ این آله کچالو از زمین‌بلند و کنده شده و ذریعهٔ یك آلهٔ بلند کننده بر روی ماشین می آید . درگرد ماشین آدمها ایستاده اند . سپس ازاین ماشین کچالو در میان خریطه‌های مخصوصی که درآخر آن‌است افتیده‌وسنگ وخاك آن پس به‌مرکز ماشین فرستاده شده واخیراً برروی زمین می افتد .

طول باسیل تیفوئد

دراثر تحقیقات جدیدهٔ علمی چنین کشف نموده اند که طول باسیل تیفوئد بصورت عمومی به ۳ میکرون یا $\frac{۳}{۲۵۰۰۰}$ حصهٔ یك انچ بالغ میشود اگر این باسیل برابر یك مسطرهٔ که طول خط آن یك‌فت باشد بزرگ گردد در این صورت و ازروی این نسبت طول خود مسطره باید به بیست میل‌بالغ گردد .

قدرت به‌مقاومت مرض

هنری سمنر یکی از اساتذهٔ طب‌دارالفنون کولومبیا چنین کشف‌نموده است که‌انسان‌درسن ده‌سالگی بمقابل‌مرض‌قدرت تمامی دارد وآن رااز‌خودبابزرگترین قوت دفع‌می نماید واگر

انسان بتواند این قدرت رادر خودتاطول حیات حفظ کند در آنصور البته ممکن است تاپنجصدسال زندگانی نماید .

موتر های تهیه کنندهٔ بخار

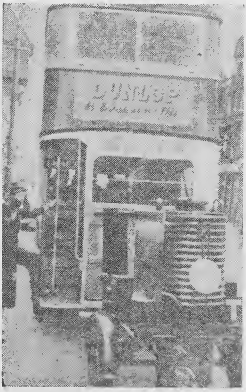

این فوتو یکی ازموترهای تهیه کنندهٔ بخاررا باواگون آن که برای اولین مرتبه درناحیهٔ چسوسك مورد امتحان وتجربه قرار یافته است نشان میدهد درحصص مشرقی لندن ازین موتر فوائد زیادی گرفته وتعداد بسیاری ازآنهارا بکار خواهند افگند . موضع تهیهٔ بخار دراین موترخیلی مفید بوده وبذریعهٔ آن سالانه ۸۷۵۰ گیلن تیل را میتوانند حفظ و ذخیره نمایند . مادهٔ محترقه این موترذغال سنگ خالص بوده وموتر مذکور میتواند که بفاصله ۱۰۰ میل بدون تحصیل دوبارهٔ سوخت حرکت نماید .

مادهٔ جدیدهٔ کشندهٔ مکروب

داکتر دوسن استادجامعهٔ کولومبیا ومعاونین آن از مادهٔ عفنهٔ که درنان ، پنیر ، تشکیل می یابد مادهٔ کیمیاویهٔ کشف نموده اند که نسبت به جمیع مواد کشندهٔ جراثیم مؤثر تر و ازسلفانیلا میدومشتقات آن هزار مرتبه شدید تراست. این ماده به اسم نیپسیلین یاد میشود .

دوای زهر بزهر

در ولایت سوت داکوتای امریکا علماحقیقت غریبی را کشف کرده اند که خلاصهٔ آن حسب ذیل است : اگر سگی رادوای سمی بدهید البته سگ خواهدمردولی اگردونوع سم بخوراك اوبرسانید این تاثیر از بین رفته وسگ زنده خواهد ماند چه جسم اوبذریعهٔ سم اولی سم دومی راتداوی نموده ودرنتیجه فعل هر دوسم باطل میگردد . کیمیاویون درطعام سگ به مقدار بسیار قلیلی سلینوم را داخل نمودندسگ سه ماه زنده بودو بعدمرد. مقدار سلینوم از ۸ الی ده ملیونم جزء طعام سگ بیشتر نبود مگر چون درآب نوشیدنی سگ از یك ملیون جزء آن ۵ جزء زرنیخ برعلاوهٔ سلینوم مذکور ممزوج سازند در آن صورت آثارتسمم دروجود سگ باقی نمی ماند . درد ارالتجربهٔ مذکور سگی وجوددارد که ازعرصهٔ دوسال به این طرف درطعام وآب او سلینوم وزرنیخ رامخلوط می نمایند وسگ کاملا صحیح وسالم باقی مانده است .

میدانی چه کس درحیات دوستدار خود است ؟؟ کسیکه مانند دشمن قوی ونیرومند با خویش در جدل است. «هامر ینگ»

خواب برقی یااصول جدید تخدیر

خواب برقی نوع جدید تخدیر است که علمای جامعهٔ شیکاگو آن را بحیوانات تجربه نموده وثابت کردند که این طریقه موارد استعمال زیادی دارد چنانچه اگر جریان برق درنخاع شوکی حیوانات صورت بگیرد برای حیوان موصوف خواب عارض شده وهوش بکلی زائل میگردد وعمل تخدیر صورت میگیرد. اهمیت این نوع تخدیر آنست که طبیب به وضعیت مخدر شدن مریض کاملاً اقتدار وسلطه دارد وحال آنکه این وضعیت دردیگر دواهای مخدره ازقبیل کلوفورم وغیره وجودندارد . اگرچه چهل سال پیش راجع به این نوع تخدیر فکری بمیان آمده ودر ۱۹۱۱ تجربه هم کرده بودندولی بعدها به علت غیرمعلومی این طریق به تعویق افتاد تاآنکه امسال در بارهٔ آن بصورت بهتر وعلمی تری داخل عمل وجدیت گردیدند .

شراب از ذغال

معادن ذغال اینك حیثیت مغارهٔ معمائی الادین رابخود گرفته است چه بسا چیزهای عجیب از آن استخراج میشود. بعد ازجنگ امروزی خواهیم نگریست که عمارات ازذغال آبادشده وحتی پنجیرهٔ روزنه‌ها رااز آن درست خواهند کرد. درعوض سفال از ذغال ادوات وظروف آماده نموده وفرنیچر خانه باالباس نیزاز آن ساخته خواهد شد. گذشته از آن ازذغال در تهیهٔ شراب ترکیبی کار خواهند گرفت . ازروی تجربه‌ها چنین ثابت شده است که قوهٔ برقیه بعدازاین ازذغال استحصال خواهد شد .

منسوجات از نبات بحری

طبق اطلاع تازهٔ که ازبرطانیه داده شده است ازیك نوع نبات بحری به‌اسم (سی وید) نخ مصنوعی تهیه کرده وبعد از آن منسوجات آماده می نمایند. ازنبات مذکور مادهٔ به‌اسم الجینك ایسد استخراج میکنند واگراین نبات خشك شود از ۲۰ الی ۳۰ فی صد آن رااین ماده تشکیل میدهد. الجینك ایسد رادرایسد دیگر حل واز آن تارمصنوعی محکم ومتین بدست می آرند. ازخصوصیات این تارمصنوعی یکی آنست که قابلیت احتراق راندارد واگر آن رابه پترول آغشته نموده وبعد دربدهند در آن صورت پترول درخواهد گرفت ولی اصل لباس بحال خودباقی خواهد ماند. برای خانم‌ها هم ازین ماده لباس درست میکنند. طبیعی است این اختراع اهمیت بسیار بزرگی داشته ودرعالم منسوجات تحول بزرگی بروی کار خواهد آورد. خوبی دیگر آن این است که تهیهٔ آن نسبت به دیگر تارهای مصنوعی ارزانتر تمام میشود

طلا از گندم

یکی ازاختراعات خیلی مهمی که دراین اواخر رو داده همانا طریقهٔ جدید استخراج طلااز گندم است. راجع به اختراع مذکورصرف اینقدر گفته شده‌است که کاه قطع شدهٔ گندم را برای

۲۴ ساعت در آب ترمیکنند کفی که ازین آب پیدا میشود دارای مقداری طلامیباشد. سپس آن‌را به‌اصول مخصوصه تجزیه نموده ودرنتیجه طلابدست می آرند .

سرش از استخوان

درین روزهادر برطانیه نمیگذارند که استخوان‌هارا بخاك دفن نمایند بلکه ازدهن دکان قصاب‌ها وخانه‌ها استخوان‌را جمع کرده‌واز آن سرش مخصوصی تهیه میکنند که‌در صنعت طیاره سازی موارد استعمال زیادی‌دارد وهم‌چنان برای‌بمب‌های شدید الانفلاق ازاستخوان نایتروگلسرین استحصال میکنند. ازسرش‌مذکور درخمپاره‌ها، فیوزبمب‌ها استفاده‌های زیادی‌می نمایند .

چای‌جوش‌ازپورسلین

دربرطانیه چایجوش های چینی برقی تازه اختراع نموده وازآن فوائد زیادی بدست می آرند . مردم‌به‌چایجوش برقی ضرورت واحتیاج تمامی داشته وچایجوش های جدیده نسبت به‌چایجوش های فلزی بیشتر توسعه حاصل کرده است این‌ظرف گنجایش ۳ پنت آب‌راداشته وازخاك چینی ذریعهٔ قالب‌های مخصوص آماده میشود . اولا ظرف موصوف‌را در کور های مخصوص کوزه گری حرارت‌میدهندتارنگ آن نیلی تیره گردد بعد به کور های مخصوص دیگر آن‌رابه‌حرارت خیلی‌زیاد پخته میکنندوسپس به اصول مخصوصه اسباب وسامان برقی را به آن نصب می نمایند . امروز ادوات وظروف چینی وسنگی موارد استعمال زیادی پیدا کرده وآن هارا به‌اصول مختلفه محکم میسازند تا کار فولاد را بدهند .

کاغذازبانس

از فلوریدا‌چنین‌اطلاع داده‌شد که‌ازیك‌نوع درخت‌صنوبر به‌اسم (پلوپاین) کاغذدرست‌نموده وبرای توسعهٔ آن‌اینك فابریکه های‌بزرگی تعمیرنموده‌اند. جنگل‌های‌درخت مزبورهزارهامربع میل‌زمین رادرایالات جنوبی آن دولت احاطه‌کرده ودارای مقدار زیادی مادهٔ چسپنده میباشد چوب درخت‌را بصورت خمیردرآورده وازآن کاغذدرست‌میکنندولی کاغذ مذکور چندان خوب‌نبوده وحیثیت کاغذاخباری‌راندارد. تنها در اضلاع امریکا روزانه (۱۰۰۰۰۰۰) طن کاغذ مصرف جرائد میشود در ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ مصرف کاغذ جرائد و مجلات برطانیه به (۵۰۰۰۰۰۰۰) طن‌بالغ شده‌وجهت مصرف‌روزانه کاغذ دریك جریدهٔ‌لندن بایداز بیست ایکرزمین چوب تهیه‌شود. ۸ فی‌صد کاغذ دنیاازدرخت صنوبر بدست می آید وجنگل‌های آن هنوزساحات وسیعی رادرکانادا، ناروی، سویدن‌وروسیه احاطه‌نموده‌است .بخاطر باید داشت که‌تهیهٔ خمیر کاغذ یك‌حصهٔ‌بسیار جزئی‌مصارف جنگل های دنیا را تشکیل میدهد وحال آنکه ازجنگل های‌مذکور تارهای مصنوعه‌ازسیلولوز، حصه‌های موتر، عرادهای گادی وبساچیزهای دیگر استفاده می‌نمایند. دراضلاع متحدهٔ امریکا سالانه به اندازهٔ ۲۵۰۰۰ ملیون مکعب فت

چوب درشت ۱۰۰۰۰۰ ملیون مکعب فت چوب اره شده به مصرف میرسد و حال آنکه نموی درخت ها درجنگل سالانه ۷۰۰۰۰ ملیون مکعب فت میباشد ازروی این حساب درظرف مدت بسیار کوتاهی جنگلها بکلی ازبین خواهدرفت اینک درآینده ذخیرهٔ بسیار بزرگ مصرف کاغذ درخت ها وجنگل های بانس میباشد چه جنگل های مذکور بسیار به سرعت نشو ونما می یابد . یك ساق درخت بانس در ۲٤ ساعت به اندزهٔ ۹ ـ انچ بلند میشود .

الکل از کچالو

درین اواخر ازجاپان این خبر براد کاست گردید : « به نسبت قلت پترول مناقلات ذریعهٔ موتر دچار مشکلات گردیده وحکومت جاپان برای اینکه مشکل قلت پترول راازبین بردارد فعلاً مصروف تحقیقات وتجربه های علمی بوده ومیخواهد ازرابر پترول استخراج کنند » دوروز بعد رادیوی بتاویا چنین اعلان کرد : « علما ومتخصصین کوشش دارند تاازیك نوع کچالوی شیرین الکل استخراج نمایند برای عملی ساختن این نظریه فعلا درچندین تصفیه خانهٔ شکر مصروف امتحان وتجربه میباشند ».

سپرت موتر از سنگ رس

فعلا دراسترالیاازمیدانهای وسیعهٔ سنگ شیل (نوعی ازسنگ که باخاك رس مخلوط بوده وورقه ورقه میباشد)سپرت موتر استخراج می نمایند .اولا سنگهای مذکوررا خوب خوردنموده وبعد ذریعهٔ حرارت فوق العاده آن راگرم می نمایند دراثر این حرارت از سنگهای مذکور بخار متصاعد میگردد . این بخار دریك موضع مخصوص دیگرغلظت پیدا کرده ودرنتیجه به تیل خام تحول می یابد . سپس تیل مذکور راتصفیه کرده وبحیث سپرت موتر یاگیسولین از آن کار میگیرند واگر آن را باز تصفیه نموده ودراین خصوص توجه تمامی نمایند البته در انجن های جدیده هم از آن استفاده خواهندنمود . این تیل را ذریعه یك لین پایپ که به فاصلهٔ ۳۵ میل ممتد شده است به استیشن راه ریل میرسانند .

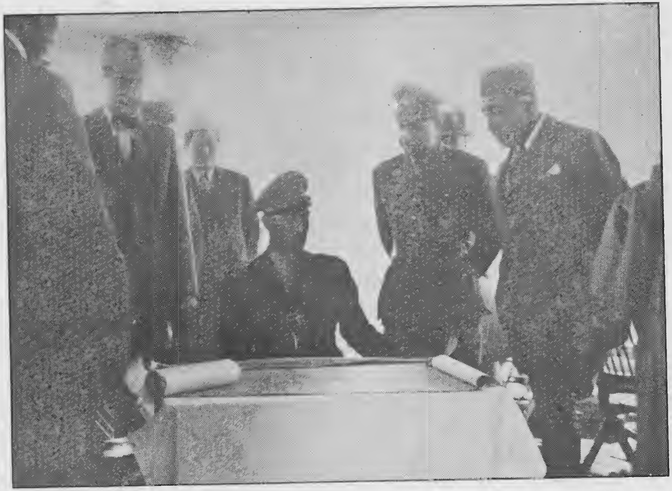

هما یونی اعلیحضرت دحبیبیې دښوونځی دنوی ودانۍ نقشه ګوري

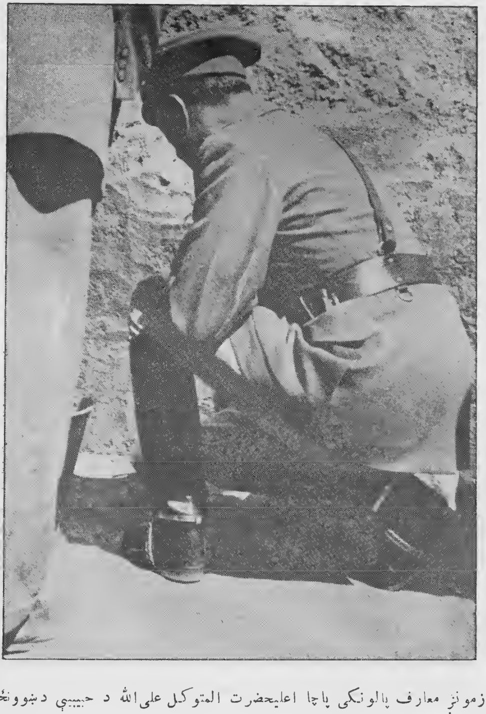

زمونږ معارف پالونکی پاچا اعلیحضرت المتوکل علی‌الله د حبیبیې دښوونځی
دنوی ودانۍ تیږه ایږدی

در هر فرصتی متوجه بخود باش ، ببینی چه بودی ، چه هستی وچه میخواهی بشوی باینصورت از گناهان مبرا خواهی ماند . «ز بستیان برانت»

کورنی مهم وقائع

په ۱۳۲۱ کښې

ښاغلی یارمحمدخان «نظامی»

د ۱۳۲۱ کال شروشور هرمملکت ته رسیدلی، اوهیڅ ملك به په دنیا کښې نه وی چه د دې خونړی جګړې څخه چه نن ورځ ئې په ټوله نړۍ احاطه کړیده، مامون او محفوظ پاته شوی وی .

ښاغلی یار محمدخان «نظامی»

زمونږ خوږ او ګران وطن افغانستان لمړی مملکت دی چه د پاك خاوند په فضل او مرحمت اود خپلی کلکی بې طرفۍ اوصلح خواهۍ په سیوری کښې تراوسه د دې بلا داثر څخه مصئون او مامون پاته دی ، او بې له هغو انسانی اونوعی تأثراتو چه زمونږ زړونه ئې غمجن کړی، دخدای په فضل زمونږ کال په آرامۍ تېر شوی .

ملت او حکومت دواړو په اتفاق سره لاس یو کړی، دیوه نصب العین دپاره په کامل اتفاق دخپلو مقاصدو او مملکتی مرام په وړاندې بیولو کښې بخت او سرګرم دی .

اوس مونږ په دې لاندې کرښو کښې د دې کال غوره اوذکر وړ هغه ګذارشات او وقائع چه درسمی دوائرو په اجرا آتو کښې نشی راتلی، د تاریخ په ترتیب د دې کالنۍ د ښاغلو اوستونکو د معلوماتو دپاره لیکو :

نیالګی ایښودل

د بشر د ژوندون دپاره یحتاج څخه میوه داری او بې میوی ونې هم دی، ددنیا قامونه دونو په ډېروالی او د ځنګلونو په جوړولو کښې سعیه کوی او هر مملکت غواړی چه په خپل مملکت کښې ونې زیاتی کړی او ځنګلونه جوړ کړی چه دمیوو اولرګو اونورو مزایا و څخه ئې استفاده وکړی .

دهمدی لامله په دي بختوره دوره کښې چه دمملکت ټولی چاری داصلاح او دقیقی وارسی لاندی نیول شوی دی، دی کارخواته هم خاصه توجه شوی ده، لکه چه هر کال دحمل په لمړی ورځ کښې دملوکانه اشرف ذات له خوا دخپل گران ملت په عنوان فرمانونه صادرېږي، او هغوی ته په دغه فرمانونو کښې دنیالګیو دکښېنولو په خواوشا کښې تاکیداوتوصیه کیږی. دادشاهانه ذات فرمانونه چه ملت ته په دې خصوص کښې توصیوی جنبه لری، په دي ښوکلو کښې ئې دمملکت په ودانۍ اوسمسور والی کښې ډېر لوی اوښه تاثیرونه کړی او خلك ئې دی مهم کارته متوجه کړیدی، لکه چه مونږ ته معلومه شویده هر کال دنیا لګیو کښېنولو په وخت اونیټه کښې په مرکز اوولایاتو کښې په ملیونونو نیالگی اېښودل کیږی.

دمیلاد النبی (ص) احترام

دربیع الاول په ۱۲ چه دپاك نبی محمدمصطفی صلی الله علیه وسلم دمولود بختوره ورځ ده داعلیحضرت شهیدسعید (رح) دحکومت دابتداء څخه تراوسه پوری هر کال، ددي بختوری ورځی په مناسبت په سلامخانه کښې لوی مجلس جوړیږي، سږ کال هم دتیرو کلونو په شان ددوشنبې په ورځ په ۱۰ دحمل او۱۲ دربیع الاول په سلامخانه کښې مجلل ترتیبات نیول شوی او ددي لوئی او محترمی ورځی داحترام دپاره یو مجلس منعقد شوچه محترمو علماؤ او عالی رتبه مامورینو پکښې شمولیت درلود.

دسهار په ۹ بجو ج، ع، ج، ا، ا نشان والاحضرت اشرف صدراعظم صاحب هم ددي مجلس دشرکت دپاره تشریف راوړی و، لمړی فضیلت ماب مولوی یارمحمدخان دمولود شریف ددي مبارکی او بختوری ورځی په اهمیت اودپاك رسول صلی الله علیه وسلم دلوړ شخصیت په شاوخوا کښې یوه دلچسپه وینا وکړه، له دېنه وروسته جناب قاری محمد عمر خان دقرآن کریم څو آیتونه ولوستل.

په خاتمه کښې دملوکانه داشرف ذات او دافغانستان دسعادت او نېکبختۍ دپاره دعاګانی وشوی، او د حاضر ینوله خوا دهغه د دعا تائید وشو او مجلس په لسو بجو خاتمه ومونده.

دحبیبیی دعالی مکتب نوی ودانی

دثور په (۷) ددوشنبې په ورځ ترماپښین وروسته په نوی کابل کښې دحبیبیی دښوونځی دنوی ودانۍ لمړی خښته اعلیحضرت همایونی پخپل لاس په خورا ښو مراسمو کښېښووله او نورهم مونږ وینو چه هروخت په ودانیو او ښارجوړولو اودنوو ښو ونځیو په تاسیسو لو کښې، ښه ښه اقدامات کیږی اوداثابتوی چه زمونږ دمملکت نصب العین یو علمی نصب العین دی او زمونږ دراتلونکی ژوندون بنسټ علم دی. معرفت هغه لمړی شیز دی چه د پوها نواولیاؤ توجه ځانته جلبوی څنګه چه په ژوند کښې

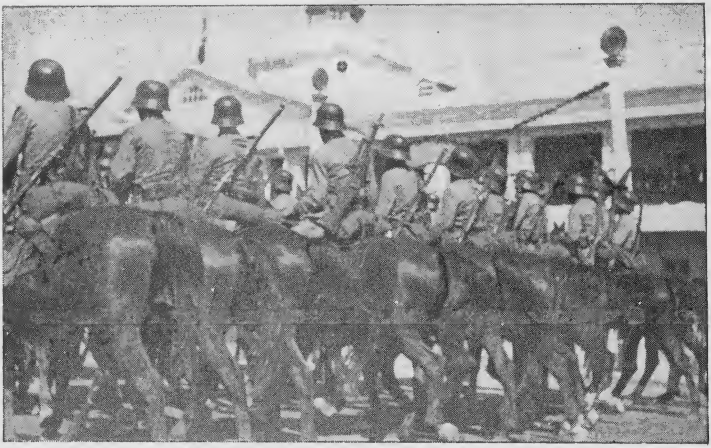

یوه تولۍ سپاره عسکر د رسم گذشت په وخت کښې

د آس ځغلو لو دمسابقې دوهم او دریم لمبر سړی

دخپلواکۍ دجشن په لمړۍ ورځ همايوني اعليحضرت
دعسکري سلامۍ اخيستلو په وخت کښي

ع ، ج ، ا ، ا نښان غازی والاحضرت سردار شاه‌محمود خان دحرب وزیر درسم گذشت په وخت کښې

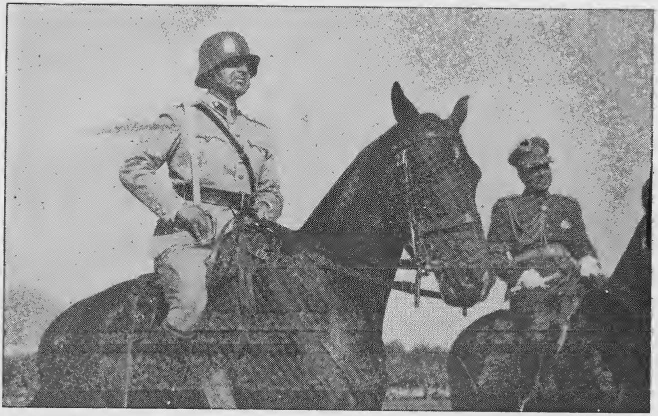

ع ، ش ، سردار عالی والا حضرت سردار محمد داؤد خان دمرکزی قواؤقوماندان درسم گذشت په وخت کښې

يوه ټولۍ سپاره عسکر د علم مبارك سره د رسم گذشت
په وخت کښې

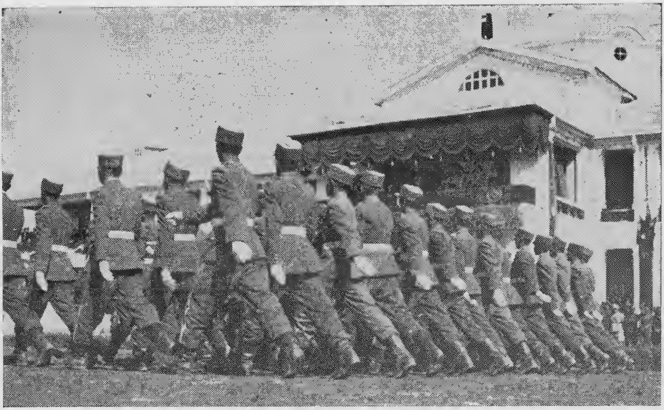

یوه ټولۍ دحربیه مکتب د متعلمینو څخه د رسم گذشت په وخت کښې

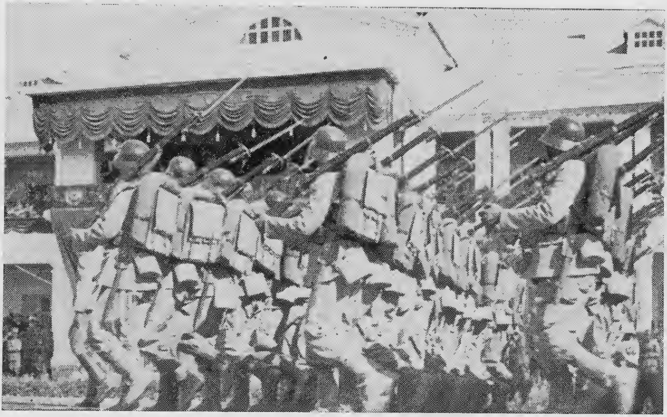

یوه ټولۍ عسکر د رسم گذ شت په وخت کښې

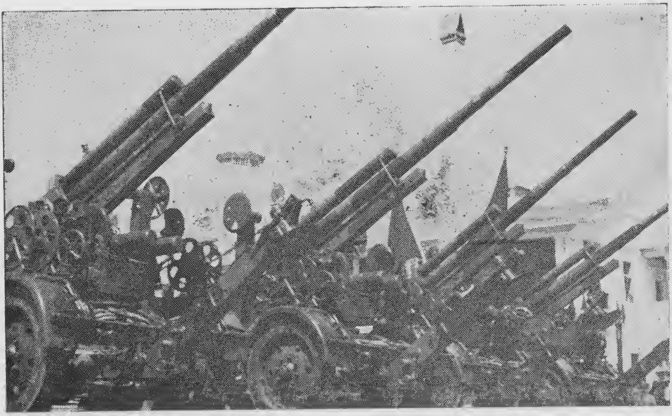

ځینی جګړې خولی توپونه د رسم ګذشت په وخت کښې

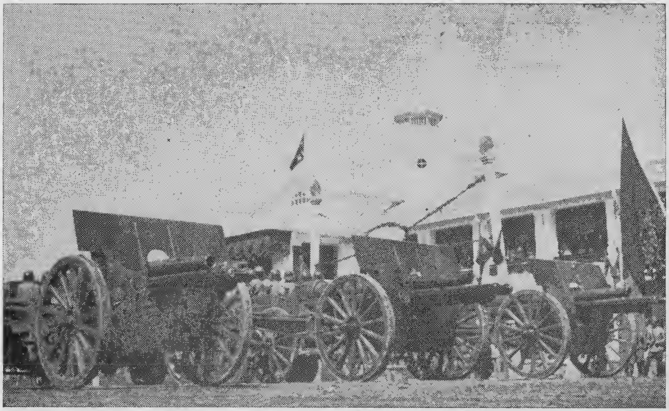

څو بطریه توپونه د رسم ګذشت په وخت کښې

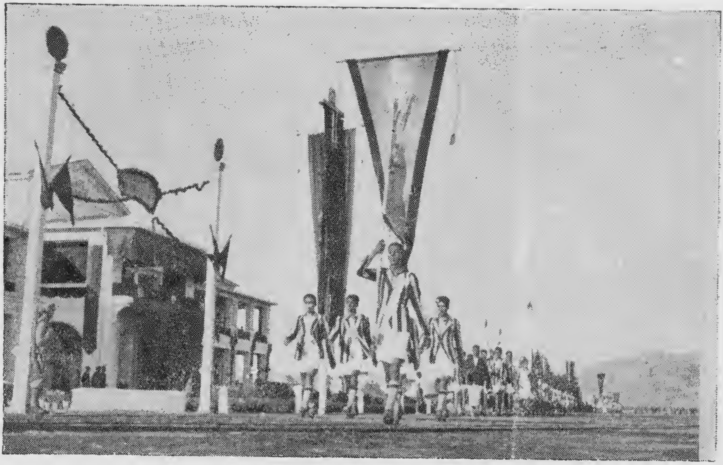

د معارف ور زشکاران د رسم گذشت په وخت کښې

یوه ټولۍ د معارف ورز شکاران د رسم گذشت په وخت کښې

ای بشر ! کار کلمهٔ سحرکار یست ، کار روح سعادت است ، کار گنجینه و حامی آرامش است.
«هینر یش زیدل»

دعلم فضیلت اواغیزه څرګنده ده، نو یلای شو چه دالاردمملکت د نیکمرغی اوفلاح د تامین د پاره یوه ښه اوروښانه لارده .

مونږ لهخدایه غواړو چه ددی ټولو اقداماتو امن نوره هم ارته شی، اودحبیبی د ښوونځی دنوی ودانی په شروع چه دقدامت له حیثه زمونږ دهوادلمړی عصری مدرسه ده دښه انجام اود کشور دعلمی ژوند استقبال وشی.

دشهیداعلیحضرت پرمزار دګلو د ګیدیو اینبودل

دسه شنبی په ورځ دجوزا په (۱۲)ع، ج کمال کوپرو لودترکیی نوی سفیر په (۱۱) بجو داعلیحضرت شهید پرمزار ګلو ګیډی کښېښودې .

❀ ❀ ❀

دطب فاکولته چه دعلم اومعارف روزونکی اعلیحضرت محمد نادرشاه شهیدله مهمو تاسیساتو څخه ده ، دعقرب په دوهمه چه لسم کال ئې نوې شوې و، په دغه مناسبت ددې فاکولتې او د طبی اودواجوړولو دمکتبو محصلین اوتعلیمی او اداری هئیتونه دمغفورمرحوم اعلیحضرت مزارته ورغلل اود خالصانه دعا او فاتحی و یلو په ضمن کښې ئې په اوږدو مراسمود ګلانو امیلونه د هغه سعید شهید پر مقبره کښېښوده اوخپل احساسات اود احترام اوقدر پېژندلو مراتب ئې څرګند کړل .

❀ ❀ ❀

همدغه شان دعقرب په (۱٦) چه دپښتون ملت دماتم ورځ ده، ځکه چه پدې ورځ دپښتون مهربان اوپوه ټولواك غازی اعلیحضرت محمد نادر شاه، شهید شو اودهر فرد په زړه داغ کښېښود ل شو ځکه چه اعلیحضرت شهید هغه ذات وچه ددی ملت ته ئی دعرفان اوعلم پلوشی راوړی اوددې مملکت هغه تیاره ورځ ئې پری روښانه کړه .

پښتون ملت ټول عموما اودمعارف ذوقمندان خصوصاً هیڅکله دخپل لوی قائد تاریخی خدمتونه نشی هیرولای ، په همدغه مناسبت دعقرب په (۱٦) دښوونځیو ټول شاګردان اوتعلیمی اواداری هیئتونه داعلیحضرت شهید مبارك مزارته ولاړل اوپس دقرآن کریم دځو آیتو تلاوت څخه ئی خالصانه دعاګانی دهغه مرحوم مغفور په باره کښې وکړی اود ګلانو ګیډی ئی دده پر مبارك مزار کښېښودلې .

❀ ❀ ❀

ددلوی په (۱۵) جلالتماب (خالدالزهاوی) دعراق نوی وزیر مختار په یوولس نیمو بجو داعلیحضرت شهید پرمزار د ګلو ګیډې کښېښوده .

کار انسانرا از هر بلیه نجات میدهد . زنجیر های بدبختی را میگسلاند واقوام را آزاد ومسعود میگرداند . « مینریش زیدل »

دملی شورا دخلورمي

دوري ددریم کال افتتاح

ددوشنبې په ورځ دجوزا په ۲۵ په شاهی سلامخانه کښې دملی شورا دخلورمې دوری ددریم کال دافتتاح په مناسبت یولوی مجلس منعقد شو ، په دې مجلس کښې ج ، ع ، ج ، ا ، انشان والا حضرت سردار محمدهاشم خان صدر اعظم او نورو محترمو وزیرانو او دملی شورا او مجلس اعیان جمعیت العلما اعضا او ملکی لوړو مامورینو ، او عسکری منصبدارانو ترغند مشرانو یوری شمولیت درلود ، دملوکانه اشرف ذات موکب هم تشریف راوړی ، اوپر (۱۱) بجو همایونی اعلیحضرت دراډیو په ذریعه پخپله مهمه وینا دملی شورا دخلورمې دورې دریم کال افتتاح کړل .

دوالاحضرت اشرف صدر اعظم په حضور

دملی شورا دوکیلانو تشرف

دملی شورا اعضاد کالنی تعطیل په مناسبت چه خپلو کوروته تللی و پسرد رخصتی دتما میدو څخه چه بیرته کابل ته راغلل ، دچهار شنبی په ورځ داسد په (۲۸) د ع ، ج عبدالاحد خان دملی شورا رئیس په مشرتوب دوالا حضرت اشرف صدر اعظم حضورته دصدارت عظمی ماني ته ورغلل اوپر (٤ بجو او ۱۰ دقیقو) دوالاحضرت دحضور تشرف ئی حاصل کړ .

دخپلواکۍ د ۲٤ کال جشن

دخپلواکۍ د ۲٤ کال دجشن دپاره هم دتیر وکلو په شان ښه ترتیبات نیولی شوی و او دملت اوحکومت له خوائی په خورا مینه استقبال وشو .

دسنبلې په لمړۍ ورځ چه سم دتاکلی پروګرام سره د جشن افتتاحی مراسم اجرا کیدل لوړ ملکی مامورین اوعسکری منصبداران ، دملی شورا ، او مجلس اعیان اعضاء او نور مشران او سپین ږیری چه دخه دوزارت دربارله خواد کارتونو په ذریعه راغوښتلی شوی و په شاهی سلامخانه کښې حاضر وو اوپر تاکلی وخت باندې داعلیحضرت همایونی موکب تشریف راووړ او دتشریفاتی ټولګی عسکر او موزیك او دټولو حاضر ینوله خوا پاد شاهی سلام او احترام وکړ شو .

د تجارت د اطاق رئیس	:	ع ، ص حبیب‌الله‌خان
خارجه مدیر	:	ص ، محمد رفیق خان
د بلدیې رئیس	:	ع ، ص محمد اکبر خان
د تحریراتو مدیر	:	ص ، محمد اسماعیل خان
د کرهنی «	:	« ، عبدالغفور خان
د مخابراتو «	:	« ، گل احمد خان
د صحیې «	:	« ، عطامحمد خان
د مطبوعاتو «	:	« ، محمد یوسف خان
د معدن «	:	« ، عبدالواحد خان
د احصائیې «	:	« ، امین‌الله‌خان
د فوائدعامې «	:	« ، محمد عمر خان
د حمل و نقل «	:	« ، محمد حسین خان
د استخباراتو «	:	« ، محمد سرور خان
د خزانی «	:	« ، عبدالحمید خان
د وړیو او بدلو مامور	:	« ، عبداللطیف خان
د بر پښنا مامور	:	ص ، سید جعفر خان
د تفتیش «	:	« ، میر فقیر محمد خان
د اجرائیې «	:	« ، محمد علیخان
د تلگراف منتظم	:	« ، غلام نبی خان
د پښتو د کورسو مامور	:	« ، سید حسین خان
د آژانس «	:	« ، محمد نسیم خان

د هرات ولایت

د نائب‌الحکومه وکیل	:	و ، ج عبدالله‌خان
مستوفی	:	ع ، ص سید محمد خان
د مرافعې د محکمې قاضی	:	ف ، ملا احمد علیخان
د کوتوالی قوماندان	:	ح ، خدابخش خان
د گمرك رئیس	:	ع ، ص حاجی محمد عظیم خان
د خارجه چارو مدیر	:	ص ، محمد اشرف خان

همایونی اعلیحضرت په ننندارتون کښې

ع ، ج ، والاحضرت سردار محمد نعیم خان
دمعارف وزیر او دصدارت عظمی لمړی
معاون چه دخپل وطن له ودانۍ او سرسبزی
سره ډېره مینه او عشق لری ؛ سږ کال
پسرلی دنهالګیو اېښو داو په ورځ
دمعارف مامورینو سره د کابل په اساسی
دارالمعلمین کښې تشریف لری

هغه ښاغلي چه د وطن په مطبوعاتو کښې یې له لسو کالو زیات خدمت کړیدی او د دغه عرفاني خدمت په اثر کښې د معارف دوهمه او دریمه درجه نښانونه ور کړشویدی .

لمړی صف ناست خاق له کیڼ لوری :-

۱ : - ښاغلی برهان الدینخان « کشککی » ۲ : - ښاغلی عبدالحی خان « حبیبی »

۳ : - ښاغلی صلاح الدینخان د مطبوعاتو مستقل رئیس ٤ : - ښاغلی هاشم خان « شایق »

۵ : - ښاغلی محمد امین خان « خوگیانی » ٦ : - ښاغلی امین الله خان « زمریالی »

دوهم ولاړ صف له کیڼ لوری :-

۱ : - ښاغلی رشیدخان « لطیفی » ۲ : - ښاغلی سید قاسم خان « رشتیا »

۳ : - ښاغلی محمد قدیر خان « تره کی » ٤ : - ښاغلی محمد زمانخان « تره کی »

۵ : - ښاغلی سرور خان « گویا » ٦ : - ښاغلی یعقوب حسن خان .

دریم صف له کیڼ لوری :-

۱ : - ښاغلی غلام جیلانیخان « اعظمی » ۲ : - ښاغلی احمدالله خان « کریمی »

۳ : - ښاغلی احمد علیخان « کهزاد » ٤ : - ښاغلی غلام دستگیر خان .

ځینی کسان چه د ښانو ور کولو په مجلس او د عکس اخستلو په وخت کښې حاضر نه و ، هغه دادی:
ښاغلی حبیب الله خان (طرزی) ښاغلی محمد ابراهیم خان (عفیفی) ښاغلی شمس الدینخان (قلعه‌بیگی) ښاغلی عبدالصمد خان (جاهد)

او پر (۸) بجودهمایونی اعلیحضرت په موثره اولوړه ویناسره د(نشر الصوت) په ذریعه داستقلال د(۲٤) کال جشن افتتاح کړشو او ټولو وګړو د خپل ګران ټولواك لوړه وینا چه درا ډیوپه ذریعه براد کاست شوه په خورا مینه او دلچسپۍ واوریدله . ور وسته اعلیحضرت اشرف د ټولو حاضر ینوپه ملګرۍ حضوری چمن ته د عسکر دتیرید و د کتلو دپاره تشریف و پوړ او ټول عسکر په خورا انتظام تیر شوه ، او د عسکر د تیرید لومنظره دخوښۍ او مسرت وړوه او د استقلال د مینانو په زړو کښې ئې ژوری اغېزې وکړې ، لنډه ئې داچه تر(٦) ورځو پورې سم دټا کلی پرو ګرام سره ډول ډول لوبې او مسابقې ، ملی اتڼونه ، فټ بال هاکی ، پهلوانی اونور ښه ښه نمایشونه و شوه او داملی جشن په ډېره خوښۍ اومسرت تیر شو . مونږ د همایونی اعلیحضرت ګټوره افتتاحیه وینا خپلو ښاغلو لوستو نکوته داستفادې اومعلوماتو دپاره لاندې لیکو .

د همایونی اعلیحضرت و ینا د جشن د افتتاح په ورځ

« دلوی څښتن په نامه دوطن داستقلال د (۲٤) کال جشن افتتاح کوم او دالوپه تاریخی ورځ چه زمونږ په ملی ژوندون کښې دهر ډول افتخار مورد ده ، دمسرت په ډك زړه سره وتاسی ګرانو هریوه ته تبریك وایم یقین لرم چه زمونږ د ملت لوی او کچنی به د دې ابدی افتخار د خوندی کولوپه لار کښې لکه د یوه غیرتمن ملت له وسه چه پوره وی ، د ځان ښندلو او فدا کارۍ څخه به سپمونه نه و کړی . په او سنی حال کښې چه د عالم بشریدبختۍ او مصیبتونه ورځ په ورځ ډیرېږی اوعمومی اوضاع ، ساعت په ساعت دنوؤ بحرانواو آشفته ګۍ سره مخامخ کیږی ، زمونږ مسئولیت هم دوطن دحقوقو په پرځای کولو کښې لادرونډ شوی اودنن ورځی جریانات داښکاره کوی چه باید داوضاعو لاډېر مراقب اودخپل مملکت داحوال څخکښې کتونکی شو ، یعنی لکه مونږ چه د آزادۍ دخوندی کولو اودمعنوی ژوندون دتأمین دپاره زیار کاږو ، باید چه د رحم، مروت ، اعتماد اوانصاف ساتنه تر یخوا ډېره په زړه او دماغ کښې ټینګه کړو اوپه دې ډول خپل زړونه یوله بله لاسره نژدی اومهربان کړو، ولی چه ددې و جدانی او اخلاقی وظیفو انجامول ، یوه جامعه دمهربان خدای دمرحمتو وړ ګرزوی او د نېکمرغۍ دژوندون وخواته لارښوونه ورته کوی .

زماعزیزانو ! استقلال لوی نعمت دی چه زمونږ دنیکه ګانو په خورا زحمت اوربړ اوپه را وروسته کښې دوطن دزړه ورو مېړو اووتلو زامنو دځان اوژوند په قیمت په لاس راغلی دی اوخوندی کول ئې مونږ اودوطن راتلو نکی نسل ته سپارلې شوې ده څښتن تعالی ته شکر کاږو

تنهایك سعادت است : آنهم در وظیفه ، تنهایك تسلی است: آنهم در کار . تنهایك لذت است : آنهم در زیبائی وجمال .
«کارمن سیلوا»

چه زمونږ ملت له لمړی ورځی څخه دخپل شرف دژوند پاته کیده به دغه مقدسه کلمه پوری تړلی ګڼلی او ټینګ یقین لرم چه دیوه ملت وده او دعزت ژوندون یوازی دآزادی په فضا او د استقلال په رڼا کښې تامین کیدلای شی .

زما عزیزانو ! زمونږ اراده او تصمیم ، دروغی طرفداری په روغه ژوندون کول او داخاوره دجنګ څخه لیری درلوول دی او دغه طرز عمل دی چه زمونږ دملت له خوایه ټینګه تائید شوی او دهغه دخوندی کولو دپاره کاملاً حاضر دی . زمونږ حکومت دغه سیاست په ښه تو ګه عملی کړی او دهغه دخوندی کولو دپاره ئی داد بخښونکی اجراآت کړی دی .

نور دمملکت داخله امور ددغه سیاست په اغېزه ، ترهغه ځایه چه نن ورځی مشکل وضعیت مرسته کوی په ښه ډول په جریان کښې دی ؛ حکومت او ملت دوطن دچارو دپرمخ بیولو دپاره الحمدلله په یوه لاس او سره یو دی .

په پای کښې داستقلال دحاصلو ونکی یعنی اعلیحضرت شهید پرپاك روح او نور وشهیدانو چه دخپلو وینو په تویولو سره ئې دوطن او داستقلال دبیرغ نوم لوړ کړی دی دعالیترام او بخښنه ورته غواړم ، او دخښتن تعالی له لوړ درباره چه دخیر او شر مقدرات دده دقدرت په لاس کښې دی التجا کړو چه زمونږ ګران وطن او ملت دې له هر ډول ناوړو پېښو څخه پخپله ساتنه کښې ولری او انسانان دی دنړی ددې سوځوونکی اوره وژغوری . » (پای)

❀ ❀ ❀

هو! استقلال دبشر دهری طبقی او ملت حق دی نوهم داسبب دی چه دبشر هر فرد ددې طبیعی او مقدس حق دحاصلولو دپاره ځان ، مال ، او څه چه دده په واك کښې وی قربانوی .

دپښتانه ملت هم دخپل طبیعی حق سره سم ځانته استقلال ګټلی او دځان په وینوئې هر کله ساتنه کوی ، نن دپښتون قام پوهیدلی چه استقلال په وینو ګټل کېږی او په علم ، کار ، زحمت صنعت ، یووالی ساتل کېږی چه ګټل په هغه شان وی او ساتل په دغه شان نوویلی شو چه خدای په دافضا دبدبختی په وریځو توره نکړی او تل ترتله به دحق پلوشې زمونږ غرونه ، رغو نه او پاك زړونه روښانه ولری .

داعلیحضرت محمد ظاهر شاه دمیلاد

نه ویشتم کال

دمیزان په ۲۲ ورځ چه دافغانستان دګران او محبوب پاچا اعلیحضرت همایونی دمیلاد ورځ

دوالاحضرت شهزاده محمداکبرخان جنازه چه دارگ د دروازی نه اوزی

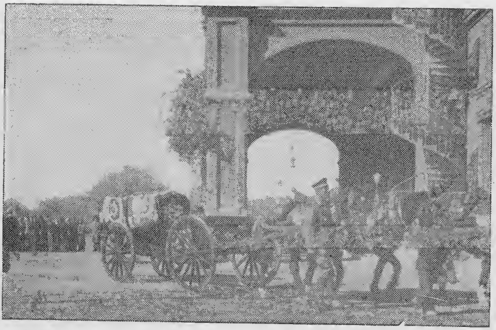

د پښتون نیمه
خوا شهزاده
جنازه چه د دوو
توپو سر بیره
وړه کیږی

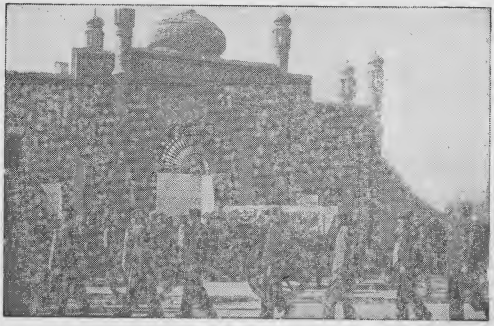

د پښتون ځوان
مرگ شهزاده
جنازه ، چه
عیدگاه ته نژدی
تیریږی او د
مکتب شاگردان
په غمجن زړه
ور سره ځی

د جنازی موټر
د پښتون د
امید گل تورو
خاورو لره
وړی !

وه دتیرو کلو په شان یخواتر ماپښینه دلسو بجو څخه تردوو بجو پوری دکور دیپلوماتیك هیئت اودماپښینه وروسته ددوونیمو بجو څخه تردری نیمو بجو لښکری او کشوری عالی رتبه مامورین دکتاب دامضا کولو اوداعلیحضرت همایونی دتولد دورځی دتبریك دپاره ددلکشا ماڼی ته تللی وو .

۲۳ دمیزان

یا

دوطن دنجات نیکمرغه ورځ

دمیزان په ۲۳ ورځ چه داورځ دافغانستان ملت ته ډېره گرانه اومسعوده ورځ ده دافغانستان ملت داورځ دخپلو ملی اخترو په شان بختوره اوقدرمنه گڼی ، ځکه چه ددې بختوری ورځی قدر اواهمیت دافغانستان ټول ملت ته ثابت اومعلوم دی چه په دې ورځ دوطن دافق توری پردې په نیك مرغی اوسعادت بدلی شوې او ددې محیط څخه نفاق اودوینو تویول دوطن دصحیحو اخلاقو یعنی اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهید (رح) اودهغه دفدا کارو ورونو په قوی متو اوصحیح تدابیرو له منځه ورك شول .

له دې کبله دافغانستان قدر پېژندونکی ملت ددغه ورځی اودمملکت دصالحو ننگیالیو زامنو دهغه خدمتونو په یاد گار چه هیڅکله به ئی داملت هېر نکړی په دې بختوره ورځ جشن کوی اوپه دغه ورځ ټول رسمی اوملی دوائر تړلی وی اودغه ورځ ټول ملت دخپل لوی خدای په شکر اودوطن دمنجی اعلیحضرت شهید (رح) په امتنان اوشکر گذاری تېروی ، سږ کال هم لکه دنورو تېرشو وکلونو په شان په ۲۳ دمیزان ټول رسمی اوملی دوائر که په مرکز کښې او که په ولایاتو کښې تعطیل وو اوپه ډېر صمیمیت اواحترام خلقو خپل خالصانه ادعیات داستقلال دمحصل اودافغانستان دنجات ورکوونکی پرفتوح روح ته تقدیم ول اود خپل زلمی پاچا دبختور سیوری لاندې ئې دخپل مملکت دپاره دپاك خدای څخه ددائمی سعادت اوترقی سوالونه کول.

دبې وزلو په باره کښې شاهانه مراحم

دنورو کلونو په شان د افغانستان محبوب پادشاه همایونی اعلیحضرت د شاهانه وزارت دربار په توسط دکابل دبلدیې ریاست ته مکفی روپۍ ددې دپاره ولېږلی چه په مستحقینوئې ووېشی .

وفيات :

دوالاحضرت شهزاده محمد اكبرخان

حسرت ناك وفات

په ډېر تاسف په دې كالني كښې ليكو ، چه والاحضرت شهزاده محمد اكبرخان دا عليحضرت محمد ظاهر شاه د افغانستان د گران پاد شاه مشرزوی اود زړه ټوټه ، اود پښتانه ملت دسترگو تور د قوس په (٥) د شپې پر يوه بجه د (٩) كالو اودرو میاشتو په عمر د انفلوئنزا اوير قان په ناروغی وفات شو ، اوهمايونی اعليحضرت او ملكه صاحبه او ټول ملت ئې غمجن او وير جن كړه . «اناللّٰه وانا اليه راجعون»

دې وير زياتوونكی خبر د ټولو طبقاتو په زړو كښې ژور تاثير كړی ، او د پښتانه ملت هر فرد ئې چه د خپلی شاهی كورنی سره د زړه مينه او علاقه لری زيات متاثر كړه ، دفقيد شهزاده وفات دومره غمجنه پېښه ده چه په ليكلو كښې پوره نه راځی .

دفقيد شهزاده جنازه پر (١١) بجو له ارگه را وايستل شوه د جنازی سره ج ع ، ج ، والاحضرت افخم سردار محمدهاشم خان صدر اعظم او والاحضرت غازی وزير حربيه ، و والاحضرت سردار عالی محمد داؤدخان د مركزی قواؤ قوماندان او ، ع ، ج والاحضرت سردار محمد نعيم خان د معارف وزير او د صدارت عظمی معاون او نور وزيران او د كور ديپلوماتيك هيئت ، او د اعيان او ملی شورا د مجلس اعضا او وكيلان ، لوړ مامورين او عسكری منصبداران ، مشايخ ، علماء او سپين ږيری په داسی حال كښې چه يوه مفرزه عسكر سره د خو تو پو په ماتمی ډول د جنازې پر دواړو خواؤ تلل پياده روان وه ، د سړك پر دواړو خواؤ اهاليو په عمومو ډول د ښهر د جنازی سره مشايعت كاوه د جنازی لمونځ د عيد گاه په مسجد كښې وشو . تر لمانځه وروسته ئې بيا جنازه په هغه لمری ترتيب د مرنجان د تپې خواته چه هلته د شاهی كورنی ادیره ده يووړه ، او دا فقيد شهزاده خاورو ته و سپارل شو چه تر (٢) ورځو پورې ئې د فاتحې اخېستلو مراسم چه د ملت او حكومت افراد و اشتراك په كښې دراود په خورا وير خاتمه و مونده .

مونږ په خپل نوبت دا عليحضرت معظم همايونی حضور ته خپل د زړه له كومی تاثرات عرض كوو او د خښتن تعالی څخه د ملوكانه ذات او معظمی ملكی او د شاهی كورنی د عمر اوږدوالی او سعادت او نېكمرغی غواړو چه د ملت ارزوگانی د دوی تر سيوری لاندی د سره شی .

هر کار که با شد وظیفهٔ محترم بو ده وشرط مقدم سعا دت حقیقی حیات شنا خته میشو د وسزاوار حرمت است.
« ف ،بیو همرت »

غ ، خیرمحمد خا ن پیلوټ او ب ،غلام ربانی خا ن میخا نیك د یکشنبی په ورځ (۷) د سرطان پر ۸ بجو چه دهوا بازی پرده کر ئي مشق کاوه ، متاسفانه ددوی طیا ری سقوط و کړ ا واوریې، واخیست دي دوونا کامو زلمیا نو دطیار ی دسقوط په اثرد اوی ښبتن ورحمت ته ځا نونه و سپارل « اناالله وانااليه راجعون » .

مرحوم خیرمحمدخان پیلوټ

دطیاری دقوماندانی له خوا ددوی دتکفین ا و تجهیز تر تیبا ت په رسمی دول سره ونیول شوه .

اشرف والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر ا عظم اوغا زی والاحضرت دحرب وزیر سردارشاه محمود خان اووالاحضرت سردارعالی محمد داؤد خان دمرکز دقواؤ قوماندان چه د وطن دوظیفه شناسو اوصادقو خدمتګار انو سره مینه لري تشریف راوړی و ، اونور د مرکز اوړ منصبداران اودطیا ی دقوماندانی ماموریں اوعلماء اوددي فقیدوزلمو خپلوان سره دیوی تشریفا تی عسکری تولی راغونډ شوی و ، دادواړه ناکا مه زلمیان دهوا بازانو په هدیره کښي چه ددوی تابوتونه په ښو ګلا نو او علم

مرحوم غلام ربانیخان میخا نیك

مبارك ښایسته اومزین شوی ودطیاری دګرته نزدی دمانپښین په یوه نیمه بجه خاورو ته وسپارل شوه ، اوزمونږ دمهربا نه حکومت له خوادفاتحی دمراسمو داجرا کولودپاره مکفی پیسی ددوی ورثو ته اعطا شوی .

مونږ هم په خپل نوبت ددي ارما نجنو زلمیانو په مړینه چه دعسکری مقدسی وظیفی په لاره کښي ئي خپل خوږژوند بایللی دی بخښنه اوددوی دنورو خپلوانو اوپاته شوو کسانو دپاره د زړ ه صبراوتسلیت غواړو .

عزم واردهٔ تو اگر با کار هم آغوش است ، آنگاه از غلامی آلام آزاد خواهی بود .
« ولرادا یکن بروت »

دنیا واقعات

په ۱۳۲۱ کښې

ښاغلی « رښتیا »

دا کال هم لکه درې نورکلونه په جګړو او خون ریزی تېرشو او لاتر اوسه پوری هیڅ یوه داسی علامه چه دجګړې دتمامېدو نښه شی مېنځ ته نه ده راغلې

په دې کال کښې دجګړې په جریان کښې څه داسی مهم تغیر چه دحرب په قیافه یامقدراتو کښې غټه اغېزه ولری ، نه دی پېښ شوی بلکه د ۱۳۲۲ کال په سرلی کښې دجنګ ننداره تقریبا هغسی ښکاری چه دپروسنږ کال په اوله کښې معلومېده . دروسېې او جرمنی جنګو نه هماغسی جاری دی ـ دروسیانو دژمی جوابی حملی که څه هم خاتمه نه ده موندلې منګر بیا هم المانیان دپسرلی دلوئی حملې د پاره جمع آوری کوی ـ انګریز او امریکه بیاهم المان تهدیدهوی چه ژر به په اروپا کښې ددوی عسکر کښته شی لیکن تردې وخته پوری ددې حملې د نژدی والی اثر اوعلامه نه لیدل کېږی لکه چه پروسنږ کال هم عیناً دغه وضعیت و ـ کوم فرق چه راغلی هغه په شمالی افریقا کښې

ښاغلی سید قاسم خان « رښتیا »

دمتحدینو دعسکر کښته کېدل دی چه دتېر کال په دوهمه برخه کښې شروع شوا ولاتر اوسه پوری دټولی قطبی افریقې په لاس ته راوستلو کښې کامیاب شوی نه دی اومحوریانو دتیونس په یوه برخه کښې خپل ځان ټینګ کړیدی .

دبلی خوا په شرق اقصی کښې هم په دې یوه کال کښې تقریباً حربی وضعیت څه مهم فرق ندی کړی . جاپانیان پس له هغه څخه چه ملایا ، شرق الهند ، برما ، ونیول او د هند سرحد او داستریلیا دروازې ته ورسېده توقف ئې وکړ او خپل قوائې د چین خواته متوجه کړه چه تردې وخته پوری دچینیانو سره په جګړه بوخت دی . او کومه فیصله کوونکی نتیجه نده پیدا شوې . په مقابل کښې ئې

د دنیاځینی مهم اشخاص

ستالین داتحاد شو روی رئیس الوزراء

دانگلستان صدراعظم ونستن چرچل

کونت چیانو دایطالیا پخوانی
خارجه وزیر

لاوال د فرانسې صدراعظم چه دالمان
سره همکاری کوی

د دنیا ځینی مهم اشخاص

روزولت دامریکا دمتحده ممالك
رئیس جمهور

جنرال ژوکوف
دمسکو مدافع

مارشال تیموشنکو د سرو لښکرو
د قوماندانانو څخه

مارشال رومل دمحور قوماندان
په شمالی افریقا کښې

جنرال مکارتر د متحدینو عمومی
قوماندان دبحر الکاهل په جنوب کښې

جنرال کیترو د دوگول
نماینده وژیرو ته

درراه حصول رحمت ایزدی دست وپای خویشرا بحرکت بیاور ، کار کن ، زحمت بکش ومتقی وعاقل باش . « فریدریش ویلهلم ویبر »

دمتحدینو قواؤ په آستریلیا اونیوزیلند اوهمدا رنگه په هندوستان کښې خپل تدافعی قوت ورځ په ورځ زیات کړی اومخصوصاً پهدې محاذ اوهمدا رنگه په مغربی محاذ کښې ئې خپل فضائی قوت تهډېره ترقی ورکړې ده .

دادیددې کال دواقعاتوعمومی ننداره چهپهیونظر ښکاری . یاتهشوزمونږ گران افغانستان اوزمونږ سیاسیاوبینالمللی وضعیت پهدې کال کښې . زمونږیوهاوخیر غوښتونکی حکومت چهدخپل ملت اوخصوصاً دنړۍدوگړوعموماً صلح اوآرامی غواړی اوددنیاد قومونو اودبشریت دترقیدپاره صلح غوښتونکی سیاستخوښوی‌اودملکو دجنگونوځخهډېر متالم دی،لکهچه دجگړې دشروع کېدو پهوختئې خپله کامله بیطرفی فیصله اواعلان کړی اوبیائېدتېرکال پهلویهجرگه کښې همهماغه دبیطرفی سیاست تائید کړی دی، ترننورځی پورېئې هماغه بیطرفانه سیاست ته دوام ورکړی دی او آینده همترڅو چهزمونږ پهخاوره ، استقلال او حقوقو دکمیخوا تجاوز ونشی دواموررکوی . اوپهآرامی اوصلح آمیزژوند پهخپلو مادی اومعنوی ترقیاتو بوخت دی پس لدې ضروری مقدمی اوسنو دهریو محاذپهشا وخوا کښې ځینی تفصیلات وړاندی کوو :

<u>شرقي محاذ</u>: پهدې کال کښې هم دجنگو پهمحاذاتو کښېدې محاذ ترټولو زیات اهمیت درلود . المانیانو چه د ۱۳۲۰ کال په ژمی کښې دروسیانو د جوابی حملو په مقابل کښې ځینی ځایونهلکه (روستوف) دلاسه ورکړیو، دپسرلی پهسر کښېئې دمهمو حملو په اثرچه دڅور پهنیمائیپهخورازورشروع شوی، ډېرتهونیول اودهغویدنوی کال نقشهداسیوهچه دمسکو اودلینن گراد پهمحاذ کښې خپلفشارته دوام ورکړی لیکن حمله ونهکړی بالمقابل خپل زیاتره قوه دجنوب پهمحاذ کښېواچوی اوکوښښوکړی چهقفقاز ونیسی اودچاپانیانو دیو ځای کیدلو پهمقصد کښې دایرانله لاری‌خپلځان هندوستانتهورسوی . هغهوچهالمانی فوځونهپه ډېرشدت سره خپلیرغل شروع کړ، اودروستوف او کرچ پهذریعه په قفقازکښې ننوتهشوهاویوه برخهیې دقفقاز دتېلویعنی جنوب‌خواته روانهوه اوبلیبرخی یېدستالین گرادمهم ښارخواته حملهوروړه روسیانوهم پهډېر کوښښ اوزړهورتوب خپلمقاومت تهدواموورکړ ـ نتیجهداشوه چهدژمی دنژدی کېدو پهوخت کښې پهقفقاز کښې المانیقواتو اصلی کوهقاف پوری ورسېدل اودمایکوب تیل‌یې ونیول‌لیکن‌په شمالیبرخه کښې دستالینگراد پهښار کښې ېراتهو . ژمیچهنژدیشو اود شوروی عسکر دشمال اود جنوب دخواو خپله قوهتولهکړه پهیوځورا شدیدیرغلئې پیلوکړ چهپهنتیجه کښېجرمنی قواؤچه پههغه ښار کښېودنورو جرمنیقواؤ څخه بېلشول اوتقریباً درې‌لکه نفرمحاصره شول اوپس له دوه میاشتو کلکمقاومت څخهئې چهځهزیات دریمه برخه پاتهوه ځانونه تسلیم کړل . په جرمنی کښې ددېماتی پهنسبت دماتممراسم ونیول شوه . دبلیخوا روسیانو پهقفقاز کښېهم دعقرب پهمیاشت

سختی‌ها وفلاکت‌های زندگی در برابر مرد با اراده وکارکن همیشه فراری میشوند .

« ریشار دتشوسمان »

کښې خپلې متقابلې حملې شروع کړې او جرمنیان ترشا شول او خپل ټول قوت ئې په شمالي کوبان کښې سره یو ځای کړل .

د روسیانو یرغل د ژمي په وخت کښې خورا پراخوالي او شدت وموند ځه رنګه چه پله پسې په (وروونژ) او (لیننګراد) او (ولی کی ای لوکی) او (رژف) کښې هم جوابي حملات شروع شول او لیننګراد پس له ۱۸ میاشتو څخه د محاصرې نه خلاص او یو ورتنې ښارونه بېرته ونیول شول . د ژمي په اخر کښې د روسیانو د یرغل په اثر د (او کراین) په محاذ کښې (روستوف) (وروشیلوفګراد) او خارکوف او ډېر نور مهم ښارونه د سر ولښکر ولاس ته را غلل . او شوروي قواؤ د (دون) او (دونتس) رودونه ترشا پرې اینبې، د (دنیپر) په طرف مخ کښې روان و . په قفقاز کښې هم د المانیانو په لاس کښې یوازې د کوبان شمال غربي برخه د (نوفوروسسك) او (کرچ) بندر و سره پاتې و . په دې وخت کښې المانیانو جوابي حملې شروع کړې او په او کراین کښې ئې د (خارکوف) او د (بېلګورود) ښارونه سره له ځینې نورو ځایو ونیول او د دونتس د سیند غاړو ته ور سېدل چه لا تر اوسه پورې د دې سیند په دواړو خواؤ جګړه جاري ده . له بل طرفه د ژمي په آخر کښې په مرکزي او جنوبي محاذاتو کښې د اوررو دو یلي کېدو وخت راغی او د دواړو خواؤ په عملیاتو کښې ئې سکته پېښه کړه اوس چه نوی کال شروع شوی د روس د محاذاتو عمومي وضعیت دا لاندې رنګ لري : .

د دونتس په محاذ کښې المانیانو ډېره قوه سره یو ځای کړې ده او د هواد ښه والي انتظار لري چه نوی یرغل شروع کړي . دا یرغل لکه چه د المان د نظامي تبصرې څخه معلومېږي دا مقصد لري چه روستوف په لاس راوړي او بیا په قفقاز باندې حمله وکړي . لیکن دا تر اوسه پوري معلومه نه ده چه بیا به په ستالینګراد باندې یورش وکړي که یه . په مسکو او لینن ګراد او نورو محاذو کښې لکه چه د المان د حربي نقشې څخه څرګندېږي په دې کال کښې اغلبا فکر دادی چه المانیان په دې ځایو کښې دفاعي وضعیت ولري او خپله ټوله قوه په جنوبي محاذو کښې صرف کاندي .

روسیانو هم د مدافعې د پاره پوره ترتیبات نیولي او په هر محاذ کښې ښه مضبوط موقعیتونه په لاس لري او څه رنګه چه د هغو دا وسنی کوښښو څخه چه په مرکزي جبهه کښې ئې د (سمولنسك) د ښار د رسیدلو د پاره کوي ښکارېږي چه هغوی به هم په او کراین او قفقاز کښې چه د المان د نوی حملې مقابله کوي ، په مرکزي او شمالي محاذو کښې خپل یرغل ته دوام ورکړي او د المان دار کان حرب د پلانو د ماتولو د پاره به ډېر کوښښ وکړي .

په هر صورت، اوس د روسیې د جګړو د نتیجې په شاوخوا کښې هیڅ پیشګوئي امکان نه لري ځکه چه په دې محاذ کښې په دو تېرو کالو کښې ټولې پیش بیني ګانې غلطې ثابتې شوې. خلص دومره ویلای شو چه سږ کال دواړو خواؤ خورا ډېره تیاري کړې ده او ډېر امکان لري چه په دې کال کښې د دې محاذ د جګړې سرنوشت معلوم شي.

د دنیاځینې مهم اشخاص

د ترکیې رئیس جمهور عصمت انینو چه دوهم واربیا په ریاست انتخاب شویدی

جنرال آیزن هاور دمتحدینو عمومی قومندان په شمالی افیریقا کښې

ولیم فلیس دروزولت شخصی نماینده په هند کښې

ایمرې دهند وزیر

د دنیا ځینی مهم اشخاص

جنرال ولسن دانګلیس دقواوقوماندان
په شرق وسطی کښې

جنرال آکن لیك دانګلیس پخوانی قوماندان
په شرق وسطی کښې

مارشال ورو شیلوف دسرولښکرو
د قوماندانانو څخه

دارلان په افریقای شمالی دفرانسویانو
زمامدار چه ووژل شو

د روز ولت اومولوتوف ملاقات په واشنگتن کښي

دموسولینی او هتلر یوملاقات په‌تیر کال کښې

ادمیرال دونتس د المان نوی بحری قوماندان

سهيلى افريقه :

دتير كال په آخر كښې په سهيلى افريقه كښې وضعيت داسې ؤ : پس له هغه چه روميل په جوابى حمله شروع وكړه ، انگريزان ترشاشول او ترالغزالى پورى ئې چه په ليبيا كښې (تبروك) ته نژدى ده ځانونه ورسول او دلته ودريدل المانيانو هم ددې لامله چه خورا او زده لاره ئې طى كړى وه توقف وكړ . ددواړو خواؤ څخه تيارى بيا شروع شوه او پس له څو مياشتى تيارى روميل پيش دستى وكړه او يرغل ئې شروع كړ (١٥ دجوزا) او دتانكو په قوت ئې انگريزانو او فرانسويانو ته شكست وركړ او ترالعلمين پورى چه په مصر كښې داسكندريې دبندره څخه لږ فاصله لرى غليم دمخ گرز ولو په مقصد كښې كامياب نه شو او تبروك هم ديو شديد يرغل په اثر كښې سقوط وكړ . په دغه وخت كښې ټولو خلقو گمان كاوه چه محوريان به په ټول مصر استيلا وكړى . ليكن څه رنگه چه د روميل قوا ډېر ستړى شوى وا وجبه خانه ئې ختمه شوې وه . نو په العلمين كښې ودريدل . بيا دلته (٤) مياشتى ددواړو خواؤ تيارى جريان درلود . انگريزانو خپل قوماندانان (اكن ليك) او جنرال (ريچى) هم تبديل كړ او جنرال الكزاندر چه پخوا په برما كښې قوماندان ؤ ـ دهغه په عوض او جنرال (مونت گومرى) دهغه په زير دستى مقرر شو . دې جنرالانو وروسته له ښو تياريو څخه د (عقرب په شروع كښې) پر روميل باندى حمله وكړه او روميل ترشا او دمصر څخه خارج شو او پس له څه وقفى چه انگريزانو ته نوى سامان او امدادى قواور سيدله ، دانگريز داتم لمبر اردو مارش دوام وكړ او روميل دتبروك او بنغازى څخه هم ترشاشو . په دى وخت كښې يوه بله واقعه هم په افريقا كښې پيدا شوه . هغه دا ده چه انگريزى او امريكائى قواسره له ډېرو حربى مهماتو دفرانسوى افريقا په شمالى برخه كښې يعنى په مراكش او جزائر كښې كښته شول (١٧ دعقرب) او اعلان ئې وكړ چه مونږ دفرانسې د آزادى د پاره راغلى يو د بلى خوا المانيانو او ايطالويانو هم خپله قوه تونس ته واستوله چه د تيارو او كشتيو په ذريعه ئې ژر ترژره د تونس او د بيزرتا بندر ونه او د تونس شرقى سواحل ونيول . هر كله چه په مراكش او الجزيره كښې د امريكائيانو او انگريزانو په مقابل كښې د فرانسوى منصبدارانو دخوا جدى مقاومت ونه شو او (دارلان) چه پخواد (پيتن) نائب او په دې وخت كښې د عمومى سپه سالار په حيث افريقا ته راغلى و د امريكائى جنرال (آيزن هاور) سره ئې موافقت وكړ او فرانسوى مامورينو او عسا كروته ئې امر وركړ چه دجگړى څخه لاس واخلى ، نو المانيان او ايطالويان دويشى دفرانسې په خاوره كښې هم داخل شول او ټوله فرانسه ئې ترجنوبى ساحله اودكورس دجزيرې پورى ونيول او د پيتن دا عتراض په ځواب كښې ئې وويل چه متحدين غواړى چه په جنوبى اروپا كښې عسكر كښته كړى ـ او څو ورځى وروسته چه المانيان دفرانسې دبحريې دنيولو عزم وكړاو وئې ويل چه دوى آزادوى دوى به هم متحدينو سره ملحق شى نو دفرانسې ٥٠ بېړيو د (تولون) په بندر كښې ځانونه ډوب كړه

اونورو بېرېوچه په نورو ځایو کښې وې د متحدینو سره ملحق شول په دې وخت کښې د افریقا جنګونه بېرته شروع شول . د یوې خوا اتم لمبر اردو بیا پرر ومل باندې یرغل شروع کړ او د بلې خوا انګریزي او امریکائي فوځونه د مراکش او الجزائر څخه تېر شوه او تونس ته ورسېدل دلته هم جګړه شروع شوه . لمړی محوریانو ښه مضبوط هوائي قوه تشکیل کړه او د متحدینو په مقابل کښې مواصلاتي او زمیني موانع او مشکلات پېښ کړه - بیا هم د تونس جنګونو تر اوسه پورې دا منه پیدا کړې او فیصلې ته نه دی رسېدلی اتم لمبر اردو پس له هغه چه رومل ته په العقیله کښې ماتې ور کړه د لیبیا مرکز ترابلس ئې هم و نیو او د جنوبي خوا او په تیونس کښې داخل شوه او د محور اردو د تونس په جنوب شرق کښې د (مرات) په استحکاما تو کښې ځای و نیو لیکن انګلیسي اردو د هغه ځایه څخه هم دوی تر شا کړه د بلې خوا د امریکا دوهم اردو او فرانسوي قوې او د انګلیس اول لمبر اردو د جنوب او مغرب او شمال له خوا د تونس پر المانیانو او ایطالیانو باندې فشار اچولی دی . معلومه شي د محور قوا به په دې کو چنی ځای کښې تر کمه وخته پورې مقابله و کړي .

د متحدینو په محافلو کښې ویل کیږي چه ژر به د تونس جنګونه فیصله شي او د متحدینو قوا به په جنوبي اروپا باندې یرغل شروع کړي محوریان هم پر له پسې د ایطالیا په سواحلو او د فرانسې په جنوب کښې استحکامات جوړوي . دا مسئله هغه سوال پورې ارتباط پیدا کوي چه د یو کال راهیسې د هری خولې څخه اورېدل کیږي چه کله به متحدین پر اروپا باندې یرغل شروع کړي ؟

د دې سوال ځواب سږ کال هم لکه پروسږ کال نامعلوم دی منګر متحدینو په افریقا او انګلستان کښې خورا ډېره قوه سره یو ځای کړې ده . او د دوی مهم اشکال د جهازو نو قلت دی چه د داسې یو مهم اقدام د پاره لمړني شرط بلل کیږي او د بلې خوا جرمنیان هم په دې مسئله باندې پوهیدلی دی او په عین زمان کښې چه د اروپائي غربي او جنوبي او شمالي سواحل ټینګوي او ښارونه د ملکي وګړو څخه تخلیه کوي تحت البحري ګانو خواته هم ډېره تو جه لري لکه چه متحدینو اعتراف کړیدی دا و بتلانو خطر د متحدینو د پاره خورا مهمه مسئله ده . دا هم باید وویل شي چه په دې کال کښې دانګریزانو هوائي طاقت خورا ترقي کړې او د المان پر خاوره او د متصرفې اروپا پر ښارونو باندې مسلسله بمباري کوي او د المان د فضائي قوې د مصروفیت څخه په شرقي او افریقائي محاذا تو کښې استفاده کوي او خپل فشار پر غربي اروپا کښې زیاتوي .

لیري شرق :

دلته لکه چه په مقدمه کښې مو وویل په تیر کال کښې څه مهم تغیر نه دی پیدا شوی . جاپانیانو وروسته له هغې چه تول برمائې و نیوله او د برما او چین سړك ئې قطع کړ د آسام او د بنګال په سرحدو کښې ودرېدل او د بلې خوائې د فلپائن او شرق الهند د جګړو د فیصله کولو څخه وروسته هر کله چه په نیو ګیني کښې (چه د آستریلیا په شمال کښې واقع دی) کښته شوی ؤ - په آستریلیا

کتب مقدسه برای شخص لایعقل چه کرده میتواند؟ آئینه برای کور فائدهٔ رسانده نمیتواند. (کالی داسا)

د تحریراتو مدیر	:	ص ، عبدالقدیرخان
د فوائدعامي دمدیریت کفیل	:	« ، محمدسرورخان
د معارف مدیر	:	« ، خواجه گلبدینخان
د احصائیي «	:	« ، عبدالظاهرخان
د صحیي «	:	« ، نظام الدینخان
د مخابراتو «	:	« ، غلامغوث خان
د خزاني «	:	« ، حاجی گل محمدخان
د کرهني «	:	« ، محمدزمانخان
د مطبوعاتو «	:	« ، محمدهاشم خان « پردیس »
د منازعاتو دفیصلي رئیس	:	ع ، ص عبدالقادرخان
د اطاق تجارت رئیس	:	ع ، ص سید محمدخان
د ادبی انجمن مدیر	:	ص ، عبدالعلی خان « شایق »
د تلگراف منتظم	:	« ، عبدالرحیمخان

د مزارشریف ولایت

نائب الحکومه	:	و ، ج گل احمدخان
مستوفی	:	ع ، ص عبدالکریمخان
د کوتوالی قوماندان	:	ح ، سیدکمالخان
د ژاندارمه دلواء کفیل	:	« ، عبدالجلیل خان
د مرافعی دمحکمی قاضی	:	ف ، ملاعبدالرحمنخان
د تحریراتو مدیر	:	ص ، عبدالسمیع خان
د گمرك «	:	« ، حبیب اللهخان
د معارفو «	:	« ، محراب الدینخان
د صحیي «	:	« ، صفرعلیخان
د احصائیي «	:	« ، محمد اسلمخان
د مخابراتو «	:	« ، نقیب الله خان
د مطبوعاتو «	:	« ، عبدالصمد خان « جامد »
د فوائد عامی «	:	« ، ....
د حمل ونقل «	:	« ، دوست محمدخان

د دنیا ځینې مهم اشخاص

د ادانا کنفرانس « چرچل او عصمت اینونو »

جنرال دوګول د آزادو فرانسویانو رئیس

توژو د جاپان صدر اعظم

ددنیا ځینی مهم اشخاص

نحاس پاشا دمصر رئیس الوزراء

سهیلی دایران رئیس الوزراء

د چین زمامدار مارشال
چیانګ کای شک

دچیانګ کای شک ماندینه چه‌اوس
په امریکا کښي ده

در گیتی که زندگی داریم هر کار در اجرای خود محتاج به خوشی و مسرت می باشد .

« میلتن »

یرغل ونکړ ،لیکن ټول هغه قوائې چه ددې جزائرو داشغال څخه وروسته فالتو پاته شوی و په چین کښې واچول چه د چین مقاومت بیخی فیصله شی . منګر دلته سره له هغه چه د متحدینو د امداد لار وچین ته بیخی بنده شوه د چینیانو له سختی مقابلې سره مخامخ شول او لا تر اوسه پورې د چین په محاذاتو کښې څه بارز فرق نه لیدل کیږی . انګریزان چه لمړی د جاپان د حملې څخه پر هند باندی یر یشانه و وروسته له هغه چه د جاپان د خوا کوم حرکت معلوم نه شو او د بلې خوا د برسات موسم ور سید او په برما کښې جګړه مشکله شوه په دفاعی ترتیباتو مصروف ؤ. جنرال ویول ته دهند قوماندانی ورکړه چه تردې وخته پورې د عسکرو او د سامانو په غونډولو او د سرحد و په استحکام بوخت دی . د تیر کال په آخر کښې جنرال واول په برما کښې څه اکتشافی پیشرفت وکړ او د اراکان دره ئې ونیوه ـ هوائی جنګونه هم په دې محاذ کښې شدت کړی او انګلیسی او امریکائی فضائی قوه د جاپان پر مواقعو بمباری کوی امریکائی عسکر هم هند ته راغلی دی ـ په دې نژدې ورځو به بیا برسات شروع شی په دې حال کښې چه په ښې هوا کښې هیڅ طرف په اساسی یرغل پیل ندی کړی صرف دغو مره وشو چه جاپانیانو اراکان بیرته ونیو . د بحر الکاهل په جنوب غرب کښې هم د جاپانیانو توقف آستریلیائیانو او امریکائیانو ته موقع په لاس ورکړه چه خپل تدافعی قوة زیات کړی . آستریلیا د امریکې څخه امداد و غوښت او امریکه خپل مشهور جنرال (مکارتر) چه په فلپائن کښې و ددې منطقې عمومی قوماندان مقرر او بری ،بحری او هوائی ټولګیوته په دې محاذاتو کښې ورو استاوه ـ چه د هغه په اثر د کال په پای کښې آستریلیائیان وکولای شی چه په نیوګینی او دسلیمان په جزائرو کښې پر جاپان جوابی حملې وکړی او ځینې ځایونه لکه دګوادال کنار جزیره او دبونا علاقه (په نیوګینی کښې) د جاپانیانو څخه بیرته ونیسی او هم دارنګه د جاپان د بحریې مکرر حملات رد او دواړه خواؤ تاوانونو متحمل شول .اوس په دې محاذ کښې هم یورنګ موازنه په نظر خوری اولکه چه متحدین وائی اوس د جاپان یرغل په آستریلیا باندی لږ احتمال لری .

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

اوس به په سیاسی اوضاعو باندی هم یو نظر واچوو :

متحدین :

په دې کال کښې د متحدینو په مینځ کښې یعنی د انګریز ، امریکه ،روسی ،او چین تر مینځ چه د مشترکو دښمنانو پر ضد جګړه کوی ،روابط وروورو قوی شویدی او بالخاصه د انګریز او امریکې اتحاد د چرچل او د روزولت ددوو مهمو کنفرانسو په اثر کښې په لمړنی تیر پسرلی په واشنګټن کښې او ددوهم ژمی په اوسط کښې په شمالی افریقا (کازا بلانکا) کښې منعقد شولا ترقی کړې ده . د کال په پای کښې ایدن د انګلستان د خارجې چارو وزیر هم واشنګټن ته تللی او د آینده حربی او سیاسی پلانو په باره کښې د امریکا دواك والانو سره مذاکره وکړه .

در هنگام مصیبت آنچه را سرشك تو نمیتواند حل نماید عرق ریزی تو بخو شی آن گره را بازمیکنند . « گیبل »

امریکائیانو د پری وسلې جوړی او دمتحدینو محاذاتوته ئې واستولې اوقیمتې یې هم دقرض او اجارې په صورت حسابوی . دامریکا عسکر هم ورځ په ورځ ډیر یږی اوهری خواته رهی کیږی داتازونی حکومت نورو امریکائی حکومتوته هم تشویق ورکړی دی چه د محوریانو سره خپل روابط قطع کړی او ددوی سره دجګړې اعلان وکړی دارنګه چه اوس یوازی ارجنتائن او چلی پاته دی چه لا تراوسه ئې دمحوریانو سره دجنګ اعلان نه دی کړی. امریکائی قواؤدفرانسې په اکثرو مقبوضاتو کښې چه په بحر الکاهل یا په افریقا کښې وپه ځینی ځایو کښې د انګریزانو په ملګرتیا اوپه ځینو کښې یوازی پخپل قوت خپل نفوذقائم کړی دی. لکه دا کار ، مارتینیك اونور. انګریزان هم دمدغا سکر جزیره چه دجنوبی افریقا په شرقی ساحل کښې پرته ده اشغال کړه او وی ویل چه په دی جزیره کښې جاپانی او بتلان خپل مرکز قائموی روسیانو دخپلو متحدینو څخه یوازی همدغه آرزو ښکاره کړه چه هغه دزیاتی اسلحې مرسته اوددوهم محاذ جوړول دی ضمناً په تیردوبی کښې چرچل شخصاً مسکوته تللی اودستالین سره ئې ملاقات وکړ او هغه ته ئې دمتحدینودامداداوددوهم محاذ په باره کښې اطمینان ورکړ چینیان هم دبرما دسړك بیرته پرانیتل غواړی چه ددې لاره دوی ته بیا اسلحه په لاس ورشی او پر جاپان باندی یرغل شروع کړی . په شمالی افریقا کښې هغو مره چه حربی وضعیت مشکلات پیدا کړه ، سیاسی حالات هم خورا مشکل شوه . لمړی چه دارلان د امریکائیانو سره موافقت وکړی واوداسی معلومیده چه پخوا تردی چه دامریکا اود ویشی روابط سره قطع شی دامریکائی سفیره سره ئې روابط درلوده اودامریکی اقدام په افریقا کښې دهغه په مصلحت سره شوی ؤ ، ده دافریقا اداره په لاس ونیوه او (ژیرو) چه دفرانسی دمهمو جنرالانو څخه دی هم دفرانسې څخه وتښتید اوافریقاته راغی اودارلان سره ئې همکاری شروع کړه ، دلته دجنرال (دو ګول) اوازادفرانسې دوګړو دخوا پر دارلان باندی چه پخوادویشی دحکومت نائب ؤ ، تنقیدونه وشوه لیکن دامریکاحکومت چه ددارلان همکاری ددې دپاره په دې وخت کښې خوراقیمت درلود د(دارلان) حمایت وکړ اوویلې ویل چه ترڅو چه حربی اوضاع تقاضا کوی مونږ د هر چا څخه استفاده کوو . بیا هغه وخت چه فرانس مستقل شو دفرانسې وګړی اختیارلری چه هرراز حکومت چه ددوی خوښ وی ځانته وټاکی . اوخپل حکومت هغه کسانوته وسپاری چه ددوی داعتماد وړ وی . بیاهم نزاع رفع نشوه او لکه چه دانګلستان په دارالعوام کښې بحث وشو ، دانګلستان وګړی ددارلان دروی کار کیدلو څخه اوددوګول دبی اختیاری څخه په افریقا کښې ؛ ناراض ؤ په دې ضمن کښې دارلان په الژیره کښې په یو اسرار آمیز شکل باندی ووژل شو اوقاتل یې چه

یوفرانسوی ځلمی وچه مورئي ایطالوی وه ـ دلنهٔ و مخفی محاکمی په اثر اعدام شو لیکن تحقیقات یی نشر نشوه اوو ویل شو چه یو حربی رازدی ددارلان په عوض (ژیرو) انتخاب شو او انګلستان او امریکا دواړو سعی وکړه چه دژیرو او دګول په مینځ کښې موافقت وشی څه رنګه چه د کازابلانکا د کنفرانس په وخت کښې ددوو جنرالانو په منځ کښې ملاقات وشو . اودواړو اعلان وکړ چه یو دبله سره په موافقت کار کوی. لیکن بیاهم تر او سه پوری دشمال افریقا اختیار یوازی دژیر و په لاس کښې دی اوځینی نور فرانسوی مقبوضات لکه سوریه اومدغا سکر او کویان اونور .... ددوګول دخوا اداره کیږی په دې ورځو کښې آوازه ده چه بیاژیرو او دوګول سره ملاقات کوی منګر امریکائی جنرال آیزنهاور دامشوره وکړه چه داملاقات څوورځې معطل شی چه دتونس مسئله فیصله شی ـ روسیانو په دې کال کښې خوراډیر کوښښ کړی دی چه خپل طاقت زیات کړی او المانیان دخپل مملکت څخه وباسی ـ ددې دپاره ئې دیوې خواخپل روحی طاقت او دخپلو عسا کرو تعلیم اوتربیې ته ډیره ترقی ورکړه اودبلې خوائې پر حربی تولیداتو باندی خورا زور واچاوه اونوی کارخانې ئې دمحاذاتو تر شاجوړی کړی اوشپه اوورځ کوښښ کوی ـ دمتحدینو څخه هم ډیری غوښتنی کوی چه زیات امدادورور سوی اودوهم محاذهم ژرتر ژره وپرانیتی دشوروی او دجاپان روابطو تر او سه پوری په مسالمت آمیز وضعیت دوام کړی او څو موده دمخه دماهیګیری قرارداد چه دهغه په قرار جاپانیان د (کمچتکا) داوبو څخه کبان ښکار کولای شی، دیو کال دپاره تمدید ورکړ شو اوجاپانیانو قبوله کړه چه په سلو کښې یو (ین) زیات ورکړی .

محوریان :

محوری دولتو هم په دې کال کښې په ښه اتحاد سره اقدامات کړی او مخصوصاً دالمان اوایطالیا روابط په خلاف دهغو پروپاګند ونوچه شوی واو دهغوو اقعاتو چه په افریقا کښې پیښ شوی ؤ خورادوستانه او ټینګ و ، اوهتلر اوموسولینی دری پلا سره ملاقات کړی اوددوی نوروو زیرانو هم څوواری یودبلی سره لیدل کړی دی. دهتلر او موسولینی لمړی ملاقات هغه وخت وچه انګلیسی اوامریکائی قواؤ په افریقا کښې کښتې شوی.او دوهم پلا دنوی کال په سر کښې و .هر کله چه جاپان دنورو محوری مملکتو څخه لیری پاته شوی دی بیاهم ترممکنه حده پوری ددوی په مینځ کښې مفاهمه کیږی اوځینی کنفرانسونه هم په برلین اوروم او توکیو کښې دهغوی دسفرا اونظامی نمایندګانو په منځ کښې منعقد شوی دی .

په دی کال دجګړې زور په المان اوایطالیا باندی خورا درو ند واو دوی هم په ډیر زړه ورتوب ددې فشار تحمل کړی خصوصا دستالینګراد دشکست نه وروسته په دې دواړو

مملکتو کښې ډېر شدید او مضبوط ترتیبات و نیول شوه. ټول وګړي دجګړې دپاره په آخري درجه مجهز شوه او په کار واچول شوه. ویل کېږي چه په تېر ژمي کښې المان او ایطالیا خو را لوی ترتیبات نیولي او غوښتل ئې چه سږ کال یوه فیصله کوونکې جګړه وکړي. دمتحدینو هغه تهدیدات چه وائي سږ کال به پر اروپا یرغل شروع کړي ددې مملکتو په نظر کښې دي او داروپا ټول سواحل خصوصاً د فرانسې او ایطالیا په سواحلو کښې ښه ټینګار کړی دی. دمحور نور ملګري هم تر اوسه پورې سره له هغو تلفاتو چه دوی ئې د شرق په محاذ کښې متحمل شوي دي او هغه افواهات چه د فنلیند او درومانیې دصلح غوښتو نکو اقداماتو په شاوخوا کښې نشر شوي و بې اساسه ثابت شوه دنوی کال په سر کښې د بلغاریا دشاه او درومانیې زمامدار او دمجارستان صدر اعظم په المان او ایطالیا کښې سفرونه کړي او خپل د ټینګار دهرې واقعې په مقابل کښې محور و ته ئې اطمینان ورکړی دی. منګر جاپان په دې کال کښې څه مهم حربي اقدامات نه دي کړي او داسې معلومېږي چه جاپان په دې عرصه کښې خپلو عساکرو ته د مهور کړي او غواړي چه خپل حربي طاقت زیات کاندي او ضایعات ئې تلافي او نقائص ئې رفع کړي. بیاهم په دې کال کښې د شمالي بحرالکاهل په علاقه کښې جاپانیان د الوشن پر جزائرو باندې چه د الاسکا (شمالي امریکا) څخه جاپان ته نژدې پراته دي، یرغل وکړ او ځینې داسې جزایر ئې ونیول چه د هغه ځای څخه پر جاپان بمباري ممکنه وه، همدارنګه سره دهغه فشاره چه دمتحدینو دخوا په جاپاني مواقعو په نیو ګیني او دسلیمان په جزایرو کښې په دې کال کښې راغی جاپانیانو خوراکوښښ کړی دی چه دغه مواقع پرې نږدي او په استرلیا باندې هم خپلو تهدیداتو ته دوام ورکړي. جاپانیان هم په سیاسي زمینه کښې خپلو دلیري شرق ملګرو سره لکه منچوکو، دملي چین حکومت، فرانسوي هندچیني، سیام (تایلیند) برما، او فلپاین خپل روابط زیات کړي او ددغو مملکتو دواك والانو کنفرانسونه ئې په توکیو او نورو ځایو کښې قایم کړي دي د کال په آخر کښې د ملي چین حکومت د متحدینو په مقابل یعنی دانګلیس امریکا پر ضد دجګړې اعلان وکړ. دجاپان صدر اعظم هم په نانکن (ملي چین) او هسنکنګ (منچوکو) کښې مسافرت وکړ او جاپان اعلان وکړ چه په دې کال کښې به برما او فلپائن ته ازادي ورکړشي پر چین او پر هند باندې هم لا تر اوسه پورې دجاپان د تعرض تهدید دوام لري لیکن کومه فیصله کوونکې نتیجه یا اقدام په دې نژدې او قاتو کښې نظر ته نه راځي.

نور ملکونه :

دارو پا بیطرفو ملکو تقریبا ټولو خپله بیطرفي ساتلې ده، سویدن او سویس چه دمتحدینو سره کوم ارضي ارتباط نلري او زیاتره دمحور سره اقتصادي روابط لري هماغه شان دځینو بین المللي مسایلو دپاره دمتحاربینو په مینځ کښې وساطت کوی هسپانیه او پرتګال چه دمتحدینو

د کښته کېږد وېه سبب په شمالی افریقا کښې ددوی موقعیت تر یوی اندازی یوری مشکل شوی و
بیا هم دهغه اطمینان په اثر چه امریکا او انګلستان ددوی د بیطرفۍ اوددوی د منافعو داحترام او
اقتصادی کمکونو په نسبت وکړه نسبتا خاطر جمع شول مګر سره له دی ئی هم خپلو حربی تیاریو ته
ترقی ورکړه . ترکیې هم په دی کال کښې لکه پخوا خپله بیطرفی وساتله اوددواړو متحارو سره ئی
دوستانه سیاسی ، اقتصادی ، او تهذیبی روابط ټینګ کړیدی چرچل هغه وخت چه شمالی افریقا ته

راغلی ؤ له خپلو سیاسی او نظامی ملګرو سره ترکیې ته هم راغی او په ادرنا (جنوبی ترکیه)
کښې ئی دعصمت اینونو ، سراج اوغلو اود ترکیې نورو عسکری اوسیاسی منصبدارانو سره ملاقات
وکړ اوددغه کنفرانس په اثر کښې اعلان وشو چه دانګلستان اود ترکیې په منځ کښې هماغسی

اتحاد باقی دی او انګلستان او امریکا ترکیې ته حربی سامان ورکوی اوددی امداد مقصد نه دی
چه ترکیه په جګړه کښې داخله شی بلکه ترکیه به هماغسی بیطرفه وی - دالمان سره هم د ترکیې
روابط ښه ؤ ، او اوس چه دامقاله لیکل کیږی اقتصادی مذاکرات په انقره کښې ددواړو مملکتو

ترمنځ جاری دی - د روسیې سره هم د ترکیې روابط هماغه شان په دوستانه طرز دوام لری د ترکیې
حربی او مطبوعاتی هیئتو نود محور او متحدینو په مملکو کښې دوره کړی او دهغو حربی
پیشرفتو نه ئی لید لی دی - دژمی په اخر کښې د هغو انتخاباتو په اثر چه په ترکیه کښې

دقانون اساسی مطابق وشوه ، عصمت اینونو دوهم وارد رئیس جمهور په حیث انتخاب شو او شکری
سراج اوغلو چه دمتوفی رفیق سیدام په عوض د ترکیې صدر عظم مقرر شوی و بیاد کابینې په جوړولو
مامور شو او هغه هم یوه داسی کابینه جوړه کړه چه اکثر مهم اعضا ئی هماغه پخوانی کسان و

تشکیل کړه . په مصر او نورو عربی مملکتو کښې څه مهم تغیرنه دی پیښ شوی - عراق دمحور یانو
سره دجګړی اعلان کړی دی - په ایران کښې غله دېره لږه شوېده او په دغه اثر کښې د قوس په
۱۷ په طهران کښې یوشورش پیښ شو اود شورای ملی اود قوام السلطنه (صدراعظم) د کور په مقابل
کښې مظاهرات وشوه په نتیجه کښې څو کسه مړه او ټپینی د کانونه چور شول ، په پای کښې قوام
السلطنه استعفا وکړه او (سهیلی) دهغه په عوض صدر اعظم شو او اعلان ئی وکړ چه د متحدینو سره به دهغه
قرارداد مطابق چه ددوی ترمنځ شویدی همکاری وکړی ، له دوستانو او همسایه مملکتو سره به دوستانه
روابط وساتی او عمرانی او اقتصادی خصوصا دغلی دبرابرولو وضعیت ته به ډېره توجه وکړی -

دهند وضعیت سږ کال دیوه مهم بحران څخه تیر شوی دی . وروسته له هغه چه د (کریپس) پلان ناکام
شو او هغه تشکیل چه کریپس پیش نهاد کړی و ، دهند ټولو مهمو حزبو څخه تردید شو . دکانګرس
حزب دنافرمانۍ فیصله وکړه او داسد په میاشت په آخر کښې دنافرمانی اعلام وشو دهند حکومت
ګاندهی او نور کانګرسی مشران توقیف کړه او دنافرمانۍ په مقابل کښې او دهغو مظاهراتو

پر ضدئی چه د کانگرسیانو له خوا پر هغه ځای کښې کېدل قوه استعمال کړه چه په دغه اثر کښې څه کسان ووژل شوه د کانگرس اغتشاش د کال په آخر کښې تخفیف پیدا کړ په دې ضمن کښې گاندهی دیوویشت ورځو پوری فاقه اختیار کړه اووئی ویل چه دافاقه دهغه تهمت په اثر ده چه دهند حکومت په کانگرس باندی ویلی دی چه دوینو تویول چه په هند کښې پیښ شوه مسئولیت ئی د کانگرس پر ذمه دی . د گاندهی فاقی په داسی حال کښې چه خورا ضعیف شوی وخاتمه وموندله او گاندهی دهند د حکومت هغه پیشنهاد چه دی دې دفاقی په وخت کښې ازادوی ونه مانه اووئی ویل چه زه مشروطه ازادی نه منم - دبلی خوا دمسلم لیگ حزب هم د پاکستان په مطالبه ټینگ دی اود خپلی همکاری دپاره ئی داخبره لمړنی شرط اعلان کړی ده - دلندن په پارلمان کښې دهند په باره کښې څو واره بحث وشو اوهر وار دبرطانیی دحکومت نماینده وویل چه تر څو پوری چه کانگرس دنافرمانی څخه لاس وانخلی او اعلان ئی نه کړی تر هغه پوری دحکومت سیاست تغیر نه خوری بیاهم د (کرپس) پیشنهاد لاتر اوسه پوری معتبر دی او که چیری دهند احزاب یو دبله سره اتفاق کوی دهند اداره دوی ته ورکول کیږی، اوور وسته له جگړی څخه په هر صورت هند ته یو اتحادی حکومت اود دومنیون درجه ورکول کیږی دهند دنورو بیطرفو مشرانو اقدامات چه دد ی سیاسی وقفی درفع کولو دپاره ئی کړیدی هم نتیجی ته نه دی رسیدلی اوس په هند کښې تقریباً قراری ده او دهند حکومت په حربی ترتیباتو بوخت دی .

سږ کال دچین او د هند روابطو ترقی کړی او چیانګ کائی شاك له خپلی ماندینی سره هند ته راغلی و، او اوس هم دچین یو عرفانی هیئت په هند کښې دوره کوی دچیانګ کائی شاك ماندینی امریکا ته تللی ده اوویل کیږی چه انگلستان ته به هم ولاړه شی .

هر که بشما گفت بدون کار و اقتصاد متمول شده میتوانید این چنین شخص شما را فریب میدهد ومرد خائنی است . «بن یامین فرانکلن»

پشتو و پشتو لوگها

ښاغلی امین‌الله خان زمریالی

علمای زبان، زبانرا به‌اجسام واجساد حیه تشبیه نموده و گویند عوارضیکه حین حیات به‌شی ذیروح واقع شدنی‌است زبان نیز دچار آن می‌شود زیرا هرچیز یکه بحیات اجتماعی بشر رابطهٔ مستقیم دارد مولود حیات اجتماعی بوده همیش به ناموس تطور وتکامل منقاد ومطیع است پس زبان که با حیات انسان قرابت قریب ورابطهٔ نزدیك رادارا است نیز درقدرت واختیار تحول وتکامل است.

ښاغلی امین‌الله خان زمریالی

بلی ! وقتیکه‌ما اوراق تاریخ راورق میزنیم می بینیم طوریکه اقوام وملل امروزهٔ دنیا آن اقوام وملل‌است که از نژادهای بزرگ سلف نشئت نموده ودارای قومیت وملیت جداگانه شده‌اند بهمان اندازه زبانهای‌شان نیز دردوره های مختلف اززبانهای اساسی وبزرگی منشعب شده شخصیت مستقلی برای خود کسب کرده‌اند چه‌زبانیکه دردنیای امروز تحت قانون تکامل صاحب مقام شامخ وبلند ودارای ذخایر وهستی علمی وفنی است زبان دیروز نبوده وهمین فرق بارز تکامل مدنیت وعلم سبب بزرگ تفرقه‌وتمیز بوده وباید زبان دیروز وامروز دارای شخصیت وامتیاز جداگانهٔ باشند .

درصورتیکه معیار اعتبار تکامل، وتکامل هم باثر تحول ظهور وبه‌وجود می آید پس اعتبار قدامت زبان ازبین‌رفته دارای اهمیت نیست ونه جدید بودن یك زبان سبب عیب ونقص آن پنداشته می شود . چیزیکه قابل اهمیت واعتبار بزرگی یك زبانرا تکمیل میکند اصالت ونیروی مقاومت زبان است باسیر تحول تکامل که بتدریج واقع می‌شود .

بعبارت دیگر وقتیکه اوراق پارینه رامی‌پالیم بنام‌های بسی زبانهای قدیم برمیخوریم که‌درعصر خود صاحب شهرت آفاقی ونام بزرگ بوده‌اند مگر بمقابل سیل خروشان تطور وتحول مقاومت نتوانسته ازپادرآمدند بلکه این‌محو شدن آن‌ها عندی نبوده کم‌استعدادی وضعف بنیهٔ‌شان بمقابل پیش آمد تکامل بشر آن‌هارا مضمحل نمود وامروز بسیار زبانهارا می بینیم که ازعمر شان بیش ازچند قرن نمیگذرد

ولی با استعداد و اصالت خود جهان‌شمول و با وجود تکامل و نهضت قرن بیست بشر، در مرحلهٔ شباب اند وهنوز برای مدارج عروج ترقی وتکامل بیشتری مستعد وآمادگی نشان میدهند .

پس بقرار نتیجهٔ فوق صرف کلمهٔ قدامت نمی‌شود مقام آنهارا عالیتر گردانید ویا تعبیر جدید منزلت این هارا فروتر قرارداد. فقط تعبیر قدامت وقتی قابل اعتبار پنداشته می شود که با اصالت وحیات زبان توام باشد یعنی زبانیکه هم قدامت دارد وهم اصالت البته بر زبانیکه اصالت دارد وفاقد صفت قدامت است مرجح است .

چون درمورد زبان اصالت نسبت به قدامت وتجدد مهم تر است من هم دربحث خود که مقصد ازتشریح وتوضیح مزیت زبان ملی ما «پښتو» است ازجنبهٔ اصالت که قدامت آن طبعاً دران مضمر وقبلا بدفعات واضح شده بحث خواهم کرد زیرا طوریکه علمای زبان عقیده دارند یك زبان را ازحیث کیفیت وقتی زبان گفته می‌توانیم که بر تمام آن کارهائیکه طبقات مختلف بداد ودهش بان محتاج باشند احاطه ودست داشته باشد یا بعبارت دیگر حیات زبان زمانیست که خواندن ونوشتن دران رواج وبه ادای هرگونه مطالب سلطهٔ کامل واقتدار تام داشته‌گوینده گانش ازهرگونه افهام وتفهیم مادی ومعنوی ازان مستفید گردند .

اگربلا استثنای قید وشرط بلحاظ کمیت باحصائیه زبانهای دنیا دقیق شویم ودرپی جستجوی سرشمار آن برآئیم فهرست اسمای صدها زبان از نظرما خواهد گذشت مگر از حیث کیفیت تنها به عدهٔ معدودی اطلاق زبان خواهیم کرد وبس یعنی زبان هائیرا من‌حیث عمل زبان خواهیم گفت که دارای نفوذ شرایط فوق باشند .

بالعکس زبانهائیکه دارای ممیزات فوق نبوده گرچه در احاطهٔ محدودی برای مطالب خاصی موجود باشند نمی توان آن هارا در ردیف زبانهای دارای شرایط مذکور همقطار وهم مسلك دانست .

اگربه ریشه وارکان زبانهای دارای شرایطیکه به تعبیر فوق اطلاق زبان به آن کرده می‌شود نظر اندازیم نیز می بینیم که بعضی دارای اصالت ذاتی وبنیهٔ قوی وبعضی تحت نفوذ وسیطرهٔ تقلید وتلقین بعضی واقع شده اند .

گرچه تحول وتغیر زبان چنانیکه فوقاً گفته شد حتمی ولازمیست مگر بعضی زبانهائیکه از جنس وخانواده ومحیط خود تقلید نموده وتلقین گرفته اند وریشهٔ خودرا تحت قانون ارثی خود محکم وشاخ وپنجهٔ خودرا ازهمان ریشه سیراب کرده‌اند درعین زمان که صاحب اصالت وبنیهٔ قوی اند بصفت قدامت نیز متصف گفته‌می شوند چه براساس اصل نموکرده وتلقین وتقلید خانوادگی آنهارا چنان قوت بخشیده که نسبت باصل محکمتر و زیباتر بنظر می آیند ازان جمله است این همه لهجه‌ها وزبانهای موجوده قسمت بزرگی از اروپا که ازلاتین قدیم منبع گرفته ویا زبان عربی

ای کار! کسیکه دست بدامن تو زد و در پرتو چراغ تو پیش رفت نشاط زندگی غنیمت اوست و بس
«بوان شتید»

که اساس انرا عبرانی قدیم بنانهاده واین شاخ های نورسته چنان می نمایند که ابداً گمان تحول و تغیر برانها نمیرود .

شاید بعضی زبانهای دارای اصالت بنابر ارتقاء ونهضت تکامل تمدن یا احتیاج مبرم سیاسی علمی ودینی وغیره بقرابت غیر خانوادهٔ خودنیز مجبور شده باشند مگر بازهم اثر آن خانوادهٔ غیر را چنان درخود مزج وجذب نموده اند که اثرغیر دانسته نمی شود واگر آن اثر از انها سلب شود باز هم می توانند بخودی خودقیام نموده واز پا نیفتند ونسبت به اصالت وتوانائی ذاتی خود بتوانند شکسته گی هارا جبیره وخالیگاهارا پر کنند .

ولی بعضی زبانهائیکه بنیه ونیروی مقاومت شان ضعیف تر بوده وبنا بر بعضی عوامل که در تحول وتغیر زبان دست قوی دارند و اغلباً سبب امحای زبان می شوند تحت تاثیر تقلید و تلقین عنصر غالبهٔ از خود وبیگانه آمده اند بالضرور یامحو شده اند ویاصورتی را اختیار کرده اند که باید آن هارا جزو همان عنصر غالب شمرد وهیچ قوتی رانمی توان دران سراغ کرد مثلاً دروطن عزیز ما زبان سگزی ، ارمړی ، دردی ، پساچا ، بلوری ، پشه ئی ، ساکا ، پراچی ، زابلی ، تیرائی که لهجه های مختلف وبالتسلسل به اصل واحدی زبان باختری منتهی می شدند به اثرنفوذ اصالت زبان پښتو با وجود یکه قرابت نزدیکی باو بهم میرسانیدند منحل شدند یامثلاً زبان فارسی که بمقابل قوهٔ سیلاب مانند زبان عربی مقاومت نتوانست چنان تحت اثرعرق سامی آمد که عنصر مهم آنزبان عبارت ازلغات وکلمات زبان عرب گردید ورفته رفته این نفوذ بحدی عمیق ریشه دوانید که می توان آنرا جزو عنصر غالب سامی دانست یعنی قیام بنیت واسکلیت فارسی ، زبان عربی شد واگر آن زبان قویم و مستحکم سامی این شاخهٔ نو پیدای زبان اریائی را زندگی نمیداد ممکن نبود که یك زبان ادبی گردد وحالا هم اگر کلمات عربی را ازین زبان بکشیم تنها زبان فارسی نمی تواند مقصدرا افاده کند واین اثر نه تنها بر فارسی جدید ظاهر است بلکه اثر زبانهای سامی وعربی بر فارسی قدیم از زمانه های قبل الاسلام یعنی ابتدای مهاجرت آغاز شده وسلطهٔ عربی برین زبان ضعیف تا بمدت دوهزار سال پیش ازاین میرسد حتی بقول محققین همان اجزای اوستای عهد ساسانی که پارسی ها دراوائل اسلام با خود بهند بردند ، دارای بسی کلمات واصوات عربی خالص بود (۱)

امابالعکس وقتیکه قسمت اریائی های مرکزی ازقبیل پښتو نها بعد از شروع مهاجرت کتلهٔ بزرگ اریائی ها ازمرکز باختر درکوهسار وطن عزیز خود افغانستان باقی ماندند گرچه کشمکش حوادث دهر آن هارا نیز متاثر نموده رنگ وبوی اصلی شانرا قدری تغیرداد ولی بازهم باند ازهٔ معتنی بها زبان شان مانند دیگر شعایر ملی شان بر اصالت ونیروی خود مانده نه تنها خصوصیت خودرا حفظ نمود بلکه بسی زبان های دیگر رانیز بقراریکه فوقاً گفته شد درخود منحل نمود وباوجود بدبختی هائیکه

---

(۱) حواشی مولانا ابوالکلام آزاد درترجمان القرهان ج۲ ص۴۸۸

در دنیا هیچ قوهٔ نیست که مانند فعالیت ومشغولیت کامل درپیرامون هدف معین حیات را قابل برداشت ساخته بتواند.
« شیلر »

بواسطهٔ بی اعتنائی های بزرگان وخوردان سد راه این زبان گردید بازهم موجودیت خودرا درمدت مدیدی حفظ ووقایه نموده واینک بدامان اولادنجیب قرن بیست این خاک خودراپرتاب نموده است تادیده شود که آیندگان باآن چه می کنند.

آری! وقتیکه درفرانسه دورهٔ رنسانس شروع وملیت خواهان خواستند که زبان ملی خودرا رسمیت وتعمیم دهند وریشلیو صدراعظم بانام آنوقت برای اولین بارا کادمی زبان فرانسه را تاسیس نمود (۱۶۳۵ع) نویسندهٔ مشهورزبان ملی ولتیر بعدتر ازان گفت (قرن۱۸ع) این هیئت کوچکی که جمعیت نامیده میشود غنچهٔ گل بشراست زیرا اشخاص بزرگ برای نفع وموفقیت این جمعیت کوشش میکنند وزحمت میکشند وشخص معروف دیگر فرانسه مورلیه‌ر(۱۶۲۲-۱۶۷۳ع) نوشت که انسان چیزی را که میخواهد آنرا حاصل کند باید محبت حضورداشتن درمجلس شاه باشد زیرا درهیچ جائی مانند این مجلس تصویب های صحیح وراست دیده نمی شود.
از جمله های مذکور چنین استنباط میشود ونتیجه بدست می آید:

(۱) برای بالش وپرورش یک زبان غمخواری وکوشش تمام افراد آن ملت ضروری ولازمی است چه زبان مال یک یادونفر یااهالی یک قریه ویک شهر نبوده بهمه افراد ملت بصورت مساوی تعلق دارد پس تمام ملت ازبزرگ وکوچک ازعالم وجاهل، ازغنی وفقیر مکلف است که زبان خودرا که ملکیت مشروع همهٔ آن‌ها است تربیه وپرورش کنند وسزاوار نخواهدبود که اینقدر بارگران وسنگین بردوش یک یادو ویاچند نفرمعدود گذاشته شودویااین وظیفهٔ مهم به امیدیک جمعیت کوچک انگشت شمارمهمل وبی بالش بماند.
(۲) بالش وارادهٔ پادشاه وقت است چه نظر پادشاه خاصیت کیمیا دارد بهر چیزیکه متوجه شود زر میگردد وطوریکه نقطهٔ اخیر حل وفصل ورفع احتیاج ومشکلات، دربارومجلس پادشاه است وپادشاه وکیل مطلق ملت واختیاراتش بر تمام چیزها حاوی ومحاط است ودریای سعادت ونیکبختی ملت از حضور ومجلس پادشاه منبع میگیرد پس تمام تصویب ها وافکاراین مجلس راست وصحیح ومملو ازسعادت است وچنانکه طبعاً وظیفهٔ پادشاه، خواهان سعادت ملت خوداست لهذابرهر خرابهٔ که شعاع نظرش نورافشانی کند زودلاله زار وگلستان خواهد شدوعلتش این است که برعلاوهٔ اینکه حکم وفرمان پادشاه ورئیس ملت به اثر ضابطهٔ قانون مرعی الاجراوصاحب نفوذاست خوردان ومادونها بخوشی ورضا ورغبت خودازوپیروی وتقلید میکنند زیرا قانون طبیعی بشراست که هر صنف تحت عوامل سوق الطبیعی ازکسانی تقلید میکنند که نسبت به آن‌ها قوی تر وبزرگ تر باشند.

گویندوقتیکه نویسندهٔ ملت دوست فرانسه ژوول ترا ژدی اول خود را به زبان فرانسه نوشت بحضور پادشاه وقت(هانری دویم) تقدیم کردپادشاه هم این اثر اوراتقدیر وقبول نمود وهمین

ماهمیشه کسیرا که بما قیمت میدهد دوست میداشته باشیم ، ولی کسیرا که مابه آن قیمت میدهیم دوست نمیداشته باشیم . (روشفو کولد)

د زراعت دمدیریت کفیل	:	ص ، محمدعلیخان
د بلدیې رئیس	:	ع ، ص عبدالکریم خان
د روضې شریف دچارورئیس	:	« ، « نورمحمدخان
د مناز عاتو د فیصلې «	:	« ، « عبدالاحدخان
د تجارتی داطاق «	:	. . ، . . . .
د خزانی مدیر	:	ص ، سیداحمدشاه خان
د اجرائیې دمامورکفیل	:	« ، غلام داؤدخان
د استخباراتو مامور	:	« ، عبدالرشیدخان
د موزیم مامور	:	« ، حاجی محمدسلیم خان
د آژانس مامور	:	« ، عبداللطیف خان
د پښتو دکورسو مامور	:	« ، عبدالرؤف خان
د ځنګلو مامور	:	« ، عین الدینخان

دقطغن او بدخشان ولایت

تنظیمیه رئیس	:	ع ، ج ، س ، ا غلام فاروق خان
مستوفی	:	« ، ص ، نورمحمد خان
دمرافعې قاضی	:	ف ، سیدعبدالرحمن خان
دپولیسو دقوماندانی کفیل	:	ش ، دین محمد خان
«تنظیمیه ریاست دتحریراتو مدیر	:	ص ، شاه محمد خان
«ولایت دتحریراتو «	:	« ، غلام محمد خان
«فوائد عامې «	:	« ، کمال الدینخان
«احصائیې «	:	« ، محمدحفیظ خان
«ناقلینو «	:	« ، نصرالله خان
«کرهڼې «	:	« ، غلام بهاؤالدینخان
«صحیې «	:	« ، رجب علیخان
«مخابراتو «	:	« ، غلام نبی خان
«معارفو «	:	« ، قربان علیخان
«مطبوعاتو «	:	« ، محمدارسلان خان «سلیمی»
«ګمرک «	:	« ، نظرمحمد خان

درهر کاریکه عرق ریخته ای افتخار آن بخودت عاید میشود. توخودت زرگر سعادت خود هستی.
« لیو پولد بیوهمر »

تقدیر باعث آن شد که تعداد نویسنده‌ها روزبروز زیادت پذیرفت ومحبت نویسنده‌ها وتوجه پادشاه بود که بالاخر زبان فرانسه حایز مقام بزرگ ورسمیت گردید.

همچنان فارسی راکه سامانیان اساس نهادند باوجود ضعف وناتوانیش غزنوی‌ها آنرا بدرجهٔ رسانیدند که مقام عربی را باوجود پخته‌گی ومتانت حایز گردید.

نقل است که عنصری به صلهٔ یك رباعی که بحضور سلطان محمود انشاوخواند سه دفعه سلطان دهن اورا پر ازمروارید کرد وهمین عنصری مالك چهارصد غلامان زرین کمربوده وچهارصد اشتر اثاث البیت واشیای سیمین وزرین اوراحمل ونقل می نمودند وخاقانی درقصیده گوید که عنصری صاحب دیگدان‌های نقرگین وظروفش ازطلا ساخته شده بود.

وهمچنان به غضائری رازی هزاردینار زرسرخ صله وجایزه داده می‌شد وهمین توجه ونوازش سلاطین ورؤسا بود که فارسی را ازوضعیتی که همه میدانیم بجائی رسانید که همه می بینیم.

مگر پښتو که قبل ازین ازهیچ رهگذری نوازش ندیده وشعاعی بررخش نتابیده است بازهم علاوه براینکه خودرا حفظ نمود درمعارف متداول اینخاك رولی رابازی کرد که کمتر ازرول زبان پرورش شده نبود وعلم ودانش یك قسمت بزرگ اولادوطن مرهون اوست وتفصیل آن چنین است که: از ظهوردین مبین اسلام تااین وقت علوم قدیمهٔ منقول ومعقول بزبان عربی درافغانستان متداول وعلمای با نام ونشان ازهمین سرچشمهٔ پرفیض وبرکت سیراب شده اند.

ازجملهٔ این علما آنانیکه پښتو زبان بوده اند، طبیعی این علوم راازعربی ذریعهٔ زبان پښتو آموختند یابعبارت دیگر همین زبان پښتو بود که واسطهٔ نقل وانتقال افهام وتفهیم بین معلم ومتعلم گردید وبالاخر درنتیجه بسی ازین علوم ازقبیل فقه، تفاسیر، احادیث، منطق، صرف ونحو وغیره بزبان پښتو ترجمه وبتحریر پښتو قیدشد، یعنی از زمانهای بسیار قبل زبان پښتو باعلم آمیخته ودارای بسی کتب دینی وعلمی ودواوین شعراء وادبای زبردست بوده واست ولی ماهنوز اورا فقیر وناتوان می شماریم (۱) واگرمن زبان پښتو می بودم این فرد را شاید بسیار تکرار میکردم وسخت موافق حال من بود:

د کا ملی عقیدی له بر کته — دوهی پر غاړه ناست شاه جهان یم

واینکه میگوئیم پښتو زبانیست دارای اصالت ونیروی قوی وباعلم محشورو آمیختهٔ احساسات محض نبوده بلکه حقیقت پښتو توجه علما وماهرین بیگانه رانیز بخود جلب نموده ودرین باب آثار زیادی ازخود بیادگار گذاشته ونظریات بیغرضانهٔ مفصلی دارند که بعضی ازآنها راکه می شناسیم وآثارشان رادرین باب دیده ویانظریات شان بما رسیده است ذیلا ذکر می کنیم:

زبان پښتو ازهمه اولتر توجه مستشرقین المانی را بخودجلب وبقول موسیو برتلز مستشرق معاصر

---

(۱) فهرست کتب پښتو مندرج سالنامهٔ ۱۳۱۸ تحت عنوان (د پښتو پر ادبیاتو یوه کتنه) ملاحظه شود.

اشخاص عاقل همیشه عفیف، متواضع وبیمدعا هستند واخلاق وصفای خویشرا دراعمال وافعال خود ظاهر می سازند نه دررجز خوانی . «اسمایلز»

روسی برای اولین بار گولدن شتت المانی کتابی نوشته ودران یك لسته لغات پښتو را درج نموده که این کتاب در ۱۷۹۱ع یعنی یکصدو پنجاه ودوسال قبل در سینت پترزبورگ طبع شد بعد ازان در ۱۸۱۰ع کلاپ روت درباب نشئت پښتو ن ها کتابی نوشته که نسبت به کتاب اول درباب زبان پښتو تحقیقات بیشتری را حاوی بوده واین کتاب نیز درسینت پترزبورگ بطبع رسید که متاسفانه هر دو کتاب مذکور بواسطهٔ طول مدت طبع آن کمیاب وبدست نمی آیند واضافه ازنام این دو کتاب تفصیل بیشتری دراطراف آن داده نمی توانیم .

بعدازان برنارد دورن مستشرق روسی که درقسمت شرق شناسی ازاشخاص مشهور ومهمی بشمار میرود وآثار گران بهائی درین باب دارد اولین شخصیست که اثبات زبان پښتو را ازشعبهٔ هندواروپائی میکند یك لغات پښتونیز نوشته که دره ۱۸٤٥ در پترسبورگ بطبع رسید واین کتاب لغات چون تا هنوز بمن نرسیده درباب چگونگی آن معلومات مفصلی ندارم .

دیگر کتاب ضخیم لغات لفتنت ایچ ،جی راورتی انگلیس استنت کمشنر ملتان است که در ۱۸۵٦ع بار اول ودر ۱۸٦۰ع باردوم درلندن طبع گردید . وراورتی علاوه بران در ۱۸۵٦ع صرف ونحو مفصل پښتو را در کلکته بطبع رسانید که در ابتدای این کتب مقدمهٔ مفصلی درباب ماهیت وچگونگی زبان وقومیت پښتونها نیز نوشته است گرچه حصهٔ تاریخی این مقدمه خالی ازغرض نبوده ومانمی توانیم آنرا در مورد پښتو تنها بحیث تاریخ یك مورخ لا غرض ومحقق بشناسیم ویا آنرا ثقه بدانیم مگر در مورد جمع آوری لغات وتدوین صرف ونحو زبان پښتو مرهون این شخص زحمت کش بوده وبرایش در این راه حق بزرگی را قایلیم .

راورتی علاوه براین دو آثار گرانبها کتاب دیگری نیز از کتب قدیمه ودواوین شعرای نامدار باسم گلشن روه منتخب نموده ودرلندن طبع نموده است که این کتاب قیمتدار ترین نمونهٔ نثر ونظم پښتو بوده که اصل نسخه های آن نادر وکمیاب است وفقط راورتی بعضی حصهٔ آنرا از دست یغما گر زمانه به نسبت کوششهای جوانهٔ خود حفظ وبما تقدیم کرده است برای اینکه نظریات او نسبت به اصالت پښتو وزحمتش درین راه برهمگنان روشن وواضح شود چند سطری را از مقدمهٔ کتاب منتخبهٔ او مینگاریم بدینقرار :

درینوقت کتب قدیمهٔ پښتو نهایت کمیاب بلکه بین خود افغانها که گوینده گان این زبان اند موجود نیست چه ازیکطرف هرج ومرج وازطرف دیگر کم توجهی افغانها بهزبان شان نسبت به پیش آثار گرانبها وقدیمه را از بین برده وبدون بعضی کتب مشهور ونادریکه درکتابخانهٔ سرکار انگلیس درلندن موجود است درخود افغانستان پیدا کردن آنقسم کتب خیلی مشکل است . لهذا من تصمیم کردم که باید کتابی ازین کتب نادره منحصر بفرد منتخب وبمیان آورم اینك باین مطلوب کتابی که بحروف سربی طبع ودرزیبائی نظیر ندارد مهیا نمودم .

مقصد کلی من از انتخاب این کتاب آسان کردن زبان پښتو است برای کسانیکه آرزوی یاد گرفتن آنرا دارند واین کتاب باعث خواهد شد که بمدد رهنمائی دو کتاب دیگر من یعنی قواعد ولغت پښتو در چندروز زبانرا بیاموزد وانگلیسها می توانند که درخانه های خود دردریای زبانیکه دارای مروارید آبدار وجواهر قیمت داراست بدون مدد ملاح آب تنی نموده وذریعهٔ کشتی مطالعه خودرا بکنار مطلب برسانند .

این کتاب، منتخب ده دیوان نظم وشش کتاب نثر است که هر کدام در حد ذات خود نسخهٔ یگانه است وصرف برای دیگران نام آن رسیده نه خود کتاب بقرار ذیل : - تاریخ مرصع افضل خان ختك، فوائدالشریعهٔ آخوند محمدقاسم، ترجمهٔ کلیله ودمنه یا علم خانهٔ دانش، افضل خان ختك، کتاب بابوجان، مخزن الاسرار آخوند درویزه، ترجمهٔ گلستان سعدی یا گلدستهٔ عبدالقادر خان ختك.

دیوان عبدالرحمن، دیوان عبدالحمید، دیوان خوشحال خان، دیوان خواجه محمد، دیوان میرزاخان انصاری ، دیوان کاظم خان شیدا، دیوان اشرف خان ختك ، یوسف وزلیخای عبدالقادر خان ختك. دیوان عبدالقادر خان ختك، دیوان احمدشاه بابای ابدالی .

راورتی یك مجموعه اشعار انگریزی رانیز به زبان پښتو ترجمه نموده ووعدهٔ طبع آنرا داده مگر معلوم نیست که باین مقصد خود کامیاب شده است یا خیر .

راورتی درمقدمهٔ کتاب گرامر خود از چهار اثر دیگر که دوی آن لغت پښتو ودوی آن گرامر پښتو است وقبل از و نوشته شده معلومات میدهد ومیگوید قبل از لغات وگرامر مؤلفهٔ من یك کتابچهٔ کوچك گرامر مولفهٔ لیچ میجر فوج بمبئی موجود بود ودرین اواخر «ووگهان» کپطان فوج بنگال نیز گرامر کوچك زبان پښتو رانوشته است ودو کتاب قاموس وجود دارد که یکی از آنها موسوم به ریاض المحبت وتالیف نواب حافظ محبت خان است که درسال ٦ - ١٨٠٥ع باستدعای «سرجارج بارلو» در ٧٠٠ صفحهٔ کوچك باتمام رسید، تالیف دوم موسوم به عجائب اللغات است که درسال ١٨٠٨ ع نواب الله یارخان بریچ در ٦٤٠ صفحه که هر صفحه دارای ١٧ سطر است تالیف کرده است وقاسم علیخان افریدی دریك قصیدهٔ خود علاوه بر مؤلفین مذکور اسمای بسی اشخاص دیگر راهم که صاحب آثاراند ذکر کرده است. »

بعد از راورتی کسیکه برای پښتو خدمات شایسته وبرجسته نموده وباید اورا تالی راورتی دانست هانری والتر بیلو است این شخص نیز مؤلف دو آثار مهم پښتو یعنی لغت وگرامر است که لغات او در ١٨٦٧ ع وگرامر او در ١٨٦٨ در لاهور بطبع رسیده است واین هردو اثر او دارای مقدمه های کوچکی بوده که از شعرای نامدار وبعضی مؤلفین زبان پښتو نیز ذکری وبر آثار شان تبصرهٔ مختصری نموده است ازمقدمهٔ کتاب صرف ونحو مذکور صرف باین چند جمله که کلام ما بطول نه انجامد اکتفا میکنیم اومیگوید «اگر تمام چیزها رادر نظر بگیریم زبان پښتو در ادبیات خود بسیار غنی ونائل به مزایای مقتدرانه است که دارای شعرای بزرگ وبسیار یست »

بعد از آن بیلو از شعرا نام می برد و بر هر کدام تبصره نموده از آثار شان ذکری می کند من صرف گفتار او را که در باب دو نفر ذیل نموده طور نمونه خلاصه میکنم او میگوید «افضل خان پسر (خوشحالخان) چهار پسر گذاشت که از جملهٔ آن ها کاظم خان به تخلص شیدا معروف است صاحب دیوان بوده ودیوان اصلی او که جا بجا حاشیهٔ آن بخط خود مصنف است نزد من موجود و سبك آن مثل عموم شعرای پښتو ساده نیست بلکه رتبهٔ بلندتری را دارا است.

شاعر دیگر قابل ملاحظه عبدالحمید میباشد که در زمان تیمورشاه میزیسته در غزلیات او که زیاده تر ادبیات اخلاقی اند حسیات قابل توصیف را نیز دارا بوده وباعث دلچسپی هر مصنف اروپائی میشوند - در پخته گی کلام حمید شیخ سعدی زبان پښتو است ووجداناً گفته می توانم غزلیات او نسبت بدیگر شعرای پښتو به استثنای خوشحالخان که دارای سبك جداگانه ایست در درجهٔ اول قرار میگیرد وتاامروز محسنات شعری او حتی در بین شعرای فارسی که تعداد شان از نقطهٔ نظر ادبیات فارسی نهایت زیاد است نیز تاحال نامعلوم ومجهول مانده است اقتباسات زیاد اثرات او را که بالخاصه در حصهٔ گرامر این کتاب درج کرده ام تمام مزایای آنرا یکایك نشان میدهد در خصوص غزلیات او یك فکر درست به ذهن ما می آورد - غزلیات او مسمی به درو مرجان اند وهمچنین اثر دیگری بنام نیرنگ عشق دارد که غالباً این کتاب ترجمهٔ نیرنگ عشق فارسی است که مصنف آن اصلا باشندهٔ پنجاب است.

وقتیکه من در پښتو ټولنه مدیر شعبهٔ زبان بودم گرامر بیلو ترجمه و بمدیریت شعبهٔ گرامر موجود است. اثر دیگر پښتو گرامر وفرهنگ مؤلفهٔ تومانوویچ است که بزبان روسی نوشته شده ودر (۱۹۰۸ع) درتاشکند به طبع رسیده است مارکن سترن مستشرق معاصر ناروېژی نیز کتابی در باب ایتمالوجی زبان پښتو به زبان انگلیسی نوشته که در پښتو ټولنه موجود و کتاب مذکور در ۱۹۲۷ع در اسلو طبع شده است. از آثار وروابطهٔ او با پښتو ټولنه معلوم می شود که این مستشرق با پښتو دلچسپی زیادی داشته ومی خواهد تحقیقات خودرا درین زمینه ادامه داده و بغوامض وچگونگی زبان پښتو پی ببرد و من نظریات اورا قبلا درسالنامهٔ ۱۳۲۱ کابل نوشته ام.

دیگر ازمستشرقین کلبرسن است که لغات محاوره پښتو را جمع وتدوین نموده ودرهرتفورد به ۱۹۲۹ع بطبع رسانیده است.

کایگر المانی نیزکه درعلوم السنه لیاقت وکفایت بسزائی داشته واز علمای السنه بشمار میرود ودرشرق شناسی ید طولائی دارد رسالهٔ درفیلولوژی زبان پښتو در۱۸۹۳ع نوشته که این رساله درحدذات خود دارای اهمیت زیاداست دراین رساله لغات زیاد پښتو به ترتیب حروف تهجی باسنسگرت اوستاء فارسی قدیم وجدید مقابله شده است که اصالت زبان پښتو وقرابت آن با السنهٔ مذکور ثابت ومبرهن میشود وبرای کسانیکه میخواهند درقسمت فیلولوژی زبان مطالعات کنند راهنمای خوبی شده می تواند.

علاوه بر نفری فوقیکه نام شان برده شد کوکس، لاریمر، واهن، وارنست ترومپ که سه نفر اول الذکر انگلیس و نفر آخر الذکر آلمانی است گرامر های مفصلی نوشته اند. گرامر مولفهٔ کوکس به ۱۹۱۱ ع درلندن و نحو لاریمر به ۱۹۱۵ دراکسفورد و گرامر واهن درلندن و گرامر ارنست ترومپ به ۱۸۷۳ ع نیز در لندن بطبع رسیده اند دو اثر اول الذکر کوکس و لاریمر در پښتو ټولنه موجود وحینیکه من مدیر شعبهٔ زبان بودم ترجمه شده است و گرامر ارنست ترومپ را چون تقریبا هفتاد سال قبل بطبع رسیده بمشکل می توان بدست آورد مگر طوریکه دیگر مستشرقین ازارنست ترومپ نام می برند و به نظریات او استناد می نمایند معلوم می شود که ترومپ شخص نهایت فاضل ودر شرق شناسی وخصوصا در ایتما لوژی و فیلو لوژی زبان پښتو دست قوی داشته وازنظریات او که بالواسطه تااندازهٔ بمن رسیده است تحقیقات محققانه و تبحر علمی او بخوبی ظاهر میشود واواولین کسی است که باصالت واستقلال زبان پښتو اظهار نظریه نموده ومیگوید که زبان پښتو زبان آریائی اصلی افغانستان بوده از کدام شق دیگری منشعب نشده است ودرجملهٔ کسانیکه کلمه پکهت ریگوید را پشت و پښتون دانسته وتصدیق کرده اند ترومپ حق اولیت دارد. ونیز ناگفته نماند که لاریمر نیز طوریکه ازآثارا ودیده می شود عالم زبان پښتو بوده نحوزبان پښتوی اوقابل اعتنا است وعلاوه بران یك گرامر دیگری پښتوی لهجهٔ وزیری ها رانیز نوشته وتغیرات لهجوی آنهارا حل کرده است که این اثر اونیز در ۱۹۰۲ ع درلندن طبع شده است.

علاوه بر کتب لغت وصرف ونحویکه بالا ذکر کرده شد بسی کتب قرائتی و درسی وغیره نیز ازطرف مستشرقین نوشته وطبع شده است ازانجمله است :

منول (رسالهٔ) مولفهٔ را ورتی طبع لندن ، ومنول مولفهٔ روس کیپل طبع لندن. زبان پښتو مؤلفهٔ گلبرسن ۱۹۲۹ ع طبع هرت فورد ، کلید افغانی مؤلفهٔ هیوز که مثل گلشن روه از کتب نایاب ومهم نثر و نظم پښتو منتخب ودر لاهور بطبع رسیده . و کتاب اول پښتو مؤلفهٔ گلبرسن طبع بنارس ، قصه های ملی پښتو مؤلفهٔ مالیون طبع کلکته و(ایتودافگان = مطالعات افغانی)مؤلفهٔ وی هانری لیسانسیهٔ ادبیات ودوکتور حقوق ، کتابدار کتابخانهٔ بلدیهٔ شهر لیل طبع ۱۸۸۲ ع و(او بردس پښتو = درباب پښتو) مؤلفهٔ اوالد Ewald وغیره...

مستر سی ای بیدولف دراثر خود ازیکنفر هوگس نام نیز یاد میکند که گرامر زبان پښتو رانوشته وبیدولف ازآن تعریف وتمجید می نماید .

علاوه بریك قسمت مستشرقین فوق که درباب لغت ، گرامر ، ایتمالوژی وفیلولوژی زبان پښتو تحقیقات عمیق وآثار گرانبهائی نوشته ورنج برده اند قسمت دیگری نیز بوده که درادبیات این زبان.. کنجکاوی نموده صورت حقیقت آنرا بمنصهٔ شهود گذاشته قلم فرسائی کرده اند ودر آئینه های صاف و شفاف آنها بشرهٔ حقیقی ومزیت وماهیت اصلی ادبیات پښتو بدرستی دیده می شود ازآنجمله است :

سی ، ای بیدولف انگلیس که قسمتی ازاشعار خوشحال خان را منتخب نموده وبنام اشعار قرن ۱۷ تدوین وبه ۱۸۹۰ در لندن طبع کرده است این کتاب منتخب او حاوی سه قسمت بوده که قسمت اول آن دارای گرامر مختصر زبان و قسمت دوم آن مقدمهٔ مفصلی در باب چگونگی ادبیات پښتو است و قسمت سوم ترجمهٔ آثار منتخبه است و در اخیر اصل اشعار خوشحالخان را نیز بحروف زیبا و سلیقهٔ مرغوب ومخصوص طبع کرده‌است .

او دو قسمت عمدهٔ حماسه وعشق‌را اساس شعر پښتو دانسته ومیگوید دیگر قسمت‌های شعری از قبیل فلسفه ، اخلاق ، دیانت، حسیات ملی و غیره طو ری درین دو قسمت مخلو ط و مزج شده‌اند که بین اصل وفرع تمیز نمی‌شوند واینکه دوجنس متضاد را مثل غم وشادی قهرورحم دوستی و دشمنی یك‌جا بر شتهٔ نظم‌میکشند ودرعین‌خلطیت‌باز هم یکی ازدیگر متمایز دیده‌میشود تنها قوت وقدرت شاعر پښتون است وبس .

بیدولف این مجمل را تحت عناوین‌حماسه وعشق تفصیل‌دور ودرازی میدهد که عصاره‌اش بقرار ذیل است :

تحت عنوان حماسه میگوید . « افغانستان مملکتی است که همیش بسی از شعرای‌ملی را در آغوش‌خود پروریده وازآنها مملواست‌درین مملکت کوهستانی دست‌قدرت‌شاعرانیرا تربیه کرده است که‌تمام اشعار اوشان پراز شور و جذبات بوده و برای‌همیش نسخه‌های حظ وذوق آور اخلاقی وتاریخی دانسته میشوند .

این اشعار پر از افتخار وکامیابی او شان نمایندهٔ عظمت و شکوه باستانی شان بوده و ممثل احساسات وعواطف هرفرد افغان شمرده می‌شود واز جلال سابقهٔ ایشان یاد آوری می‌نماید واز عشق وجنگ علی‌السویه‌حرف‌میزنند این‌اشعار‌بقدر طبیعی ومؤثر اند که بی اختیار شنوندهٔ خود را متحسس می سازد مثلا موقعیکه از جنگ حکایت میکند چشمان شنونده بر می‌افروزد وحسیات‌جنگجویانه اش تحریك‌میشود و در حالیکه از عشق بیان میدارد عواطف سامع‌را بحدی زیر تاثیر میگیرد وباندازهٔ رقیق می سازد که آه های پیهم قلبش ازان نماینده‌گی میکند چه احساسات رقیق وجنگجویانه درقلب هیچ‌قومی بمثل افغان‌ها عمیقانه ریشه ندوانیده است وباوجود یکه افغان ها دارای خون سرد ودرامور حیاتی زحمت‌کش‌و سخت سراند بازهم مادهٔ عشق و دوستی نسبت‌بهمه درآنها بیشتراست وقومیکه مانند افغان‌ها دارای ملایمت و شجاعت بوده درس‌اخلاق ودلاوری بدهدوجودندارد واین‌قوم‌باحفظ حسیات عالی‌خود بین‌بشر درحیات یکدست ومتحد ویکسان زندگی میکنند .

افغان حقیقی که‌قدرت‌دارترین‌نوع‌انسان میباشددیده میشود که‌ازطرف‌طبیعت استیلاومحصور گردیده است واین طبیعت بامناظر وتشکیلات ارضیه مقبول وسادهٔ شاعرانه، زیباومخلوط‌شده روح‌مردانه‌ازان دیده می‌شود که‌درعین زمان ازعیش وعشرت وآرامش‌درزندگی‌بحث‌میکند.

علم ؛ باعفت ، حلم ، حجب ، احتیاط وصفائی توام است . جهل ؛ درشتی ، لاف وگزاف ، فریب کاری پستی وغش ثمر میدهد . «.»

بعدازان تحت عنوان عشق میگوید : « غزلیات عشقی افغانها ازخوبی‌ها مملو است و بعضی پارچه‌های آن درصفت دین اسلام گفته شده وعشق ومحبت انسان واعتقاد بخداوند دران یکجا مختلط بیان شده که بسا اوقات نمی‌توان یکی‌را ازدیگر تمیزوتفریق کرد ویانالیدن‌های شاعر مریض عشق‌را از تصوف وعقیدهٔ دینی که درپرستش خالق اقدس گفته ازهم جدانمود. فرق مخصوص شعر پښتو ازشعرگوئی که درشرق بعمل می‌آید دریناست که درپارچه‌های اشعارپښتو موجودیت هردو نوع تخیل یعنی عشق وبندگی دیده میشود وآن نقصیکه درسمع عاشق دل شکسته ، صدمهٔ وارد نماید ویاحس خوش بینی خوانندهٔ مجذوب را زائل کند وجود ندارد - اگر غزلیات غنائی وعشقی ساده وبسیط پښتو خوانده‌شود دیده‌می‌شود که‌تماماً ازشکیبائی ذاتی وفطری که‌دروجود شاعر ملی تولیدشده پرومملو است ودران حسیات وافکار طبیعی‌خویش‌را به‌محبوبه‌اش درهوای آزاد کوهستانی مملکتش اظهارداشته است.

اگر از جملهٔ غزلیات بعضا بصورت مناجات وتقرب جستن بخالق یگانه ذکر گردیده باشد دران‌چیزی وجودندارد که‌یك مرد محترم راست کاررا ازمطالعهٔ آن‌بازدارد تشبیهاتی که‌درین سرودهای عشقی‌داخل گردیده دربسا حالات آنقدر پرازتخیل است که‌گوئی بحقیقت در چشمان نویسندهٔ آن تجسم کرده مثلاعاشق خیالاً به‌شبنم تشبیه‌گردیده وبدنبال‌معشوقهٔ‌خویش که بوی گلاب است بادل‌شکسته وخاطر پریش درتلاش وگردش میباشد او مثلیکه آفتاب درنیمهٔ روز باحرارت خودشبنم‌را بخود جذب میکند بهمان صورت به‌معشوق خویش نزدیك میگردد وباز مانند شبنم که‌در بین‌اشعهٔ آفتاب می‌درخشد تصوراً به‌آمدن معشوقه‌اش سراپاچشم شده میباشد که اینخیال درنظرها کمتر تجسم‌میکند .

یامثلاً : چنانیکه آفتاب روشنی خودرا از کدام منبع‌فوق الطبیعی میگیرد بهمان صورت روشنی حسن‌محبوبه‌اش براومنعکس می‌شود ومانند برفهائیکه برقله‌های‌کوها به‌حرارت آفتاب تموز آب شده و باعث جریان سیل ودریاها وجوی ها می‌شود ازچشم‌های عاشق بیچاره نیز درفراق و هجران معشوق سیلاب اشك جاری میگردد و آه های سردش به آن بخاراتیکه به سبب حرارت آفتاب ازچمن‌زارها ودامنه‌های کوه صعودمیکند تشبیه‌شده است وباز عاشق بمرغیکه ازجفت خود جدا وبدل‌حزین وبال‌شکسته عقب جفت خود درتگ و پوست تشبیه‌وشور وغلغلهٔ آنرا بمقصدی که‌داردداستعاره میکند .

آشکار شدن‌مناظر وزیبائی های‌طبیعت که درین اشعار جذاب بکثرت مشاهده می‌شود از تصوراتی است که مارو پائیان بایدبیشتر به‌آنها همدردی کرده قبولیت نشان بدهیم زیرا چنین مسرت خوش آیند هنوزدرتمام آسیا منتشر نگردیده است .

دیگر از اشخاصیکه در ین راه رنج برده وگنج نهاده اند جیم دار مستتر فرانسوی است که یکی از فضلای درجه اول ومقتدر بشمار رفته تحقیقات محققی نسبت به پښتو نموده اثر نفیس وگرانبهائی در ادبیات پښتو بنام ترانه های ملی افغان ازخود بیادگار گذ اشته‌است که این اثر او مبنی بردو قسمت مهم زبان ونژاد افغان بوده وهرقسمت مشتمل برچند فصل و دارای ۵۲۷ صفحه به ۱۸۸۸ ع=۱۳۰۳ ه در پاریس طبع شده است .

این فاضل ومحقق علاوه برتحقیقیکه در ریشه وماهیت زبان واصل افغان نموده نمونه ها ئیکه از اشعار پښتو جمع وتدوین نموده هرقطعهٔ آن بذات خود در یکتا وآ ئینهٔ مفاخر تاریخی ما شمرده می شود که فقط بحمایت این‌مردبزرگ ازحوادث دهر مصئون و بمارسیده است .

دار مستتر ازان اشخاص‌محقق ومنصفی‌است که‌ماهیت وحقیقت‌افغان وافغانی‌را ازپرده‌های ظلمت بیرون کشیده ومیگوید زبان پښتو از فارسی وپهلوی مشتق نشده بلکه درین دسته یک زبان مستقل است زبان پښتو بازند یا زبانیکه بازند شبیه است‌مشابهت بهم‌میرسانند .

واواولین‌کسی است که‌این نظریه‌اش پابرجامانده‌وتاحال کسی نتوانسته‌است آنرانقض‌کند .

دارمستتر وقتیکه اصالت‌زبان‌پښتورا بیان‌میکند وازجنبه‌های مختلف آن سخن‌میراند درقسمت ادبیات آن میگوید شعر پښتو بواسطهٔ سادگی وطبیعی بودن امتیاز خاصی دارد، صنعت بدیع ونازک خیالی آن مانند طفل ، معصوم‌وبی‌آلایش است واز نازک خیالی واستعارات تنزل یافته وتمام شده پاک ومبراست .

درجای‌دیگر وقتی‌که‌ازقوت شعری زبان پښتو حرف میزند میگوید افغانها اخبار ندارند غزل جای اخبار را اخذ کرده همه افکار و خیالات وواقعات روز مره در شعر گفته می‌شود وبین عوام منتشر میگردد تاریخ افغان ها ازاشعار شان می‌توان ترتیب وتدوین شد اگر چه این تاریخ باتاریخ اروپائیان تفاوتی خواهد داشت مگریك‌فکر پسندیدهٔ عمومی‌به نسبت ذهنیت افغانان برای انسان حاصل می‌شود و واقعات راطوری خاطر نشان میکند،گوئی انسان در دل آنها جادارد واز مرکوز ضمیر شان مطلع است چنانچه ماخذ عمدهٔ مؤلف حیات افغانی نسبت به‌جنگ انگلیس وافغان همین اشعار پښتو است .

دارمستتر درضمن ادبیات ازیک تعداد شعرای نامدار کلاسیک‌وشعرای‌ملی که‌آثارشانرا خود اودرکتاب خودجمع کرده است نام‌می‌برد وشرح‌حال مختصر شانرا بیان نموده وبرقوهٔ شعری‌شان قضاوت می‌نماید ازانجمله است این‌دونفر شاعرملی ویکنفرشاعر کلاسیک که‌قضاوت اورا دربارهٔ شان‌طورنمونه‌نشان‌میدهیم تادانسته شود که‌قوت‌شاعرافغان بچه پایه ومحققین دربارهٔ اوچه‌نظریه‌دارند .

دار مستترگوید محققاً کلیه اشعار عشقی که دراین‌چهل وشش‌سرود جمع اندبی اهمیت‌نبوده غزل واشعار محمدجی شاعر دیوانه (نمبر۷۷) نه تنها در اشعار افغانی بلکه درتمام

ادبیات عشقی یگانه اثریست که من آنرا بسبک مخلوط دربین سبک (بودلیر)و قسمتی از اشعار قدیمه وباستانی که مملواز تخیلات واغراقات شاعرانهٔ شرقی اندیافته‌ام.

درباب شاعر دیگر ملی گوید:

میرایک شاعر نو ومرغوب ملی است وبالاتر ازو درخون افغان شاعر ملی سراغ نداریم.

درباب شاعر کلاسیک گوید:

اگرویکتور هوگو هم افغان می‌بود مانند این‌شعر خوشحال خان که میگوید:

(اگر شاعر نمی‌بودم سپاهی می‌شدم)

چنان شعر غرا وجذاب معنی دار گفته‌نمی توانست .

سرجارج ابراهام‌گریرسن نیز ازعلمای زبان بوده درکتاب بزرگ خود بنام راپورهیئت تحقیق زبان های هند (لنگوستک سروی آف اندیا) که در دو جلد ضخیم در ۱۹۲۷ درکلکته شعبهٔ مرکزی نشریات حکومت هند نشر شده است قسمت عمدهٔ را وقف‌زبان پښتو نموده اول یك مقدمهٔتاریخی وجغرافیائی مفصل درباب افغانها نوشته وبعدازان نمونه های مختلف‌زبان پښتورانشان داده‌است اوتمام‌ماهیت واصالت زبان پښتورا درین یك‌جمله ادا میکند ومیگوید : هرچندزبان‌پښتو دارای صوت‌خشن ودرشت گمان کرده می‌شود مگر یك زبان قوی ومردانه ایست که باصفائی وصحت‌تمام برای افاده وتوضیح‌هر نوع‌نظریه‌قابل وتوانا است .

موسیو برتلز مستشرق معاصر روسی درجلد ٤ سلسلهٔ لسانیات اکادمی لیننگراد وقتیکه بروضعیت عمومی زبان پښتو بحث میکند میگوید : « زبان پښتو نظر به قوت و قدرت تاریخی وجغرافیائی خود زبان یك مدت طولا نیست واین طول مدت تغیراتی دران‌وارد کرده مگر نه چنان که درفارسی دیده میشود زیرا کلمات عربی در فارسی مزج نشده تحت قوانین خود عربی استعمال‌واز لغات فارسی واضح‌متمایزدیده میشود مگر در پښتو لغات عربی تابع قوانین زبان پښتو بوده تمیز وتفریق کرده نمیشود وجزو زبان میگردد .

این هم باید گفته شود که بعضی ازمحققین مذکورکه کتاب نوشتند گرامر زبان راتدوین نمودند ، لغات آنرا جمع کردند بایك تعداد علمای دیگر درجنبه‌های مختلف زبان نیز تحقیقات خودرا ادامه‌داده علاوه براصالت برقدامت زبان پښتوهم‌روشنی انداختند که طورنمونه‌سه‌چهارنفر عمده ونخبهٔ آن ذکرکرده میشود مثلاً :جیمزدارمستتر وفرید یك میولردرنتیجهٔ تحقیقات خودباین عقیده‌اند که‌زبان پښتو بازند یاکدام زبانیکه بازند نزدیك است قرابت‌قریب دارد وفریدریك میولر علاوه میکنند که قرابت زبان پښتو بازند چنان است مثلیکه فارسی جدید با فارسی قدیم عصرهخامنشی‌ها قرابت دارد مگر ارنست ترومپ‌میگوید زبان‌پښتو شاخهٔ‌مستقل زبان آریائی‌بوده بین شعبهٔ هندی‌وایرانی ذریعهٔ‌نقل وانتقال شده‌است‌لهذا آثارهر دو شاخه‌دران‌دیده‌میشودونسبت

به شاخهٔ ایرانی به شاخهٔ هندی نزدیك تر است و این نظریهٔ ترومپ راپر وفیسر فون سپیگل و داکتر هارنل نیز تائید میکنند گریرسون ودکتور پال تیدسکوی اطریشی نیز درینباب نظریات داشته و تحقیق کرده اند .

گرچه بنظر سطحی بین این دو فریق اختلاف جزئی دیده میشود مگر بر قدامت زبان پښتو همه متفق بوده وا گردقیق شویم این اختلاف نظریه هم ناشی از قدامت پښتو است چه با هر دو شاخه نزدیکی پښتو ثابت شده واین قرابت مساوی نتیجه میدهد که با این هر دو شاخه مثل برادر ویا نسبت به آنها بمنزلهٔ کاکا وپدر است نه پسر وبرادرزاده وهمین قرابت مساویست که اختلاف نظریه مذکور شده است.

این بود تعلق ورابطهٔ بین زبان پښتو ومستشرقین که شمهٔ از آن گفته شد ونمی شود تعداد مستشرقین وعلمائیرا که درین راه زحمت کشیده ورنج برده اند باین چند نفر منحصر نمود شاید بسا اشخاص دیگری هم باشند که هنوز از نظریات و آثارشان بما اطلاعی نرسیده واز آن ها واقف نباشیم وهم باید این کار را ختم شده نه پنداریم چه این موضوع مهم ودلچسب هنوز در مرحلهٔ شباب وجوانی بوده می تواند برای مدت درازی علما وفضلای محقق را چه از حیث تحقق علمی وچه از نقطهٔ نظر اهمیت خود موضوع بخود مشغول نماید .

وهم ممکن است این نهضت موجودهٔ زبان پښتو که درین دورهٔ درخشان شاه جوان ودیگر وطن خواهان ملت دوست ماروی کار است زیاده تر عطف توجه محققین وفضلای ملی را بخود معطوف نموده وممد شود که هر شخصی درین راه زحمت کشیده ودامنهٔ این کار را مطابق بحسیات ونیات خود وسعت دهند وبسوی پیشرفت این نهضت ملی به نهایت بی صبری نگران باشند چنانچه از یك مقالهٔ موسیو برتلز مستشرق معاصر روسی پروفیسر انجمن تحقیق زبان شناسی روسیه که در ۱۹۳۵ع بریك مقالهٔ ابتدائی وسطحی من که در سالنامهٔ ۱۳۱۱ نشر شده تبصره نموده این مطلب بخوبی ظاهر می شود اومیگوید :

لازم است درنظر گرفته شود که افغانستان هم شروع کرده است به گذاشتن قدم اول در زمینهٔ زبان شناسی و آغاز نموده است به نشان دادن دلچسپی روز افزون به تحقیقات زبان شناسان اروپای غربی راجع بزبان پښتو . در سالنامهٔ مجلهٔ کابل (۱۳۱۱) که بتازگی در لیننگراد رسیده مقالهٔ مفصلی از قلم امین الله خان زمریالی درج شده که راجع بزبان پښتو ودر زبان پښتو میباشد درین مقاله که باید در بحث مفصلی عمیقانه تحت تدقیق گرفته شود نویسنده راجع به تحقیقات علمای اروپائی راجع بزبان پښتو بحث نموده تنقیدات شدیدی بر تحقیقات مزبور کرده وتنها دورن (۱) را تنقید نموده است راست است که نویسنده را درین مقاله تنها نظریات علمی راهنمائی نکرده بلکه در بسا نقاط غرور ملیکه تحقیر شده از زبان او حرف میزند با وجود این در بسا نقاط تبصره ها وملاحظات او کاملاً حقیقی بوده ومی توان با او در آن نکات متفق شد. این مقاله یك دلیل دیگری است برای اینکه کار کردن درین زمینه برای ما بکلی بی فائده نبوده ونمی توان تحقیقات مربوط به این زبان بسیار دلچسپ را ختم شده دانست.

<u>موسیو اونی د و لو فرانسوی وزیر مختار سابق فرانسه در کابل نیز درین تازگی ها کتابی</u>

(۱) نویسندهٔ مقاله اشتباه کرده - بعضی تنقیدات بر مارگی سترن بوده نه بر دورن .

گاهی ممکن است محبت مردها دربرابر زنهای شان غیر ثابت باشد ، ولی درمقابل دوستان شان تغیر نمیکند . (کالی داسا)

دتجارتی منازعاتو دفیصلي رئیس	:	ع ، ص ، سیدمحمد خان
« قند و ز د کرهنی عمومی مدیر	:	« ، غلام صدیق خان
« حمل و نقل «	:	ص ، عبدالواحد خان
« تالقانو دما لگي دمعدن مدیر	:	ص ، عبدالخالق خان
« رستاق دزر شوئی «	:	« ، محمدصدیق خان
« مساحت دلمړی شق «	:	« ، عبدالظاهر خان
« « « دوهم «	:	« ، محبوب خان
« استخباراتو «	:	« ، عبدالعلیم خان
« ځنګلو «	:	« ، غلام حضرت خان
« انطباعاتو «	:	« ، محمدیوسف خان

د مشرقی ولایت

دنایب الحکومه وکیل	:	و ، ج عبدالحکیم خان
« مستوفی «	:	ع ، ص ، محمدحسین خان
« کوتوالی قوماندان	:	ح ، حاجی ضیاءالدینخان
« تحریراتو مدیر	:	ص ، عبدالرزاق خان
« خارجی «	:	« ، اخترمحمد خان
« استخباراتو «	:	« ، محمدصدیق خان
« ګمرك «	:	« : محمود خان
« مطبوعاتو «	:	« ، قیام الدینخان
« فوائدي عامي «	:	« ، غلام حیدر خان
« معارف «	:	« ، عبدالحمید خان
« احصائیي «	:	« ، ضیاءالدینخان
« مخابراتو «	:	« ، غلام دستگیر خان
« صحیي «	:	« ، دکتور محمد شریف خان

د جنوبی ولایت

رئیس تنظیمیه اودقول اردو قوماندان	:	ع ، ع ، ش ، س ، ع ، علیشا خان نایب سالار
مستوفی	:	ع ، ص سیدکمال خان

اعلیحضرت معظم همایونی محمد ظاهر شاه پادشاه معارف پرور و وطن خواه افغانستان
که برای پیشرفت امور مملکت و ترقیات مادی و معنوی افغانستان
عشق و علاقهٔ سرشاری دارند

S. M. Mohammad Zaher Chah roi d'Afghanistan

د افغانستان پادشاه

دافغانستان معظم شهریار اوزلمی تولواك اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله ملکه واطال الله عمره و ودولته چه همایونی ذات ئې سږکال دخپل شریف ژوند په اته ویشتمه مرحله پښه ږدی .

همایونی ذات د ۱۲۹۳ هجری کال د میزان پر۲۲ په کابل کښې زېږیدلی دی .

وروسته چه دده سن دتعلیم مقتضی شو نو په مقدماتی اومنځنیو مکتبو اوبالاخرئی خپل تحصیلات د کابل په عالی مکتبو کښې پای ته ورسول کله چه دده فقیداوماجد پلار اعلیحضرت محمدنادرشاه کبیر دافغانستان په سفارت پاریس ته ولاړ ، همایونی ذات هم دهغه فقید شهریار سره د مهمو تحصیلاتو دپاره فرانس ته تشریف فرما شو ـ دفرانسوی ژبی او عالی علومو تحصیل ئې دهغه مملکت په مختلفو رشتو او عالی مکتبو اوپوهو کورنیو کښې پای ته ورساوه ـ او دوطن دداخلی مسائلو په شاوخوا کښې ئی خصوصی روزنه ، اوملی اخلاق او دوطن په نسبت د لازمه مطالبو ادراك اوخصائص ئې ، له خپل بزرگوار پلار څخه حاصل کړه .

دافغانستان داوی شورش تر پېښې وروسته (چه دهغه نجات دهمایونی ذات دشهید پلار په حق پالونکی لاس څرگند شو) ممدوح اعلیحضرت چه په هغه مملکت کښې دده تعلیمات اکمال ته رسیدلی و اودوطن دخدمت دپاره مستعدو ، د۱۳۰۹ شمسی کال دمیزان په۲۰ کابل ته تشریف فرماشو .

محض دهغه عشق په اثر چه دافغانستان دعسکری عالم سره ئې درلود ، او دبزرگوار پلار د قدمونو په تعقیب د کابل دنظامی د عالی تعلیمگاه په عسکری څانگه کښې شامل شو ـ په ۱۳۱۰ شمسی کال ئې دوالاحضرت سردار احمدشاه خان د دربار وزیر دشهید اعلیحضرت د اکازوی دمعظمې لورسره ازدواج وفرمایه ـ اودهمدغه کال په اخر کښې څوموده دحرب دجلیله وزارت په وکالت اوبیا دمعارف دوزارت په وکالت مؤظف و .

په دې دواړو وزارتو کښې د همایونی ذات فطری استعداد او ذاتی قابلیت دوظیفی داجراآ کولو اوښې اداري له رویه ښه څرگند شو .

په ۱۳۱۲ کال یعنی دشهید شهریار ترشهادت وروسته دعقرب په۱۶ دملت دلویو وکیلانو اوټولو عسکری او کشوری افرادو په غوښتنه اواتفاق دافغانستان پاچا شو .

سږکال ددې زلمي شهریار دجلوس پلسم کال دی .

دهمایونی اعلیحضرت اولاد :

۱ :ـ شهزاده بیگم بلقیس	:ـ دزېږېدو نېټه دحمل ۲۸ سنه ۱۳۱۱ ش
۲ :ـ والاحضرت شهزاده احمدشاه خان	:ـ « « « دسنبلې ۲۱ « ۱۳۱۳ «
۳ :ـ شهزاده بیگم مریم	:ـ « « « دعقرب ۱۰ « ۱۳۱۵ «
٤ :ـ والاحضرت شهزاده محمدنادرخان	:ـ « « « دجوزا ۳ « ۱۳۲۰ «

بنام افغانستان نوشته درصفحهٔ ۲۵۹ کتاب خود بعد از انکه بروضعیت وحالات سابقه وحالیهٔ افغانها تبصره می نماید . از ادبیات وزبان پښتو نیز یادی نموده میگوید : ـ « از ین جهت اشعار خوشحال خان که تقریبا سه صد سال از ان میگذرد باجنبهٔ وطن خواهی ووحدت پسند یکه دارد نسبت باافغانستان دیروز بحال افغانستان امروز موافق تراست .

این احساسات ملی وغرور زبان مادری امروزدر اشعار «امین الله زمریا لی» عضو انجمن ادبی کابل که ازان بعدها سخن خواهیم راند دیده می شود. چون این اشعاربرای احیای افتخار پښتو وقف شده بنظر ما بوجه نیکو شرح مختصر تاریخ زبان ملی افغان را مکمل میکنند .

این بود نظریات مستشرقین که بطور مختصر یعنی مشتی ازخروار درباب اصالت واهمیت زبان پښتو عرضه شد وهم نا گفته نماند که تحقیق وجستجوی ما دراصالت این زبان، مهمتر وسهلتر است نسبت به نظریات وتحقیقات مستشرقین اروپا ، واگر ما بازهم که بایددیگران وبیگانگان از ما استفاده میکردند از این زمینهٔ مساعد که بیگانگان برای ما آماده کرده اند وازین عصر طلائی ودرخشانیکه بتوجه شاه جوان ما تمام اسباب سعادت ونیک بختی ما فراهم است استفادهٔ نمیکنیم گویا باطبیعت ستیزه میکنیم وحال انکه طبیعت بر هرگونه مقاومت غالب است ودرنتیجه یقین است که پشیمان بوده وخساره خواهیم دیدوازینجاست که شاعر حساس ما میخواهد به صریحترین کلمات ما را ملتفت این امر نماید میگوید :

اې پښتو نه خیله ژبه ستا جوهر دی	تا منلی خیل جو هر دی په ایرو کښې
و لی هسی بیخبر ئی له خیل در نه	چه پر دو پسی لاهو کړخان او بو کښې
«راورتی» دی قواعد لیکی دژ بی	نه خبر نه ئی دخان په رو ځو شپو کښې
«مستشر» دی په ادبیا تو کښې کړاو کړی	نه گه یزې د پر دیو په ودو کښې

دراخیر کلام طول عمر شاه جوان ونهضت وتعالی ملت افغان را نیازو باین فرد بیان خودرا خاتمه میدهم.

تذکره یخپله ژبه بلبلان دهر چمن کړی　　که تیگوردی که ملتن دی یاسعدی هزارداستان

گرانبهاترین کتب پشتو «پټه خزانه»

درسالنامهٔ ۱۳۱۹ موقعیکه «تاریخچهٔ سبکهای اشعارپښتو» رامی‌نوشتم، درآنجا در قسمت اشعارقدماء بچند صفحه کتابی‌حواله داده شده بود که بنام تذکرهٔ اولیا بزبان پښتو بعد از (۶۱۲هـ) از طرف سلیمان ماکو درارغسان قندهار ، همان ارا کوزی تاریخی نوشته شده واثربس مهمی بود ، که‌اشعار وسرودهای باستانی زبان را بدست ماداد ، صفحاتیکه از کتاب مذکور بدست افتاده بود ، عیناً عکس گرفته شده ، وضمیمهٔ همان کتاب کوچك گردید .

شاید خوانندگان محترم ، و کسانیکه به آثار ادبیهٔ باستانی وطن علاقه دارند ، ازمطالعهٔ آن دریافته باشند که زبان ملی‌ما ازنقطهٔ‌نظر ادب دارای بهترین وبرجسته ترین آثار است وشعرای قدیم این زبان هم خیلی سنجیده گوی ومتین و بدرجهٔ اول نمایندگان ذوق ملی وکلتور ما‌اند .

درین سالنامه هم‌میخواهم ، راجع‌بیك گنجینهٔ گرانبهای‌زبان‌ملی ، که‌صفحات تاریك ادب مارا روشن ونفایس ادبی آثار گذشتگان رابه نسل جدید می‌سپارد . چیزی بنگارم ، چون دروقت کشف این کتاب قیمت‌دار اکثرصفحات سالنامهٔ کابل بطبع رسیده ، ودرشرف نشر وتعمیم است ، بنابران این مضمون من کوتاه‌تر ومختصر خواهد .

ممکن است اصل کتاب بزودی ازطبع برآید وبمطالعهٔ شوقمندان ادب ملی برسد، که اهمیت وچگونگی کتابرا عندالمطالعه تخمین کرده میتوانند .

این کتاب‌بعد ازاوراق تذکرهٔ سلیمان ماکو ، که‌چند سال‌پیش به‌کشف ونشر آن موفق گردیده بودم ، مهمترین کتب‌ادبیهٔ پښتو است ، که‌بنام‌پټه خزانه (گنج‌پنهان) بسال ۱۱۴۱ـ ۱۱۴۲هـ درقندهار ازطرف محمدبن داؤدخان بن‌قادر خان هوتك ، بامرواشارهٔ پادشاه‌جوان ومعارف‌دوست اعلیحضرت شاه‌حسین بن‌مرحوم‌حاجی میرویس‌خان نگاشته‌شده، محمد که‌نویسندهٔ درباروشخص ادیب وعالمی بود . کتاب خودرا بریك مقدمه وسه‌خزانه ویك‌خاتمه بنا نهاد ، در مقدمهٔ کتاب گوید ، که ازمدتی به‌تحقیق وکنجکاوی احوال‌شعرای پښتومشغول بودم ، چون اعلیحضرت شاه حسین ازین مقصد آ گهی‌یافت ، تشویقم فرمود ، وباتمام کارم ترغیب داد ، همان بود که‌در مدت‌یکسال‌کتاب خودرا درسه خزانه‌نوشتم :

خزانهٔ اول : مشتمل برشرح حال واشعار قدما که‌بعد ازسنه (۱۰۰هـ) تاسال (۱۰۰۰هـ) گذشته اند .

خزانهٔ دوم : شرح حال واشعار معاصرین مؤلف .

خزانهٔ سوم : شرح حال‌واشعار نسوان شاعره .

نسخهٔ این کتاب دارای (۱۱۲) صفحه بوده ، که بسال ۱۳۰۳ه بخط محمد عباس کاسی درشهر کویته بامرمرحوم حاجی محمد اکبر تاجر قندهاری از نسخهٔ استنساخ شد که برای سردار ادیب وعلمدوست مرحوم سردار مهردل خان‌مشرقی درسنه ۱۲۶۵ه نوشته‌شده بود .

خزانهٔ اول

در خزانهٔ اول مؤلف مدقق مابحوالهٔ کتب واسنادموثوقه احوال واشعار سخنوران ذیل را آورده :

(۱) باباهو تکک ولدبارو متوفی ۷۴۰ه (۲) ملکیار ولد هوتکک (۳) اسمعیل پسر بیټ‌نیکه که‌درحدود ۴۰۰ه حیات‌داشت واشعاروی راسلیمان‌ما کوهم می‌آورد (۴) خرشبون ولدسربن متوفی ۴۱۱ ه (۵) متی‌ولد عباس متوفی ۶۶۸ ه مولف کتاب دخدای مینه یعنی (عشق‌خدا) (۶) امیر کروړ جهان پهلوان ولدامیر پولاد سوری غوری : که‌بسال (۱۳۹ه) در مندیش غورپادشاه شده‌بود ، وقدیمترین شعرپښتو است که‌تاکنون بدست آمده (۷) اسعد بن محمد سوری‌متوفی ۴۲۵ه دربغنی زمینداور ، مرثیهٔ امیرمحمد سوری را گفته . (۸) شکارندوی ولداحمد کوتوال فیروز کوه‌درمدح سلطان معزالدین محمدسام غوری قصیدهٔ دارد (۹) ابو محمدهاشم بن‌زیدالسروانی البستی متوفی ۲۹۷ه (۱۰) شیخ تیمن ولد کاکړ در حدود ۵۰۰ه میزیست (۱۱) شیخ بستان مؤلف‌بستان الاولیاءدر۹۹۸ه (۱۲) امیرالفصحاء شیخ رضی لودی برادر زادهٔ شیخ حمیدلودی که‌بعد از ۳۰۰ه درملتان حکمرانی داشت . (۱۳) نصر بن‌شیخ حمید مذکور (۱۴) شیخ عیسی معاصر شیر شاه سوری (۱۵) سلطان بهلو ل لودی متو فی ۸۹۴ه (۱۶) خلیل‌خان نیازی معاصرسلطان موصوف (۱۷) خوشحال‌خان ختك‌معروف (۱۸) زرغون خان زمینداوری نورزی متوفی ۹۲۱ه (۱۹) دوست محمد کاکړ ناظم کتاب‌غرغښت نامه در۹۲۹ه (۲۰) رحمان بابامتوفی ۱۱۱۸ه (۲۱) محمد صالح جلدك حدود ۹۰۰ه (۲۲) علی سرور لودی حدود ۱۰۰۰ه .

خزانهٔ دوم

که مشتمل احوال معاصرین مؤلف وسخنو رانی است ، که بامؤ لف ر فیق وهمدم وانباز بوده اند ، واغلب آنهارا هم دیده بود ، ویا بالوسیله میشناخت :

(۲۳) ملا بازتوخی (۲۴) شاه حسین حکمدار عصر (۲۵) ملا زعفران‌مدا رالمهام دربار مؤلف «گلدستهٔ زعفرانی» درطب (۲۶) محمدیونس خان صاحب‌دیوان شعر (۲۷) محمدگل مسعود (۲۸) عبدالقادرخان معروف صاحب دیوان اشعار (۲۹) صدرا کابر دوران بهادرخان سپه سالار قندهار (۳۰) محمد صدیق (۳۱) ملا پیرمحمد میاجی مؤلف‌افضل‌الطرایق والقرایض

عالم دربار شاه محمود . (۳۲) الله یار افریدی صاحب دیوان شعر (۳۳) صدردوران بابوجان بابی ناظم قصص العاشقین . (۳٤) ریدی خان مهمند ولدغیاث خان ناظم محمودنامه درشرح حال مرحوم حاجی میرویس خان وفتوحات شاه محمود (۳۵) محمد عادل مؤلف روضهٔ ربانی (۳٦) محمد طاهر جمریانی (۳۷) محمد عمر خان (۳۸) محمد ایاز نیازی (۳۹) محمد حافظ مؤلف تحفهٔ واعظ (٤۰) نصرالدین خان اندړ صاحب دیوان اشعار (٤۱) ملا نورمحمدتوخی استاد دودمان میرویس خان مؤلف نافع مسلمین (٤۲) عبداللطیف اشکزی (٤۳) سپه سالار سیدال خان ناصر .

خزانهٔ سوم

خزانهٔ سوم شامل شرح حال واشعار شاعرات ذیل است : (٤٤) نازو توخي : دختر سلطان بلخی معروف که درعصر خود حکمدار بوده، ونازو درنسوان افغانی دارای شهرت ومقام بلندیست . وی مادر قاید معروف حاجی میرویس خان مرحوم است . (٤۵) حلیمه : دختر خوشحال خان معروف (٤٦) بی بی نیکبخته : که کتاب ارشاد الفقراء را (۹٦۹ه) بزبان پښتو منظوم داشت (٤۷) بی بی زینب : دختر حاجی میرویس خان، که مرثیهٔ برادرش شاه محمود را گفته (٤۸) زرغونه : دختر دین محمدکاکړ ، خطاطه وعالمهٔ خوبی بود ، که بوستان سعدی رابسال (۹۰۳ه) ترجمه ومنظوم داشت (٤۹) رابعه : معاصره بابرشاه درقندهار.

❀ ❀ ❀

این بود نمودار مختصر مضامین کتاب که مؤلف دانشمند ، درسه خزانه بسی از جواهر زواهر زبان ملی را نگهداشته، ودرخاتمهٔ کتاب به شرح احوال دودمان وپدرادیب ودانشمند خویش می پردازد ، وضمناً هم شرحی از گذارشات حیات خود میدهد . که بصورت مجموع درین کتاب احوال (۵۱) نفرازسخنوران زبان ملی درج است .

علاوه برانکه این کتاب نفیس شرح حال بسی ازسخنوران گمنام زبان ملی را بدست میدهد وسرودهای باستانی این زبان را بما میسپارد ، ومارابه آثار اجداد وسلف نامور خویش رهنمائی میکند ، مزایای دیگری هم دارد که بصورت مختصر درینجا گذارش می یابد :

کتاب از نقطهٔ نثرزبان :

مؤلف کتاب محمد هوتك یکی از نویسندگان زبردست پښتو است که نثر وی درین کتاب ، سخت روان ودلچسپ وسلیس است ، درنثرهای قدیم پښتو ، قدیم ترین نثرها همان نگارش سلیمان ماکو است درتذکرهٔ اولیاء . ولی این نثر بمراتب ازان روانتر وشیرین وهمچو آب زلال است . مدت دوسه صد سال پیش از عصر مؤلف در زبان پښتو سبك نگارشی موجود بود که آنرا سبك خیر البیان گوئیم ، زیرا نویسندهٔ اولین ومعروف این سبك

پیر روشن مؤلف خیرالبیان است . این سبك نیم منثور که ازطرف اخوند درویزه واتباعش اقتفا گردید ، عین تاعصر مؤلف‌ماموجود بود،ولی‌چون خالی ازتعقید وتکلف‌نبود، ذوق‌سلیم مؤلف آنرا قبول نکرد ، ودرکتاب خویش نثر روانی را مطابق به محاوره وگفتار عمو می زبان نوشت که خیلی پسندیده وروان ومحمود است .

درحقیقت نثر محمدهوتك مبدأ سبکی است که اکنون هم مادران مینویسیم ، وازنثر های سابقهٔ خوشحال‌خان وپیرمحمد کاکړ ، وافضل‌خان وعبدالقادر خان که‌درعیار دانش ،ومعرفةالافغانی وتاریخ مرصع وگلستان پښتو نوشته اند ، بمراتب بهتر وسلیس‌تر است .

مزایای لغوی کتاب :

گنجینهٔ ما ازنقطهٔ نظر لغت پښتو هم بسیار وبسیار غنیمت وقابل استفاده است ، زیرا درسرود های قدیم بسی ازلغات وکلماتی آمده ، که اکنون بمرور دهور از میدان تداول دور رفته ومرده است . این‌کتاب مراتب تغلب‌السنهٔ‌دیگررا بزبان‌ملی دوره‌بدوره نشان‌میدهد ومی‌بینیم که درهر دوره لغات وکلمات اصلیهٔ زبان ازبین میرود ، وعوض آن کلمات زبانهای دیگرمی آید ، وجای اصلی‌را فرعی‌میگیرد، سرودهای کتاب که‌به‌اقدم شعرای زبان‌منسوبست دارای بسی ازمواد غنیمتی‌است که‌درمرحلهٔ تکمیل زبان ، اکنون پس‌از‌زندگانی دادن همین کلمات احتیاج شدیدی داریم ، وباید زنده سازیم ، برای‌مثال‌برخی ازدرر گرانبهای لغوی این خزانه را ذکر میکنیم :

چندی = شاعر	خاتیځ = مشرق	لویدیځ = مغرب
برمل = پیشین	لرمل = نمازدیگر	ترمل = شام
نمزدك = مسجد	دریځ = منبر	واکمن = شاه
هسك = آسمان	بودتون = بتکده	زلما = جوانی
جنډی = گل	خنډون = افق	جگړن = اشکر
گروه = دین	من = اراده	تون = جای
اتل = پهلوان	رغا = بیزاری	ځلا = تابش

مزایای گرامری :

ازنقطهٔ گرامر وتصریف وصور افعال ومصادر این کتاب مزایائی دارد ، که خیلی غنیمت وکار آمد است .

ازمطالعهٔ اشعار وآثارباستانی زبان برمی آید که بمرور چندین قرن ، این زبان‌بسی ازخواص تصریف وافعال خود را ازدست داده ، وهم بسی از مصادر آن از بین رفته است ریشه‌های مصادر زیاد اکنون درمحاورهٔ‌ما بصورمختلف صفتی واسمی موجود است ، که‌درزبان

قدیم ازخودمصدر ومشتقاتی داشت ، وهم مصادری درین اشعار آمده ، که بصورت مصادر وضعیهٔ زبان درقدیم وجود داشت ، ولی اکنون ماهمان مصادر وضعی راطور ترکیبی استعمال میکنیم .

مثلاً گانړل (آراستن) وافعال آن مانند وگانړل (آراست) که اکنون گانه (زیور) موجود ، ولی مصدر ومشتقات آن ازبین رفته ، کذا ښکلل (تزئین) وافعال آن مانند و ښکلل (آراست) که اکنون ریشهٔ آن درصفت ښکلی (مزین، قشنگ) موجود، ولی مصدر باافعال خودمرده .

کذا یرغالل (تاختن) یونل (سفرکردن) رپل (اهتزاز) که تنها یرغل (تاخت) ویون (سفر) ورپ (تپش) مانده ولی مصادر باافعال آن ناپدید شده است .

همچنین بسی ازمواد غنیمت وکار آمد زبان را که اکنون ازمحاوره مهجور افتاده این کتاب برای ما حفظ کرده است .

کتاب از نقطهٔ تاریخ وطن:

علاوه برانکه سخنوران ومشاهیر ادبی وعلمی وطن را این کتاب بما نشان میدهد ازنقطهٔ نظر تاریخ مزایای مخصوصی دارد ، که بسی ازوقایع وقضایای مجهول را کشف وبسی از حقایق مشتبه را واضح میکند . نقاط تاریك ومجهول تاریخ وطن را ازاوایل استقرار اسلام تاعصر خود مؤلف ، بحواله وسند تشریح میکند . مثلاً

یك حصهٔ تاریك وحلقهٔ مفقودهٔ تاریخ دودمان سلاطین غور را که مقارن سنهٔ (۱۰۰ هـ) است روشن می‌سازد ، وثابت میکند : که دران عصرها زبان دودمان سلاطین غور پښتو بود ، چنانچه امیرکروړ پسر امیرپولاد معروف بزبان پښتو شعر میگفته ، ومؤلف بحوالهٔ مصادر مهمهٔ تاریخی آنرا نقل کرده . ازشعر مذکور جغرافیای سلطنت آن پادشاهان نامداروطن معلوم میگردد ونقاط نفوذشانرا نشان میدهد ، بسی ازمراکز مدنیت را دران عصرها ذکرمیکند ، درقسمت تاریخ شاهان لودی ملتان که مؤرخین جدید در افغانیت آنها مشتبه بودند ، این کتاب واضح میکند که سلاطین آل حمید لودی ملتان پښتو زبان بوده ، وافغانان صافند چنانچه مؤلف اشعار دو نفر شان را باوثوق روایات نقل کرده کذا اوضاع دربار وحکمرانی شاهان هوتکی را خوب شرح میدهد مجهولات این دورهٔ نزدیك تاریخ وطن را که تاکنون بما مکشوف نبوده ، تفصیل وتوضیح میدهد مثلاً شرح وتاریخ اقدامات آزادی خواهانهٔ مرحوم حاجی میرویس خان را مفصلاً مینگارد شرح حال وسوانح آن مرحوم را بما میدهد ، وبسی ازناموران علمی وادبی وحربی دورهای متعدد تاریخ وطن را بما معرفی میکند . وبسی ازکتب نادریکه تاکنون نام آنرا نشنیده بودیم اسم می‌برد وازان اقتباس میکند ، حواله میدهد مثلاً :

تاریخ سوری محمد بن علی البستی . دخدای مینه مجموعهٔ سرودها ومناجات شیخ متی خلیل لرغونی پښتانه تالیف شیخ کته متی زی اخبار اللودی شیخ احمد بن سعید اللودی . غرغښت نامه

دوست محمد محمودنامه یاشهنامهٔ محمودی ازریدی خان مهمند . کلید کامرانی کامران خان ازسلسلهٔ اسلاف احمدشاه بابا وغیره کتب مهمی که درتاریخ ادب وعلم گرانبهاترین آثار ملیهٔ ما شمرده میشود . کذا درخزانهٔ سوم درشرح احوال واشعارنسوان شاعره ثابت میکند که زنان معصوم وعفیف افغانی هم دارای علم بودند ، ودرتاریخ ادب ملی موقعی ونامی دارند .

وثوق روایت وعنعنه :

مؤلف دانشمندما برویهٔ اساتید واسلاف همواره سند اقوال و نگارشات خودرا نشان میدهد ، یا ازکتابی نام می برد ، یا روایت شخصی را مدار تحریر میگرداند یا از مشاهدهٔ خود حکایه میکند .

درجملهٔ مآخذ واسناد کتبی مؤلف آثاری است که مابطور نمونه دربالا بعضی ازان را نام بردیم وبسی ازاشعار واحوال سخنوان را ازپدرخود روایت میکند، که اوهم شخص دانشمند و فاضل وادیبی بود .

چون مؤلف فاضل ، سخنی را بدون نشان دادن مأخذ وسند نیاورده ، واگر آورده هم مشاهدهٔ اوست ، بنابران گنجینهٔ ملی ما ازحیث وثوق عنعنه هم خیلی قوی است، ونگارشات مؤلف مرحوم ، مناط اعتبار شده میتواند .

این بود خلص معرفی کتاب که دربالا نموده شد چون فرصت کم وسالنامهٔ کابل هم نشر شدنی است ، بنابران از تفاصیل و آوردن نمونه های کلام شعراء وتشریح مفصل مزایای کتاب خود داری شد ، انشاءالله کتاب بزودی باحواشی وملحقات وترجمهٔ پارسی نشر ومورد استفادهٔ دوستداران ملیت قرار خواهد گرفت .

درینجا برای نمونه ، چهارصفحه ازاصل نسخهٔ کتاب، گراورشده تاخوانندگان محترم آنرا از ملاحظه بگذرانند .

عبدالحی « حبیبی »

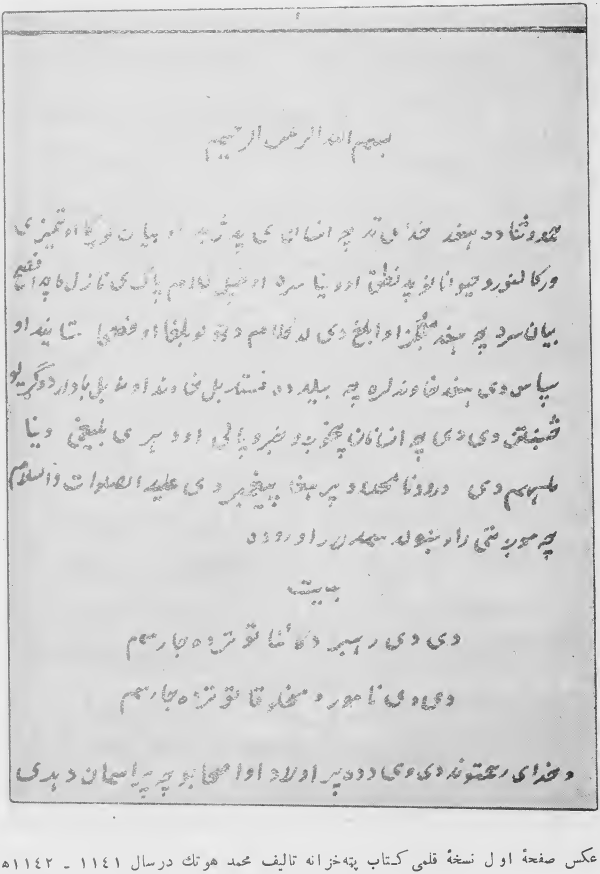

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنا ده هغه خدای ته چه انسان ئي په ښه رنگ پیدا کړه او په ښایسته نطق او تمیز ئی
ورکا له نورو حیوانانو په نطق او دنیا سره او مخلوق لا هم پاک ئی نازل کا په ادا فصیح
بیان سره په خپله ژبه او بلیغ دی له کلام د ده لفظونه او معنا تا پیدا او
سپاس دی هغه خدای ونه لره چه بیله دی نعمتونه ئي ورکړه او ښه ئی با دار دی کړیلو
ښکلي دی دی په انسان چه خوب د نظر د ئی لیدو او د سره ئی ښیښي دنیا
ملهم دی درود نا محمد ته چه دی پیغمبر دی علیه الصلوات والسلام
چه محبوبی ئی را وښوله ... او ...

بیت

دی دی رهبر دکلا توته زه جار سم
دی دی نامور د مخلوقاتو ته زه جار سم

د خدای رحمت دی وی د ده پر اولاد او اصحابو چه پیشوایان د هدی

عکس صفحهٔ اول نسخهٔ قلمی کتاب پټه‌خزانه تالیف محمد هوتك درسال ۱۱۴۱ ـ ۱۱۴۲ه

١٨

ذکر د شیخ اسعد سوری علیه الرحمة — شیخ کته پکتاب کی د لرغونی پښتانه تاریخ سوری
کسی نقل کا چه اسعد سوری پغور کی اوسیدی او هلته د سوری خاندان په پادشاهی کی دیر عزتمند
و شیخ اسعد د محمد زوی و په کال ۴۲۵ سنه هجری په بغنین کښ وفات سو شیخ اسعد
علیه الرحمة د بیر ښه اشعار ویل نقل کا چه سلطان محمود غازی پر غور باندی د امیر محمد سوری رحمة الله
علیه سرد جگړه وکړه او په آهنګرانو کی ی محصور کا پدی وقت شیخ اسعد هم د آهنګران په
لوټ کی و بندی په سلطان محمود علیه الرحمة امیر محمد سوری و نیوا و بندی ی بوت غزنی ته
نو امیر محمد سوری په خورا زړه ور او عادل او ضابط امیر و له غیرته د بند مړ سو او شیخ اسعد
په دوست وو امیر محمد سوری پر مرګ ی داسی ساندی وویلی په یوه بولله کی چه قصیده
په عربی ده . وله فی القصیده

د فلک له جارو څه وکړم کوکار — زمولوی هر ګل چه خاندی په بهار
هر غښتول چه په سیدیا غوړیدو کا — رژوی ی پاڼی کاندی تار پتار
د بیر څونډ د فلک څپیړه شنډ کا — د بیر سرونه کا تر خاورو لاندی زار
د اجل سره غول پر یاسی څرمسی — د بی وزلو ویني لوی کاندی خونخوار
چه لښر څه ی زمری ربی زنګلوکی — لا اوکوبدی د اری تیرو جبار
هم ی غښتی سکڼی د ال د ژړو بلور د — رستمان څنی څخلا کاندی په دار

پو

عـکس صفحهٔ (١٨) پټه خزانه

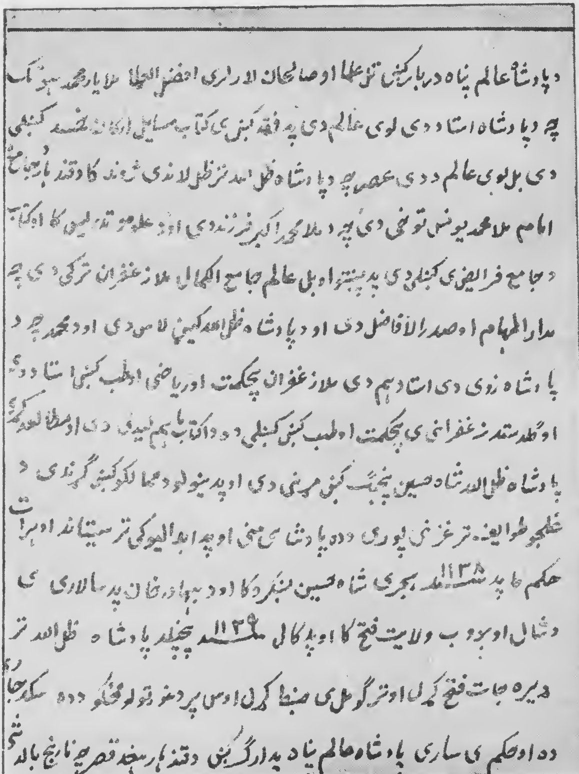
د پادشاه عالم پناه دربار کښي تر علما او صالحان الارزي افضل العلما ملا یار محمد هوتک
چه د پادشاه استاد دی لوی عالم دی په فقه کښي ی کتاب مسایل ارکان خمسه کښلی
دی بل لوی عالم د دی عصر چه د پادشاه ظل الله تر ظل لاندی [illegible] کا د قندهار جامع
امام ملا محمد یونس توخی دی چه د ملا محمد اکبر فرزند دی او په علوم تدریس کا او کتاب
د جامع فرایض ی کښلی دی په پښتو او بل عالم جامع الکمال ملا زعفران ترکی دی چه
مدار المهام او صدر الافاضل دی او د پادشاه ظل الله کیمیا لاس دی او د محمد چه د
پادشاه زوی دی استاد هم دی ملا زعفران په حکمت او ریاضی او طب کښي استاد دی
او گلدسته زعفرانی ی په حکمت او طب کښي کښلی ده او کتاب ی هم لیکلی دی او سلطان العلما
پادشاه ظل الله شاه حسین هیبت کښي مرتبی دی او په [illegible] لکو کښي گرندی د
غلجو طوایفو تر غزنی پوری دده پادشاهی ده او چه ابدالیو کی تر [illegible] او هرات
حکم تا په سنه ۱۱۳۸ هجری شاه حسین لښکر دکا او د بهادرخان په سالاری ی
د شال او پوښب ولایت فتح کا او په کال ۱۱۳۹ [illegible] پادشاه ظل الله تر
دیره جات فتح کړل او تر گومل ی ضبط کړل او [illegible] دده سکه جاری
ده او حکم ی ساری پادشاه عالم پناه په [illegible] کښي د قندهار [illegible] قصر چه نارنج باد شی

عکس صفحهٔ (۵۵) پته خزانه

دردنیا دنی تروپست تراز دوستهائی یافت نمی شوند که عقل های شریف را بمقا صد پست سوق میدهند. (شکسپیر)

دکوتوالی قوماندان	:	ح ، مدد خان
« مرافعې قاضی .	:	ف ، محمدیوسف خان
« خارجی مدیر	:	ص ، سلطان علیخان
« تحریراتو «	:	« ، میرزا احمد خان
« معارف «	:	« ، محمداعظم خان ایازی
« مطبوعاتو دمدیریت کفیل	:	« ، عبدالقدوس خان پرهیز
« گمرك مدیر	:	« ، عبدالمجیدخان
« روغتیا «	:	« . محمدسرورخان
« قبائل «	:	« ، غلام رسول خان
« فوائد عامې «	:	« ، مدد خان
« استخباراتو «	:	« ، روشن دلخان
« مخابراتو «	:	« ، سیداحمد شاه خان
« بلدیې رئیس	:	ع ، ص دوست محمد خان

دمیمنې اعلی حکومت

اعلی حاکم	:	ع ، ع ، ص عبد الوهاب خان
اعلی سرشته دار	:	ع ، ص عزیز احمد خان
داندخوی کمیسارا و دژاندارمې غندمشر	:	ح ، غلام سرورخان
دمرافعې قاضی	:	ف ، ملا محمدیوسف خان
داندخوی دمعدنی عمومی مدیر	:	ع ، سید محمد سرور خان
دکوتوالی قوماندان	:	ش ، عبدالقیوم خان
دفوائد عامې مدیر	:	ص ، فضل حق خان
دمعارف مامور	:	« ، قاری غلام محمدخان
دتحریراتو «	:	« ، محمد رحیم خان
د کرهنې «	:	« ، آقا رحیم خان
دمخابراتو «	:	« رجب علیخان
د گمرك «	:	« ، میراکبر خان
دملکی شفاخانې سرطبیب	:	« ، میراحمد خان
داحصائیې مامور	:	« ، غلام جانخان

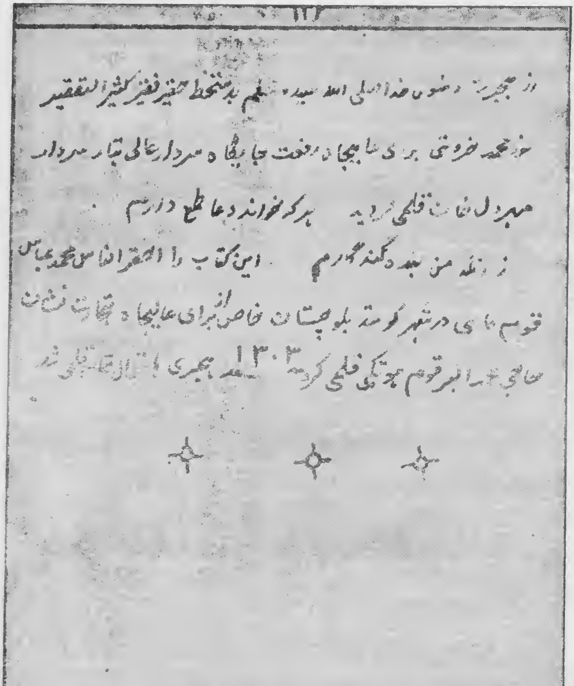

۱۲۲

از جهت [illegible] مضمون [illegible] صلی الله علیه و سلم به دستخط حقیر فقیر کثیر التقصیر

خواجه محمد خروتی [illegible] باجان [illegible] جایگاه سردار عالی تبار سردار

محمد [illegible] قلمی گردید   هر که خواند دعا طمع دارم

زانکه من بنده گنهکارم   این کتاب را الاحقر الناس محمد عباس

قوم [illegible] در شهر کوئته بلوچستان خاص از برای عالیجاه [illegible] نوشت

[illegible] قوم [illegible] قلمی کرده ۱۳۰۳ سنه هجری [illegible] شد

عکس صفحهٔ (آخر) پته خزانه

(بقیه ازصفحه ۱۲۸)

طیورخانه ها : ـ

درآخر سال ۱۳۱۸ تشکیل ودرسال ۱۳۱۹و۱۳۲۰ درصدد پیدایش طیور اقدامات وبالاخره در سال ۱۳۲۱ کار آن وسعت یافته ومتخصصین و عمله وماموربن کافی دران تعین شده است : ـ

احداث طیورخانه‌ها : ـ

۱ ـ طیورخانهٔ بینی‌حصار که‌سابقاً ساخته شده بود برای طیور موجوده غیر مکفی بوده وبالاخره حسب نقشهٔ تربیه‌خانه درجوار آن یك طیورخانهٔ جدید احداث وکار بزرگ آن بپایهٔ تکمیل رسیده است.

۲ ـ طیورخانهٔ چمن‌میرواعظ که سابقاً ساخته شده بود وثانی متروك وبیکار مانده وترمیم طلب شده بود ترمیمات لازمهٔ آن تکمیل وبرای رهایش مرغ آبی ها تخصیص‌داده شده درامسال بمواضع مذکور نتیجهٔ خوبی گرفته شده است.

۳ ـ طیور خانهٔ عبدالخیل مشرقی که‌ازحیث آب و هوای تربیوی مفیدبوده یك تعداد قازها ازمرکز درآنجا اعزام ویك طیورخانهٔ عصری مطابق نقشهٔ مرتبه تعمیر وکار آن بپایهٔ تکمیل رسیده‌ودرنظر است که‌یك‌اندازه فیل‌مرغ هم‌ازمرکز بموضع مذکور نقل داده نگهداشت طیوردرآنجا وسعت داده شود.

قراریکه تجویز شده درموضع باریکاب سمت مشرقی نیز نگهداشت‌وتربیهٔ طیور درنظر بوده بموقعش اقدامات لازمه خواهد شد.

ولایت مزار شریف

الف : قوماندانی کوتوالی

۱ : ـ حمام‌محبس جدید که‌ناتکمیل بود قرار نقشه درسال جاری اکمال گردیده.

۲ : ـ منزل‌اول وچهاربرج پهره‌دارخانهٔ خارج‌محبس طور پخته‌کاری تکمیل‌شده.

۳ : ـ احاطهٔ اطراف محبس که‌به‌حدود (۵۰) جریب مربع زمین است دیوارآن به‌ارتفاع سه‌متر بلند شده.

٤ : ـ امور صناعتی محبس ازقبیل سترنجی‌بافی، نجاری، سراجی، کرباس‌بافی، آهنگری بکار انداخته شده وکارآن رو به توسعه میباشد.

ب: مدیریت زراعت

اجراآتیکه به‌شعبهٔ زراعت درسال‌جاری بعمل آمده عبارت‌ازغرس «٥٥٢٠٤» نهال‌مثمر وغیرمثمر درباغ های ذخیره مربوط ولایت بوده.

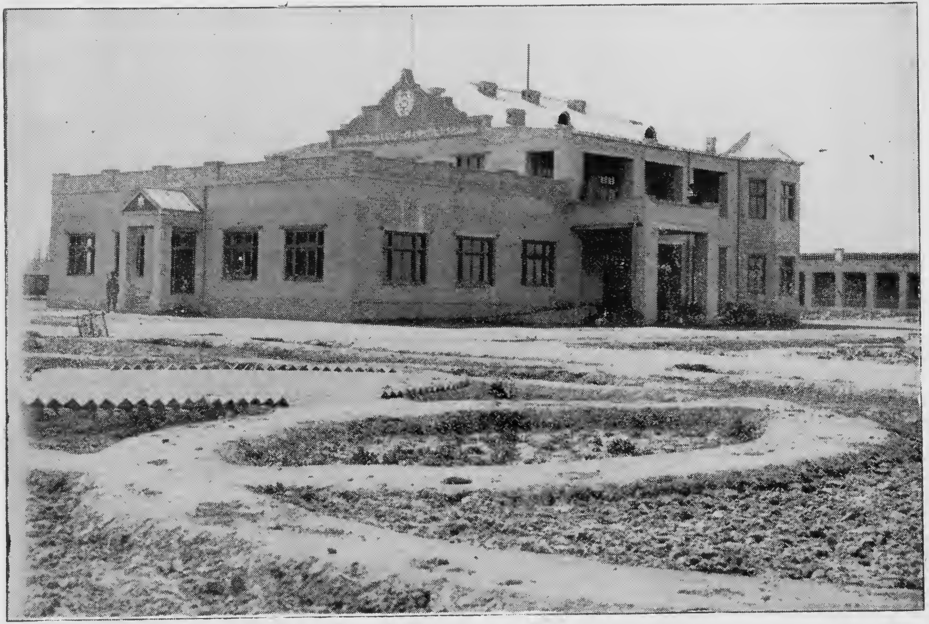

دا عکس دمزار شریف د عسکری قوماندانۍ نوی ودانۍ له امر خاته خواخخه ښئی چه د فرقی د قرارگاه ځینی ملحقات او د ارکان
د دوائرو یوه برخه ودانۍ هم دشاله خوامعلو میږی

داعکس د مزارشریف د عسکری قوماندانۍ دنوی ودانۍ منظره دشمالی اوشرقی خواڅخه ښئی اوکلوب هم سره له ځینو ودانیو چه له قرار گاه سره ارتباط لری ښکاره کیږی

دمزار شریف دعسکری قوماندانۍ نوی ودانۍ چه ضمناً دعسکری قوماندانۍ دقرارگاه
دودانۍ یوه‌خواهم لیدل کیږي ،

دمزارشریف دعسکری کلوب او دقوماندانۍ د شمالی خوا د دیو اله منظره چه ضمناً
دیوی صفی(تنګاچی)منظره هم ښئی

دسمت شمالی د نوو ودانیو څخه د سرای خواجه ښوونځی

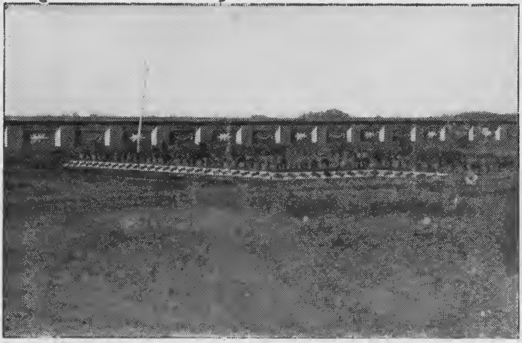

د مزارشریف دعسکری قوماندانۍ دنوی ودانۍ منظره له امرپرېواته خوا او دودانۍ
دشاله لوری څخه

د شبرغان جامع
مسجد چه د جنوب
له خوا ئی عکس
اخیستل شویدی.

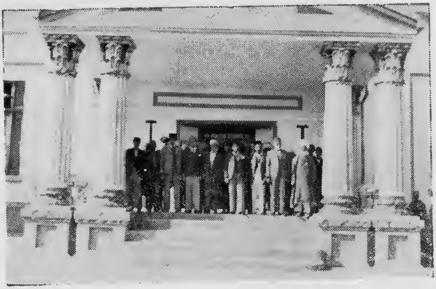

دشبرغان دجامع
مسجدمنځنی دروازه.

د مزار شریف
د دار الحکومگی
له نوو ودانیو څخه.

د سرپل دنوی بازاریوه برخه

دسرپل دبلديې باغ او ودانی

ج: ماموریت معادن

۱:- علاوه بر معدن های مکشوفهٔ سال گذشته چندی قبل یك معدن نمك در چهار بولك کشف شده .

۲:- درفروش‌نمك نظر به‌سال گذشته مقدار «۱۷۶۸۲» سیر تزئید بعمل آمده .

د: ریاست بلدیه

۱:- پخته کاری سرك دورهٔ جنوب‌غرب روضهٔ‌شریف طول ۲۰۰/۱۰ متر عرض ۲۵ متر جمله ۵۰۰۲/۵۰ مربع متر

۲:- پخته کاری جوی دورهٔ جنوب‌غرب روضهٔ‌شریف‌طول ۲۰۰/۱۰ متر عرض ۱/۳۰ متر

۳:- کانکریت پیاده روها دورهٔ جنوب‌غرب روضهٔ‌شریف‌طول ۸۰/۵۰ متر‌عرض ۱/۶۵ متر جمله ۱۳۲/۸۲ مربع متر

٤:- ریگ اندازی جادهٔ کابل دورهٔ جنوب غرب روضهٔ شریف طول ۱۶۵/۰۰ متر عرض ۸/۰۰ متر جمله ۱۳۲۰/۰۰ مربع‌متر

۵:- پخته‌کاری سرك‌سمت‌شمال باغ تفریحی که‌متصل بجادهٔ بلخ‌است طول ۱۲۵/۰۰ متر عرض ۱۰/۱۵ جمله ۱۲۶۸/۷۵ مربع متر

٦:- استر وسفیده کاری ورنگمالی مقبرهٔ سلاطین باکتارهٔ زینه‌های آن وآهن‌پوش بام مذکور باسطح سقف .

۷:- ترمیمات وسفیده کاری مدرسهٔ مسجد خواجه‌خیران .

۸:- خام‌کاری سرك جدید جادهٔ کابل طول ۸۰۰/۰۰ متر عرض ۲۵/۰۰ متر جمله ۲۰۰۰۰ مربع متر .

۹:- خام کاری سرك که در سمت شمال جادهٔ بلخ کشیده شده طول ۱٦٤/۵۰ متر عرض ۱۰/۲۰ متر جمله ۱۶۷۷/۹۰ مربع‌متر.

۱۰:- هموار کاری سمت شمالی جادهٔ بلخ .

۱۱:- ترمیمات مسجد نور دیوان بیگی .

۱۲:- تعمیر جدید مسجد سابقهٔ چوب فروشی .

۱۳:- مسجد شریف جادهٔ بلخ که کار آن درسال گذشته بصورت پخته کاری جاری گردیده بود امسال تکمیل گردیده .

هـ: ریاست‌روضهٔ شریف:

۱:- کار تعمیر وکاشی کاری دروازهٔ سمت جنوبی روضهٔ مطهره .

۲ :- کار ترمیم کاشی کاری های اطراف روضهٔ شریف که بعضی حصه های آن که خراب شده ترمیم گردیده .

و : مدیریت فوایدعامه :

۱ :- تعمیر هوتل جدید که امر ساختمان آن قبلاً ازمقامات صلاحیت دار بانقشهٔ مرتبه واصل ودرجادهٔ بلخ موضع آن تعیین گردیده بود . بتاریخ ۱۸ اسد سال جاری کار مذکور شروع وتا ۱۹ قوس کارسنگ کاری آن تمام ونسبت به حلول زمستان باقی کار آن ملتوی گذاشته شده .

۲ :- تعمیر شفاخانهٔ مستورات نیز که یکی ازتعمیرات مهم وعصری بوده نقشه وبرآورد آن از مقامات ذی صلاحیت واصل وتعمیر مذکور متصل شفاخانهٔ ملکی تعین وبتاریخ ۱۰ اسد سال جاری امورتهداب گذاری آن افتتاح وشروع بکارشده که الی برج قوس کارسنگ کاری مذکورتمام وعلاوه باندازهٔ چهل وپنج الی پنجاه سانتی حصهٔ خشت کاری آن نیز کار کرده شده باقی کارات تعمیر مذکور بواسطهٔ حلول سرما معطل گردید .

۳ :- تعمیر یك گدام برای تقریباً دو هزار خروار غله که موضع آن به چهار سرك مرکز ولایت میباشد کار آن از برج اسد سال جاری شروع والی برج قوس حصهٔ کار سنگ کاری تعمیر مذکور بالکل تمام وحصهٔ خشت کاری آن تابه کرسی تکمیل وبعضی جا ازچهل وپنج الی شصت سانتی بالای کرسی خشت کاری هم شده متباقیهٔ کار آن از حیث رسیدن ایام سرما معطل گذاشته شده .

٤ :- در ارض راه بین مزار وتاشقرغان ، ایبك هشت باب کوته های معابر نیز برحسب نقشهٔ مهندس تعمیر ومکمل گردیده .

ز : حکومت کلان شبرغان :

۱ :- تعمیر مسجد جامع شهرنوشبرغان که دوسال قبل تحت تعمیر گرفته شده بود درهذه السنه باتعمیر حجره های الحاقیه واحاطهٔ آن بپایهٔ تکمیل رسیده .

۲ :- درجاده های سمت غربی وشرقی وجنوبی وشمالی شهرجدیدشبرغان برعلاوهٔ «۱۵۵» باب دکانهائیکه درسال گذشته آباد شده بود «۱۲۷» باب دکان دیگر مطابق نقشهٔ مهندسی تکمیل وآباد شده وبه تعداد پنجاه باب دیگر بدرجهٔ خرند وپرکاری رسیده بواسطهٔ حلول زمستان فعلاً کارات آن معطل است .

۳ :- درجادهٔ سمت غربی شهرنوشبرغان دو دربندحویلی عصری بهمعهٔ سراچه مطابق نقشهٔ مهندسی که درسنهٔ گذشته تحت تعمیر گرفته شده بود در سال جاری باقیماندهٔ کارات آن تکمیل شده است .

٤ :ـ درجادهٔ سمت غربی شهر نوشبرغان که یك باب سرای تجارتی مطابق نقشهٔ مهندسی تحت تعمیر گرفته شده بود کارهای عمدهٔ آن باتمام رسیده بقیهٔ کارات آن بواسطهٔ سردی هوا فعلاً معطل است .

٥ :ـ تعمیر جدید حکومتی کلان شبرغان که برطبق نقشه مهندسی تحت ساختمان گرفته شده بود درهذه السنه ۱۳۲۱ کارات عمدهٔ آن تمام شده برخی کارات معماری آن ازقبیل استروسفیده کاری که باقیمانده بواسطهٔ سردی هوا فعلاً معطل است وکارهای نجاری آن مثل نصب دروازه ها وغیره تحت جریان است .

٦ :ـ درحکومتی سرپل ، تعمیر بلدیهٔ آنجا که درسال گذشته مطابق نقشهٔ مهندسی بطور آهن پوش تحت ساختمان گرفته شده بود بدون کارنجاری مسطح اطاق ها و دهلیز دیگر کارات آن درهذه السنه ۱۳۲۱ تمام شده است .

۷ :ـ تعمیر الحاقیهٔ عمارت بلدیهٔ مذکور که درین اواخر شروع شده بود الی درجهٔ خرند کارشده فعلاً کارات باقیماندهٔ آن بواسطهٔ سردی هوا معطل است .

۸ :ـ دربازارجدید شهرسرپل به تعداد «٥۹» باب دکان مطابق نقشهٔ مهندسی درسال جاری تحت ساختمان گرفته شده بود بالکل کارات آن تمام ومورد استفاده واقع شده است .

۹ :ـ درحکومتی آقچه بموضع «چکش سربند» یك بند آب بطورپخته کاری ساخته شده و کارآن بالکل تمام شده که تعمیربند مذکور باعث استفادهٔ اهالی گردیده واکنون تقسیمات حق آبهٔ اهالی زارعین حکومتی مذکور از روی استحقاق مالیه بصورت صحیح تعین و حصهٔ هر کدام درمجرای آن درجریان افتاده وازین رهگذر شکایات وارده رفع گردیده است .

۱۰ :ـ در حکومتی سرپل یك باغ عمومی مرتبه دار درکنار دریا طبق نقشهٔ مهندسی تاسیس واکمال گردیده .

ح :ـ درمرکزحکومت کلان بلخ برای بلدیهٔ آنجا یك تعمیر بصورت عصری طبق نقشهٔ مهندسی که الی کرسی قبلاً کار شده بود درسال جاری کار باقیماندهٔ آن شروع و بپایهٔ تکمیل رسیده است .

خلص اجراآت بلدیهٔ بلخمری

مرمتکاری سرك وغیره :

۱ :ـ خامه وسنگ کاری سمت چپ دریا از حد سرك مزارشریف الی پل سیلبر .
۲ :ـ « « نیمهٔ سرك سمت چپ ازحد پل سیلبر الی مقابل حکومت .
۳ :ـ « « سرك دوصد کوتی ازسرك بندبرق الی نهر بالا دوری .

٤ : ـ خامه وسنگ کاری سرك افقی کوتی ازسرك خان آباد الی نهر بالا دوری
٥ : ـ « « « بین « ازحدنهر الی راهروباغ هوتل .
٦ : ـ « « « میانه « « « « کوتی
٧ : ـ « « افقی دوم ازسرك خان آباد الی سرك میانه دوصد کوتی .
٨ : ـ « « مشرقی دوصد کوتی ازسرك بندبرق الی نهر بالادوری .
٩ : ـ سنگ کاری لب دریا ازحد صفحهٔ مربع الی صفحهٔ مدور اخیر باغ ذخیره .

نهال شانی :

١ : ـ غرس یك تعداد نهال به خندق متصل برقی خانهٔ سابق .
٢ : ـ غرس نهال وتشکیل یك جنگل وسیع ازحدقوریه خانهٔ اشجار الی قریب کافر قلعه .
٣ : ـ احداث یك جنگل وسیع ازحد بندبرق الی سرك سابق پلخمری ومتصل باغ ذخیره .
٤ : ـ قوریهٔ اشجار مثمروغیرمثمر وبته های مختلف به اندازهٔ شش جریب زمین .
٥ : ـ زرع ترکاری به اندازهٔ کفایت .

عمرانات :

١ : ـ تعمیر یك مسجد جدید طور پخته کاری بسمت غرب جنوب فابریکه توسط شعبهٔ تعمیرات .
٢ : ـ ترمیم مسجد جامع بازار وساختمان کوته های نشیمن امام وغیره .
٣ : ـ تعمیر یك تحویلخانه وطویله جهت حیوانات .
٤ : ـ نصب پایه های سمنتی لین برق در جادهٔ بندبرق ازحدفابریکهٔ برق الی بازارودوسرك مزارشریف ازحد فابریکهٔ برق الی فابریکهٔ نساجی وسرك سمت چپ دریا وسرك های بین کوتی های سمت چپ دریا .

ریاست تنظیمهٔ ولایت جنوبی

١ : ـ در حصهٔ جنوب شرقی شهر گردیز وحدود تپهٔ بادآسیا وتپهٔ ریگ یکباغ عمومی بنام (نوموړی باغ) که تقریباً (٤٠) جریب زمین میباشد احداث ودرباغ مذکور یك تعداد نهال غرس ودرآن میدانهای سپورت ومیدانهای اتن ملی وغیره ترتیب وسرکها و خیابانها به آن ساخته شده است ..

٢ : ـ دربین باغ مذکور یك چشمه که بنام چشمهٔ ماران معروف بود ، چشمهٔ مذکور را بصورت یك حوض بسیار خوب برای شناوری ساخته وبنام (دکبانو چینه) مسمی شده است .

٣ : ـ دربین تپه ریگ وتپهٔ باد آسیاب طرف جنوب شرق (نوموړی باغ) در سر یك تپهٔ دیگر که آثار یك مسجد قدیمی معلوم می شد در سال جاری یك مسجد پخته کاری بسیار

اعلی ساخته وبنام (سپین جماعت) موسوم شده است .

٤ : ـ طرف شمال غرب تعمیر نایب الحکومگی یك میدان سپورت اساسی با میدان تینس پخته کاری ومیدان رنگ تینس احداث وهم بسمت شمال تعمیر مذکور یك میدان بسیار کلان برای هاکی ، فت بال ، والی بال ودیگر بازیها واتن ملی ساخته شده .

٥ : ـ تعمیر ستیشن رادیوی گردیز که طرف شمال شرق تعمیر ولایت واقع ودر سالهای گذشته بنا گردیده بود درسال حاضر کار آن به پایهٔ تکمیل رسیده است .

٦ : ـ تعمیر یك حمام در گردیز که در سال گذشته بناء ودر هذه السنه کار آن قریب باختتام است .

٧ : ـ درحکومت ارگون یك مسجد جامع بناء ویك حصهٔ کار آن تمام شده است .

٨ : ـ باغیکه قبلاً بدور تعمیر نایب الحکومگی احداث گردیده بود بنام (مینوری باغ) مسما ویك اندازه کار آن ازقبیل نهال شانی و کبل کاری وساختن خیابانها وغیره در آن بعمل آمده است .

٩ : ـ باغ ولایت که خیلی خورد ودیوار های آن قسم معمولی ساخته شده بود درهذ السنه یکحصه زمین طرف جنوبی آن در وسعت باغ مذکور درآورده شده ودیوار های آن طور عصری تکمیل ودر بین آن دو حوض پخته کاری نیز ساخته شده است که حوض های مذکور دارای فواره ها نیز بوده وخیابانهای آن درسال جاری بپایهٔ تکمیل رسیده وباغ مذکور بصورت کلی یك رونق خوبی رابخود گرفته است .

١٠ : ـ چون درسابق جهة انعقاد جرگه های قومی ومجالس اعیاد وجشن ها وغیره جای لازمه موجود نبود امسال دربین باغ ولایت یك چوبترهٔ کلان که در آن گنجایش نفری زیادی بعمل می آید بصورت مرغوب تعمیر گردیده است .

١١ : ـ تعمیر جای نایب الحکومگی که دارای نواقص زیاد بود ، درهذالسنه تمام نواقص آن تکمیل ودربین حویلی آن یك حوض پخته کاری که حائز فواره بوده ساخته شده ، وعلاوتاً یك جویچهٔ آب از کاریز سرکاری جدیدا دربین حویلی جای مذکور آورده شده که آب آن بطرف جنوب باغ جریان میبابد .

١٢ سیم گلکاری ، رنگمالی هو تل گردیز بصورت صحیح ترمیم وضمناً تشنابهای آن که معمولی بود بصورت عصری تعمیر وکلکین های طرف شمال منزل دوم هو تل مذکور دولا شده است .

١٣ : ـ سطح اطاقهای مکتب گردیز عموماً سندله شده است .

١٤ : ـ باغ عمومی خوست که در سال ١٣٢٠ احداث شده بود ، در هذالسنه تهداب دیوار های آن سنگ کاری وهم بعضی هموار کاری در باغ مذکور بعمل آمده است .

۱۵ :- دوتهانه درحصهٔ درنگ ودولت خان جهت بودوباش نفری تهانه داران تعمیر شده است .

۱۶ :- طرف شرق نوموډی باغ ازبرای آبیاری باغ مذکور یك کاریز شروع وکار آن قریب الاختتام است .

۱۷ :- لین تیلفون بندر پتان ، چمکنی ، وپیواړ ، جاجی ، ومیدان خوله ، منگل جدید تمدید گردیده است .

امور حکومت اعلای میمنه

۱:- از مربوطات حکومت اعلای میمنه نفری که از قلم مانده بود وداخل احصائیه شده (۲۴۰۰) نفر.

۲:- در شق عدلیه: محصول وثایق محکمهٔ ابتدائیه ومرافعهٔ مرکز ومحکمهٔ ابتدائیهٔ اندخوی وپښتونکوت وبلچراغ وتگاب وقیصار الی ۱۵ برج قوس مبلغ(۷۵۲۱۲)افغانی .

۳:- درشق مالیه: بنسبت عمل ۱۳۲۰ در عایدات مواشی سال جاری مبلغ ۵۵۸۹۳/۳۹ افغانی افزود بعمل آمده.

۴:- نظر به سال گذشته درسال جاری بمحصول خانواری وجوازی واصنافی مبلغ ۲۱۹۲/۹۴ افغانی تنزئید بعمل آمده.

۵:- شق فوائد عامه: ازسرك میمنه حدبخش مزارشریف الی سرك حدبخش ولایت هرات برای نفری معابر بیست وسه اطاق تعمیر وهفت چاه حفر گردیده .

۶:- درحصهٔ حکومت پښتونکوت بسرك عمومی ده پل، آباد وپخته کاری شده .

۷:- شق معدن: درهذه السنه بتعداد دولك خشت نمك ازمعدن اضافه استخراج وبه عایدات آن نظر به سال گذشته از ابتدای سال جاری الی ۲۰برج جدی مبلغ ۲۰۰۷۰۳- افغانی تزئید بعمل آمده .

۸:- شق زراعت: دراجارهٔ زمین های لامالك اندخوی در سال جاری ۱۰۷۰۱۶ - افغانی افزود بعمل آمده .

۹:- یك مقدار تخم پیله ازولایت هرات وارد وبرای تربیه وترویج بین اهالی تقسیم ونتیجهٔ خوبی گرفته شده.

۱۰:- یك اندازه تخم بلوط وارچه که ازمرکز برای بذر فرستاده شده بود درمواضع لازمهٔ جنگلات قیصار وبلچراغ افشانده شده .

۱۱:- بمواضع لازمهٔ جنگلات یکمقدار مکفی پسته بذر گردیده .

۱۲:- یك مقدار تخم ناجوازهرات خواسته وجهت افشاندن بحکومات مربوطه تقسیم گردیده .

۱۳ :ـ باندازهٔ (۴۶۱۳۱) جریب زمین زه ملخ کشف و(۳۲۱۶۱) جریب زمین تحت عملیات و خاک پوشی آورده شده .

۱۴ :ـ درسال جاری بمربوطات حکومت اعلای میمنه (۹ ۲ ۷ ۳ ۶ ۷ ۷) اصله نهال مثمر وغیرمثمر غرس گردیده.

۱۵ :ـ شق معارف : در مکاتیب مربوط حکومت اعلای میمنه در هذه السنه (۳۷۸) نفر طلبهٔ جدید گرفته شده

۱۶ :ـ تعمیر یك مکتب در حکومتی گرزیوان برای طلاب معارف .

۱۷ :ـ درمحصول گمرکی میمنه نسبت بسال گذشته درهذه السنه(۲۷۷۵۷)افغانی تزئید بعمل آمده.

۱۸ :ـ شق حمل و نقل: در عایدات محصول حمل ونقل نسبت بسال گذشته در سال جاری الی اخیر برج قوس (۳۵۱۷) افغانی تزئید بعمل آمده .

ریاست شورای ملی

الف : ـ تصویب موازنهٔ بودجهٔ سال ۱۳۲۱ .

ب ـ تصویب اصولنامه ها :

۱ـ اصولنامهٔ تجارتی .

۲ـ « دفاتر تجارتی .

۳ـ « ثبت تجارت .

۴ـ « افلاس وورشکست .

۵ـ « دلالی .

ج ـ ضمایم :

۱ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ حاضری ورخصتی مامورین در موضوع اضافهٔ رخصت متعینهٔ مریضی مأمورین که برخصت تفریحی استحقاقی محسوب شود .

۲ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ محصولات بلدیه درموضوع ثبت قرارداد کرایه وقیمت تکت دوافغانی .

۳ـ « « مدیریت های مامورین تبدیل اصل ۱۰ .

۴ـ « « تعرفهٔ گمرکی اخذ محصول صادراتی پوستین وپوستینچه .

۵ـ ضمایم اصولنامه‌های پوست وتلگراف در تزئید وتعدیل محصولات پستی وتلگرافی وتیلفونی ومعاشات پسته رسانها وپیاده های لین وتیلفون .

۶ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ مکلفیت عسکری توضیح اقارب شخص بیکس

۷ـ « « اطاقهای تجارت تعدیل حصهٔ الف اصل ۱۷ .

۸ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔحاضری ورخصتی مأمورین تبدیل حصهٔ (ب) اصل ۱۷ راجع برخصت تفریحی مامورین .

د :ـ مادهٔ واحده درممنوعیت صدور اتومبیل ولوازم آن ازداخل مملکت بخارج .

ه :ـ درموضوع تحت چلند گذاشتن يك‌اندازه ازنوت‌های‌رقم یکصدافغانی ، پنجاه افغانی وده افغانیگی خزینهٔ پس انداز .

ریاست اعیان

الف ـ اصولنامه ها :

۱ـ لایحهٔ اصولنامهٔ تجارت .

۲ـ « « ثبت تجارت .

۳ـ « « دفاتر تجارتی .

٤ـ « « دلالی .

۵ـ « « افلاس وورشکست .

٦ـ « راجع به‌تزئید معاش پسته رسانها .

ب ـ ضمایم :

۱ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ اطاق های تجارت تبدیل حصهٔ الف اصل ۱۷ .

۲ـ « « محصولات بلدیه .

۳ـ « « حاضری ورخصتی مامورین .

٤ـ « « مکلفیت عسکری تعدیل اصل (۲۲) اصولنامهٔ مذکور .

۵ـ « « مدیریت های مامورین تبدیل اصل (۱۰) اصولنامهٔ مذکور .

٦ـ « « تعرفهٔ گمرك راجع به‌محصول پوستین و پوستینچه .

۷ـ « « « « « « شیرین بویه .

اعطای نشان

بموجب فرمان اعتبارنامهٔ نمبر ۲۵۳ مورخهٔ ۷ جوزای ۱۳۲۱ یکدانه‌نشان خدمت برای ب ، فضل محمد خان بلوکمشر غند سوار فرقهٔ شاهی .

بموجب فرمان اعتبارنامهٔ نمبر۳۰۱ مورخهٔ ١٤ جوزای ۱۳۲۱ یکدانه‌نشان دوم معارف برای داکتر گریفه مدیر سابق مکتب نجات .

بموجب فرمان اعتبارنامهٔ نمبر۱۳۱۷ مورخهٔ ۲۳ عقرب ۱۳۲۰ یکدانه نشان درجه اول استور برای ع ، ش محمد احسانخان قوماندان قوای هوائی .

بعضی ازضعفا بحدی ضعف خویشرا مستشعر میشوند که آنرا حسن استعمال کرده وازان نتیجه وثمر میگیرند.

(روشفوکولد)

د استخباراتو مامور : « ، محمد عثمانخان

د کنترول « : « ، عبدالعزیز خان

د حمل و نقل « : « ، محمد ابراهیم خان

دبلدیې رئیس : « ، عزت الله خان

دتجارتی منازعاتو دفیصلې رئیس : « ، احمد جانخان

دتلگراف منتظم : « ، عبدالحق خان

د رادیو « : « ، حفیظ الله خان

دفراه اعلی حکومت

اعلی حاکم : ع ، ع ، ص عبدالصمد خان

سرشته دار : « ، ص ، محمد عثمانخان

دمرافعی قاضی : . . . .

دکوتوالی قوماندان : ش ، عبدالشکور خان کندک کمشر

دصحیې مدیر : ص ، محمود خان.

دکرهنې مدیر : . . . .

دگمرك مدیر : ص ، رحمت الله خان

دتحریراتو مدیر : « ، محمد عمر خان

دفوائد عامې « : « ، شیر محمدخان

دمخابراتو مامور : « ، محمد نوروز خان

دمعارفو مامور : « ، عبدالعزیز خان

دخزانی مامور : « ، محمد ابراهیم خان

داحصائیی « : « ، عبدالعزیز خان

دپښتو دکورسو اود آژانس مامور : « ، شمس الحق خان

بموجب فرمان اعتبارنامهٔ نمبر ۱۳۱۸ مورخهٔ ۲۳ عقرب ۱۳۲۰ یکدانه نشان درجه دوم استور برای ح ، غلام دستگیر خان مدیر مکتب هوابازی .

بموجب فرمان اعتبارنامهٔ نمبر ۱۷۵۶ مورخهٔ ۱۵ قوس ۱۳۲۱ یکدانه نشان استور درجه سوم برای مسترویست سر کردهٔ هیئت اعزامی ژئولوژیکل سروی آف اندیا در افغانستان !

اجراآت بانك ملی افغان

درجریان سال ۱۳۲۱ محاربهٔ اروپانه تنها قطع نگردید بلکه درحصص مختلف دنیاروز بروز توسعه یافته وتقریباً شکل جنگ بین المللی رااختیار نموده - بعضی ممالك امریکای جنوبی عراق وحکومت نانکنگ نیز بتدریج داخل محاربه گردیده ملل مختلفهٔ عالم دراین جنگ خانمانسوز اشتراك ورزیده اند -طبیعی است که وضعیت اقتصادی ممالك بیطرف مخصوصاً افغانستان ازاین اوضاع خیلی متأثر گردیده وبه سبب مسدود گردیدن طرق مواصلات رفت وآمد مال التجاره تقریباً مسدود وممتنع میگردد .

در مقابل این اوضاع ومشکلات روز افزون ازقبیل قلت وسایل حمل ونقل -انسداد طرق ووضع قیود مؤکد بروارادت وصادرات درممالك مختلفه - صادرات پیدا وار افغانی وواردات ما یحتاج مملکت ازخارج بمشکلات بیشتری نسبت بسال های گذشته دچار گردید .

درعین حال درتابستان امسال بحرانی درتجارت قره قلی (که اکنون بازار آن منحصر بامریکا گردیده) رو داد -اگرچه بانکملی دراثر تجارب چندساله ازماهیت اینگونه بحرانهای قره قلی اطلاع داشته میداند که چارهٔ حقیقی آن تحمل وانتظار طی شدن کساد بازار است ودر این دفعه نیز همین سیاست مفید راپیروی نموده اما چون وقوع بحران مرادف باکساد عمومی تجارت مملکت بوده شرکتهای تجارتی تاحدی ازان متأثر گردیدند رویهمرفته دراین سال ازطرف بانك ودوائر ملی برای تخفیف تأثیرات اقتصادی حرب باقدامات مقتضیه تشبث شده است که رؤس آنراماذیلاً بانهایت اختصار درطی موادذیل به نظر خوانندگان میرسانیم.

صنایع : درترقی وبهبودی امور فابریکهٔ قندسازی چه ازحیث تهیهٔ موادخام وچه ازحیث بهبودی امور اداری وازدیاد درتولید شکر اقدامات لازمه گرفته شده بودمتأسفانه در اثر بروز امراض نباتی درمقدار مواد اولیهٔ (لبلبو) تناقص واقع شده وازه۳۹۰۰ تن شکر که در سنه ۱۳۲۰ حاصل داده درهذه السنه ۱۳۲۱ ازبیست ویك هزارتن لبلبو درحدود ۲۹۴۴ تن شکر تولید نموده ومدت جریان کارآن درمقابل ۴۴ روز درسنه ۱۳۲۰ عبارت از ۳۱ - روز وشش ساعت بوده وازحیث صفت وجنسیت استحصالات آن بهتر گردید واما مادهٔ قندی لبلبو از ۱۷ فیصد سالهای گذشته به۱۴/۲۹ فیصد تنزل نموده است .

بسته کاری فابریکهٔ نساجی پلخمری درسال ۱۳۲۱ بپایهٔ تکمیل رسیده وتنها چیزیکه بکارانداختن آنرا تااین اواخر بتعویق انداخته بود قلت عمله بوده که ازطرف شعبه صناعتی بانکملی اقدامات جدی گرفته شده وهمه روزه یکعدهٔ زیادعمله بامعاشات خوب وشرایط مناسبی استخدام وبه پلخمری اعزام میگردد ازقرار معلوم فابریکهٔ مذکور تکمیل وحصهٔ نختابی آن که عبارت از ۱۵۰۰۰ دوك است بکار افتاده حصهٔ بافت آن که درحدود ۵۵۰ دستگاه میشود نیز متدرجاً بکار آغاز نموده وامید میرود که قسمت مهم احتیاجات پارچهٔ نخی را که قلت آن محسوس است ازین رهگذر رفع نماید - تولید فابریکهٔ نساجی جبل السراج وفابریکهٔ پشمینه بافی کابل نیز درافزایش میباشد خوشبختانه مملکت ما اگرچه درین اواخر ازحیث تولید صنعتی دچار انحطاط گردیده اما درحصص مختلف مملکت یکسلسله صنایع دستی وطنی وجود دارد که برای احیاء وتوسعهٔ این صنایع سرمایهٔ کافی پنبه واقدامات جدی ازطرف وزارت اقتصادملی وبانکملی بعمل آمده وشرکت کمك صنایع دستی برای همین مقصد تشکیل گردیده ودرهذه السنه درولایات کابل وسمت مشرقی نتائج رضائیت بخشی حاصل نموده .

بانکملی دراین موقع که سرمایهٔ شرکتها باموال خریداری سنوات گذشته مصروف بوده بازهم در سال ۱۳۲۱ برای موفق ساختن شرکتها جهت خرید مواد خام داخلی از معاونت بانها بصورت اعطای قرضه وکریدت خود داری ننموده و حتی الامکان کمك مالی با مؤسسات بعمل آورد .

تجارت : دراثر توسعهٔ محاربهٔ دنیا و مسدود گردیدن طرق ارتباطی صادرات افغانستان نسبت به سال ۱۳۲۰ تقلیل یافته چنانچه صادرات پوست قره قل نظر بمشکلات حمل ونقل وکساد بازار امریکا بسیار کم وقسمت اعظم پیداوار امساله درداخل مملکت ذخیره شده وصادرات پشم وپنبه نیز تقریباً بهمین حالت بوده تنها صادرات میوهٔ تازه وخشك ادامه داشته بنرخ های مناسب درهند بفروش میرسد - درمقابل این اوضاع که درتجارت صادراتی مملکت لطمهٔ سختی واردنمود بانکملی وسایر شرکتهای ملی جهت جلوگیری ازبعضی جریانات سوء دراوضاع تجارت داخلی وکمك به مولدین مواد صادراتی دراثر هدایات وارشادات حکومت (برای اینکه طبقهٔ زارع ومالدار ازاین اوضاع متأثر نشده ودرازدیاد تولید مواد خام که سرچشمهٔ فعالیت وسرمایهٔ ملی است سکتهٔ وارد نشود) ازهیچگونه فداکاری دریغ نکردند - شرکتها با اینکه قسمتی از اموال خریداری سال گذشتهٔ شان همانطور موجود ومعطل مانده بود درسال جاری یك حصهٔ مهم ویا تمام حاصلات قره قل - پنبه - پشم - تریاك وپسته را خریداری نمودند و تصمیم گرفتند که

تاموقع مساعد آنرامحفوظ نگاه‌داری نمایند ـ وطبقهٔ مستحصل که‌زارع ومالدار است ازعسرت وپریشانی نجات داده شدند .

امور بانکداری : مسلم است که‌منشأ و مبدأ تولید اسعار خارجه فروش اموال صادراتی دربازارهای خارج است متأسفانه بنسبت اوضاع حاضرهٔ جهان صادرات افغانستان درهذه‌السنه تنزل نموده وحصهٔ مهم اموال سنوات گذشته‌هم یادرداخل مملکت‌عزیز ویادر بازار های‌خارج گدام وبدون فروش مانده وازطرفی چون تجارت باپول وتداول آن رابطه وپیوستگی تام داشته وتجار وارداتی مجبورند که‌برای رفع حوائج ضروری توده اسعار خارجه خریداری نمایند طبعاً می‌بایست که قلت اسعار محسوس ونرخ آن بر طبق قانون عرضه و تقاضا خیلی ها بلند میرفت ـ اما با وصف مشکلات مذکور بانک‌ملی با تدابیر لازمه و ضعیت اسعار را طوری اداره نمود که‌ازیکطرف شرکتهای‌ملی‌اسعار که‌بنیان اقتصاد مملکت‌بوده وتماماً سرمایهٔ‌شان باموال فروش ناشده راکدمانده بادادن اعتبارات قرضه حتی‌الامکان کمك‌نموده وبکریدت شان افزوده وازطرفی تماماً اسعار طرف احتیاج حکومت وتجار تورید کننده را در حدود قوانین موضوعهٔ بانکی به‌پیمانهٔ که‌لزوم آنهابوده تأمین نموده وخوشبختانه دراین عملیات‌خود برخلاف آنچه انتظار میرفت وضعیت عرضه وتقاضا را بانهایت خوبی اداره و از تزلزلات ممکنه جلوگیری مینمود .

ازآنچه درفوق گفته‌شد ثابت‌میگردد که‌بانك‌وموسسات‌ملی بمقتضای وظیفهٔ‌رسمی و اجتماعی خود دربهبود وضعیت اقتصادی مملکت صرف همت نموده و امید قوی دارد که بعنایت الهی وتوجه مقامات عالیه درآینده نیز تاموقعیکه اوضاع عالم چنین مختل‌است همین سیاست مفیدرا تعقیب وسعی‌خواهند نمود که‌پیداوارگرانبهای مملکت دراثر حوادث شوم حرب تلف نگردد وحتی‌المقدور مایحتاج مملکت ازداخل‌وخارج تهیه وطبقات مستحصل و مستهلك مملکت دچار عسرت وپریشانی نشود ومن‌الله التوفیق .

اما ادارهٔ وضعیت آینده که‌باطول کشیدن جنگ مربوط است فعلاً طور خاطر خواه پیش‌بینی شده نمیتواند بهر صورت چون غایه وآمال بانك و شرکتهای ملی درحفظ اوضاع اقتصادی مملکت عزیز بوده البته تا حدودیکه در حیطهٔ توانائی شان باشد در حفظ اوضاع آینده نیز خواهند کوشید .

احصائیه خریداری اشیاء صادراتی شرکت های سهامی در سال ۱۳۲۰

نوع اشیاء	ولایات شمالی								ولایت هرات								ولایت قندهار		جمع کل
	اتحادیه شمالی	اتحادیه اندخوی میمنه	شرکت نجات	شرکت اقدام	شرکت نهضت	شرکت رفعت	شرکت اخوت	شرکت قره قل	اتحادیه هرات	شرکت اعتماد	شرکت توفیق	شرکت تریاک	شرکت توکل	شرکت کلیمان	شرکت خندان	شرکت پسته	شرکت وطن	شرکت دنیا	
پشم گوسفندی شستیه	-	۱۶۰۰۹۵۶ کیلو	۱۹۶۲۲۹	۳۳۰۰۹	-	۱۱۲۳۷۸	-	-	۲۶۴۱۳۹	۶۲۰۲۷۸	۱۷۰۴۷۹۳	-	۷۸۷۸۷۷	-	-	-	۳۲۵۳۷۸۳	۲۲۵۷۹۱۶	۱۱۱۶۹/۳۵۸ تن
پشم اشتری	۳۹۵۴	-	۱۳۵۹	-	-	-	-	-	-	۱۶۰۲۰	۳۹۸۰۵	-	۱۱۰۱۹	۱۳۹۲۳	-	-	۸۷۴۳	-	۹۴/۷۲۱ ״
قره قل دوبره و بغنه	-	۱۷۴۱۰۱	۶۶۲۸۵	۳۶۰۰۶	۱۳۹۰۶	۲۷۲۷۴	۱۲۲۴۷۸	۱۰۱۴۲۶۵	-	۱۰۴۰۰۶	۳۹۸۹۸	۳۵۱۸۸	۴۴۲۸۱	۹۲۸۰۷	-	-	-	-	۱۷۳۲۵۹۵ جلد
پوست بزی و گوسفندی	-	۱۹۵۸۱	۶۹۴۳	۷۵۰۰	۷۹۲۱	۶۱۵۰	-	-	-	۱۵۳	-	-	-	۱۳۶۵۷۵	-	-	-	-	۱۷۴۷۲۳ ״
پسته	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۵۶۲۳	-	-	-	-	۳۰۶۹۹۰	۶۵۴۶۱۰	-	-	۹۹۷/۲۲۳ تن
پنبه غیر محلوج	۲۴۰۳۹۰۵۰	-	-	-	-	-	-	-	۴۷۸۶۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۴۰۸۶/۹۱۲ ״
تریاک	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳۱۳۰	-	-	-	-	-	-	۱۳۱۳۰ کیلو
باقی اشیاء	-	-	۱۴۱۷۵۶	۵۸۴۴۳	۱۹۱۸	۸۵۰۴	۵۶۰۷	-	۱۰۰۰	۴۵۰۰۰	-	-	-	۲۷۰۹۴۸	۷۷۱۰۰	-	-	-	۶۱۰۲۶۵ افغانی

احصائیه خریداری اشیا صادراتی شرکتهای اسهامی در شش ماه اول سال ۱۳۲۱

نوع اشیاء	ولایات شمالی: اتحادیه شمالی	شرکت اخوت	شرکت نعمت	شرکت اقدام	شرکت نهضت	شرکت صادرات پشم	شرکت قره قل	اتحادیه ندخوی میمنه	ولایت هرات: شرکت توکل	شرکت توفیق	شرکت کلیمان	شرکت ترياک	شرکت خندان	ولایت قندهار: شرکت وطن	جمع کل
پوست قره قلی و بزغاله	-	۴۹۱۶۶	۲۳۵۳۸	۳۱۰۸۳	۱۵۲۶۰	-	۶۷۰۵۳۱	۱۸۱۱۳۳	۳۳۵۴۳	۴۴۱۶۶	۵۸۰۸۷	۳۵۰۰۰	-	-	۱۱۴۲۲۰۷ جلد
پشم گوسفندی شسته	-	-	-	-	-	۱۵۶۲۵۳۹	-	۷۳۲۹۵۷	۱۵۲۵۷۵	۱۸۷۹۲۱	-	-		۲۷۸۵	۲۶۳۸/۷۸۴ تن
پشم اشتری	-	-	-	-	-	-	-	۵۶۴۹	۹۸۱۶	-	۸۹۶	-	-	-	۱۶/۴۳۱ تن
پنبه غیر محلوج	[illegible]	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
پوست گوسفندی و بزی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۲۵۷	-	-	-	۳۲۵۷ جلد
ترياک	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۱۰۶	-	-	۱۰۱۰۶ کیلو
زیره	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۵۵	-	-	۴۷۰۸	-	۴۸۶۳ کیلو
باقی اشیا	-	-	-	۱۳۳۹۳۱	-	-	-	-	-	۴۰۱۶۴	-	-	-	-	۱۷۳۱۰۲ افغانی

احصائیهٔ صادرات قره کلی و پنبه در سال های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱

تاریخ	صادرات قره کلی بحساب جلد		صادرات پنبه بحساب کیلو	
	۱۳۲۰	۱۳۲۱	۱۳۲۰	۱۳۲۱
حمل	۵۷۹۲۸	۵۰۰۵۶	۱۶۴۳۹۰۷	۶۷۱۹۶۸
ثور	۰	۴۳۵۰۱	۹۱۷۵۲۸	۱۰۸۲۵۶۰
جوزا	۱۲۳۲۹۹	۱۶۸۱۹۴	۱۱۹۴۳۰۸	۲۳۷۵۷۵
سرطان	۲۶۲۲۱۵	۰	۸۹۶۳۲۷	۱۳۵۵۴
اسد	۱۸۰۱۹۲	۰	۷۷۶۰۸۴	۱۱۹۷۲۳
سنبله	۳۲۲۷۷۸	۰	۰	۱۸۳۶۷
میزان	۳۴۳۱۵۰	۰	۰	۰
عقرب	۳۳۳۴۴۵	۰	۵۳۱۵۶	۰
قوس	۳۵۰۸۴	۰	۲۷۴۲۰۲	۱۹۴۰۶
جدی	۱۰۰۰۴۴	۰	۱۵۹۵۹۲	۴۷۵۳۷
دلو	۸۵۳۸۳	۰	۴۴۰۵۴۳	۰
حوت	۳۷۷۵۲	۰	۴۷۱۱۲۸	۰

احصائیهٔ قرضهٔ بانک ملی (بافغانی)

تاریخ	سنوات ۱۳۲۰	سنوات ۱۳۲۱	
حمل	۱۲۱۷۲۱۷۵	۱۶۹۵۲۴۱۲	
ثور	۵۸۰۱۶۲۵	۶۶۹۳۱۱۰	
جوزا	۲۳۵۸۰۷۴۹	۶۴۹۷۳۲۵	
سرطان	۷۹۴۲۴۵۹	۵۱۳۹۶۰۸	
اسد	۱۶۳۰۲۷۴۲	۳۸۴۹۱۲۸	
سنبله	۵۸۸۰۶۱۳۷	۲۷۸۰۸۷۳	
میزان	۳۲۷۴۸۶۷	۶۹۶۸۸۸۲	
عقرب	۱۷۵۴۳۵۵۶	۳۹۸۱۵۵۳	
قوس	۵۰۰۴۸۹۵	۰	
جدی	۳۵۷۹۱۲۸	۰	
دلو	۶۶۳۹۶۱۴	۰	
حوت	۹۷۰۰۱۵۱	۰	

احصائیه حسابجاری اشخاص و مؤسسات در بانک ۱۳۲۰ بافغانی

تاریخ	نماینده گی کابل	تجارتی خانگه	نماینده گی قندهار	نماینده گی اندخوی	نماینده گی هرات	نماینده گی مزارشریف
حمل	۶۰۰۴۳۰۹۴	۵۱۷۵۷۶	۳۹۳۴۸۹۵	۱۹۵۰۰۰۰	۲۸۷۱۸۱۳	۱۰۷۳۵۷۵۳
ثور	۵۵۲۰۷۷۲۱	۵۷۳۹۰۳	۱۷۷۹۰۱۴	۱۷۲۰۰۰۰	۲۹۶۱۵۰۹	۵۱۶۰۴۲۸
جوزا	۶۶۸۷۳۳۹۲	۷۶۱۶۵۶	۱۶۷۵۰۴۲	۱۷۵۰۰۰۰	۳۱۴۲۵۶۷	۴۵۲۸۷۰۷
سرطان	۸۸۳۵۶۷۸۱	۶۵۸۵۹۳	۵۵۳۹۴۱۵	۱۹۲۳۶۶۳	۴۸۲۹۰۲۴	۷۹۵۶۴۱۰
اسد	۱۰۶۷۷۳۰۴۸	۵۵۸۱۶۵	۳۶۶۱۲۴۸	۴۱۸۸۱۰۸	۳۷۹۵۲۰۹	۴۰۵۱۶۱۷
سنبله	۱۰۴۰۲۷۶۲۹	۴۸۶۹۰۶	۲۰۲۶۳۸۷	۵۳۱۵۵۹۴	۴۳۳۱۵۱۱	۴۳۳۸۵۸۷
میزان	۱۰۰۸۴۲۶۰۱	۵۱۵۳۸۳	۱۸۲۱۴۲۸	۱۹۱۴۶۷۲	۳۰۵۷۸۳۵	۲۹۲۳۰۲۳
عقرب	۹۹۰۲۲۹۵۰	۴۱۴۰۱۰	۳۰۰۸۶۲۶	۱۱۶۷۰۲۷	۳۲۷۵۵۳۴	۳۵۴۱۵۷۱
قوس	۱۲۱۹۰۵۲۸۲	۵۷۶۴۶۲	۳۴۳۹۳۹۹	۱۰۰۵۷۳۹	۲۳۵۶۷۶۴	۳۱۰۸۳۹۳
جدی	۹۸۳۰۶۷۰۰	۴۸۱۲۰۳	۲۶۹۵۶۴۲	۱۴۰۰۱۵۳	۲۲۰۸۶۲۴	۲۲۲۱۸۶۳
دلو	۵۴۳۷۴۴۵۸	۴۶۳۰۷۶	۳۲۴۶۹۲۷	۱۶۶۷۰۶۹	۱۸۳۸۳۹۶	۴۰۶۴۴۲۶
حوت	۵۶۹۴۹۰۰۲	۳۵۵۷۲۰	۱۷۰۸۷۸۹	۳۶۳۷۳۰۰	۱۰۱۸۱۷۳	۷۴۴۳۸۴۴

فهرست مندرجات سالنامه

١٣٢١

الف : مضامین

مضمون	صفحه
د کابل پوولسمه کالنی	١
دافغانستان پادشاه	٢
تشکیلات مملکتی (صدارت عظمی)	٣
« وزارت حربیه	٥
« « خارجه	١٠
« « داخله	١٢
« « عدلیه	١٣
« « مالیه	١٤
« « معارف	١٥
« « اقتصاد	١٧
« « فوائد عامه	١٨
« « صحیه	١٩
« « پست وتلگراف	٢٠
« « معادن	٢١
« ریاست زراعت	٢٢
« « مطبوعات	٢٣

ولایات وحکومات اعلی:

مضمون	صفحه
تشکیلات ولایت کابل	٢٥
« « قندهار	»
« « هرات	٢٦
« « مزار شریف	٢٧
« « قطغن وبدخشان	٢٨
« « مشرقی	٢٩
تشکیلات ولایت جنوبی	٢٩
« حکومت اعلای میمنه	٣٠
« « « فراه	٣١
« دوائرملی (شورای ملی)	٣٢
« مجلس اعیان	٣٧
« دوائر حضور (وزارت دربار)	٣٩
« دارالتحریر شاهی	٤٠
دافغانستان بانک	٤١

اجراآت دوائر مملکتی:

مضمون	صفحه
امور حربیه	٣٨
« خارجه	٤٥
« داخله	٤٩
« معارف	٥٤
« فوائد عامه	٧٦
« صحیه	٨٠
« پست وتلگراف	٨٩
« ولایت هرات	٩٠
« « جنوبی	٩١
« ریاست مستقل زراعت	»
« « « مطبوعات	١٠١
« « تفتیش عمومی محاسبات	١٢٣
« املاک	»

مقالات :

مضمون	صفحه
دپښتو لیك	۱۲۹
رتبیل شاهان کابلی	۱۳۸
نگاهی بغور	۱۵۷
قندهار	۱۷۶
گلهای کوهی	۱۸۹
دبیان علم	۱۹۶
روش اقتصادی افغانستان	۲۱۵
غذا هایکه میخوریم	۲۲۳
دپښتو پرملی افسانو یوه کتنه	۲۳۲
مهمترین اختراعات جدیده	۲٤۸
کورنی مهم وقائع	۲۶۶
ددنیا واقعات	۲۷۵
پښتو وپښتولو گها	۲۸۶
گرانبهاترین کتب پښتو «پټه خزانه»	۳۰۱

❀ ❀ ❀

اجراآت ولایت مزار	۳۱۱
« « جنوبی	۳۱۵
« حکومت اعلای میمنه	۳۱۷
« ریاست شورای ملی	۳۱۸
« « اعیان	۳۱۹
اعطای نشان	۳۱۹
اجراآت بانك ملی افغان	۳۲۰

ب : تصاویر

تصویر		صفحه
اعلیحضرت اشرف همایونی	مقابل	۲
ج،ع،ج والاحضرت صدراعظم صاحب		٤
ع،ج،ا،انشان والاحضرت وزیر صاحب حربیه	مقابل	۶
ع،ج والاحضرت سردار شاه ولیخان	«	۱۰
ع،ج والاحضرت وزیر صاحب معارف	مقابل	۱٤
ع،ش سردار عالی سردار محمد داؤدخان	«	٤۲
د وریښمین اوغیره دسرك عکسونه (۱۲) قطعی	«	۷۶
شفاخانی مستورات (۲) قطعه	«	۷۸
از مقرریهای مهمه وزارت حربیه (۶) قطعه	«	۱۰۰
ازمقرریهای مهمهٔ وزارت معارف وغیره (۵) قطعه	«	۱۰۱
ازعمرانات جدید ولایت مشرقی (۸) قطعه	«	۱۲۸
اعلیحضرت همایونی نقشهٔ جدید مکتب حبیبیه را ملاحظه میفرمایند	«	۲۶۶
اعلیحضرت همایونی سنگ تهداب مکتب حبیبیه را میگذارند	«	۲۶۷
فوتو های مربوط جشن استقلال (۱۳) قطعه	«	۲۶۸
اعلیحضرت همایونی درننداراتون	«	۲۷۰
والاحضرت وزیر صاحب معارف بروز نهالشانی	«	« «
ذواتیکه به نښان معارف مفتخر شده اند	«	۲۷۱
فوتوهای جنازه شهزاده محمداکبرخان (٤) قطعه	«	۲۷۲
رجال مهم خارجی (۲۸) قطعه از صفحه ۲۷۶ الی ۲۸۳		
ازعمرانات مزارشریف (۱۱) قطعه	مقابل	۳۱۲
فوتوهای وزراء ونویسندگان مقالات وغیره که درمتن صفحات طبع شده ـ ٤٥ قطعه		

احصائیۂ حسابجاری اشخاص ومؤسسات در بانك ١٣٢١ بافغانی

تاریخ	نماینده گی کابل	بناری خانگه	نماینده گی قندهار	نماینده گی هرات	نماینده گی مزارشریف	نماینده گی اندخوی
حمل	٦٧٧٠٥٤٩١	٥٢٧٠٠١	١٥٦٤٤٤	١٢٩٤٧٣٥	٢٨٥٤٩٧٧	٥٩٠٧٣٨
ثور	٦٥٥٧٩٦٣٩	٥٨١٢٦٨	٢٨٢٩١٧٦	١١١٥٦٦٠	٦٥٩٠٤٧٦	٥٦٧٥٠٧٤
جوزا	٧٣٥٠٧٧١٤	٦٣٨٤٤٥	١٣٤٤١٣٥	١٠٤٨٧٠٦	٤٥٩٨٩٧٤	٥٣٠٨٥٤٩
سرطان	٦٩٦٣٣٥٠٠	٧٩١٦٧٥	٣٠٥٨٦٢٢	١٥٥٠٥٢٠	٣٥٤٣٣٤١	٣٥٢٧٩٤٣
اسد	٦٧٥٨١٤١٢	٧٣٨٨٠٣	٣٥١٧٢٨٥	١١٠١٢٥٣	١٣٩٤٩٩٣	٢٣٢٢٥٧١
سنبله	٦٦٥٦٤٢١٨	٧٩٣٧٥٨	٣١٦٣١٥٩	١٢٢٠٤٣٤	٣٨٣٧٢٥٣	١٢٣٢٥٩٧
میزان	٦١٦١٧٣١٢	٧٤٤٣١٨	٢٣٥٨٦٢٨	١٢٧٠٩٨٧	١٥٨٦٠٦٤	٧٨٤٤٨٦
عقرب	٥٧٩٢٢٠٩٥	٥٧٦٩٣٦	٢٠١١٥٨٨	١٤٨٩٧١٢	١٢٥٣١٩٦	٩٣١٣٩٣
قوس	٥٧٦٤٣٦٤٣	٢٠٠٥١٧٩	٢١٠٩٧٦٢	١٤٠٥٧٩١	٩٦٣٣٤	٨٥٧٦٢٢

امانت رادر چشم ، ضعف‌را دراطراف دهن ، وقوت‌را درزنخ ، و نظافت رادر ناخن های مرد جستجو کن . (جورج هورس لورور)

د ملی دوائرو تشکیلات

دملی شورا عالی ریاست

رئیس : ع ، ج عبد الاحد خان

لمړی‌معین : ع ، ص محمدالیاس خان

دوهم‌معین : « ، « سلطان محمدخان

منشی : « ، عبدا لمطیف خان

معاون : ص ، محمد انور خان

د مجلس دخانگی

سر کاتب : « ، محمد داؤد خان

د کنترول‌مامور : « ، محمد حسین خان

ع ، ج عبدالاحدخان دملی شورا رئیس

S.Ex Abdul Ahad Khan président du Conseil National,

وکیلان :

د کابل د مرکز

وکیل : ع ، سید جلال‌الدین‌خان

د شش کروهی

وکیل : ع ، عبد الاحد خان

د پغمان‌وکیل : « ، محمد علیخان

د لوگر	وکیل	:	ع ، حاجی محمدابراهیم‌خان
د وردك	«	:	« ، محمدسرورخان
دمیدان	«	:	« ، خانشرین‌خان
دسروبی	«	:	« ، میراحمدخان
د چهاریکار	«	:	« ، محمد کبیر خان
د جبل‌السراج	«	:	« : میرزا ملك شاه خان
د کوهدامن	«	:	« ، میر حیدر خان
د ریزه‌کوهستان	«	:	« ، عبدالاحدخان
د تگاب	«	:	« : محمدفیروزخان
د نجراب	«	:	« ، غلام نقشبند خان
د سیغان و کهمرد	«	:	« ، محمدیوسف خان

بهترین قوت‌مرد در عمل عقلی اوظاهر میشود ، طوریکه بهترین قوت‌زن درکار های روزانه واخلاق اودیده میشود . (راسکن)

د پنجشیر وکیل	:	ع ،	محمدابراهیم‌خان
د بامیان «	:	« ،	محمدحسین خان
د سرخ وپارسا «	:	« ،	حبیب‌الله‌خان
د غوربند «	:	« ،	خوشدل‌خان
د مقر «	:	« ،	حاجی‌عبدالقیوم خان
د غزنی «	:	« ،	میرزاعبدالوهابخان
د ده‌شین کتواز «	:	« ،	حاجی‌حیدر خان
د کوچی کتواز «	:	« ،	احمدجانخان
د دایزنگی «	:	« ،	علی‌احمدخان
د بهسود «	:	« ،	محمدنبی‌خان
د یکاولنگ «	:	« ،	سیداکبر شاه‌خان
د جاغوری «	:	« ،	غلام‌علیخان

د قندهار ولایت :

د قندهار دمرکز وکیل	:	ع ،	عبدالرحمن‌خان
د پنجوائی «	:	« ،	نوراحمدخان
د کدنی «	:	« ،	امیر محمدخان
د تیری «	:	« ،	عبدالعزیزخان
د کشك‌نخود «	:	« ،	محمداسحق خان
د ارغستان «	:	« ،	عبدالرحمن خان
د دهلې «	:	« ،	محمد یعقوبخان
د گرمسیر «	:	« ،	محمداکبرخان
د پشترودوگرشك «	:	« ،	محمدموسی خان
د زمین‌داور «	:	« ،	عبدالحمیدخان
د گیزاب «	:	« ،	حاجی فیض‌الحق خان
د ارزگان «	:	« ،	محمدکبیر خان
د ترنك وجلدك «	:	« ،	محمدحسن‌خان
د پشترود دکوچی «	:	« ،	حبیب‌الله خان
د قندهار دکوچی «	:	« ،	اسمعیل حبیب‌الله خان

د هرات ولایت :

د هرات دمرکز وکیل		:	ع ،	حاجی غلام‌نبی خان
د بلوکات	«	:	« ،	محمدعثمانخان
دغور وکیل		:	« ،	احمدجان خان
دشین ډنډ	«	:	« ،	محمدحلیم خان
دغوریان	«	:	« ،	عبدالشکور خان
دقلعه نو	«	:	« ،	حاجی معین‌الدین خان
داوبه	«	:	« ،	نظرمحمد خان
دتولك	«	:	« ،	عبدالرحمن خان
دشهرك	«	:	« ،	آقاجان خان
دچخچران	«	:	« ،	بهادر بیگ خان
دبالامرغاب	«	:	« ،	عبدالقادر خان

دمزار شریف ولایت :

دمزار شریف دمرکز وکیل		:	ع ،	حاجی عبیدالله خان
د کشنده	«	:	« ،	نازك میر خان
دسنگ چارك	«	:	« ،	محمدلطیف خان
دتاشقرغان	«	:	« ،	محمداسمعیل خان
دایبك	«	:	«	میرزا کلان خان
دسرپل	«	:	« ،	قاری محمد عظیم خان
دآقچه	«	:	« ،	رحمن بردی خان
ددولت آباد	«	:	« ،	نورالله خان
ددرهٔ صوف	«	:	« ،	سنگی محمد خان
دبلخ	«	:	« ،	برهان‌الدینخان

دقطغن اوبدخشان ولایت :

د خان آباد دښار وکیل		:	ع ،	عبدالله خان
دقندوز	«	:	« ،	عبدالستار خان
دنهرین	«	:	« ،	گل‌علم خان
داندراب	«	:	« ،	محمدسنجر خان

دتالقان	وکیل	:	ع ، سید مراد خان
دغوری	»	:	» ، محمد عمر خان
دبدخشان	»	:	» ، محمدصفدر خان
درستاق	»	:	» ، مولوی نجم‌الدینخان
دینگی قلعه	»	:	» ، محمدنبی خان
دجرم	»	:	» ، مولوی میرزا شاه‌خان
ددرواز	»	:	» ، سیدایشان خان
دواخان	»	:	» ، سیدشمس‌الدین خان
دکشم	»	:	» ، سعدالله خان

دمشرقی ولایت :

دجلال آباد دمرکز	وکیل	:	ع ، عبدالعظیم خان
دسرخ رود	»	:	» ، سیدمحمد صادق خان
دلغمان	»	:	» ، غلام نبی خان
دنورستان لغمان	»	:	» ، مشك عالم خان
دخوگیانی	»	:	» ، شیرین‌دل خان
دشنوار	»	:	» ، محمد ظفر خان
دمهمندري	»	:	» ، محمد عالم خان
درودات	»	:	» ، میاء جان خان
دکامي	»	:	» ، » ، عبدالغفور خان
داسمار	»	:	» ، میرعلم خان
ددرهٔ پیچ	»	:	» ، محمد حسین خان
دکنرخاص وکوزکنر	»	:	» ، محمد نیاز خان
دبرکنر درهٔ سین	»	:	» ، محمدافضل خان
دغلجائی حصارك	»	:	» ، ریدیگل خان
دننگهاری دکوچی	»	:	» ، طوطی شاه خان

دجنوبی ولایت :

دزرمت	وکیل	:	ع ، غلام محمد خان
دتنی خوست	»	:	» ، گل رنگ شاه خان
دجدران	»	:	» ، گیلمك خان

دمنگل وکیل	:	ع ، لعل محمد خان
دجاجی «	:	« ، حسین خان
دچمکنی «	:	« ، علیجان خان

دفراه اعلی حکومت :

دچخانسور وکیل	:	ع ، غلام رسول خان
دبکواه وخاشرود «	:	« ، خیر محمد خان

دمیمني اعلی حکومت :

د میمني د مرکز وکیل	:	ع ، میرزا نورمحمد خان
دتگاب شیرین «	:	« ، سیدابوالخیر خان
ددرزاب اوگرزیوان «	:	« ، میرمحمد اسلم خان
دقیصار «	:	« ، میرزا محمد امین خان

احجار کریمه دراماکن تاریک زمین یافت میشود ، همچنین حقایق جز در اعماق فکرجای دیگری یافت شده نمیتواند .

(هوگر)

داعیان مجلس

ع ، ج میر عطامحمد خان داعیان رئیس
S.Ex.Mir Ata Mohammad Khan
président du Sénat,

رئیس : ع ، ج میر عطامحمد خان
لمړی معاون : « ، ص حاجی محمداکبر خان
دتمیز رئیس : « ، « عبدالغفار خان
عضو : « ، سردار گل محمد خان
« : « ، حاجی خیر محمد خان
« : « ، « عطامحمد خان
« : « ، عبدالحکیم خان
« : « ، معاذالله خان
: « ، شرف الدین خان
« : « ، جان محمد خان
: « ، سیدیاقوت شاه خان
« : « ، ایشان امان الدین خان
« : « ، ملک رحمدل خان
« : « ، حاجی عبدالرحیم خان
« : « ، اخندزاده محمدرسولخان
« : « ، خان آقا خان

عضو : ع ، عبدالغفور خان
« : « ، حاجی عبدالحکیم خان
: « ، عبداللطیف خان
: « : امین الله خان
: « ، عبدالستار خان
: « ، میر محمدعلیخان
: « ، سیداحمدشاه خان
: « ، علی احمد خان
: « ، محمدحسن خان مهمند
: « ، میرزاخداداد خان
: « نظر محمد خان

عضو : ع ، محمد حسن‌خان وردک

« : « ، مولوی محمد پذیر خان

« : « ، نورالدین خان

« : « ، حاجی محمد شریف خان

« : « ، غلام‌رسول خان

« : « ، محمد اکبر خان

« : « ، سید احمد خان

« : « ، بشیر احمد خان

« : « ، خواجه محمد خان

« : « ، محمد یعقوب‌خان

« : « ، محمد حسین خان افندی

« : « ، خواجه جان‌گل خان

« : « ، محمد اسحاق خان

« : « ، حاجی شاه‌بینگ خان

« : « ، نیک محمد خان

« : « ، عبدالحکیم خان

« : « ، عبدالجبار خان

نام نیك آرایش جسم وقوت روان است (شکسپیر)

ع ، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان
ددربار وزیر
S.A. Ahmad Chah Khanministre
de laco ur

دشاهانه حضور مصاحبین :

ع ، ص محمد اکبر خان
« ، « حاجی محمد نوابخان
« ، « محمد سرور خان
« ، « سلطان محمد خان

د دربار وزارت

وزیر : ع ، ج والاحضرت سردار احمد شاه خان

معین : ع ، ص محمد حیدر خان

دتشریفاتو

عمومی مدیر : ع ، عبدالرشید خان
دتشریفاتو مماون : ص ، محمد اکرم خان
« « « : « عبد الله خان

دکنترول عمومی

مدیر : ع ، عبدالوهابخان

داجرائیې او

تنظیماتو مدیر : « ، عبدالرحیم خان
دتقنیې مدیر : ص ، میر اکبر خان
دخزانې مدیر : « ، عبدالباقیخان

فراشباشی : « ، حاجی امین الله خان
دکارخانی ناظر : « حاجی نظر محمدخان
داوراقو مامور : « ، حافظ محمد عظیم خان
مخصوص مامور : « ، میرعلی احمد خان

تشکیلات

صدارت عظمی

صدر اعظم	:	ج،ع،ج،ا،ا، نښان والاحضرت اشرف محمدهاشم خان
معاون	:	ع،ج والاحضرت افخم سردار محمدنعیم خان
دوهم معاون	:	ع،ج عبدالرحیم خان
مشاور	:	ع،ص سیداحمد خان
«	:	«، « یارمحمد خان
دضبط احوالاتو رئیس	.	«، « محمد شاه خان
دتحریراتو لمړی مدیر	:	ع، خلیل الله خان
« « دوهم «	:	«، محمدفاروق خان
داوراقو مدیر	:	«، محمدابراهیم خان
دعرایضو «	:	«، میرعبدالله خان
داجرائیي «	:	«، عبدالکریم خان
داملاکو «	:	«، عبدالستار خان
دضبطاحوالاتو دریاست دخارجه څانګی مدیر	:	«، محمد رفیق خان
« « « دمرکز « «	:	«، میر جان خان
« « « دسجل « «	:	«، محمدعثمان خان
داملاکو د مدیریت د اجرائیي مدیر	:	ص، عبدالله خان
« « « د کنترول «	:	«، سیدفقیر محمد خان

د محاسباتو دعمومی تفتیش ریاست:

رئیس	:	ع،ص، غلام مجتبی خان
عضو د عمومی مدیر په حیث	:	«، شاه محمود خان
« دانتهائی « «	:	ص، نصر الله خان
« « « «	:	«، قطب الدینخان
« دابتدائی « «	:	«، عبدالرحمن خان
« « « مامور «	:	«، عبدالعلیخان
« « « « «	:	«، خواجه داد خان

ع ، ج میر محمد حیدر خان دسرمنشی وکیل
S.Ex. Mohammad Haïdar Khan
secrétaire par intérim

دشاهی دارالتحریر

دسرمنشی وکیل : ع، ج میرمحمدحیدر خان

مشاور : ع ، سراج الدین خان

داوراقو مدیر : « غلام قادر خان

دمخصوص قلم

دخانگی مدیر : « ، نورمحمد خان

دلمړی څانگی

مدیر : « ، نورمحمد خان

ددوهمی څانگی

مدیر : « ، عبدالقدوس خان

دملوکانه دپښتو

کورس معلم : « ، مولوی صالح محمدخان

دشاهانه حضور حربی سر یاوری

سریاور	:	ع ، ش عبدالغفور خان فرقه مشر
معاون	:	« ، « محمد لطیف خان
حربی یاور	:	ح ، محمد حسین خان غند مشر
دسریاوریت خدمتی کنډ کمشر	:	ش ، گلبدین خان کنډ کمشر
حربی سریاور	:	غ ، درمحمد خان تولیمشر

د افغانستان بانك

رئیس	:	ع، ج، س، ع عبدالمجید خان دملی اقتصاد وزیر
د رئیس کفیل	:	ع، ص سردار محمد عمر خان
معاون	:	« « ، محمد علیخان
«	:	« « ، . . . . . .
خزانه دار	:	« ، « ، نظر محمد خان
دمحاسبی عمومی مدیر	:	« ، . . . . .
دخزانو اوارتباط عمومی مدیر	:	، حبیب الله خان
د اجرائیې او مامورینو مدیر	:	ص، محمد حیدر خان « نیسان »

ع ، ص سردار محمد عمرخان کفیل بانك

دخزانی داجرائیی	مدیر	:	ص ، صلاح‌الدین خان « طرزی »
دتحریراتو اومخصوص	«	:	« ، سیداسحق خان « بری »
داعتباراتو	«	:	« ، عبدالله خان
دداخلی تفتیش	«	:	« ، . . . .
د کنترول دمدیریت	معاون	:	« ، سیداحمد علی شاه خان
دمحاسبی	« «	:	« ، صالح محمد خان
دافغانستان بانك نماینده په نیویارك کښې		.	ع ، محمد شعیب خان
« « «	په قندهار «	:	ص ، خواجه ذ کرالله خان

ع ، ش ، والاحضرت سردار محمدداؤدخان دمرکزی قواؤقوماندان

S. A. Jenéral Mohd Daoud khan commandant
des forcces armées de Kaboul

د مملکتی دوائرو اجراآت

امور حربیه

امور حربیه سالیان درازیست که در تحت ادارهٔ شخص برگزیده وفرزند صالح وفدا کار این وطن والاحضرت ع ، ج ، ا ، انشان سردار شاه محمود خان سپه سالار غازی وزیر حربیه تدویر می شود . در اثر مساعی این مرد جلیل امور حربیهٔ افغانستان مزیت حقیقیهٔ خود را حائز وبیکصورت بسیار متین موافق به پلان واساسات مرتبهٔ خود بقطار اردو های جهان نشوونما می کنند .

اساساتیکه راجع به ترقی اردو تعقیب میگردد ثمره بخش وحقیقتاً باعث اطمینان تمام افراد ملت دیده می شود ، لهذا گفته می توانیم که اجراآت وزارت جلیلهٔ حربیهٔ ما اعتماد قوی مید هد که اردوی شاهی موافق بمرام حکومت وملت بمقابل ایجابات حال و زمان یك كتلهٔ منظم وموجب استناد ملت است . حقیقتاً اردوی شاهی برای اظهار موجودیت خود بمقابل همین اطمینان ملت متمادیاً مراحل مساعی حقیقی را می پیماید .

سلسلهٔ اجراآتیکه درشعب حربیه برای تعالی شئون عسکری درین سال تحت اجرا بوده ازهمه سال بهتر است ، وزارت جلیلهٔ حربیه علاوه براجراآت مهمهٔ که درین سال تحت اجرا آورده اند باجراآت امورآتی نیزموفق گردیده اند .

۱ :ـ غور درتشکیلات اردو وتعدیلات لازمه درآن .
۲ :ـ ترقی امور تعلیم وتربیه دراردو ووضع اصول جدید تعلیمی .
۳ :ـ اجرای تفتیشات ومراقبتهای امور اداری وتعلیم وتربیه وی قطعات .
٤ :ـ ورود عدهٔ صاحبمنصبان فارغ التحصیل افغانی ونصب وتعیین شان .
٥ :ـ نشئت نمودن صاحبمنصبان جوان از مکتب حربیه ومقرر شدن شان در قطعات .
٦ :ـ اکمال تحصیل نمودن دورهٔ (۲) کورس عالی وتقرر شان درقطعات .
۷ :ـ » » » (۱) تعلیم گاه ضابطان وتقرر شان درقطعات .
۸ :ـ اکمال فانفار های قطعات وتاسیس اصول جدید در موزیکه های اردو واکمال وتهیه وخریداری سامان جدید وتشکیل کورس موزیکه های مشکی .
۹ :ـ بسررسیدن یك دورهٔ دیگر ضابطان ومامورین حساب .
۱۰ :ـ تعدیلات در تشکیلات فابریکهٔ حربی وتوحید مکاتب میخانیکی عسکری وملکی وضم شدن به ادارهٔ مدیریت عمومی فابریکه های حربی .

۱۱ :- تقرر یك عده استادان کار اسلحه از تحصیل یافتگان مکتب میخانیکی حربیه به کمبود قطعات .

۱۲ :- اکمال تحصیل وتقرر یك‌عدهٔ دیگر دوکتوران از کورسهای صحیه وبیطاریه .

۱۳ :- تدابیر مجادله باامراض دراردو .

۱۴ :- جلب واستخدام یك تعداد مستخدمین خارجی برای مکاتب وکورسها وامور صحیه وبیطاریه .

۱۵ :- تاسیس یك تعلیمگاه برای ستاژ عسکری دوکتوران فارغ‌التحصیل فاکولتهٔ طبی که دراردو آمده اند .

۱۶ :- احضار یافته ها ونقشه های مملکت (ازنقطهٔ نظر عسکری) .

۱۷ :- امور ترفیع وتبدلات دربین صاحبمنصبان اردو .

۱۸ :- تدقیق وغور بودجه های اردو .

۱۹ :- اکمال وتهیهٔ لوازم واحتیاجات ووضع قوانین آن .

۲۰ :- غور در تسلیحات ومسایل اسلحه وجباخانه وآلات وادوات فنیه وهکذا اجرای تدقیقات ومعاینه های فنیهٔ آن .

۲۱ :- ترتیب پروگرام ها وپروژه های مفیده در تمام اردو وتحت اجراء گرفتن وتطبیق شدن آن .

دسمت مشرقی د عسکری قوماندانی

اجراآت

اخیراً دراثر توجه قوماندانی عسکری سمت مشرقی ومامورین مربوطه در امور عمرانی قوماندانی عسکری پیشرفت‌های ذیل بعمل آمده‌است :

۱ :- حسب استیذان مقامات عالیه‌جهت رهایش آمران‌وضابطان ودوائروهیئت قوماندانی عسکری نسبت به‌احتیاجی که‌محسوس گردیده‌بوددرتابستان‌امسال درصیفیهٔ‌وزیری (گتوکلی) تعمیر یك سلسله بناهای متعدد که‌طبق نقشه بصورت پخته کاری زیر تعمیر گرفته شده بود ازانجمله (۵) کوتی سنگی عصری که‌هرکوتی آن دارای اطاق های متعدد ازقبیل صالون واطاق مطالعه واطاق خواب ومطبخ وتشناب وغیره میباشد ، ساخته شده است وسا ختمان مابقی تعمیر اطاق‌های مزبور درتابستان ۱۳۲۲ ختم خواهدشد .

۲ :- درقرارگاه قشله درمرکز جلال‌آباد بسلسلهٔ بناهای سابقه درباغ جدیدالاحداث قوماندانی‌طبق نقشه یك عمارت عصری خیلی زیبا که‌دارای اطاق های متعدد میباشد بصورت پخته‌تحت‌تعمیر گرفته شده بودکه‌دریکمدت کم کار تعمیر آن خاتمه یافت .

٣ : ـ کار تعمیر دیوار های باغ الحاقیهٔ قوماندانی قشله که‌درسال گذشته در مرکز شروع شده بود خاتمه یافته‌است .

٤ ، ـ کار تعمیر دوپلیکه بصورت پخته‌کاری درباغ الحاقیهٔ قو ماندانی قشله بالای نهر شاهی که‌ازباغ عبور میکند زیر تعمیر گرفته شده بود ، تمام شده‌است .

٥ :ـ کار تعمیر یکبارك جدید که‌درمرکز قشله شروع شده ، قریب‌الا ختتام است .

٦ : ـ کار تعمیر یك‌شفا خانه که‌ازهر حیث رفع احتیا جات مریضان را کرده میتو اند ودرسال گذشته کار آن درقشلهٔ غنی‌خیل‌شنوارشروع شده‌بود درخزان امسال‌تمام گردیده وقابل استفاده شده است .

٧ : ـ کار تعمیر یك‌سلسله دکانها که‌دربازار غنی‌خیل شروع شده بود ، خا تمه یافته وازهر صنف درآن دکانها جای‌گرفته اند .

٨ : ـ کار تعمیر یکبارك‌جدید دیگر که‌درقشلهٔ‌غنی خیل‌شروع شده‌بود خاتمه‌یافته‌است.

٩ : ـ گدام جدیدیکه درغنی خیل بصورت پخته کاری وسنگی تحت‌تعمیر گرفته شده بود قریب به‌اختتام رسیده‌است .

١٠ : ـ یك‌سلسله خلاها که برای یك قشله ضروری بوددرغنی‌خیل بصورت‌عصری‌ساختمان آن درامسال خاتمه یافته است وهم هنگاف های دورادور دیو ارهای قشله کاملاً خاتمه یافته است .

١١ : ـ بارك جدید دیگری که‌به الحاقیهٔ شفا خانه در قشلهٔ غنی خیل تحت تعمیر بود خاتمه یافت وقابل استفاده گردید .

١٢ : ـ تعمیرات قشلهٔ کمکی خیبر که‌دربهارازباعث گرمی معطل بود ، در ایام اعتدال هوا مجدداً کارآن شروع گردیده وحسب نقشه پیشرفتهای ذیل درآن بعمل آمده است .

الف : ـ زینه‌های چهار بارك بصو رت پخته کاری تعمیر وکارآن تمام‌شده است .

ب :ـ کار تعمیر یك‌بارك‌جدید برای‌تحویلخانهای قطعات بسر عت جریان داشته وعنقریب خاتمه خواهد یافت .

ج : ـ دیوار های سمت شمال وشرق وغرب قشله بصورت پخته کاری از سنگ وچونه کاملاً تمام شده ، ودرسمت جنوب نیز شروع به‌کار شده‌است .

د : ـ یك‌سلسله تعمیرات که‌درالحاقیهٔ‌قشلهٔ مذکور تحت تعمیر گرفته‌شده بود تمام‌شده .

١٣ : ـ درکامه کارهای ناتمام تعمیر تابهار ١٣٢٢ تماماً خاتمه میبابد .

١٤ : ـ درقشلهٔ خاص کنر به‌دوطرف داخلی قشله وبالای دروازهٔ قشله یك‌سلسله عمارت جدید بطور عصری تعمیر وفعلاً تعمیر آن خاتمه یافته است که‌حالا ضابطا ن قطعات در آن رهایش دارند وکارهای باقیماندهٔ آن‌نیز قریب ختم‌است .

۱۵ :- دراسمار نظر به‌نقشه برعلاوهٔ تعمیرات‌سابقه ازجملهٔ بارکهای جدیدیکه تحت تعمیر ساختمان است کار دوبارك بصورت پخته‌کاری خاتمه یافته‌است. کار تعمیر بارکهای دیگر آن قریب به‌ختم میباشد .

۱۶ :- کار مصالح و مواد تعمیر مسجدیکه در غنی‌خیل شروع گردیده تهیه شده است وعنقریب بکار آن اقدام خواهدشد .

۱۷ :- کار ترمیم و اصلاح عموم قشله های مربوط عسکری که قبلاً شروع شده بود درخزان امسال تمام شده است .

امور خارجیه

درین‌سال نیز سیاست‌خارجی مملکت عزیزما مثل‌سنوات ماضیه براساس بیطرفی‌تام و حفظ وادامهٔ روابط دوستانه بامالك متحابه جریان داشته - وزارت امور خارجه این تصمیم نیك ونوع خواهانهٔ پادشاه معظم خویش راکه درجرگهٔ ملی‌نیز تائید یافته قدم بقدم در روابط خویش باتمام ممالك پیروی کرده وبه‌اعانت ایزد توانا تاکنون به‌حفظ بیطرفی وحقوق ملی بدرجهٔ احسن کامیاب‌می‌باشد وآینده نیز ازخداوند قدیر امیدواراست که‌چنین خواهد بود .

مقرری های مهمهٔ که درسال ۱۳۲۱ در مربوطات وزارت امور خارجیه بعمل آمده حسب ذیل است :

ع،ج عبدالحسین‌خان عزیز وزیرپست وتیلگراف وتیلفون به‌حیث وزیرمختار اعلیحضرت همایونی در واشنگتن .

ع،ص میرمحمد صدیق‌خان مدیر عمومی اموربین‌المللی وزارت امور خارجه به جنرال قونسلگری اعلیحضرت همایونی درمشهد .

ع،محمدشعیب‌خان قونسل اعلیحضرت دربمبئی به‌حیث قونسل افغان درنیویارك .

ص،محمد یونس خان سابق معاون ریاست بلدیه کابل به مدیریت‌شعبهٔ (٤ سیاسی) وزارت امور خارجه .

ص ، سید تاج الدین خان معاون ریاست تشریفات بحیث سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت درواشنگتن.

ص ، محمد اشرف خان سرکاتب جنرال قونسلگری افغانی درمشهد بحیث مدیر امور خارجه ولایت هرات .

ص ، عبدالرزاقخان معاون شعبهٔ حقوق بحیث مدیر مامورین‌وزارت خارجیه .

ص غلام‌محمدخان‌معاون مدیریت‌مامورین به‌سرکاتبی‌سفارت کبرای اعلیحضرت درمسکو.

مختصر سوانح جلالتمآب خالد الزهاوی

وزیر مختار و نمایندهٔ فوق‌العاده عراق در دربار شاهی کابل

عالیقدر جلالتمآب آقای ژنرال خالدالزهاوی وزیر مختار و نمایندهٔ فوق العادهٔ دولت پادشاهی عراق در کابل (افغانستان) در سال ۱۸۸۹ در بغداد متولد شده، در سال ۱۹۰۶ تحصیلات خود را در مکتب حربیهٔ اسلامبول بپایان رسانیده ودر قشون ترك صاحبمنصب بوده است.

آقای ژنرال خالدالزهاوی
وزیر مختار عراق درکابل

در جنگ ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸ شرکت کرده ودراین موقع درخدمت ارکان‌حرب ترکیه بوده است.

بعد از جنگ بعراق مراجعت نموده داخل قشون دولت‌عراق‌شده وسمت ریاست گارد مخصوص اعلیحضرت فیصل اول پادشاه عراق وبعد از آن ریاست مکتب حربیه را در بغداد دارا بوده اند.

درسال ۱۹۳۳ حکومت عراق‌وی رابرای تکمیل تحصیلات به‌انگلستان فرستاده ومشارالیه درسال ۱۹۳۴ مکتب ارکانحرب انگلستان را بپایان رسانیده وپس از آن‌بعراق مراجعت وبسمت مدیریت ارکان حرب وریاست قوای هوائی ومدیریت عمومی هوا پیمائی ملی عراق منصوب گردید.

پس از آن‌بدرجهٔ‌ژنرالی نائل‌ودراین‌موقع مدیرعمومی‌ادارهٔ لشکرعراق‌بوده وبعدازآن‌بترتیب‌سمت‌فرماندهی‌قوای‌شمال‌شرق‌وجنوب‌عراق‌رانیزدارابوده‌اند.

درسال ۱۹۳۹ والی کوةالاماره‌وبعدازان‌والی بغداد وپس از آن مدیر عمومی آب وانهار در عراق بوده اند .

اخیراً بسمت وزیرمختار ونماینده فوق‌العادهٔ اعلیحضرت فیصل‌دوم پادشاه عراق دردربار اعلیحضرت محمدظاهر شاه پادشاه‌افغانستان انتخاب‌واعتبار نامه‌های خود را در ٤ فوریهٔ ۱۹٤۳ بحضور اعلیحضرت پادشاه افغانستان تقدیم داشته اند .

سوانح آقای وزیر مختار امریکا

در کابل

۳۱ دسامبر ۱۸۸٦ ع متولد وین آستریا ، والدین هالیندی حصول حق تابعیت تعلیمات شخصی داخل مکتب در کالیفورنیا و سویس .

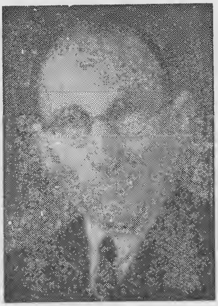

کارنیو لیورس‌وان ، اچ‌انگرت
وزیر مختار امریکا در کابل

۱۹۰۸ ع حصول درجهٔ بی ، ایل دارالعلوم کالیفورنیا ،

۱۹۰۹ « « « ایم ، ایل « « .

۱۹۰۸ الی ۱۹۱۱ داخل شعبهٔ حقوق دارالعلوم کالیفورنیا .

۱۹۱۱ « ۱۹۱۲ عضولا کولتی میمؤریل دارالعلوم هارورد .

۱۹۰۹ « ۱۹۱۱ معلم شعبهٔ تواریخ دارالعلوم کالیفورنیا .

۱۲ مارچ ۱۹۱۲ پس از امتحان بحیث محصل ترجمان در ترکیه .

اول جولائی ۱۹۱٤ ترجمان جنرال قونسلگری امریکا در استانبول .

نوامبر و دسامبر ۱۹۱٤ مامور ایجانس در در دانیال .

۱۲ فروری ۱۹۱۵ نایب قونسل در استامبول .

۱٤ آگست ۱۹۱۵ نایب قونسل وترجمان در بغداد شریف (معطل گردید) .

ستامبر ۱۹۱۵ الی دسامبر ۱۹۱٦ مربوط به‌سفارت کبرای امریکا در استامبول .

دسامبر ۱۹۱٦ الی اپریل ۱۹۱۷ در شام وفلسطین .

۱۸ـ اگست ۱۹۱۷ نایب کاتب وزارت مختاری امریکا درها گ .

۳می ۱۹۱۸ پس ازامتحان کاتب درجه ٤ سفاری کبرا باوزارت مختاری .

اول جون ۱۹۱۸ کاتب درجه ٤ سفارت امریکا درها گ .

١٤ مارچ ۱۹۱۹ کاتب درجه ۳ در سفارت امریکا مقیم ها گ .

۹ ستامبر ۱۹۱۹ کاتب درجه ۳ درسفارت امریکا مقیم طهران .

٤ نوامبر ۱۹۱۹ کاتب درجه ۳ در سفارت امریکا مقیم استامبول بطورموقتی

۱۰ مارچ ۱۹۲۰ « « « « « طهران

۱۰، اکتوبر ۱۹۲۲ باداره مربوطه .

٤ دسامبر ۱۹۲۲ کاتب درجه ۲ .

۲٦ ستامبر ۱۹۲۳ سرکاتب سفارت درهاوانا .

اول جولائی مامور درجه ٤ درشعبهٔ امورسیاسی خارجه .

۱۱ فروری ۱۹۲۵ سرکاتب سفارت درسان سالویدور .

اول می ۱۹۲٦ « « درسان تیاگو .

از ۱۸ نوامبر ۱۹۲۷ بیکار .

۲۱ دسامبر ۱۹۲۷ سرکاتب سفارت در کاراکاس .

۱۹ دسامبر ۱۹۲۹ مامور درجه ۳ در شعبهٔ امور سیاسی خارجه .

۱۳ جون ۱۹۳۰ سر کاتب سفارت در (چین) .

۲۹ « ۱۹۳۳ « « « قاهره .

۸ جولائی ۱۹۳۵ « « « ادیس ابابا .

۲۲ « ۱۹۳۵ ترفیع برتبهٔ جنرال قونسل .

۲٤ « ۱۹۳۵ علاوه بر وظایف سر کاتب بحیث جنرال قونسل درادیس ابابا .

۷ فروری ۱۹۳٦ وزیر مختار و(ریزیدنت) وجنرال قونسل درادیس ابابا .

اول اپریل ۱۹۳٦ ماموردرجه ۲ درشعبهٔ امور سیاسی خارجه .

۱۹می ۱۹۳٦ مامور درجه اول در شعبهٔ امور سیاسی خارجه .

۲۹ جنوری ۱۹۳۷ مستشار وزارت مختاری امریکا درطهران وکابل (متأهل گردید) .

۲۳ ـ اگست ۱۹٤۰ جنرال قونسل دربیروت .

سوانح آقای موتو هاروشی چیدا وزیر مختار جاپان در کابل

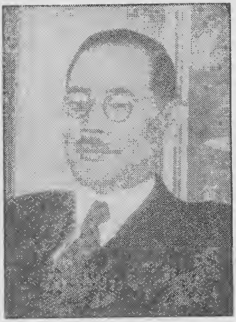

آقای موتو هاروشی چیدا وزیرمختار جاپان در کابل

سال ۱۸۹۳ ـ متولد توکیو .
« ۱۹۱۷ ـ فارغ التحصیل دارالفنون شهنشاهی توکیو شعبهٔ حقوق .
« ۱۹۱۸ ـ داخل خدمت وزارت خارجه .
« ۱۹۱۸ـ الی ۱۹۲۱ دوام ماموریت درو زارت خارجه.
« ۱۹۲۱ـ الی ۱۹۲۷ بحیث اتاشه و کاتب سوم دروزارت مختاری متعینه چیک سلاویك .
« ۱۹۲۷ الی ۱۹۲۹ کاتب وزارت خارجه .
« ۱۹۲۹ بحیث کاتب دوم سفارت کبرای مقیم المان مقرر گردید .
« ۱۹۳۲ بحیث کاتب اول سفارت کبرای مقیم المان مقرر گردید .
« ۱۹۳۳ کاتب اول وزارت مختاری در لتویا مقرر وشارژدافر آنجا بوده .
سال ۱۹۳٤ برتبهٔ جنرال قونسل مقیم همبرگ عز تقرر یافت .
« « به کتابت اول سفارت کبرای در اتحاد شوروی .
« ۱۹۳۷ بحیث جنرال قونسل درولادی واستیوك .
درماه می ۱۹۳۹ بحیث مستشار سفارت کبرای دراتحاد شوروی .
درماه اکتوبر ۱۹٤۰ از خدمت مستعفی گردید .

امور داخلی

تغیرات وتبدلاتیکه درین سال بوزارت داخله ومربوطات آن ازنقطهٔ نظر اداری وایجابات محیط وغیره بعمل آمده به قسمت ذیل مجزی وتحریر مشود : ـ

اول : ـ تعدیلات درتشکیلات اداری وملکی .

دوم : ـ مقرری ها .

(اول) تعدیلات درتشکیلات اداری و ملکی : ـ

(الف) تشکیلات دوایرکه ازنقطهٔ نظر اهمیت امور مربوطه واقتضای وقت به اساس صوابدید دوائر مربوطه و منظوری مقامات رفیعه تعدیل وذیلاً تشکیل شده است : ـ

ج • ع • ج ، ا ، ا ، نښان افخم والاحضرت سردار محمد هاشم خان دافغانستان صدراعظم
چه د مملکت وروستنی ترقیات په ټولو رشتو کښې دده دښو اولوړو خدمتو پوروړی دی

S. A .R. ‹A.A.›Sardar Mohammad Hachem Khan
Premier ministre

۱- مدیریت عمومی ناقلین از وزارت اقتصاد ملی منفك وبوزارت داخله مربوط شده دوایر مربوطهٔ مدیریت عمومی مذکور قرار ذیل است : -

آ - مدیریت ناقلین درمرکز وزارت
ب - « زراعتی « «
ج - « ناقلین ولایت قطغن
د - « اول مساحتی « «
هـ - « دوم « « «
و - ریاست فارم زراعتی بغلان
ز - ماموریت بلدیه بغلان
ح - « « پل خمری
ط - « ناقلین قندهار
ی - « « جنوبی

۲- دوایر ذیل از نقطهٔ نظر اهمیت امور مربوط به ریاست امنیه تشکیل شده : -

آ - مدیریت سرحدی
ب - « صحیه
ج - « صناعتی

(ب) تعدیلات وتبدلات ملکیه که حسب پیشنهاد دوایر مربوطه ومنظوری مقامات عالیه در تقسیمات ملکیه واقع شده قرار آتی است : -

۱- علاقه داری خوشی ازمرکز حکومت کلان لهوگرد منفك وبحکومت درجه ۲ کلنگار مربوط شده .

۲- علاقه داری چرخ بحکومت درجه سوم تشکیل ویك علاقه داری بنام (علاقه داری خروار) جدیداً تشکیل و به آن مربوط شده .

۳- حکومت اعلی مشرقی به نائب الحکومه گی ولایت مشرقی تبدیل شده .

۴- « « جنوبی « « « « جنوبی « «

(دوم) مقرری ها

(الف) مرکز وزارت : -

۱- ع ، ج محمد نوروز خان سفیر کبیر اعلیحضرت همایونی درطهران بحیث وزیرداخله مقرر شده اند .

۲- ص، محمدمعصوم خان مدیر احصائیه وزارت بمعاونی ریاست احصائیه ترفیعاً مقرر شده اند .

رفتار واخلاق خودرا طوری کن که اگر بمقام عالی برسی درنظرخود ودرانظار دیگر ان لیاقت وشایستگی آنرا داشته باشی . (کولینگ‌وود)

۳- ص محمد ابراهم خان مدیر وعضو ریاست تفتیش وزارت بمدیریت پاسپورت ریاست امنیه مقرر شده اند .

٤- « عبدالسمیع خان مدیر وعضو ریاست تفتیش وزارت بمدیریت سرحدی ریاست امنیه مقرر شده اند .

٥- « نصرالله خان دکتور بحیث کفیل مدیریت صحیه وزارت.

٦- « عبدالوکیل خان مامور تفتیش ولایت هرات ترفیعاً بمدیریت وعضو ریاست تفتیش مقرر شده اند .

٧- « میراحمد خان سابق مدیر ناحیه پنجم ریاست بلدیه بمدیریت تفتیش قندهار مقرر شده اند .

(ب) ولایات :-

١- و، ج عبدالحکیم خان حاکم اعلی مشرقی ترفیعاً بوکالت نائب الحکومه گی ولایت مشرقی مقرر شده اند .

٢- ع ، ع ، ش ، س ، ع علیشاه خان بریاست تنظیمیهٔ ولایت جنوبی .

٣- ع، ع گلاب شاه خان حاکم کلان غورات بحکومت کلان دایزنگی تبدیل شده .

٤- « پاینده محمد خان بحکومت کلان ارزگان مقرر شده .

٥- « محمد رفیق خان حاکم درجه اول دند قندهار ترفیعاً بحکومت کلان قلات مقرر شده .

٦- ص عبدالظاهر خان مامور تفتیش حکومت اعلی میمنه ترفیعاً بکفالت مدیر احصاحیهٔ ولایت هرات .

٧- « محمد اسلم خان سر کاتب اجرائیه وزارت داخله ترفیعاً بکفالت مدیر احصائیهٔ ولایت مزار .

اجراآت ریاست امنیه :

١ :- بمدیریت صنعتی محابس ولایات ومحبس عمومی که جدید تشکیل یافته ص ، عزیزالدینخان بحیث مدیر مقرر گردیده که امور صنعتی محابس را تحت کنترول گرفته ودرپیشرفت آن اقدامات نموده امید است که درسال ۱۳۲۲ نتایج خوبی ازان گرفته شود .

٢ :- در سال جاری مدیریت صحیه بغرض اتخاذ تدابیر حفظ الصحه و انسداد امراض ساریه کافه منسو بین امنیهٔ مملکت جزو ریاست امنیه منظور گردیده و برای بدست داشتن احصائیه مریضان پولیس وژاندارمه و تهیهٔ ادویه لازمه اقدامات بعمل آمده وعلاوه بر آن تاسیس شفاخانها به ژاندارمهٔ سرحدیه نیز دایر گردیده است .

٣ :- ازدورهٔ پنجم تعلیمگاه کورس ژاندارمه، مداومین فارغ التحصیل شده وبرتبه های مختلف نائل وبوظائف معینه شان مامور گردیدند .

٤ :- برای دورهٔ ششم نفری مداومین تکمیل وتحت تعلیم گرفته شده اند .

۵ :- درقوهٔ ضابطهٔ علاقه داری چرخ نیز ترئید بعمل آمده ، زیراعلاقه داری مذکور بحکومت درجه ۳ تبدیل ومنظور گردیده .

ریاست احصائیه

۱ - ریاست احصائیه درسال ۱۳۲۱ اصولنامه جدید مکلفیت عسکری وتعلیماتنامه جزای متخلفین را که درسال گذشته تصویب ونشر شده بود درساحهٔ تطبیق گذاشته راجع به تکمیل تعدادی کارآمد سال جاری قطعات واحضار آنهامطابق اصولهای مذکور اقدامات کرده.

۲ - امور توزیع تذکرهٔ تابعیت را که ازسال گذشته در ولایت کابل ودیگرولایات جریان داشت درهذاالسنه نیز تعقیب کرده وموضوع مذکور تاهنوز تحت اجرا است .

۳ - اجراآت سال ۱۳۲۰ دوایر احصائیه ولایات وحکومات کلان وحکومات ثلاثه وعلاقه داری ها ذریعه هیئت های تفتیش احصائیه ازآغاز سال جاری تحت تدقیق ووارسی قرار داده شده ونتایج آن تاجائیکه تفتیش آن تمام شده بوزارت رسیده است .

٤ - درولایت مشرقی که تاهنوز بصورت قومی نفرمیدهد بهاخذ احصائیه اقدامات کرده ودربعضی نقاط ولایت مذکور اصول مکلفیت را تطبیق وبصورت پشکی نفر گرفته .

۵ - درتشکیلات ریاست احصائیه درسال جاری ع، محمدمعصوم خان مدیر احصائیه وزارت داخله بحیث معاون ریاست احصائیه منظور شده که برعلاوه وظایف معاونت ریاست احصائیه وظایف مدیریت احصائیهٔ ریاست را هم کار میکند .

اجراآت مهمهٔ مدیریت محبس دهمزنگ :

یکی ازاجراآت مهمهٔ سال جاری تشکیل مدیریت صناعتی وانفکاك کارات مدیریت صناعتی محبس ازشق انضباطی آن است که به حسب ملحوظ فوق مدیریت محبس به دو مدیریت تقسیم شده که یکی آن مدیریت انضباطی ودیگر آن مدیریت صناعتی باشد مدیریت صناعتی طوریکه ازعنوان آن واضح است به تنظیم وترتیب وتوسعهٔ فابریکه جات محبس موظف بوده ووظیفه دار است که تمام محبوسین رابه کارانداخته اجرت وحق الزحمهٔ کارراطوری تعیین نماید که به محبوسین نان وغذا رسیده وهم یکمقدار پول به قسم سرمایه برای خلاصی شان ذخیره شده باشد. تشکیل مدیریت صناعتی که ازاجراآت سال جاری بوده حسب ذیل است :

۱ مدیریت صناعتی
۲ ادارهٔ اجرائیه
۳ « کنترول

٤ درسال جاری حدابتدائی کار فابریکات محبس تعیین وهم درمسئلهٔ اجرت تغییراتی بعمل آمده یعنی اجرت فابریکات نسبت به سنوات گذشته بلندتر برده شده وهم راجع بوسعت

کار اقدامات لازمه ازپیش گرفته شده که باثر اقدامات متذکره کار فابریکات محبس نسبت بهسابق خیلیها پیشرفت نموده است چنانچه توضیح پیمانهٔ کار گذشته وکار فابریکات سال جاری محبس را سهقطعه گرافیك کهضمناً تقدیم است بخوبی ارائه داده میتواند .

۵- درسال جاری یك فابریکهٔ جدید خیاطی درمحبس تشکیل شده کهدرین مؤسسه (۶۱) نفر کار کرده وسالیانه دههزار دریشی عسکری واکابررا دوخته وتهیه مینماید .

۶- همچنین درفابریکهٔ جراب بافی وسعت زیادی داده شده کهفعلا درفابریکهٔ مذکور (۱۳۱) نفرکارمینماید ومحصول جراب سالیانهٔ آنها بههشتاد هزار میرسد .

۷- هکذادرسال جاری یك شعبه برای مالیدن نمد درمحبس تاسیس یافته که (۳۸) نفر در آن کار میکند اگرچه مؤسسهٔ مذکور یك مؤسسهٔ محدود وابتدائی بوده اما درثانی امید است وسعت گرفته وتشکیل یك فابریکهٔ درسترا اختیار نماید .

۸- همچنین یك سلسله دستگاه جدید برای شعبهٔ بافت تهیه شده کهبکار انداخته میشود بوسیلهٔ دستگاهای مذکور تسرهای رهدار نازك بصورت زیاد ورنگهای مختلف بعمل آمده ومی آید کهبقیمت های مناسب دردسترس عامه گذاشته شده .

۹- درسال جاری یکی ازاجراآت مهمه نصب یك پایه آسیاب جدید برقی است که ازطرف مدیریت محبس بکار انداخته شده وگندم خوراکهٔ محبوسین توسط آن آرد میشود وقوهٔ کار روزانهٔ آن در حدود ده خروار میباشد .

۱۰- دیگرازاجراآت مهمه وسعت یافتن خبازی محبس وتعمیرجدید داشهای نانپزی بوده کهپخت نان جیرهٔ محبوسین ونان کارآمد شفاخانههای مرکز مربوطهٔ وزارت جلیلهٔ صحیه را نیز تهیه ومیرساند .

۱۱- هکذا بازشدن یك دکان بحیث نمایندگی فروش مصنوعات محبس درجادهٔ باغبانکوچه میباشد که توسط نمایندگی مذکور هرنوع مصنوعات محبس برای فروش دردسترس عامه گذاشته شده .

۱۲- تاسیس یك فابریکهٔ چرم گری درچهار یکار میباشد کهتوسط آن پخت چرم باب کار آمد مدیریت محبس بعمل می آید .

۱۳- تعمیر یك فابریکهٔ جدید نساجی بداخل محبس میباشد کهبهنسبت وسعت یافتن کار ونفر فابریکه های سابقه جدید تعمیر وبکار افتاده .

امور وزارت مالیه

امور مالی کهدرزمرهٔ امور مملکتی مقام بلندی دارد ، باوجود مشکلات جنگ دنیا که ازهرطرف براوضاع اقتصادی ومالی اثر می اندازد ، ازیمن توجهات حکومت متبوعه اطمینان

بخش بوده وبودجهٔ مملکت موازنه لازمه راحفظ کرده است . وعلاوةً نظر به تدابیر اساسی که اتخاذ شده وجدیت مامورین مربوطه بعضی تزئیدات نیز در عوائد مالی به مشاهده میرسد قرار ذیل :

۱ :ـ مالیهٔ جمعی ازقرار فیصد		۱	اعشاریه	۵۷ پول
۲ :ـ « للمی «	«	۳	«	۷۷ / ۲ ـ افغانی
۳ :ـ محصول مواشی «	«	۰	۰	۱۱ / ۵ ـ «
۴ :ـ محصول اصنافی واسیابی	«	۷	۰	۷۴ / ۷ ـ «
۵ :ـ فروش عرایض «	«	۷	۰	۶۲ / ۵ ـ «

امور معارف

جای شکروسپاس است درین روزها که آتش جنگ تمام دنیارا فرا گرفته وبجریانات عرفانی نیز صدمه واردنموده است افغانستان همیشه بقدم های ثابت در امور عرفانی خود پیشرفت وزمینهٔ سعادت ورفاه آیندهٔ مملکت رامهیا میسازد . البته باوجوداینکه جنگ خانمانسوز درتمام ممالك محارب وغیرمحارب بحران های اقتصادی تولید نموده ، مصارف گزافی که در راه معارف درین اوقات بصرف میرسد اهتمام وتوجه حکومت متبوع وترقی خواه مارا در بارهٔ تربیهٔ اولاد وطن نشان میدهد .

معارف افغانستان همه ساله مدارج خودرا دراثر رهنمائی بزرگان خود پیموده مقام ومنزلت بزرگ رادر امور عرفانی مملکت اشغال میکند . چنانچه ازاحصائیه وراپور های هرساله پیشرفت وترقی یکسال نسبت بدیگر سال خوبتر آشکار میگردد . ملت دراثر تربیهٔ حکومت استعداد عرفانی خوبی پیدا کرده تشنهٔ علم ومعرفت بوده تجددات وپلانهای عرفانی وتربیوی حکومت را با کمال گرمجوشی وسرشاری پذیرائی مینماید این است که ملت وحکومت باهم دست بدست درپیشبرد سویهٔ عرفانی خود مصروفند. بلند رفتن علم وعرفان یك مملکت هر سال اشخاص برجسته ومنورتری را بار می آورد واصلاحات وترقیات بیشتری را سبب میشود .

امسال دروزارت معارف زیاده تر جنبش های علمی وحرکات عرفانی وتربیوی دیده شده چنانچه مجالس متعدد علمی درمرکز واطراف ومکاتب وکانفرانس ها شاهد آنست .

سویهٔ علمی وعرفانی بتدریج روبتکامل بوده وترقی میکند وزارت معارف که

تایك درجه تعلیمات ثانوی را اصلاح وازآنها فراغت یافت واسباب ووسائل آن فراهم گردید قدم به تأسیس مدارج بلندتری نهادچنانچه افتتاح فاکولته‌ها وپوهنتونها اهمیت این موضوع راخوبتر نشان میدهد نظر باینکه حکومت معارف خواه ما علاقه وعشق مفرطی نسبت بمعارف دارند همه وقت تجاویز وپلانهای متعدد و جدیدی برای مسعود ساختن وباتربیه وباعلم گردانیدن ابنای وطن برروی کار می آید بنابرین ازمطالعهٔ راپور امساله بخوبی واضح میگردد که وزارت معارف به پیشرفت‌های خوبی نائل گردیده. ازین‌رو برای ملت افغان اطمینان‌ها وامیدهای قوی حاصل میشود که آیندهٔ معارف افغانستان برهنمائی اعلیحضرت همایونی محمدظاهر شاه ودیگر اراکین دولت خیلی در خشان ومجلل است وزارت معارف اجراآت دوائر خودرا مختصراً قرار ذیل عرضه میدارد البته مورد دقت است که پیشرفت های علمی یك مملکت وتربیهٔ ابنای آن به بلند رفتن مدارج روحی وتربیوی سائر افراد ملت است که قلم ازتصویر آن عاجز میماند پس تحریرات آتی محض چوکات واستخوان بندی خلص اجراآت رابمعرض مشاهده قرار میدهد .

ریاست تعلیم و تربیه :

ریاست تعلیم وتربیه که روح وزارت معارف است امسال نظر باینکه درتشکیل و وظائف آن تجدید نظر شده مظهر فعالیت های بیشتری گردیده ونظر به وظائف خود قدمهای بیشتر ومتینی درراه اصلاحات وترقیات پلانهای خود برداشته ونظر به همین ابراز فعالیت خویش توجه آمرین خود را جلب نموده چنانچه یك نفر که دارای لقب داکتری است بریاست این دائره تعیین شده ویکنفر عضو آن به رتبهٔ اعزازی مدیریت عمومی نائل گردید واین ریاست توانست که یك پروغرام عصری موافق روحیات وعنعنات ملی متوسطه ها ولیسه‌ها ودارالمعلمین ها بوجود آورد - کتب جدید موافق اقتضاء احتیاجات امروزه حسب پروغرام مرتبه برای صنوف شش گانهٔ ابتدائی بمیدان عمل آورده آنرا بمکاتب توزیع نموده مکاتب را معاینه وهدایت نامه ها صادر وتقسیم اوقات های مکاتب را مرتب ساخت باوجود مشکلات امروزه برای پیشبرد امور عرفانی وتربیوی از هیچگونه مساعی ومجاهدات خود داری ننموده چنانچه اجراآت مهمهٔ خود را به تفصیلات ذیل نشان میدهد .

الف - قسمت پروغرام ولوائح .

۱ - پروغرام پښتو برای متوسطه ها .

۲ - پروغرام تاریخ برای متوسطه ولیسه‌ها

۳ - « جغرافیه « « «

٤ ـ پروغرام ریاضی برای متوسطه ولیسه‌ها
٥ ـ « فیزیك « « «
٦ ـ « کیمیا « « «
٧ ـ « بایولوجی « « «
٨ ـ « رسم « « «
٩ ـ « اخلاق ومعلومات مدنیه برای لیسه ها
١٠ ـ « برای دارالمعلمین متوسطه
١١ ـ « « « اساسی
١٢ ـ ترتیب پروغرام های سپورت ابتدائیه و متوسط ولیسه
١٣ ـ « تعلیماتنامهٔ دارالمعلمین
١٤ ـ طبع پروغرامهای متوسط که فوقاً ذ کر شده
١٥ ـ توزیع ونشر « « « « «
١٦ ـ ترتیب پروغرام انگلیسی برای مکتب اصول تحریر ومحاسبه
١٧ ـ لائحه درباب تطبیق پروغرام های لیسه‌ها ومتوسطه
١٨ ـ لائحه راجع به تنظیم امور تعلیم وتربیه .
١٩ ـ پروغرام وتعلیماتنامهٔ پوهنځی یعنی فاکولته های شبانه
٢٠ ـ « « لوست ځای یعنی درس سه‌ساله برای معلمین ابتدائیه
٢١ ـ پروژهٔ تشکیل وتعلیماتنامه وپروغرام فاکولتهٔ سیانس
٢٢ ـ لائحهٔ تشکیل دارالمعلمین

ب :ـ قسمت مجالس :

١ ـ انعقاد کمسیون‌ها مرکب ازارباب تخصص برای ترتیب پروغرامها (٤١)
٢ ـ « مجالس عالی برای تعدیل وتصویب پروغرامها (١٢)
٣ ـ « کمسیون ها برای تدقیق کتب مولفه .
٤ ـ « مجلس راجع به تشکیل مکتب صنایع .

ج ـ قسمت تالیف ، تصویب ، تصدیق .

١ ـ حساب پنجم ابتدائی تاریخ صنف هفتم .
٢ ـ « ششم ابتدائی .
٣ ـ جغرافیای ششم .
٤ ـ « پنجم

۵ ـ معلومات طبیعی پنجم .
۶ ـ « عائله صنف پنجم .
۷ ـ « « « ششم .
۸ ـ « طبعی « « .
۹ ـ « وطنی « « .
۱۰ ـ « « « پنجم .
۱۱ ـ هندسه « چهارم .
۱۲ ـ دشمیرلار بنوونکی حصهٔ دوم .
۱۳ ـ تطبیقات رهنمای معلم (معلومات حیاتیه) قسمت دوم .
۱۴ ـ کتب مذکور بعد از تالیف به تصویب وتصدیق ریاست تعلیم وتربیه رسیده بغیر ازدوقلم آن تماماً طبع ونشر شده .

د ـ تعدیل و تجدیدنظر :

۱ ـ تاریخ صنف هفتم .
۲ ـ معلومات مدنیهٔ صنف هفتم .
۳ ـ تاریخ « سوم .
۴ ـ « « ششم .
۵ ـ « « چهارم .
۶ ـ قرائت پښتوی چهارم .
۷ ـ « « پنجم .
۸ ـ « « ششم .
۹ ـ حساب اول ابتدائی .
۱۰ ـ « دوم « .
۱۱ ـ قرائت پښتوی اول .
۱۲ ـ « « دوم .
۱۳ ـ « « چهارم .
۱۴ ـ « « پنجم .
۱۵ ـ « « ششم .
۱۶ ـ معلومات مدنیهٔ صنف ششم .

ه ـ قسمت تصویب :

۱ ـ تصویب تعداد کتب مولفهٔ صنوف ابتدائی برای سال آینده .

۲ ـ تصویب راجع بحق الزحمهٔ مصنفین و مؤلفین ومبیضین .
۳ ـ « « بتدریس مضمون فقه فاکولتهٔ حقوق .
۴ ـ « « بهرخصتی‌های مکاتب : حکام ، اصول تحریر ومحاسبه ، تجارتی ، پست تلگراف وپرستاری .
۵ ـ تصویب راجع به تنظیم وترتیب موسسهٔ پوهنځی .
۶ ـ « « به تدوین وتالیف کتب قرائت پښتوی مکاتب ثانوی .
۷ ـ « « به تقسیم اوقات دروس مسلکی وغیر مسلکی دارالمعلمین ها .
۸ ـ « « به توزیع سامان ولایات .
۹ ـ « « به تهیهٔ کتب پښتوی لیسه ها .
۱۰ ـ « « بتقرر کفیل مدیر مکتب استقلال .
۱۱ ـ « « به تعداد صفحات کتب متوسطه .
۱۲ ـ تصویب توزیع ساعات مضمون شپږم کورنی پوهنځی بالای مضامین تاریخ ومعلومات طبیعیهٔ صنف مذکور .
۱۳ ـ تصویب عدم لزوم نشر کتاب کورنی پوهنی شپږم ټولګی .
۱۴ ـ « استعمال کتابهای قرائت چهارم وپنجم وششم سابق برای څلرم وپنجم وشپږم ټولګی موجوده .
۱۵ ـ تصویب تالیف کتاب دریمه پښتو مطابق جدول ارتباط .
۱۶ ـ « تکرار وتوسعهٔ مباحث کتاب هندسهٔ چهارم وپنجم درصنف ششم .
۱۷ ـ « تبدیل سنوات میلادی وهجری درتدریسات دور دوم ابتدائیه بهمدیگر .
۱۸ ـ « راجع به تهیهٔ سوالات تاریخی برای درج کتابهای ابتدائی .
۱۹ ـ « « به نکاتی‌که درطبع ثانی کتاب شپږم هوادنی پوهنی علاوه شود .

و ـ قسمت متفرقه :

تنظیم و تشکیل کتابخانه ازروی صنف بندی علوم .
« « تحویلخانه « « « « « .
ترتیب وتنظیم آثار قلمی .
خریداری کتب مخصوص دارالمعلمین .
انتخاب وخریداری کتب تخمیناً ۱۵۰۰ جلد .
قرار داد ها راجع به تالیف کتب بیالوجی ، جغرافیه ، حساب ، تاریخ ، معلومات مدنی متوسطه‌ها ، عقدقرارداد های متعلق امور لازمه نشر کتب ابتدائی .
تهیهٔ مواد برای کتب درسی ادبیات پښتوی صنوف لیسه ومتوسطه .

ایراد کنفرانس های تربیوی .
درست نمودن نمونهٔ شهادت نامه ها .
تبییض پارچه های ادبی برای کتب پښتوی متوسطه ها ولیسه ها .
نگرانی وممیزی امتحانات سالانه درمکاتب مرکز .
انتخاب سوالات امتحان مکاتب مرکز .
ترجمهٔ ۱۰ جلد کتاب ابتدائی .
ترتیب خریطهٔ مکاتب ولایت کابل .
» » » افغانستان .

❀ ❀ ❀

۱ ـ تهیهٔ دستورالعمل توزیع واستعمال کتابهای درسی مکاتب .
۲ ـ « بیلوگرافی کتابهای ابتدائی وترتیب نمونهٔ کتابخانهٔ ابتدائی .
۳ ـ مخاطبه ومفاهمه بامعلمین درخصوص اظهار نظریات‌شان راجع به‌تجدید طبع کتابهای ابتدائی، تهیهٔ نمونهٔ تقسیم اوقات دورهٔ ابتدائیه بامراعات شرائط اصول صنفی .
٤ ـ ملاحظهٔ صورت توزیع کتابهای جدید ابتدائی واستعمال آن دربعضی مکاتب‌مرکز وارسال هدایات متعلقهٔ آن .
۵ ـ ملاحظهٔ‌صورت اجرای دروس دورهٔ‌اول ابتدائی مطابق جدول ارتباط ومذاکره بامعلمین بعضی مکاتب مرکز درحسن اجرای آن .
٦ ـ اخذامتحان معلمین که‌تعلیمات خصوصی داشته درخواست معلمی را داشتند .
۷ ـ عقدقرار دادهای متعلق امور لازمه نشر کتابهای ابتدائی .
۸ ـ توزیع کتب بمؤلفین ومعاونین قلمی ریاست تعلیم وتربیه .
۹ ـ معاونت‌دراجرای همه‌اموراداری وترجمه‌ونشریات‌شعبهٔ‌مشاوریت علمی‌وزارت‌معارف.
۱۰ ـ معاونت درتدریسات کورس دارالمعلمین قندهار وایراد کنفرانسهای متعدد راجع بصورت تطبیق اصول صنفی درآن .
۱۱ ـ معاونت درجملهٔ تدریسات کورس تربیوی معلمین مرکز .
۱۲ ـ هدایت درتدریسات کورس تربیوی معلمین مربوطهٔ ولایت کابل .
۱۳ ـ معاونت درترجمهٔ کنفرانس‌های تربیوی برای معلمین مرکز .
۱٤ ـ « درترجمانی کورس خریطه سازی .

پښتو ستر توب :

همه میدانیم که‌حکومت‌ما توجه مخصوص‌شرا بحفظ وارتقای تمام شئون مملکتی بالخاصه زبان ملی معطوف نموده است .

دحرب دوزارت تشکیلات

وزیر		ع ، ج ، ا ، ا نښان والا حضرت غازی سپه سالار
	:	سردار شاه محمود خان
معاون	:	ع ، ع ش ، محمدانور خان نائب سالار
داردو عمومی مفتش	:	ع ، ش ، سردار عالی اسدالله خان فرقه مشر
« مفتشیت رئیس ارکان	:	ح ، محمدصفر خان غنډ مشر
« « یاور	:	ش ، محمدسرور خان کنډکمشر
معاون	:	« ، عبید الله خان «
دپلی متخصص	:	ح ، محمدابراهیم خان غنډمشر
«سورلی «	:	« ، سیداحمد خان

ریاستونه

دعمومی ارکان حرب ریاست :

رئیس	:	ع ، ش ، محمدعمر خان فرقه مشر
دحرکاتو عمومی مدیر	:	ح ، سراج الدینخان غنډمشر
« تشکیلاتو «	:	ش ، عبدالکریم خان کنډکمشر
«۳ څانگی «	:	« ، محمداسحق خان «
دښوونی اوروزنی د عمومی مدیریت کفیل	:	ح ، غلام سرور خان غنډمشر
د مسلکی څانگو آمر	:	« ، نثاراحمد خان «
« نشریاتو مدیر	:	« ، سیدمحمد اکبرخان «
« « ما مو ر	:	ش ، امین‌الله خان کنډ مشر
« خریطی مدیر	:	« ، میرعبدالسلام خان «

داردو ریاست :

رئیس	:	ع ، ش ، سردار عالی احمد علیخان فرقه مشر
دماموریتو مدیر	:	ح ، عبدالخالق خان غنډ مشر
دروغتیا اوبیطاریه مدیر	:	« ، میرمحمد سعید خان «
« « دکورس‌اوښوونځی‌مدیر	:	ش ، عبدالواحد خان کنډکمشر

هرچندیکه راجع به ارتقاء واعتلای زبان ملی ازبدو سلطنت نادری نظریه های متینی طرح ـ وقدم های اساسی وضع گردیده است ـ ولی دردورهٔ حکومت اعلیحضرت (محمدظاهرشاه) سلمه الله بزبان ملی بیشتر صرف مساعی شده است ـ واولیای این حکومت درین مورد بیشتر اظهار دلچسپی وعلاقمندی می کنند .

چنانچه بنا برداعیه همین احساسات و جذبات است که درضمن دیگر اعتلا ونشو ونمای که درسائر شعب مملکتداری مرئی است ـ اهمیت ووقعت بارزی به زبان ملی ارزانی گردیده است ومتمادیاً افکار قیمتدار رجال بیدار حکومت ما درفراهم آوری وسائل مزید موفقیت و کامیابی زبان پښتو داخل مجهودات شایان است .

بنابرآنچه ذکرشد خوشبختانه درتابستان امسال (۱۳۲۱) به تاسی از ارادهٔ سنیهٔ ذات شاهانه ـ وبمقصد تقویهٔ شئون ملی ومزید تعمیم وتوسعهٔ آن وزارت معارف ریاست جدیدی را محض برای خدمت به ملت وبه وجود آوردن وسائل و وسائط مزید پیشرفت ووسعت زبان ملی مملکت بنام ـ «پښتو ستر توب» تشکیل وتاسیس نمود !

برای اینکه خوانندگان محترم ازمرام این ریاست استعلام فرمایند ذیلا بعضی مطالب مرامنامهٔ پښتو ستر توب که از طرف شورای عالی وزارت معارف تصویب و از محضر مقامات عالیه تصدیق گردیده است مرقوم می گردد .

نصب العین ومرام پښتو ستر توب
یا عمدهٔ مطالب واجرا آت آن

پښتو ستر توب در راه مزید بسط وتوسعهٔ زبان ملی میکوشد ودر تهیهٔ هرگونه وسائط پیشرفت آن درمؤسسات معارف بذل مجاهده میورزد .

پښتو ستر توب در طبع ونشر تمام آثار مفید وعصری که بدردمؤسسات معارف مملکت بخورد میکوشد ودرین راه باتمام خدام شئون ملی همکاری می نماید .

پښتو ستر توب درانتخاب طلبهٔ پښتوخوان وپښتونویس حتی الامکان ازتمام نقاط افغانستان و اخذ امتحان آنان وتصدیق امر ادخال شان در دارالمعلمین بذل توجه و مداقه میدارد ، مراقبت و نگرانی میورزد تا از دارالمعلمین چنان فارغ التحصیلانی برایند که فی صد صد پروگرام پښتو را در عموم مکاتب افغانستان تطبیق کرده بتوانند .

بمساعدت ریاست تدریسات درتحصیهٔ لست تمام طلاب عالی الاعلی ـ عالی وخوب پښتودان صنوف ششم ـ نهم ودوازدهم افغانستان به قید اسم ـ محل ـ ولایت ـ مسکن ـ پیشه وزبان مادری ودیگر صفات ممیزهٔ آنها همه ساله میکوشد . دراخذ امتحان معلمین داوطلب ودرجه بندی آنان وارسی میکند . مراقبت میکند تا درموارد ترفیع و تبدیل و تزئید معاش وغیره امور راجعه

نه شادیها ، نه‌عشق ،نه‌ثروت، نه‌تندرستی‌اینهاهیچ یك‌عامل وموجد سعادت نیستند ،اماخوشبختی بدون هریك ازینها هم کامل وتام نیست . (کیبولت)

بمعلمین لحاظ لیاقت علمی وفعالیت تدریسی معلمین ازنقطۀنظر زبان پښتو هم بشود . به ملحوظ پښتو بودن عموم کتب تدریسی مکاتب ابتدائی ومفکورۀ تعمیم و توسعۀ مزید پښتو در مکاتب بمساعدت ریاسات وادارات معارف مجاهده ونگرانی میورزد تاعموم معلمین مکاتب پښتو دان پښتوخوان،پښتونگار باشند ویا اقلاً پلان تدریسی - تهیۀ اسباق - حل معضلات تعلیمی شان‌را از دیگر همکاران پښتو لسان شان بفرمایند .

باتمام فعالیت میکوشد تاکورسهای پښتوی مربوطۀ وزارت معارف را حتی الامکان کامیاب گرداند .

برای آن معلمین ومربیانی که درتعلیمات پښتو مظهر فعالیت بیشتر گردند - اصولاً ترجیحات‌لازمه میدهد . بمعاینه و تفتیش تعلیمات پښتو وپیشرفت آن دردارالمعلمین‌وعموم‌مکاتب حتی‌الامکان وارسی‌میکند - ضمناً به‌آنانی که‌بازبان ملی خود ابراز علاقه مندی ننموده باشند تنبیهات‌مقتضیه‌را تجویز‌میکند . امتحانات دارالمعلمین وعموم مکاتب‌افغانستان درآنچه که‌مربوط بزبان ملی باشد یاتوسط یکی از نمایندگان یامنتخبین پښتو سټرتوب یا طبق هدایت و نظریه و قرارهای متخذۀ این ریاست گرفته میشود .

از پیشرفت دروس پښتو و علاقمندی عموم متصدیان مؤسسات عرفانی به‌آن ماهواره چنان راپور های را بازیافت میدارد که‌طبق هدایت نامۀ جداگانه دائماً تهیه میگردد. هرساله ازعموم معلمین راجع به‌مجهودات ومساعی شان نسبت به‌پیشرفت وکامیابی لسان‌ملی کسب آگاهی میکند ودرنتیجه‌مجاهدین را اصولاً مظهر تلطیف ومساهلین‌را اساساًمورد تکدیر قرارمیدهد .

در طبع ونشر تمام کتب تدریسی باشتراك ریاست تعلیم و تربیه مساعده میدارد . باعموم ریاسات وادارات مرکزی وزارت معارف ودیگر ادارات عرفانی حتی معلمین درحل وفصل هرنوع امور راجعه به‌لسان ملیه معاضده میورزد .

طبعاً مقصود ازتذکار وانتخاب این‌مواد ازبین‌سائرمواد این‌مرامنامه همانااشاره‌است باین‌مسئله که این‌ریاست فقط درهمین‌موارد فی‌الجمله‌مصدر اجرا آت واقدامات گردیده‌است .

ومعترف است که‌نظر به‌هدایت کار وتصادف تشکیل پښتوسټرتوب به‌تعطیلات متوالی سنوی - وموجودیت بعضی محظورات «طبیعی-موسمی - محلی - اداری - وکولتوری» طوریکه ارادۀ حکومت وتمنای این ریاست است در این چند ماه مظهر دیگر کدام خدمت و فعالیت قابل تذکری نشده است . درحالیکه از فضل‌الهی امیدواری کلی دارد که درسال آتی بناظرین گرامی (کابل کلنی) نمونۀ چند ازکار روائیهای خودرا ارمغان کنند .

ریاست تدریسات

ریاست تدریسات تطبیق تعلیمات عمومی مسلکی و غیر مسلکی و تربیوی تمام مکاتب افغانستان را نظر به تعمیم و اساس پیشرفت‌های امور عرفانی تحت قوانین موضوعه عملی مینماید راجع به تهیه نمودن وبهمرسانیدن کتب ولوازم تحصیل ، تقرر و تبدیل معلمین ، جای مکتب ترسیل پروگرام ها وهدایت نامه‌ها ودساتیر لازمهٔ که مربوط به تدریس یومیهٔ عرفانی است وبریاست تدریسات تماس داشته و تمام مکاتب مرکز و ولایات و حکومات بزیر نظر ریاست تدریسات بوده و مطابق فوق اجرا میگردد وضمناً درامور تدریسی وتطبیقی هرکدام باخبری وکنترول داشته ، کسانیکه در وظیفهٔ خود جدیت ورزیده اند از طرف ریاست تدریسات مکتوب‌های رضامندی عنوانی هرکدام صادر وکسانیکه کسالت وسکتگی درپیشرفت امور تعلیمی نموده بودند هدایات‌لازمه برای بهبودکار شان داده‌شده تاتمام امورتعلیمی به‌بهترین صورت به‌محور اصلی‌خود دور خورده بتواند . برعلاوهٔ امور فوق اساس جریانات امور عرفانی این ریاست جهت معلومات مفصل‌تر بصورت ذیل تحریر میگردد :-

اول- تاسیس مکاتب :

۱- وزارت برای پیشرفت‌سویهٔ تعلیمی معلمین‌فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین‌اساسی ودورهٔ بکلوریا یک‌موسسهٔ جدید بنام «پوهنځی» منظور و مؤسسهٔ مذکور بتاریخ ۱۵ جوزا ازطرف ریاست‌تدریسات افتتاح ومتعلمین بتدریس شروع کردند .

۲ - برای بلند بردن سویهٔ علمی فارغ‌التحصیلان‌مستعجل یک کورس «لوستځی» نیز افتتاح ومعلمین مذکور بعدازساعت ۲ مصروف تعلیم گردیده اند .

۳ - بودجهٔ معاشات و مصارفات فاکولتهٔ سیانس از طرف ریاست تدریسات ترتیب و بمرجع آن اطلاع شده .

٤ - برای بلندبردن سویهٔ علمی یک کورس ششماهه درغزنی بتاریخ ۳- اسد افتتاح وازطرف ریاست تدریسات هدایات لازمه بمرجعش صادر گردیده .

دوم- بعضی مکاتب که امسال پروغرام تعلیمی‌شان تمدید شده :

چون دورهٔ تعلیم ابتدائی چهارساله به‌شش‌سال قرارگرفته وپروغرام آن بتمام مکاتب توزیع گردیده ، علاوه برسال گذشته امسال نیز از حضور والاحضرت وزیر صاحب معارف (٥٤) باب مکاتب دیگر منظور گردید که فارغ‌التحصیلان ابتدائیهٔ چهارم را بصنف پنجم ترقی بدهند تا دورهٔ ابتدائیه بدورهٔ ششم خود برسند چنانچه درین موضوع بمکاتب مربوطه احکام صادر ودرباب تهیه وترسیل معلمین و بودجه وسامان و لوازم تحصیل آن از طرف ریاست تدریسات اقدامات لازمه شده است .

سوم ـ معاینه‌وتطبیق تدریسی :

قرار معمول که‌راپور تدریسی تمام مکاتب ماهوار بریاست تدریسات میرسد ، ریاست تدریسات نظر به‌معیار پروگرام راپور مذکور را معاینه وهدایات لازمه نسبت بنواقص آن بمرجعش صادر کرده، علاوه ازمعاینهٔ راپور که ازطرف ریاست تدریسات بعمل آمده ازجانب ریاست تفتیش مفتشینی که درمکاتب مرکز وولایات‌رفته وراپور های خود را بریاست تدریسات فرستاده اند جهت اصلاح ورفع نواقص تعلیمی بمکاتب مربوطه هدایات لازمه صادر گردیده وهمچنین ریاست تدریسات مراقبت تعلیمی مکاتب راوقتاً فوقتاً نموده ، دربهبود وپیشرفت تعلیم هدایات داده است .

چهارم ـ مراقبت‌ونگرانی امتحانات‌وتوزیع‌شهادتنامهاومکافات وغیره :

۱ـریاست تدریسات قبل ازایام امتحان سالانه به‌تمام‌مکاتب مرکز وولایات وحکومات اعلی احکام صادر نموده که باید تمام معلمین باساس اصولنامهٔ امتحان رفتار نموده ، نتایج امتحان‌را بریاست تدریسات ارسال‌دارند ، چنانچه اوراق نتایج امتحان‌تمام مکاتب افغانستان تحت کنترول ودقت گرفته شده نکات قابل اصلاح آن تصحیح و بمراجع‌آن هدایات لازمه اعطا گردیده .

۲ـدرمکاتب مرکز ومتوسطه‌ها وثانوی‌نظر به‌تقسیم اوقات امتحان‌ممتحن وممیز انتخاب وجهت ممیزی آنهارا بمکاتب‌دعوت کرده که‌بروزهای معینه حضور بهم‌رسانند وبعد ازملاحظهٔ امتحانات صورت نظریات خودرا که‌بریاست تدریسات ارائه داده‌اند ریاست‌تدریسات بعد ازملاحظه بمکاتب قرار آن هدایات لازمه اعطا کرده .

۳ـبرای فارغ‌التحصیلان دورهٔ اعدادی، رشدی ،ابتدائی که‌مستحق گرفتن شهادتنامه بوده‌اند ازطرف ریاست تدریسات برای شان شهادتنامه‌تحریر وبعد ازامضاء وثبت ومهر ریاست‌تدریسات برای شان اعطا شده است .

٤ـدیلومه‌های فاکولتهٔ طبی ومکتب طبی ودواسازی را ریاست تدریسات حاضر کرده که بتاریخ ۲٦ میزان درقصر صدارت عظمی بحضور والا حضرت افخم صدر اعظم صاحب وکابینهٔ محترم بایك اندازه پول به‌مستحقین آن اعطا گردید .

۵ -برای‌حضرات معلمین‌فخری مکتب‌نجات که‌درپیشرفت امورعرفانیهٔ مملکت‌خودجدیت ورزیده ، قابل تقدیر دیده می‌شدند ازطرف ریاست تدریسات بهر کدام تصدیقنامهٔ که‌بامضای والا حضرت ع ، ج‌وزیر صاحب معارف مزین شده بود بایك اندازه پول اعطا گردید .

٦ـمحصلین افغانی که‌خارج رفته وبعد از دورهٔ تکمیل تحصیلات خویش بوطن عودت

شناسائی نفس ، اعتماد بنفس، واحترام بنفس، سه‌عامل بزرگی هستند که زندگانی مارا به منبع حقیقت نزدیك میکنند . (تنی‌سن)

نموده‌اند ریاست تدریسات ازروی دیپلومه درجه ومعاش آنهارا تعیین نموده ، مطابق تخصص شان بدوائر رسمی معرفی کرده .

پنجم ـ تقرر وتبدل معلمین وغیره :

۱ـ یك‌عده فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین دنوی کابل ودار لمعلمین اساسی که امسال فارغ گردیده‌اند حسب اصول ونسبت به کمبود معلمین به‌تمام مکاتب مرکز وولایات حکم تقرر شان صادر وفرستاده شدند .

۲ـ بعضی معلمین خارجی که‌قرار دادشان ختم گردیده بود باایشان تجدید قرار داد کرده‌وبعضی که کمبود دیده‌شد راجع باستخدام شان اقدامات‌لازمه کرده .

۳ـ تقرروتبدل معلمین‌تاکنون بزیراثر ریاست تدریسات اجرا گردیده وهم‌متحدالمال به‌تمام مکاتب مرکز وولایات صادر گردیده که‌چگونه دروظائف خود پابند ومنهمك با شند .

٤ـ راجع به‌معلمینیکه نومرهٔ امتحان پښتوی شان ازشش نومره کمتر بوده حسب‌تصویب انجمن معارف بتمام ولایات خبرداده‌شد که‌امسال فیصد پنج افغانی ازمعاش‌شان وضع دارند.

ششم ـ کنفرانس ها :

ریاست تدریسات امسال تمام معلمین مکاتب مرکزرا چندین بار بمکتب صنائع دعوت داده بغرض پیشرفت سویهٔ تعلیمی معلمین نسبت به‌مربی ـ معلم ، تربیهٔ‌اطفال وپیشرفت‌زبان‌ملی کنفرانس‌های مفید توسط مشاور علمی وزارت وداکتر محمد انور خان مدیر دارالمعلمین وښاغلی عبدالحی خان حبیبی مشاور وزارت‌ایراد کرده .

هفتم ـ نمایشگاه عرفانی :

نظر به‌پیشرفت وتشویق‌درامور معارف دراثرپروژهٔ که‌قبلاً ازطرف‌ریاست‌تدریسات راجع بنمایش عرفانی بتمام مرکز وولایات اطلاع داده‌شده‌بود اکثر ازمکاتب مرکز در جمع ومرتب کردن کارهای علمی طلبه موفق گردیده ،درنندارتون جشن امسال ازطرف وزارت اقتصاد بمعرض‌نمایش گذاشته‌شد ومورد تقدیر وزارت اقتصاد واقع ودر قطار درجه اول محسوب گردید .

ریاست تفتیش

۱ ـ اجراآت وکار روائیهای ریاست تفتیش وزارت معارف در سال ۱۳۲۱ که به‌امور تربیوی ـ اخلاقی وغیره رسیدگی‌کرده قرار ذیل است:

الف : درمرکز (۳۳) باب مکتب را یکدفعه معاینه وتفتیش نموده .
ب : در ولایت کابل :
(۲۰) باب مکاتب سمت لوگر یکدفعه
(۲۱) باب مکاتب سمت شمالی یکدفعه
(۱۳) باب مکاتب ششکروهی یکدفعه
فقرات تحقیقیه -۳۰ فقره-
هدایات ونظریات وزارت - راجع بهامور اداری - ترتیب سوانح طلبهٔ ابتدائی متوسط وغیره - مسائل اخلاقی - تهیهٔ شاگردان برای بعضی مؤسسات دیگر : -۴۰ فقره-
ج : غزنی -
(۲۰) باب مکتب سهدفعه تفتیش ومعاینه شده
معلمین ومعلمین اول مکافات دیده -۸ نفر-
د : قندهار -
(۵۹) باب مکتب یکدفعه تفتیش شده .
فقرات تحقیقیه -۶-
هدایات و نظریات وزارت - راجع به امور اداری - ترتیب سوانح صنوف ابتدائی متوسط وثانوی - مسائل اخلاقی معلمین - متعلمین ومامورین وتهیهٔ شاگرد برای بعضی مؤسسات دیگر .
ه : هرات -
(۳۹) باب مکتب هرات یکدفعه تفتیش شده
معلمین مکافات دیده -۱۷ نفر-
فقرات تحقیقیه -۵-
هدایات ونظریات وزارت - راجع بهامور اداری - ترتیب سوانح صنوف ابتدائی متوسط مسائل اخلاقی معلمین - ومتعلمین و مامورین وتهیهٔ شاگرد برای بعضی مؤسسات دیگر .
-۱۵ فقره-

و : ولایت مزارشریف -
(۳۴) باب مکاتب مزار یکدفعه معاینه شده
معلمین ومعلمین اول مکافات دیده -۲۰ نفر-
فقرات تحقیقیه -۴-
هدایات ونظریات وزارت - راجع بهامور اداری - ترتیب سوانح طلبهٔ صنوف ابتدائی

متوسط ـ مسائل اخلاقی معلمین ومتعلمین ومامورین وتهیهٔ شاگردان برای مؤسسات دیگر .
ـ ۱۵ فقره ـ

ز : ولایت قطغن وبدخشان ـ
(۳۱) باب مکتب دو دفعه معاینه شده
معلمین ومعلمین اول مکافات دیده ـ ۳۲ نفر ـ
شاگردان مکافات دیده ـ ۳۹۳ نفر ـ
هدایات که مانند دیگر ولایات داده شده ـ ۲۰ فقره ـ

ح : ولایت مشرقی ـ
فقرات تحقیقیه ـ ۵ فقره ـ
هدایاتی که وقتاً فوقتاً مانند دیگر جاها داده شده ـ ۱۳ فقره ـ

ط : ولایت جنوبی
فقرات تحقیقیه ـ ۲ ـ
هدایاتی که وقتاً فوقتاً مانند دیگر جاها داده شده ـ ۱۳ فقره ـ

ی : فراه ـ
فقرات تحقیقیه ـ ۳ ـ
هدایاتی که به اوقات مختلف مانند دیگر جاها داده شده ـ ۷ فقره ـ

ك : میمنه ـ
فقرات تحقیقیه ـ ۵ ـ
هدایاتی که راجع به اصلاح امور اداری وغیره داده شده ـ ۱۳ فقره ـ

در تفتیش‌ها مراتب ذیل درنظر گرفته شده : ـ

۱ ـ فعالیت معلمین راجع به تعلیم وتربیهٔ طلبه .
۲ ـ کارروائیهای سرمعلمین ومامورین راجع بتهیهٔ لوازم وتحصیل وتامین نظم مکتب .
۳ ـ اوضاع وحرکات معلمین ومامورین وطرز گذاره ورفتار شان باطلبه وغیره .
٤ ـ رعایت حفظ‌الصحه درمکاتب وانتظام صنف‌ها .
۵ ـ امور انظباط دربارهٔ طلاب درداخل وخارج مکتب .
٦ ـ طرز جریان تعلیم وتطبیق آن باتعلیماتنامه وپروگرام وطرز تعلیم معلمین .
۷ ـ طرز ادخال طلبهٔ جدیدالشمول هرساله وتطبیق آن بااوامر صادرهٔ وزارت .
۸ ـ وارسی به نگهداری سامان تدریسی وغیره لوازم مکتب .
۹ ـ وجود سامان ولوازم تدریسی مکتب وغیرهٔ آن ـ استفادهٔ صحیح ازآن سامان .
۱۰ ـ تطبیق راپورهای تدریسی باسویهٔ علمی شاگردان .

خوب بودن امین ترین چاره‌های عادل‌شدن است . (ش،دویوی)

۱۱ ـ ملاحظهٔ وظایف خانگی که‌ازطرف معلم بطلاب داده میشود .

۱۲ ـ معلومات‌راجع به‌امتحان ماهوارطلبه ـ تعدادنا کامها چه وازطرف‌شخص اداره‌چی راجع به‌اصلاح نقیصهٔ نا کامها چه‌ترتیبات گرفته شده .

۱۳ ـ معاینهٔ طرز تیاری درس معلمین وتمیز خوب وبدآن .

۱٤ ـ ملاحظهٔ تقسیم اوقات ومعلوم نمودن نواقص آن .

۱۵ ـ ملاحظهٔ طرز تقسیمات محتویات مضامین معلمین .

۱٦ - معاینهٔ پښتو وطرز افادهٔ طلاب ومعلمین بز بان پښتو که بصورت تحریری وشفاهی چطو راست .

۱۷ ـصورت تطبیق‌وعملی شدن هدایات که‌ازوزارت‌راجع به‌پښتو داده‌شده چطور است .

۱۸ ـ ترتیب جد و ل مختصر ا سما ی معلمین با د رجهٔ تحصیل و تطبیق مضمو ن محوله شان بامقدار خواندگی طلاب .

۱۹ ـ معلومات راجع به‌اینکه ازابتدای تاسیس مکتب چند دوره فارغ التحصیل شده .

۲۰ ـ معلومات راجع‌به‌توجه‌یاعدم‌توجه حکام وعلاقه‌دارها به مکتب .

۲۱ ـ معلومات راجع به‌پابندی طلاب بو قت معینه .

۲۲ ـ سوانح طلاب جدیدالشمول وملاحظهٔ کتاب سوانح تمام طلاب مکتب .

۲۳ ـ ملا حظهٔ‌طرز تعمیر و موقعیت مکتب .

۲٤ ـ معلومات نسبت به‌اوضاع معلمین وسرمعلمین باطلبه در داخل و خارج مکتب .

۲۵ ـ معلومات نسبت به‌مریضهای‌مکتب واجراآت اداره .

۲٦ـ معلومات‌راجع به‌سررشتهٔ آب‌نوشیدنی طلاب.

۲۷ ـ ملاحظهٔ راپورهای‌حاضری طلبه که‌ماهواره ازطرف‌ادارهٔ مکتب‌ترتیب وفرستاده میشود ـ نقل آن که‌دراداره موجوداست ـ دیده میشود .

۲۸ ـ معلومات راجع به‌ملازمین مکتب وطرز حاضری اوشان .

۲۹ ـ معلومات بصورت مصرف پول قرطاسیه ومتفرقه ومحروقات تاجائیکه ممکن شود.

۳۰ ـ صورت جلب واحضار طلاب غیر حاضر یومیه وغیرحاضر دائمی اجراآت مامورین مؤظف تحت مداقه قرار گرفته میشود .

۳۱ ـ ملاحظهٔ کتاب حاضری وارصنف طلاب .

۳۲ ـ ملاحظه کتاب حاضری مامورین بارقعات مریضی ـ ضروری و غیره سال جاری بااسباب موجبهٔ آن .

۳۳ ـ معاینهٔ کتب اداری ازقبیل داخل وخارج و توزیع سامان وغیره .

۳٤ ـ طرز توزیع سامان ولوازم تعلیمی بطلاب .

۳۵ ـ معلومات راجع بتعداد داخلهٔ مکتب ـ تعداد صنوف وتعداد معلمین شاملهٔ هر صنف تعداد طلبهٔ جدیدالشمول . تعداد فارغ التحصیلان ـ تبدیلی وفوتی .

۲ : ـ طور معمول همه ساله امسال در صنوف اول مکاتب ابتدائی در مکاتب مسلکی ودارالمعلمین‌ها درمکاتب متوسط درمدارس ثانوی‌درردارالفنون شاگردان‌جدید شامل نموده.

۳ ـ یك‌دستهٔ شاگردان‌ازفارغ التحصیلان دورهٔ ابتدائی ازولایات‌وحکومات‌اعلی‌جهت‌شمول مکاتب حربی ومکتب پست وتیلفون وتلگراف ومکتب صحیه ـ وبیطاریه مربوط مرکز وزارت حربی حاضر مرکز وبمکاتب مذکور شامل ومصروف تحصیل شده وهکذا راجع بیك تعداد فارغ التحصیل دورهٔ متوسط اقدامات لازمه گردیده .

٤ ـ برای جلو گیری ازسوء اجرا آت وقیام انتظام در مکاتب ومؤسسات دیگر دوائر عرفانی ومراقبت درامور اداری (۸۳) فقره تفتیش وتحقیق ودرمجلس انضباط وزارت تقدیم وفیصله گردیده .

وهمچنین موضوعات تفتیش طلب که وقتاً فوقتاً پیش شده ـ حسب نظریهٔ مقامات عالی تحت تحقیق گرفته بعداز تصویب مجلس، منظوری حضورجلالتمآبی درمعرض اجرا گذاشته شده.

٥ ـ درمسائل زیست وحوایج طلبهٔ‌افغانی درخارج اجراآت نموده از تعین شعبات‌تحصیل وستاژ وغیرهٔ شان که با دوائر مرکز فیصله وتجویز شده وقتاً فوقتاً بممالك متذکره مخابره شده وجواباتیکه واصل آمده به دوائر ذی‌علاقهٔ مرکزی اطلاع شده .

٦ ـ درپایان‌هرماه راپورهای حاضری وغیر حاضری‌طلاب موجوده وجدیدالشمول مرکز وکلیهٔ ولایات وحکومت اعلی را دریافت وتحت مشاهده قرار داده ـ احصائیهٔ هرماه را جداگانه ترتیب نموده .

۷ ـ در جلب غیر حاضران ـ تغیر وتبدیل طلبهٔ مکاتب مرکز و اطراف ـ وولایات اقدامات بعمل آورده .

ریاست سپورت وحفظ الصحه

الف ـ شق سپورت :

۱ ـ این‌ریاست درسال جاری دنبالهٔ تورنمنت‌های سال گذشته را ادامه داده روز ختم آنرا توام باروز سپورت‌های انفرادی بیك‌جوش وخروشیکه نظیرآن سابق‌برین دیده‌نشده بود بحضوروالاحضرت‌غازی وزیرحربیه، وزیرمعارف درحالیکه جمع‌غفیری ازمامورین‌معارف وحربیه ودیگر وزارت خانها واهالی وجود بهم رسانیده بودند درکلوب عسکری انجام‌یافت .

۱ سپورت های انفرادی اگرچه از چندین سال باین طرف در مملکت عزیز ما جریان یافته وپیش میرود ـ امادوره اعتلاء آن درین زمان گویا سال ۱۳۲۱ بوده ـ چون تورنمنت مذکور خاتمه پذیرفت بعد از چندی توزیع انعامات صورت گرفت . ریاست سپورت برای هرفرد وهر شخصیکه درسپورت گوی سبقترا ربوده بود وعنوان قهرمانیت را حایز گردیده مطابق به لیاقت آن انعام تعیین نموده دران روز حاضر داشت ـ از طرف مقام وزارت معارف انعام هریك را به مستحقش اعطا وبیرق معارف وکپ کلان را بمکتب استقلال که قهرمان سپورت سال ۱۳۲۱ شناخته شد از مکتب نجات که در سال ۱۳۲۰ قهرمان بود گرفته به آن تفویض گردید .

۲ ترمیم میدان مکتب حبیبیه ـ دارالمعلمین نوی کابل .

۳ ـ تعیین اندازهٔ میدانهای سپورت واطلاع آن برتمام مکاتب ومراجع مربوطه .

٤ ـ تهیهٔ اسباب سپورت از خارج .

۵ ـ تفریق سامانهای داغمه ، جدید ، مستعمل ذریعهٔ یك هیئت .

٦ ـ توزیع سامان واجناس به مرکز وولایات .

۷ ـ ارسال یکعده معلمین سپورت به مشرقی .

۸ ـ تهیهٔ وسائل مقدماتی آلهٔ سکی .

۹ ـ تعیین نمره برای سپورت .

۱۰ ترویج تورنمنت های خزانی .

۱۱ تاسیس کلوب سپورتی بنام کلوب شاه .

۱۲ ـ تعیین یك تیم فتبال بنام تیم آریانا .

ب ـ شق حفظ الصحه :

۱ ـ تعمیر یك شفاخانهٔ عصری معارف .

۲ ـ معاینهٔ صحی تمام طلاب مرکز .

۳ ـ استخدام یکنفر دوکتور متخصص دندان .

٤ ـ معاینهٔ دندان تمام طلاب مرکز .

۵ ـ تصویب صورت معالجهٔ دندان اطفال غریب ومتمول بصورت مجانی وتادیهٔ پول .

٦ ـ تاسیس یك موسسهٔ معالجهٔ دندان .

۷ ـ تاسیس یك لابراتور برای تجربه .

۸ ـ تعمیر یك اطاق مخصوص جراحی .

۹ ـ واکسین ضد تیفوئید به ۱٤۰۰۰ طلبه .

ع ، ج ، ا ، ا ، نښان والاحضرت غازی سردار شاه‌محمود خان سپه سالار او د حرب وزیر
S. A.R. · A.A. · Sardar Chah Mahmoud Khan ministre de la guerre

ترجمان	:	ش ، عبدالکریم خان کنډکمشر
دنقلیې دعمومی مدیریت کفیل	:	« ، محمدسرور خان «
« سا کښودکنډک ، کنډکمشر	:	« ، محمدصدیق خان «
« موټروالود « «	:	« ، داد خدا خان «

د عمومی لوا زماتو ریاست :

رئیس	:	ع ، ع ، ش ، شیراحمد خان نایب سالار
معاون	:	ح ، مصطفی خان غندمشر
دکنترول مدیر	:	ش ، خواجه عبدالقیوم خان کنډکمشر

حربي ریاست :

درئیس کفیل	:	ع ، ش ، عبدالقیوم خان فرقه مشر
« کتنې او تدقیق مدیر	:	ح ، سردار محمد علیخان غندمشر
معاون	:	« ، محمدحسین خان «
اعضاء	:	ش ، عبدالواحد خان کنډکمشر
«	:	« ، عبداللطیف خان «
دوسلې مدیر	:	ح ، محمدغوث خان غندمشر
« جبه خانی «	:	« ، محمداسماعیل خان «
فنیه «	:	ش ، توکل شاه خان کنډکمشر
دمېګزین غندمشر	:	ح ، عبدالرشید خان غندمشر
« جبه خانې «	:	« ، محمدتوکل خان «
« « « معاون	:	ش ، محبوب شاه خان کنډکمشر
« « « تحویلدار	:	« ، سید اعظم خان «

د محاکماتو ریاست :

رئیس	:	ح ، شاه عبدالحمید خان غندمشر
معاون	:	ش ، محمد مهدیخان کنډکمشر

د اصلاح او ترقۍ ریاست :

رئیس	:	ع ، ش ، محمدعمر خان فرقه مشر
اعضاء	:	« ، « ، خان زمانخان «

۱۰ ـ واکسین ضد چیچک به مکاتب مرکز .

۱۱ ـ دفع مرض حمای لکه‌دار مکاتب وچارهای اساسی جلوگیری آن .

۱۲ ـ معاینهٔ شاگردان قرار ذیل :

معاینه عمومی	۱۴۰۰۰
معالجه ـ	۱۰۸۰۹
امراض داخله	۶۴۷۰
امراض جلد	۹۸۶
امراض چشم	۷۲۲
دندان	۲۴۶
گوش وگلو	۹۸۱
جراحی	۱۳۸۴
عقلی وعصبی	۱۰۰

۱۳ ـ ارسال یك هیئت صحی وسپورت برای معاینهٔ اوضاع صحی وسپورتی قندهار و مشرقی

۱۴ ـ تورید ادویه وسامان از خارج .

۱۵ ـ خریداری ادویه ازشرکت های ملی ورسمی .

مدیریت عمومی موزه

۱ ـ حفریات ۱۳۲۱ :ـ

هیئت حفریات افغانی وهیئت فرانسه بتاریخ ۳ ثور ۱۳۲۱ به مقصد حفریات در بگرام از کابل حرکت نموده عازم بگرام شدند وبدون روز های تعطیل تقریباً سه‌ماه در بگرام حفریات جاری، هیئت جانبین الی اخیر سرطان وارد کابل شدند و سامان منکشفه وارد موزه گردید وهمچنین بتاریخ ۲۸ میزان ۱۳۲۱ هیئت افغانی به‌همرای « موسیو گریشمن » دو باره وارد بگرام شده درهمان جای سابقه شروع به‌حفریات کردند تقریباً (۱۱) روز در بگرام حفریات شده وخانم موسیو گریشمن مریض شد حفریات معطل گردید وبتاریخ ۸ قوس هیئت طرفین وارد کابل گردیده سامان منکشفهٔ حفریات به‌موزه کابل سپرده شد .

۲ ـ خریداری ۱۴ جلد کتاب قلمی ، بوستان ، مشکوة المصابیح ، ذخیرهٔ کامله در علم جراحت، فتوح الاوراد ـ محاورات خیالی ، ترجمهٔ قاموس ، شاهنامهٔ بدیع النظم ، روضة الصفا دیوان سردار احمدخان ، احوال کشمیر ـ کتاب قلمی طب .

۳ ـ پنج لوحه نوشتهٔ قلمی .

۴ ـ ۶۶ دانه سکهٔ مسی ونقره و طلا .

۵ ـ ۴۱ قلم خریداری آثار تاریخی وعتیقه .

حرص و آزبین شخص وحقیقت ابر مظلمی راتشکیل میدهد .   (لارشفو کولد)

مدیریت تنظیمات .

این دائره نیز مانند سائر دوائر وزارت موصوفه در حصهٔ اجرای امورات محولهٔ خود جدیت لازمه بکار برده وتمام کارهای تهیهٔ کتب درسی ولوازم تحصیل وادوات لازمهٔ مکاتب مرکز وولایات وحکومات اعلی راچه ازداخل مملکت وچه از خارج حسب پروگرام معینه پیش ازپیش تدارک وانتظام نموده ومخصوصاً درقسمت بهمرسانیدن وتوزیع کتب درسی ولوازم تحصیل معارف ولایات وحکومات اعلی قرار احصائیه طلاب معارف مزبور قبل از آغاز سال تعلیمی سعی واهتمام لازمه نموده واین امر را باوجود موجود بودن بعضی مشکلات دروسائل حمل ونقل بخوبصورت اجرا وانجام داده کدام بندش وسکتگی ازناحیهٔ عدم کتب درسی ولوازم تحصیل وغیره در دروس محصلین معارف ولایات وحکومات اعلی رخ نداده وازین جهت مراتب خوشنودی مقام وزارت را حاصل داشته است .

مدیریت مامورین واجرائیه :

همانطوریکه کلیه دوائر وزارت معارف بوظائف محولهٔ خود در سال ۱۳۲۱ رسیدگی کرده اند دائرهٔ مامورین واجرائیه هم امورمتعلقهٔ خود را در دست اجرا گرفته ودراین راه ابراز فعالیت کرده است چه آنکه این دائره حسب وظیفه تمام مامورین ومستخدمین موسسات جدید وسابقه را باید تهیه وتدارک دیده واحتیاج موسسات را ازین ناحیه مرتفع گرداند .

طوریکه ازاجراآت سال ۱۳۲۱ این دائره معلوم میشود دائرهٔ مذکور نه تنها احتیاج موسسات ودوائر عرفانی را از رهگذر تدارک مامورین ومستخدمین رفع کرده بلکه برای انتظام و حسن تداویر امور متعلقه پیشنهاداتی هم بمقامات صلاحیت دار تقدیم وبعد منظوری بمعرض تطبیق واجرا گذاشته است بصورت عمومی اجراآت دائرهٔ مامورین درسال ۱۳۲۱ برحسب آتی است :

اول تقرر ع،ص عبدالاحمد خان معین دوم به مشاوری وزارت معارف .

دوم تقرر ع،ص دکتور محمدانس خان بحیث کفیل ریاست تعلیم وتربیه .

سوم تقرر ع،ص برهان الدین خان کشککی بحیث پښتو ستر .

چهارم تقرر ع محمد نبی خان عضو ریاست تعلیم وتربیه و ع عبدالجبارخان معاون ریاست تدریسات بدرجه مدیریت عمومی .

پنجم تقرر ع، غلام جیلانی خان ترفیعا بحیث مدیرعمومی معارف قندهار .

ششم تقرر (۷) نفربحیث مدیر بدوائر عرفانی مملکت .

هفتم : شمولیت (۱۵) نفر بحیث عضو بریاست های مربوطهٔ وزارت معارف .

هشتم : مؤظف ساختن (۹۱) نفر ازدرجهٔ مامورالی کاتب چهارم بدوائرمرکز وولایات .

نهم : استخدام (۲۱۹) نفر بصفت مستخدم درموسسات ودوائر عرفانی .
دهم : رسیدگی به امور سجل وسوانح تمام معلمین ومامورین معارف .

یازدهم : اجرای معاش ومصارف مرکز وزارت معارف واصدار هدایات بشعبات اجرائیهٔ مکاتب بحیث اجرائیهٔ مرکزی .

مدیریت کنترول :

طبیعی است که امور مالی در رشتهٔ حیات عمومی مداخلهٔ تامه داشته وهیچ امری بدون کمك و مساعدت مالی انجام پذیر نبوده ونیست پس ازینجاست که حکومت متبوع و معارف خواه ما تنویر افکار اولاد اینخاك را بر طرق وو سایل مختلف جزو مهم پروگرام خویش قرار داده ویك بودجهٔ هنگفت وبزرگی را بنام وزارت معارف اعتبار واعطا نموده که مدیریت کنترول وزارت معارف عهده دارانجام این امور بوده وتوانسته است که برحسب وظیفهٔ امور مرجوعهٔ خویش را با کمال خوبی وحسن صورت انجام بدهد . شعبات مرکز ومربوطات مدیریت کنترول وزارت معارف که بامتجاوز از (سی) شعبهٔ حسابی درتماس است با اجرا آتی که درظرف سال مالی ۱۳۲۱ به آن موفق شده . قرار ذیل توضیح میشود :

الف ـ شق بودجهٔ دولت .

۱ـ ماموریت بودجه ـ شعبهٔ ترتیب بودجه واحصائیه. شعبهٔ اجرائیه وتخصیصیه وواردات .

۲ـ ماموریت تادیات نقدی :

۱ ـ شعبهٔ معاشات .

۲ ـ « مصارف .

۳ ـ « دارائی بودجوی .

۳ـ ماموریت جنسی .

ب ـ شق مدرك که به تحت اثریك ماموریت اداره میشود :

۱ـ شعبهٔ نقدی .

۲ـ جنسی .

ج ـ کنترول های مربوطه : ـ

۱ـ فاکولتهٔ طبی
۲ـ دارالمعلمین ابتدائی) مربوطهٔ بودجهٔ دولت

۳ـ مدیریت کنترول مکتب صنایع که نظر به بعضی ایجابات بماموریت تبدیل شد) مربوط بودجهٔ مدرك. باتوضیحاتیکه درفوق دادیم مدیریت کنترول وزارت معارف را درجز وشعبات

اداری وزارت قرار داده واینك می رویم باینکه این مدیریت چه کرده وچه اموری را انجام داده اند .

۱ـ ماموریت بودجه ـ مامور ترتیب وتوزیع بودجهٔ معارف درمملکت بوده وتوانسته است که بودجهٔ وزارت معارف رادرموقع آن بوزارت مالیه تقدیم ودرعین حال احتیاجات غیرمترقبه را در حالیکه از چوکات بودجه خارج نشده و در امور مالی و موازنهٔ عمومی فشار عاید نکند تلافی نماید همچنان درجریان سال به تحویل تابلو های موعدی وارداتی بوزارت مالیه وتحصیل پولهای قابل تحصیل موفق ویك مسئلهٔ مهمی که با خط درشت واجراآت این ماموریت یاد داشت میشود همانا گرفتن (یك ملیون ودوصد هزار افغانی) سهمی است که درشرکت پخته بدست آورده ومی خواهد که از ین پول علاوه بر بودجهٔ معینهٔ دولت خدمت بهتری را در راه معارف انجام دهد .

۲ ـ ماموریت معاش ومصرف :

این ماموریت که عهده‌دارتمام‌پرداخت های وزارت‌معارف‌است باحسن‌صورت وصرفه جوئی تادیات وزارت معارف‌را انجام‌داده‌وآنچه را که بطورمساعده وتقاوی پرداخته است بازرسی ودرتصفیهٔ پولهای تقاوی با اشخاص‌طرف معامله‌اقدامات‌سریع نموده وضمناً ازاصدار متحدالمال های حسابی برشعبات مربوطه خود داری‌نکرده وتوانسته‌است‌تابلوهای موعدی موظفهٔ خودرا درموقعش بوزارت مالیه تقدیم نماید .

۳ـ ماموریت جنسی :

این ماموریت که دراجراآت سال ۱۳۲۱ خود نظر بملاحظات وضعیت‌جنگ عالم‌سوز درصرفیات ذخایر وزارت معارف‌صرفه ومیانه روی‌رامدنظر گرفته وآنچه بذخایر‌وزارت‌معارف افزوده شده است با کمال دقت وارسی‌وآنچه را که‌بصرف رسانیده با اهتمام‌زیادی‌در گرفتن موجودی ها وتصفیهٔ آن وترتیب تابلوی جنسی وتحویل‌آن بوزارت‌مالیه ورهنمائی های حسابی به‌شعب مربوطه اقدامات جدیانه نموده است .

٤ـ ماموریت مدرك :

این اداره باتمام معنی یك مدیریت کنترول کوچك رانمایندگی کرده آنچه اجراآتیکه دربودجهٔ دولت به تحت (۳) عنوان جداگانه بودجهٔ معاش و مصرف و جنسی توضیح شده درین شعبه درتحت یك عنوان ماموریت مدرك انجام یافته وبرعلاوه موفق شده است که یك‌لایحهٔ اجراآت حسابی‌را محض‌برای‌مکاتب صنایع وزارت‌معارف‌ترتیب‌وبعدازصحه وتصویب وزارت مالیه ذریعهٔ مامورین مربوطه درمعرض اجرا قرار دهد .

۵ ـ کنترول های مربوط :

درطرز اجرا آت با کنترول مرکز تفاوتی نداشته ودر ارسال تابلوهای موعدی خود بوزارت مالیه بسلسلهٔ مدیریت کنترول مرکز موفق شده اند .

ریاست فاکولتهٔ طب :

۱ـ چهار ده نفر ازستاژیرهای فارغ التحصیل فاکولتهٔ طبی ستاژ خود را مکمل کرده وبه اخذ دیپلومه نایل شدند همچنان ده نفر ازمکتب طبی و ۷ نفرازمکتب دواسازی بعد ازتکمیل ستاژ دیپلومه گرفتند .

۲ـ از فاکولتهٔ طبی ۱۱ نفر درسال جاری فارغ التحصیل شده وبرای ستاژ به شفاخانه ها فرستاده شده اند همچنان از مکتب طبی ۱۵ نفر واز دواسازی دو نفر فارغ التحصیل شده مشغول ستاژ گردیدند .

۳ـ درصنف اول فاکولته جدیداً ۹ نفرازفارغ التحصیلان بکلوریا شامل گردیده مصروف تحصیل شده اند همچنان بیست نفردرصنف اول طبی و(۱۲) نفربه صنف اول دواسازی جدیداً شامل شده اند .

٤ـ درفاکولتهٔ طبی یك موزیم امراض ساری ترتیب شده ملاژها و تصاویر برای پروپاگاند صحی واستفادهٔ علاقه مندان به موقع استفاده گذاشته شده است .

۵ـ پنج نفر ازفارغ التحصیلان دورهٔ اول فاکولتهٔ طبی تخصص کرده و امتحان تخصص شان ازطرف فاکولتهٔ طبی اخذ و سند تخصص برای شان داده شده است .

٦ـ درلابوراتوار کیمیا علاوه ازتجارب وتطبیقات درس مواد مهمه که تجزیه وتحقیق آن مطلوب بود به فاکولته رجعت داده شده و درین جا تجزیه شده راپور های آن بمقامات مربوطه تقدیم شده است .

۷ـ در راپورتشریح مرضی پارچه های مرضی ازشفاخانه بغرض تشخیص فرستاده شده است در رابوراتوار تحقیق شده راپورهای آنها تنظیم وبمنابع مربوطه تقدیم شده است.

۸ـ درموسسهٔ باکترالوژی که یك موسسه مشترك بین وزارت صحیه وفاکولتهٔ طبی است از شفاخانه ها مواد برای تشخیص امراض مکروبیه و ساریه ارسال و عدهٔ معتنابها تحقیق ومعاینه شده است وبأین اساس تداوی لازمه اجراء شده است علاوتاً واکسن های مختلفه ازامراض کولرا، تیفو ، چیچك ، سگ دیوانه به مقادیر زیاد دراین انستیتو تهیه شده وبرای استفاده در سائر نقاط مملکت مورد استفاده قرار داده شده است همچنان بالای مرض حمای لکه دار تدقیقات فنیه تحت اجرا گرفته شده است .

ریاست فاکولتهٔ سیانس :

فاکولتهٔ سیانس که بنابرعدم وجود طلاب دارای شهادتنامهٔ بکلوریا ومعلمین ، چند سال درسهای خود را معطل مانده بود دراثر کامیابی تعداد طلاب ازلیسه ها واوامر وزارت معارف ذوباره دروس خود را ازتاریخ اول قوس ۱۳۲۱ شروع نمود .

امسال صنوف اول دوشعبهٔ ریاضی ، فزیك وکیمیا. بیولوجی تاسیس شده است .

تعداد طلابی که شامل درس شده اند به شانزده نفربالغ میشود .

معلمین فاکولته قرار ذیل اند :

ریاضیات	داکتر محمدانس خان
فزیك	پروفیسور داکتر شتز
کیمیا	داکتر محمد انورخان
بیولوجی	پروفیسور داکترموت

علاوه بران فاکولتهٔ سیانس ترتیب لابوراتوار وکتابخانه را نموده بمعرض استفادهٔ طلاب ومعلمین قرار داده است باتاسیس این فاکولته هیئت مجموع فاکولتهٔ طبی، حقوق وسائنس قسم اهم یونیورستی کابل را تشکیل میدهد .

فاکولتهٔ حقوق :

امسال فاکولتهٔ حقوق زیادتر به اصلاح وتنظیم مؤسسهٔ خود موفق وبه پیشرفتهای خوب نایل گردیده پروغرام خودرا اصلاح وشاگردهای صنف اول خودرا بهدوم ترفیع داد. از متعلمین صنف سوم آن که هشت نفر فارغ التحصیل گردیده ،دو نفرآن ازسال سابق و۶ نفرآن از امسال موجود بوددرقصرصدارت عظما بهاخذ دپلومه نایل گردیدند. چون عمارت سابق برای صنوف ودوائرفاکولته گنجایش نداشت یك عمارت وسیع دیگر برایش تخصیص داده شد .

امور وزارت اقتصاد

دوائر وزارت اقتصادملی باوجود مسدودبودن راههای تجارتی ومشکلات اوضاع امروزی که عالم بشریت را دچاربحران گردانیده، درمرور سال جاری موفق باجراآت ذیل گردیده اند :

الف - امورصنائع :

۱ :- مدیریت عمومی صنائع در هذالسنه یك موسسهٔ جدید پیله و سند را بسرمایهٔ ابتدائی (۵۰) لك افغانی وانتهائی یك کرور افغانی درکابل تاسیس نموده .

۲ :- درامور دیگر شعبات صنعتی درحدود وظائف وصلاحیت خویش معاونت و مراقبت بعمل آورده است .

دوریښمین تنګی دسرك یوه برخه

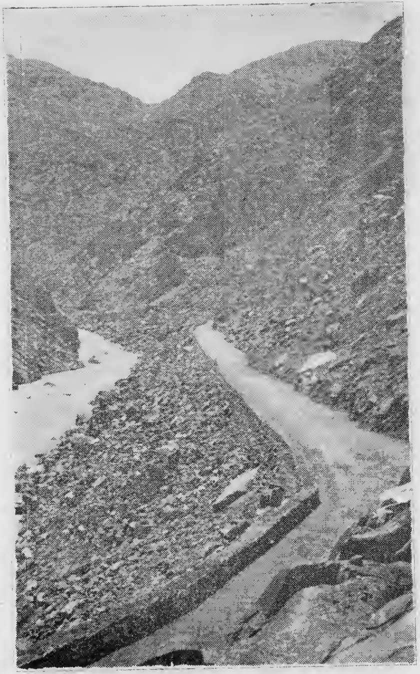

د کابل سیند او دوریښمین تنګی لوی سرك

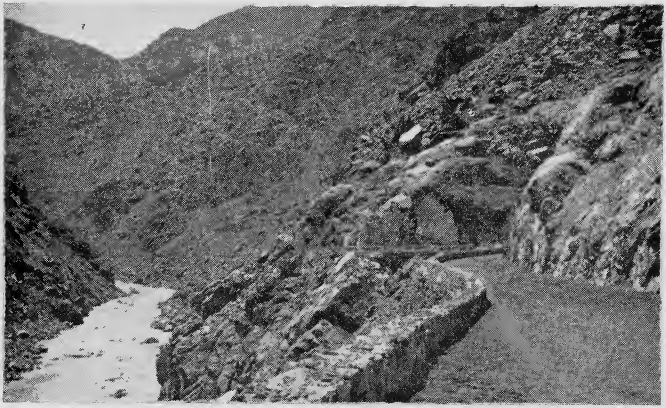

دوريښمين تنگی دنوی سرك يوه برخه

دوريښمين تنگی دنوی سرك يوه برخه

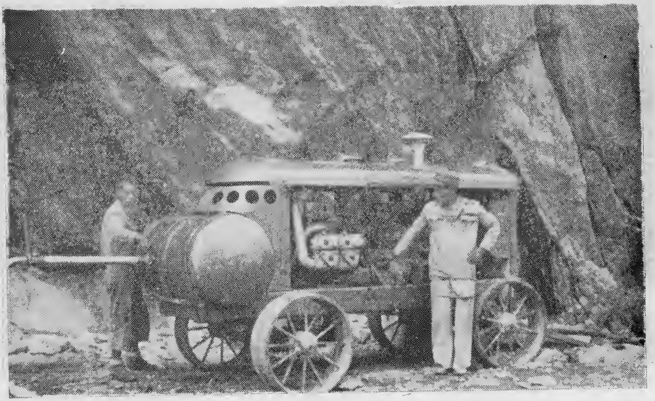

دفشار ماشین چه دهوا دفشار په ذریعه کانی پریکوی (دمشرقی نوی سړك)

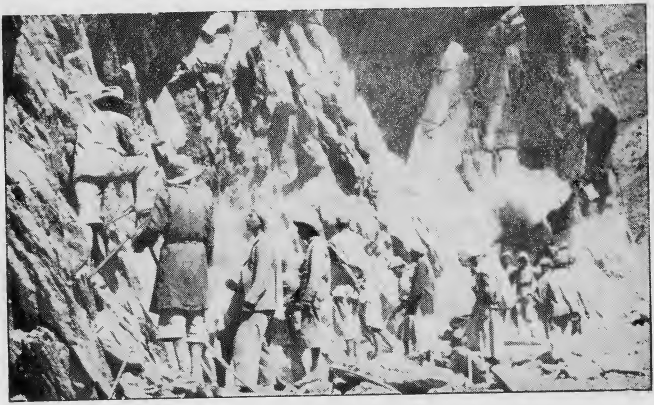

دفشار ماشین دکار په وخت کښې چه غررا نړوی

دمشرقی دنوی سرك يوه برخه دکابل دولایت حصه (وریښمین تنګی)

دوریښمین تنګی دسرك جوړوونکی دکار له لوازمو سره

کار کوونکی وروسته د کار تر تمامیدو رخصت غواړی

د کابل دوالی وکیل پخپل لاس کار کوونکو ته اجرت او پیسی ورکوی

د سمت شمالی‌دنوو ودانیو څخه دچاریکار و منځنی ښوونځی

دغوربند سرك دپراختیا اووسعت په‌حال کښي

۳ :ـ توجه خصوصی وزارت اقتصاد در شعب صنائع درین آوان بسوی صنائع دستی خصوص رخت باب معطوف میباشد که درین راه پیشرفت های محسوسی بمشاهده رسیده و در سنه دار تون ۱۳۲۲ نتائج آن مشاهده خواهد شد .

ب ـ امور تجارت و شرکتها :

مدیریت شرکتها برعلاوهٔ رسیده گی باجرای امور مربوطهٔ عموم شرکتها **خصوص** از پوست قره قل ، قند و شکر ، پطرول وموتر و غیره ، واعطای هدایات لازمه بشرکتهای مذکور وملاحظه و تدقیق در اطراف اساسنامهای آنها ، اجرا آتیکه در سال ۱۳۲۱ بتوسط شعبهٔ شرکتها نموده حسب آتی است :

۱ :ـ درهرات شرکتی باسم شرکت اتفاق بادغیسات هرات بسرمایهٔ مبلغ (۳۰۰۰۰۰۰۰) افغانی باداشتن امتیاز موازی (۳۲۳۲۸) جلد پوست قره قلی ومقدار (۵۵۲ گرام و ۶۵۲ کیلو و ۳۸۷) تن پشم ازپیداوار ولایت هرات تاسیس وشروع بکار نموده است .

۲ :ـ درمیمنه شرکتی باسم (شرکت مبارك) باداشتن امتیاز (۱۰۰۰۰۰) جلد پوست قره قلی ازپوست‌های پیداوار ولایات شمالی افغانستان برای سه سال (۱۳۲۰،۱۳۲۱،۱۳۲۲) تاسیس نموده است .

۳ :ـ شرکتی باسم (دزابل شرکت) درمرکز کابل بسرمایهٔ مبلغ (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی بغرض صادرات امتعهٔ پیداوار مملکت از قبیل پسته ، بادام وپوست گوسفندی وروباه وغیره وتوزید امتعهٔ خارجی ازقبیل رخت وغیره احتیاجات برحسب اصول ومقررات دولتی بدون کدام جنبهٔ انحصاری وامتیازی تاسیس وتشکیل گردیده وشروع بکار نموده است .

۴ :ـ انحصار نصوار وتماکوی سبزه کی تمام نقاط افغانستان که قبلاً ازاول سال ۱۳۱۸ الی ختم سال ۱۳۲۰ سالیانه بمبلغ پنج لك وچهل ویکهزار افغانی باجاره داده شده بود دراول سال جاری الی ختم سال ۱۳۲۳ سالانه بمبلغ هفت لك وپنجاه هزار افغانی باجاره داده شده است .

امور فوائد عامه

وزارت فوائد عامه باوجود موانعیکه درتورید سامان و لوازم عمرانی بوجود آمده پلانهای عمرانی خویش را بجدیت تمام تعقیب وبه پارهٔ امورمهمه درقسمت جاده سازی، بندوانهار وتعمیرات تشبث کرده است که اینك مهمترین آن بقسم خلص دراینجا ذکر میشود :

الف ـ درقسمت معابر :

۱ :ـ سرك تنگ غارو که کار آن ازسال ۱۳۲۰ آغاز یافته ودرتمام طول آن بین کابل وجلال آباد کار باوقفه‌های که ازاثر مساعدت وعدم مساعدت هوا وغیره ایجابات فنی ناگزیر است

کار می‌شود ، چنانچه تفصیلات آن در مقالهٔ جدا گانهٔ که در آخر سالنامه مندرج است ملاحظه خواهد شد .

این جاده که اغلبا درپهلوی کوهای سخت امتداد یافته ، عملیات سرنگ‌پرانی وتونل‌سازی وپرکاری و کتاره سازی وپل‌سازی وغیره را به‌پیمانهٔ بزرگی ایجاب می‌کند درسال ۱۳۲۱ درهر قسمت آن چه درحصهٔ ولایت مشرقی وچه درحصهٔ ولایت کابل وچه در حصهٔ سخت ترین آن که ماهی پر باشد به‌تفاریق کار زیاد بعمل آمده و سرنگ پرانی بصورت یدی وهم باماشین‌ها بمقدار کثیری اجرا شده و در شروع سال جاری ۱۰ کیلومتر ازین سرک در حصهٔ تنگی ابریشمی بکلی خاتمه یافته .

باقی درهرحصه امسال نیز کار جاریست ، طول این‌سرک ۱۵۳ ونسبت به سرک لته بند (۳۹) کیلومتر کمتر است .

۲ :ـ سرک یغمان این‌سرک که به طول (هفده و نیم) کیلومتر ازطرف مدیریت‌معابر ولایت کابل تحت تعمیراست دارای دوخط بوده که یکی برای رفت ودیگری برای آمد میباشد وهر کدام آن (۶) متر عرض دارد ، یك سرك آن تحت پخته کاری میباشد وسرك دوم تقریباً درتمام طول خام کاری شده است ، پلها و آبروها نیز تحت تعمیر میباشد امسال یك سرك آن تکمیل خواهد شد .

۳ :ـ سرك اساسی دورادور افغانستان که درهرولایت کار آن تحت‌نظر شعبات وزارت فوائدعامه جریان‌دارد ، مخصوصا درحصهٔ ولایت قندهار ، حکومت اعلای فراه ، ولایت‌هرات ولایت‌قطغن‌وغیره واین جادهٔ اساسی به‌عرض ۱۰متر میباشد وپارچه‌پارچه تحت تعمیر واصلاح گرفته شده است .

ب :ـ درشق انهار و بند ها :

۱ :ـ کار بندقرغه بسرعت وشدت بیشتری تحت تعمیر گرفته‌شده وفوق‌زیادی باینطرف مبذول شده است .

۲ :ـ کارنهرهای قطغن وخشك کردن جبه‌زارهای آن که مطابق پلان‌علیحده بهمکاری وزارت اقتصاد وریاست تنظیمیهٔ آنولایت‌ادامه دارد .

۳ :ـ در حکومت اعلای فراه نهرها و کاریز های کوچك وبزرگ بهمکاری حکومت اعلی واهالی تحت کار است .

٤ :ـ در سمت شمالی کابل‌نهر خواجه‌ونهر(رستم)تحت کار گرفته‌شده است ودر سال ۱۳۲۲ نتیجه خواهد داد .

د کابل دمستوراتو دشفاخانې دنوی ودانۍ یوه برخه

د کابل د مستوراتو د شفاخانی دنوی ودانی یوه برخه

انتقاد کاری آسان ولی دوری ازخبط وخطا واقدام بکار غیر قابل انتقاد خیلی دشوار است . (یکی ازحکمای عرب)

ج : ـ درقسمت تعمیرات :

عماراتیکه کارآن تمام گردیده :

۱ : ـ تعمیر دیپوی عمومی واقع کارته نمبر ٤ .

۲ : ـ « شفاخانهٔ مستورات واقع قلعهٔ باقر خان .

۳ : ـ « اوراق وزارت خارجه .

٤ : ـ « حصهٔ حریق شدهٔ عمارت وزارت خارجه .

٥ : ـ « نندارتون .

تعمیراتیکه تحت کار است .

۱ : ـ تعمیر معاینه خانه واقع لب دریا .

۲ : ـ گراجهای سیاه سنگ .

۳ : ـ « « شهرآراء .

٤ : ـ ترمیمات ارگ کابل .

٥ : ـ گدامهای ارزاقی .

٦ : ـ ترمیم زیارت حضرت جبیر انصار .

۷ : ـ تعمیر اطاقهای مهتاب قلعه تعلق وزارت پست .

ولایت هرات

الف : ـ حصهٔ تعمیرات :

۱ : ـ عمارت بزرگ شفاخانهٔ جدید که نیم کاره بود تکمیل وسفیده کاری وپلستر کاری ونصب دروازه و کلکین وآئینه شانی وتمدید سرك پیش روی آن بعمل آمده است .

۲ : ـ دیوارهای سمت جنوبی وشرقی مکتب نمبر ۲ واقع پل آب چکان که تنها تهداب آن کنده شده بود تکمیل گردیده است .

۳ : ـ تعمیر استیشن مترولوجی درهذه السنه آغاز وعمارت آن تکمیل گردید و دیوار های احاطهٔ آن از کرسی نیم متر کار شده .

٤ : ـ عمارت هوتل مرکز که نیم کاره بود، عمارت تحتانی آن سفیده کاری ونصب آئینه اش تکمیل گردیده وحصهٔ فوقانی آن هم پوشش وپلستر کاری وسفیده کاری اش تمام شده است .

٥ : عمارت جدید ادارهٔ جریدهٔ اتفاق اسلام تکمیل وسفیده کاری شده است .

٦ : ـ عمارت جدید محبس که نیم کاره بود درهذه السنه عموماً خانهایش پوشش وپلستر کاری

وسفیده کاری شده است وعلاوة دروازه و کلکین هایش نصب شده ودیوار برج دار آن بارتفاع دومتر ودونیم متر کارشده است و کتارهٔ پشت‌بام سه‌سمت آن‌تکمیل ویك سمت آن باقیمانده است .

۷ : ـ تعمیر قوماندانی کوتوالی که پوشش واستر کاری آن مانده بود استر کاری وپوشش آن تکمیل گردید .

۸ : ـ مکتب زیارتگاه‌درهذه‌السنه تکمیل شده است وظرف استفادهٔ طلاب گردیده .

۹ : ـ مکتب ادرسکن به‌پوشش رسیده وخاك اندازی تحت خانها واستر کاری وسنگ کاری احاطه‌وغیرهٔ آن تکمیل گردیده است .

۱۰ : ـ تعمیر مکتب زنده‌جان که‌نیم کاره‌بوده‌در هذه‌السنه‌تکمیل وظرف استفادهٔ طلاب قرار داده شده .

ب ـ شق ترمیمات :

۱ : ـ ترمیمات مکتب نمبر ۱

۲ : ـ ترمیمات مکتب نمبر۲ ازقبیل تجدید دروازه هاوغیره .

۳ : ـ در کلکین های خزانه سیم های آهنی نصب گردید .

حکومت کلان غزنی

۱ ـ یك سرك جدید ازخط سرك عمومی قندهار بحکومت جدیدالتشکیل اندر ساختمان وامتدادیافته‌است مسافهٔ ۱۲ کروه ـ هکذا بالمثل آن ازسرك کتواز هم سرك جدید کشوده بحکومت اندر دوطرفه وصل‌کرده شده .

۲ ـ ازحصهٔ مرکز حکومت کلان سرك‌جدید اصدر شاد بحکومت جدیدا لتشکیل جغتو ملحق‌وهم‌سرك علیحده مسافهٔ (۸) کروه ازخط‌سرك عمومی‌بعلاقه داری واغظ‌مربوط حکومت جغتو برده‌شده .

۳ ـ از خط سرك حکومت واز خواه سرك جدید که مشهور به تروه سر حد نامیده میشودبمسافهٔ ۲۲ کروه امتداد وساخته شده‌است . ـ

٤ ـ تعمیر دوائرحکومتی شرن که‌جدید ساختمان کرده‌شده تماما تکمیل وازعلاقه‌داری یوسف خیل مربوط حکومت شرن که آنهم تعمیر جدید کرده شده درشرف اکمال دست .

۵ ـ یك‌پل جدید بین‌حصهٔ جانی‌خیل کتواز وملی‌زائی که‌دریاب‌است جدید ساخته‌شده .

٦ ـ تعمیرات حکومتی‌مقر وجاغوری وحکومتی قره‌باغ باحکومتی جغتو وتعمیرات مکاتب وگدام‌ملکی مرکز حکومتکلان ومقرتحت ساختمان و درشرف تکمیل است .

اعضاء	:	ح ، محمد عمر خان	غندمشر
»	:	» ، سید محمد حسین خان	»
»	:	» ، محمد یعقوبخان	»
»	:	» ، محمد اکبر خان	»
»	:	» ، محمد ایاز خان	»
»	:	» ، حسین علیخان	»
»	:	ش ، امیرمحمدخان	کندکمشر
»	:	» ، دادمحمدخان	»

د دائمی دیوان حرب ریاست :

رئیس	:	ع ، ش ، عبدالقیوم خان	فرقه مشر
معاون	:	ح ، گلمیر خان	غندمشر
اعضاء	:	» ، حبیب الله خان	»
»	:	» ، احمدشاه خان	»
»	:	» ، محمد اصغرشاه خان	»
»	:	» ، غلام بهاؤالدینخان	»
»	:	» ، سید احمد خان	» ثانی
»	:	ش ، محمد سلیمانخان	کندکمشر
»	:	» ، عبدالله خان	»
»	:	» ، غلام علیخان	»

دحربی فابریکو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر	:	ح ، غلام دستگیرخان	غندمشر
معاون	:	» ، احمدسیرخان	»
دمیخانیکی مکتب مدیر	:	ش ، عبدالمجید خان	کندکمشر

د قبایلو ریاست :

رئیس	:	ع ، ش ، محمدشاه خان	فرقه مشر
معاون	:	ح ، شیر بازخان	غندمشر

دالمپیک ریاست :

اداری رئیس	:	ع ، ص ، محمد یوسف خان	
معاون	:	. . . . .	

امور صحیه

امور صحیه که مورد توجه مخصوص حکومت متبوعه میباشد ، درین سال پیشرفت های تازهٔ را احراز ووزارت صحیه بتأسی ازنظریات بهی خواهانهٔ حکومت متبوعه در مورد مجادله باامراض وتاسیس وتوسعهٔ مؤسسات صحی و پیشبرد حفظ الصحهٔ عامه داخل اقدامات جدی شده که مختصر آن قرار ذیل است :

کالرا

در اوائل سال ۱۳۲۱ باساس اطلاع مدیریت صحیهٔ فراه که درچهار برجك چخانسور شبه مرض کالرا رفته بود فوراً ازطرف وزارت صحیه هیئتی مرکب ازدکتوران ومعاونین باسامان لازمه ویك مقدار کافی واکسین بدانطرف اعزام وبه هیئت مزبوره امرداده شد تادراطراف این مرض تحقیقات نموده واگر ازنقطهٔ نظرپولی کلینیکی ادنی ترین شبه مرض کولرا میرفت فوراً واکسی ناسیون عمومی را بالای اهالی تطبیق کرده وبه قرانطین های حدودی قیام نمایند دراثر تحقیقات پولی کلینیکی وباکترلوژی بالاخره به تحقیق پیوست که مرض مزبوره کولرا نبوده ویکنوع اسهال موسمی است ، گویا درسال ۱۳۲۱ ازلطف خداوند پاك درسرتاسر خاك افغانستان ازنقطهٔ نظر کولرا خیریت تامه حکمفرمائی داشته است .

تیفوئید :

برای اینکه ازواقعات محرقه جلوگیری بعمل آید وزارت صحیه مطابق پروگرام هرساله برای حفظ ماتقدم یك تعداد زیادی واکسین تیفورا توسط موسسهٔ باکترلوژی تهیه دیده چه در مرکز وچه درولایات واطراف به پیمانهٔ وسیعی واکسین مزبوره را طرف استفادهٔ اهالی قرار داده وبه تمام مراکز صحی امراکید صادر شده بود تانسبت به تطبیق واکسی ناسیون جداً بذل مساعی نمایند چنانچه در سال ۱۳۲۱ از روی احصائیه هائیکه در دست وزارت صحیه موجود است از مراحم خداوند نسبت به سائر سالها مرض تیفو در بین اهالی کمتر شیوع کرده است .

حمای لکه دار :

در اوائل سال ۱۳۲۱ مرض حمای لکه دار دربرخی نقاط افغانستان تایك اندازه نسبت به سائرسالها زیاده تر توسعه اختیار کرده وتوجه وزارت صحیه را بیشترراجع به این موضوع معطوف ساخته ومجبور گردید تاطور جدی بااین مرض داخل مجادله گردد ، هرچندی که مجادله نمودن بامرض حمای لکه دار مشکلات زیادی را دربر داشت معهذا وزارت صحیه موفق شد

تا توسط مامورین صحی دروسط سال مذکور از انتشار این‌مرض بکاهد ، برعلاوه از طرف موسسهٔ باکترلوژی برای بدست آوردن یکنوع واکسین ضدحمای لکه‌دار ازخون مریض مبتلابمرض مذکور اقدامی هم‌بعمل آمد ولی‌ازآنجائیکه صورت استحصال این‌واکسین مشکلات زیادی باخود همراه‌داشت وزارت‌صحیه موفق‌شده‌نتوانست تابصورت مثبت‌ازآن‌استفاده بکند .

واکسین ضدحمای لکه دار :

چون‌دامنهٔ مرض حمای لکه‌دار وسعت‌اختیار نمود وزارت‌صحیه متشبث‌شد تابهروسیلهٔ ممکنه بایدوسائل وقایه ازین‌مرض رابدست آورد چنانچه مقارن همین‌تشبث اطلاعی بدست آمد که درموسسات باکتریولوژی امریکا به‌تعداد کافی واکسین‌ضد حمای‌لکه‌دار استحصال میگردد به‌تأسی این‌منظور وزارت صحیه فوراً نسبت‌به‌تورید واکسین مذکور داخل اقدامات شده وامیداست به‌تورید این واکسین‌ها موفق آید .

جذام :

هرچندیکه درسال گذشته نسبت بموضوع جذام تفصیلات لازمه داده شده و موضوع ازنظر قارئین گذارش یافته معهذا برای اینکه اجراآت‌سال گذشته ازهم گسیخته نشود طرز تلخیص ذیلاً دراین‌باره راپوری قیدمیشود : برای‌تاسیس دهکدهٔ جذام درحصهٔ سرخ آب لوگر قبلاً یك‌قطعه‌اراضی انتخاب وپلانهای اساسی بانقشه‌های تعمیراتی آن ترتیب گردیده بود وبرای اینکه در اطراف موقعیت این‌دهکده هنوزهم تدقیقات لازمه بعمل آید از طرف وزارت صحیه یکنفرمتخصص که‌عضو موسسهٔ (برتش‌ایمپائر لیپراسی اسوسی‌ایشن بر طانوی) بود دعوت داده‌شد تابمرکز آمده وازنقطهٔ‌نظرفن دربارهٔ این‌موضوع راپوری را بوزارت صحیه تقدیم نماید چنانچه متخصص‌مذکور بتاریخ ۱۷ سرطان سال ۲۱ وارد کابل گردیده وبعدازیکهفته‌توقف تحقیقات لازمه را بادستهٔ از دکتوران مربوطهٔ مابعمل آورده وصورت راپور خودرا بمقام وزارت‌صحیه تقدیم‌نمود که‌این‌را بورهم درپیش انداختن منظور اساسی وزارت صحیه کمکی نمود ، درنتیجهٔ تحقیقات وتدقیقات ثانوی وزارت صحیه باساس منظوری مقامات صلاحیت دار چنین تجویزنمود که‌باید علاوه‌ازین دهکدهٔ عمومی ازسائرنقاط افغانستان یعنی درمواضعیکه مرض جذام درآن حصص وسعت‌اختیار کرده باشد جذام خانهای کوچکی احداث گردد چنانچه به‌اساس همین منظوربود که‌درحصهٔ هزارهٔ‌بغل برای قرنطین جذامی هائیکه ازسائر نقاط افغانستان وارد کابل شده ودر اینجا سکونت دارند یك جذام خانهٔ کوچکی نیز اعمار گردد ، درحصهٔ هزارهٔ بغل تحقیقات فنی جاریست وامید میرود که‌در سال ۲۲ به‌عملی نمودن این منظور ازطرف وزارت صحیه اقدامی بعمل آید .برعلاوه تازما نیکه

احداث جذام خانهای متفرقه درمواضع معینهٔ آن صورت بگیردازطرف مقامات صلاحیت دار بهتمام ولایات ومربوطات آن احکامی صادر شده‌است مبنی براینکه تا زمان احداث جذام خانهٔ مطلوب افراد مبتلای آنرا درمناطق مسکونهٔ خودشان تحت‌تجرید قرار داده‌وازمعاشرت ایشان باافراد دیگر جلوگیری بعمل آرند .

حمایهٔ اطفال :

همانطوریکه موسسات حمایهٔ اطفال درسائر ممالك دائر بوده وهردولتی به‌اندازهٔ اقتدار وتوانائی‌خوددراینراه قدمی برداشته حکومت‌بهیخواه مانیز تااندازهٔ ممکنه‌درراه حمایت‌اطفال ازمساعی لازمه خودداری نکرده‌است چنانچه بتأسی همین نظریات حکومت بود که وزارت صحیه ،وزارت جلیلهٔمعارف وریاست‌بلدیه پروژهٔمقدماتی حمایهٔاطفال راتدوین‌نموده‌وبه‌پیشگاه حکومت متبوع تقدیم نمود ، هرچندیکه وزارت صحیه ازعرصهٔ چندین سال‌به‌اینطرف است که‌درراه حفظ صحت اطفال‌تدابیر لازمه‌را اتخاذ کرده ولی باوجود آنچون موسسات حمایهٔ اطفال بدون مساعی وزارت جلیلهٔ معارف و ریاست بلدیه حسب مطلوب عملی شده نمیتوانست ازین حیث بامساعی مراجع دوگانه پروژهٔ مقدماتی راتعین نموده وبه حاصل کردن منظوری آن‌از مقامات صلاحیت دار اقدامی نمود ، گویا اکنون وزارت صحیه ،وزارت جلیلهٔ معارف وریاست بلدیه هریك درحصهٔ وظائف خودمطابق پلان مرتبه به‌تاسیس این‌موسسه در اواخر سال ۲۱ اقداماتی بعمل آورده اند .

واکسین چیچك وآبله کوبی

درسال ۲۱ نیز طبق سالهای گذشته نسبت بعملی نمودن آبله‌کوبی دربین عموم اطفال مملکت اقداماتی بعمل‌آمده وبه‌تعداد (۲۰۰۰۰۰) نفر واکسین چیچك طرف استفاده قرار داده شده است .

صندوقچه های حفاظت واکسین چیچك

چون درموسم گرما فرستادن واکسین‌چیچك درولایات‌وسائر نقاط افغانستان اشکالاتی داشت وازحیث شدت گرمی بوواکسین چیچك آسیب‌میرسید وزارت‌صحیه توسط موسسهٔ باکتر لوژی به‌ایجاد یکنوع صندوقچه موفق گردید که‌بسهولت وبدون واقع شدن کدام ضرری به‌واکسین درفرستادن آن به‌نقاط مختلفه موفق آید یکی ازمزایای مخصوص صندوقچه های مذکور اینست که‌برای یکمدت متمادی یخ‌راحفاظت کرده‌وهمچنان به‌یك مقدار کافی برای واکسین چیچك گنجایش دارد وبرای اینکه درارسال ومرسول واکسین چیچك تعطیلی رخ ندهد ودرعین‌زمان‌درهرمدیریت صحیه‌واکسین چیچك برای‌یك‌مدت متمادی محافظت‌شده بتواند

وزارت صحیه چنین تجویز نمود که باید بهریك از شفاخانها «دو، دو» دانه ازین صندوقچه ها موجود باشد ، یك صندوقچهٔ آن بصورت دائمی درخود شفاخانه موجود بوده و یك صندوقچهٔ دیگر آن بقسم سیاردروزارت صحیه موجودمیباشد تادرمواقع لازمه واکسین در خواستی ولایات واطراف بوسیلهٔ همین صندوقچهٔ سیار فرستاده شده وعندالورود واپس بمرکز مسترد میشود .

تجویز جدید راجع به آبله کوبی در ولایات وسائر نقاط افغانستان :

باوجود آنکه همه ساله امرتطبیق واکسی ناسیون ازطرف وزارت صحیه به تمام موسسات صحیهٔ افغانستان وآبله کوبهای مربوطه صادروواکسین چیچك هم تازه ورایگان ارسال شده ومراقبت های جدید درین زمینه بعمل می آید اخیراً تجویز دیگری هم از جانب وزارت صحیه اتخاذ شده وضمیمهٔ متحدالمالی برای نائب الحکومه ها وحکام اعلی وکلان صادر گردیده است تادراطراف تجویز متذکره غوروخوض عمیقی نموده ونظریات خودرا بوزارت صحیه بفرستند ، اجرای این تجویز کمك فوق العادهٔ رادر دوام واکسی ناسیون ضد چیچك بالای عموم اهالی نموده ویك مجادلهٔ عمیقی را بااین مرض بوانمود میسازد .

تعدیل اجرت مواد تجزیوی خون وغیره در موسسهٔ باکترلوژی :

قبل ازین نسبت بوضعیت اقتصادی اجرت موادی که جهت تحلیل وتجزیه در موسسهٔ باکترلوژی فرستاده میشد تحت یك پیمانهٔ قرار یافته بود ، اخیراً که در قیمت مواد و اردات مورد ضرورت تجزیهٔ متذکره تزئیداتی رخداده است درقیمت بعضی از این مواد تعدیلات و تزئیداتی بعمل آمده است .

۱ ـ تفتیش ادویه فروشیهای مرکز قرار مقررات موضوعهٔ وزارت صحیه از ابتدای سال گذشته درهر پانزده روز جریان داشته ونواقصی که بملاحظه رسیده است بر اساس مقررات متذکره یاتوضیح داده شده ویاموارد اخطار وجزا قرار یافته ، گویا این تفتیش ها در اصلاح ادویه فروشیها چه در زمینهٔ نظم ونظافت ادویه فروشیها وچه در خصوص فروش ادویه و غیرهٔ آنها رول خوبی ایفا کرده است .

۲ ـ بنابر مشکلات تورید ادویه وبلند رفتن قیمت آن تغیرات زیادی درین او اخر در قیمت ادویه رخ داده بودبرای جلوگیری ازاحتکار دوافروشیها وقایم نمودن یك معیار معین جهت فروش ادویه مسئله تحت کنترول قرار گرفته وبرای فروش ادویه (ادویه فروشیهای مرکزی واطرافی) معیاراساسی تعیین گردیده .

۳ ـ افتتاح دوافروشیها : دراثر درخواست وارده درسال ۱۳۲۱ دو شرکت دوافروشی دیگرنیز یکی بنام ادویه فروشی رنها ودیگری سینادر دوافروشیهای شهری افزوده شده ونظر

به احتیاجات مناطق شهری ادویه فروشی اولی در چارراهی متصل ریاست مطبوعات ودومی درباغ علیمردان قریب مندوی خربوزه فروشی متمرکز ساخته شده وهمچنان یك دوا فروشی دیگری در مرکز هرات نیز بنام (اصلاح) افتتاح شده وبه مالکین آنها فهمانده شده است تا جزئی اختلافی از مقررات موضوعهٔ ادویه فروشیها ننمایند .

۱ ـ بااینکه درسال ۱۳۲۱ بحران موجوده در تورید ادویه مشکلات زیادی را پیش کرده معهذا نسبت به تجاویزیکه از طرف وزارت صحیه اتخاذ گردیده بود باهمکاری ریاست دپوادویه احتیاجات شفاخانها حتی المقدور تهیه گردیده ومخصوصاً نسبت به کنترول اساسی که در بارهٔ صرفیات ادویهٔ شفاخانها بعمل آمده است بیشتر در صرفه جوئی ادویه کمك کرده است گویا بااینکه طرق تجارتی در اثر مشتعل بودن جنگ موجوده مسدود بود تا کنون درامورات جاریهٔ هیچ شفاخانه بندشی بوقوع نه پیوست .

۲ ـ وزارت صحیه ازمدتی باینطرف تفتیش شفاخانهای ولایات رادرنظر داشته ومخصوصاً درین وقتیکه تورید ادویه ازخارج مشکلات زیادی دارد میخواست معلوم کند که در کدام یك ازشفاخانهای متذکره ادویه وجود دارد که بدرد خودش نخورده امابرای شفاخانه یك منطقهٔ دیگری اشد ضرورت میباشد به اساس این مفکوره منظوری تعیین هیئت تفتیش را ازمقامات صلاحیت دار خواهش وپس از استحصال منظوری مقامات متذکره یك هیئت مکمل را که مرکب ازاشخاص فنی واداری باشد بایك پروگرام مفصلی اعزام نمود تابه اساس خط حرکتی که ازجانب وزارت صحیه مقرر شده است بالعموم شفاخانهای افغانستان را تفتیش نموده و نتائج آنرا بوزارت صحیه تقدیم نمایند ـ هیئت مزبوره برطبق پروگرام مرتبه هنوز هم مشغول تفتیش میباشد .

تعلیمات نامهٔ موظفین دواخانهای حکومتی ، نیز از طبع خارج وبه جمیع موسسات صحیه توزیع شده است .

رهنمای مجادله باترا خوم نیز از طبع خارج وبه دسترس استفادهٔ طلاب مکتب پرستاری گذاشته شده است .

از تاسیس سرویس درجهٔ دوم دندانسازی درسالنامهٔ ۱۳۲۰ تذکری داده شده بود امسال ازحیث اینکه قیمت مواد محتاج الیه سرویس های درجهٔ اول ودوم دندانسازی‌ها خیلی بلند رفته است درتعرفهٔ هردوسرویس مذکورتجدید نظرشده وبالاخره درتعرفهٔ جدول تداوی وپروتیز سرویس های درجه اول تزئیدات معقول ومناسبی بعمل آمد ودرتعرفهٔ سرویس های درجه دوم صرف درقسمت پروتز آن تزئیداتی بعمل آمده وتعرفهٔ اجرت پروتز مذکورمطابق تعرفهٔ اجرت پروتز سرویس های درجه اول قرار داده شده است .

چون نتیجهٔ واقعات مرضیه در محبس ایجاب تزئید بستره های شفاخانهٔ آنرا می نمود درسال ۱۳۲۱ زیادتی درجملهٔ بستره های موجودهٔ محبس منظور گردیده واین بستره ها محض جهته معالجه وتداوی مریضان مبتلا به حماء لکه دار تخصیص یافته است اما دراوانیکه مریضان بستری درمحبس زیادت حاصل نماید بسترهای افزود شده مورد استفادهٔ سائر مریضان غیراز مریضان مبتلا به حماء لکه دارنیز قرار میگیرد .

پروژهٔ ساختمان وتاسیس یك شفاخانه جهته قطعات ژاندارم مرکز درجوار عمارت محبس عمومی ازطرف وزارت صحیه پیش بینی شده وباوزارت فوائد عامه مفاهمه شده تانقشهٔ ساختمان عمارت مذکور را باپیش بینیهای لازمهٔ مصارف آن جهت سال ۱۳۲۲ تکمیل نماید از آغاز سال آئنده به تعمیر شفاخانهٔ مزبور مبادرت میشود .

قرار پلان اساسی که جهت اعمار یك شفاخانهٔ عصری مستورات دراحاطهٔ شفاخانهٔ موجودهٔ مستورات کابل طرح شده بود امسال یك قسمتی ازین پلان عملی گردیده ویك عمارت جدیدی که گنجایش چهل تاشصت بستره را دارد توسطه وزارت جلیلهٔ فوائد عامه باشکل موزونی اعمار واخیراً عدهٔ ازمریضان درآن منتقل شده وعمارت متذکره طرف استفاده قرارگرفته است .

عمارتی که جهت ساخت ادویه ازمواد پیداوار مملکت وذخیره نمودن ادویه وغیره درسال گذشته در کارته ٤ تحت تعمیر قرار داده شده بود به پایهٔ تکمیل رسیده وفعلاً دیپوی عمومی واقع جادهٔ شاهی درآنجا منتقل گردیده است که ازینقرار ازیك قسمت عمارت مذکور استفاده بعمل آمده است وعلی التدریج از سائر قسمت های آن نیزطوریکه متذکر شده بودیم استفاده خواهدشد .

مریضان قطعات ژاندارم ولایات شمالی وزارت داخله که سابقاً توسطه شفاخانهاو دوکتوران مربوط وزارت صحیه معاینه ومداوا میشدند اخیراً حسب مفاهمه وموافقهٔ وزارت صحیه ووزارت داخله تاسیس یك یك شفاخانه درحصص خان آباد ، مزارشریف ومیمنه جهت قطعات حصص متذکره صورت گرفته ومریضان قطعات ژاندارم این مناطق در شفاخانهای متعلق خودشان معالجه وتداوی میشوند دکتوران این شفاخانهازا وزارت صحیه ازفارغ التحصیلان فاکولتهٔ طب تعیین ومقرر کرده است .

برای اینکه یك تعلیماتنامه ودستورعمل کافی دردست دکتوران ومامورین صحیه ومنسوبین موسسات صحیه جهت اجراآت ایشان وجود داشته باشد پروژهٔ یك تعلیماتنامه وظائفی ازطرف وزارت صحیه ترتیب وبه موسسات صحی علی آباد فرستاده شده است تادر آنجا عملاً مورد تطبیق قرارگرفته وبعداً درکافهٔ مراجع صحی مورد تعمیل قرار یابد .

قرار ترتیباتی که از طرف وزارت معارف ووزارت صحیه راجع به تهیهٔ متخصصین

در داخل مملکت اتخاذ شده وموضوع آنرا با احراز تخصص شاغلی دکتور محمد اسماعیل خان (علم) درسال گذشته متذکر شدیم درین سال پنج نفردیگر ازدوکتوران فارغ التحصیل دورهٔ اول فاکولتهٔ طب موفق به احراز درجهٔ تخصص درشعب ذیل گردیده اند :

١ـ بناغلی دکتور عبدالغنی خان افضل متخصص امراض داخله .
٢ـ « « فقیر محمد خان « « «
٣ـ « « نوروز علی خان « « گوش ، گلو ، بینی
٤ـ « « غلام حسین خان « « جراحی
٥ـ « « عبدالرحمن خان « جلدیه

درسال جاری امتحانات (٧) نفرمتعلمات کورس قابله گی که دورهٔ معینهٔ تعلیمات شانرا بپایان رسانیده بودند حسب پروغرام مرتبه اخذ ودیپلوم قابله گی برای شان داده شده تا به خدمات آتیهٔ توده باساس شهادتنامه های خویش بپردازند .

درسال ١٣٢١ یازده نفر ازطلاب دورهٔ پنجم فاکولتهٔ طب و١٥ نفرازطلاب دورهٔ هشتم مکتب طبی و٢نفرازطلاب دورهٔ پنجم دواسازی فاکولته فارغ التحصیل شده ودرشعبات مختلفه مشغول ستاژ میباشند تابعد ازتکمیل ستاژ به شعبات لازمه مقرر ومؤظف ساخته شوند اسامی طلاب فارغ التحصیل متذکره برحسب ذیل است :

الف ـ فاکولتهٔ طب :

١ـ بناغلی میرغلام حیدرخان، ٢ـ بناغلی سید رضاخان، ٣ ـ بناغلی رحمت الله خان ٤ـ بناغلی غلام زکریا خان، ٥ـ بناغلی محمد آصف خان، ٦ـ بناغلی محمدرسول خان، ٧ـ بناغلی محمد نعیم خان، ٨ـ بناغلی محمد انورخان. ٩ـ بناغلی علی احمد خان، ١٠ـ بناغلی عبدالاحد خان ، ١١ـ بناغلی عبدالصمد خان.

ب ـ مکتب طبی :

١ ـ بناغلی محمد انور خان ، ٢ ـ بناغلی نور محمد خان ، ٣ ـ بناغلی سید حبیب خان
٤ ـ بناغلی ناصر علیخان ، ٥ ـ بناغلی خواجه عبدالله خان ، ٦ ـ بناغلی محمد امین خان .
٧ ـ بناغلی عبدالحق خان ، ٨ ـ بناغلی میر جان خان ، ٩ ـ بناغلی سید محمد انور خان .
١٠ ـ بناغلی محمدسرور خان ، ١١ ـ بناغلی عبدالاحد خان ، ١٢ ـ بناغلی محمد انور خان .
١٣ ـ بناغلی محمدیونس خان ، ١٤ ـ بناغلی حفیظ الله خان ، ١٥ ـ بناغلی دوست محمدخان .

ج ـ دواسازی :

١ـ بناغلی صمد علیخان ، ٢ـ بناغلی میر افضل خان .

پنجاه نفر ازطلاب شاملهٔ مکتب پرستاری که درسال گذشته شروع به تحصیل کرده بودند

تعلیمات نظری شانرا در دورهٔ شش ماه معین تمام داشته حسب پروغرام مرتبه امتحانات شان اخذ وموفقیت حاصل کردند سپس بادارهٔ مؤسسات صحیهٔ علی آباد امر داده شد تا ترتیبات تقسیم طلاب متذکره را در شعب مختلفه جهت فرا گرفتن تدریس عملی پرستاری در شفاخانه‌های مؤسسات صحیه اتخاذ نمایند .

ورود مستخدمین :

۱ ـ عزتمند دکتور محمد آغوزبیگ متخصص دندان در هذه السنه استخدام و در موسسهٔ دندانسازی مردانه مصروف خدمت میباشد .

۲ ـ محترمه دکتور بای نریمان دکتورهٔ دندان درهذه السنه استخدام ودرمؤسسهٔ دندانسازی زنانه مصروف خدمت میباشد .

۳ ـ محترمه مادام شودان شو یستر درهذه السنه استخدام و به شفاخانهٔ مستورات اجراء وظیفه میدارد .

درمؤسسات صحی علی آباد

درشعبات فنیه :

ازآنجائیکه افراد مملکت ما روزبروز به اهمیت مؤسسات صحیه پی برده ومنافع صحی زیادی ازمراجعت خویش درموسسات متذکره حاصل کرده اند سال بسال درتعداد رجوع کنندگان این موسسات می‌افزاید ، و عدهٔ معالجه شدگان هرساله را درشت تر ارائه میکند ، چنانچه درنه‌ماه امسال (ازحمل الی آخر قوس) فی‌صد پانزده درتعداد مراجعین نسبت به‌سال تمام ۱۳۲۰ افزوده و ازطرفی هم چون یوماً فیوماً درطرز تداوی ومعالجات پیهم از اصولات عصری ونوینی دنبال میشود لله‌الحمد در وفیات مراجعین‌نیز تقلیل شایانی نسبت به‌سنوات گذشته بمشاهده می‌رسد .

درقسمت اداری :

۱ ـ یك تعداد بسترهای لوکس دربسترهای لوکس سابق افزوده شده است .

۲ ـ یك تعداد کافی ادویه دردپوی موسسات صحیه ذخیره شده تامشکلاتی در آتی ازحیث قلت ادویه رخ نداده و رفاهیت مریضان تأمین شده باشد .

۳ ـ پوشاکهٔ مریضان نیز به‌تعداد خیلی کافی درتحویلخانهٔ موسسات ذخیره شده است .

٤ ـ امسال ازتسخین برقی درشفاخانهٔ ملکی استفاده بعمل آمده وبرای بسترهای لوکس یك‌یك بخاری برقی‌نصب وازآنها استفاده میشود .

۵ ـ در واردات هشت ماهۀ اجرت تداوی مریضان نظر به واردات سال تمام ۱۳۲۰ فی صد ۳۳/۵۰ افغانی افزودی بعمل آمده است و اگر مبلغی که در نظر گرفته شده است درچهار ماه بعد نیز افزود شود فی صد صد افزودی واردات امساله را ارائه میکنند .

اجراآت مدیریت صحیۀ قندهار :

۱ ـ جلب توجه مریضان وازدیاد مضاعف به تعداد (۳۰۹۱) نفر در سال ۱۳۲۱ معاینه شده.

۲ ـ ترمیم وتعمیر شفاخانه باساس توجه دارالحکومگی ذریعۀ شعبۀ تعمیر مدیریت فوائدعامه .

۳ ـ تکمیل نواقص سامان برق وضروریات عاجلۀ شفاخانه .

٤ ـ تبدیل نمودن زمین وباغچۀ شفاخانه به باغچه های گل و زمین زراعتی .

۵ ـ معاینۀ احصائیۀ عسکری وافراد کار کنان نهر بغرا ومعاینۀ طلاب مکتب برای تعلیمات عسکری مرکز کابل .

٦ ـ جلب توجه مریضان به بستری شدن درداخل شفاخانه واعتماد عموم به طبابت .

۷ ـ خدمتگاری بیست بستره بطور دوام وقبول کردن وتن دادن درعلاج .

۸ ـ قناعت بخشیدن ووانمود نمودن اینکه بیست بستره کفایت ننموده مریضان داخلی بسیار ودوکتوران آمادۀ ده بسترۀ جدید .

۹ ـ اعطای نظریۀ ده بستره برای سال آیندۀ شفاخانه یعنی بلند بردن چپرکت های شفاخانه از تعداد (۲۰) به سی بستره .

۱۰ ـ تعین وفیصلۀ سامان نوکری شب وحاضر شدن دوکتور بخدمت کاری شب درسنه ۱۳۲۲ که اولین اقدام ونظریه است که درولایت تطبیق میشود .

۱۱ ـ تبدیل نمودن طرز سنجش وحساب ادویه خانه ازسال به سال یعنی سنجش هفته وار با درنظر گرفتن وقیمت نسخه وحساب گرام گرام ادویه گویا اولین اقدامی است که مطابق خواهش مرکز کابل در ولایات عملی شده .

۱۲ ـ سنجش حسابات شعبۀ اجرائیۀ شفاخانه یعنی حسابات دفتر وسنجش آن باقناعت تمام مستوفیت .

۱۳ ـ برای کنترول اغذیۀ مریضان تعین سه نفر مدیر وسرپرستار وسرکاتب که برای اجرای اغذیۀ یومیه امضاء هرسه نفر شدنی است .

۱٤ ـ تعیین اطاق های لکس برای مریضان ومامورین وطلاب مکتب.

۱۵ ـ تعین کلوب دوکتوران برای کنفرانس ها،معۀ سامان وتکمیل اثاث البیت اطاق مدیریت صحیه .

۱٦ ـ فعالیت شفاخانه برای مریضان مدیریت صحیه .

۱۷ ـ تکمیل عمله وفعله شفاخانه .

۱۸ ـ مجادله باحمای لکه دار محبس .

۱۹ ـ تعین دونفر دوکتور درهفتهٔ دومراتبه برای معالجه وتداوی مریضان ومتعهد شدن ادویهٔ شان ازطرف شفاخانه مرکزی ومقرری سی دواساز تعلیم یافتهٔ عصری .

۲۰ ـ تکمیل کمبودی های نفر معاون دوکتور به جهت امراض جراحی بامعاون آن

۲۱ ـ آبله کوب دونفر که تاامسال یکنفر فرستاده شده بود حال دونفر تعین وتکمیل شد .

۲۲ خریداری هوتل قلات وتبدیل نمودن آن بیك شفاخانهٔ اساسی .

۲۳ ـ فرستادن آبله کوبها باطراف بحکومتی ترین ودهراود وارغنداب و پنجوائی .

۲٤ ـ رونق صحیح واعتماد مریضان شفاخانهٔ مستورات وز دیادت مراجعین یومیه به مستورات که از دیاد مضاعف گفته میشود .

امور پوست، تیلگراف و تیلفون

۱ ـ تقرر یک نفر انجنیر بدرجه دوم شعبهٔ انجنیری مدیریت تلگراف که عبارت ازص،غلام سرورخان منتظم سابقهٔ مهتاب قلعه میباشد .

۲ ـ تاسیس تیلگراف خانهٔ جدید قلعهٔ نو هرات .

۳ ـ یکعده ازطلاب مکتب تیلفون وتیلگراف که جدیداً ازتعلیمات مکتب فارغ وهرکدام بوظیفهٔ معینه اش محول کرده شده وازاول عقرب ۱۳۳۱ وظایف خودرا اشغال نموده اند .

٤ ـ ترتیب یك لایحهٔ صورت ترمیمات واخذ اجراآت وغیره رادیوها در شعبهٔ تخنیک مدیریت عمومی رادیوی وزارت پست .

۵ ـ ترتیب هدایت نامهٔ فروش تکت های پستی افغانی بداخل وخارج واجرای آن ازمقام مربوطه .

٦ ـ بازنمودن غرفهٔ دوم اخذ محصول تیلگراف به نسبت زیادی کار و ازدحام مردم برای جلوگیری ازشکایات وفراهم آوری سهولت تیلگراف دهنده گان .

۷ ـ اخذ تمام خبرهای ۲٤ ساعتهٔ آژانس ریوتر وحصهٔ ازآژانس های مشهور دیگردنیا ازقبیل تاس ، دومی وترانس اوشن .

۸ ـ تاسیس شعبهٔ محاسبات درمرکز مدیریت تیلگراف .

۹ ـ ارسال منتظم سیار تیلگراف برای بازدید جمیع تیلگراف خانه های مملکت وترتیب وتصحیح اجراآت آنها .

۱۰ ـ چون در مدیریت تیلفون برای طرز رفتار بامشترکین تیلفون وقطع ونصب تیلفون وتمدید لین ها واخذ محصول وغیره ومقرراتی وجود نداشت لهذا مدیریت موصوف مقررات مزبور را از صحهٔ مجلس گذشتانده درمعرض اجرا قرار داد وسواد آنرا به تمام دوایر

د سپورټ مدیر : ش ، ظهیر الدینخان کنډک مشر
« کورسو « : ح ، ذکریا خان غنډمشر

د استخباراتو عمومي مدیریت :

عمومي مدیر : ح ، محمد انور خان غنډمشر
معاون : ش ، رستم علیخان کنډک مشر

دتعمیراتو عمومي مدیریت :

کفیل : ح ، غلام سعید خان غنډمشر
لمړی معاون : « ، نورمحمد خان «
دوهم « : ش ، محمد ایازخان کنډک مشر
نقشه کښ : « ، محمدعوض خان «

دتعمیراتو دسنجش مستقل مدیریت :

مدیر : . . . .
معاون اودمدیریت کفیل : ش ، میرغلام احمدخان کنډک مشر

د تحریراتو اومخصوص قلم مدیریت :

مدیر : ش ، محمدقاسم خان کنډک مشر

دیلو دتعلیمگاه اودعالی کورس مدیریت :

مدیر : ش ، محمد آصف خان کنډک مشر
لمړی معاون : « ، دوست محمد خان «
دوهم « : « ، قدرت الله خان «

د اوراقو عمومي مدیریت :

مدیر : ش ، عبدالشکور خان کنډک مشر

دحربیه وزارت دمنتظمیت دائره :

منتظم : ش ، عبدالعظیم کنډک مشر

هوائی قوا :

قوماندان : ع ، ش ، محمد احسان خان فرقه مشر
دارکان حرب رئیس : ح ، محمدهاشم خان غنډمشر

مخابراتی ولایات وحکومات اطلاع نمود .

۱۱ :- تعیین یکنفر متخصص جدیددر شعبهٔ تیلفون .

۱۲ - تشکیل یك‌شعبهٔ گستدنر در مرکز وزارت با سامان مربوطه ازقبیل ماشین شبکه و برش وغیره که‌بکار انداخته شده فعلاً تخمین تمامی قرطاسیهٔ کار آمد مرکز ووزارت ویك‌قسمت اطراف را طبع وتحت استعمال آورده است .

۱۳ - اتمام امور تعمیر الحاقیهٔ وزارت واستفاده ازان وهم علاوتاً تعمیر یك تحویل‌خانه برای حفاظت سامان تیلفون ازقبیل سیم های لچ کیبل وغیره ازکثرت برف وباران وغیره نظیر آن ترتیبات تحویل‌خانه های سابقه که تمامی سامان فنی وسامان نازك وغیره که‌مطابق اصول فنی لازم حفظ بود حفظ کرده شدند .

۱٤ - ترتیب یك لایحهٔ سانسور مرسولات پستی خبرهای تیلفون و تیلگرافی و استحصال منظوری مقامات‌صلاحیت‌دار دفاتر بمقامات مربوطه‌وامراجرای آن عنداللزوم ازطرف حکومت.

۱۵ - ترتیب یك‌لایحه صورت‌تر میمات واخذ اجرت و غیره رادیو ها در شعبه تخنیکی مدیریت رادیوی وزارت پست .

مدیریت عمومی تخنیکی رادیو:

۱:- ترتیب احصائیهٔ رادیوهای آخذهٔ شخصی مرکز و ولایات واذن جواز نامهٔ استعمال واخذ محصول سالانه .

۲:- ترتیب احصائیه ودادن جواز برای رادیوهای تجارتی و تجار.

۳:- معاینهٔ رادیو های واردهٔ گمرکی وتهیهٔ راپور فنی آن.

قسمت تخنیکی :

۱:- ادامه وبکار انداختن دستگاه رادیو بموج متوسط ۱ر٤٤٥ متر مساوی ٦٧٤ کیلو سایکل در تمام سال‌توسط کارگران داخلی .

۲: ترمیم موتر جنریتر های مولدبرق و رادیو های آخذه ورادیو های وامپلی فایر ها ولودسپیکر های ولایات ،حکومتی هاوترمیم رادیو های شخصی بحساب دولت .

۳:- تکمیل بعضی لوازم استودیو وارتباط آواز ساعت به برود کاست و تکمیل اطاق انتظار وغیره .

٤:- ریکارد گیری آهنگ های مخصوصهٔ رادیو کابل .

ولایت هرات

۱ :- تبدیل پایه های چوبی لین تیلفون وتلگراف سمت اسلام قلعه به پایه های آهنی .

۲ :- نقل‌دادن تلگرافخانهٔ سرحد مرغاب به مرکز حکومتی کلان قلعهٔ نو .

۳ :ـ تجدید پایه های لین های مربوطه وترمیم عمومی واصلاحات لین های مذکور .
٤ :ـ ترمیم بعضی تیلفونها که از کثرت استعمال خراب شده بود ، ذریعهٔ مامور فنی .
٥ :ـ تقرر یکدسته فارغ التحصیلان مکتب تیلفون وتلگراف که ازوزارت پست فرستاده شده بودند به شعبات تیلفون خانها وتلگرافخانهای مربوطه .
٦ :ـ ترمیمات لازمهٔ تعمیر تلگرافخانه ومدیریت مخابرات واکمال دیوار احاطهٔ تعمیرات مذکور .
۷ :ـ ترتیب امور دفتر داری وتصفیهٔ محاسبات گذشته وتحصیل باقیات محصول پسته وتیلفون وتلگراف ورادیو .
۸ :ـ تشکیلات جدید واصلاحات لازمهٔ خطوط سیر وحرکت پوستی حصص مربوطهٔ ولایت .
۹ :ـ ترتیب نقشه‌های لینهای تیلفون وخطوط پوستی مربوط ولایت توسط مامورین فنی .
۱۰ :ـ ترتیب کنفرانسهای شق اداری وفنی هیئت مدیره در مدیریت مخابرات واتخاذ دساتیر لازمه برای انجام و بهبود کار امورمربوطه .
۱۱ :ـ تهیهٔ مبل و مفروشات جدید جهت اطاق ماشین تلگراف بیسیم .
۱۲ :ـ خریداری یك تعداد تیلفونها وسامان لازمهٔ آنها از خارج .
۱۳ :ـ در واردات محصول پوسته و تیلفون وتلگراف مدیریت مخابرات در ۹ ماه سال جاری نسبت بگذشته فیصد (۳) افغانی تزئید بعمل آمده .

ولایت جنوبی

۱ :ـ لین تیلفون ازمرکز جاجی الی علاقه داری حصهٔ اول چمکنی تمدید شده (۷۰۰) پایه
۲ :ـ از حصهٔ اول چمکنی الی سرحد پطان که لین تیلفون تمدید شده (٥٠٥) «
۳ :ـ ازحصهٔ چمکنی الی حکومت منگل « « « « (٥٠٠) «
٤ :ـ از جاجی الی سرحد پیوار « « « « (٦٠٠) «

علاوه برتمدیدلین ونصب پایه‌ها به مواضع مذکور تیلفون ها هم نصب گردیده و بکار انداخته شده .

امور ریاست مستقل زراعت

ریاست مستقل زراعت درجریان سنه ۱۳۲۱ به طبق سنوات گذشته دراصلاحات زراعتی ازقبیل اصلاح نباتات وحیوانات وتنظیم جنگلات واحداث باغهاوتشکیل قوریه ها وترمیم وحفر کاریزها ومدافعهٔ حشرات مضره وغیره به تعقیب اجراآت گذشته‌ادامه داده متناسب به توان ووسایطی که برایش مهیا وممکن بوده است اقدامات نموده است . حاجت به تذکار نیست

که به عصرحاضرترقیات زراعتی وعملی نمودن پلان های فنی آن مانند دیگر شعب فعالیت های مدنی بالوازم فنی ارتباط کلی داشته ریاست مستقل زراعت از سبب وضعیت مغشوش دنیا مع الاسف به استخدام متخصصین زراعتی وتوریدلوازم فنی خویش موفق شده نتوانسته اجراآتی را که درسنه ۱۳۲۱ بعمل آورده است نسبت به مواد پروگرام فنی اش خیلی محدود و متناسب به مقدور ووسایط ممکنه بوده است ومابعضی ازآنهارا بطریق اختصار ذیلاً قیدتحریرمی آوریم وبه چهارشق مختلف ذیل تفریق مینمائیم :-

الف:- اجراآت جهت اصلاح نباتات .

ب :- « « حیوانات .

ج :- تنظیم وتنسیق جنگلات وتشکیل ماموریت های جدید .

د :- اجراآت متفرقه .

الف: اجراآت جهت اصلاح نباتات . (درفارم قندوز)

۱- پنبه :- اصلاحات پنبهٔ قطغن که ازسنه ۱۳۱۷ باینطرف ادامه داردمنتج باین شد که حاصلات سالانهٔ پنبهٔ قطغن از (۱۹۱۵۹۲۷) سیرسنه ۱۳۱۶ به (۲۷۴۹۳۸۹) سیرسنه ۱۳۲۰ بالغ گردیده درجنسیت پنبه نیز ترقی محسوسی بعمل آمد . مرام غائی ریاست دراصلاحات پنبهٔ قطغن بلند بردن حاصلات واصلاح جنسیت پنبهٔ آنولا بوده است که ذریعهٔ فارم قندوز تحت اثراشخاص فنی بحصول انجامیده است وعملیات آن درسنه ۱۳۲۱ جریان وادامه داشته است ، درسنه ۱۳۲۱ درتقلیل زرع پنبه دانهٔ امریکائی عادی که جنسیت آن نسبت به پنبه دانهٔ امریکائی جدید الورود پست تر است مساعی زیاده تری بعمل آمده زرع آن را به محال حضرت امام وتالقان وخواجه غار محدود گذاشته تحت نگرانی مدیریت فارم.به تمام قندوز وخان آباد وقلعهٔ زال از پنبه دانهٔ جنس امریکائی جدیدالورود تقسیم شده است که مراد از (۳۶۱۱۱) سیر میباشد . باین قسم برای سنهٔ آینده از پنبه دانه های قندوز وخان آباد وقلعه زال میتوانیم که برای تمامی نقاط قطغن و حتی ولایت مزارشریف نیزازپنبه دانه های امریکائی جدید بدهیم تا زرع نمایند .

این ترویج تدریجی تخم جدید بعوض تخم عادی دربلند بردن خواص مطلوبه وترقی جنسیت تار پنبه خیلی مهم است . درسنه ۱۳۲۱ تجارب فنی آقای محمد محمود متخصص مصری توسط طلبهٔ زیردستش ادامه یافته ۲۴ نوع پنبه های مختلف امریکائی ومصری باصول های مختلفی تحت تجربه گرفته شده اند مطلوب ازین تجارب اینست که معلوم گردد که بهترین انواع پنبه های خارجی به آب وهوای قطغن کدام اند وبه کدام اصول زرع بهترین نتیجه از آنها گرفته میشود تادر تکثیر بهترین نوع پنبه وترویج بهترین اصول زرع صرف مساعی شود .

علاوه بر اصلاح تخم پنبه وانتشار آن دربین زارعین اصلاح اصول زرع پنبه نکته مهم دیگری است که آن نیز باصول فنی مدتیست تحت نگرانی فارم قندوز و نماینده گی هایش درنقاط مختلفه قطغن تحت مراقبت گرفته شده است. چنانچه درسالهای سنه ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ در اثر هدایات متخصصین وپروگرام فارم قندوز برای نماینده گی ها تاکید شده بود که اصول فنی واساسی زرع پنبه را دربین زارعین ترویج وتبلیغ نمایند ونیز انعاماتیکه برای اهالی داده میشد از روی تطبیقات اصول فنی وتعمیل هدایات متخصصین بوده است تا اصول زرع فنی پنبه دربین زارعین قطغن ترویج یابد. لاکن چون برای بلند بردن حاصلات پنبه قطغن تنها تعمیل هدایات فنی کافی نبوده بایست زارع حاصل زمین خود را نیز زیاده نماید لهذا برای این مطلوب در آخر سنه ۱۳۱۹ چنین فیصله شد که درآینده حاصلات فی جریبی پنبه رامقیاس انعامات قرار داده به آن اشخاصی انعام داده شود که حاصل فی جریبی پنبه شان زیاده تر ثابت گردد چنانچه در تقسیم انعامات سنه ۱۳۲۰ که درسنه ۱۳۲۱ بعمل می آید همچنین ترتیبی گرفته شده است. این ترتیب درحینیکه مقدار آب درقطغن حاضر محدودبوده اراضی مزیدی را تحت زرع پنبه آورده نمیتوانیم در ازدیاد حاصلات پنبه رول مهمی را بازی خواهد کرد.

۳ـ پنج نوع تخم برنج هندی تجربتاً درفارم قندوز تحت نگرانی متخصص هندی زرع شده و در نتیجه معلوم گردید که دونوع از آنها موسوم به جونا ولسیمانی که اول آن نوع برنج لك ودوم آن نوع برنج باریك است به آب وهوای قندوز خوبتر موافقت نموده حاصل شان دوچند حاصل برنج وطنی بوده است. یکمقدار از تخم این دونوع برنج در بین زارعین نیز بمطلوب تعمیم زرع تقسیم شده است.

٤ـ سه نوع ماش (ماش سیاه کرم، ماش کشمیری، ماش کلان هندی) زرع شده است که نسبت به ماش های وطنی حاصل هم زیاده تر داده اند وهم دانه های شان کلانتر است. علی الخصوص حاصل ماش کلان هندی وماش سیاه کرم زیاده تر بوده نتیجهٔ خیلی خوب داده اند چنانچه از روی وزن حاصل آنها تقریبا سه چند حاصل ماش های وطنی ما است.

٥ـ رشقه و شبدر در قطغن نتیجهٔ خوبی نمیدهد و حصهٔ مغذی و برگی آنها نسبت به حصه های سخت و سلولوزی کمتر است. لهذا یك نوع شبدر خارجی که بنام برسیم یاد می شود تجربتاً درتجربه گاه زراعتی قندوز زرع شده ونتیجهٔ خوبی ازان بدست آمده است. برسیم نسبت به شبدر و رشقه حاصل خوبتروزیاده تری میدهد.

٦ـ دونوع یولاف (یولاف که به فرانسوی اون Avoine نام دارد ونوعی است از غله جات برای خوراکهٔ حیوانات خصوصاً اسپ بکار برده می شود) نیز تجربتاً در فارم قندوز زرع شده است که یك نوع آن فرانسوی ونوع دیگر آن امریکائی است ونتیجهٔ خوبی حاصل شده است.

یولاف دراخیر فصل حینیکه دیگر علوفهٔ سبز موجود نباشد بقسم نبات خصیلی نیز کار میدهد.

۷- زغر که نبات خیلی مفیدی بوده ودرقطغن تنها برای استفاده از تیل آن زرع میشود درساقه های خویش مواد نسجی مهمی دارد که ازان پارچه‌های خیلی قشنگی درخارج می بافند لهذا هفت نوع خارجی آن تجربتاً در فارم قندوز زرع شده است تا از نقطهٔ نظر تار کشی معلومات لازمه حاصل گردد.

۸- به مطلوب اصلاح جنس یك تعداد زیاد نهال اشجار مثمر از قبیل شفتالو وسیب وناك وبادام وزردآلو وآلوچه تحت نگرانی وهدایات متخصص زراعت پیوند شده است وپیوندها از مشهورترین وبهترین انواع جمع آوری شده است.

۹- یك نوع کنجد جدید زرع شده است که نسبت به کنجد وطنی حاصل آن زیاده است.

۱۰- درتکثیر انواع سبزیجات خصوصاً لوبیا، مشنگ، نخود، کلم گلدار وکلم شلغم وغیره مساعی لازمه بعمل آمده وتخم آنها برای اینکه در بین زارعین تقسیم گردد بمقدار کافی جمع شده وازریاست زراعت هدایت داده شده تاحبوب آن نوع نباتاتی را که در تجربه گاه نتیجهٔ خوبی داده‌اند اعلان نموده برای شائقین تقسیم نمایند.

۱۱- غرس نهالهای سفیدار وعرعر درفارم قندوز: به‌غرض سرسبزی واینکه قلمه های آن درقطغن مورد استفاده قرارداده‌شود یك تعداد زیاد سفیدار وعرعر به‌دورادور زمین فارم ودرکنار جاده‌های بزرگ آن دوقطاره وسه‌قطاره غرس گردیده ودرشروع سنه ۱۳۲۱ به‌تعداد کافی نهال سفیدار وعرعر درفارم قندوز غرس گردیده است.

۱۲- نهالهای متنوعهٔ دیگری نیز ازقبیل بکین، بید، پنجه‌چنار، توت، ارغوان، بیدروسی انگورکشمشی وحسینی وآبجوش به‌عدهٔ ممکنه غرس شده است.

۱۳- به‌غرض اصلاح جنس یك تعداد نهالهای سیب وناك وسیب‌پیوندی وبهی وانار وآلوبالو نیز درزمین‌های فارم غرس شده تاتوسط عملیات فنی اصلاح شوند.

۱٤- پستهٔ‌زمینی که یکی ازنباتات صنعتی است ودرفارم قندوز زرع شده بود حاصل خوبی داده وبرای ترویج زرع یك‌یك اندازه آن در حصص مختلف قندوز و حضرت امام صاحب وقلعهٔ‌زال وخواجه‌غار وتالقان باهالی تقسیم شده است، ازپستهٔ‌زمینی دراثر فشار تیلی کشیده میشود که صاف آن دراطعمه وناصاف آن درصابون‌سازی وغیره بکار برده‌میشود، از کنجارهٔ آن برای چاق ساختن حیوانات وزیاده‌ساختن شیر آنها استفاده میشود. علاوه برتقسیم پستهٔ زمینی به‌نقاط مختلف قطغن یك‌مقدار دیگر آن درفارم قندوز نیز زرع شده است.

۱۵- علاوه برانواع پنبه‌های خارجی تخم دیگر نباتات نسجی مثل تخم‌شادانه وتخم سند (کنف) نیز بقسم تجربه دراراضی فارم‌قندوز زرع‌شده است که‌نتیجهٔ‌خوبی داده اند.

۱٦- یك‌مقدار جو فرانسوی وبعضی انواع گندم خارجی ووطنی ازقبیل گندم مصری

شادمانی حقیقی درقناعت وانکسار مضمراست. نفس‌خودرا درمقابل خواهشات مادی و شهوانی فریب بده . (.)

گندم‌موری ، گندم زردچه و گندم سرخچه و گندم سفیدچه و مندهٔ وطنی وگندم هندی وگندم‌سیاه به‌قسم تجربه زرع گردیده است .

۱۷- یکعده نهالهای هندی که‌ازسرمای زمستان سنه ۱۳۲۰ صدمه‌دیده حصه‌های بالای‌شان خشك‌شده بود ازسطح زمین قطع ونوده‌های جدیدی ازآنهاسرزده است برای حفاظت آنها ازسرمای آینده ترتیبات گرفته شده است .

۱۸- یك‌مقدار تخم‌پیله درباغ‌چهاردرهٔ قندوز ذریعهٔ‌مدیریت فارم تحت تربیه گرفته شده نتیجهٔ که گرفته شده است خوب است .

(۲) اجراآت جهت‌اصلاح نباتات وتکثیر آنها

ذریعهٔ مدیریت‌ها و ماموریت های زراعت :

درقندهار : ریاست‌مستقل زراعت درنظردارد که عندالموقع بعدازانکه وسایط لازمهٔ‌فنی فراهم گردد درولایت قندهار وهرات و مزارشریف و غیره مثل ولایت قطغن تجربه گاهی برای اصلاحات زراعتی ولایات مذکور تاسیس نماید وهدایات لازمه بمدیریت زراعت قندهار داده‌شد تاسرازحالا باغ‌دند قندهار واراضی همجوارش‌را مخصوص‌تجربه‌گاه زراعتی گذاشته فعلاً دران انواع مختلفهٔ نهالهای‌مثمر و غیر مثمر قندهار را مطابق به نقشه و هدایات ریاست قوریه نماید تا دروقتیکه به‌نموی لازمه برسند از بهترین انواع اشجارپیوند شده تحت عملیات فنی قرار داده شوند .

علاوه‌بران یکنفر ازفارغ‌التحصیلان زراعت که‌درفارمهٔ قندوزعملیات نموده‌بود بایکمقدار تخم سبزیجات وهدایات لازمه بقندهار فرستاده شده تا درباغ دند تخم‌هایمذکور را بذرنموده زراعت‌آنهارا درقندهار وسعت بدهد. همچنین‌درجنگل مرنجان وارغنداب‌قندهار درسنه ۱۳۲۱ یکعدهٔ زیاد سفیدار ، عرعر ، چنار غرس‌گردیده قطعات جدید زمین به‌قوریه تبدیل گردیده است . برای مدیریت‌زراعت قندهار از مرکز هدایت داده شد تادرموقع لازمه به‌دوطرفهٔ نهر سراج قندهار ازسربند تاحدیکه آب رسیده است نهال توت‌که‌به آب وهوای گرم مساعد ودرخت بس مفید است غرس‌نماید همچنین هدایت‌داده شده است که‌بغرض آبادی وسرسبزی اراضی قوریه های نهال هـای متنوعه را در نقـاط لازمهٔ اراضی تحت نهر سراج قند هار تشکیل نماید .

در فراه : چون منطقهٔ فراه نسبتاً کم‌آب بوده نظر بوسعت اراضی تعداد اشجار نیز دران منطقه قلیل است لهذا درسنه ۱۳۲۰ دراثرپیشنهاد حکومت‌اعلی فراه مبلغ یك‌لك افغانی برای حفر کاریزها ومبلغ هشتادهزار افغانی جهت احداث بیست عدد باغ بدو طرفهٔ سرك

شهر فراه از حضور منظوری حاصل و تخصیصیهٔ آن از بودجهٔ ریاست زراعت به فراه فرستاده شده بود .

قرار اطلاع واصله در سنه ۱۳۲۱ یك تعداد کاریز های قدیمه اصلاح و چند کاریز جدید نیز در اثر توجه و مساعی حکومت اعلی فراه ذریعهٔ ماموریت زراعت آن منطقه حفر گردیده و کارات مذکور ادامه دارد . در خصوص تعین حدود بیست عدد باغ وخریداری زمین وغیرهٔ آن نیز مراتب ابتدائی پیموده شده است .

درسنه ۱۳۲۰ در باغ پل فراه رود ودر کنار جاده های شهر و در قوریه باغ عکاسی وبدور شهر کهنه وقشلهٔ عسکری وغیره نقاط لازمه یکعدهٔ کافی نهالهای مثمر وغیرمثمر غرس گردید . درباغ پل فراه علاوه بران دراثر توجه ع،ع،ص حاکم اعلیفراه یکعده گلها واشجار زینتی ویك مقدار سبزیجات نیز ذریعهٔ ماموریت زراعت زرع شده است . درباغ بکوا ودل آرام وخرمالق ودرباغهای حکومتی چخانسور نیز یك تعدادنهالهای میوه دار جدید غرس گردیده است .

درهرات : درسنه ۱۳۲۱ دراغهای تخت صفروباغ شاهی ودرجنگلات رباط صدر، تلاس پل مالان یکعده نهالهای مثمر وغیر مثمر غرس گردیده است . لاکن نهالشانی مهمی که بعمل آمده است درباغ پشتون پل هرات است که فعلاً دارای هشت لك قلمهٔ سفیدار ویکهزار وپنجصد نهال شنگ ویکعده ناجو وهفت هزارو هفتصد عدد نهالهای سیب ، آلو، امرت وغیره است که روی هم درسنه ۱۳۲۰ وسنه ۱۳۲۱ غرس گردیده اند .

تعمیر یك حوض به طول وعرض ۳۲ متر وعمق ۳ ونیم متر برای آبیاری باغ تخت صفر و توسعهٔ آن به اتمام رسیده است . ازطرف مدیریت زراعت هرات یکعده قلمهٔ سفیدار وعرعر درکشك وقلعهٔ نو وگلران فرستاده شده است درباغهای جدید الاحداث حکومتی های گلران، قادس ادرسکن ،مرغاب دراثر توجه حکام یکعدهٔ زیادنهالهای اشجار مثمر وغیرمثمر غرس گردیده است .

در ولایت مزارشریف : درباغهای جدید الاحداث خانقا، منگجك ، مردیان ،فیض آباد حضرت سلطان ، شورتیپه ،شولگره ،دهدادی که درسنه ۱۳۲۰ قرارنقشهٔ مرتبه ساخته شده بود درسنه ۱۳۲۱ نهال شانی مطابق به هدایات ریاست مستقل زراعت به عدهٔ کافی بعمل آمده خصوصاً قوریه های بادام ، چهارمغز، زردآلو، سیب، بهی، ناك بطابق به نقشه وپلان مرتبه بعمل آمده است تادر وقت لزوم قرار هدایاتیکه ازمرکز داده شده است نهالهای مذکور ازبهترین انواع میوه ها پیوند شده تحت تربیه گرفته شوند .

همچنین درباغهای تاشقرغان ، آقچه ، سنگ چهارك ، سرپل یکعده نهالهای جدید غرس ویکعده نهالهای سابقه پیوند شده اند ونیز ازمرکز هدایت داده شد تادرباغهای سرکاری قوریه های بادام وچهارمغز که چوب آن خیلی باقیمت است تشکیل دهندیك مقدار تخم سبزیجات درباغ حضور زرع شده وتخم بعضی نباتات زینتی وجنگلی ازقبیل مرچ سیاه ، ناجو، وغیره

ازاعمال وخوبیهای خود تعریف مکن . حسودمباش ، زیرانه بخودت ونه به آنهائیکه حسدمی بری سود میدهد . (.)

درباغ دهدادی زرع شده است درخصوص احیا واصلاح جنگل قلند که تخمیناً مساحه ۴۰۰ جریب زمین رافرا گرفته واشجار آن مدعا ازسفیدار وبیداست که اکثر پیر و کرم خورده است هدایات لازمهٔ بمدیریت زراعت داده شده تا ذریعه هیئت اشجار کرم خورده و کهن آن را طوری قطع کنند که ازبیخ آنها نوده های صالح وجدیدی برآمده اشجار کرم خورده وحشرات مضره ازبین رفته جنگل دوباره احیا گردد ونیز از چوب اشجار قطع شده قرارلزوم استفاده لازمهٔ بعمل آید .

ب : اجراآت جهته اصلاح حیوانات :

۱ :- یکی ازاجناس مهم حیوانات اهلی وطن عزیزما اسپ است که ازان برای سواری وبارکشی وقلبه درهرنقطهٔ وطن ما استفاده میشود وتکثیر واصلاح آن دارائی مملکت رابلند میبرد . بناءً علیه لایحهٔ درباره تکثیر تعدادواصلاح وتربیه اسپ های مملکت ازطرف ریاست مستقل زراعت ترتیب وبه مجلس عالی وزراء تقدیم گردیده ولایحهٔ مذکور بعدازتصویب مجلس وزراء وامضای حضور مبارك شاهانه ذریعهٔ فرمان علیحدهٔ صدارت عظمی بریاست توصل ورزیده ونیز فرامین علیحده اسمی نائب الحکومگی های هرات ومزار شریف وریاست تنظیمیهٔ قطغن وحکومتی اعلی میمنه که نقاط مهم تربیهٔ اسپ میباشند بریاست وارد گردیده تابمراجعش فرستاده شوند . فرامین مقام عالی صدارت عظمی باسوادلایحهٔ اصلاح نسل اسپ ها بولایات قطغن وهرات ومزار شریف و حکومتی اعلی میمنه فرستاده شد وتحریرشد که مطابق بمفاد احکام حضور نائب الحکومه گی ها وحکام به تعمیل موادلایحه پرداخته ازاجراآت خویش بریاست اطلاع نمایند .

برای اینکه این مطلب به موفقیت مکمل تری فائز گردد حکومت برای تشویق اهالی بنام انعام وغیره یکمقدار پولی را نیزدربودجهٔ مملکتی منظور فرموده تا مطابق بمواد لایحه باشخاصیکه به تکثیر ویا اصلاح اسپ های خویش می پردازند یك اندازه انعام نیز اعطا گردد ومتعاقب فرامین ولوائح تخصیصیهٔ انعامات به قطغن وهرات ومیمنه ومزار شریف فرستاده شد .

۲ : علاوه بران برای اصلاح گاوهای شیری نواحی کابل ازریاست زراعت ترتیبات مخصوصی گرفته شده است که بالتدریج وسعت داده خواهد شد . این ترتیبات مراد از خریداری یکعده نرگاو های طرمی است که از دائرهٔ نسلگیری علی آباد بعد از منظوری وصوابدید مقامات صلاحیت دار خریداری شده است تادر وقت مناسب درنقاط مختلفه نواحی کابل تمرکز داده شده اهالی در نسل گیری واصلاح گاو های خویش از آنها استفادهٔ لازمه نمایند ودر مقدار شیر وجنسیت گاوهای شان اصلاحاتی بعمل آید . علاوه برمنظوری محافظ وگاوران یك مشت پول بغرض تشویق و ترغیب اهالی نیز منظوری حاصل شده است

تابه آن اشخاصیکه گاوهای خود را بطور خوبتری نگاهداشته ودرخورا که وحفظ الصحهٔ آنها سعی وتوجه زیاده تری نموده‌اند وحیوانات‌شان به‌نسبت حیوانات‌دیگران چاق‌تر ویامقدار شیر شان زیاده تر باشد قرار ممیزی هیئت فنی انعام نیز داده شود .

۳ : همچنین در خصوص تکثیر واصلاح جنس قاطر که در کشیدن عراده ها وبار ها ی سنگین استفاده های کلی ازان میشود چنین ترتیبی گرفته شده است که یکعده مرکب ها ی طرمی از غزنی خریداری وبه دایز نگی فرستاده شود تامرکب‌های مذکور به نقاط معینه تقسیم وبرای تکثیر نسل قاطر واصلاح آن بامادیان های آن منطقه تخلیط گردد .

٤ : در خصوص گوسفند های مرینوس که قبلاً درولایات با گوسفند های وطنی مخلوط واز آنها نسل گرفته شده است چون اکثر آنها ازپیری قابل استفاده نبوده ویاسقط شده بودند ریاست زراعت بابانك‌ملی ووزارت خارجه داخل مذاکره شده‌است تایکعده قوچهای جدید را از روسیه ویاهند خریداری نماید وبرای مدیریت های زراعت در ولایات هدایت داده شد که تاوقت رسیدن قوچهای جدید از قوچهای دورگهٔ مرینوس کار بگیرند .

٥ : همچنین درقندهار وهرات ومزارشریف‌ومیمنه دراثر هدایات ریاست زراعت وتوجه نائب‌الحکومگی ها از فیل مرغهائیکه درسنهٔ ۱۳۲۰ فرستاده شده‌بود یکعده چوچه گرفته‌شده ویکعده فیل‌مرغهای کلان به غرض تکثیر جنس بفروش رسیده است . دراثر بروز بعضی امراض دربین فیلمرغهای قندهار ومزار شریف هدایات لازمه از ریاست زراعت داده شد.

٦ : اگرچه برای اصلاح حیوانات ذریعهٔ فارم قندوز پروگرام فنی آن دراثر نبودن متخصصین ولوازم فنی امسال عملی شده نتوانست بااین هم برای مدیریت فارم هدایت داده شد که یکعده نریان های طرمی را که دارای صفات مطلوبهٔ نسل گیری باشد از قطغن خریداری نموده درفارم ازآنها نسل بگیرند ونیز بقسم اسپ های طرمی برای اصلاح جنس وطنی آنهارا بدسترس اهالی که از مادیان های خود خواهش چوچه گیری را داشته باشند بگذارند .

علاوه براین درفارم قندوز یکعده فیلمرغ نیزتحت‌تربیه وازآنها چوچه گرفته‌شده‌است.

ج :- اجراآت به غرض توسعه وتنظیم واستفادهٔ اصولی جنگلات .

جنگلات هرات ومیمنه ومزار شریف وقطغن ودرهٔ شکاری ولایت‌کابل نه‌تنها باعث سرسبزی مملکت‌اند بلکه قابل توسعه بوده درصورتیکه اشجار آنها از تجاوزات مالدارها وگزند حیوانات شان حفاظه شده بصورت صحیحی مورد استعمال قرار یابند عایدات مهمی از جنگلات مذکور گرفته خواهدشد لهذا ریاست‌مستقل زراعت درخصوص حفاظه واستعمال اصولی اشجار جنگلات ولایت مزارشریف وقطغن وبدخشان وحکومت‌اعلی‌میمنه ودرهٔ شکاری تحقیقاتی بعمل آورده نظریات خود را درموضوع تشکیل ماموریت های جدید جنگلات قطغن

ومیمنه ومزار شریف و درهٔ شکاری بحضور تقدیم نموده به منظوری معاشات و مصارفات جدیدی نائل گردید .

در ولایت هرات چون پیشتر مدیریتی بنام مدیریت جنگلات منظوری داشت تبدیلی در تشکیل آن بعمل نیامد ، منظوری تشکیلات ماموریت های جدید (که مدعا از مامور ومعاون مامور ومحافظین جنگلات ونگر انها وپیاده ها است) به قطغن و میمنه ومزارشریف وولایت کابل فرستاده شد در خصوص اینکه چطور جنگلات مذکور حفاظه وتوسعه داده شده وچطور از اشجار وحاصلات آنها استفاده های اصولی بعمل آید لایحهٔ علیحدهٔ ترتیب وبولایت مذکور فرستاده شده علاوه بر آن چون سابق باستثنای جنگلات هرات جمع آوری پستهٔ جنگلات میمنه و مزارشریف و قطغن تحت قیودی نبوده اهالی بدون داشتن کدام جوازنامه وبدون اینکه چیدن پسته وقت معینی داشته باشد ودرحینیکه هنوز پسته ها به پخته گی کاملهٔ خود ها نرسیده بودند بجمع آوری آن میپرداختند و در نتیجه از یکطرف یك حصه پسته های جمع نمودگی شان خام ویاپوچك بوده بخساره تجار وخودشان تمام می شد وازطرف دیگر مراقبت ونگرانی آنها ذریعهٔ مامورین جنگل بطور صحیح بعمل نیامده علاوه برجمع آوری پسته اشجار جنگل را نیز قطع نموده به جنگل خساره میرسانیدند .

لهذا برای جلوگیری این همه نواقص وبرای اینکه چین پسته تحت اصول ونگرانی آید چنین تصویب شد که اهالی بدون داشتن تکت نمیتوانند از پستهٔ جنگلات استفاده نمایند متعاقب آن یکعده تکت جواز پسته بمرکز طبع وبه قطغن ومیمنه و مزارشریف فرستاده شد تا بعد ازاخذ محصول معینی باهالی تقسیم گردد قراراطلاع واصله یکعده کافی تکت درمحال مذکور بفروش رسیده یکمقدار عایداتی ازین بابت حاصل شده است که قابل توجه بوده امید ازدیاد آن درآینده نیز برده میشود .

علاوه براین مامورهای جدید جنگلات برای معاینه وملاحظهٔ جنگلات منطقهٔ خویش برآمده دراطراف مساحهٔ جنگل وتعداد وانواع اشجار آن معلوماتی برای خویش فراهم نموده اند دراثر تاکیدات وهدایات ریاست مستقل زراعت درعایدات جنگلات هرات نیز درسنه ۱۳۲۱ زیادتی بعمل آمده یکعدهٔ زیاد تکت چیدن پسته بالای اهالی بفروش رسیده است و در ضبط وربط امور جنگلات از طرف مدیریت زراعت هرات وحکام محلی مساعی زیاده تری بعمل آمده است .

د : ـ اجرآت متفرقه .

۱ : در شروع سنه ۱۳۲۱ مدیر عمومی زراعت جهت معاینهٔ کارات زراعتی وملاحظهٔ باغها وجنگلهای حکومتی قندهار و فراه وهرات و مزارشریف ومیمنه و قطغن عازم صوبهای

د ترمیم دفابریکی اودمکتب مدیر : ح ، غلام دستگیر خان

دښوونی اوروزنی مدیر : ش ، محمد عارف خان کشاف

دلوازمو مدیر : « ، عبدالفتاح خان

دلمړی ټولی قوماندان اودپیلوټیانو

دعملیاتو دټولۍ ښوونکی : ش ، شاه محمد خان کشاف

دولایاتو عسکری قوماندانان :

د مرکزی قوا قوماندان : ع ، ش ، سردارعالی محمد داؤد خان فرقه مشر

« قندهار عسکری « : « ، ش ، محمد علم خان «

« هرات « « : « ، « ، محمد قاسم خان «

« مزارشریف « « : « ، « ، الله داد خان «

« قطغن و بدخشان دعسکری

قوماندان وکیل : ح ، محمدعثمانخان غندمشر

« سمت مشرقی د عسکری

قوماندان وکیل : ح ، محمد گل خان غندمشر

د سمت جنوبی د عسکری

قوماندان : ع ، ع ، ش سردار عالی علیشا خان نایب سالار

قوماندان قوای عمومی جنوبی

د سمت جنوبی دلمړی فرقی

قوماندان : ع ، ش ، غلام رسول خان فرقه مشر

دسمت جنوبی دوهم فرقی قوماندان : « ، « ، فیض محمد خان «

« غزنی دعسکری قوماندان : « ، « ، نور محمد خان «

ALMANACH DE KABOUL

د کابل کالنی

۱۳۲

1942
43

NO. 0718

دکابل کالنۍ

۱۳۲۱

دپښتو ټولنی دنشریاتو څخه

مهتمم

ګل پاچا «الفت» دپښتو ټولنی عمومی مبصر

اودصحافت دخانګی

مدیر

کابل :
عمومی مطبعه